

با حواشی مراجع تقلید

نویسنده: محمد رضا محمودی

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک حج : مطابق با فتاوای حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره) و مراجع معظم تقلید

نویسنده:

محمد رضا محمودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک حج : مطابق با فتاوای حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره) و مراجع معظم تقلید

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی ، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸.
عنوان و نـام پدیـدآور : مناسک حـج : مطابق با فتاوای حضـرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره) و مراجع معظم تقلیـد/ تهیه و تنظیم محمد رضا محمودی.
وضعیت ویراست : [ویراست ۲؟].
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری : ۶۸۷ص.
شابک : ۳۷۰۰۰ ریال: ۹-۳۴-۷۶۳۵-۹۶۴-۹۷A
وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری
یادداشت : چاپ سوم.
موضوع : حج
موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه
رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/خ۸م۸ ۱۳۸۶
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷
شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۴۴۷۰۸

مقدمه

مناسک حج، مناسک بندگی و زندگی است، از یک سو چگونه زیستن را به انسان می‌آموزد و از دیگر سو، چگونه با خدا زیستن را.

حاجیان در سفر الهی و معنوی حج می‌کوشند خود را به خدا نزدیک کنند، حجاب‌ها و موانع قرب به حق را از سر راه بردارند. رنگ خدایی به خود بگیرند و جز رضای او چیزی طلب نکنند.

آنان در این تمرین زیبای عبودیت، ضمن اینکه لذّت‌ها را بر خویشتن حرام کرده، تمرین می‌کنند که با هم‌نوعان خویش، زندگی مسالمت آمیز داشته باشند و حتی متعرض امنیت حیوانات و گیاهان نیز نشوند.

نتیجه این اعمال روح بخش، کسب نورانیت، و رهایی از تیرگی گناه و این که حج‌گزار در بازگشت، به سوی آلودگی‌ها گرایش پیدا نکند و صفا و نورانیّت خود را حفظ نماید.

عن الصادق علیه السلام:

الحاجّ لا یزال علیه نُورُ الْحَجِ ما لم یُلَمَّ بِذَنْب.

شرط نخست دستیابی به این هدف بزرگ، انجام صحیح مناسک حج است، و حج‌گزار وظیفه دارد که بر اساس فتاوای مرجع تقلید خود، بـا این مناسک آشنا شود و عمل خویش را بر آن، منطبق سازد، سپس در گام دوّم، به اسرار و معارفِ هر یک از آن‌ها پی ببرد.

در این راستا روحانیون محترم کاروان که وظیفه خطیرِ ارشاد زائران به مسائل شرعی را بر دوش دارند، نیازمند مناسکی جامع هستند

که بر اساس آن بتوانند با سهولت فتاوای مراجع معظم تقلید-

---

(۱). اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴

ایدهم‌اللّه تعالی- را به ایشان منتقل نمایند و پاسخگوی پرسش‌های متعدد ایشان باشند.

برای پاسخگویی به این نیاز، معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری از سال ۱۳۷۰ ه. ش. تاکنون گام‌های بلندی برداشته که از جمله آنها تدوین و تهیّه مناسک محشّی است که با تلاش و کوشش جمعی از فضلا و محققین حوزه علمیه قم تحقّق و از آنجا که فروع فقهی حج گسترده است و به صورت معمول در گذر زمان مسائل جدیدی رخ می‌دهد که نیازمند استفتاء و پاسخگویی به آن است، از این‌رو، سعی شده است تا با استفتا از مراجع معظم تقلید، پاسخ‌ها دریافت و به مناسک افزوده شود و با گذشت زمان، نواقص برطرف و تکمیل گردد.

از جمله نواقصی که در چاپ‌های پیشین دیده می‌شد، پراکندگی برخی مسائل در بخش‌ها و فصول مختلف بود که در چاپ جدید سعی شد این مشکل نیز برطرف شود.

مهمترین کارهایی که در این چاپ انجام گرفته عبارت است از:

۱- تمامی استفتاءاتی که در متن مناسک ذکر شده بود، تبدیل به مسأله شده و به عنوان فرع فقهی در کنار مسائل مرتبط با آن قرار گرفته و در برخی موارد که استفتا تکراری و خالی از فایده بوده، حذف گردیده است.

۲- تمامی مسائل و فروعات فقهی، با نظم جدید و ضابطه‌مند، در دو بخش کلّی که هر بخش دارای چند باب و هر باب دارای چند فصل و هر فصل دارای چند عنوان می‌باشد تنظیم شده است.

۳- جهت تسهیل در دستیابی به مسائل مورد نیاز، مسائل عنوان‌گذاری شده تا مراجعه کنندگان با دیدن آن، ضمن وقوف اجمالی و سریع بر محتوای مسایل، بتوانند مسأله مورد نظر خود را به آسانی و با سرعت پیدا کنند.

۴- استفتاءاتی که در پایان مناسک محشای قبلی و یا در فصلنامه میقات حج به چاپ رسیده بود و نیز استفتاءات جدیدی که اخیراً انجام شده، به بخش‌های مربوط اضافه شده است.

۵- عبارات متن، در حدّی که به محتوا آسیب نرسد ویرایش و عبارات تا حدودی روان‌تر گردید.

۶- فهرستی گویا و جامع برای آن تهیه شد تا دسترسی به مسائل آسان‌تر و سریع‌تر گردد.

۷- پس از خاتمه یافتن امور پیشگفته، مناسک در اختیار دفاتر مراجع معظم تقلید قرار گرفت و نقطه نظریات آنان دریافت و اصلاحات مورد نظر اعمال و تأیید کتبی دریافت شد.

۸- با توجّه به آماده نبودن حواشی برخی مراجع معظم، امکان افزودن نظریات ایشان را به این مجموعه نیافتیم که ان‌شاءاللّه در فرصت‌های بعدی، این اقدام صورت خواهد گرفت.

در پایان متذکر می‌شویم که این مجموعه هم اکنون با افزون بر هزار و چهارصد فرع فقهی حج و

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵

اشتمال بر جدیدترین استفتاءات، جامع‌ترین مناسک حج محسوب می‌شود و اگرچه همه تلاش‌ها در راستای ارائه بی‌نقص آن صورت گرفته شده، ولی در عین حال، به دلیل گستردگی کار، کثرت حواشی و دقیق بودن فروع فقهیِ حج، احتمال وجود برخی کاستی‌ها وجود دارد که امید است با چشم تیزبین علما و فرهیختگان و راهنمایان دلسوز و روحانیون کاروان این موارد شناسایی و برطرف گردد.

از فاضل ارجمند جناب حجهٔالاسلام و المسلمین آقای محمدرضا محمودی، که با تلاش و کوشش پیگیر خود در تنظیم جدید مناسک محشی زحمات فراوانی را متحمل گردیدند، تشکر و قدردانی نموده، توفیق همگان را از خداوند متعال مسألت داریم.

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظّم رهبری

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶

مناجات ابو حمزه امام سجاد علیه السلام

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸

امیر المؤمنین الامام علی علیه السلام

یَنْبَغی لِمن وَلِیَ أمْرَ قَوْمٍ أنْ یَبْدأ بِتقْویمِ نفْسِه قَبْل أنْ یشْرَعَ فی تَقْویمِ رعیّتِه وَ إلّا کانَ بِمنْزِلَهٔ مَن رامَ اسْتِقامَهَٔ ظِلِّ العُودِ قَبْلَ أن یَسْتَقیمَ ذلک العُود

کسی که زمام کار مردمی را در دست می‌گیرد، باید پیش از آنکه اصلاح مردم را آغاز کند، به اصلاح خود بپردازد؛ در غیر این صورت، مانند کسی است که پیش از راست کردن چوبی، بخواهد سایه آن را راست کند.

شرح نهج‌البلاغهٔ ج: ۲۰ ص: ۲۶۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰

الهی

تَتَحَبَّبُ إِلَیْنَا بِالنِّعَمِ وَ نُعَارِضُکَ بِالذُّنُوبِ خَیْرُکَ إِلَیْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَیْکَ صَاعِدٌ

معانی الأخبار عنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام:

«أَ لا أُخبِرُکُمْ بِالْفَقِیهِ حَقّاً، قَالُوا بَلَی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ؛ قَالَ: مَنْ لَمْ یُقَنِّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ وَ لَمْ یُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ یُرَخِّصْ لَهُمْ فِی مَعَاصِی اللَّهِ وَ لَمْ یَتْرُکِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَی غَیْرِهِ أَلا لا خَیْرَ فِی عِلْمٍ لَیْسَ فِیهِ تَفَهُّمٌ؛ أَلا لا خَیْرَ فِی قِرَاءَةٍ لَیْسَ فِیهَا تَدَبُّرٌ أَلا لا خَیْرَ فِی عِبَادَةٍ لَیْسَ فِیهَا تَفَقُّهٌ».

بحارالأنوار ج: ۲ ص: ۴۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳

بخش اول:

باب اول: وجوب و اقسام حج

فصل اول: وجوب و اقسام حج

۱- وجوب حج

اشاره

بدان‌که بر هر مکلّفِ جامع شرایط، وجوبِ حج، به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است.

حج یکی از ارکان دین و از ضروریات آن به‌شمار می‌رود. ترک حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: «وَ للَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ الَیْهِ سَبیلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَانَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمینَ».

شیخ کلینی رحمه الله به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که: «هر کس از دنیا برود و بدون حاجت ضروری، یا بیماری و یا منع سلطان، حَجّةالاسلام به‌جا نیاورده باشد، چنین کسی هنگام مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت». ۱- حَجّةالاسلام- که بر مکلّفِ مستطیع واجب است- در تمام عمر، فقط یک مرتبه واجب می گردد.

---

(۱). آیةُ اللَّه بهجت: در صورت منافات با بقای تصدیق به وحدانیّت خالق یا بقای تصدیق به نبوّت و عدم استناد به شبهه خاصه به شخص (ذخیره، ج ۱، ص ۴۴ و کتاب حدود ص ۳۹).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی و وحید: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیةُ اللَّه فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیةُ اللَّه مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

(۲). آل عمران: ۹۷

(۳). کافی ج ۴/ ۲۶۸/ ۱

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴

فوریت وجوب حج بر مستطیع

۲- وجوب حج بر مکلّفِ مستطیع، فوری است؛ یعنی بایـد آن را در سال اولِ استطاعت به‌جا آورد و اگر درک آن متوقف بر تهیّه مقدّماتی باشد، باید فراهم نماید؛ و در صورت تأخیر، حج بر وی مستقر می‌شود.

اعاده احتیاطی حج واجب

۳- اگر کسی احتمال می‌دهـد حجی که در سال‌های قبل انجام داده، صحیح نبوده، یا احتمال می‌دهـد مستطیع نبوده و فعلًا شرایط استطاعت را دارد و بخواهـد احتیاط کنـد، می‌توانـد بـه قصـد مافی‌الـذمه؛ یعنی به قصدِ امتثالِ مطلقِ امرِ متوجهِ به او، یـا به قصـد حَجّهٔالاسلامِ احتیاطی، حج بجا آورد؛ ولی چنانچه حج سابق با فرض صحت، جزئی از آن باطل بوده، باید آن جزء را تدارک نماید و اعاده حج، مُجزی از آن جزء نیست.

۲- تزاحم حج

تزاحم حج با واجب و حرام

۴- اگر رفتن به حج، موجب انجام حرام یا ترک واجب شود، باید اهمیت هر کدام لحاظ شود،

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: در این فوریت دو وجه است: اول: این‌که شرعی باشد و گویا مشهور هم همین باشد. دوّم: این‌که عقلی باشد، از بـاب احتیـاط، تـا مبادا تأخیر آن منجر به ترک واجب بـدون عـذر شود که در این صورت مستحقّ عقوبت خواهـد بود. وجه اول احوط است و دوّم اقوی. پس اگر آن را از سالِ اول استطاعت تأخیر انداخت، بدون این‌که اطمینان داشته باشد که بعداً می‌تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجرّی می‌شود، و اگر اصلًا موفق نشود مرتکب گناه بزرگی شده است. (مناسک، ص ۸).

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: و در صورت حصول استطاعت، چنانچه راه منحصر به نام‌نویسی برای چند سال بعدباشد، آن نیز واجب است.

(۳). آیـهٔ اللَّه بهجت: و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سال‌های بعد، بدون توسیط توبه از گناهان کبیره، مثل ترک حجّ است. (مناسک، ص ۳).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: تأخیر آن معصیت است ولی کبیره بودن آن، به طوری که مُسقِط عدالت باشد، ثابت نیست.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه تبریزی: در این مسأله و مسأله بعد، قصد امتثال امر فعلی را بنماید.

(۵). آیهٔ اللَّه مکارم: اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده وجهی برای اعاده آن نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: مانع ندارد مطلقاً.

(۶). آیـهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی و وحید: و یا موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض‌شود. (آداب و احکام حج، مسأله ۷۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵

اگر حج اهمیتش بیشتر باشد، باید انجام؛ و گرنه باید ترک شود؛ و اگر کسی به حج رفت و حرامی به‌جا آورد، یا واجبی را ترک کرد، معصیت کرده ولی حج او صحیح است.

تزاحم نذر و حج

۵- اگر کسی نذر کند که- مثلًا- در روز عرفه، کربلای معلا، یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است؛ ولی اگر مستطیع بوده، یا در این سال مستطیع شد، باید به حج برود، و نذرْ مانع از حج نمی‌شود؛ و اگر به حج نرفت، بر او مستقر می‌شود، و بایـد به نـذر عمل کند؛ و اگر به حج رفت، تخلف از نذر، موجب کفّاره نمی‌شود؛ ولی اگر حج به‌جا نیاورد و به نذر هم عمل نکرد، کفاره نذر را باید بدهد.

۳- استقرار حج و حکم ثبت‌نام

اشاره

۶- اگر مستطیع، حج را ترک کند، حج بر او مستقر می‌شود و باید بعداً به هر نحو که می‌تواند، به

---

(۱). آیـهٔ اللَّه تبریزی: اگر فقط احتمال اهمّیت در حـج باشـد حـج مقـدّم است وگرنه بایـد حرامی را که حج بر آن‌توقّف دارد ترک کنـد و چنانچه ارتکاب حرام بعـد از شـروع در حـج باشـد مجزی از حجّهٔالاسـلام نیست و اگر حج متوقّف بر ترک واجب باشد نظر ایشان موافق نظر آیهٔ اللَّه خویی است.

آیـهٔ اللَّه خویی: در فرض تسـاوی و یـا احتمـال اهمّیت در هر یک مخیّر بین آنها است و اگر در یکی از آنها احتمال اهمّیت می‌دهد آن مقدم است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورت تساوی مخیر است.

آیـهٔ اللَّه وحیـد: همچنین است اگر موجب ترک واجبی شود که احتمال داده می‌شود از حج مهمتر باشد یا موجب انجام حرامی شود که احتمال داده می‌شود، ترک آن از انجام حج مهم‌تر باشد.

(۲). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: نذر منحل می‌شود و باید به حج‌برود.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: در این صورت عمل به نذر واجب نیست، بنابر این تخلف از نذر موجب‌کفّاره نمی‌شود.

(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: نذر منعقد نیست و کفّاره ندارد.

(۵). آیهٔ اللَّه سیسـتانی: مگر این که جاهل به حصول استطاعت یا غافل از آن باشد، یا جاهل به وجوب حج یاغافل از آن باشد، و در این جهل و غفلت معذور باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه تا پایان اعمالِ حج، شـرایط استطاعت باقی باشد، در این صورت باید حج را انجام دهد مگر این‌که انجام حج حرجی باشـد، که در این فرض از خودش ساقط است، و در این صورت بایـد از ترکه او- ولو از میقـات- نـایب بگیرد، یـا شخصـی تبرعاً حج او را انجام دهد.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۶

حج برود؛ و همچنين است اگر در تحصيل مقدمات، كوتاهى كند و در اولين سال استطاعت، به حج نرسد، كه بايد در هر صورت بعداً در اولين سال ممكن به حج برود، هرچند استطاعت از بين رفته باشد.

مسامحه در ثبت نام براى حج

۷- اگر مستطيع، در نام نويسى و رفتن به حج مسامحه كند تا نوبت از دست او برود، بايد به هر نحو در اولين زمان ممكن، براى حج اقدام كند.

۸- اگر كسى بعد از استطاعت مالى، بدون تأخير، سعى در رفتن به حج داشته و ثبت نام نموده و از جهت اين‌كه قرعه به نامش اصابت نكرده، نتوانسته به حج برود، مستطيع نشده و حج بر او واجب

---

(۱). آيةُ اللَّه بهجت: هر وقت قدرت پيدا نمود، فوراً بايد به‌جا آورد ولو استطاعت شرعيه زايل شده باشد (كتاب حج، ص ۲۷).
آيةُ اللَّه تبريزى و آيةُ اللَّه خويى: مگر جاهل قاصر بوده باشد و در صورت استقرار هم اگر رفتن به حج حرجى شود واجب نيست.
(۲). آيةُ اللَّه بهجت و آيةُ اللَّه سيستانى: در صورت اعتماد و وثوق به اين‌كه با تأخير نيز حج را حتماً درك خواهد كرد، اظهر عدم وجوبِ خروج در اوّلين فرصت است؛ پس اگر اتفاقاً درك نكرد، حج بر او مستقر نشده است؛ آيةُ اللَّه بهجت: و امّا با عدم اعتماد مذكور، پس مورد تأمّل است؛ و عدم حرمتِ تفويتِ احتمالى، با تأخير يا غير آن از مقدّمات مفوّته در واقع بعد از اشتغال ذمه يا قبل از آن، در موردى كه دليل خاص نباشد خالى از وجه نيست (كتاب حج ص ۱).
(۳). آيات عظام: صافى، گلپايگانى و فاضل: در صورتى حج بر او مستقر مى‌شود كه اگر مى‌رفت به حج‌مى‌رسيد.
(۴). آيات عظام تبريزى، خويى و فاضل: اگر انجام حج براى او حرجى باشد، حج از خودش ساقط است ولى بايد خودِ او بعداً، در صورت قدرت، انجام دهد و يا بعد از فوتش از تركه او حجّ نيابى ولو از ميقات انجام دهند.
(۵). آيةُ اللَّه بهجت: قبل از استقرار حج استطاعت شرعيه شرط است وبعد از آن استطاعت عقليه و مقدوريّت ميزان است البته با مراعات ساير احكام شرعيه. (مستفاد از صفحه ۲۷ و ۲۲ كتاب حج)
آيةُ اللَّه تبريزى و آيةُ اللَّه خويى: بايد به هر نحو ممكن، مادامى كه حرج نبوده و مستلزم ارتكاب حرام (آيةُ اللَّه خويى: حرام اهم يا مساوى) نباشد، به حج مشرف شود.
آيةُ اللَّه فاضل: اگر حرجى نباشد بايد به هر نحو...
(۶). آيةُ اللَّه مكارم و آيةُ اللَّه تبريزى: در صورتى كه راه مشروع، منحصر به شركت در قرعه‌كشى باشد.
آيةُ اللَّه خامنه‌اى: اگر رفتن به حج در سال‌هاى بعد از آن، منوط به نام‌نويسى و پرداخت مبلغى در همان سال باشد، بنابر احتياط واجب بايد نسبت به اين كار اقدام كند.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۷

نيست؛ ولى اگر در ثبت‌نام مسامحه كند و در سال‌هاى بعد براى آن اقدام نمايد، حج بر او مستقر مى‌شود هرچند قرعه به‌نام او اصابت نكند.

ثبت نام و قرعه كشى

۹- ثبت‌نام برای حج با احتمال حصول نوبت در سال اول، لازم است هرچنـد برای- مثلًا- پنج سال ثبت نام شود؛ و با این فرض، در صورت عدم ثبت نام، حج مستقر می‌شود.

ثبت نام چند ساله و در نوبت قرار گرفتن

۱۰- اکنون که از داوطلبـان حـج، ثبت نام می‌شود ولی چنـد سال دیگر نوبت اعزام آنها فرا می‌رسـد، آیا اگر کسـی اسـتطاعت مالی داشـته باشـد، واجب است اقـدام به ثبت‌نـام کنـد و در نوبتِ چنـد سـاله قرار گیرد؟ یـا آنکه به دلیـل بـاز نبودن راه مسـتطیع نیست و می‌تواند در مال تصرّف کند و خود را از استطاعت مالی خارج کند؟

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: مشروط بر این‌که مطمئن بوده که در مرحله قبل قرعه به نامش اصـابت می‌کرده.؛ آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: چنانچه می‌دانست سال‌های بعـد، قرعه به نام او اصابت می‌کرد، در فرضـی که احتمال عروضِ مـانع دیگری، از انجـام حـج را در سالی که قرعه به نام او اصابت می‌کرد، نمی‌داد، بنابر احتیاط واجب، لازم بود ثبت نام کنـد و در این فرض که ثبت نام نکرده، بنابر احتیاط واجب حج بر او مستقر می‌شود.

(۲). آیهٔ اللّٰه خویی: به هر حال باید در قرعه‌کشی شرکت کنند. (مستفاد از مناسک، صفحه ۱۶)

آیهٔ اللّٰه سیستانی: به مسأله قبل مراجعه شود.

(۳). آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر اطمینان داشته باشد که در سال اول نامش بیرون می‌آید لازم است در قرعه‌کشـی شـرکت کند؛ بلکه بنابر احتیاط واجب، مطلقاً باید ثبت نام کند.

آیـهٔ اللّٰه صافی: در این فرض، وجوب نام‌نویسـی محلّ تأمّل است و چنانچه با ترک آن، بعـداز پنج سال فوت کرد اسـتقرار حج بر او معلوم نیست اگر چه احتیاط آن است که برای او، با بقای استطاعت تا سال پنجم، استیجار حج نمایند.

آیـهٔ اللّٰه مکارم: اسم‌نویسـی در فرض مذکور واجب است و اگر یقین به اصابت قرعه داشـته باشـند حج بر آن‌ها مسـتقر می‌شود ولی احتمال کافی نیست.

(۴). آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم و نوری: باید ثبت نام کند.

آیـهٔ اللّٰه صافی: در فرض سؤال چنانچه قبلًا حـج بر او مسـتقر نشـده باشد اقدام به ثبت نام در سالی که اسـتطاعت مالی برای حج پیدا کرده ولی استطاعت طریقی نداشته باشد واجب نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: در فرض سؤال ثبت نام واجب نیست و می‌تواند مال مذکور را مصرف کند.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: احتیاطاً اسم نویسی کند و پول را پس نگیرد. در صورت نرفتن به حج در همان سال خمس آن را باید بپردازد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸

۴- اقسام حج

اشاره

حج بر سه گونه است: «تمتّع»، «قِران» و «افراد».

۱۱- حج تمتّع، وظیفه کسانی است که «چهل و هشت میل» - که شانزده فرسخ است- از مکه دور باشند؛ و حج قِران و افراد، وظیفه غیر آن‌ها است.

این تفصیل (بین چهل و هشت میل و کمتر از آن)، در حَجةالاسلام است؛ و افرادی که حج استحبابی به‌جا می‌آورند، بین سه گونه حج، مخیّر هستند.

افرادی که مقیم مکه می‌شوند

۱۲- کسانی که وظیفه آنها حج تمتع است، اگر در مکه معظمه مقیم شوند، چنانچه به‌قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند، حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند؛ و در غیر این فرض، صوری دارد که در تحریرالوسیله ذکر شده است.

۵- حج استحبابی

اشاره

۱۳- حج به لحاظ تکلیف، دو گونه است: واجب و مستحب. حج واجب گونه‌های مختلفی دارد از قبیل حجِ واجبِ به نذر و استیجار و موارد دیگر. مهمترین گونه حج واجب، حَجةالاسلام است. حج استحبابی مواردی دارد که به شرح ذیل است:

---

(۱). آیة اللَّه مکارم: یا بیشتر.

(۲). آیة اللَّه مکارم: یعنی حدود ۸۶ کیلومتر.

(۳). جهت تفصیل این مسأله به مناسک آیات عظام مراجعه شود.

آیة اللَّه نوری: مگر در صورتی که از ابتدا قصد توطّن داشته باشد که پس از گذشتن مدّتی که وطن صدق کند حکم اهل مکّه را دارد هر چند دو سال نگذشته باشد.

آیة اللَّه بهجت: شخصی که وظیفه او در حَجّةالاسلام تمتّع است با اقامت در مکّه و اطراف نزدیک آن، بدون قصد توطّن دائم، فریضه او ما دامی که داخل سال سوّم اقامت نشده باشد تغییر نمی‌کند چه قبل از اقامت مستطیع شده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹

از طرف معصومین علیهم السلام و خویشاوندان و سایرین چه زنده یا مرده؛

کسی که شرایط وجوب حج- اعم از بلوغ و استطاعت و غیر آنها- را ندارد؛

بچه ممیز، اگر چه ولیِّ او اذن ندهد؛ کسی که حج واجبش را انجام داده؛

کسی که هزینه حج را ندارد، ولی می‌تواند قرض کند و قدرت بر ادا دارد؛ کسی که هزینه حج را ندارد، ولی می‌تواند اجیر و نایب شود؛

تکرار حج در هر سال.

کراهت ترک حج استحبابی و ترک نیت بازگشت

۱۴- ترک حج در پنج سال متوالی، مکروه است.
نیّت بازگشت به مکه معظمه هنگام خروج، مستحب، و قصد بازنگشتن، مکروه است.

اهدای ثواب حج استحبابی به غیر

۱۵- اهدای ثواب حج استحبابی در وقت شروع، یا بعد از فارغ شدن، به دیگری مانعی ندارد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: احرام صبّیِ ممیّز، صحیح است و احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذنِ ولیّ است در صحّت آن. (کتاب حج ص ۴).
آیهٔ اللَّه سیستانی: بعید نیست که در صحّت آن اذن ولی معتبر باشد. (مناسک، مسأله ۶).
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: حج برای غیر مکلف ممیّز، مستحب است ولی کفایت از حَجّهٔالاسلام نمی‌کند و اذن ولیّ در صحّت حجّ او شرط نیست، اگرچه در مواردی که حج او موجب تصرّف در اموالش می‌شود، برای تصرّف، اذن ولیّ لازم است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵).
آیهٔ اللَّه مکارم: ولی اگر تصرف در مال خود می‌کند، باید به اذن ولیّ باشد.
(۲). توجه این فرض بر اساس برخی فتاوی اگر حجه‌الاسام را بجا نیاورده باشد موجب حصول استطاعت می‌شود. به مسأله ۵۲ مراجعه شود.
(۳). آیهٔ اللَّه مکارم: ولی اگر انجام حج‌های مستحبی پی‌درپی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود، بهتر است مجال را به آن‌ها بدهند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰

فصل دوم: شرایط وجوب حج

اشاره

وجوب حج (حَجّهٔالاسلام)، منوط به تحقق چهار شرط است و بدون وجود تمامیِ آنها، حجْ واجب نیست؛ این شرایط عبارتند از: عقل، بلوغ، استطاعت و حریّت.

۱- عقل

اشاره

بر دیوانه حجْ واجب نیست؛ ولی اگر قبل از درک مشعر عاقل شود، با دارا بودن دیگر شرایط، حج او حَجّهٔالاسلام محسوب می‌شود.
۱۶- برای کسی که بعد از احرامْ دیوانه شده، استنابه لازم نیست و کفایت هم نمی‌کند، و در احرام باقی است.

جنون بعد از عمره تمتع

۱۷- اگر حج گزار بعد از انجام عمره تمتع دیوانه شود، محرم نمودن او برای حج لازم نیست و تکلیفی ندارد.

جنون بعد از استقرار حج و وظیفه ولیّ

۱۸- شخصی پس از استقرار وجوب حجْ دیوانه شده، وظیفه ولیّ، نسبت به حج او چیست؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که زمان افاقه او مکفی برای انجام واجبِ فعلی بر او، نباشد. (کتاب حج ص ۲).
(۲). آیـهٔ اللَّه فاضـل: اگر کسـی در میقات مجنون بود، همراهان او می‌تواننـد او را رجاءً مثل کودک غیر ممیز محرم کننـد و چنانچه قبل از درک مشـعر عاقل شود کفایت از حَجّهٔالاسلام می‌کند. و احتیاط این است که به اذن ولی شرعی، او را محرم کنند. و احتیاط مستحب آن است که در سال‌های بعد اگر مستطیع شد حَجّهٔالاسلام را اعاده کند.
(۳). آیـات عظـام: تبریزی، خویی، سیسـتانی و فاضل: حـج و احرام او باطل است؛ آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر احتمال بهبودی و درک و وقوفین نیست.
(۴). آیهٔ‌اللَّه بهجت: اگر یأس از بهبودی حاصل است احتیاطاً ولیّ از مال او اقدام به حج نیابی کند و اگر وفات کند از طرف او قضـا می‌کند. [مناسك طبع‌جدید معظم‌له مسأله ۳۵]
آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه امید افاقه هست صبر کنند والّا بنابر احتیاط واجب، ولیّ شرعی او از مال او یک حج نیابی انجام دهد.
آیهٔ اللَّه نوری: اگر مال دارد لازم است ولیّ اقدام به حجّ نیابی بکند.
آیـات عظـام: تـبریزی، خـامنه‌ای، سیسـتانی، صـافی: در صـورت عـدم بهبـودی تـا آخر عمر، بعـد از فـوتش از ترکه او برایش نـایب می‌گیرند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱

۲- بلوغ - (برخی از احکام احرام کودکان)

اشاره

۱۹- اگر نابالغ حج بجا آورد، صحیح است، هرچند از حَجّهٔالاسلام کفایت نمی‌کند.
۲۰- اگر حـج‌گزار به گمان عـدم بلوغ، حـج اسـتحبابی بجا آورد و بعـد بفهمـد بالغ بوده، از حَجّهٔالاسـلام کفایت نمی‌کنـد مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه داشته و آن را اشتباهاً بر حج ندبی تطبیق کرده باشد.

بلوغ در میقات و قبل از مشعر

۲۱- اگر نابـالغ، قبـل از احرامْ در میقـات بـالغ شود و مستطیع باشـد، حـجّ او حَجّهٔالاسـلام است؛ و همچنین است اگر هنگـام درکِ

مشعرالحرام بالغ شود.

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: این حج کافی از حَجّةالاسلام می‌باشد.
آیةُ اللَّه خامنه‌ای: مگر آن که به توهّم اینکه وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حَجّةالاسلام می کند.
آیةُ اللَّه مکارم: در صورتی که قصد مأمور به واقعی را داشته باشد کفایت می کند.
(۲). آیةُ اللَّه فاضل و آیةُ اللَّه مکارم: و کافی است که از همان محل مستطیع باشد.
(۳). آیةُ اللَّه بهجت: کفایت ادراکِ آنچه با آن حج ادراک می‌شود، اگر چه اضطراریِ مشعر باشد، با انجام واجب از اضطراریِ عرفه خالی از وجه نیست (کتاب حج، ص ۳).
(۴). آیةُ اللَّه بهجت: با سایر شروط و با ادای واجبات لاحقه، بدون نیاز به تجدید نیت حَجّةالاسلام یا تجدید نیت احرام یا نیت وجوب به مجرّد کمال، و معتبر است از زمان کمال نه قبل از آن، استطاعت او به قدر فراغ از واجبات حج بنابر اظهر، و در صورت ادراک حج به‌نحو صحیح در إجزاء عمره سابقه بر کمال از متمتع تأمل است، و احوط اعاده عمره است به‌قصد وظیفه بعد از اتمام حج اگر در اشهُر حج باشد و اگر نباشد در سال آینده به قصد وظیفه انجام‌دهد عمره را با حج‌تمتع بنابر احوط (کتاب حج، ص ۳).
آیةُ اللَّه تبریزی: کفایت از حَجّةالاسلام نمی کند. بلکه اگر متمکن بود طبق مسأله ۱۶۹ مناسک، برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره و حج را اتیان کند، کفایت می کند. و در غیر این صورت باید آن حج را تمام کند و در سال‌های آینده، چنانچه مستطیع بود، حَجّةالاسلام را بجا آورد و اگر مجنون قبل از فوت زمان عمره تمتع عاقل شود بر فرض استطاعت محرم شده و اعمال را انجام می‌دهد و در غیر این فرض اتمام حج بر او واجب نیست.
آیةُ اللَّه خویی: کفایت از حَجّةالاسلام نمی کند. (و تفصیلی دارند به مناسک، مسأله ۴ مراجعه شود).
آیةُ اللَّه صافی، آیةُ اللَّه گلپایگانی: احوط بلکه اقوی عدم کفایت از حَجّةالاسلام است و همچنین نسبت به مجنون.
آیةاللَّه فاضل: هرچند احتیاط مستحب آن است که در صورت استطاعت، حج را درسال‌های بعد اعاده کند. (مناسک، ص ۱۰).
آیةُ اللَّه مکارم: احتیاط واجب در هر دو، اعاده بعد از آن است، در صورتی که مستطیع شوند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲

استحباب حج برای بچه ممیّز

۲۲- انجام حج برای کودک ممیّز، مستحب و صحیح است اگر چه ولیِّ او اذن ندهد، ولی بعد از بلوغ و حصول استطاعت، باید حج بجا آورد و حج زمان کودکی، کافی نیست.

استحباب محرم نمودن طفل غیر ممیّز

۲۳- محرم نمودن کودک غیر ممیز، توسط ولیِّ او مستحب است؛ به‌این گونه که به او لباس احرام بپوشاند؛ و نیت کند که «این طفل را محرم می‌کنم برای حج»، یا «این طفل را مُعْتَمِرْ می‌کنم به عمره تمتع»؛ و اگر ممکن باشد، تلبیه را به او تلقین کند، و گرنه خودش به جای او بگوید؛ و باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه انجام دهد، وگرنه در بعض صور، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا

تدارك نكند، نمی‌تواند ازدواج نماید.

مراد از ولیّ در احرام كودک

۲۴- ولیّ در این مورد، بعید نیست كه كفیلِ بچه و نگهدار او باشد، اگرچه ولیِّ شرعی او نباشد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: احوط در صورت استلزام تصرف در مال، اذنِ ولیّ است در صحّت آن. (كتاب حج ص ۴).

آیهٔ اللَّه سیستانی: بعید نیست كه در صحّت آن اذن ولی معتبر باشد. (مناسك، مسأله ۶).

آیات عظام: صافی، گلپایگانی و مكارم: ولی اگر تصرف در مال خود می‌كند، باید به اذن ولیّ باشد.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: و مجنون.

آیهٔ اللَّه تبریزی: و نیز طفل ممیز.

(۳). آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: تنها در صورتی بر احرام باقی می‌مانـد كه اعمال عمره مفرده را درست انجام ندهند ولی در حج اگر خلل به اركان آن بزند با گذشت وقت حج، احرام آن فاسد می‌شود، بلی اگر فقط طواف نساء را به طور صحیح به‌جا نیاورند استمتاع از زن بر او حرام است، مگر با اتیان طواف نساء، ولی ازدواج صحیح است.

(۴). آیهٔ اللَّه نوری: در غیر ولیّ شرعی، محل اشكال است.

آیـهٔاللَّه بهجت: ولیّ در این مقام عبارت است از ولیّ در مال؛ مثل اب وجدّ ابی و وصـیّ ایشان و حاكم و امین حاكم. و ولایت مادر دراحرام طفل وسایر اعمال حج خالی از وجه نیست. (رساله ذخیرهٔالعباد، ص ۵).

آیهٔ اللَّه خویی: در صورتی كه مستلزم تصرف در اموال طفل نباشد والا اذن ولی شرعی لازم است. (معتمد، ج ۱، ص ۳۶)

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: ولیّ طفل در این امر كسـی است كه حق حضانت و سـرپرستی او را دارد، چه پدر و مادر او باشند و چه غیر آنها. (مناسك، مسأله ۱۱).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: قدر متیقن از ولیّ در این امر نسبت به بچه غیر ممیّز، ولیّ شرعی است؛ مانند پدر و جد و یا وصیّ یكی از آن دو، و همچنین حـاكم و امین از طرف حـاكم و یـا وكیـل یكی از آنها، و امّا غیر ولیّ شـرعی ماننـد عمو و دایی و برادر، محل اشكال است، اگرچه كفیل و نگهدار بچه باشد، لكن مادر در این مورد ملحق به ولیّ شرعی است زیرا نسبت به او دلیل خاصی داریم، و امّـا در بچه ممیّز در مواردی كه اجـازه ولیّ لـازم است اجـازه غیر ولیّ شـرعی كفـایت نمی‌كنـد. (مناسـك عربی، ص ۱۳، مسأله ۱۱).

آیهٔ اللَّه فاضل: مقصود از ولیّ، همان ولیّ شرعی است، ولی مادر در این مورد ملحق به ولیّ شرعی است.

آیهٔ اللَّه مكارم: ولی به اذن ولیّ شرعی انجام می‌دهد.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳

لزوم حفظ طفل از محرّمات احرام

۲۵- بعد از محرم شدنِ طفل، ولیّ باید او را از محرّمات احرام باز دارد، و اگر ممیّز نیست، خود ولیّ، او را از محرّمات حفظ كند.

کفارات محرمات احرام طفل

۲۶- اگر طفلِ محرم، محرّمات احرام را به‌جا آورد، یا ولیّ، او را باز ندارد، کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل، بنابر اقوی در صید و بنابر احتیاط واجب، در غیر آن.

وظیفه ولیّ در اعمال طفل

۲۷- ولیّ، باید طفل را وادار کند که تمام اعمال حج و عمره را به‌جا آورد و اگر طفل نمی‌تواند، خود او به نیابت از وی بجا آورد.

---

(۱). آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است و همین گونه‌است حکم مذکور در مسأله ۲۶ و ۲۷ و ۲۹.
آیهٔ اللَّه تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.
(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: کفّاره در صید مطلقاً و غیر صید با عمد، بر ولیّ ثابت است.
آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی و سیستانی: کفاره در صید بر ولیّ است و در غیر آن کفاره ثابت نیست.
(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت تمکّن، احوط آن است که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند و سنگ ریزه را در دست طفل یا مجنون بگذارد و ولی با آن کیفیت رمی و نیّت نماید و در تمام افعال آنچه در غیر نیّت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدّی نیّت می‌شود (کتاب حج، ص ۴).
آیهٔ اللَّه تبریزی: در وقتی که می‌خواهد طفل را طواف دهد، واجب است او را وضو دهد، اگرچه به‌صورت وضو باشد. (مناسک، ص ۱۴، مسأله ۷).
آیهٔ اللَّه فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد، احتیاطاً طفل را وضو بدهد و خودش هم وضو بگیرد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴
۲۸- گوسفند قربانی، بر عهده ولیّ طفل است.

کفارات احرام طفلی که بدون اذن محرم شده

۲۹- اگر کودک ممیّزی، بدون اذن ولیّ، محرم شود و در حال احرام، یکی از محرّمات را مرتکب شود، کفاره آن بر عهده کیست؟

احرام کودک بدون اذن ولی

۲/ ۲۹- کودک ممیّزی بدون امر ولیّ، در میقات محرم شده و فقط سعی و تقصیر را انجام داده است؛ تکلیف او یا ولیّش نسبت به بقیه اعمال چیست؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه‌تبریزی: قربانی بچه غیر ممیز بر ولیّ او است که او را به حج برده و چنانچه پول آن را نداشت و خود بچه مالی داشت،

از مال او قربانی تهیه می‌کند و گر نه ولیّ روزه می‌گیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: پول قربانی بچه غیر ممیّز بر ولی اوست (مناسک، مسأله ۱۲).

آیهٔ اللّه فاضل: و اگر تمکن نداشت از طرف طفل روزه بگیرد، و چنانچه خود ولیّ نیز حج تمتع انجام داده و فقط تمکّن از یک قربانی دارد، آن رابرای طفل قربانی کند و برای خودش روزه بگیرد.

(۲). آیهٔاللّه بهجت: در فرض سؤال که ولیّ سبب نیست کفّاره هم بر او نیست و تنها کفّاره‌ای که در عمد و خطأ ثابت است در مال طفل ثابت است. [مستفاد از جامع‌المسائل ج ۲ ص ۱۹۳]

آیهٔ اللّه سیستانی و آیهٔ اللّه تبریزی: کفاره ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: رجوع شود به پاورقی مسأله ۲۶.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال کفّاره واجب نیست ولی احتیاط آن است که ولّی بچه کفّاره را از مال خودش بدون این‌که قصد کند بر او واجب بوده یا بر صبی، ادا نماید.

آیهٔ اللّه فاضل: در فرض مزبور به احتیاط واجب کفّاره بر ولیّ طفل است.

آیهٔ اللّه مکارم: در غیر صید، کفّاره واجب نیست، نه بر ولیّ و نه بر طفل.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است ولیّ طفل او را ازار تکاب محرّمات احرام باز دارد و اگر باز نداشت کفّاره در صورت علم و عمد بر عهده ولی طفل است.

(۳). آیهٔاللّه بهجت: همه اعمال را به ترتیب باید انجام دهد تا از احرام خارج شود و همین احوط است اگر احرام او مستلزم تصرّف در مال بوده است.

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه محرم به عمره مفرده شده بر احرامش باقی می‌ماند و چنانچه تا زمان بلوغ تمام اعمال عمره مفرده را تدارک نکند بعد از بلوغ بر او واجب‌است آن را تدارک نماید.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: طواف و نماز آن را بجا آورد و سعی و تقصیر را بنابر احتیاط اعاده نماید و سپس طواف نساء و نماز آن را انجام دهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: احرامش صحیح نیست و چیزی بر او نیست.

آیهٔ اللّه صافی: در صحت احرام کودک ممیّز اذن ولی شرط نیست بنابراین کودک مذکور که محرم شده خودش و یا با کمک دیگری ولو غیر ولی اگر محتاج به راهنمایی باشد باید اعمال عمره را از طواف شروع کند و اتمام نماید.

آیهٔ اللّه فاضل: ولیّ او تکلیفی ندارد، ولی احرام او صحیح است و باید اعمال خود را از اول انجام دهد. و اگر نتواند نایب بگیرد.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که برگردد و تمام اعمال غیر از احرام را انجام دهد و اگر توانایی ندارد از کسانی که به عمره می‌روند خواهش کند که به نیابت از او انجام دهند.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است برگردد واعمال را به‌ترتیب انجام‌بدهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵

سومین شرط وجوب حج:

۳- استطاعت

اشاره

سومین شـرط وجوب حج و تحقق حجهٔالاسلام، استطاعت است. استطاعت با حصول چند امر محقق می‌شود، که تفصیل آن به یاری خداوند متعال خواهد آمد.

انکشاف عدم استطاعت

۳۰- اگر غیر مسـتطیع به خیال مسـتطیع بودن، اعمال را به قصد حَجهٔالاسـلام انجام دهد و بعد از اتمام اعمال حج، بفهمد که مستطیع نبوده، احرام او واقع نشده است.

انکشاف استطاعت

۳۱- اگر مستطیع به خیال مستطیع نبودن، به نیت حج استحبابی محرم شود و بعد از اعمال عمره

---

(۱). آیـهٔاللَّه نوری: اگر به‌قصـد تقییـد بوده‌احرام واقع نشده، و اگر خطا در تطبیق بوده احرام حج مسـتحب‌واقع شده و احرام صـحیح بوده و از آن خارج شده، ولی مجزی از حَجّهٔالاسلام نیست.
آیهٔ اللَّه بهجت و آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر به‌قصد انجام وظیفه فعلیه بوده حج صحیح استحبابی هم می‌باشد.
آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل و مکارم: احرام او صحیح و حج او مستحبّی است و کفایت از حَجّهٔالاسلام نمی‌کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶
تمتع معلوم شود که مستطیع بوده، عمل مزبور کفایت از عمره تمتعِ واجب نمی‌کند، و در صـحت حج ندبی او تأمل است. ۳۲- اگر با اعتقاد به عـدم اسـتطاعت، قصـد حـج اسـتحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، از حَجّهٔالاسـلام کفایت نمی‌کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده و اشتباهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

بطلان حج استحبابی و نیابی با استطاعت

۳۳- مسـتطیع نمی‌توانـد از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج اسـتحبابی به‌جا آورد، و اگر حج نیابی یا استحبابی به‌جا آورد، باطل است.

---

(۱). آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی و مکارم: کفایت می‌کند.
آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای و سیسـتانی و گلپایگانی: چنانچه کسی به اعتقاد این که مستطیع نیست به عنوان استحباب، به حج رفت و قصـد اطـاعت امری که فعلًا متوجّه او است را نمود و بعـداً معلوم شـد مسـتطیع بوده، حجّش کفـایت می‌کنـد و حـج دیگری بر او واجب نیست.
آیـهٔ اللَّه فاضل: بایـد حجهٔ الاسـلام را انجام دهد و اکتفا به عمره انجام شده مشـکل است، لذا برای احرام عمره تمتع وجوبی، باید به وظیفه ناسیِ احرام، که در مسأله ۲۶۲ بیان شده است، عمل کند و در ضـیق وقت باید حجِ افراد انجام دهد، مگر اینکه خطا در تطبیق باشد.

(۲). توجه: این مسأله با مسأله بعد تقیید می‌شود.

(۳). به مسأله قبل مراجعه شود.

(۴). به مسأله قبل مراجعه شود.

(۵). آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صحت آن اشکال است و احتیاط ترک نشود، عالم باشد و یا جاهل. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۱۵).

آیهٔ اللّه فاضل: اگر حج نیابی انجام داده است، حج او صحیح است اگر چه معصیت کرده است؛ و اگر با غفلت و عدم توجه به وجوب حج، حج مستحبی انجام داده است، حج او صحیح و کفایت از حجهٔالاسلام می کند؛ ولی اگر با توجه به حج واجب، نیت حج استحبابی کرده باشد، حج استحبابی صحیح است ولی مرتکب فعل حرام شده است و حج بر او مستقر شده است.

طبق نظر آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل و مکارم حجِ نایب، صحیح است و ذمه منوب عنه بری می‌شود ولی نسبت اجاره نظر ایشان به این شرح است:

آیهٔ اللّه بهجت: اگر غافل یا جاهل بوده، اجاره هم صحیح است؛ در غیر این صورت اگر اجاره را به نحو ترتب تصحیح نکنیم، نایب مستحق اجرهٔ المثل خواهد بود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرضی که واقعاً بر او حج واجب بوده ولو نسبت به آن جاهل باشد، اجاره باطل است و نایب استحقاق اجرهٔ المثل را دارد مگر بیشتر از اجرهٔ المسمّی باشد و اگر حج استحبابی برای خودش انجام دهد، در صورت علم به استطاعتِ خود و عدم صحت حج استحبابی، حج او باطل است و در غیر این صورت حجش صحیح و مجزی از حجهٔالاسلام می‌باشد.

آیهٔ اللّه خویی: در صورت تنجّزِ وجوب حج بر نایب اجاره باطل است، مگر این‌که اجاره مطلق باشد که بتواند اوّل‌برای خودش‌حج بجاآورد وبعد ازآن حج‌منوب‌عنه راودرفرض بطلان اجاره، اجیر مستحق اجرهٔالمثل است مگر این‌که اجرهٔالمثل بیشتر از اجرهٔالمسمّی باشد و اگر مستطیع، حجّ استحبابی برای خودش انجام دهد، با این‌که می‌داند مستطیع است، گرچه حجش صحیح است ولی مجزی از حجهٔالاسلام نمی‌باشد. (مستفاد از تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۴۱ و ۳۷۵ و مناسک، مسأله ۱۰۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: اجاره باطل است و مستحقّ اجرت المثل است و قصد حج استحبابی برای خودش اثری ندارد و حجهٔ الاسلام محسوب می‌شود مگر قصدش به نحوی باشد که به قصد قربت خلل ایجاد کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷

استطاعت، دارای پنج شرط به شرح ذیل است:

اول: استطاعت مالی یا بذلی

الف: استطاعت مالی

اشاره

۳۴- استطاعت مالی یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مَرکب سواری است، یا داشتن پول یا کالایی که صرف آن در زاد و راحله ممکن باشد؛ و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد.

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: اگر به آن نیاز داشته باشد.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: و نیز اظهر وجوب حج و تحقق استطاعت است بر کسی که فعلًا زاد و راحله را ندارد ولی‌می‌تواند به‌مناسبت

موقعیّت شغلی خود، بـدون استیجار که بعـداً ذکر می‌شود در بین راه کسب کند، و با کسب لایق به شأن، حوائج مناسب هر وقت را تحصـیل نمایـد بدون خطر و با اطمینان به حصول، مثل‌خدمت کردن در کاروان به‌اعمالی که‌در غیرسـفر، شـغل‌او همانهاست (کتاب حج، ص ۹).

(۳). آیـات عظام بهجت، تبریزی، سیسـتانی، خویی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی: داشـتن هزینه بازگشت هنگامی معتبر اسـت که مکلف قصـد بازگشت به وطن خود را داشـته باشد. اما اگر نخواسـته باشد برگردد، یا خواسـته باشد در جای دیگری غیر از وطن خود ساکن شود، باید هزینه رفتن به آن جا را داشته باشد، و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: به‌نحوی که به‌واسطه حج ناچار به تبدیل محل اقامت و مسکن نشود (کتاب حج، ص ۹).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸

۳۵- پول هَدْی، جزو استطاعت نیست.

لزوم داشتن ضروریات زندگی

۳۶- در وجوب حـج، علاوه بر مصارف رفت و برگشت، داشـتن ضـروریات زنـدگی و آنچه که در معیشت بـدان نیاز هست، شـرط است، مثل خانه مسـکونی و اثاث خانه و وسـیله سواری و غیر آن، در حـد مناسب با شأن، یا داشـتن پول یا مالی که با آن، تهیه آنها ممکن باشد.

۳۷- اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را، در حج صرف کند، حج او حَجّهٔ‌الاسلام محسوب نمی‌شود.

سکونت در غیر منزل ملکی

۲ / ۳۷- کارمنـدانی که مالـک منزل مسـکونی نمی‌باشـند و در منازل سازمانی زنـدگی می‌کننـد و هم‌اکنون مشکلی از نظر مسـکن ندارند ولی سایر شرایط استطاعت را دارا هستند، آیا باید حجّهٔ‌الاسلام بجا آورند یا نه؟

لزوم تحقیق از استطاعت

۳۸- اگر کسی در استطاعت مالیِ خود شک دارد، بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند، چه

(۱). آیهٔ اللّه تبریزی: در صورتی که بتواند بدون حرج و مشقّت بدل هدی روزه بگیرد.

آیات عظام: تبریزی، سیستانی و مکارم: استطاعت حاصل است و به جای آن روزه می‌گیرد.

آیات عظام: خویی، فاضل، صافی و گلپایگانی: مستطیع نمی‌شود و پول هدی جزو استطاعت است.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: ضرورت شخصیّه یا شأنیّه.

(۳). آیهٔ اللّه مکارم: خواه ملکی باشد یا اجاره‌ای که با شؤون او سازگار باشد.

(۴). آیهٔ اللّه صافی: و نداشتن آن حرجی باشد.

(۵). آیهٔ‌اللّه سیستانی ...: و نداشتن آن موجب حرج باشد.

(۶). آیهٔ اللّه خویی: به پاورقی مسأله ۵۷ مراجعه شود.

(۷). آیهٔ‌اللّه بهجت: مالک بودن منزل شرط نیست بلکه تأمین بودن نیاز سکنای او میزان است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کسـی که منزل ملکی از ضـروریات زندگی او محسوب می‌شود یا مناسب شأن عرفی او است یا سـکونت در منزل

اجاره‌ای یا عاریه‌ای یا وقفی باعث حرج یا خواری او می‌شود، داشتن منزل ملکی از شروط استطاعت او به حساب می‌آید در غیر این صورت اگر سایر شرایط استطاعت را دارا باشد مستطیع است.

آیات عظام: فاضل، مکارم و نوری: بلی مستطیع هستند.

(۸). آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی: فحص لازم نیست هرچند احوط است.

آیات عظام تبریزی، خویی: فحص لازم نیست هرچند احوط است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کسی که می‌داند با وضع معمول حج و مخارج عادی آن، دارای استطاعت نیست ولی احتمال می‌دهد که اگر تحقیق کند راه‌هایی پیدا شود که با وضع فعلی خود بتواند حج کند لازم نیست فحص کند ولی ملاحظه وضع مالی موجود خود برای کسی که نمی‌داند آیا استطاعت حج دارد یا نه و می‌خواهد بداند که آیا مستطیع هست یا نه علی‌الظاهر واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹

این‌که مقدار مال خود، یا مقدار مخارج حج را بداند یا نه.

شرایط وجوب حج

نگه‌داری هزینه حج

۳۹- کسی که استطاعت مالی دارد، اگر در سال استطاعت، با ثبت نام یا غیر آن، می‌تواند به حج برود، باید هزینه را نگهداری نماید؛ ولی اگر در همان سال، از هیچ طریقی، رفتن به حج ممکن نیست، مستطیع نشده و نگهداری پول لازم نیست.

لزوم تهیه مقدمات سفر

۴۰- مستطیع باید خرج‌های مقدماتی- از قبیل گذرنامه، ویزا و ودیعه و امثال آن- را بپردازد، و این خرج‌ها موجب سقوط حج نمی‌شود؛ بلی اگر بر این گونه مخارج، توانایی نداشته باشد، مستطیع نیست.

زیادتر بودن هزینه حج از حدّ متعارف

۴۱- اگر کرایه ماشین یا هواپیما، یا قیمت اجناس مورد نیاز سفر، زیاد یا زیادتر از حد معمول

---

(۱). جهت وقوف بر نظر آیات عظام در این مسأله، مسأله ۷ الی ۱۰ لحاظ شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورتی که فقط از طریق ثبت نام می‌تواند به حج برود، چنانچه در این سال ثبت نام می‌شود و اطمینان دارد با ثبت نام می‌تواند در همین سال به حج برود، باید ثبت نام کند و به حج برود، و همچنین اگر توانایی رفتن به حج از طریق آزاد را دارد، مستطیع می‌باشد و باید به حج برود، و در غیر این دو صورت مستطیع نیست و نگهداری پول لازم نمی‌باشد.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: کسی که مستطیع شده، نمی‌تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند.

آیهٔ اللّه خویی: به هر حال باید آن را تا زمان ثبت نام حفظ کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر احراز کند که در سال بعد واجد شرایط خواهد شد لازم است پول را نگه دارد.

آیهٔ اللّه صافی: اگر اصل اعلام وقت و اجازه از طرف دولت معلوم نباشد نگهداری آن لازم نیست و اگر ثبت نام برای حج در امسال معلوم باشد هر چند تاریخ آن هنوز معیّن نشده باشد جواز صرف آن در راه دیگر، محلّ تأمّل است. (آداب و احکام حج، حاشیه

مسأله ۱۵۵).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰

باشد، مستطیع باید به حج برود، و تأخیر از سال استطاعت، جایز نیست؛ مگر آن‌که کرایه بقدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگی شود.

توقف حج بر پرداخت وجه به حکومتها

۴۲- اگر انجام حج، بر پرداخت مال به حکومت‌ها- ولو حکومتهای کافر- متوقف باشد، باید پرداخت شود و این امر، موجب سقوط حج نمی‌شود.

---

(۱). آیهٔ اللَّه خویی: اگر ضرر زاید بر مقدار متعارف و موجب اجحاف باشد، ولو موجب حرج و مشقّت هم نشود، حج واجب نیست و اما اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و مثلًا کرایه ماشین در سال استطاعت گران تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود. (معتمدج ۱، ص ۹۵ ومناسک مسأله ۲۱).

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر هزینه و مخارج حج بالا برود و به حد غیر عقلایی نرسد و مثلًا کرایه ماشین در سال استطاعت گران‌تر از سال بعد باشد تأخیر جایز نیست و باید همان سال برود. (مناسک، مسأله ۱۸).

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مگر آن‌که ضرر به نحوی باشد که عرفاً بگویند مستطیع نیست.

(۳). آیهٔ اللَّه مکارم: به‌طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: ضررهای مالی غیر مجحف، که از ظالمین در طریق و از حکومتهای ظالمه صورت می گیرد، داخل در استطاعت است و با قدرت تحمّل، موجب سقوط نمی‌شود بلکه واجب است و همچنین قراردادهای حکومت‌های ظلم. و اگر ضرر مالی، مجحف و موجب عسر باشد مانع از استطاعت شرعیه است. (کتاب حج، ص ۲۱)

آیهٔ اللَّه تبریزی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال زیاد ممکن نباشد، پرداخت مال واجب نیست و وجوب حج ساقط خواهد شد مگر این‌که بذل مال، امر متعارف باشد، مثل این‌که حکومت از کسانی که وارد کشور می‌شوند مالی را اخذ می کند که در این صورت بذل واجب است و از مؤونه حج حساب می‌شود. (مناسک، مسأله ۱۶).

آیهٔ اللَّه خویی: اگر جزو مخارج حج در آن کشور باشد حج واجب است و اگر اتفاقاً این مبلغ را از او می گیرند، اگر مستلزم ضرر مالی معتدٌّ به می‌باشد حج بر او واجب نیست. (مستفاد از مسأله ۲۱ مناسک). البته اگر موجب فساد بر مسلمین باشد طبعا جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: هرگاه در راه حج دشمنی باشد که دفع او جز به پرداخت مال به او ممکن نباشد، پس اگر پرداخت آن نسبت به حال شخص ضرر زیادی داشته باشد، واجب نخواهد بود و وجوب حج ساقط می‌شود، و الّا واجب خواهد بود. بلی پرداخت پول جهت جلب رضای او تا آن‌که راه را باز کند واجب نیست. (مناسک، مسأله ۱۶).

آیهٔ اللَّه صافی: اگر موجب تقویت کفر در برابر اسلام محسوب شود که عرفاً آن بر ضرر اسلام و خلاف مصلحت مسلمین شمرده شود استطاعت حاصل نیست ولی اگر پول را پرداخت و استرداد آن ممکن نبود، پس از پرداخت، اگرچه معصیت کرده، استطاعت حاصل می‌شود و باید به حج برود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱

حصول استطاعت با اجیر شدن

۴۳- اگر کسی در راه حج، برای کاری، به مبلغی که با آن مستطیع می‌شود، اجیر شود، حج بر او واجب می‌شود هر چند قبول اجاره بر او واجب نبوده است؛ ولی بعد از قبول، مستطیع می‌شود و باید حج بجا آورد.

حج با مال حرام و مشتبه

۴۴- حج با مال حرام، جایز نیست؛ ولی مال مشتبه، با فرض عدم علم به حرمت، صرف آن در حج جایز است.

کسی که ملک دارد و پول ندارد

۴۵- کسی که پول ندارد ولی ملکی به اندازه هزینه حج دارد، باید- با دارا بودن دیگر شرایط- بفروشد و به حج برود؛ اگر چه به جهت کمبود مشتری، به کمتر از قیمت معمولی بفروشد؛

---

(۱). آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: لکن برای کسی که عادت و شغلش خدمت باشد سزاوار است احتیاطبه قبول ترک نشود، چون عرفاً استطاعت صدق می کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۴).

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: و همچنین اگر در اجاره برای او شرط شد تأمین زاد و راحله و نفقه عیال، قبول واجب نیست، ولی اگر قبول کرد مستطیع می‌شود به استطاعت مالیه در هر دو صورت، نه بذلیّه، پس دَیْن مانع از آن است مگر آن‌که علی ایّ تقدیر متمکّن از ادای دین نباشد و فقط به این اجاره مشروطه، مالك گذراندن امور خود در مصاحبت اهل حج باشد که در حکم استطاعت بذلیّه است ولی باز قبول استیجار واجب نیست (کتاب حج، ص ۱۴).

(۳). آیهٔ اللّه مکارم: به‌شرط آن‌که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد.

(۴). آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار اوست؛ به طوری که کسر شأن‌او نبوده و بدون سختی و حرج، از داشتن خانه دیگر بی‌نیاز است و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکی‌ای دارد که قیمت آن وافی به مخارج حج و یا تتمیم آن باشد، واجب است خانه ملکی خود را فروخته و صرف مخارج حج کند، و همچنین است نسبت به‌دیگر چیزهایی که مورد نیازبوده، و از غیر راه ملکیّت رفع احتیاجش شده باشد. (آداب واحکام حج، مسأله ۲۴).

(۵). آیهٔ اللّه بهجت: اگر حرجی یا ضرری نباشد (کتاب حج، ص ۸).

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بخواهد حج نماید باید آن را به مقدار زیادی کمتر از قیمت بفروشد، فروشش واجب نیست. (مناسك، مسأله ۲۱).

آیهٔ اللّه خویی: اگر باعث ضرر کلّی شود فروشش واجب نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: مگر اینکه اجحاف بر او باشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۱).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲

مگر آن که فروش به این نحو، موجب حرج و مشقت برای او شود.

احتیاج به ملک در آینده

۴۶- اگر شخصی ملکی دارد که از نظر قیمت، برای سفر حج کافی است، ولی صاحب آن اطمینان عرفی دارد که از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد آن ملك، امرار معاش نماید، و در آن زمان، راه دیگری برای امرار معاش ندارد، مستطیع نشده و فروش آن واجب نیست.

عدم حصول استطاعت با پول مورد نیاز برای منزل

۴۷- اگر کسی برای تهیه منزل مسکونیِ مورد نیاز، مالی را بفروشد، با پول آن مستطیع نمی‌شود؛ هرچند پولی که به‌دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

تبدیل منزل گران به ارزان، برای حج

۴۸- اگر کسی دارای منزل گران قیمتی است که از شأن او زاید است، و می‌تواند با فروش آن و خرید منزل ارزانترِ مطابق شأنش، به حج برود، با تحقق شرایط دیگر، مستطیع است.

فروش کتاب و ابزار کار برای حج

۴۹- کسانی که کتابهایی دارند که بدان نیاز ندارند و مبلغ آن در صورت فروش، به اندازه هزینه حج است، با داشتن سایر شرایط، حج بر آنها واجب است؛ و نیز اگر از کتب موقوفه می‌توانند رفع نیاز کنند و کتابهای ملکیِ زاید، به‌قدر حج باشد، حج بر آنها

---

(۱). آیات عظام: صافی، گلپایگانی و مکارم: به‌طوری که در عرف بگویند مستطیع نیست.

(۲). آیة اللّه مکارم: اگر در حال حاضر و پس از بازگشت، زندگی او از طریق دیگر تأمین می‌شود، حج بر او واجب است.

(۳). آیة اللّه مکارم: و قصد تهیه آن را داشته باشد.

(۴). آیات عظام بهجت، خویی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی‌شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود.

آیة اللّه خامنه‌ای: اگر مکلّف زمین یا جنس دیگری را بفروشد تا با پول آن خانه بخرد، در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی‌شود هر چند به مقدار مخارج حج و یا مکمّل آن باشد.

(۵). آیةاللّه بهجت: گذشت در مسأله ۳۴. واگر استبدال ضرری یا حرجی باشد لازم نیست (کتاب‌حج، ص ۸).

آیة اللّه خویی، آیة اللّه سیستانی: اگر فروش خانه سبب حرج و مشقت او نیست حج بر او واجب است.

(۶). آیة اللّه بهجت: به حاشیه مسأله ۳۴ مراجعه شود.

آیة اللّه خویی: اگر با فروش آنها به حرج نمی‌افتد، حج واجب است. (مناسک، مسأله ۲۲).

(۷). آیات عظام فاضل، نوری: و منافات با شأن او نداشته باشد و موجب حرج بر او نباشد.

آیة اللّه سیستانی: و استفاده از آنها بر او حرجی نباشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۴).

آیة اللّه مکارم: به‌طوری که هر ساعت نیاز داشته باشد، بدون زحمت در اختیار او قرار بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳

واجب است، به‌شرط آن که کتاب‌های موقوفه، در معرض زوال نباشد.

۵۰- هرگاه کسی سرمایه زاید، یا ابزار کار زایدی دارد که با فروش آن، می‌تواند هم بدون زحمت زندگی کند و هم به حج برود، با وجود دارا بودن سایر شرایط، مستطیع است.

داشتن طلب

۵۱- کسی که طلبی دارد و وقت طلب او رسیده یا حالّ است، و می‌تواند بدون حَرَج و مشقت، آن را بگیرد، با داشتن سایر شرایط، واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود؛ مگر این که مدیون نتواند بپردازد که در این صورت، مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود. اگر وقت طلب نرسیده باشد ولی مدیون خودش بخواهد بپردازد، لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود؛ ولی اگر نمی‌خواهد بپردازد، مطالبه واجب نیست، هرچند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

---

(۱). آیهٔ اللّٰه مکارم: در صورتی که فروختن آن مخالف شؤون او نباشد.

(۲). آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و نیز می‌تواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا بارجوع به حاکم غیر شرعی- در صورتی که استیفای حقّ، موقوف بر آن باشد، بنابر اقوی- آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است. (احکام و آداب حج، مسأله ۲۹).

(۳). آیهٔ اللّٰه سیستانی: مستطیع است و واجب است حج برود هر چند با مطالبه و صرف آن مال در حج باشد و همچنین است اگر بدهکار دارا باشد و نپردازد ولی بتواند هر چند با رجوع به حاکم جور حق خود را بگیرد یا بدهکار منکر باشد ولی بتواند آن را اثبات کند و بگیرد یا بتواند از اموال او از باب تقاص بردارد.

(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر تحصیل آن، متوقّف بر مراجعه به دادگاه اگر چه حاکم جور باشد، لازم است مراجعه نماید در صورتی که موجب ضرر و حرج فوق حد مسامحه نباشد، و در تضرّر مالی غیر مجحف و نیز ضرر حالی مثل ذلت نفس و نقص جاه نزد حاکم جور تأمّل است و اقرب وجوب مطالبه است با عقلائی بودن تن دادن به این ضرر با قطع نظر از تکلیف به حج (کتاب حج، ص ۱۰).

(۵). آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر بتواند دَین را بفروشد و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت نداشته باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بتواند دَین را بفروشد به‌نحوی که اجحاف در حق او نباشد، و پول آن به تنهایی و یا به ضمیمه مال دیگر وافی هزینه حج باشد، در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر بتواند دَینش را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که موجب ضرر و مشقّت نباشد. و این مقدار برای حج کافی باشد مستطیع است و باید حج انجام دهد.

(۶). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در صورتی که اگر مطالبه کند بدهکار خواهد پرداخت، باید مطالبه کند و به حج برود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر مهلت داشتن قرض به نفع بدهکار باشد همچنانکه معمولًا چنین است.

آیهٔ اللّٰه صافی: حکم مسأله در صورتی است که فروش دین مؤجّل به نقد ممکن نباشد والّا فروش آن مانند فروش سایر اموال واجب است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: مگر آن‌که یقین داشته باشد که اگر مطالبه کند مدیون حاضر به پرداخت آن می‌شود، که در این صورت مطالبه لازم است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و اگر شک داشته باشد که مدیون با مطالبه می‌پردازد یا نه، به جهت آن‌که احتمال استطاعت می‌دهد، و تمکّن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت. (آداب و احکام حج، مسأله ۲۹).

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر مطالبه محذوری ندارد باید مطالبه کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴

شرایط وجوب حج

قرض برای حج

۵۲- با قرض، استطاعت حاصل نمی‌شود، هر چند ادای آن بعداً به سهولت ممکن باشد؛ و اگر کسی با قرض، حج به جا آورد، از حَجهٔالاسلام، کفایت نمی‌کند.

---

(۱). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کسی که هزینه رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می‌تواند قرض بگیرد و سپس به‌سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: ولی اگر قرض کرد چنانچه در پرداخت آن به مشقت شدید نمی‌افتد مستطیع گشته باید حج بجا آورد.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: قرض گرفتن برای حج تحصیل استطاعت است و واجب نیست. مگر آن‌که مالی داشته باشد بالفعل که می‌تواند پس از حج بـا فروش و استبدال آن ادای دین کنـد که در این صورت قرض گرفتن واجب است با عـدم تمکن از فروش آن قبل از حج و اگر مالی که با آن ادای دین می‌نماید بعد از حج تحصیل می‌شود، پس در وجوب حج فعلًا تأمّل است (کتاب حج، ص ۱۱).

آیهٔ اللّه تبریزی: هرگاه کسی مقداری پول قرض کند که آن پول به‌مقدار مخارج حج باشد و در وقت قرض کردن مالی داشته باشد که بتواند با آن قرض خود را ادا کند ولی فعلًا نمی‌تواند آن را بفروشد یا در آن تصـرّف کند حج بر او واجب خواهد بود (مناسك، مسأله ۳۳).

آیات عظام خویی، فاضل: هرگاه کسـی مقـداری پول قرض کنـد که آن پول به مقـدار مخارج حـج باشـد، و قدرت پرداخت آن را بدون مشقّت بعد از آن داشته باشد، حج بر او واجب خواهد بود.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: کسی که نفقه حج را ندارد، اگرچه می‌تواند قرض کند و به راحتی به دین خود را ادا نماید، حج بر او واجب نیست و همچنین اگر مالی داشته باشد که نزدش نیست و یا جنسـی دارد که فعلًا می‌تواند وصول نماید، استقراض بر او واجب نیست، گرچه موافق احتیـاط است، بلی در صورت اخیر اگر قرض کنـد، به خـاطر صـدق استطاعت، حـج بر او واجب است. (آداب و احکام حج مسأله ۳۰)

آیـهٔ اللّه سیستانی: مگر آن‌که وقت پرداخت قرض آنقـدر دور باشـد که اصـلًا عقلا به آن توجه نکنند. که در این صورت حجّ بر او واجب خواهد شد. (مناسك، مسأله ۳۳).

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵

۵۳- اگر کسـی که نوبت حج او برای سال‌های آینده است، از راه دیگر امکان تشـرّف به وسـیله قرض، در همین سال برای او فراهم شود، اگر قبلًا حج بر او مستقرّ نشده و فعلًا هم نمی‌تواند به حج برود مگر با قرض، مستطیع نیست.

فرض تحقق استطاعت با داشتن بدهی

۵۴- کسی که مخارج حج را دارد ولی بدهی دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی می‌تواند آن را ادا کنـد، واجب است به حج برود؛ و همچنین است صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، ولی طلبکار راضـی به تأخیر باشد و بـدهکار اطمینان داشتـه باشـد که در وقتِ مطالبه، می‌توانـد بـدهی را ادا نماید. در غیر این دو صورت- با فرض داشـتن بدهی- حج واجب نیست.

---

(۱) و ۳. به مسأله قبل مراجعه شود.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: از حقوق النّاس.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: بنابر عدم فعلیّت وجوب ادا مگر بعد از مطالبه (کتاب حج، ص ۱۱).

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورتی حج واجب می‌شود که بدون حرج و مشقّت قادر به ادا باشد.

آیـهٔ اللّه خـویی: بلی اگر دیـن خـود را ادا نکنـد حـج بر او واجـب اسـت و بـه هر حـال اگر چنیـن فردی حـج به‌جـا آورد مجزی از حَجّهٔالاسلام می‌باشد. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۳۶).

(۴). آیـهٔ اللّه سیستانی: اگر انسان مال وافی به هزینه حـج را داشـته، و به همان مقـدار هم مقروض باشد، بنابر اظهر حج بر او واجب نخواهـد بود، و همچنین اگر کمتر از آن مقـدار، مقروض باشـد، به طوری که اگر مقـدار قرض برداشته شود، باقیمانـده آن وافی به هزینه حج نباشد، که در این صورت هم حج بر او واجب نخواهد بود، و فرقی نیست بین این‌که وقت پرداخت بدهی رسیده باشد یا نه، مگر این‌که آن قدر، وقت پرداخت دور باشد که اصلًا عقلا به‌آن توجه‌نکنند؛ مانندپنجاه سال. (مناسک، مسأله ۳۴).

آیـهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: و اگر می‌داند که طلبکار از طلب خود خواهد گذشت، و یا بنابر مسامحه دارد (مثل مهریه بعض زنان) چنین دَینی مانع استطاعت نیست. (احکام و آداب حج، مسأله ۳۴).

آیهٔ اللّه فاضل: یعنی مخیّر است بین انجام حج و ادای دین و در صورت انجام حج کفایت از حجّهٔالاسلام می کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶

۵۵- استطاعت مالی با داشـتن بـدهی، در صورتی حاصل می‌شود که هزینه رفت و برگشت موجود باشـد و پس از بازگشت، امکان پرداخت دین به سهولت، فراهم باشد.

تهیه منزل و لوازم زندگی با وام

۲ / ۵۵- کسـانی کـه بـا دریـافت وام، منزل مسـکونی ساختهانـد و یـا سـایر لـوازم زنـدگی را تهیه کردهانـد و طی اقسـاط بایـد وام را بپردازند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارا باشند آیا باید حجهٔالاسلام بجا آورند؟

داشتن دین شرعی

۵۶- بـا بـدهکار بودن خمس یـا زکـات، در صورتی اسـتطاعت حاصـل می‌شود که علاوه بر مخارج حـج، ما به ازای بـدهکاری نیز موجود باشد.

تزاحم حج و ازدواج

۵۷- در صـورت نیـاز به ازدواج و نیـاز به پـول برای آن، در صورتی اسـتطاعت حاصـل می‌شود که علاـوه بر مخـارج حـج، مخـارج ازدواج نیز موجود باشد.

---

(۱). نظر آیات عظام تبریزی، خویی و سیستانی: ذیل مسأله ۵۴ گذشت.

(۲). آیهٔاللّه بهجت: بلی اگر اطمینان به تمکّن در وقت اداء دارند.

آیهٔاللّه فاضل: اگر برای بازپرداخت وام مشکلی نداشته باشند، مستطیع هستند و باید حج بجا آورند.

آیت اللّه خـامنه‌ای: اگر مطمئن است که در زمان پرداخت اقساط وام می‌تواننـد آنها را ادا کنـد و سایر شـرایط اسـتطاعت را نیز دارد حج بر او واجب است.

آیهٔ اللَّه مکارم: آری مستطیع است.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: یا کفّاره یا نذر (کتاب حج، ص ۱۰).

(۴). آیـات عظـام: تبریزی، خویی، صـافی و گلپایگانی: حکم سایر دیون را دارد الّا این‌که عین مال متعلّق خمس و زکات باشـد، که در صورتی مستطیع می‌شود که غیر از آنها مخارج حج را داشته باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: یعنی بر ذمّه او تعلق گرفته است.

(۵). آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: کس که نیـاز به ازدواج دارد و ترک ازدواج موجب مشـقّت یـا حرج او شود، و بتوانـدازدواج کنـد، زمـانی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج هزینه‌های ازدواج را نیز داشته باشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: به‌طوری که ترک ازدواج موجب مشقت یا ضرر باشد.

آیهٔ اللَّه نوری: به طوری که اگر متأهّل نشود به زحمت می‌افتد یا به حرام افتد در صورتی...

(۶). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر در ترک نکاح مشقت غیر قابل تحمّل به‌حسب عادت بود یا خوف مرض یا خوف وقوع در حرام بود، اظهر جواز صـرف در نکاح است و همچنین اگر قبل از رسـیدن وقت سـیر کاروان حج، صرف در نکاح کند، اما بعد از رسیدن وقت سیر نمی‌توانـد صـرف در نکـاح نمایـد، به‌نحوی‌که متمکّن از حـج در آن سال نمی‌شود نه در صورت تمکّن از جمع بین آن دو. (کتاب حج، ص ۱۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورتی که صرف آن پول در راه حج سبب ناراحتی و مشقت در زندگی وی شود، حج بر او واجب نمی‌شود، و چنانچه سبب ناراحتی نشود واجب می‌شود. آیهٔ اللَّه خویی اضافه فرمودند: بلی اگر بنابر صرف نکردن آن مال در نیاز خود داشت حج بر او واجب است. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۳۴).

آیهٔ‌اللَّه صافی، آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی: اگر ترک‌تزویج مستلزم حرج‌باشد به‌نحوی که‌عرفاًبگویند مستطیع نیست واجب نمی‌شود و الّا حج بر او واجب و مقدّم است. (مناسک عربی، ص ۱۸، مسأله ۳۲).

آیهٔ اللَّه مکارم: منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسـر و حرج بیفتد بلکه همین اندازه که ازدواج از شؤون زندگی او باشد کافی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷

تزاحم حج با ازدواج نوه

۵۸- اگر کسی نوه‌اش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج نوه، از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم حج به‌جا بیاورد، مستطیع نیست؛ ولی اگر از مخارج عرفی او محسوب نمی‌شود، حج مقدّم است.

استطاعت مالی در فرض دخل و خرج مشترک

۵۹- کسـی که- مثلًا- چهار پسر دارد و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسـرانش درآمدشان یکجا است و الآن فرضاً هزینه حـج دو نفر را دارنـد، از بین آنها کسـی که از مال خودش به مقـدار حج دارد و می‌تواند به مکه برود و بعد از برگشـت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد، مستطیع است و باید حج برود.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به مسأله ۷۸ مراجعه شود.

(۲). آیـات عظـام: تبریزی، خویی، سیسـتانی، صافی و گلپایگانی: اگر صـرف مال در حـج و ترک تزویـج نوه‌برای او (پـدر بزرگ)

حرجی باشد، حج واجب نیست و گرنه واجب است.
(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: چون پنج نفر شریک و مالک این در آمد هستند بر هیچکدام واجب نیست. (مستفاد از سؤال ۶ مناسک).
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر پس از برگشت در زندگی به حرج نمی‌افتد حج بر او واجب است.
آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی اگر فرضاً مال مزبور را تقسیم کنند و حق هر کدام را بدهند، هر کدام مستطیع است باید حج برود و اگر هیچکدام مستطیع نمی‌شوند بعضی می‌توانند حق خود را به دیگری واگذار کنند تا مستطیع شود.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸

وجوه شرعیه و استطاعت

۶۰- با وجوه شرعیّه- مثل سهم امام علیه‌السلام و سهم سادات- کسی مستطیع نمی‌شود؛ و اگر حج بجا آورد، کفایت از حَجّهٔالاسلام نمی‌کند. ۶۱- کسی که از وجوه شرعی- نظیر خمس و زکات- ارتزاق می‌کند، اگر از آن وجوه، مقداری اضافه آید که به اندازه مخارج حج باشد، آیا با وجود سایر شرایط، مستطیع می‌گردد، یانه؟

ولیمه و استطاعت

۲ / ۶۱- شخصی که مخارج حج را دارد امّا در برگشت از سفر حج برای دادن ولیمه یا مخارج زندگی مقروض می‌شود و یا به وجوه شرعی، مانند خمس و زکات نیازمند است، آیا چنین شخصی مستطیع است یا نه؟

---

(۱). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، گلپایگانی: به حاشیه مسأله ۷۶ مراجعه شود.
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: کسی که مالی را که بتواند با آن حج به‌جا آورد، در اختیار دارد هر چند ملک او نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد با تحقق سایر شرایط مستطیع است.
آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه به عنوان شهریه یا از روی استحقاق و خدمات دینی از طریق حاکم شرع به او داده شده، مالک می‌شود و اگر به مقدار حج باشد مستطیع است و باید حَجّهٔالاسلام به‌جا آورد.
(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه در شأن او باشد مانعی ندارد و حج او صحیح است.
(۳). آیت اللَّه خامنه‌ای: اگر استحقاق دریافت را به وجه شرعی داشت و باقیمانده وافی به هزینه حج بود و سایر شرایط را هم دارا بود مستطیع است.
آیات عظام: بهجت، فاضل و مکارم: مستطیع است.
آیهٔ اللَّه تبریزی: کسی که در زمان اخذ زکات و سهم سادات مستحق آن باشد، آن را مالک می‌شود و جزو ترکه او حساب می‌شود. و اگر با آن کسب کند و از راه کسب یا نماء منافعی داشته باشد، با وجود سایر شرایط مستطیع می‌شود و در سهم امام علیه السلام چنانچه عین آن باقی باشد، ملک گیرنده نیست و جزو ترکه او حساب نمی‌شود و اگر با آن چیزی را خریده و با سهم امام علیه السلام ثمن آن را ادا کرده، آنچه را که خریده مالک می‌شود و احکام ملک بر آن بار می‌شود.
آیهٔ اللَّه خویی: عین سهم امام که به اهل علم برای ارتزاق داده می‌شود ملک آن‌ها نیست.
آیهٔ اللَّه سیستانی: در مورد سهم امام علیه السلام اگر فقط مجاز در تصرف باشد مالک نمی‌شود و جزو ترکه نیست و موجب استطاعت نمی‌باشد و اگر از سوی حاکم شرع تملیک شده باشد جزو ترکه است و موجب استطاعت و امّا سهم سادات و زکات، اگر مستحق بوده مالک است و جزو ترکه است و موجب استطاعت.

(۴). آیهٔ اللّه گلپایگانی رحمه الله: اگر در مخارج متعارف خود معطل می‌ماند و موجب مشقت زندگی می‌شود مستطیع نیست و امّا احتیاج به مصرف وجوه شرعیه پس از مراجعت اگر از افرادی است که معاشش از وجوه تأمین می‌شود مانع از استطاعت نیست و حجهٔالاسلام از این افراد صحیح و مجزی است و هزینه مهمانی و سوغات جزء استطاعت محسوب نمی‌شود.

آیهٔ اللّه بهجت: داشتن مخارج ولیمه از شرایط استطاعت نیست، و اگر در اثر قرض برای امور زندگی در عسر و حرج واقع می‌شوند، مستطیع نیستند و در غیر اینصورت استطاعت دارند و نیز کسی که از وجوه شرعیه معاش او در سال دائر است در فرض مرقوم مستطیع است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در استطاعت (در حج غیر بذلی) رجوع به کفایت شرط است؛ یعنی شرط است که پس از بازگشت از حج شغل یا مالی داشته باشد که با آن زندگی خود و عیال خود را متناسب با شأن عرفی خود اداره کند، ولو مثل شهریه. ولی به هر حال پول ولیمه جزء استطاعت نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: چنانچه بعد از برگشت، از وجوه شرعیه تأمین می‌شود مستطیع است، همانطور که داشتن مخارج ولیمه جزء شرایط استطاعت نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورتیکه بعد از برگشت از عهده مخارج زندگی بدون قرض برآیند ولو آن که مخارج ولیمه را نداشته باشند، مستطیع هستند و چنانچه در برگشت نیاز به گرفتن خمس و زکات پیدا می‌کند مستطیع نیست، مگر آن که رفتن حج دخالتی در گرفتن خمس و زکات بعد از حج نداشته باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: مستطیع است.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال ولیمه دادن جزء استطاعت نیست و اما نسبت به احتیاج به وجوه شرعی در رجوع بکفایت چنانچه معاش او بطور مستمر از وجوه شرعی است مستطیع است.

آیهٔ اللّه نوری: کسی که بعد از مراجعت از حج برای اداره امور زندگی خود احتیاج به قرض کردن پیدا می‌کند و یا به وجوه شرعی مانند خمس و زکات نیازمند است، مستطیع نیست.

مناسك حج با حواشی مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۳۹

مستطیع نمودن خود با وام

۳/ ۶۱- آیا افرادی که با شهریه حوزه ارتزاق می‌کنند، می‌توانند به وسیله وام خود را مستطیع کنند و حجهٔالاسلام به‌جا آورند و بدهی آن را از شهریه بپردازند؟ شرایط وجوب حج

---

(۱). آیهٔاللّه بهجت: پس از اخذ وام و فرض حصول استطاعت از سایر جهات مصداق مسأله استطاعت مدیون است که تفصیل آن در مناسك مذكور است.

آیت اللّه خامنه‌ای: کسی که هزینه حج را ندارد اما می‌تواند آن را قرض بگیرد و بعداً به آسانی قرض خود را ادا کند گرچه واجب نیست قرض کند، اما اگر قرض کرد حج بر او واجب می‌شود.

آیهٔاللّه فاضل: واجب نیست وام بگیرند ولی اگر گرفتند، کفایت از حجهٔالاسلام می‌کند.

آیهٔ اللّه مکارم: کفایت نمی‌کند.

مناسك حج با حواشی مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۴۰

مسایل خاص استطاعت بانوان

میزان حصول استطاعت با مهریّه

۶۲- زنی که مهریه‌اش برای مخارج حج کافی است، و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش قدرت بر ادای آن ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست؛ و اگر قدرت دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد، بافرض این‌که شوهر، نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود؛ و چنانچه برای او مفسده دارد- مثل این‌که ممکن است به نزاع و طلاق منجر شود- مستطیع نیست.

استطاعت مالی زن و فرض لزوم رجوع به کفایت

۶۳- اگر زنی در حیات شوهرش، استطاعت مالی نداشته و بعد از مردن او، از ارث وی یا غیر آن، استطاعت مالی پیدا کند، اگر بعد از مردنِ شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند، نداشته باشد، مستطیع نمی‌شود، هرچند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

وعده و مهر قراردادن حج

۶۴- اگر به حج بردن همسر، به عنوان مهریه قرار داده شده باشد، زوج باید به آن عمل

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که مطالبه مهر از شوهر ناراحتی و یا مشکلاتی در زندگی ایجاد نکند وی‌مستطیع است و مطالبه مهر منعی ندارد بلکه لازم است، ولی اگر موجب دردسر و ناراحتی برای وی شود و یا مراجعه به حاکم باعث منقصت شأن او گردد مطالبه لازم نیست.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: اگرمطالبه مهریّه موجب ناراحتی‌هایی شود که زن در زندگی‌اش به حرج و مشقّت‌بیفتد، حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللَّه خویی: یعنی مطالبه بر او حرجی یا در آن خوف ضرر باشد. حج بر او واجب نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر به حدّی باشد که برای زن تحمّلش مشکل باشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مجرّد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست. بله اگر صرف مهریه در حج موجب شود که زندگی او مختلّ شود حج بر او واجب نیست. (مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۳۳).

آیهٔ اللَّه مکارم: حتی اگر منجرّ به طلاق نشود ولی مشکلات مهمّی در زندگی او حاصل گردد حج لازم نیست.

(۳). حکم رجوع به کفایت، در مسأله ۷۶ آمده است.

(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: یا شرط ضمن العقد بوده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱

کند؛ ولی اگر صِرف وعده بوده، ادای آن لازم نیست.

فرض توقف حج زن بر زحمت شوهر

۶۵- اگر زنی مخارج حج را دارد و با درآمدش، مخارج زندگی را متکفّل شود، اگر با به حج رفتن وی، شوهرش برای مخارج به زحمت می‌افتد، ولی به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد، باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع از

استطاعت زن نمی‌شود.

اذن شوهر

۶۶- برای بانوان، در سفر حجِّ واجب، اجازه شوهر شرط نیست و باید حج واجب خود را بجا آورند هرچند شوهر راضی نباشد.

زندگی در منزل استیجاری و حکم استطاعت زوجین

۶۷- اگر زن و شوهری در منزل استیجاری زنـدگی کننـد، در صورتی که زن هزینه حـج را دارا باشـد، حـج بر او واجب است؛ ولی زمانی بر شوهر حـجّ واجب می‌شود که لوازم زنـدگی و مایحتاج خود و عائله‌اش را در حد شأن، دارا بوده و شـرط رجوع به کفایت برای او محقق باشد.

---

(۱). آیـهٔ اللّه بهجت: تنهـا وعـده سـفر موجب اسـتطاعت نمی‌شود ولی بر مرد لازم است که به وعـده خود وفا کنـد، اگر هنگام عقد ازدواج به او وعده داده است. (مناسک، ص ۱۶۱، س ۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب باید به آن وفا کند.

آیـهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر شـرط ضـمن العقد باشد، وفا واجب است و در غیر آن، تخلف از وعده کراهت شدیده دارد.

(۲). آیهٔ اللّه مکارم: ولی بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است.

(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: به حدّی که تحمّلش برای او مشکل باشد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: به نحوی که زندگی او مختلّ شود. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۲۹، مسأله ۱۱).

(۴). آیهٔ اللّه مکارم: ولی بهتر جلب رضایت اوست.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: اگر از جهت صرف هزینه حج، در ناراحتی و مشقت نشوند واجب است حج بروند.

(۶). آیـهٔ اللّه سیسـتانی، آیهٔ اللّه مکارم: در فرض مذکور، حج بر هر دو واجب است. (مالکیت منزل مسـکونی شـرط اسـتطاعت حج نیست).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲

ب: استطاعت بذلی

بذل حج

۶۸- اگر کسی هزینه حج را نداشته باشد، ولی دیگری به او بگوید: «حج بجا آور، نفقه تو وعائله‌ات، بر عهده من»، با اطمینان به وفا و عـدم انصـراف از بـذل، حـج واجب می‌شود. این گونه حج، حجِ «بذلی» نام دارد؛ و در آن، «رجوع به کفایت» - که خواهد آمد- شرط نیست؛ بلی اگر قبولِ بذل و رفتن به حج، موجب اخلال در زندگی او شود، استطاعت بذلی حاصل نمی‌شود.

---

(۱). آیهٔ اللّه فاضل: تعهد نسبت به عائله و اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل شرط نیست.

(۲). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر نمی‌تواند نفقه عیال را تأمین کند، چه به حج برود و چه نرود، بذل‌نفقه عیال شرط نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر این که نفقه عائله‌اش را تا زمان برگشت داشته باشد یا این‌که فرق نمی‌کند، چه حج برود وچه نرود نفقه آنها را نمی‌تواند تأمین کند یا از عدم تأمین نفقه آنها در حرج نمی‌افتد یا عائله واجب النفقه او نیستند که در این موارد بذل نفقه عائله شرطِ وجوب حج نیست. (مناسک عربی، مسأله ۴۳).

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، شرط نیست، ولی اگر وثوق و اطمینان به رجوع وعدم وفای باذل دارد حج واجب نمی‌شود.

(۴). آیهٔ اللَّه نوری: به شرطی که قبول این بذل برای او مستلزم ذلّت و منّت نباشد.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: در این مسأله فرقی بین اباحه (در اختیار گذاشتن) و تملیک و دادن‌عین مال و یا قیمت آن نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اباحه‌ای که برای اباحه کننده آن قابل برگشت باشد شرعاً، و تملیک متزلزلی که از طرف مقابل قابل فسخ بوده باشد شرعاً، موجب حصول استطاعت نمی‌شود مگر این‌که اطمینان داشته باشد که از اباحه‌اش صرف نظر نمی‌کند یا تملیکش را فسخ نمی‌نماید. (مناسک، مسأله ۲۹- ۴۰- ۴۳).

(۶). آیهٔ اللَّه بهجت: بلی داشتن مؤونه عیال تا وقت رجوع شرط است مگر آن‌که با نرفتن حجّ نیزعیال او در مضیقه به‌سر برند و رفتن حج تأثیری در این جهت نداشته باشد. (مناسک، ص ۱۹، مسأله ۴۲).

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی اگر خودش مقداری از مصارف حج را داشته باشد و بقیّه را به او بذل کنند در این صورت رجوع به کفایت شرط است. (مناسک، مسأله ۴۵).

(۷). آیهٔ اللَّه سیستانی: بلی اگر درآمدش در خصوص روزهای حج باشد و با درآمد آن در بقیه روزهای سال یا بعضی از آنها زندگی می‌کند، به طوری که اگر به حج برود قدرت تأمین هزینه زندگی در بقیه یا بعضی از روزهای یاد شده نداشته باشد. در این صورت حج بر او واجب نخواهد بود، مگر اینکه مخارج زندگیش را در بقیه روزهای سال هم بدهند که در این صورت واجب خواهد بود. (مناسک، مسأله ۴۵).

آیهٔ اللَّه مکارم: یا مستلزم منّت و هتک او باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳

کفارات و پول قربانی در حج بذلی

۶۹- کفارات در حجّ بذلی، بر عهده باذل نیست؛ ولی پول قربانی بر عهده وی می‌باشد؛ و اگر آن را بذل نکند، حج واجب نمی‌شود، مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۴۳

بذل نفقه حج به شخص ناتوان و مسأله استنابه

۷۰- اگر به شخصی که استطاعت مالی و قدرت بدنی بر حج ندارد و از قادر شدن هم مأیوس است، بذل نفقه حج نمایند، قبولِ آن برای نایب گرفتن، واجب نیست.

بخشش مال برای حج

۷۱- اگر مالی به اندازه هزینه حج، به کسی ببخشند تا حج به‌جا آورد، باید قبول کند و حج

(۱). آیـهٔ اللّٰه صافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: در صورتی که هـدی بر مبـذول له واجب باشـد پول آن بر عهـده باذل‌است، و الّا تبدیل به صوم می‌شود. ولی در کفّارات اگر محرم موجب و سبب آن را مرتکب شود پس اگر عمداً باشد کفّاره‌اش بر عهده خود او می‌باشد و اگر از روی فراموشـی یا جهل و یا اضطرار و ناچاری باشد و به این سبب کفّاره واجب شود، پس اگر مبذول له تمکّن از ادا داشته باشـد و کفّـاره یـافت شود، پول آن به‌عهـده بـاذل می‌باشـد و الّا بایـد مبـذول‌له به وظیفه غیر متمکّن از کفّاره عمل نمایـد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۶).

(۲). آیـهٔ اللّٰه نوری: اگر عملِ موجبِ کفّاره را از روی عمـد و اختیار انجام داده باشد، و در غیر این صورت به عهده باذل است علی الأحوط.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط در غیر عمد، آن است که باذل بپردازد.

(۳). آیهٔ اللّٰه تبریزی: مگر در صورتی که بتواند بدون حرج بدل هدی روزه بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در وجوب حجِ برگیرنده، در این صورت اشکال است، مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد، بلی‌اگر پرداخت قیمت قربانی موجب حرج و مشقّت باشد قبول بر او واجب نخواهد بود. (مناسک، م ۵۲).

آیهٔ اللّٰه فاضل: واجب می‌شود لکن پول قربانی بر عهده باذل است.

(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت، آیـهٔ اللّٰه خویی: مگر در صورتی که خود توانایی خریـد آن را از مال خود داشته باشـد، بلی اگر پرداخت پول قربانی موجب ناراحتی مالی او شود، قبول بر او واجب نخواهد بود.

(۵). آیهٔ اللّٰه بهجت: در این صورت استنابه می‌کند علی الأحوط.

آیـهٔ اللّٰه تبریزی و آیـهٔ اللّٰه خویی: اگر مالی را به او اباحه کننـد، به اندازه‌ای که با آن می‌تواند حج برود و مجاز در نایب گرفتن هم باشد، بنابراحتیاط واجب (آیهٔ اللّٰه خویی بنابر فتوی) نایب بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴

به‌جا آورد؛ و همچنین است اگر واهب بگویـد: «بین حـج و غیر آن مخیّری»؛ ولی اگر اسم حـج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد، قبول واجب نیست.

رجوع باذل از بذل

۷۲- باذل می‌توانـد از بـذلش برگردد؛ ولی اگر قبول کننـده، در راه حـج باشـد، باذل بایـد نفقه بازگشت او را بپردازد؛ و اگر بعد از احرامْ رجوع کند، باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد.

---

(۱). آیـهٔ اللّٰه بهجت: واجب نیست قبول نماید و در صورت قبول، استطاعت بذلیه محقّق است و اسـتطاعت‌مالیّه است در دو صورت بعد. (مناسک، مسأله ۴۳).

آیـهٔ اللّٰه صافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: چنانچه مال کافی برای مؤونه حـج باشد و یا به مقداری است که به ضـمیمه اموال خود شـخص استطاعت حاصل می‌شود، حج بر او واجب و کافی از حَجّهٔ‌الاسلام است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷).

آیهٔ اللّٰه نوری: مگر این‌که در قبول، ذلّت و مهانت برای او باشد که در این صورت قبول واجب نیست.

(۲). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و اگر واهب (بخشـنده) اختیار را به انسان بدهد و بگوید می‌خواهی با این مال حج برو و نمی‌خواهی به حج نرو و یا مالی را ببخشد و نامی از حج نبرد، قبولش واجب نیست.

(۳). آیةُ اللَّه مکارم: بلکه قبول واجب است به‌شرط این‌که به هنگام بازگشت، زندگی او تأمین باشد.

(۴). آیـةُ اللَّه بهجت: و بنا بر اظهر، نفقه بازگشت از محلِّ اعلام رجوع که زایـد بر نفقه وطن است، بر باذل است. (مناسک، ص ۲۲، مسأله ۵۱).

(۵). آیةُ اللَّه بهجت: اظهر عدم جواز رجوع است. (مناسک، مسأله ۵۱).

آیـهٔ اللَّه تـبریزی: بـاذل ضـامن نفقه برگشـتن او نیست همـانطور که در صـورت رجـوع بعـد از احرام، نفقه اتمـام حـج را هم ضـامن نمی‌باشد گر چه اتمام بر او واجب است مطلقاً.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بعد از احرام احوط ترک رجوع است و نسبت به رجوعِ به عینِ مبذوله، تفصیلی در مناسک عربی موجود است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر اتمام واجب باشد باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد، امّا وجوب اتمام در این فرض محلّ تأمّل است.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب آن است که بعد از احرام رجوع نکند.

(۶). آیـهٔ اللَّه خویی: در صورتی که اتمـام آن بر مبـذول‌له واجب باشـد. و آن در جایی است که آنچه تا کنون به او بـذل شـده و او صرف نموده، با ضمیمه به اموال خود موجب استطاعت او باشد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر بعـد از احرام باذل رجوع کنـد، مبـذول‌له بایـد حج را تمام کند، اگر بر او حرجی نباشد هر چند فعلًا مسـتطیع نباشد و باذل ضامن مصرف اتمام حج او و بازگشتش می‌باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵

ارسال به حج بدون تعهد به کار

۷۳- مواردی که نهـاد یـا ارگـانی، فردی را بـدون الزام به کـاری، به حـج می‌فرسـتد، بـا فرض مشـروعیّت آن، حـج بـذلی محسوب می‌شود.

حج روحانی و خدمه کاروان

۷۴- خدمه کاروان اگر سایر شـرایط استطاعت- از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه؛ و رجوع به کفایت، که بتوانند پس از مراجعت، زندگی خود را به نحو مناسب اداره کنند- را دارا باشـند، مستطیع هستند؛ و چنانچه سایر شرایط را ندارند، به مجرّد امکانِ رفتن به حـج، مستطیع نمی‌شونـد و حـج آنـان اسـتحبابی است. حکم روحانیّون کاروان نیز همین است؛ ولی اگر بعـد از مراجعت از مکه، نیاز به شهریه حوزه دارند، مستطیع نمی‌شوند.

افرادی که برای ماموریت به حج می‌روند

۷۵- افرادی- مانند پزشکان و مانند آنها- که به عنوان مأموریت به میقات آمده‌اند و در میقات شرایط استطاعت را دارا هستند، باید حَجّةُالاسلام بجا آورند.

افرادی که با خرج دولت به حج می‌روند

۲/ ۷۵- جانبازان و آزادگانی که با خرج دولت به حـج می‌رونـد، با فرض این که دولت پول قربانی آنها را بدهد یا ندهد، حج آنها بذلی است یا نه؟

(۱). آیةُ اللّه خویی: در صورتی که ولایت شرعیه بر بذل داشته باشد یا حاکم شرع آن را اجازه نماید.

(۲). آیةاللّه‌خویی: اگرحج موجب تفاوت در زندگی آنان نباشد وجوب آن بعید نیست. (مناسک، مسأله ۲۸).

(۳). به تفصیل نظر مراجع ذیل مسأله ۷۶ مراجعه شود.

(۴). آیةُ اللّه بهجت: باید حَجّةالاسلام بجا آورند، مگر آن‌که مأموریت به گونه‌ای باشد که نتوانند به وظائف عمل کنند. (پرسشهای جدید حج، ص ۲، س ۸).

آیةُ اللّه فاضل: مگر این‌که مأموریت آنها مشروط به عدم احرام برای حجّ تمتّع باشد، یا عمل به مأموریت مانع از انجام اعمال حج باشد که در این دو صورت حج واجب نیست، بلی اگر مخالفت کردند و حج انجام دادند هر چند مرتکب معصیت شده‌اند ولی حج آنها صحیح است و کفایت از حَجّةالاسلام می‌کند.

(۵). آیةاللّه بهجت: اگر بنحو جائز با خرج دولت آنها را به حج ببرند حج بذلی است و همچنین اگر مخارج حج را به آنها ببخشند و ایشان قبول کنند. [مناسک محشّی ۲، ۹۴]

آیةُ اللّه خامنه‌ای: اگر مخارج حج او را می‌دهند و یا پول حج را به شرط رفتن به حج به او می‌دهند و هیچ کاری را هم در مقابل آن از او نمی‌خواهند، حج او بذلی است.

آیةاللّه فاضل: اگر مخارج حج را بدهند و پول قربانی را هم بدهند یا خود جانباز پول قربانی را داشته باشد، حج بذلی است و کفایت از حجةالاسلام می‌کند.

آیةُ اللّه مکارم: در صورتی که دولت پول قربانی آنها را بدهد، یا خود آنها داشته باشند، حج آنها بذلی محسوب می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶

۲- رجوع به کفایت

اشاره

۷۶- یکی دیگر از شرایط استطاعت، «رجوع به کفایت» است؛ یعنی حج‌گزار بعد از بازگشت از حج، تجارت، یا زراعت، یا صنعت، یا منفعت ملک- مثل باغ و دکان- داشته باشد، به‌طوری که برای زندگانی، به شدت و حرج نیفتد؛ و اگر قدرت بر کسبِ لایق به حالش هم داشته باشد، کافی است؛ و اگر بعد از مراجعت، نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد، کفایت نمی‌کند؛ بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج، نیاز به شهریّه دارند، حج واجب نیست.

(۱). آیةُ اللّه بهجت: اظهر اعتبار رجوع به کفایت است؛ به این معنا که به سبب حج، از غنا به فقر یا از فقر به‌اوسع از آن، واقع نشود. (کتاب حج، ص ۲۶).

(۲). آیةُ اللّه فاضل: و همچنین اگر از طریق زکات یا خمس و یا استعطا، امور خود را اداره کند، کافی است وهمچنین کسی که آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی نکند، حج بر او واجب می‌شود و نیز بر طلاب که با شهریه اداره می‌شوند؛ چنانچه هزینه حج و مخارج خانواده خود را داشته باشند یا به عنوان روحانی مشرّف شوند حج واجب است و از حَجّةالاسلام کفایت می‌کند.

(۳). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کسی که از وجوه شرعیه، مانند خمس و زکات و امثال اینهازندگی خود را اداره می‌کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت، مضمون و حتمی باشد، در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد، بعید نیست حج بر او واجب باشد، و همچنین است کسی که شخص دیگر در تمام مدت زندگی او، مخارجش را متکفل باشد و همچنین کسی که اگر آنچه دارد در راه حج صرف کند زندگی بعد از حجّش با قبل از آن تفاوتی نکند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر بعد از مراجعت، زندگی آنها با شهریه اداره می‌شود، کفایت می کند و حج واجب است.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر زندگی آن‌ها با وجوهات، بر حسب عادت بدون مشقّت مضمون و حتمی باشد. در صورتی که دارای مقداری پول گردد که وافی به هزینه حج و مخارج عیالش باشد حج بر او واجب است. (مناسک، مسأله ۲۵).

(۵). آیهٔ اللَّه صافی: ولی رعایت احتیاط به این‌که به نحوی خود را واجد شرط استطاعت نماید، ترک نشود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: افرادی که از وجوه خاصّی مثل سهم سادات و وجوهات شرعیه و نذورات استفاده می‌کنند؛ مانند طلّاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجّه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج آیهٔ اللَّه مکارم: در تمام مواردی که افراد به عنوان خدمه یا روحانی یا غیر آن به حج می‌روند، چنانچه زندگی خانواده آن‌ها در همان مدت تأمین باشد حجشان حَجهٔالاسلام و تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست. و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷

وجوه شرعی و رجوع به کفایت

۷۷- کسی که از راه کسب یا غیر کسب، مخارج حج را دارد ولی مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمدِ کسب، تأمین کند و در تأمین بقیّه، به شهریه نیازمند باشد، مستطیع نیست.

لزوم داشتن مخارج عائله تا بازگشت

۷۸- در استطاعت، دارا بودن مخارج عائله تا بازگشتِ از حج، شرط است، هرچند عائله، واجب النفقه او نباشند.

دستگردان برای حصول استطاعت

۷۹- افرادی که امور خود را از وجوه شرعیّه می گذرانند، بنابر احوط با دستگردانِ هزینه حج، مستطیع نمی‌شوند.

اشتراط رجوع به کفایت ولو بعد از تقلید صحیح

۸۰- اگر کسی بدون تحققِ شرط رجوع به کفایت- ولو با تقلید صحیح از کسی که آن را لازم نمی‌دانسته- حج بجا آورده، حج او از حجّهٔالاسلام کفایت نمی کند و باید آن را با تحقق شرایط اعاده نماید.

(۱). نظر مراجع عظام در ذیل مسأله ۷۶ بیان شد.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: در عیال غیر واجب النفقه و مصارف لازمه برای حفظ شأن، احوط رعایت عسر و حرج است؛ یعنی نه اقتصار بر فقط مقداری که بر او واجب شرعی است می‌کند و نه انتظار تمکّن از هر چه عرفیت دارد می‌کشد. پس تحقق استطاعت منوط به دارا بودن مقداری است که اگر نباشد لازمه‌اش عسر و حرج است (کتاب حج، ص ۱۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: داشتن مخارج عائله غیر واجب‌النفقه شرعی، شرط نیست مگر این‌که با ترک انفاق بر آن‌ها خودش به حرج می‌افتد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و عرفاً ملتزم به پرداخت نفقه آنها شده باشد؛ مثل خواهر و برادر، باید نفقه آنها را هم داشته باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۶).

(۳). تفصیل این مسأله و نظر مراجع در ذیل مسأله ۷۶ گذشت.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: به معنایی که برای رجوع به کفایت، در ذیل مسأله ۷۶ گذشت مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: اعاده لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸

استطاعت در میقات

۸۱- اگر استطاعت در میقات حاصل شود، برای تحقق حَجّهٔالاسلام کافی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.

سوم وچهارم وپنجم:

استطاعت بدنی، طریقی و زمانی

اشاره

۸۲- شرط دیگر وجوب حج، استطاعت بدنی، و استطاعت از جهت باز بودن راه، و استطاعت زمانی است؛ پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد، یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد، حج واجب نیست؛ و نیز بر کسی که راه برای او باز نیست، یا وقت تنگ است- به طوری که نمی‌تواند به حج برسد، واجب نیست.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در مسأله ۷۶ معنای رجوع به کفایت گذشت که زندگی او از یُسر به عسر تغییر نکند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند به حرج نمی‌افتد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: به شرحی که در ذیل مسأله ۷۶ شرایط وجوب گذشت.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مگر برای کسی که اگر آنچه دارد در راه حج خرج کند زندگی او قبل و بعداز حج تفاوتی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر چنانچه انجام حج در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حج او صحیح است و رجوع به کفایت شرط نیست.

(۲). آیهٔ اللَّه خویی: بر مریض یا شخصی که استطاعت مالی دارد ولی از تمکن از رفتن به حج ناامید است یا براو حرجی است

واجب است نایب بگیرد و وجوب آن فوری است. (مناسك، مسأله ۶۳).

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت یأس از خوب شدن، استنابه می‌کند، به‌نحو فوری بنابر اظهر.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: بنـابر احتیـاط بایـد نـایب بگیرد و وجوب آن فوری است مگر این‌که اطمینان به تمکّن از مباشـرت در سال‌های بعد داشته باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر امید به تمکّن از حجّ بدون حرج و مشقّت بعد از آن هم نداشته باشد در این فرض گرفتن نایب واجب است و وجوب آن فوری است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صـحّت بدن استطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد، واجب است نایب بگیرد درصورتی که حـج بر او مسـتقر شده، و اگر حج بر او مسـتقر نشده باشد، نایب گرفتن مطابق احتیاط است، اگرچه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۰).

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۴۹

استنابه برای عاجز از حج با استقرار

۸۳- اگر مسـتطیع، برای حـج اقـدام نکند تا در اثر پیری یا بیماری نتواند حج به‌جا آورد و امید خوب شدن هم نداشـته باشد، واجب است نایب بگیرد.

پیدایش مرض شدید قبل از انجام حج

۸۴- اگر فردی قبـل از انجام حـج- مثلًا در مـدینه- دچار مرض شدیـد شود، چنانچه سال اول اسـتطاعت او است و قـدرت بر اعمال، حتی به نحو اضـطراری را نداشـته باشـد، از اسـتطاعت خارج شـده؛ و اگر با این حال بخواهنـد او را به مکه ببرند، باید برای ورود به مکه محرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج شود.

شخص فوق چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج براو مستقر بوده، اگر مأیوس از خوب شدن باشد، باید نایب بگیرد.

اگر برای این شخص، انجام اعمال حج تمتع- ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال- ممکن باشد، لازم است محرم شود و هر مقـدار از اعمـال را که می‌توانـد ولو بـا کمـک گرفتن از دیگری، انجام دهـد، و هر مقـدار را که نمی‌توانـد، نایب بگیرد، ولی برای وقوفین، استنابه کافی نیست.

حصول مرض بعد از عمره تمتع

۸۵- اگر حج‌گزار بعد از انجام عمره تمتع مریض شود و نتواند اعمال حج را بجا آورد و به

---

(۱). تفصیل نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

آیـهٔ اللَّه بهجـت: بر چنین شخصـی واجب نیست به حـج برود ولی نـایب گرفتن بر او واجب است علی الأـظهر و برای تفصـیل آن به حاشیه مسأله ۸۶ مراجعه شود.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: حکم استنابه در مسأله ۸۶ آمده است.

(۳). آیـهٔ اللَّه تـبریزی، آیـهٔ اللَّه خـویی: اگر توانـایی مباشــرت اعمـال حـج را نـدارد ولـو به‌این‌کـه برای بعض اعمال‌نـایب بگیرد، از اسـتطاعت افتاده است. ولی اگر ثروتمند است و دیگر هیچگاه توانایی مباشـرت اعمال حج را ندارد و یا مشـقّت دارد، باید برای حج

نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج، فوری است. (مناسک، م ۶۳).

آیات عظام: صافی، گلپایگانی و مکارم: و قدرت بر نایب گرفتن هم ندارد.

(۴). آیهٔ اللّٰه خویی ...: ولی اگر دارا و ثروتمند است و امید به بهبودی ندارد یا حج بر او حرجی است بایدنایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، از استطاعت افتاده است ولی اگر تمکّن مالی دارد و توانایی مباشـرت اعمال حـج را نـدارد یا دشوار و با مشـقّت است و امیـد به بهبودی نـدارد بایـد نایب بگیرد. (مناسك، مسأله ۶۳).

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۵۰

وطن باز گردد، چنانچه سال اوّل استطاعت او بوده، وجوب حج در سال بعد، به دارا بودن استطاعت در آن زمان بستگی دارد؛ ولی اگر حـج بر او مستقر باشـد، چنانچه مأیوس از خوب شـدن باشـد، بایـد در همان سال با امکان، یا سال بعد، نایب بگیرد؛ و اگر امید بهبودی داشته باشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و باید خودش بعد از بهبودی، حج و عمره تمتع را انجام دهد.

استقرار حج و عدم امکان مسافرت با هواپیما

۸۶- اگر شخصـی حـج بر او مسـتقر شـده ولی به‌جهت کسـالت، مسـافرت بـا هواپیما، برای او مقـدور نباشـد و غیر از هواپیما وسـیله دیگری ممکن نباشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و باید خودش در

---

(۱). آیـهٔ اللّٰه بهجت: برای حکم اسـتنابه، به مسـأله ۸۶ مراجعه شود. و عمره او مفرده می‌شود و احتیاطاً بایـدطواف نسـاء به‌جـا آورد (مستفاد از سؤال ۱۳۶ مناسک).

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: مگر آن‌که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنابر احتیاط باید نایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه خویی: مگر آن‌که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند یا برای او مشقت داشته باشد و امید به بهبودی نداشته باشد که در این صورت بایـد برای حـج نـایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن ماننـد وجوب حـج فوری است. (مناسک، مسأله ۶۳ و قبل از مسأله ۱۵۱).

آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: اگر از انجام حـج متمکن نبوده، وظیفه او بنابر احتیاط واجب این بوده است که عمره تمتع را بـدل به عمره مفرده کنـد و طواف نساء را انجام دهـد، و اکنون اگر بازگشت برای او مقـدور نیست احتیاطاً بایـد برای طواف نساءنایب بگیرد. (مناسک، ذیل مسأله ۱۵۱ و ملحق مناسک، س ۹۲).

(۲). آیهٔ اللّٰه فاضل: و اگر نشد سال بعد.

(۳). آیهٔ اللّٰه مکارم: در همان سال و اگر ممکن نشد در سال‌های بعد.

(۴). آیـهٔ اللّٰه صافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط در این صورت هم نایب بگیرد و اگر بعـداً رفع عـذر شـد و دارای شـرایط بود احتیاطاً خودش نیز حج را انجام دهد. (مناسک عربی، ص ۳۲، مسأله ۹۰).

(۵). آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورت اسـتقرار حج، با فرض یأس از زوال عذر، واجب است اسـتنابه نماید و با امیدزوال عذر، احوط جمع بین اسـتنابه فوری و لوازم مناسب با احتیاط در آن است، و با زوال عـذر احوط اعاده با مباشـرت است و با تبـدیل امیـد زوال عذر به یأس از آن احوط تجدید اسـتنابه است و با اسـتمرار عذر تا وقت وفات، احوط برای غیر مأیوس قضای از او با تکرار اسـتنابه است. و امـا در صورت عـدم اسـتقرار حـج، پس بـا فرض یـأس از زوال عـذر، اظهر وجوب فوری اسـتنابه است و با امیـد زوال عـذر، احتیاط مسـتحب این است که فوراً اسـتنابه کند که با زوال عذر اعاده با مباشـرت می‌نماید و احتیاط در بقیه بر همان نحو است که ذکر شـد

(کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹).

آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر اطمینان به تمکن از مباشرت نداشته باشد، بنابراحتیاط واجب است که برای خود نایب بگیرد و چنانچه می‌داند متمکن از مباشرت نمی‌شود باید نایب بگیرد و همچنین در فرض بعدی باید بنا بر احتیاط نایب بگیرد و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حجّ فوری است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: واجب است تا آنجا که امکان دارد خودش به حج برود و اگر حج به سبب مرضی که امید زوالش نیست یا پیری یا اسباب دیگر، برای او مشقت دارد، واجب است نایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر امید به تمکن از مباشرت نداشته باشد، واجب است که برای خود نایب بگیرد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر امید بهبودی نداشته باشد می‌تواند نایب بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱

وقت تمکن، به حج برود؛ و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه‌اش برای او حج بجا آورند؛ ولی اگر حج بر او مستقر نبوده، در فرض مزبور، مستطیع نیست.

استطاعت طریقی فرزند با نوبت پدر

۸۷- اگر کسی که برای حج ثبت‌نام نموده، فوت نماید، به هر کدام از فرزندانش اجازه حج داده شود، اگر غیر از باز بودن راه، شرایط دیگر استطاعت را دارا باشد، و قبل از تحقق استطاعت، برای آن حج اجیر نشده باشد، استطاعت طریقی نیز حاصل شده و حج بر او واجب می‌شود.

---

(۱). تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۸۲ استطاعت گذشت.

(۲). آیهٔ اللّٰه صافی: اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست مگر آن‌که بالخصوص مورد وصیّت باشد و اگر منظور این است که یکی از آن‌ها می‌تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به‌جاآورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، بر هر کدام که می‌داند با استفاده از فیش مورد مزاحمت دیگران قرار نمی‌گیرد حج واجب است و اگر همه در این جهت مساوی باشند بر همه لازم است اقدام کنند و چنانچه یکی از آن‌ها بدون مسامحه دیگران موفّق به استفاده‌شد حج از دیگران ساقط است ولی با مسامحه، حکم به استقرار حج بر او خالی از وجه نیست. این در صورتی است که فیش از ترکه میّت محسوب نشود و اگر از ترکه محسوب شود در صورتی‌که هیچ یک از ورثه از حقّ خود نسبت به آن صرف نظر نکند، باید به فروش برسد و بهای آن بین ورثه- کما فرض اللّٰه- تقسیم شود و بنابراین، هر یک از ورثه یا غیر ورثه باید اقدام به خرید فیش نماید، هر کس برایش فراهم شد حج بر او واجب است و چنانچه پدر واجب‌الحج بوده است باید برای او استیجار نمایند هر چند به فروش فیش باشد.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ یک از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست، مگر آن که بالخصوص مورد وصیّت باشد، و اگر منظور این است که یکی از آنها می‌تواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج به‌جا آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، باید هر کدام سعی کنند که خودشان به حج بروند و در صورت مشاجره بین آن‌ها، با قرعه تعیین شود، و در هر صورت ارزش فیش را به ورثه مدیون است، و چنانچه پدر واجب الحج بوده است، باید برای او استیجار نمایند. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۴۴).

آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی ورثه باید بر آن توافق کنند و حج واجبی هم بر عهده پدر نباشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲

فرق حصول استطاعت قبل و بعد از استیجار

۸۸- اگر فرزنـدی راه برای او باز نبوده و از جهت نوبت پـدر و قبول اجاره، راه برای او باز شـده است، بایـد برای پـدرش حـج کند، مگر آن‌که تبرّعاً و بدون اجاره، به نیابت پدر به حج آمده باشد که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به‌جا آورد. و به مجرد وصیت و قبول فرزند، نیابتْ واجب نمی‌شود مگر آن‌که قبل از استطاعت، اجیر شود.

استجازه از ورثه برای انجام حج به نیّت خود

۸۹- شخصـی بـا فیش میّت اگر از سایر ورثه اجازه بگیرد می‌توانـد به حـج مشرف شود، آیا اسـتجازه از سایر ورثه به عنوان مقـدمه واجب- مثل ثبت‌نام و تهیه بلیط و امثال آن- واجب است یا نه؛ و نیز با فرض عدم استجازه، چنانچه با همان فیش به حج برود و سایر شرایط را داشته باشد، حج او/ صحیح است و کفایت از حَجّةالاسلام می‌نماید یا نه؟

---

(۱). آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید برای خود حج به‌جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

(۲). آیةاللّٰه خویی: در صورتی که وصیت پدر این بوده که او خودش حج نیابی را به‌جا آورد، فتوای ایشان‌معلوم نیست.

آیةاللّٰه سیستانی: در این صورت نیز باید برای پدرش حج کند.

آیةاللّٰه فاضل: در این صورت نیز باید برای پدرش حج بجا آورد هرچند اگر برای خودش نیز حج انجام دهد صحیح است.

(۳). آیةاللّٰه نوری: اگر در وصیّت قید «مباشرت شده» و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می‌شود و استیجار لازم نیست.

آیةاللّٰه بهجت: به ذیل مسأله ۳۳ مراجعه شود.

آیـةاللّٰه سیسـتانی: و گذشت که اگر اجرت معین شده باشد و او در حیات پدر وصـیت را قبول کرده باشد، اجاره است و باید انجام دهد.

آیةاللّٰه مکارم: اگر وصیت را قبول کرده واجب العمل است.

(۴). آیـةاللّٰه بهجت: با فرض اینکه تنها نیاز به امتیاز فیش دارد و از نظر مالی خودش مسـتطیع است بایـد بنابر احوط از این جهت هم استجازه کند هرچند بدون آن هم حج او صحیح و مجزی از حجّةالاسلام است با فرض اینکه قاصد استرضاء ورثه فیما بعد است.

آیت اللّٰه خامنه‌ای: در اسـتفاده از فیش میّت اجازه ورثه لازم است، و چنانچه بـدون اجازه از آن اسـتفاده نماید، اگر از میقات به بعد هم اسـتطاعت از ناحیه فیش باشـد، حجّ او حج اسـلام محسوب نیست، ولی اگر از میقات به بعد خودش هزینه حج را داشـته باشد و سایر شرایط هم متحّقق باشد حج او مجزی از حَجّةالاسلام است.

آیت اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط باید اجازه بقیه ورثه را تحصیل نماید.

آیت اللّٰه سیستانی: اگر از سایر جهات مستطیع باشد و تمکّن مالی در مورد پرداخت حق سایر ورثه در فیش نیز داشته باشد حج بر او واجـب اسـت و بایـد مقـدمات را تهیـه کنـد و درایـن فرض اگر بـدون اجـازه از فیش اسـتفاده کنـد، حجش صـحیح و مجزی اسـت وبدهکار حق ورثه است.

آیت اللّٰه صـافی: در فرض سؤال، اسـتجازه لازم نیست، چـون تحصـیل اسـتطاعت است که واجب نیست. و اگر بـدون اجـازه برود، هرچند گناه کرده لکن اگر در میقات شرایط استطاعت در او باشد حج صحیح و مجزی از حَجّةالاسلام است.

آیت اللّٰه فاضل: تصرّف در فیش، که مشترک است، باید با رضایت و اجازه همه ورثه باشد ولی اگر استجازه نکرد، هرچند معصیت

کرده است ولی حج او صحیح است و کفایت از حَجّهٔالاسلام می‌کند، اما باید رضایت ورثه را تحصیل نماید.
آیت اللّه مکارم: استجازه کردن لازم نیست ولی اگر استجازه کند و اجازه دهند و سایر شرایط را داشته باشد مستطیع می‌شود.
مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۵۳

استنابه برای میت در میقات و انجام حج برای خود

۹۰- کسانی که با فیش میّت و به نیابت از وی به حج می‌روند، اگر خود نیز شرایط استطاعت را دارا باشند، بجز باز بودن راه، که آنهم با فیش حج میّت حاصل شده است، آیا می‌توانند- مثلًا در مدینه یا جده (قبل از میقات)- برای متوفّی نایب بگیرند و خودشان حج واجب خود را انجام دهند؟

---

(۱). آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بتواند ورثه را راضی کند که با آن فیش برای خود حج بجاآورد و برای میت نایب بگیرد، واللّه العالم.
آیهٔاللّه بهجت: مانعی ندارد اگر اجاره مطلق بوده و شرط مباشرت نشده است.
آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا اینکه ورثه فیش را به یکی از فرزندان بدهند که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر بجا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته نشده که نیابت کند، باید برای خودش حج به‌جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر اجیر باشد و نیابت مشروط به آن سال باشد. باید حج نیابی را مقدّم بدارد و اگر مشروط نباشد یا اجیر نباشد، بایـد حـج خود را مقـدّم بـدارد و می‌تواند برای میّت نایب بگیرد مگر این که مطمئن باشد در آینده می‌تواند حج خود را انجام دهد که در این صورت می‌تواند حجّ نیابی را انجام دهد.
آیهٔ اللّه صافی: در فرض مرقوم، استیجار شخص دیگری صحیح نیست، بلی اگر برای انجام حج، اعمّ از مباشرت و تسبیب اجیر شده باشد و حج مورد اجاره میقاتی باشد باید خودش حَجّهٔالاسلام خود را بجا آورد و برای میّت حج میقاتی استیجار کند. واللّه العالم.
آیـهٔ اللّه فاضل: در فرض سؤال، وظیفه انجام حـج نیابی است. گرچه اگر برای خود حـج انجام دهند صـحیح است. هر چند معصـیت کرده‌اند. و نایب گرفتن برای متوفّی در صورتی صحیح و مجزی است که مجاز در استنابه باشند. و الّا مجزی نیست.
آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که میت وصیت برای حج بلدی نکرده باشد، این کار مانعی ندارد.
آیـهٔ اللّه نوری: این قبیل افراد نمی‌تواننـد نایب باشـند و حجّ نیابی انجام بدهند، این شـخص هم لازم است حجّ خود را انجام بدهد و گرفتن نایب باید با نظر ورثه و یا وصی و یا حاکم شرع، که هر یک در مورد خود اختیار دارند، باشد.
مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۵۴
۹۱- در فرض سؤال قبل، اگر میّت مثلًا پسـر بزرگ خود را برای انجام حج مشخص کرده باشد، یا تمام ورثه اتفاق کنند که یکی از آنها از طرف میّت به حج برود، تکلیف او چیست؟

حصول عجز و بیماری و مسأله استنابه

۹۲- کسـی که از نظر مالی مستطیع بوده و برای حـج ثبت‌نام کرده، ولی در سال جاری که زمان اعزام وی رسیده، پزشکیِ حج به دلیل بیماری و یا کهولت سنّ به او اذن حـج نداده است؛ الف: آیا هنوز مسـتطیع است و حج بر وی واجب می‌باشد؟ ب: آیا تا وقتی زنده است، می‌تواند نایب بگیرد؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی: به همان نحو که در مسأله سابقه گذشت عمل شود واللَّه العالم.
آیهٔاللَّه بهجت: جواب آن از سوال قبل معلوم می‌شود.
آیهٔاللَّه سیستانی: در صورتی که وصیّت به یکی از آنها کرده باشد، باید به جای او حج انجام دهد و خودش مستطیع نیست. ولی اگر توافق آنها بر یکی از آنها باشد مصداق مسأله فوق است.
آیهٔ اللَّه صافی: با فرض آنکه استطاعت طریقی ندارد جایز است از طرف میت حج بجا آورد.
آیهٔ اللَّه فاضل: اگر وصیت کرده باشد باید به جای متوفی حج بجا آورد و خودش در آن سال مستطیع نیست و اگر تمام ورثه رضایت بدهند که یکی حج بجا آورد، اگر بگویند به نیابت حج بجا آورد، باید بجای متوفی حج انجام دهد و اگر اجازه دادند برای خودش حج انجام دهد، برای خودش انجام دهد.
آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه میت وصیّت کرده، باید به وصیّت او عمل شود و اگر ورثه توافق کنند جایز است او به حج برود.
آیهٔ اللَّه نوری: اگر خود آن فرزند مستطیع باشد، نمی‌تواند نیابت را قبول کند.
(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: الف: اگر در سال اولی که مستطیع شده بدون تأخیر ثبت‌نام نموده و حال زمان اعزام او رسیده، در حالی که توانایی جسمی ندارد از آن کشف می‌شود که مستطیع نبوده و اگر تأخیر کرده بوده بطوریکه اگر اقدام می‌کرد قبل از مریض شدن می‌توانست حج بجا آورد بر او مستقر شده و از قبل در حکم مستطیع است.
ب: در صورتی که مستطیع بوده و از توانایی خود ناامید باشد، باید فوراً نایب بگیرد و اگر در صورت استنابه رفع مانع شد وجوب اعاده با بقاء استطاعت بلکه مطلقاً احوط است.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: الف: مستطیع نیست.
ب: استنابه واجب نیست.
آیهٔ اللَّه سیستانی: چنانچه از نظر بدنی مستطیع نباشد و از حصول استطاعت تا آخر عمر مأیوس باشد، باید نایب بگیرد، و همچنین است در صورتی که استطاعت بدنی داشته باشد و لکن راهی برای رفتن به حج نداشته باشد، حتّی تا آخر عمر.
آیهٔ اللَّه صافی: احتیاط واجب در صورت بقای استطاعت مالی، این است که شخص مذکور، در حال حیات خود کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید و بهتر بلکه احتیاط مستحب این است که در این صورت کسی را به نیابت بفرستد که اوّلین مرتبه حجّ او باشد و اگر استطاعت مالی او باقی نیست، در صورتی که در سنوات گذشته به غیر از طریق ثبت نام برای حج، امکان تشرّف به حج برای او در آن سال‌ها نبوده است و فعلًا که امکان حاصل شده استطاعت مالی ندارد، حج بر او واجب نیست.
آیهٔ اللَّه نوری: الف: اگر در سال های سابق حج بر او مستقر نبوده، در فرض سؤال مستطیع نیست.
ب: نیابت لازم نیست.
آیهٔ اللَّه تبریزی: چنانچه شخص مزبور تمکّن از رفتن به حج- ولو از طریق آزاد- را دارد، باید به حج برود و اگر به علت بیماری یا کهولت سن، خودش نمی‌تواند به حجّ برود. بنابراحتیاط واجب باید کسی را بفرستد که از طرف او حج انجام دهد.
آیهٔ اللَّه فاضل: الف: چنانچه قبلًا حج بر او مستقر نبوده، در فرض مزبور مستطیع نمی‌باشد و حج بر او واجب نیست.
ب: نیابت گرفتن برای حجّ مستحبی مانعی ندارد ولی کسی که قبلًا حج بر او مستقر شده و فعلًا توانایی انجام آن را ندارد، نمی‌تواند نایب بگیرد مگر این‌که مأیوس از رفع عذر باشد.
آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه استطاعت او تنها از طریق ثبت نام حاصل شده است و اکنون که نوبت او رسیده از نظر جسمی توان ندارد، مستطیع نمی‌باشد ولی اگر از طریق آزاد هم می‌توانسته به حج برود و نرفته مستطیع است و باید نایب بگیرد تا از سوی او حج بجا آورد.

آیـهٔ اللّه صافی: احتیاط واجب در صورت بقاء اسـتطاعت مالی این است که شـخص مـذکور، در حال حیات خود کسـی را از طرف خود بفرستد که حج نماید و بهتر بلکه احتیاط مستحب این است که دراین صورت کسی را به نیابت بفرستد که اوّلین مرتبه حجّ او باشد و اگر اسـتطاعت مالی او باقی نیست در صورتی که در سـنوات گذشـته به غیر از طریق ثبت نام برای حج امکان تشرّف به حج برای او در آن سال‌ها نبوده است و فعلًا که امکان حاصل شده استطاعت مالی ندارد حجّ بر او واجب نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵

حج کسی که از مدینه باید بازگردد

۲/ ۹۲- شخصی در ماههای حج به مدینه رفته و شرایط استطاعت را داراست ولی مقررات
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶
اداره‌ای کـه در آن مشـغول به کـار است، به وی اجـازه مانـدن تـا ایـام حـج را نمی‌دهـد، و بایـد به ایران برگردد، آیـا بایـد بمانـد و حَجهٔالاسـلام بجا آورد و یا با منع اداری اسـتطاعت برای او حاصل نیست، و در صورتی که با اصرار و درخواست و گرفتن مرخصی بدون حقوق به وی اجازه می‌دهند، آیا واجب است اقدام کند و تا ایام حج بماند و حَجّهٔالإسلام بجا آورد یا واجب نیست؟

ثبت نام برای حج

حکم ثبت نام برای حج و موارد گوناگون آن در مسایل ۷ الی تا ۱۰ گذشت.

موارد خروج از استطاعت و نیاز به پول

اشاره

۹۳- کسـی که از جهت مالی استطاعت دارد ولی از جهت صحت بدن، یا باز بودن راه، مستطیع نیست، می‌تواند در مال تصرّف کند و خود را از استطاعت مالی خارج کند؛ ولی اگر از آن

---

(۱). آیهٔ الله بهجت: اگر وقت کوچ برای حج رسیده منع اداری میزان نیست بلکه وقوع در عسر و حرج فعلی یا آتی میزان است
آیهٔ الله فاضل: اگر ماندن تا ایام حج موجب بیکار شدن او می‌شود، رجوع به کفایت ندارد و حج بر او واجب نیست، اما اگر موجب بیکار شدن نمی‌شود و اگر مرخصـی بدون حقوق بگیرد از نظر معیشتی با مشـکل برخورد نمی‌کند واجب است بماند و حج خود را انجام دهد.
(۲). آیهٔ الله تبریزی: اگر می‌داند در همان سال سایر شـرایط استطاعت حاصل می‌شود، حفظ استطاعت مالی لازم است، بلکه در غیر این صورت هم بنابر احتیاط واجب، حفظ استطاعت لازم است، و اگر اطمینان به زوال عذر تا آخر عمر ندارد، بنابر احتیاط در همان سال نایب بگیرد و چنانچه عذرش زایل شد و استطاعت مالی باقی بود بنابر احتیاط دوباره خودش حج بجا آورد
آیـهٔ الله صافی، آیـهٔ الله گلپایگانی: اگر از جهت مالی قدرت دارد و از جهت صـحت بدن اسـتطاعت ندارد و امید خوب شدن ندارد واجب است نایب بگیرد، بلکه احوط نایب گرفتن است برای کسـی که امیـد خوب شدن دارد، پس اگر رفع عذر شد، خودش نیز به حج برود، مگر این که پس از رفع عذر استطاعت مالی نداشته باشد. (مجمع المسائل، ج ۱، مسأله ۱۸ ص ۴۳۱).
(۳). آیـهٔ الله خویی: اگر دارا و ثروتمنـد است و توانایی مباشـرت اعمال حـج را ندارد یا دشوار و با مشـقت است باید نایب بگیرد. و

وجوب نایب گرفتن، مانند وجوب حج فوری است. (مناسک، مسأله ۶۳

آیهٔ الله سیستانی: کسی که تمکن مالی دارد ولی توانایی مباشرت حج را ندارد و امید این که بتواند در آینده انجام دهد ندارد، واجب است نایب بگیرد و اگر مباشرت برای حرج و مشقت داشته باشد، می‌تواند نایب بگیرد، گرچه مباشرت افضل است و به هر حال همچنان که وجوب مباشرت فوری است، وجوب استنا به نیز فوری است.

آیهٔ الله مکارم: یعنی در موقع حج استطاعت بدنی و باز بودن راه را ندارد.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که موضوع وجوب استنابه، که یأس از رفع مانع است، محقّق نشده باشد. (کتاب حج، ص ۱۸ و ۱۹)

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بلی اگر علم داشته باشد که در آن سال متمکّن از رفتن به حج است، جواز مصرف کردن وجه در غیر حج (خصوصاً در اوان خروج مردم برای حج) مشکل است، و اگر استطاعت مالی بعد از استطاعت طریقی حاصل شده باشد، تصرف در آن مال در زمانی که مردم آماده برای حج می‌شوند جایز نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۳۷).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در مورد نظر ایشان به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷

جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند وگرنه حج بر او مستقر می‌شود و باید به هر نحو به حج برود. ۹۴- اگر در سالِ استطاعت مالی، از جهت صحت بدن یا باز بودن راه، استطاعت نداشته باشد، می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی خارج نماید حتی اگر اطمینان داشته باشد که

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل: حتی اگر اول ماه محرم باشد که هنوز چندین ماه به موسم حج باقی است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، می‌تواند قبل از وقت حرکت قافله آن را در مصارف خود خرج کند هرچند دیگر نتواند به حج برود ولی در صورتی که آن مال را به‌طور نسیه تا زمان بعد از حج بفروشد و منظور فرار از استطاعت باشد، احتیاط این است که اقدام به این عمل ننماید. و اگر نموده با خود معامله مستطیع کند به این‌که سال آینده به حج برود با احتیاطاتی که سبب قطع به اجزاء از حَجّهٔالاسلام است (یعنی احتیاطاً سعی در تحصیل و حفظ استطاعت شرعیه برای خود در وقت سیر کاروان در سال آینده بنماید نه صرف استطاعت عقلیه) و اگر معامله نه برای فرار است بلکه برای حاجت فعلی است که متمکّن از بر آورده شدن آن نمی‌شود، مگر بعد از وقت سیر یا وقت حج اظهر جواز آن است (کتاب حج، ص ۱۱).

آیهٔ اللَّه خویی: هرگاه انسان مالی داشته باشد که کفاف هزینه حج را بدهد، حج بر او واجب می‌شود و جایز نیست در آن مال تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند. و این تصرف خواه پیش از تمکن از سفر باشد یا بعد از آن فرقی ندارد، بلکه ظاهر این است که قبل از ماه‌های حج تصرف جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در تفصیل تمکن از مسیر می‌فرمایند: اگر در آن تصرفی کند که از استطاعت خارج شود و نتواند تدارک کند، و برای او مشخص شده باشد که قدرت رفتن به حج در روزهای آن را داشته باشد، بنابر اظهر حج در ذمّه او مستقر است، ولی اگر قدرت رفتن برای او مشخص نشده باشد، حج در ذمّه او مستقر نیست. (مناسک، مسأله ۳۹).

(۳). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پس از فرا رسیدن زمانی که صرف آن برای رسیدن به حج لازم است، شخص‌مستطیع نمی‌تواند خود را از استطاعت بیندازد و پیش از فرا رسیدن این زمان نیز احتیاط واجب آن است که خود را از استطاعت خارج نسازد.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: تصرّف در مال جایز نیست و واجب است مال را حفظ کند و خود را از استطاعت خارج نکند. (حاشیه بر عروهٔ الوثقی).

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب، استطاعت خود را حفظ کند.
آیـهٔ اللَّه صافی و آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر اطمینان دارد که در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیـدا می‌کنـد بنابر احتیاط (آیهٔ اللَّه گلپایگانی بنابر فتوی) نمی‌تواند در مال تصرف کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۸
در سال‌های دیگر از آن جهات، استطاعت پیدا می‌کند.
۹۵- در زمان حصول استطاعت، فرقی بین شهر حج- یعنی «شوال» و «ذی‌القعده» و «ذی‌الحجه» - و قبل از آن نیست؛ بنابراین، بعد از تحققِ اسـتطاعت مالی، اگر سایر شرایط موجود باشد، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه‌های حج.

نیاز به پول قبل از حج

۹۶- اگر کسـی در اولین سـال تمکّن، برای حـج ثبت‌نـام نموده باشـد ولی قبل از انجام حـج، از نظر مالی به آن پول محتاج شود، از استطاعت خارج شده و می‌تواند پول را پس بگیرد؛ و حج بر او واجب نیست هرچند در همان سال اول، نوبت اعزام او فرا برسد.

عدم جواز بخشش پول حج و حصول ملکیت

۹۷- مسـتطیع نمی‌توانـد پول حـج را در مصـرف دیگری هرچنـد لازم باشد، خرج کند؛ و نیز نمی‌تواند آن را به دیگری حتی پدر و مادر خود، ببخشد و خود را از استطاعتْ خارج نماید؛ ولی در هر صورت، برای گیرنده مالکیت حاصل می‌شود.
۹۸- مستطیع نمی‌تواند نوبت خود را به دیگری واگذار کند ولو زن به شوهرش، ولی اگر چنین کرد، حج شوهر صحیح است.

۴- چهارمین شرط وجوب حج: حریّت.

---

(۱). تفصیل نظر مراجع در ذیل مسأله ۹۴ و ۹۳ گذشت.
آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.
(۲). به ذیل مسأله ۹۳ مراجعه شود.
(۳). آیهٔ اللَّه مکارم: ولی زن گناه کرده است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۰

يَا مُجِيبَ مَنْ لا مُجِيبَ لَهُ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِکَ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّکَ صَلَوَاتُکَ وَ رَحْمَتُکَ

وَ مَغْفِرَتُکَ وَ رِضْوَانُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّکَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

عن أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ يَقُولُ:

«طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَ الدُّعَاءَ،

وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبَهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ

وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ

وَ لَمْ يَحْزن صَدْرهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ

الكافی ۲ باب الإخلاص ص: ۱۵

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۱

باب دوم: موارد استنابه

فصل اول: موارد استنابه

۱- استنابه برای میت

اشاره

۹۹- اگر کسی حج بر او مستقر شود و به‌جا نیاورد تا فوت کند، باید از ترکه او در همان سال اول، برایش حج بجاآورند و تأخیر جایز نیست؛ و تا حج او را ندهند، ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرّف نمایند؛ و در صورتی که ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی‌شود.

کفایت حج میقاتی

در فرض مذکور، حج میقاتی کفایت می‌کند؛ ولی اگر در همان سال، استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود؛ و همچنین اگر در سال اول از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف،

لازم است اقدام کنند و تأخیر نیندازند.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: تأخیر در ادای دَیْن بدون عذر جایز نیست.
(۲). آیـهٔ اللّه سیسـتانی: احوط این است که فوراً برای فارغ شـدن ذمّه او اقدام نمایند، هرچند با استیجار از ترکه، و اگر در همان سال استیجار از میقات میسّر نشد، به احتیاط واجب باید از بلد استیجار کنند و تأخیر نیندازند هر چند بدانند در سال بعد، از میقات میسّر می‌شود، ولی در این صورت مازاد بر اجرت حج از میقات را، از سهم صغار ورثه به حساب نیاورند. (مناسک، مسأله ۷۹).
(۳). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مگر آنکه وصیت کرده باشد که مخارج حجّ از ثلث پرداخت شود، و در این صورت عمل به آن، بر وصایای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مالش برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشته می‌شود.
آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که وصیّت کند از ثلث خارج شود و ثلث کافی باشد و اگر کافی نباشد از سایر ترکه باید تکمیل شود.
آیهٔ اللّه مکارم: مگر این‌که وصیّت کند از ثلث خارج شود.
(۴). آیهٔ اللّه بهجت: دین مقدم است حتی بر وصیت ولی در زاید باید با اجازه ورثه باشد و بنابر احتیاط زاید را بین غیر صغار تقسیم نمایند.
آیهٔ اللّه سیستانی: بنابراحتیاط واجب، ولی مازاد بر اجرتِ متعارف را از سهم‌صغار ورثه به حساب نیاورند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۲
اگر وصی یا وارث، در استیجار برای حج میت، اهمال و تأخیر کنند تا ترکه از بین برود، ضامن می‌باشند.

میزان استقرار حج بر میت

۱۰۰- چنانچه شخصـی فوت کند و در حال حیات، خرج عیال و رفت و برگشت به حج را داشته؛ و در برگشتن هم، درآمد لایقِ به حال خود و خانواده را داشـته و می‌توانسته به مکّه برود و تأخیر انـداخته، مستطیع بوده و چنانچه وصـیت نکرده، حـج از اصل ترکه خارج می‌گردد.

فوت حج‌گزار بعد از احرام و سقوط حج

۱۰۱- اگر حـج‌گزار بعـد از احرام و دخول حرم فوت کنـد، حـج از او ساقط می‌شود؛ و اگر قبل از دخول حرم فوت نمایـد، چنانچه سال اول استطاعت او بوده، حج بر وی واجب نشده است.

حق ورثه با امکان فروش فیش میت به قیمت بازار

۱۰۲- اگر فروش فیش حج متوفی به مبلغی ممکن باشد که به کمتر از آن مبلغ، بتوان برای حج میت نایب گرفت، آیا می‌توان از آن فیش برای رفتن به حج استفاده کرد، در حالی که مازاد قیمت آن،

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: یعنی و نفقه عیالاتش در نبود او.

(۲). آیـة اللّه بهجت: و اگر نمی‌توانسـته ولی می‌توانسته استنابه کنـد، حکم آن در مسأله ۸۶ گـذشت و نیز برای «مراد از رجـوع به کفایت» به مسأله ۷۶ مراجعه شود.

آیـة اللّه خویی: بلکه اگر دارا و ثروتمنـد بوده و توانایی مباشـرت اعمال حـج را نداشـته یا دشوار و با مشـقت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده حج بر ذمه‌اش می‌باشد مگر این‌که احتمال داده شود در حال حیات در مورد اسـتطاعت خود غافل قاصر بوده که در این صورت لازم نیست برای او حج بجا آورند.

آیة اللّه سیسـتانی: بلکه اگر تمکن مالی داشته و توانایی مباشـرت اعمال حج را نداشـته یا دشوار و با مشـقّت بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده است حج بر ذمّه‌اش می‌باشد (مناسک، مسأله ۶۳).

(۳). آیـة اللّه تبریزی: و همچنین بنـابر احتیـاط اگر ثروتمنـد بوده و توانـایی مباشـرت اعمال حـج را نداشـته یا دشوار بوده و در نایب گرفتن تأخیر کرده، حج بر ذمه‌اش می‌باشد.

(۴). آیة اللّه سیستانی: به مسأله ۱۵۸ مراجعه شود.

آیة اللّه مکارم: اگر بعد از احرام فوت کند حج از او ساقط است. خواه در حرم فوت کرده باشد و یا در خارج حرم.

(۵). آیة اللّه بهجت: یعنی سال اول استطاعت شرعیه نه فقط مالیّه.

آیـة اللّه خـویی: بلکه در این فرض حـتی اگر حـج بر ذمّه‌اش مسـتقر نبوده ولی قبـل از احرام یـا دخول حرم بمیرد، ظـاهراً قضـا از او واجب شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۳

متعلق به ورثه است مخصوصاً اگر میّت، وارث صغیر داشته باشد؟

۲- افراد مریض و ناتوان

۱۰۳- کسـی که به‌واسـطه مریضـی یا پیری، قدرت رفتن به حج را ندارد، یا رفتن، برای او حـرج و مشـقت دارد، اگر حج بر او مستقر شده باشد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد؛ و به احتیاط واجب، باید فوراً نایب بگیرد؛ و اگر حج بر وی مستقر نشده باشد، اقوی عدم وجوب استنابه است.

---

(۱). آیةاللّه بهجت: مازاد قیمت را باید کبار ورثه از سهم خود اجازه دهند و یا در صورت وصیّت از ثلث بردارند.

آیـة اللّه تبریزی: اگر به مبلغ کمتر می‌توان نـایب گرفت، بـدون اذن همه ورثه نمی‌توان از فیش برای حـج اسـتفاده کرد مگر این که میت وصیت کرده باشد که در این صورت ما به التفاوت از ثلث حساب می‌شود، واللّه العالم.

آیـة اللّه سیسـتانی: فیش به ورثه منتقل می‌شود و اگر حج بر میت مسـتقر باشد یا وصـیت کرده باشد باید برای او نایب بگیرند و اگر بخواهند با آن فیش بروند باید با رضایت ورثه باشد و اگر صغیر در میانِ آنها هست باید سهم او را بپردازند.

آیـة اللّه صـافی: نـایب گرفتن برای متوفّی به کمتر از مبلغ ارزش و فروش فیش حـجّ متوفّی مانعی نـدارد و زایـد بر مبلغی که صـرف استیجار حج شده، متعلّق به ورثه است و از خود فیش هم جهت استیجار با توافق ورثه می‌شود اسـتفاده کرد. بلی چنانچه متوفی ورثه صغیر داشته باشد، باید حق او ملاحظه شود. واللّه العالم.

آیة اللّه فاضل: چنانچه میت وصیتی نسبت به آن فیش نداشته باشد. می‌توان برای میت در صورت استقرار حج برای او استنابه کرد و فیش را در اختیـار دیگری قرار داده و مـابه التفـاوت، بین همه ورثه، طبق قانون شـرع تقسـیم گردد. و در این فرض فرقی بین داشـتن صغیر یا نداشتن آن نیست.

و در صورت نبودن وصیت و عدم استقرار حج با وجود صغیر، باید سهم صغیر از مجموع فیش به هر صورت رعایت شود و تفصیل این مسأله در استفتائات آمده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: باید فیش را بفروشند و مازاد را به ورثه بدهند.

آیهٔ اللَّه نوری: اگر حج بر متوفی واجب بوده است و ورثه کبار نباشند، لازم است برای حجّ متوفی نایب بگیرند و از آن فیش هم به نحوی که ذکر شده است استفاده اشکال ندارد و اگر همه کبیر باشند، با رضایت آنان می‌توان با آن فیش برای او حج به جا آورد.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: به مسأله ۸۶ مراجعه شود.

تفصیل این مسأله ذیل مسأله ۹۳ گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۴

فصل دوم: شرایط نایب و منوبٌ‌عنه

۱- شرایط نایب

اشاره

۱۰۴- در نایب، اموری به شرح ذیل، شرط است:

۱- بلوغ، بنابر احتیاط واجب؛

۲- عقل؛

۳- ایمان؛

۱۰۵- همان‌طور که ایمانِ نایب، در اصل نیابت حج، شرط است، در سایر اعمالی که نیابت در آنها جایز است- مثل ذبح و رمی و طواف- نیز شرط است.

۴- وثوق و اطمینان به انجام دادن او؛

و اما بعد از عمل، اطمینان به صحت آن لازم نیست؛

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: نیابت طفل غیر ممیز صحیح نیست و اگر بچه ممیّز باشد و قائل به شرعیّت عبادت صبیّ ممیز باشیم، خالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد. (کتاب حج، ص ۳۹).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: نایب باید بالغ باشد، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، البته در حَجهٔالاسلام و حج‌های واجب دیگر، هرچند آن بچه ممیّز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با

اذن ولی صحیح باشد. (مناسک، م ۱۰۳).

آیهٔ اللّه سیستانی: بلوغ شرط است و بنابر احتیاط بچه ممیّز نمی‌تواند نایب شود، مگر در حج مندوب به اذن ولی.

آیهٔ اللّه مکارم: بلکه بنابر اقوی در حج واجب.

(۲). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: یعنی نایب باید شیعه اثنی‌عشری باشد و بنابر احتیاط واجب، نیابت غیر مؤمن کفایت نمی‌کند.

(۳). نظرات آیات عظام در شرطیت و عدم شرطیت ایمان در ذبح مسأله ۱۰۷۲ خواهد آمد.

(۴). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: و اگر نایب ثقه باشد اخبار او کافی است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر خبر داد که از طرف او انجام داده و از خبرش وثوق و اطمینان حاصل نشد، در این صورت اکتفا به خبر دادن او اشکال دارد (مناسک، مسأله ۱۰۴).

آیهٔ اللّه فاضل: این شرط در استنابه معتبر است نه در اصل نیابت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۵

و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می‌شود؛ و استنابه صحیح است هرچند قبل از عمل شک داشته باشد.

۵- آشنایی نایب با احکام حج هرچند با فراگیری در حال عمل

وظیفه نایب در تقلید

۱۰۶- نایب باید اعمال حج را طبق فتوای مرجع تقلید خود انجام دهد، و میزان، وظیفه خود اوست؛ ولی اگر به کیفیت خاصی اجیر شده، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

۱۰۷- اجیر و مستأجر، لازم نیست که سؤال کنند که مقلّدِ چه کسی هستند؛ و اجیر، مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: وقتی ذمه منوبٌ‌عنه فارغ و بریء می‌شود که یقین حاصل شود که نایب عمل را به‌طورصحیح به‌جا آورده یا آن‌که اماره معتبره باشد بر به‌جا آوردن. (مناسک، مسأله ۱۰۱).

(۲). آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط واجب عدم استنابه در این دو مورد است.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: در نیابت از میّت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صحیح از زنده فی الجمله‌احتیاط می‌کند (مناسک، س ۲۳).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چنانچه منوبٌ‌عنه حیّ باشد، باید طبق تقلید منوبٌ‌عنه عمل کند و چنانچه منوبٌ‌عنه مرده باشد، اگر وصیت کرده، باید به تقلید منوبٌ‌عنه عمل کند. در غیر این دو صورت، مراعات تقلید منوبٌ‌عنه لازم نیست. آیهٔ اللّه تبریزی اضافه فرموده‌اند: و بنابر احتیاط لازم است آن عمل بنا به تقلید وصیّ و ورثه هم صحیح باشد و اگر وصیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید طبق تقلید خودش عمل کند ولی اگر اجیر شده باشد که طبق نظر منوبٌ‌عنه یا مستأجر عمل کند، چه به صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط مراعات تقلید منوبٌ‌عنه را بنماید.

آیهٔ اللّه خویی: اگر اجیر بتواند اعمال را به‌نحوی انجام دهد که بداند مطابق تقلید منوبٌ‌عنه واقع می‌شود، و در صورتی که عمل

طبق فتوای مقلَّد منوبٌ‌عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۶

۶- مشغول نبودن ذمه نایب، به حج واجب در سال نیابت؛

عدم صحت نیابتِ افراد واجب‌الحج

۱۰۸- نایب شدن مستطیع و نیز کسی که حج بر او مستقرّ است، جایز نیست؛ و اگر نیابت کنند، باطل است؛ چه عالم به‌حکم باشند یا نباشند.

۱۰۹- مستطیع نمی‌تواند حج نیابی انجام دهد؛ و حتی اگر کسی با داشتن استطاعت، عمره تمتع را از طرف منوبٌ‌عنه انجام داده باشد، نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است و باید به میقات برگردد و برای خودش محرم شود و حجةالاسلام به‌جا آورد.

۱۱۰- شخصی که- مثلًا- به علت تعلّل در نام‌نویسی، حج بر وی مستقر شده، نمی‌تواند نایب شود؛ و حتی اگر برای نیابت تا میقات هم آمده باشد، باید برای خودش حج نماید.

---

(۱). به ذیل مسأله ۳۲ مراجعه شود.

(۲). آیةالله فاضل، آیةالله مکارم: نیابت او صحیح است هر چند گناه کرده است.

(۳). آیةالله بهجت: به ذیل مسألهٔ ۳۳ مراجعه شود

آیةالله تبریزی، آیةالله خویی: با فرض وجوب حج بر خود او اجاره باطل می‌باشد، ولی حج صحیح است و ذمه منوب عنه بریء می‌شود، گرچه موظف بوده است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود

آیةالله سیستانی: اگر مطمئن باشد در سال بعد حج خود را انجام می‌دهد، حج نیابی را تمام کند و اگر مطمئن نیست باید به یکی از مواقیت رفته و برای خود احرام ببندد ولی اگر حج نیابی را تمام کند حجش صحیح است و اگر استیجاری باشد اجاره باطل است و مستحق اجرت المثل است

آیةالله فاضل: نیابت او صحیح است اگر چه معصیت کرده است، و در مورد مذکور، که فعلا از احرام خارج شده است، واجب است به میقات برگردد و برای خودش محرم شود. ولی اگر دوباره معصیت کرد و حج نیابی را تمام کرد صحیح است و از منوب عنه مجزی است.

(۴). آیةالله اراکی، آیةالله نوری: مگر آن که به نحو خطا در تطبیق باشد که در این صورت از طرف خودش واقع می‌شود.

(۵). آیةالله بهجت: نیابت شخص مستطیع جایز نیست ولی اگر انجام دهد صحیح است؛ چنان که در ذیل مسأل ۳۳ آمده است

آیةالله تبریزی: در فرض مزبور برای خودش حج به جا آورد و برای آن شخص نایب بگیرد

آیةالله خویی: حج نیابی او صحیح است و در صورتی که رفتن به حج منحصر به استفاده از سهمیه آن شخص بوده و استفاده از آن بنا به وصیت وی یا نظر ورثه موقوف به این باشد که خود او برای آن شخص حج نیابی انجام دهد، این که لازم باشد چنین ضخصی باز برای خود حج بجا آورد، فتوای ایشان روشن نیست.

(۶). آیةاللّه خامنه‌ای: اگر استطاعت طریقی‌فقط به‌سبب نیابت حاصل شده، نیابت صحیح است و باید برای منوب‌عنه حج بجاآورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۷

انکشاف استطاعت بعد از عمره نیابی

۱۱۱- اگر نایب بعد از احرام، در مکه بفهمد که مستطیع است، احرام او صحیح نیست و باید برگردد و برای عمره تمتع، برای خودش محرم شود؛ و برای منوبٌ‌عنه، نمی‌تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد، یا استیجار او، برای مطلق تحصیل حج باشد.

جواز نیابت در فرض عدم استطاعت طریقی

۱۱۲- اگر غیر از باز بودن راه، دیگر شرایط استطاعت موجود باشد، اجیر شدن برای دیگری مانعی ندارد؛ ولی اگر کسی بدون اجیر شدن، خود را- ولو با استفاده از فیشِ میّت- به میقات برساند، نمی‌تواند حج نیابی انجام دهد و باید برای خودش حج انجام دهد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۳۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط باید اعمال عمره را تمام کند و طواف نساء هم به‌جا آورد و لازم است پس از آن به میقات برگشته و برای خود محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر حج نیابی را تمام کند صحیح است گر چه وظیفه‌اش رها کردن حج نیابی و احرام بستن برای حج خودش بوده است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر مطمئن است که سال دیگر می‌تواند حج خود را انجام دهد، حج نیابی را تمام کند وگرنه آن را رها کند و به میقات برگردد و برای خود احرام ببندد. (ملحق مناسک، س ۱).

آیهٔ اللَّه فاضل: احرام او صحیح است و تبدّل نیّت برای شخص محرم صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاطاً عمره را تمام کند و طواف نساء به‌جا آورد و به میقات برگردد و محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد و الّا اجاره او صحیح است و در آن سال مستطیع نیست.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: در فرض مزبور، این شخص برای خود حج به‌جا آورد و برای حجّ میّت نایب بگیرد.

آیهٔ اللَّه خویی: مراجعه شود به مسأله ۱۱۰.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با فرض استطاعت در میقات، نیابت صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر از نام‌نویسی آن شخص استفاده کند، باید برای او حج نماید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۶۸

حصول استطاعت با اجیر شدن برای حج

۱۱۳- اگر اجیر به وسیله اجرت نیابت، مستطیع شود، در صورتی که استیجارْ برای سال اول باشد، باید حج نیابی را مقدّم بدارد؛ و چنانچه در سال بعد مستطیع باشد، برای خودش در آن سال، حج به‌جا آورد.

استنابه فرزند بدون استیجار و حصول استطاعت

۱۱۴- اگر پدری فرزندش را بدون استیجار، نایب قرار دهد و فوت کند و فرزند با ارثیّه پدر یا غیر آن، مستطیع شود، باید اول برای خودش حج بجا آورد؛ و حتی اگر سهم‌الارث- مثلًا- کالایی باشد و بتواند آن را تبدیل به پول نماید، باید بر حج اقدام کند، و برای پدر بعداً حج انجام دهد، یا دیگری را نایب بگیرد.

استنابه فرزند با استیجار و حصول استطاعت

۱۱۵- اگر پـدری فرزنـدش را برای حـج اجیر نمایـد و فرزنـد بعـد از فوت او مسـتطیع شود، اگر فرزنـد برای سال اول- با تصـریح یا اطلاق که منصرف به سال اول است- اجیر شده باشد و قبول اجاره

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: امّا اگر حج نیابی مقیّد به همان سال نباشد، حجّ خود را مقدّم بدارد.
آیـهٔ اللّه تبریزی: اما اگر مقیّـد به همان سال نباشـد و برای او محرز است که می‌توانـد حـج نیابی را در سال‌های بعد به‌جا آورد، حج خودش را مقدّم کند و الّا باید حج نیابی را مقدّم بدارد.
آیهٔ اللّه سیستـانی: و امّا اگر حج نیابی مقید به همان سال نباشد، باید حج خود را مقدّم بدارد، مگر این‌که برای او وثوق حاصل شود که در سال‌های آینده حج را انجام خواهد داد، که در این صورت واجب نیست حج خود را مقدّم بدارد.
(۲). آیهٔ اللّه خویی: به حاشیه مسأله ۱۱۰ مراجعه شود.
(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این‌که وصیت شده باشد که حج را همان سال استطاعت انجام دهد، در این صورت اگر مطمئن باشد که سال بعد می‌تواند حج خود را انجام دهد به وصـیّت عمل کند وگرنه در آن سال حج خود را انجام دهد و حج از جانب پدر را سال بعد انجام دهد.
آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: اگر حج واجب برعهده پدر بوده، در همان سال نایب بگیرد تا تأخیر در انجام وصیّت نشود.
آیهٔ اللّه مکارم: اگر میّت شرط مباشرت کرده نمی‌تواند نایب بگیرد.
مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۶۹
قبل از اسـتطاعت خودش باشـد، بایـد در سال اول حـج نیابی را انجام دهد؛ و اگر در این صورت، اول برای خودش حج بجا بیاورد، حج او صحیح است هرچند در مخالفت اجاره، معصیت نموده است.
در فرض مذکور، اگر برای سال اول اجیر نشده، یا قبول اجاره، بعد از استطاعتِ خودش باشد، باید اول برای خودش حج بجا بیاورد و اگر اول حج نیابی را انجام دهد، حج نیابی باطل است و برای خودش هم واقع نمی‌شود و حج بر وی مستقر می‌شود.

وصیت موجب وجوب نیابت نیست

۱۱۶- مجرد وصـیت به حـج، بـدون استیجار، نیابت را بر کسـی واجب نمی‌کند هر چند وی وصـیت را قبول کرده باشد؛ بنابراین در فرض وصیت پدر با فرض استطاعت فرزند، بعد از فوت پدر، باید برای خودش حج به‌جا آورد و نیابت صحیح نیست.

(۱). آیـات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: در صورتی که اسـتطاعت او توقّف بر قبول استیجارداشـته باشـد، لازم است اوّل برای پدر حج انجام دهد و الّا استطاعتِ بعد، کاشف از بطلان اجاره است.
آیهٔ اللّه فاضل: هر کدام از دو حج را سال اول انجام دهد، محکوم به صحّت است هرچند در بعضی از صور عصیان کرده است.
(۲). آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر با پول نیابت مسـتطیع شده باشد. ولی اگر با پول دیگری مانند ارث مسـتطیع شده باشد، پس اگر مطمئن باشـد که سال بعـد می‌توانـد حـج خود را انجام دهـد، اجاره صـحیح است و بایـد در سال اوّل، حـج پدر را انجام دهد و اگر مطمئن نباشد اجاره باطل است و باید حج خود را انجام دهد.
(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این‌که مطمئن باشد که سال بعد می‌تواند حج خود را انجام دهد.
(۴). آیهٔ اللّه بهجت: در حاشیه مسأله ۳۳ گذشت که حج نایب صحیح و ذمّه منوبٌ‌عنه بریء می‌شود.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: حج نیابی او صحیح است و برای پدرش واقع می‌شود، ولی نایب اجرة المثل را طلبکار است. نه اجرة المسمّی را.

آیة اللَّه مکارم: صحیح است ولی به‌خاطر تأخیر حجّ خودش، معصیت کرده است.

(۵). آیة اللَّه نوری: اگر در وصیت قید «مباشرت» شده و فرزند وصیت را قبول کرده، نیابت واجب می‌شود، هرچند استیجار هم محقق نشده باشد.

آیة اللَّه سیستانی: اگر اجرت را معین کرده و او در حیات پدر قبول کرده، اجاره است و در صورتی که صحیح باشد باید انجام دهد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۴۹).

آیة اللَّه مکارم: اگر وصیّت کرده خودِ فرزند به‌جا آورد و او قبول کرده لازم است عمل کند. بنابراین استطاعت برای او حاصل نمی‌شود.

(۶). تفصیل این مسأله و نظر آیات عظام در مسأله ۱۱۳ و ۸۷ گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۰

۷- معذور نبودن نایب

عدم صحت نیابت افراد معذور

۱۱۷- کسی که از انجام بعضی از اعمال واجب حج، معذور است، نمی‌توان او را برای حج اجیر کرد؛ و حتی اگر چنین شخصی، حج تبرّعی انجام دهد، اکتفا کردن به آن اشکال دارد.

---

(۱). آیة اللَّه بهجت: بنابر احتیاط، با تمکّن از استیجار غیر معذور، نمی‌توان معذور را اجیر نمود، بلکه اگرچنین شخصی تبرّعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است بلی اگر در به‌جا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است معذور باشد مثل این‌که مضطرّ به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد، اجیر گرفتن یا نایب گرفتنِ چنین شخص عیبی ندارد. (مناسک، ص ۴۱، مسأله ۱۱۰).

آیة اللَّه تبریزی: نیابت کسی که از ابتدا می‌داند از اتیان به حج اختیاری عاجز است، در حج واجب اشکال دارد.

آیة اللَّه خویی: اجاره کردن معذور برای حج جایز نیست بلکه اگر خودش تبرعاً حج نیابی به‌جا آورد اجزاء آن از منوبٌ‌عنه مشکل است ولی ایشان نیابت معذور به عذر طاری را مجزی می‌دانند.

آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نمی‌شود کسی را که از پیش، عجز او از عمل اختیاری معلوم است اجیر کرد، بلکه اکتفا به تبرّع او در نیابت نیز محلّ اشکال است و در مورد عذرهایی که بعداً عارض می‌شود حکم نایب همان حکم منوبٌ‌عنه است که در بعضی موارد حج صحیح است و گاهی باطل است و استیجار و نیابت کسی که در انجام بعضی واجبات حج که ترک عمدی آنها هم موجب بطلان نیست، مانند طواف نساء و بیتوته و رمی روز یازده و دوازده اشکال ندارد.

آیة اللَّه صافی: نیابت کسی که از اتیان بعض اعمال عمره و حج معذور است اگر ترک عمدیِ‌آن عمل، از غیر معذور موجب بطلان حج یا عمره نباشد به این‌که ترک آن عمل یا فقط حرمت تکلیفی دارد و یا علاوه بر آن موجب کفّاره هم هست ولی ترک آن موجب بطلان عمل عمره یا حج نیست، اشکال ندارد و حتی اگر می‌داند که اجیر بعضی از اعمالی که ترک آن موجب بطلان حج و عمره نیست عمداً بدون عذر ترک می‌کند استیجار او مانعی ندارد و مبریء ذمّه منوبٌ‌عنه می‌باشد، بلی نسبت به استحقاق اجرت

اگر موقع عقد اجاره، مستأجر اطّلاع از معذور بودن اجیر در امور مذکوره نداشته باشد، اجیر استحقاق اجرت ندارد ولو این‌که عمل او مبریء ذمّه منوبٌ‌عنه است.

آیهٔ اللّه فاضل: نیابت معذور، برای حج واجب حتی اگر تبرعاً و بدون وکالت باشد، صحیح نیست ولی برای حج استیجاری و عمره مستحبی مانعی ندارد هر چند بهتر حج را برای خودش انجام دهد و ثواب آن را اهدا کند.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط نیابت معذور صحیح نیست. (مناسک عربی، ص ۵۰، مسأله ۹).

آیهٔ اللّه مکارم: ولی عذرهایی که در خود حج پیش می‌آید مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: در نایب معذور به عذر طاری اشکال ندارد.

(۲). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در عذرهایی که بعد از عقد اجاره حادث شود، نظر معظم‌له ذیل سؤال ۱۲۴ آورده شده است.

آیهٔ اللّه مکارم: ولی عذرهایی که در خود حج تصادفاً به وجود می‌آید؛ مانند وقوف اضطراری، مانع نیست.

آیهٔ اللّه نوری: ولی عذری که تصادفاً پیش می‌آید و طاری است، مانع صحت نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۱

میزان معذور بودن

۱۱۸- «معذور» کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد. چنین شخصی نمی‌تواند نایب شود، ولی مباشرت در ذبح، حتی در حال اختیار هم لزوم ندارد.

۱۱۹- معذورین نمی‌توانند نایب شوند، حتی اگر از اعمالی معذور باشند که ترک عمدی آنها به صحت حج ضرر نمی‌زند، مثل رمی روز یازدهم و دوازدهم و بیتوته در منی.

عدم قدرت بر رمی یا رمی در روز

۱۲۰- کسی که از رمی عاجز است، یا نمی‌تواند در روز رمی کند، نمی‌تواند در حج نایب شود؛ و کسی که در رمی نایب شده، باید روز رمی کند.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: با علم و اطلاع از معذور بودن، قبول نیابت خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه صافی: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۳، مسأله ۱۶).

(۲). آیهٔ اللّه فاضل: در حج واجب.

(۳). آیهٔ اللّه تبریزی: نیابت او اشکال دارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر از انجام عمل اختیاری در حج معذور باشد، هرچند مانند قرائت نمازطواف یا تلبیه باشد، بنابر احتیاط واجب، نیابتِ او مجزی از منوبٌ‌عنه نیست، ولی اگر از انجام اعمالی که در صحت حج دخالت ندارند، مانند طواف نساء یا بیتوته یا رمی روز ۱۱ و ۱۲، معذور است نیابت صحیح است و همچنین اگر در وقوف، در بیش از مقدار رکن معذور باشد نیابت صحیح است.

آیهٔ اللّه مکارم: عذرهایی که در حج پیش می‌آید مانع صحّت نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: در حج واجب.

(۴)- آیهٔ اللّه فاضل: و نیز اگر زنی برای رمی ولو برای زن دیگر نایب شود باید رمی را در روز انجام دهد و الّانیابت و رمی او

صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: عذرهایی که گاه در حج پیش می‌آید مانع از نیابت نیست.

(۵)- به مسأله ۱۱۷ و ۱۲۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: مگر در عذر طاری و در غیر آن خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: نیابت آنها اشکال دارد.

(۶)- آیهٔ اللَّه بهجت: مگر آن‌که عذر طاری باشد و در غیر آن خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: نیابت معذور اشکال دارد، لکن اگر ابتدا معذور نبود و بعد در زمان عمل معذور شد نیابت صحیح است و در اجرت باید با مستأجر خود تراضی کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: عذر در رمی جمرات در روز ۱۱ و ۱۲ مانع نیابت حج نیست.

آیهٔ اللَّه صافی: به مسأله ۱۱۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: عذرهایی که به طور طبیعی گاه در حج پیش می‌آید مانع نیابت نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۲

نیابت معلولِ از ناحیه دست یا پا

۱۲۱- معلولی که یک دست یا یک پا ندارد و به جز نقص در مواضع سجده، مشکلی از نظر اعمال اختیاری عمره و حج ندارد، آیا نیابت او برای حج کفایت می‌کند؟

نیابت با عدم صحت قرائت

۱۲۲- نایبی که نماز او صحیح نیست، اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است؛ و گرنه باطل نیست و باید قرائت خود را درست کند.

جواز نیابت زنها

۱۲۳- زنها هر چند مجاز هستند در شب عید قربان، بعد از درک اضطراری مشعر، به منی

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: خلاف احتیاط است.

آیت‌اللَّه تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، نوری کفایت نمی‌کند.

آیت‌اللَّه صافی و آیت‌اللَّه مکارم: نیابت شخص مذکور اشکال دارد.

آیت‌اللَّه فاضل: برای حجی که بر منوب علیه واجب باشد، کفایت نمی‌کند.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: نیابت او اشکال دارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نیابتش مجزی نیست ولی احرامش صحیح است و باید عمل را تمام کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت او محلّ اشکال است، و بنابر احتیاط به قصد منوبٌ‌عنه

محرم به احرام حج شود و اعمال را به‌جا آورد و نسبت به اجرت مصالحه نمایند و بنابر احتیاط واجب، حجّ دیگری برای منوبٌ‌عنه استیجار نمایند.

آیهْ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهْ اللّه فاضل: اگر برای حج مستحبی نایب شده نیابت او قطعاً صحیح است و حتی اگر برای حج واجب نیز نایب شده احرام او صحیح است و باید اعمال را تمام کند ولی در حج واجب نمی‌توان به آن اکتفا کرد.

(۳). آیهْ اللّه فاضل: گرچه به تلقین شخص دیگری باشد که آن بخواند و نایب هم با او بخواند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۳

بروند، و رمی در شب برای آنها جایز است، ولی می‌توانند نایب شوند؛ اما نیابت در سایر ذوی‌الأعذار صحیح نیست.

عذر طاری

۱۲۴- اگر نایب هنگام قبولِ نیابت، معذور نباشد ولی بعد از استیجار- قبل یا بعد از احرام- معذور شود، نیابت او محل اشکال است؛ هرچند در مورد عذر، طبق وظیفه معذورین عمل نماید

۱۲۵- کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده‌اند و بعداً در اثنای عمل، عذر عارض شده است، نیابت و استحقاق اجرتشان محل اشکال است.

---

(۱). آیهْ اللّه تبریزی، آیهْ اللّه خویی: نیابت زنان و ضعفاء که می‌توانند به وقوف در شب، در مشعر اکتفاء کنند مانعی ندارد.

آیهْ اللّه سیستانی: چون وقوف رکنی را درک کرده‌اند نیابت آن‌ها صحیح است.

آیهْ اللّه مکارم: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

نظر سایر آیات عظام در ذیل مسأله ۱۱۷ به بعد گذشت.

(۲). آیهْ اللّه بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب کفایت می‌کند و مضرّ به صحّت نیابت نیست (مناسک، س ۲۵).

آیهْ اللّه تبریزی: در عذر طاری نیابت معذور صحیح است و حج او از منوبٌ‌عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیهْ اللّه خامنه‌ای: نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، لیکن بعد از عقد اجاره، در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است؛ مثل این‌که در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود در این‌صورت بطلان اجاره بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوبٌ‌عنه در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوبٌ‌عنه می‌باشد.

آیهْ اللّه خویی: حکم آن در مسأله ۱۱۷ گذشت.

آیهْ اللّه سیستانی، آیهْ اللّه فاضل: در عذر طاری اشکال ندارد.

آیهْ اللّه صافی: اگر قبل از احرام، معذور از انجام حج به نحوی که برای آن اجیر شده است گردیده، مستحقّ اجرت نیست اگر چه در بعض صور، حجّ او کفایت از منوبٌ‌عنه می‌کند.

(۳). آیهْ اللّه بهجت: مسأله نیابت، در مسأله قبل آمده است و مسأله اجرت در صورت صحّت نیابت و اجزاء مستحق، تمام اجرت است، اگر شرطی بر خلاف نباشد نظیر مسأله قبل.

آیهْ اللّه تبریزی: در عذر طاری، نیابت معذور صحیح است و حج او از منوبٌ‌عنه کافی است و در اجرت با مستأجر خود تراضی کند.

آیهْ اللّه خامنه‌ای: از مسأله قبل معلوم شد.

آیهٔ اللَّه خویی: به حاشیه مسأله ۱۱۷ مراجعه شود.

آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: عذر طاری اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه نوری: اگر عذر او موجب نقص بعض از اعمال شود، اشکال دارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۴

نیابت با احتمال تبدّل حج

۱۲۶- اگر کسی احتمال بدهد- و لو احتمال قوی- که ممکن است حج تمتع را به افراد مبدّل کند، می‌تواند نیابت کند؛ ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد، بنابر احتیاط، منوبٌ‌عنه نباید به آن اکتفا کند.

انجام حج افراد نیابی به جای تمتع

۱۲۷- استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: نظر ایشان ذیل مسأله ۱۲۴ آمده است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر نایب را در وسعت وقت اجیر کنند و سپس اتفاقاً وقت بر او تنگ شود، واجب است که [به حج إفراد] عدول کند و عمل او از حج تمتع منوب‌عنه کفایت می‌نماید و مستحق دریافت اجرت نیز هست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: می‌تواند نیابت کند اگر وقت وسعت داشته باشد و احتمال عذر طاری بدهد و چنانچه عذر طاری شد حج او کفایت از منوبٌ‌عنه می‌کند.

آیهٔ اللَّه خویی: هرگاه شخصی را برای حج تمتّع اجیر نماید و وقت هم زیاد باشد و اتفاقاً (یعنی پس از احرام عمره تمتع) وقت برای حج تمتع تنگ شد و اجیر عدول به حج افراد کرد ذمّه منوبٌ‌عنه بریء می‌شود. (مناسک، مسأله ۱۲۵).

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر ندارد نیابت و حج صحیح است هرچند بعداً عذر عارض شود و حج او بدل به افراد شود. (ملحق مناسک، س ۳۵).

آیهٔ اللَّه صافی: اگر وضع به‌طوری است که نایب عندالعرف استطاعت حج تمتع را دارد، از حج منوبٌ‌عنه مجزی است والّا در صورت عدول، مجزی از منوبٌ‌عنه نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر از ابتدا علم یا اطمینان به عروض عذر نداشته باشد نیابت و حج صحیح است هر چند بعداً به واسطه عذر یا تنگی وقت که اتفاقاً عارض شده، حج او بدل به افراد می‌شود و در این صورت ذمّه منوبٌ‌عنه بریء می‌شود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در عذرِ طاری، اجزاء بعید نیست. (آراء المراجع، ص ۳۹).

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که از عذرهایی باشد که در حج احیاناً پیش می‌آید. که در این فرض اکتفا به آن، بی اشکال است.

آیهٔ اللَّه نوری: در این صورت نمی‌تواند نیابت کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۵

است، برای کسی که وظیفه او حج تمتع است، صحیح نیست؛ بلی اگر در سعه وقت او را اجیر نماید، سپس وقت ضیق شود، باید به حج افراد عدول کند، ولی بنابر احتیاط، از منوبٌ‌عنه، مجزی نیست.

حکم شرط استنابه در محل عذر

۱۲۸- معذور نمی‌تواند نایب شود ولو شرط کند که مثلًا برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب بگیرد؛ بلی عذر در ذبح، مانع ندارد و شرط هم لازم نیست.

استنابه در عمل مورد عذر

۱۲۹- معذور نمی‌تواند با استنابه در اعمالِ مورد عذر، نیابت خود را تصحیح کند و باید پول

---

(۱). آیة اللَّه بهجت: از منوبٌ‌عنه مجزی است. در صورتی که نیابت بر فراغ ذمّه او باشد.

آیة اللَّه خامنه‌ای: کفایت از حج تمتع می کند و مستحق اجرت هم هست.

آیة اللَّه خویی، آیة اللَّه سیستانی: ذمه منوبٌ‌عنه بریء می‌شود ولی در صورتی که اجاره بر اعمال عمره و حج تمتّع بوده، اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت، بلی اگر اجاره بر تفریغ ذمّه منوبٌ‌عنه بوده مستحق اجرت خواهد بود. (مناسک، مسأله ۱۲۵).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری: از منوبٌ‌عنه مجزی است.

(۲). آیة اللَّه فاضل: در حج واجب.

(۳). آیة اللَّه بهجت: بنابر احتیاط نمی‌تواند قبول کند.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: نیابت او محلّ اشکال است.

آیة اللَّه خویی: بنابر احتیاط نیابت او مجزی نیست. (در خصوص طواف نساء فتوای ایشان در دست نیست).

آیة اللَّه سیستانی: در عملی مانند طواف نساء، که صحّت حج بر آن متوقف نیست، اگر از ابتدا هم عذر او معلوم باشد نیابت صحیح است.

آیة اللَّه فاضل: معذور نباید نیابت کند و شرط اجازه در استنابه صحیح نیست مگر درقربانی که آن هم نیاز به شرط ندارد و اگر شرط کنند استیجار صحیح است لیکن شرط قابل عمل نیست.

(۴). آیة اللَّه بهجت: اگر بدون توجه محرم شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً به‌جاآورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود و امّا قبل از احرام پس با احراز رضایت منوب عنه حج میقاتی برای او بدهد چون اطلاق اجاره قید مباشرت را بر می‌دارد (مناسک، س ۱۰۶ و ۱۷).

آیة اللَّه تبریزی: نیابت معذور در حج واجب اشکال دارد.

آیة اللَّه خویی: نیابت معذور اشکال دارد.

آیة اللَّه سیستانی: اگر عذر بعداً پیش آمده است نایب گرفتن جایز است و همچنین در مواردی که تفصیل آن در حاشیه مسأله ۱۱۷ به بعد گذشت.

آیة اللَّه صافی: به ۱۱۷ به بعد مراجعه شود.

آیة اللَّه گلپایگانی، آیة اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۶

را به صاحبش برگرداند، مگر این‌که از طرف صاحب پول، مجاز در استنابه در اصل حج باشد که در این صورت می‌تواند با فرض امکان، دیگری را در اصل عمل حج، نایب قرار دهد؛ هر چند اگر بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار نماید و او عمل را انجام دهد، حج از طرف منوبٌ‌عنه واقع می‌شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول، ضامن چیزی نیست، و اجرت نایب دوّم را باید امر کننده بپردازد.

نیابت افرادی که وقوف اضطراری دارند

۱۳۰- کسانی که باید همراه عجزه، وقوف اضطراری انجام دهند، حج خودشان صحیح است ولی اگر نایب هستند نیابتشان درست نیست. ۱۳۱- خدمه‌ای که وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند، و از روی جهل به مسأله اجیر

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر منوب عنه زنده است نیابت بدون اذن او مجزی نیست. (مناسک، مسأله ۶۶)

(۲). آیهٔ اللّٰه مکارم: مگر این‌که صاحبش راضی گردد.

(۳). آیهٔ اللّٰه خویی: کسانی که ناچارند همراه زنان و بیماران باشند، اگر بتوانند ولو یک لحظه از وقوف‌اختیاری مشعر را درک کنند باید برگردند و اگر نمی‌توانند باید قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند و در فرض عجز از آن هم حج آنان صحیح است و چنانچه این وظیفه را از روی جهل به حکم ترک کرده باشند حجّشان صحیح است ولی باید یک گوسفند کفّاره بدهند. (مناسک، مسأله ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰) و در حاشیه مسأله ۱۲۴ «حکم نیابت معذور به عذر طاری» گذشت.

(۴). آیهٔ اللّٰه صافی: به حاشیه مسأله ۱۱۷ به بعد مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه فاضل، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر عذر ایشان طاری بوده نیابت صحیح است.

(۵). آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مسأله ۱۱۷ و ۱۳۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: نیابت ایشان محل اشکال است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: صحّت نیابت در این فرض بعید نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نیابتشان هم درست است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: نیابت آنها در حج واجب در صورتی که از اول می‌دانسته‌اند که باید همراه زنها بروند و نمی‌توانند برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند، صحیح نیست، یعنی کفایت از حج واجب منوب‌عنه نمی‌کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۷

شده‌اند و همچنین سایر معذورین، نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوبٌ‌عنه نمی‌کند، و باید پول را برگردانند، و خودشان با فرض عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر، باید با انجام عمره مفرده، ازاحرام خارج شوند.

۱۳۲- خدمه‌ای که باید نیمه شب به منی بروند، نیابت آنان صحیح نیست؛ و اگر قبل از

---

(۱). آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مسأله قبل و ۹۷۹ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: چنانچه شب در مشعر وقوف کرده‌اند و از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر، از آنجا کوچ کرده‌اند و در وقت دانستن مسأله امکان برگشت به مشعر و درک وقوف نبود، حج آنها صحیح است و باید یک گوسفند کفّاره بدهند و اگر در حج اجیر بوده‌اند، در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند و همچنین سایر معذورینی که در اثنای عمل عذر پیدا کرده‌اند و از اول نمی‌دانسته‌اند، اگر به وظیفه معذور عمل کنند حج نیابی آن‌ها صحیح است ولی احتیاطاً در اجرت با مستأجر خود تراضی کنند.

آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ‌اللّٰه صافی: به حاشیه مسأله ۱۱۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر معذورند، هرچند از ابتدا معلوم باشد، چون درک وقوف رکنی می‌کنند کافی است و نیابت صحیح است، بلکه حتی اگر غیر معذور هم به آن اکتفا کند حجش صحیح است، ولی در صورت علم کفّاره دارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر عذر آن‌ها طاری بوده، نیابت صحیح است و کفایت می‌کند.

آیة اللّه گلپایگانی: اگر عذر آنان طاری نبوده صحّت حج و کفایت آن از منوبٌ‌عنه محل اشکال است.
آیة اللّه مکارم: صحیح است.
(۲). آیة اللّه فاضل: احتیاطاً از ادنی الحل تجدید نماید و عمره مفرده انجام دهد.
(۳). آیـة اللّه بهجت: بنا بر احتیاط، با تمکّن از استیجار غیر معـذور، نمی‌توانند اجیر شوند (مسـتفاد ازمناسک، ص ۴۰ مسأله ۱۱۰) و در جزوه پرسش‌های جدید حج، ص ۴، مسأله ۱۳ آمده است در صورتی که بدانند به واجبات اختیاریه نمی‌توانند عمل کنند احتیاط در ترک نیابت است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۷۷
آیـة اللّه تـبریزی، آیـة اللّه خـویی: نیـابت آنـان محـل اشـکال است مگر این‌که بتواننـد برای درک مسـمّی وقوف اختیـاری به مشـعر برگردند.
آیة اللّه سیستانی: صحّت نیابت آنان بعید نیست. (ملحق مناسک، س ۵۸، فرع ۲).
آیة اللّه صافی: به مساله ۱۱۷ مراجعه شود.
آیة اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط.
آیة اللّه مکارم: نیابت آنها صحیح است.
آیة اللّه فاضل: نیابت آنها در حج واجب در صورتی که از اول می‌دانسته‌اند که باید همراه زنها بروند و نمی‌توانند برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند، صحیح نیست، یعنی کفایت از حج واجب منوب‌عنه نمی‌کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۸
استخدام، اجیر شده‌اند، باید با درک وقوف اختیاری، حج نیابی را به‌جاآورند.

اگر نایبِ غیر معذور سهوا به وظیفه معذور عمل کند

۱۳۳- اگر نائبْ در وقت عقـدِ اجاره، معـذور نباشـد، ولی بعـد از انجام حـج متوجه شود که به وظیفه معذورین عمل نموده- مثلا در مشعرالحرام با زنها و مریض‌ها با غفلت از مسأله، وقوف اضطراری کرده- عمل او مُجزی از حج نیابی نیست؛ و از جهت اجرت، باید به اجیر کننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقّت به زمان مخصوصـی که منقضی شده نباشد، خودش حج نیابیِ صحیح به‌جا آورد.

مسأله استحقاق اجرت افراد معذور

۱۳۴- اگر کسی جزو معذورین باشد و با این حال او را نایب کنند، استحقاق اجرت ندارد چه

---

(۱). آیة اللّه بهجت: اتمام عمل طبق وظیفه عذری نایب (عذر طاری) کفایت می‌کند و مضـرّ به صحت نیابت‌نیست. (استفتائات ویژه حج).
آیـة اللّه تبریزی: اگر از روی جهل به مسأله قبل از طلوع فجر از مشـعر کوچ کرده، حـج نیابی او بنابر اظهر صـحیح است و بایـد یک گوسفند کفّاره دهد و در اجرت با مستأجر خود، تراضی کند.
آیة اللّه خویی: نیابت معذور اشکال دارد و حکم نیابت معذور به عذر طاری در مسأله ۱۲۴ گذشت.
آیة اللّه سیستانی: عمل مزبور مجزی است حتی اگر از ابتدا چنین عذری داشته است؛ زیرا درک مقدار رکن از وقوف کافی است.

آیهٔ اللَّه صافی: حج صحیح و مبریء ذمّه منوبٌ‌عنه است و نسبت به اجرت، رضایت مستأجر را تحصیل نماید.

آیهٔ اللَّه فاضل: در عذر طاری حج نیابی صحیح و مستحقّ اجرت هم می‌باشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بعید نیست در عذر طاری حج‌نیابی صحیح و مستحق اجرت هم باشد. (آراء المراجع، ص ۳۹ و ۵۰).

آیهٔ اللَّه مکارم: عمل مزبور کفایت می کند و اجیر حق اجرت دارد.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه صافی: به ذیل مسأله ۱۲۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در فرض مزبور استحقاق اجرت را دارد ولی اکتفا به عمل او مشکل است.

آیهٔ اللَّه خویی: اجیر می‌تواند اجرهٔالمثل عملش را از کسی که او را اجیر کرده بگیرد، مگر این‌که بیشتر از اجرهٔالمسمّی باشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: اجاره در فرض مذکور صحیح است و اجیر مستحق تمام اجرت است و حکم اکتفا به حج او، در مسأله ۱۲۴ آمده است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: احوط استرضا از مستأجر است یا اجرت را مسترد دارد و بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند. (مناسک عربی، ص ۵۰، مسأله ۹).

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر نایب نمی‌دانسته و مستنیب می‌دانسته، باید اجرهٔالمثل او را بپردازد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۷۹

مستنیب یا منوبٌ‌عنه، معذور بودن او را در وقت نیابت بدانند یا نه، و کفایت از حَجّهٔالاسلام نمی‌کند.

خروج از مکه بین عمره و حج و مسأله نیابت

۱۳۵- کسی که از طرف دیگری در حج نایب است، و بین عمره تمتع و حج تمتع از شهر مکه بیرون رفته، آیا ضرری به نیابت او می‌زند یا نه؟

۲- شرایط منوبٌ‌عنه

اشاره

۱۳۶- در منوبٌ‌عنه اموری شرط است:

۱- اسلام. ۲- در حج واجب، شرط است که منوبٌ‌عنه، فوت شده باشد، یا اگر زنده است، حج بر او مستقرّ شده و خودش به خاطر مرضی که امید خوب شدن آن نیست، یا از جهت پیری، نتواند به حج برود.

این شرط، در حج استحبابی نیست.

موارد صحت نیابت از طرف زنده

۱۳۷- انجام دادن حج نیابی از طرف حیّ، صحیح نیست؛ مگر در صورتی که وی از جهت

(۱). آیهٔ‌اللَّه بهجت و آیهٔ اللَّه صافی: ضرر به نیابت نمی‌زند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: خروج ولو غیرمجاز مضر به صحت نیابت و حج نیست.

آیـهٔ اللَّه فاضل: اگر در همان ماهی که عمره تمتع انجام داده است برود و بازگردد اشـکالی نـدارد ولی اگر در ماه بعد برگردد عمره سابق باطل شده است و باید مجدداً برای حج تمتع عمره تمتع انجام دهد.

آیهٔ اللَّه تبریزی و آیهٔ اللَّه نوری: کار حرامی انجام داده ولی به نیابت او ضرری نمی‌زند.

آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه به وظیفه‌اش عمل کند به نیابت او ضرری نمی‌زند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: فرقی بین نایب و غیر آن در حکم مذکور در پاسخ قبل نیست.

(۲). آیهٔ‌اللَّه‌بهجت: نیابت از کافر به احتمال حصول تخفیف عذاب، محلّ تأمّل است. (مناسک، مسأله ۱۰۶).

آیهٔ‌اللَّه فاضل: در منوبٌ‌عنه، اسلام وایمان‌شرطاست، پس‌حج به نیابت کافر و مخالف صحیح نیست.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: به مسأله ۸۶ مراجعه شود.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۹۳ گذشت.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: مگر در صورتی که از غیرِ جهتِ مال، استطاعت نداشته باشد؛ بطوری‌که مباشرت مقدوراو نباشد و تفصیل صور آن در مسأله ۸۶ گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۰

پیری، یامرض نتواند به حج برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

انجام حج از طرف امام عصر (عج)

۱۳۸- انجام حج به نیابت حضرت ولی عصر- ارواحنا له الفداء- اشکال ندارد.

عدم اشتراط مماثله و بلوغ و عقل در منوب‌عنه

۱۳۹- جهت انجام حج نیابی، مماثله بین نایب و منوبٌ‌عنه، شرط نیست؛ و نیز در منوبٌ‌عنه، بلوغ و عقل شرط نیست.

نیابت صروره

۱۴۰- صروره غیر مستطیع، می‌تواند برای دیگری نایب شود.

استنابه برای جنون در بعضی اعمال

۱۴۱- مجنون تکلیف ندارد و اگر کسی در بین اعمال مثلًا در عرفات دیوانه شد، نمی‌توانند

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: مرض و مانند آن.

(۲). آیهٔ اللّٰه تبریزی: یا عذر دیگری داشته باشد واطمینان به زوال عذر و مرض نداشته باشد.
آیهٔ اللّٰه خویی و آیهٔ اللّٰه فاضل: یا عذر دیگری داشته باشد و عذر و مرض تا آخر عمر باقی بماند.
(۳). آیهٔ اللّٰه مکارم: به امید مطلوبیت اشکال ندارد.
آیـهٔ اللّٰه بهجت: مـانع نـدارد و احتیـاط در حـج از نفس (خود) و اهـدای ثواب برای آن حضـرت است. (مناسـك، ص ۱۵۸، مسائل متفرقه، س ۱).
(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر چه نیابت زن از مرد مرجوح است. (مناسك، ص ۳۹، م ۱۰۴).
(۵). تذکر: عدم اشتراط عقل به معنای نفی اشتراط مطلق است و با مساله ۱۶ و مانند آن منافات ندارد.
آیهٔ اللّٰه بهجت: در غیر صبی ممیّز مشکل است.
آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در نیابت از مجنون اشکال است مگر آن‌که به‌قصد رجا آورده شود.
آیـهٔ اللّٰه فاضل: شـرط هست ولی اگر حـج قبل از جنون بر او مسـتقر شـده، عقل شـرط نیست و در صورت یأس از بهبودی یا بعد از فوت او باید از مالش- ولو از میقات- برای او استنابه کنند.
آیهٔ اللّٰه مکارم: نیابت از بچه و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.
(۶). آیـهٔ اللّٰه بهجت: بلی نـایب گرفتن صـروره مکروه است؛ به خصوص در صورتی که نـایب زن و منوبٌ‌عنه مرد باشـد، اگر چه با داشـتن بعض مرجّحـات دیگر؛ از قبیل فقاهت و تقوی و کمالات دیگر، جانب رجحان تقویت می‌یابـد و از مرجوحیّت بیرون می‌آید (کتاب حج، ص ۴۰).
آیـهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: بلکه اگر منوبٌ‌عنه مرد و زنده باشد که به‌خاطر عدم تمکن نمی‌تواند حَجّهٔ‌الاسـلام را به‌جای آورد، احتیاط لزومی آن است که مردی را که تاکنون به حج نرفته، به نیابت خود به حج بفرستد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۱
برای او نایب بگیرند؛ و اگر عاقل شد، حکم اشخاص محرم دیگر را دارد.

عدم جواز عدول از نیت حج بعد از احرام

۱۴۲- کسـی که برای عمره تمتع ولو مسـتحبی، محرم شـده، نمی‌توانـد در اصل عمره یا حـج، برای دیگری نایب شود، ولی می‌تواند برای افرادی که وظیفه آنها استنابه در بعضی از اعمال- مثل طواف و سعی- است، نایب شود.

عدم جواز تعدّد منوبٌ‌عنه در حج واجب

۱۴۳- در حج واجب، در یک‌سال، نیابت یک نفر از چند نفر، جایز نیست ولی در غیر واجب، مانع ندارد.

لزوم انجام عمره و حج نیابی توسط یک نفر

۱۴۴- نـایب بایـد عمره و حـج را خـودش انجام دهـد، حتی اگر ناچـار شـده باشـد بعـد از انجـام عمره تمتّع به کشورش بـاز گردد، نمی‌تواند اعمال حج را به دیگری واگذار نماید.

رفع عذر منوبٌ‌عنه بعد از عمل نایب

۱۴۵- بعد از انجام حج نیابی، حج از منوبٌ‌عنه، ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود؛ و اما اگر قبل از اتمام حج- چه قبل از احرام یا بعد از آن- عذرش

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۲۳ و ۱۴۶ و ۹۸۸ مورد هشتم که کفایت ادراک اختیاری عرفه به تنهایی است (اگر بعد از زوال دیوانه شده باشد) مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، خویی و فاضل: مجنون تکلیف ندارد و نمی‌توانند برایش نایب بگیرند و بنابر اظهر، احرام او باطل می‌شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر پس از درک مسمای وقوف، در عرفات دیوانه شده باشد و سپس به قدری به عقل بیاید که اختیاری مشعر را درک کند، یا اضطراری مشعر با اختیاری یا اضطراری عرفه، پس حج او صحیح است، و اگر به عقل نیاید، باید برای تکمیل اعمال شوهر برای او نایب بگیرد.

آیهٔ اللَّه مکارم: این در صورتی است که سال اوّل استطاعت او باشد.

(۲). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: مگر این‌که به نحو شرکت بر آن‌ها واجب شده‌باشد؛ مثل این‌که دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را اجیر نمایند که در این‌صورت می‌توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند. (مناسک، ص ۴۵، مسأله ۱۲۳).

(۳). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در صورت حصول تمکّن، بایدخودش حج را به‌جا آورد.

آیهٔ اللَّه صافی: در صورتی‌که حج بر او مستقر بوده، با تمکّن باید خودش حج به‌جاآورد و همچنین اگر مستقر نبوده ولی استطاعتش باقی باشد، باید حج به‌جاآورد. (آداب و احکام حج، حاشیه مسأله ۹۰).

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مگر این‌که در وقت نایب گرفتن، امید خوب شدن و رفع عذر داشته باشد که در این صورت بنابر احتیاط، اگر رفع عذر شد و استطاعت داشت باید خودش هم حج را انجام دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۲

برطرف شد، باید خودش حج برود.

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: گرچه احتیاط واجب است‌که نایب نیز عمل حج را تمام نماید. (مناسک، مسأله ۶۴).

آیهٔ اللَّه صافی: اگر بعد از احرام عذر مرتفع گردد که امکان انجام حج برای منوبٌ‌عنه در همان سال یا سال بعد باشد ارتفاع عذر کاشف از بطلان اجاره و بلکه بطلان احرام نایب است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: مگر این‌که در اثنای عمل بعد از احرام عذر برطرف شود ولی منوبٌ‌عنه تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد که در این صورت حج نایب مجزی است. (مناسک عربی، مسأله ۹۰).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب باید خودش حج برود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۳

فصل سوم: احکام نیابت

۱- لزوم اذن یا توکیل

۱۴۶- استنابه از حیّ، بایـد توسط خود او، یا با وکالت از طرف وی صورت گیرد؛ پس اگر- مثلًا- فرزنـدی بـدون اطلاع پدر، برای وی استنابه نماید- هرچند اختیار مال او را هم داشته باشد- کفایت نمی‌کند؛ و حتی اگر در این فرض، هزینه اجیر را از مال خودش پرداخت نماید، کافی از استنابه نیست.

۱۴۷- نیابت و تبرّع از طرف مجنون، حتی اگر حج بر او مستقر شده باشد، صحیح نیست.

---

(۱). آیـهٔ اللّه بهجت: چنـانچه احراز رضـایت شـود و شاهـد حـال هم بر رضـایت بـود؛ به‌طوری‌که اگر او بفهمدراضـی است، نیـابت صحیح است با مراعات سایر جهات (مستفاد از س ۱۵۷ و ۱۷).

(۲). آیات عظام فاضل، نوری: مگر وکالت مطلقه از پدر داشته باشد.

آیهٔ اللّه بهجت: با احراز رضایت پدر اشکال ندارد و تبرّع از حیّ در حج واجب، با عدم قدرت او، اظهر جواز آن است وبااذن باشد احوط است در تفریغ ذمّه. (کتاب حج، ص ۴۵ و مناسک مستفاد از س ۱۷ و ۱۵۷).

آیـهٔ اللّه سیستانی: اگر اختیارات او شامل نایب گرفتن در حج هم بوده کافی است وگرنه عمل نایب کافی نیست مگر این‌که قبل از احرام، پدر مطلع شود و موافقت نماید. (ملحق مناسک، س ۴۰).

آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: اجیر گرفتن برای پـدر از مـال او بـدون اطّلاع پـدر صـحیح نیست بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرّعاً بپردازد در فرض مذکور اگر پدر عاجز از انجام حجّ باشد مانعی ندارد و مجزی از حَجّهٔالاسلام پدر می‌باشد.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله ۱۳۶ تا ۱۴۱ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید پس از مرگ برای او نایب بگیرند.

آیهٔ اللّه فاضل و آیهٔ اللّه مکارم: اگر امید به بهبودی او نباشد گرفتن نایب برای او مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: فقط حاکم شرع می‌تواند برای او نایب بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۴

۲- نیت نیابت

اشاره

۱۴۸- نایب بایـد در انجام اعمال، قصـد نیابت نماید و منوبٌ‌عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالًا؛ و ذکر اسم او شـرط نیست، گرچه مستحب است.

جهل نایب به نوع حج نیابی و نیّت اجمالی

۱۴۹- نایبی که برای حـج تمتّع اجیر شـده است، ولی نمی‌دانـد برای حَجّهٔالاسـلام نایب شده یا حج نذری یا حج مسـتحب، اگر نیت کند ... « حج تمتع برای منوب عنهِ خودم» یا «حجّی که برای آن اجیر شده‌ام» آیا کافی است یا نه؟

غفلت از نیت نیابت و احرام برای خود

۱۵۰- اگر نایب در میقات، از نیابتْ غافل و برای خود محرم شود، نمی‌توانـد دوباره به نیت نیابت محرم شود، و بایـد عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کند؛ و احرام دوم صحیح نیست مگر

---

(۱). آیـهٔ اللّٰه بهجت: معتبر است در نیابت قصـد آن و تعیین منوبٌ‌عنه با تعـدد، و در صورت اتّحاد کافی است‌قصـد نیابت واجبه مثلًا (کتاب حج، ص ۳۹).

(۲). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای و سیستانی: کافی است.

آیت اللّٰه گلپایگانی: اگر نیت کند حجی را که برای آن اجیر شده یا آنچه شرعاً بر حسب اجاره بر ذمه‌اش است مجزی است.

آیت اللّٰه فاضل و آیت اللّٰه مکارم: نیت می‌کند حجی را که برای آن اجیر شده‌ام بجا می‌آورد

(۳). آیات عظام فاضل، نوری: اگر شـخص غافل، ارتکازاً قصد منوبٌ عنه را داشـته، وداعی وانگیزه او منوبٌ عنه بوده، هر چند قصد خودش را اخطار کرده، قصد ارتکازی بر اخطار فعلی مقدم است و برای منوبٌ عنه واقع می‌شود، وحج نیابی صحیح است.

آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورتی که قصد انجام وظیفه داشته، مخلّ به نیابت نیست و عمل مجزی است (مناسک، ص ۲۲).

آیـهٔ اللّٰه تبریزی: اگر ارتکازاً قصد منوبٌ‌عنه را داشته‌اند؛ به‌طوری که اگر کسـی می‌پرسـید جواب می‌دادند برای منوبٌ‌عنه حج بجا می‌آوریم کفایت می‌کند و حج نیابت آنها صحیح است.

آیهٔ اللّٰه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستـانی: اگر محرک آنان در احرام، حج نیابی باشد کافی است ولی اگر به کلی غافل باشـند که اگر از آنها پرسیده شود، جواب می‌دهنـد که برای خود احرام می‌بنـدیم بایـد حج را به نیت خود تمام کنند ولی اگر پس از انجام عمره از مکه خارج شوند و در مـاه بعـد به مکه برگردنـد؛ مثلًا آخر ذی‌قعـده خارج و اوّل ذی‌حجه وارد شونـد عمره آن‌ها باطل می‌شود و می‌تواننـد از یکی از مواقیت به نیّت منوبٌ‌عنه احرام ببندند، گرچه باطل کردن عمره تمتّع عمداً گناه است.

آیـهٔ اللّٰه صـافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: با فرض آن‌که مستطیع نبوده و از قبل اجیر برای انجام حـج شـده است نیّت احرام برای خود او منعقد نشده است و در صورتی که مجدّداً به نیّت منوبٌ‌عنه محرم شده است حج نیابی او صحیح است.

آیهٔاللّٰه مکارم: همین اندازه که نیت نیابت در عمق ذهن او باشد کافی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۵

آن‌که احرام اول باطل باشد؛ مثل این‌که حج بر او واجب نبوده و نیت حَجّهٔالاسلام کرده باشد.

شک در نیت نیابت

۱۵۱- در نیت خطور لازم نیست؛ و اگر نـائبْ بعـد از احرام شـک کنـد که آیـا نیّت نیابت کرده یا نه، اگر انگیزه او در حال احرام، نیـابت بوده، به شـک اعتنـا نکنـد؛ و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد، بایـد اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نکند.

قصد نایب در طواف نساء

۱۵۲- نایب باید طواف نساء را نیز، به قصد منوبٌ‌عنه انجام دهد؛ و احتیاط استحبابی آن است که به‌قصد ما فی الذمه به‌جا آورد.

ترک طواف نساء توسط نایب

۱۵۳- اگر نایبْ طواف نساء را صحیح انجام ندهد، زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوبٌ‌عنه چیزی نیست.

---

(۱). آیهٔ اللّٰه سیستانی: در این مثال احرام اوّل او صحیح است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نیت حَجّهٔالاسلام تأثیری ندارد.

(۲). آیهٔ اللّٰه تبریزی: باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت از غیر محرم شود.

آیـهٔ اللّٰه خویی: اگر احتمال بدهـد که نه قصـد خود و نه دیگری را کرده، احرام او باطل است. مگر این که در حال طواف؛ مثلًا نیّت معیّنی دارد که به همان نیّت اعمال را تمام می‌کند.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در صورتی که فعلًا خود را نایب می‌داند و شک در نیّت احرام گذشـته خوددارد، وظیفه او حمل به صحّت است و به عنوان نیابت، بقیه اعمال را به‌جا آورد.

(۳). آیهٔ اللّٰه بهجت: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیسـتانی: اگر احتمال می‌دهد در میقات به کلی از ذهنش نیت نیابت از غیر پاک شده بوده، بنا می‌گذارد که احرامش برای خودش بوده و اگر این احتمـال را نمی‌دهـد همـان طور که متعـارف است در کسـی که عـازم بر نیـابت بوده است بنا می‌گـذارد که احرامش برای غیر بوده است.

(۴). آیهٔ اللّٰه فاضل: این احتیاط لازم نیست.

(۵). آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بلی، اگر نایب در خصوص طواف نساء نیابت داشـته است تا طواف را صـحیح به‌جا نیاورد مباشرت با زن بر منوبٌ‌عنه حلال نمی‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۶

ثبوت ملزومات حج بر اجیر

۱۵۴- لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی، بر اجیر است، مگر در صورتی که شـرط شده باشد که مسـتأجر بدهد؛ و همچنین اگر اجیرْ موجبات کفاره را انجام دهد، کفاره بر عهده خود او است.

۳- رعایت بلد

غفلت از رعایت بلد

۱۵۵- کسی که اجیر بلدی شده که از شهر خاصّی- مثلا قم- حج بلدی انجام دهد، باید از همان‌جا برای حج حرکت کند؛ و اگر از موضـوع غافـل شـده و از قـم برای کـار دیگری به تهران رفته و از آنجـا به حـج رفته، اگر می‌توانـد بایـد برگردد، و چنـانچه- حتی

باتمکن- برنگشت و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

کفایت حرکت از بلد منوب‌عنه ولو با فاصله

۱۵۶- اگر نایب قبل از سفر حج- ولو چند ماه قبل از آن- به بلد منوبٌ‌عنه برود و از آنجا به عنوان نیابتِ حج، به وطن خودش یا محل دیگری برود و در وقت حج، دیگر به بلد منوبٌ‌عنه نرود، کافی است.

بازگشت به بلد منوبٌ‌عنه بعد از حج

۱۵۷- آیا اجیرِ در حج بلدی، در برگشت از سفر حج، باید به شهر منوبٌ‌عنه برگردد؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه نوری: اگر داعیِ ارتکازی داشته، گرچه اخطاری نبوده و غافل شده، برگشتن لازم‌نیست؛ زیرادرنیت‌خطور لازم‌نیست واگر بالمرّه غافل‌شده و از ارتکاز هم محو شده، باید برگردد.

آیهٔ اللَّه بهجت: لازم نیست برگردد.

آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که نیّت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد.

(۲). آیهٔ اللَّه سیستانی: حج او صحیح است مطلقاً، ولی اگر اجاره بر حج بلدی به نحو تقیید باشد مستحق اجرت نیست، و اگر شروع از بلد منوبٌ‌عنه جزو عمل مورد اجاره باشد مستحق اجرت می‌باشد ولی مستأجر می‌تواند اجرت المثل آن قسمت را که به جا نیاورده از او بگیرد و می‌تواند اجاره را فسخ کند ولی باید اجرت المثل حج او را بدهد، و اگر شروع از بلد از باب شرط ضمن العقد باشد مستأجر فقط می‌تواند اجاره را فسخ کند و در این صورت اجرت المثل او را باید بدهد.

(۳). آیات عظام: بهجت، تبریزی و مکارم: خیر، لازم نیست.

آیهٔ اللَّه صافی: برگشت به شهر منوبٌ‌عنه لازم نیست بلکه در استیجار و تحقّق نیابت شرط بازگشت از مکّه مطلقاً معتبر نیست ولی اگر اجیر کننده اجیر را برای رفتن به حج و برگشتن به شهر منوبٌ‌عنه اجاره کند، اجیر باید طبق قرار اجاره عمل نماید، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل و آیهٔ اللَّه مکارم: خیر، لازم نیست، مگر این‌که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۸۷

۴- فوت نایب

اشاره

۱۵۸- اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، از منوبٌ‌عنه مجزی است؛ و در جریان این حکم در حج تبرّعی، اشکال است؛ بلکه در غیر حَجهٔ‌الاسلام، خالی از اشکال نیست.

فوت اجیر و حکم استحقاق اجرت

۱۵۹- اگر اجیر قبل از داخل شدن به حرم، فوت کند و هنگام استیجار معیّن نکرده باشند که اجرت برای خصوص عمل است یا برای عمل و رفت و آمد، اجیر ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می‌باشد؛ و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیش از اجرت احرام و آن

---

(۱). آیهٔ اللّه نوری: مجزی است مطلقاً.

(۲). آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بعد از احرام و پس از دخول حرم کافی است و در این حکم بین حجهٔالاسلام و غیر آن و بین نیابت به مزد و اجرت و تبرّع فرقی نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چنانچه نایب بعد از احرام بمیرد کفایت از منوبٌ‌عنه می‌کند هرچند مردنش قبل از دخول حرم باشد بنابر اظهر، و در این مورد فرقی بین حَجّهٔالاسلام و غیر آن نیست، و همچنین فرقی نیست بین این‌که نیابت به اجرت باشد یا به تبرع.

آیهٔ اللّه مکارم: در حکم مذکور فرقی بین حَجّهٔالاسلام و غیر آن و اقسام نیابت نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد محل اشکال است و اگر بعد از دخول حرم باشد مجزی است و در این حکم فرقی بین حَجّهٔالاسلام و غیر آن نیست ولی در مورد حجّ تبرعی اشکال است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: تفاوتی ندارد که نیابت او مجانی بوده یا با اجرت، و برای حَجهٔ الاسلام بوده یا حج واجبی دیگر.

(۳). آیهٔ‌اللّه‌مکارم: معمولًا اجاره برای ادای تکلیف منوبٌ‌عنه است. بنابراین مستحقّ تمام‌اجرت می‌باشد.

(۴). آیـهٔ اللّه بهجت: اگر تصریح به‌خلاف متعارف نباشد، بر حسب معلوم از داعی استیجار که برائت ذمه منوبٌ‌عنه است چیزی از اجرت پس گرفته نمی‌شود وقتی‌که وفات نایب پس از احرام و دخول حرم باشد و اگر قبل از احرام باشد استحقاق اجرت المثل مقدار راهی که پیموده است بعید نیست و نیز توزیع اجرهٔ المسمّی بی وجه نیست در صورتی که بعض عمل را مثل احرام انجام داده باشد و یا سیر از طریق خاص در اجاره قید شده باشد. (کتاب حج، ص ۴۱).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: هرگاه اجیر بعد از محرم شدن بمیرد، تمام اجرت را مستحقّ خواهد شد، در صورتی که بر تفریغ ذمّه میّت اجیر شده باشد. و امّا اگر اجیر بر به‌جاآوردن اعمال شده باشد، اجرتِ مقداری را که به‌جاآورده مستحقّ می‌شود و چنانچه قبل از احرام بمیرد چیزی مستحقّ نخواهد بود. بلی اگر مقدّمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدّمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحقّ می‌شود (مناسک، مسأله ۱۱۵).

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: هرگاه نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد اگر نایب گرفتن برای بریٔ شدن ذمه منوب‌عنه باشد، کما اینکه ظاهر حال اطلاق قرارداد اجاره چنین است اجیر مستحق تمام اجرت خواهد بود که باید آنرا به ورثه‌اش بپردازند.

آیهٔ اللّه سیستانی: در صورتی که مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد اجرت همان مقدار را مستحق می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۸

چه ذکر شد، مستحق نیست، اگر چه در این فرض، حج از میت ساقط می‌شود؛ و اگر بعد از انجام بعضی از اعمال فوت کند، مستحق اجرت آن اعمال نیز می‌باشد.

میزان کفایت از منوب‌عنه در فرض فوت نایب

۱۶۰- اگر اجیرِ برای حَجّهٔالاسلام، بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم فوت کند، از منوبٌ‌عنه کفایت می‌کند؛ و اگر قبل از

احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم فوت کند، باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و کسی که برای خودش به حج برود نیز، همین حکم را دارد.

---

(۱). آیهٔ اللّه گلپایگانی: ظاهراً مستحق تمام اجرت می‌باشد علی الاقوی و هم‌چنین است حکم صورت بعد.

(۲). آیات عظام صافی، فاضل: مگر آن‌که اجیر برای تفریغ ذمّه شده باشد، که در این صورت تمام اجرت را می‌برد.

(۳). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چنانچه بعد از احرام بمیرد کفایت از منوبٌ‌عنه می‌کند هرچند مردنش قبل از دخول حرم باشد (مناسک، مسأله ۱۱۴).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مجزی نیست بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ‌اللّه سیستانی، آیهٔ‌اللّه مکارم: اگر بعد از احرام وقبل از دخول حرم بمیرد این‌حکم احتیاطی است.

(۴). آیهٔ اللّه سیستانی: کسی که حج بر او مستقر شده است اگر بعد از احرام حج در حرم بمیرد حَجّهٔ‌الاسلام از او ساقط است؛ چه تمتّع باشد چه قِران و چه افراد و اگر در عمره تمتّع بمیرد نیز ساقط است و اگر قبل از آن بمیرد؛ چه بعد از احرام قبل از دخول حرم و چه بعد از دخول حرم بدون احرام ساقط نمی‌شود و باید از او قضا کند و این حکم در حج واجب غیر از حَجّهٔ‌الاسلام و در عمره مفرده جاری نیست و اما کسی که حج بر او مستقر نشده است، اگر بعد از احرام بمیرد قضا واجب نیست هر چند قبل از دخول حرم باشد.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۹۹ و ۱۵۸ گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۸۹

میزان استحقاق اجرت نیابت

۱۶۱- اگر اجیر اعمال را به نحوی انجام داده باشد که در عرف گفته شود که عمره و حج را به‌جا آورده، مستحق تمام اجرت است، اگرچه بعضی از اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست، نسیاناً ترک کرده باشد.

استیجار در مدینه و تبدیل میقات

۲ / ۱۶۱- شخصی در مدینه منوره، دیگری را اجیر می‌کند که برای پدروی حج میقاتی بجا آورد ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره محرم شود یا میقاتهای دیگر، آیا اجیر می‌تواند از مسجد شجره به نیّت عمره مفرده محرم شود وپس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود وبرای عمره تمتّع استیجاری محرم شود؟

۵- مباحات و مستحبات بر نایب

اشاره

۱۶۲- کسی که برای حج تمتع اجیر شده، می‌تواند برای طواف یا ذبح یا سعی، اجیرِ دیگری

(۱). آیهٔ اللَّه خویی: اگر بر خود اعمال اجیر باشد، به نحو تعدّد مطلوب، به نسبت اعمالی که انجام داده مستحق اجرت است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر آن که اجیر برای تفریغ ذمّه شده باشد که در این صورت تمام اجرت را می‌برد و اگر برخود اعمال اجیر باشد به نحو تعدّد مطلوب به نسبت اعمالی که انجام داده مستحقّ اجرت است.
(۲). آیهٔاللَّه بهجت: اگر متفاهم عرفی یا خصوصی در بین نبوده مانعی ندارد.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در فرض مذکور اجیر می‌تواند از هر کدام از مواقیت معروف، به نیابت محرم شود. مگر این که اجیر گرفتن در مدینه قرینه باشد بر این که مستأجر نظرش مسجد شجره بوده که در این صورت باید از مسجد شجره محرم شود.
آیهٔاللَّه فاضل؛ آیهٔ اللَّه سیستانی: ظاهراً این استیجار منصرف است به احرام از مسجد شجره ولی اگر چنین نباشد یا تصریح به عدم تقیید کند اشکال ندارد.
آیهٔ اللَّه صافی: اگر منصرف به احرام او از مسجد شجره نباشد مانعی ندارد.
آیهٔ اللَّه مکارم: اگر منظور این است که عمره مفرده را انجام دهد و بعد به میقات برگردد برای عمره تمتع استیجاری محرم شود مانعی ندارد، مشروط بر این که فاصله میان دو عمره مطابق فتوای ما حفظ شود.
آیهٔ اللَّه تبریزی: در صورتی که قرینه‌ای ولو از جهت تعارف بر احرام از مسجد شجره احراز نشود می‌تواند از خود چهار میقات دیگر نیز محرم شود.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۰
شود، و همچنین برای انجام عمره مفرده بعد از عمل حج؛ چنانچه می‌تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به‌جا آورد.

مقدار وظیفه نایب در انجام مستحبات

۱۶۳- کسی که در انجام حج بلدی نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکه را باید به نیابت از منوبٌ‌عنه انجام دهد؟ ۱۶۴- آیا کسی که در اعمال عمره یا حج یا خصوص طواف اجیر غیر باشد، می‌تواند به نیابت از شخص دیگری تبرعاً یا استیجاراً قرآن تلاوت کند.

استحباب عمره مفرده بر نایب

۱۶۵- نایبی که حجهٔالاسلام خودش را بجا نیاورده، احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به‌جا آورد؛ این احتیاط هر چند واجب نیست ولی خیلی مطلوب است.

(۱). آیهٔ اللَّه مکارم: در مورد عمره مفرده اگر در همان ماه عمره تمتع باشد قصد رجا کند.
(۲). آیهٔاللَّه بهجت: تابع عقد اجاره است (نسبت به تصریح یا تعارف یقینی).
آیهٔ اللَّه تبریزی: مستحبات مدینه ومکه اگر در ضمن اجاره ذکر نشود، بر عهده اجیر نیست. بلی، آن مستحباتی که در خود حج وعمره متعارف است باید اتیان شود، واللَّه العالم.
آیهٔ اللَّه سیستانی: باید طبق عقد اجاره عمل کند مگر این که اطلاق نیابت طبق عرف عام یا خاص منصرف به انجام بعضی از اعمال

باشد.

آیهٔ اللّه صافی: اگر در ضمن عقد اجاره نسبت به مستحبّات، خصوصیاتی ذکر نشده باشد، احتیاط این است که مستحباتی را که به طور متعارف همه یا اکثر حجاج انجام می‌دهند و زحمت معتدّ به ندارد، اقلًا یکبار به نیت منوبٌ‌عنه بجا آورد، واللّه العالم.

آیات عظام فاضل، مکارم و نوری: به مقداری که در نیابت متعارف است انجام می‌دهد، مگر این که شرط خاصی کرده باشند.

(۳). آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی، فاضل و مکارم: بلی، می‌تواند

آیت اللّه‌صافی: چنانچه مانع اعمال عمره یا حج یا طواف اجیر نباشد خواندن قرآن تبرّعاً یا استیجاراً برای دیگری اشکال ندارد.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً عمره به‌جا آورد.

(۵). آیهٔ اللّه فاضل: یا قبل از آن.

(۶). آیهٔ اللّه گلپایگانی: رجاءً (احکام عمره فارسی، ص ۱۶).

(۷). آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۱

باب سوم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۲

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ

قال الإمام الباقر عليه السلام

يا جابِر مَنْ دَخَلَ قَلْبَه خالصُ حَقيقـةِ الإيمانِ، شـغلَ عَمَّا فِی الـدُّنْيا مِنْ زِينَتِها؛ إنّ زينَـةَ زَهْرةِ الدُنيا، إنّما هُوَ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وإنّ الدارَ الآخرةِ لَهِیَ الحَيَوانِ.

يا جابر إنّ المؤمن لا ينبغی له أن يركنَ ويَطْمئنَّ إلی زَهرةِ الحياةِ الـدنيا؛ واعْلَم أنّ أبناءَ الـدُنيا هُمْ أَهلُ غَفْلَـةٍ وَغُرُورٍ وَجَهالَـةٍ وَأنَّ أَبْناءَ الآخِرَةِ، همُ المُؤمِنُونَ العامِلُونَ الزَّاهِدُونَ أَهْل العلم وَالفِقْهِ وَأَهْل فِكْرَةٍ وَاعْتِبارٍ وَاخْتِبارٍ، لا يَملّونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.

وَاعْلَمْ يـا جـابر: أنّ أهـلَ التقـوی، هُمُ الأغنيـاءُ، أغنـاهُمُ القليـلُ مِن الـدنيا، فَمَئُونَتُهم يَسيرةٌ؛ إنْ نَسـيتَ الخَيْرَ، ذَكَرُوكَ وإن عَمِلْتَ به أَعـانُوكَ؛ أَخَّروا شـهواتَهم ولـذاتَّهم خَلْفَهم، و قـدَّموا طاعَـةَ رَبِّهم أمـامَهم و نظروا إلی سبيـل الخيرِ وإلی ولايـةِ أحبّاءِ اللّه، فأحبُّوهم و تولّوهم وَاتَّبَعُوهُمْ

فأنزل نَفْسَکَ من الـدنیا، کَمَثَلِ مَنْزِلٍ نزلْتَهُ ساعَةً، ثُم ارْتَحَلْتَ عَنْهُ، أو کمثلِ مالٍ اسْتَفَدْتَهُ فی مَنامِکَ، فَفَرِحْتَ بِهِ وَسَرَرْتَ، ثمّ انْتَبَهْتَ مِنْ رَقْدَتِکَ وَلَیْسَ فی یَدِکَ شیٌء وإنّی إنما ضَرَبْتُ لَکَ مثلًا لِتَعْقِلَ وَتَعْمَلَ بِهِ

تحف‌العقول ص: ۲۸۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۳

باب سوم: اقسام و موارد عمره

فصل اول: اقسام و موارد عمره

۱- اقسام عمره و فرقهای آن

اشاره

۱۶۶- عمره- مانند حج- بر دو گونه است: «واجب» و «مستحب».

عمره بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد، یک مرتبه در عمر واجب می‌شود؛ و وجوب آن- مانند وجوب حج- فوری است؛ و برای اهـل مکه و افراد غیر نـائی، که وظیفه آنهـا حـج و عمره مفرده است، اسـتطاعتِ حـج، در وجوب آن، معتبر نیست؛ بلکه اگر چنین اشخاصـی برای عمره مفرده مسـتطیع باشـند، عمره مفرده بر آنها واجب می‌شود، هرچند برای حج مستطیع نباشند؛ همچنین اگر برای حج استطاعت داشته باشند و برای عمره مستطیع نباشند، باید حج به‌جا آورند.

کسـانی که از مکه دور هسـتند- مثل ایرانیان که وظیفه آن‌ها حـج تمتع است- چون حـج تمتع، مرکب از هر دو عمل است، هیچگاه برای آنها، استطاعت حج از استطاعت عمره، و استطاعت عمره از استطاعت حج، جدا نیست

عدم وجوب عمره مفرده بر افراد نائی

۱۶۷- کسـی که وظیفه‌اش حج تمتع است (اشخاصـی که از مکه شانزده فرسـنگ شرعی دور باشند) اگر استطاعت برای عمره داشته باشـند و برای حـج نداشـته باشـند، عمره مفرده بر آنهـا واجـب نیست گرچه در این فرض، احتیـاط آن است که عمره مفرده را به‌جا آورند. همچنین افرادی که حج نیابی انجام می‌دهند، انجام عمره مفرده بر ایشان واجب نیست.

---

(۱). آیة اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب برای کسانی که اهل مکه هستند یا دور از آن.

(۲). آیة اللّه مکارم: این احتیاط واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۴

فرقهای عمره تمتع با عمره مفرده

۱۶۸- عمره مفرده بـا عمره تمتع، فرقی نـدارد مگر در سه چیز: اول- در عمره تمتع بایـد تقصـیر کنـد؛ یعنی بایـد از مو یـا ناخن خود

بچیند و حلق جایز نیست؛ ولی در عمره مفرده، مخیّر است بین حلق و تقصیر.

دوم- عمره تمتع، طواف نساء ندارد، ولی در عمره مفرده واجب است.

سوم- میقات عمره تمتع، یکی از مواقیت پنجگانه است، ولی میقات عمره مفرده، ادنی‌الحل است هر چند احرام از مواقیت پنجگانه نیز جایز است؛ بلکه هنگامی که در مسیر مکه از آن مواقیت عبور می کند، احرام از آن واجب است.

اشتراک محرّمات در عمره تمتّع و مفرده

۱۶۹- محرّمات احرامِ عمره مفرده، با عمره تمتع یکسان است، و بعد از تقصیر یا حلق، همه چیز غیر از زن حلال می‌شود، و بعد از طواف نساء و نمازش، زن هم حلال می‌شود.

۲- تبدیل عمره

تبدیل عمره مفرده به تمتع

۱۷۰- اگر احرام عمره مفرده در ماه‌های حج باشد، انجام عمره تمتع با آن احرام، مانعی ندارد. ۱۷۱- تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع در حج استحبابی‌مانع ندارد، ولی در حجِ واجب و

---

(۱). آیات عظام فرق‌های بیشتری را متذکر شده‌اند که به مناسک آنان مراجعه شود.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: با افضلیت حلق. (مناسک شیخ، ص ۸۹).

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر در حرم باشد، و میقات است در صورت مرور به آن. (کتاب حجّ افراد، ص ۶).

(۴). آیهٔ اللَّه تبریزیو آیهٔ اللَّه سیستانی: تا وقت حج در مکّه باقی ماند.

(۵). آیهٔ اللَّه بهجت: جواز عدول از عمره مفرده در ماههای حج، به عمره تمتّع، محل تأمّل و احتیاط است، و اگر در اشهر حج به عمره مفرده محرم شد و داخل مکّه شد و وقت ضیق باشد از حج تمتّع، می‌تواند با قصد، عدول به عمره تمتع نماید در صورتی که به سببی واجب نشده باشد بقا بر عمره مفرده بر او، با احتیاط در اراقه دم (کتاب حج افراد، ص ۴ و مناسک شیخ، ص ۹۰).

(۶)- آیهٔ اللَّه نوری و آیهٔ اللَّه مکارم: با فرض وقوع عمره در ماههای حج.

آیهٔ اللَّه صافی و آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر در ماههای حج باشد و عمره مفرده بر او واجب نباشد.

(۷)- آیهٔ اللَّه بهجت: جواز عدول به عمره تمتّع، محل تأمل و احتیاط است، مگر این‌که متمکن از انجام عمره تمتع نباشد. (به ذیل مسأله ۳۰۹ مراجعه شود).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی و آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که عمره مفرده را در ماههای حج بجا آورده و اتفاقاً تا وقت حج در مکه باقی مانده، می‌تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را بجا آورد و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: در حج نیابی هم اگر عمره را به نیّت منوبٌ عنه انجام داده باشد، می‌تواند تبدیل به عمره تمتع کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۵

حج نیابی، جواز تبدیل عمره مفرده، محل اشکال است.

عدول به تمتع از عمره مفرده با اخلال به تقصیر

۱۷۲- اگر شخصی بعد از عمره مفرده، عمره تمتع انجام دهد، سپس متوجه شود که تقصیر را در عمره مفرده- جهلًا یا نسیاناً- به‌جا نیاورده، چنانچه عمره مفرده در ماههای حج انجام شده و حج او مستحبی است، می‌تواند به عمره تمتع عدول کند؛ چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه؛ ولی اگر حج واجب باشد، بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند و باید پس از تقصیر صحیح، به میقات برود و برای عمره تمتع محرم شود.

۳- موارد جواز و عدم جواز عمره

اشاره

۱۷۳- افرادی که مستطیع نیستند، یا حجِ واجب خود را انجام داده‌اند، می‌توانند در وقت حج، عمره مفرده انجام داده و برای حج محرم نشوند.

انجام عمره مفرده به نیت چند نفر

۱۷۴- انجام عمره مفرده به نیابت از چند نفر جایز است؛ و در اعمال آن- از جمله طواف نساء- باید نیت همه بشود.

انجام عمره مفرده به نیت خود و دیگران

۱۷۵- آیا انجام یک عمره مفرده به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است یا نه؟

---

(۱). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل: (با اختلاف در تعبیر): در تبدّل عمره مفرده به عمره تمتع، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

(۲). آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل و نوری: مانعی ندارد.
آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است آن را به نیّت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد بر دیگران هدیه کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۶

جواز عمره مستحبی با قرائت غلط

۱۷۶- انجام عمره مفرده برای هر کسی جایز است؛ حتی کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را نیز ندارد،

می‌تواند عمره مفرده بجا آورد.

جواز عمره مفرده با احتمال حیض و مرض

۱۷۷- زنی که حایض است، یا می‌داند حایض می‌شود، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود؛ و اگر در تمام روزهایی که در مکه است حایض باشد، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد؛ و همچنین است مریضی که احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

ترک اعمال عمره مفرده و بازگشت به وطن

۱۷۸- اگر حایض بدون انجام اعمال عمره مفرده از مکه مراجعت نموده، باید برگردد؛ و اگر نمی‌تواند باز گردد، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود؛ و تا اعمال را به‌جا نیاورد، محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

انجام عمره مفرده قبل از تمتع

۱۷۹- انجام عمره مفرده در ماه‌های حج، پیش از عمره تمتع، جایز است؛ و در این مسأله، فرقی بین صَرُوره و غیر صروره نیست.

انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حج

۱۸۰- بعد از عمره تمتع و قبل از حج، نباید عمره مفرده بجا آورده شود؛ و اگر بجا آورده شد، صحت عمره مفرده، محل اشکال است؛ ولی برای عمره و حج تمتع، اشکالی ایجاد نمی‌شود.

---

(۱). آیهٔالله فاضل: برای خودش یا دیگری.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگر چه به جهت مسامحه در امر تصحیحِ قرائت، خلاف شرع کرده باشد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: و نیز نماز طواف را خودش در محل خودش به‌جا آورد.

(۴). آیهٔ اللّه سیستانی: و احوط آن است که این دو عمره در یک ماه قمری نباشد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد و برخودش حج واجب نشده یا حج واجب خود را انجام داده اشکال ندارد. (آداب و احکام حج، ص ۳۹۲، مسأله ۱۰۱۴).

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط.

(۶)- آیهٔ اللّه تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر این که از حرم‌خارج شود و در ماه دیگر غیر از

ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: فقط فرموده‌اند که بجا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتّع و حج تمتع جایز نیست.

آیـهٔ اللَّه سیستانی: اگر بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده بجا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتّع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نمایـد. ولی اگر تا روز هشتم ذی‌حجّه در مکّه بماند و قصد حجّ کند عمره مفرده‌اش تمتّع به حساب می‌آید و می‌تواند برای حجّ محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۳۷).

آیهٔ اللَّه فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتّع انجام داده بجا آورده شود، امّا اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتّع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی‌حجّه در مکّه بماند این عمره مفرده عمره تمتّع محسوب می‌شود و حجّ تمتّع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۷

رعایت قصد رجا

۱۸۱- عمره مفرده بعد از عمره تمتع نیز، با کمتر از یک ماه فاصله، باید به‌قصد رجا انجام شود.

استحباب عمره مفرده بعد از اعمال حج

۱۸۲- نایبی که حجهٔالاسلام خودش را قبلاً بجا نیاورده، مستحب است در صورت امکان بعد از فراغ از اعمال حج، عمره مفرده انجام دهد؛ و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق، خلاف است و احتیاط در این است که در فاصله کمتر از یک ماه، به قصد رجا بجا آورده شود.

اجازه شوهر برای عمره مفرده

۱۸۳- اگر زوج، زوجه عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کند، ولی او عازم سفر عمره گردد، با توجه به این که هنوز زوجه در خانه پدرش می‌باشد و عرفاً نفقه خور همسرش به حساب نمی‌آید؛ آیا سفر زوجه سفر معصیت است یا نه؟ و آیا احرام او صحیح می‌باشد؟

---

(۱). جهت تفصیل این مسأله به ذیل مسأله ۲/ ۱۸۴ مراجعه شود.

(۲)- نظریه آیات عظام در این مسأله، در ذیل مسأله ۱۸۴ به بعد آمده است.

(۳). آیات عظام: سیستانی، فاضل و نوری: در فرض مذکور سفر زوجه سفر معصیت می‌باشد و احرام وی صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه صافی: سفر او ظاهرا معصیت است و صحت محل اشکال است.

آیـهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کنـد و حـج و عمره او در هر حال صحیح است ولی احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند و اگر سفر اول او باشد، خواه برای حجّ و یا عمره، اجازه شوهر شرط نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: سفر او برای عمره مانعی ندارد و منع زوج نسبت به آن اثری ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۸

فصل دوم: تکرار عمره

اشاره

۱۸۴- تکرار عمره- مانند تکرار حج- مستحب است؛ و در مقدار فاصله بین دو عمره، اختلاف فرموده‌اند؛ و احوط آن است که در کمتر از یک ماه، به‌قصد رجا به‌جا آورده شود. و فرقی بین عمره از طرف خود و دیگری نیست.

فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده

۲/ ۱۸۴- آیا بین عمره تمتع و عمره مفرده، نیز فاصله معتبر است؟

---

(۱). ۱- تکرار عمره برای خود:

آیهٔ اللّه بهجت و آیهٔ اللّه گلپایگانی: مطلقا جایز است و فاصله شرط نیست.

آیـات عظـام خویی، سیسـتانی، صـافی، فاضل، مکارم در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد؛ هر چنـد یک عمره در آخر ماه رجب و عمره دوّم در اول ماه شعبان واقع گردد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بین دو عمره وجود فاصـله معین شـرط نیست. ولی بنابر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می‌تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجـام دهـد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصـله مـذکور شرط نیست.

آیهٔ‌اللّه وحید: بنابر احتیاط و در هر ماه قمری بیش از یک عمره جایز نیست.

آیهٔ اللّه نوری: در هر روز می‌تواند یک عمره انجام دهد.

۲- تکرار عمره برای دیگری هر نفر یک عمره:

همه آیات عظام: جایزاست.

تذکر: معلوم شد که تکرار عمره طبق نظر مراجعی که فاصله را شرط نمی‌دانند مطلقا جایز است چه برای خود و چه برای دیگری.

(۲). آیات عظام تبریزی، خویی و فاضل: بین این دو عمره چه قبل از حج و چه بعد از حج، فاصله معتبر نیست.

آیهٔ اللّه صافی: به ذیل مساله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه بهجت: فاصله معتبر نیست مطلقا.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: محـل اشـکال است و احتیاط نبایـد ترک شود و امّا انجام عمره مفرده بین عمره تمتع و حـج، موجب بطلان عمره تمتع می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۹۹

ترک فاصله معتبر

۳/ ۱۸۴- اگر شخصی فاصله لازم بین دو عمره را- بر فرض اعتبار فاصله- رعایت نکند، و یا با قرائت غلط، عمره نیابی انجام دهد، آیا اساساً احرام منعقد می‌شود یا خیر؟ ۴/ ۱۸۴- با توجه به اختلاف فتاوا در مورد فاصله دو عمره و صحیح نبودن قرائت بسیاری از افراد و از سویی تمایل شدید ایشان بر انجام عمره مجدد، آیا این گونه افراد می‌توانند قبل از گذشت فاصله و صرف نظر از صحیح نبودن قرائت، به نیت امید مطلوبیت و ترتب ثواب به نیت خودشان محرم شوند و ثواب آن را به دیگران اهدا نمایند؟

عدم فرق بین عمره اصالتی و نیابی از جهت فاصله

۱۸۵- در فاصله بین دو عمره در کمتر از یک ماه- که باید عمره دوم را به قصد رجا به‌جا آورد- فرقی بین عمره از طرف خود و دیگری نیست.

---

(۱). آیهٔ اللّٰه بهجت: فاصله معتبر نیست ولی بر فرض اعتبار، ظاهرا منعقد نمی‌شود؛ بخلاف مساله قرائت که منعقد می‌شود.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: منعقد نمی‌شود.
آیهٔ اللّٰه صافی: در فرض سؤال احرام محقق نمی‌شود اگرچه احوط و اولی انجام دادن اعمال و خروج از احرام به تقصیر و طواف نساء است والله العالم.
(۲). آیات عظام بهجت، سیستانی و مکارم: مانعی ندارد.
آیهٔ اللّٰه صافی: به قصد رجاء ثواب مانع ندارد والله العالم.
آیهٔ اللّٰه فاضل: می‌تواند به نیت همان فرد محرم شوند و صحیح است حتی اگر قرائت آنها اشکال داشته باشد.
(۳). آیهٔ اللّٰه بهجت: در این مسأله و دو مسأله بعدی، به حاشیه مسأله ۱۸۴ مراجعه شود و حکم اجرت هم از آن معلوم می‌شود.
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل: در یک ماه قمری نمی‌تواند دو عمره برای خود و یا یک نفر دیگر انجام دهد. ولی انجام دو عمره، یکی برای خود و یکی برای دیگری و یا دو عمره برای دو نفر متفاوت جایز است.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نظر ایشان در خصوص این مسأله و دو مسأله بعد، ذیل مسأله ۱۸۴ آمده است.
آیهٔ‌اللّٰه گلپایگانی: فاصله بین دو عمره شرط نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۰

مقصود از فاصله یک ماه

۱۸۶- مقصود از فاصله‌ای که عمره در کمتر از آن، به نیّت رجا انجام می‌شود، یک ماه است، نه سی روز؛ ولی اگر انجام عمره در بین ماه بوده، احتیاط مذکور تا سی روز، مراعات شود.
۲/ ۱۸۶- کسی که در کمتر از زمان مذکور عمره مفرده انجام داده و هم اکنون برای عمره تمتّع محرم شده یا می‌خواهد محرم شود، چه تکلیفی دارد؟

رها کردن عمره به قصد رجا در اثنا

۱۸۷- در مواردی که استحباب عمره مفرده قطعی نیست و رجاءً انجام می‌شود، آیا می‌توان در حین اعمال، آن را رها نمود؟

حکم احرام روز آخر ماه

۱۸۸- فردی قبل از غروب آفتابِ شب اول ماه، به احرام عمره مفرده محرم شده و اعمال مکّه را در ساعات اوّلیه ماه جدید انجام داده است، آیا این عمره به حساب کدام ماه لحاظ می‌شود؟ در همین فرض اگر بعد از غروب آفتاب محرم شد، چگونه محاسبه می‌شود؟

---

(۱). گذشت تفصیل حواشی در ذیل مسأله ۱۸۴.

(۲). آیهٔ اللّه گلپایگانی رحمه الله: جواب این مسأله از مسایل قبل معلوم می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: فاصله معتبر نیست، لذا بلافاصله بعد از عمره مفرده می‌تواند برای عمره تمتع محرم شود. بلی، اگر در اشهر حج، عمره مفرده انجام داده است و تا ذی‌الحجهٔ در مکه بماند می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و حج تمتع انجام دهد.

آیهٔ اللّه بهجت: اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای؛ آیهٔ اللّه تبریزی: رعایت فاصله مزبور بین عمره مفرده و عمره تمتع لازم نیست

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در ماه ذیحجه عمره مفرده انجام دهد می‌تواند در مکه بماند تا روز ترویه یعنی هشتم ماه ذیحجه به قصد انجام حج که در این صورت عمره مفرده‌ای که انجام داده عمره تمتع بحساب می‌آید و بعد از آن باید حج تمتع بجا آورد.

آیهٔ اللّه صافی: گذشت که بین عمره مفرده و تمتع، فصل زمانی معتبر نیست.

آیهٔ اللّه نوری: در فرض سؤال، محرم شدن برای عمره تمتع اشکال ندارد.

(۳). آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، صافی، سیستانی و نوری: نمی‌تواند.

آیت‌اللّه مکارم: خلاف احتیاط است.

(۴). آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، نوری، مکارم: انعقاد احرام، میزان است نه انجام اعمال.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً در هر دو فرض، اعمال عمره مربوط به ماه جدید است و تا ماه آینده نمی‌تواند مجدداً عمره مفرده بجاآورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۱

اخذ اجرت در عمره به قصد رجا

۱۸۹- اگر عمره مفرده بر منوبٌ‌عنه واجب باشد ولی نایب آن را به خاطر نگذشتن فاصله لازم، به قصد رجا انجام می‌دهد، از جهت اجزاءِ از وی، لازم است احتیاط مراعات شود و اخذ اجرت در این فرض، چنانچه با تذکر به اجیرکننده باشد، اشکال ندارد.

---

(۱). آیات عظام، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: نیابت مانعی ندارد و کفایت از منوبٌ‌عنه می‌کند.

آیهٔ اللّه مکارم: و کفایت کردن آن محل اشکال است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۲

فصل سوم: مکان احرام عمره مفرده

۱- میقات و ادنی‌الحل

اشاره

لزوم احرام جهت گذر از میقات در مسیر مکه

۱۹۰- کسانی که در مسیر عمره مفرده، از مواقیت پنج‌گانه گذر می‌کنند، نمی‌توانند بدون احرام از آنجا عبور نمایند؛ و در صورت عبور، واجب است به میقات بازگردند؛ و اگر کسی نتوانست برگردد، هرجا که هست محرم شود.

انجام عمره از داخل مکه

۲/ ۱۹۰- افرادی که از مکه عمره به‌جا می‌آورند، به ادنی‌الحل- که افضلِ آن «جِعرانه»، «حُدیبیه» و «تنعیم» است- رفته، و محرم می‌شوند.

عدم خصوصیت مسجد در جحفه و تنعیم

۱۹۱- میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای آن، احرام صحیح است؛ و همچنین برای احرام عمره مفرده، مسجد تنعیم، خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحلّ صحیح است هرچند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی‌الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: عبور از میقات بدون احرام جایز نیست و در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل برای قاصدعمره مفرده کافی است.

(۲). تفصیل نظر آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۲۳۶ و ۲۶۲ و ۱۹۷ آمده است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۳

احرام از داخل مکه با نذر

۱۹۲- آیا احرام با نذر، از داخل شهر مکه و یا مسجدالحرام، برای عمره مفرده جایز است؟

معیار ادنی الحل

۲/ ۱۹۲- آیا احرام از ادنی‌الحل که میقات عمره مفرده است، باید از اولین نقطه متصل به حرم انجام شود، یا با فاصله نیز کافی است، یا میزان ادنی‌الحل عرفی است؟

۲- حکم احرام از جده

احرام شاغلین در جده

۱۹۳- میقات برای شاغلین در جده- از ایرانیان و غیر آن‌ها- در عمره تمتع و عمره مفرده، همان مواقیت معروفه است و نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل محرم شوند؛ و اگر از روی جهل به مسأله در غیر میقات محرم شوند، احرام آن‌ها صحیح نیست و محرّمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود؛ و با فرض علم و عمد هم، حکم همین است؛ هرچند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیدند، عمل آنان صحیح است.

---

(۱). همه آیات عظام: نمی‌تواند.

(۲). آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، فاضل، مکارم: میزان ادنی‌الحل عرفی است.

آیهٔ‌اللَّه صافی: و از آن فاصله نگیرد.

آیهٔ‌اللَّه سیستانی: صدق ادنی‌الحل معیار است در همه مرزهای حرم.

(۳). آیهٔ اللَّه خویی: اگر حدود سه سال در جده می‌ماند که صدق مقرّ و منزل بر آن بکند، می‌تواند از جدّه‌محرم شود. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: می‌توانند از جده با نذر محرم شوند و کسی که منزلش از میقات به مکّه نزدیک‌تر باشد می‌تواند از منزل احرام ببندد.

آیهٔ اللَّه مکارم: برای عمره مفرده، می‌توانند مانند سایرین از حدیبیه محرم شوند.

تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۱۹۷ آمده است.

(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: صحت عمره محل اشکال است. آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: و احتیاطاً در صورت امکان عمره را اعاده نمایند.

آیهٔ اللَّه فاضل: در صورت جهل و نسیان، اگر بعد از اعمال حج متوجّه شوند حجّ صحیح است و اگر بعد از عمره تمتّع یا عمره مفرده متوجّه شوند عمره باطل است و در عمره تمتّع اگر وقت دارد و ممکن باشد، جبران کند و اگر وقت ندارد حجّ تمتّع بدل به حجّ افراد می‌شود و در این صورت نیز کفایت از حَجّهٔ‌الاسلام می‌کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۴

نذر در ایران برای احرام از جده

۱۹۴- اگر کسی از ایران نذر کند که در جدّه محرم شده، سپس برای انجام عمره مفرده به مکّه برود، آیا این نذر صحیح است؟ و احرام او صحیح می‌باشد؟

احرام برای عمره مفرده از جدّه

۱۹۵- شخصی از روی جهل به حکم، در جدّه برای عمره مفرده محرم می‌شود وپس از انجام طواف و نماز و سعی، متوجه می‌شود که می‌بایست به یکی از مواقیت می‌رفته، تکلیف او چیست؟

ورود به جده و احرام از تنعیم

۱۹۶- کسانی که به قصد عمره مفرده وارد جدّه می‌شوند، آیا می‌توانند از مسجد تنعیم که ادنی‌الحلّ است، محرم شوند؟

---

(۱). آیات عظام: بهجت، صافی، فاضل، مکارم و نوری: این نذر صحیح است و کفایت می کند؛ آیهٔ اللّه سیستانی: مگر بداند که مجبور می‌شود در روز سوار ماشین مسقف شود که صحّت نذر در این فرض، محلّ اشکال است و همین طور بنابر احتیاط شب های بارانی.

آیهٔ اللّه تبریزی و آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نذر و احرام او باطل است.

(۲). آیهٔاللّه بهجت: عمره از او محقّق نشده است.

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و اعمال عمره مفرده را انجام دهد، واللّه العالم.

آیهٔاللّه خامنه‌ای و آیهٔاللّه فاضل: فعلًا تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی کند.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، احتیاطاً بقیّه اعمال عمره را اتمام کند و چنانچه عمره مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحلّ محرم شود و عمره واجبه خود را انجام دهد، واللّه العالم.

آیهٔاللّه مکارم: احرامش باطل است و باید به ادنی‌الحلّ برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند.

آیهٔاللّه سیستانی: عمره او باطل است و اگر نمی‌تواند به میقات برود می‌تواند از أدنی‌الحِلّ؛ مانند مسجد تنعیم، دوباره محرم شود و اعمال را انجام دهد.

آیهٔ اللّه نوری: اگر بعد از اعمال متوجّه شود عمره او صحیح است.

(۳). آیهٔاللّه بهجت: با عدم مرور به میقات از محاذی اوّلین میقات محرم می‌شوند و در صورت ترک آن، احرام از ادنی الحلّ مجزی است.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرض سؤال، باید به جحفه یا میقات دیگر- از مواقیت معروفه- بروند و از آنجا محرم شوند، احرام از ادنی‌الحل مجزی نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: واجب است برای محرم شدن به یکی از میقات‌ها برود و در صورتی که نتواند به یکی از میقات‌ها برود، احتیاط واجب این است که با نذر از جدّه احرام ببندد.

آیهٔ اللّه سیستانی: نمی‌توانند.

آیهٔ اللّه صافی: عبور از میقات یا محاذی آن، برای قاصد مکّه بدون احرام جایز نیست هرچند بخواهد عمره مفرده بجا آورد و لکن اگر معصیت نمود و از ادنی‌الحل محرم شد، عمره او صحیح است.

آیهٔ اللّه فاضل: برای عمره مفرده می‌توانند از ادنی الحل محرم شوند ولی چون ورود بدون احرام به شهر مکه حرام است و در قسمت مسجد تنعیم شهر مکه توسعه یافته است اگر شخص بخواهد به تنعیم برود و از آنجا محرم شود، مستلزم ورود به شهر مکه

بدون احرام است که جایز نیست. پس این شخص یا باید با نذر قبل از ورود به شهر مکه محرم شود و یا به مواقیت دیگر مثل جعرانه و حدیبیه برود و از آنجا محرم شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: میقات آن‌ها حدیبیه، که تقریباً هفده کیلومتر با مکّه فاصله دارد، می‌باشد. اگر از جاده قدیم بروند به حدیبیه برخورد می کنند و اگر نروند از محاذات آن کفایت می کند.

آیهٔ اللَّه نوری: خیر، باید از جُحفه یا مسجد شجره محرم شوند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۵

۲/ ۱۹۶- کسانی که به قصد عمره مفرده وارد جدّه می‌شوند، آیا می‌توانند با نذر از مسجد تنعیم، محرم شوند؟

۳- حکم احرام از حدیبیّه

۱۹۷- کسانی که با هواپیما به جده می‌روند، نمی‌توانند- برای عمره تمتع یا مفرده - از جده یا حدیبیه محرم شوند؛ بلکه باید به یکی از مواقیت- مثل جحفه - بروند؛ و اگر

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که نذر کرده باشد که در صورت گذر از میقات یا محاذات آن به هر علتی، در مسجد تنعیم محرم شود، نذر منعقد است.

آیهٔ اللَّه صافی: جایز نیست ولی در صورت گذر به هر علت، احرام در ادنی الحل کافی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: جایز نیست.

(۲). آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در عمره مفرده احرام از ادنی الحلّ کفایت می کند، اگرچه با عبوراز میقات بدون احرام گناه کرده است. (مناسک عربی، ص ۸۴).

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: مثل جحفه یا محاذات آن. (مناسک، مسأله ۱۷۳) به ذیل مسأله ۲۷۲ و ۲۵۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: می‌تواند از جدّه با نذر محرم شود؛ زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۶

به مدینه می‌روند، باید از مسجد شجره محرم شوند.

۱۹۸- حدیبیّه میقات عمره مفرده است، برای کسانی که در مکه هستند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: و نیز کسی که بدون قصد دخول مکه، از میقات عبور کرده و به نزدیک حرم رسیده است، می تواند از ادنی‌الحل برای عمره مفرده محرم شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: میقات عمره مفرده برای کسی که می‌خواهد وارد حرم شود همان میقات‌های معروف است، ولی اگر کسی برای کار دیگری غیر از عمره در آن محل بوده و قصد دخول حرم هم نداشته و از میقات گذشته و سپس تصمیم بر انجام عمره گرفته است می تواند از ادنی‌الحل محرم شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۷

فصل چهارم: خروج از مکه و بازگشت به آن

۱- حکم خروج خدمه کاروان

تکرار خروج از مکه

۱۹۹- کسانی که به اقتضای شغلشان، زیاد به مکه وارد و خارج می‌شوند، از حکم وجوب احرام در هر بار، مستثنی هستند.

حکم رفت و بازگشت خدمه کاروان

۲۰۰- خدمه کاروان و مانند ایشان اگر عمره مفرده بجا آورده باشند، هر دفعه که از مکه خارج

---

(۱). در این قسمت حکم خروج از مکه از جهت نیاز به احرام مجدد و انجام عمره مفرده، مطرح شده است و حکم خروج بعد از عمره تمتع در صفحه ۳۹۸ آمده است.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: و همچنین کسی که بعد از تمام نمودن اعمال حج یا بعد از عمره مفرده از مکّه خارج شده و بیرون رفته باشد چنین شخصی می‌تواند در همان ماه خروج بدون گذشتن سی روز بدون احرام وارد مکّه شود و در غیر این صورت حکم آن در مسأله ۲۰۳ آمده است. (مناسک شیخ ص ۹۰).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: همچنین در مورد کسانی که در همان ماه که عمره را بجا آورده‌اند خارج شده و سپس در همان ماه داخل می‌شوند احرام و عمره مجدّد واجب نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: و همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بر شخص مکلف جایز نیست بدون احرام وارد مکه مکرمه شود، و اگر در غیر موسم حج می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است با احرام عمره مفرده وارد شود. دو گروه از این حکم مستثنی هستند:

۱- کسانی که مقتضای شغل آنان این است که زیاد به مکه رفت و آمد کنند.

۲- کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از مکه خارج شده‌اند و می‌خواهند در همان ماه انجام حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۸

می‌شوند و به جده می‌روند و برمی‌گردند، لازم نیست محرم شوند ولی اگر عمره تمتع بجا آورده‌اند، بنابر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که به احرام حج محرمند.

حکم عمره تمتع با علم به خروج از مکه

۲۰۱- خدمه کاروانی که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند، بنابر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند؛ بلکه برای ورود به مکه، باید از یکی از مواقیت معروفه، برای

---

(۱)- آیات عظام خویی، سیستانی، فاضل: مگر اینکه در ماه هلالی دیگر وارد مکه شوند که باید دو مرتبه‌محرم بشوند.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر عمره مفرده را به نیـابت از دیگران بجـا آوردهانـد، بنـابر احتیـاط واجب برای دخول در مکه یا حرم دو مرتبه محرم شوند.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که اعمال حج تفویت نشود، خروج از مکه مانعی ندارد.

(۳)- آیهٔ اللّه خامنهای: جایز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکّه حجّ او فوت نمی‌شود بعد از انجام عمره تمتّع و قبل از احرام حج از مکّه بیرون رود اگر چه احتیاط مستحب آن است که فقط در مورد ضرورت و نیاز خارج شود.

آیـهٔ اللّه سیستانی: اگر مکلّف اعمال عمره تمتّع را بجاآورد، بنابر احتیاط واجب نبایـد از مکّه بیرون برود مگر برای حـج، مگر آنکه بیرون رفتنش جهت انجام کاری باشـد، اگر چه آن کار غیر ضـروری باشـد و ترس از اینکه اعمال حجّش فوت گردد نداشـته باشد، که در این صورت اگر بدانـد که می‌توانـد به مکّه برگردد و از آنجا احرام حـج ببنـدد، اظهر جواز بیرون رفتنش از مکّه بدون احرام است. (مناسک، مسأله ۱۵۱).

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر یقین یا اطمینان دارد که خروج از مکه لطمه به حـج او وارد نمی‌کنـد، مانعی نـدارد که حتی بـدون احرام هم از مکه خـارج بشود و برای احرام از مکه و مناسـک به مکه برگردد لکن احتیـاط اسـتحبابی بر خلاـف آن است. بله اگر از مکه خارج شـد و در ماه بعـد به مکّه بازگشت باید مجدّداً عمره تمتع انجام دهد و عمره تمتّعی که در ماه قبل انجام داده لغو وباطل است و باید برای حج تمتع از یکی از مواقیت معروفه محرم شوند.

آیـهٔ اللّه مکارم: حرام است خارج شوند مگر اینکه مطمئن باشـند که به موقع برمی‌گردند و حج خود را انجام می‌دهند و همچنین در صورت حاجت.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: برای کسی‌که اگر خارج شود حج در آن سال از او فوت می‌شود، خروج از مکّه بعد از عمره‌تمتّع جایز نیست و اظهر عـدم اعتبـار فاصـله بین دو عمره است، اگرچه احوط و افضـل است، و اگر بعـد از عمره خـارج از مکه و حرم و میقـات شـد و برگشت در غیر مـاه احرام اوّلی، پس محتـاج به احرام عمره است که آن را عمره تمتّع قرار می‌دهـد و برای عمره سـابق انجام طواف نساء موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۸۹ و ۹۰).

آیـهٔ اللّه خامنهای: اگر بعـد از انجام عمره تمتع از شـهر مکه بـدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدیـد احرام برای ورود به شـهر مکه نـدارد، ولی اگر در ماه بعـد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی‌القعـده انجـام دهـد و خـارج شود، و در مـاه ذی‌الحجه به مکه برگردد، واجب است با احرام جدیـد برای عمره جهت دخول مکه محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می‌شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود.

آیهٔ اللّه خویی: بیان احتیاط و عدم آن در مناسک ایشان نیامده است.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر بین این عمره و حج، عمره دیگری فاصـله نشود می‌توانند عمره تمتّع انجام دهند و پس از آن اگر خوف فوت اعمال حج نداشـته باشـند می‌توانند برای کاری هرچند غیر ضـروری خارج شوند. پس اگر در همان ماه قمری برگردند احرام مجدّد لازم نیست و اگر ماه بعـد باشـد و نخواهند دوباره خارج شوند و در ماه بعد وارد شوند باید با احرام عمره تمتّع وارد شوند و اگر باز هم بخواهند در ماه بعد وارد شوند باید اکنون با احرام عمره مفرده وارد شوند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر حج تمتّع بر آن‌ها واجب باشد باید به قصد عمره تمتّع محرم شوند و انجام عمره مفرده قبل از حج برای کسی که حج بر او واجب است یا نایب در حج بلدی است اشکال دارد.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر بخواهند در ماهی که عمره انجام داده خارج شوند و در همان ماه برگردند، می‌توانند عمره تمتّع انجام دهند، در این صورت فرقی نمی‌کنـد که بخواهنـد به مـدینه برونـد یا جـدّه. و در این فرض بایـد بدون احرام مجدّد به مکّه وارد شوند. امّا اگر بخواهنـد در ماه بعد برگردند نباید عمره تمتّع انجام دهند، بلکه عمره مفرده انجام دهند و برای آخرین بار که به مکّه رجوع می‌کنند

عمره تمتّع انجام دهند.

آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه نوری: خدمه کاروان‌ها می‌توانند عمره تمتّع را به‌جا آورند و از احرام خارج شوند و بعد برای انجام کارهای ضروری به جده یا مدینه و مانند آن بروند بشرطی که مطمئن باشند که به موقع به حج برسند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۰۹

عمره مفرده محرم شونـد؛ و ادنی‌الحِلّ، میقات این اشـخاص نیست. افراد مـذکور بعـد از انجام عمره مفرده، در صورت خارج شـدن ازمکه، اگر فقط به جـده بیاینـد، برای ورود به مکه در مرتبه دوم و بعـد از آن، احرام، واجب نیست؛ ولی اگر به مـدینه بروند، برای بازگشت به مکه، باید در مسجد شجره، برای عمره مفرده دیگر محرم شوند، و چون بین این عمره

---

(۱). آیات عظام فاضل، مکارم: همانطور که گذشت، برای عمره مفرده اگر از ادنی الحلّ محرم شود عمره‌اش صحیح است.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: اگر در همان ماه قمری که محرم شده وارد شود تجدید احرام لازم نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در ماهی که محرم شده‌اند تجدید احرام لازم نیست ولو به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند.

(۳). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: چنانچه بخواهد در کمتر از یک‌ماه به مکه مراجعه نماید، نیاز به احرام مجدّد ندارد.

آیات عظام خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: حکم جـده و مـدینه یکی است و تا ماه هلالی که عمره مفرده را در آن انجام داده تمام نشود، می‌تواند بی‌احرام وارد مکه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: نیاز به محرم شدن از هیچ میقاتی نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۰

مفرده و عمره مفرده اول، یک ماه فاصله نشده، عمره دوم را رجاءً به‌جا آورند.

این اشـخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند، باید به یکی از مواقیت معروفه- مثل مسجد شجره یا جُحفه- بروند و از آنجا برای عمره تمتع محرم شوند.

فرق رفتن به جدّه و مدینه در لزوم احرام مجدّد

۲۰۲- خـدمه کاروان که از مکه خارج می‌شونـد، اگر فقط به جده می‌روند، برای ورود به مکه هر چند مرتبه که باشد، احرام واجب نیست؛ ولی اگر به مـدینه برونـد، برای بـازگشت به مکه، بایـد در مسـجد شـجره برای عمره مفرده محرم شونـد. فارق بین دو فرض، عبور از میقات و عدم عبور است.

عدم لزوم احرام مجدد تا یک ماه بعد از حج تمتع

۲۰۳- بعـد از انجـام حـج تمتع در صورت خروج از مکه، اگر از احرام عمره تمتع، یـک مـاه نگذشـته باشـد، برای بازگشت به مکه، احرام مجدد لازم نیست.

ورود به مکه بدون احرام

۲۰۴- یکی از کارمندان حج بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدت از عمره قبلی او

(۱). تفصیل نظر آیات عظام ذیل مسأله ۱۸۵ و ۱۸۴ گذشت.

(۲). آیهٔ اللّه فاضل: گذشت که میان جدّه و مدینه فرق نیست بلکه فارق عنوان ماهی است که در آن خارج و داخل می‌شود.

(۳). نظر آیات عظام در ذیل مسأله قبل گذشت.

(۴). آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: در همان ماهی که محرم شده مراجعت کند لازم نیست محرم شود.

آیهٔ اللّه بهجت: در این صورت عدم فاصله اگر ماه خروج با ماه مراجعت تغایر دارد احوط این است که با احرام برای عمره وارد مکه شود، اگرچه خروج در آخر ماهی و ورود در اوّل ماه دیگر باشد و همچنین است گذشتن سی روز با عدم تغایر ماه. (مناسک شیخ، ص ۹۰).

آیهٔ اللّه خویی: در همان ماهی که عمره تمتّع انجام داده، اگر برگردد لازم نیست محرم شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتّع را انجام داده است، لازم نیست محرم شود.

(۵). آیهٔ اللّه فاضل: اگر در ماه قمری بعد وارد شود عمره تمتع قبلی او باطل شده است و نمی‌تواند حج تمتع انجام دهد مگر این که مجدّداً به یکی از مواقیت خمسه رفته و محرم به احرام عمره تمتع شود و سپس بعد از انجام عمره، حج تمتع بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۱

گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟

۲- گذر از میقات بعد از انجام عمره

عبور از میقات در کمتر از یک ماه

۲۰۵- بعد از انجام عمره مفرده حتی اگر یک ماه فاصله نشده باشد، جهت گذر از میقات، انجام عمره مفرده بنا بر احتیاط به‌قصد رجا لازم است و بدون آن گذر از میقات جایز نیست.

بازگشت به میقات در حال احرام و بعد از آن

۲۰۶- کسی که هنوز از احرام عمره تمتّع خارج نشده، می‌تواند از مکه به میقات باز گردد؛ ولی

(۱). آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی و فاضل: فعلًا وظیفه‌ای ندارد غیر از استغفار اگر عامد بوده است.

آیهٔ اللّه مکارم: کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و محرم شود.

(۲). مراجعه شود به مسأله ۱۸۴

آیات عظام: تبریزی، خویی سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: در صورتی که در همان ماه قمری که محرم شد، به مکّه برود احرام مجدّد لازم نیست.

آیهٔ‌الله خامنه‌ای: اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلامانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماهی دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنابر احتیاط

واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام ببندد و رعایت این احتیاط در ماههای دیگر هم خوب است.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله ۲۰۱ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در اثنای عمره، بنابر احتیاط نمی‌تواند خارج شود، مگر حاجتی داشته باشد.

آیهٔ اللّه خویی: در اثنای عمره نمی‌تواند خارج شود مگر از روی حاجت.

آیهٔ اللّه سیستانی: می‌تواند قبل از اتمام عمل، از مکه بیرون برود در صورتی که قدرت برگشتن به مکه را داشته باشد. (مناسک، مسأله ۱۵۲).

آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب در اثنای عمل نیز نباید خارج شود. بلی اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که خروج از مکه به حج او لطمه نمی‌زند مانعی ندارد که حتی بدون احرام نیز خارج شود، اگرچه احتیاط مستحب عدم خروج بدون احرام است. و در هر صورت چنانچه بدون احرام خارج شد و در همان ماه برگشت حج تمتّع او صحیح است، امّا اگر ماه بعد برگشت عمره اولش فاسد شده و باید مجدّداً عمره تمتّع انجام دهد و الّا حجّ تمتّع او صحیح نیست.

آیهٔ اللّه نوری: اگر اعمال عمره تمتّع را انجام داده و مطمئن است که به حج در موقع خود می‌رسد، می‌تواند از مکه خارج شود و برگردد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۲

اگر مُحِلّ شده است، نمی‌تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، در حالی که بنابر احتیاط برای حجّ محرم شده باشد.

عبور از میقات در ماه جدید بعد از عمره تمتّع

۲۰۷- شخصی در ماه شوال یا ذی‌القعده، عمره تمتع بجا می‌آورد، و به مدینه برگشته و در ماه جدید مجدداً به مکه می‌رود، وظیفه اونسبت به‌احرام در مسجد شجره چیست، عمره مفرده، یا عمره تمتّع مجدّد، یا عمره‌ای که بر ذمه دارد؟

---

(۱). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: مگر در فرض حاجت که باید محرم به احرام حجّ شده آنگاه خارج شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: به حاشیه مساله ۲۰۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بداند که می‌تواند به مکه برگردد و از آنجا احرام برای حج ببندد، اظهر جواز بیرون رفتنش از مکه بدون احرام است، و اگر نداند با احرام حج از مکه بیرون رود. (مناسک، مسأله ۱۵۱).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بلی اگر رفتن به آنجا با احرام، برای او حرج باشد جایز است بدون احرام خارج شود.

آیهٔ اللّه مکارم: و اگر بستن احرام برای حج و ماندن در احرام تا روز عرفه، موجب عسر و حرج می‌شود، لازم نیست.

(۲). آیهٔ‌اللّه بهجت: محتاج به احرام عمره است و عمره دوّم را عمره تمتّع قرار می‌دهد و احتیاج عمره اوّل به طواف نساء موافق احتیاط است.

آیت اللّه خامنه‌ای: در فرض سؤال باید از میقات محرم شود به عمره تمتّع، و عمره تمتّع حج وی همین عمره اخیره است.

آیت اللّه تبریزی: در فرض مزبور برای عمره تمتّع مجدداً محرم می‌شود و بنابر احتیاط واجب باید برای عمره قبل طواف نساء را انجام می‌دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۱۱۲

آیت اللّه گلپایگانی: در فرض سوال باید برای عمره تمتّع محرم شود.

آیت اللَّه سیستانی: اگر نمی‌خواهد دوباره خارج شود عمره تمتّع را انجام دهد چون عمره قبلی باطل شده است.
آیت اللَّه مکارم: احتیاط آن است که محرم شود و عمره مفرده‌ای بجا آورد.
آیت اللَّه فاضل: در فرض سؤال برای ورود به مکه در ماه جدیـد باید محرم بشود، پس اگر بخواهد حج تمتع بجا آورد مجدداً محرم به احرام عمره تمتّع بشود و عمره تمتّع قبل او باطل شده است والا محرم به عمره مفرده بشود
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۴
اللَّهُمَ
اجْمَعْ بَیْنِی وَ بَیْنَ الْمُصْطَفَی وَ آلِهِ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ
وَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ
عن الزمخشری:
قَالَ النَّبِیُّ ص:
فَاطِمَهُ بَهْجَهُ قَلْبِی وَ ابْنَاهَا ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِی وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَنَاءُ رَبِّی وَ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَی.
فرائد السمطین ۲/ ۶۶
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۵

باب چهارم: کیفیت حج افراد

فصل اول: کیفیت حج افراد

اعمال حج افراد و عمره بعد از آن

۲۰۹- حج افراد- علاوه بر این که ابتداءً وظیفه بعضی از اشخاص است- گاهی هم مورد نیاز متمتّع واقع می‌شود، به این صورت که: حایض یا کسـی که به خاطر ضـیق وقت نمی‌توانـد عمره تمتع را به‌جا آورد، بایـد با قصـدِ حج افراد با همان احرامِ عمره تمتع، که به افراد عـدول کرده، به عرفـات و مشـعر برود و وقوف کنـد، بعـد به منی رفته و اعمال آن را- غیر از هـدی که بر مُفرد واجب نیست- به‌جا آورد؛ و برای طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن به مکه برود؛ پس در این هنگام، کاملًا از احرام خارج شده است؛ بعد از آن، جهت بیتوته و اعمال ایّام تشریق، به منی بازگردد.
پس اعمال حج افراد، با حج تمتع، یکسان است مگر در هدی که در حج تمتعْ واجب و در حج افراد، مستحب است.
۲۱۰- در صورت تبدّل حج تمتّعِ واجبِ، به حجِّ افراد، باید بعد از حج افراد، عمره مفرده انجام

(۱). آیـهٔ اللَّه فاضـل: کسـی کـه به علت ضـیق وقت نمی‌توانـد عمره تمتع بجـا آورد می‌توانـد قصـد حـج افراد کنـدولی کفـایت از حجهٔالاسلام او نمی‌کند.

(۲). آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیسـتانی: حج افراد با حج تمتّع در تمام اعمال مشترک هسـتند و در ۶ جهت باهم فرق دارند (تفصیل آن در مسأله ۱۵۸ مناسک آیهٔ اللَّه تبریزی و مسأله ۱۵۰ مناسک آیهٔ اللَّه سیستانی بیان شده است).

آیـهٔ اللَّه فاضـل: در برخی از احکـام بین حـج تمتع و حـج افراد تفاوت هست، مثلًا تقـدیم اعمال مکه بر وقوفین در حـج افراد اختیاراً جـایز است بر خلاـف تمتع، و همچنین کسـی که احرام حـج تمتع می‌بنـدد تـا طوافهـای حـج تمتع را بجـا نیـاورده نمی‌توانـد طواف مستحبی بجا آورد و این امر در حج افراد مشروع است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۶

شود، این عمره از ادنی‌الحل- که افضلِ آن «جِعرانه»، «حُدیبیه» و «تنعیم» انجام می‌شود.

مبادرت به عمره حج افراد

۲۱۱- بعد از به‌جا آوردن حج افراد، بنابر احتیاط، مبادرت عرفی انجام عمره مفرده- در فرض لزوم آن- لازم است.

حکم احرام قبل از انجام عمره حج افراد

۲۱۲- کسـی که حجش به افراد مبـدّل شـده و بایـد بعـد از آن عمره مفرده انجـام دهـد، احوط آن است که تـا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر محرم نشود؛ هرچند اگر محرم شد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی‌زند.

عدول از حج افراد به تمتّع یا عمره مفرده

۲۱۳- کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد آن محرم شده، نمی‌تواند به عمره تمتع یا عمره مفرده، عدول نماید.

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورت تمکن.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: گرچه اقوی عدم وجوب مبادرت است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: وجوب آن فوری است، مانند وجوب حج.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خویی: مانعی ندارد. (مناسک، مسأله ۱۵۸).

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: فتوای ایشان در مسأله به دست نیامد.

(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط مستحب آن است...

آیهٔ اللَّه سیستانی: وجوب آن فوری است ولی اگر تأخیر انداخت مجزی است.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: بایـد توجه داشت که عمره مفرده واجب را در هر مـاه از سـال می‌توان انجام داد ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است باید تأخیر نیندازد.

(۵). آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب در ترک این کار است.

(۶)- آیهٔ اللَّه بهجت: جواز عدول مورد تأمل است. (کتاب حج افراد، ص ۲ و ۴).

آیـهٔ اللَّه خـویی: اگر برای حـج افراد مسـتحبی محرم شده‌باشـد، می‌توانـد به عمره تمتع عـدول کنـد، مگر این‌که بعـد از سـعی تلبیه

گفته‌باشد که در این فرض حقّ عدول ندارد (مناسک، مسأله ۱۵۹).

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: تبـدیل حج افراد به عمره مفرده جایز نیست و امّا در تبدیل حج افراد به عمره تمتّع، اگر اول حج افراد بر او متعیّن بود و بعـد کشف خلاف شـد (مانند زن حایض که چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج افراد محرم شـد و اتفاقاً در مکه برخلاف عادت پاک بود) لازم است از حـج افراد عـدول به عمره تمتع کنـد و بعـد از انجام آن حج تمتع بجا آورد و اما کسـی که حـج افراد هم از او صـحیح است مختار است که عـدول نمایـد به تمتع یا حـج افراد را تمام کند. (مناسـک عربی، ص ۷۰).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۷

جواز عمره مفرده و حج افراد برای غیر واجب‌الحج

۲۱۴- در صورت واجب نبودن حج، یا انجام دادن آن، احرام برای حـج، لازم نیست و انجام عمره مفرده و نیز حـج افراد استحبابی، مانعی ندارد، ولی میقات حج افراد، مواقیت معروفه است.

احرام برای حج افراد بعد از عمره تمتع

۲۱۵- اگر شخصـی بـا احرام عمره تمتع، به مکه وارد شود و بعـد از اعمـال عمره، از مکه خـارج و از میقات به نیت حـج افراد محرم گردد، صـحت حـج وی بعیـد نیست، ولی حـج تمتع، واقع نمی‌شود؛ و اگر از مکه محرم شـده، در صورت اشـتباه در تطبیق، حـج او صحیح و تمتع است؛ و در غیر این صورت، صحیح نیست.

حکم احرام برای حج افراد از حرم

۲۱۶- اگر شخصـی برای حـج افراد، جهلًا در حرم محرم شود، چنـانچه ممکن نیست که به میقـات برود و از آن جـا محرم شود و به وقوف برسـد، در همـان محلی که هست محرم شود؛ و چنـانچه اعمـالی انجام داده، اگر امکان تـدارک آن با احرام هست، تـدارک کند؛ و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام اول انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: و لازم نیست بعد از آن عمره مفرده انجام دهد.

آیهٔ اللَّه مکارم: و انجام عمره مفرده بر آنها واجب نیست هرگاه حج تمتع واجب را قبلًا انجام داده باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه نوری: کسی که حج واجب ندارد، اگر از مکه خارج شده...

آیهٔ اللَّه خویی: این فرع در فتاوی ایشان یافت نشد و طبق مبنای ایشان حج افراد صحیح است، گرچه با ترک حج تمتع معصیت کرده و در فرض احرام برای حج افراد از مکه، حجّ او باطل است مگر این‌که در نام حج تمتع اشتباه کرده باشد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: بلی و قصد افراد لغو بوده است.

(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: عدول جایز نیست ولی اگر از باب اشتباه در تطبیق باشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: حج او خالی از اشکال نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: شخصی نائی

(۶)- آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: و اگر می‌تواند، به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود.

(۷)- در مسأله ۹۴۶ می‌آید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۸

فصل دوم: موارد عدول و تبدل به حج افراد

۱- ضیق وقت

مراد از تنگی وقت

۲۱۷- مراد از تنگی وقت برای عدول و تبدل به حج افراد، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه- از ظهر نهم ماه ذی حجه تا غروب- است.

احرام برای حج افراد با علم به ضیق وقت

۲۱۸- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، اگر هنگام احرام بداند که در صورتی که بخواهد عمره تمتع بجا آورد، به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اول برای حج افراد محرم شود و پس

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: درک نکردن جزء رکنی از وقوف اختیاری عرفه می‌باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: میزان در تنگی وقت آن است که نتواند وقوف اختیاری عرفات را، ولو به اندازه مسمّای آن درک کند.

(۳)- آیهٔاللَّه سیستانی: حدّ تنگی وقت آن است که نتواند قبل از زوالِ روز عرفه اعمال عمره را به اتمام رساند.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: در جایی که عمره تمتّع به واسطه حیض یا تنگی وقت امکان نداشته باشد، باید از اوّل، حج افراد را نیّت کند. (مناسک، س ۴۰).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر وظیفه‌اش حج تمتع باشد، «عدول» مجزی از حَجّهٔالاسلام نیست و سال آینده باید حَجّهٔالاسلام را بجا آورد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به حاشیه مسأله ۲۲۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: جواز احرام بستن او به احرام حج افراد، از همان ابتدای کار مشکل است، بلکه عدم جواز بعید نیست.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بایـد حج افراد بجا آورد و بعد عمره مفرده و بنابر احتیاط واجب در سال بعد حجّ تمتع بجا آورد. (آراء المراجع ص ۳۱۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۱۹

از انجام آن، عمره مفرده بجا آورد و عملش صحیح است.

عدول به حج افراد بعد از احرام در ضیق وقت

۲۱۹- اگر شخصی که احرام عمره تمتّع بسته است، به جهت عذری دیر وارد مکه شود- به گونه‌ای که اگر بخواهد عمره تمتع بجا بیاورد، وقت وقوف به عرفات می گذرد، یا خوف دارد که بگذرد- باید به حج افراد عدول کند و پس از بجا آوردن آن، در صورتی که حَجّهٔالاسلام بجا می‌آورد، عمره مفرده بجا آورد، و حج او صحیح و کافی از حَجّهٔالاسلام است.

احرام برای حج افراد از مکه با ضیق وقت

۲۲۰- اگر شخصی با عذر بدون احرام وارد مکه شود و وقت تنگ باشد، باید در مکه برای حجّ افراد محرم شود و در صورت وجوبِ حج بر وی، بعد از آن عمره مفرده انجام دهد؛ ولی اگر بدون عذر بوده و وقت تنگ شده، احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند.

عدول به حج افراد با تأخیر عمدی اعمال

۲۲۱- اگر حج گزار برای عمره تمتّعِ واجب، محرم شود و انجام آن را عمداً تأخیر بیاندازد تا وقت تنگ شود، باید به حج افراد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده به‌جا آورد و حج را در سال بعد اعاده نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین اگر زن در میقات علم دارد که نمی‌تواند اعمال تمتع را طاهراً انجام دهد و به وقوف نمی‌رسد باید از اوّل محرم شود به حجّ افراد.
نظر آیهٔ اللَّه صافی در مسأله به دست نیامد.
آیهٔ اللَّه فاضل: به مسأله ۲۰۹ مراجعه شود.
(۲). آیهٔ اللَّه فاضل: به مسأله ۲۰۹ مراجعه شود.
(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر ممکن نباشد غیر مکّه والا احتیاط در رعایت احتمالات در محلّ احرام اواست (مناسک شیخ، ص ۵۶).
آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که وظیفه‌اش حج تمتّع است، اگر قبل از احرام عمره بفهمد که وقت او برای اتمام عمره قبل از زوال روز عرفه تنگ است، نمی‌تواند عدول به حج افراد یا قران نماید، بلکه اگر حج در ذمّه‌اش مستقر بوده، باید حج تمتّع خود را در سالهای آینده انجام دهد.
(۴)- مراجعه شود به مسأله ۳۱۶.
آیهٔ اللَّه سیستانی: در این صورت حج بر او مستقر است و باید در آینده انجام دهد.
(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع ولی عمداً بجا آوردن اعمال آن را به تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، هرچند در ابطال عمره معصیت کرده ولی واجب است نیّت حج افراد کند و بعداً عمره مفرده را بجا آورد و در سال آینده حج تمتع بجا آورد بنابر احوط چنانکه گذشت (در مسأله ۲۵۴) (مناسک، مسأله ۱۵۷).
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: هرگاه در سعه وقت برای عمره تمتّع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زمانی که نتواند آنها را بجا آورد و حج را درک نماید به تأخیر انداخت، عمره وی باطل است و نمی‌تواند بنابر اظهر به حج افراد عدول نماید. لکن احوط این است که عدول به افراد نموده و عمره را به قصد اعم از حج افراد یا عمره مفرده بجا آورد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: هرگاه در سعه وقت برای عمره تمتع احرام بست و طواف و سعی خود را عمداً تا زوال آفتاب روز عرفه به تأخیر

انداخت، عمره وی باطل است، نمی‌تواند به حج افراد عدول نماید، اگرچه احتیاط مستحب این است که اعمال حج افراد را به قصد رجا انجام دهد، بلکه احوط این است که طواف و نماز آن و سعی و حلق یا تقصیر در عمره‌اش را به قصد اعم از حج افراد و عمره مفرده بجا آورد. (مناسک، مسأله ۱۵۷).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۰

عدول از حج مستحب به حج افراد

۲۲۲- کسی که به قصد حج تمتع استحبابی برای عمره تمتع، محرم شده ولی وقت برای انجام عمره تنگ باشد، به حج افراد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بر او واجب نیست.

۲- حیض و نفاس

احرام برای حج افراد با حیض و فرض کشف خلاف

۲۲۳- اگر حایض در میقات بداند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید به نیت حج افراد محرم شود؛ ولی اگر بعد از آن، کشف خلاف شد، در صورتی که حَجّةالاسلام به‌جا

---

(۱). آیهٔ الله تبریزی: می‌تواند به قصد مافی الذمهٔ احرام ببندد و چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره تمتع پاک شد، عمره تمتع به جا آورد و بعد حج آن را انجام دهد. و اگر پاک نشد به همان احرام حج افراد به جا آورد و سپس عمره مفرده انجام دهد بلکه اگر به قصد حج افراد احرام بست، و قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد، با همان احرام اعمال عمره تمتع را انجام داده و سپس حج تمتع را انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب در این صورت تجدید احرام برای عمره تمتع می‌باشد

آیهٔ الله خامنه ای: اگر اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و درک وقوف عرفات پاک نمی‌شود یا اگر پاک شود وقت کافی برای انجام اعمال عمره تا درک وقوف عرفات را نخواهد داشت، در این صورت باید در همان میقات به حج افراد محرم شود، و پس از انجام اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد، و عمل وی مجزی از حج تمتع خواهد بود

آیهٔ الله خویی: اگر به نیت مافی الذمه محرم شود اشکالی نیست ولی اگر به نیت حج افراد محرم شود و بعد پاک شود احرامش باطل است

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: جمعی فرموده اند: «واجب است از میقات محرم به حج افراد شود»، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می‌شود به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را تمام کند و محل شود و بعد اعمال حج را بجا آورد، و حج تمتع او صحیح است، و اگر پاک نشد به همان احرام اعمال حج افراد را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورده و حج افراد صحیح است

آیهٔ الله مکارم، آیهٔ الله فاضل: بهتر است در موقع احرام قصد کند احرامی را که بر او واجب است انجام می‌دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

(۲). آيهٔ اللّه سيستاني: عدول كند به عمره تمتع و اعمال آن را انجام دهد و بايد رعايت كند كه پس از انجام سعى تلبيه نگويد.
آيهٔ اللّه صافي، آيهٔ اللّه گلپايگاني: لازم است اين حج افراد را عدول به عمره تمتّع كند؛ يعنى طواف و نماز آن و سعى را به‌جا آورد و تقصير كند و بعد براى حج محرم شود و اعمال حج را به‌جا آورد. و اين مخصوص كسى است كه مكلف به حج تمتع باشد و امّا كسى كه حج افراد هم از او صحيح است، مختار است كه عدول نمايد به تمتع يا حج افراد را تمام نمايد.
ساير آيات عظام متذكر مسأله كشف خلاف نشده‌اند. و در نيّت افراد، با حضرت امام قدس سره موافق هستند.
مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۱
مى‌آورد، احرام او باطل است و بايد مجدداً براى عمره تمتع محرم شود.

احرام براى حج تمتع با علم به ضيق وقت

۲۲۴- حايضى كه مى‌داند فرصت انجام دادن عمره تمتع را ندارد و با اين فرض، براى عمره تمتّع محرم شده، بايد نيت را به حج افراد برگرداند و اشكال ندارد؛ بلى اگر با التفات به اين‌كه

---

(۱). تفصيل نظر آيات عظام در مسأله ۲۲۳ گذشت.
آيهٔ اللّه بهجت: در صورتى كه قصدش انجام وظيفه بوده كفايت مى‌كند و حج افراد به‌جا مى‌آورد. (مناسك، س ۴۱).
آيهٔ اللّه تبريزى: اين در صورتى است كه در حال احرام حايض باشد چنانكه ظاهر سؤال است ولى اگر بعد از احرام حايض شد مخيّر است بين اين‌كه حج افراد بجاآورد و بعدازفراغت، عمره مفرده بجاآورد و بين اين‌كه اعمال عمره تمتّع را بدون طواف و نمازش به‌جاآورد به اين ترتيب كه سعى و تقصير نموده و براى حج احرام بسته به عرفات و منى برود و پس از فراغ از اعمال منى قضاى طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج به‌جاآورد.
آيهٔ‌اللّه خويى: اگر در حال احرام تا آخرين زمان ممكن براى اتيان اعمال عمره تمتع حايض بوده، فتواى ايشان در دست نيست كه آيا احرامش براى عمره تمتع باطل است يا مى‌تواند آن را بعنوان حج افراد قرار دهد، گرچه در استفتائات حكم به بطلان احرام براى حج افراد شده، اگر زن در وقت احرام حايض بود و گمان مى‌كرد تا آخر وقت پاك نمى‌شود و بعداً كشف خلاف شد.
مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۲
نمى‌تواند عمره تمتع انجام دهد و اگر انجام دهد صحيح نيست، به نيت عمره تمتع محرم شده، صحت اين احرام، بلكه امكان جِدّى بودن چنين قصدى، محل اشكال است.

عدول حائض به حج افراد

۲۲۵- اگر زنى به جهت حيض يا نفاس نتواند بعد از احرام، طواف بجا آورد و خوف داشته باشد كه وقت وقوف به عرفات بگذرد، به افراد عدول مى‌كند و بعد از آن، در صورت وجوب حج بر وى، عمره مفرده انجام مى‌دهد.

انجام اعمال عمره تمتع به خيال استحاضه و انكشاف حيض

۲۲۶- اگر زنی در عمره تمتع، بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط طواف، حایض شود و

---

(۱)- آیـة اللَّه خـامنه‌ای: اگر هنگام احرام در میقات پاک بود، سپس در بین راه یا در مکه مکرمه پیش از انجام طواف عمره و نماز آن یـا در اثنـای طواف پیش از اتمـام شوط چهـارم، عـادت ماهـانه برایش عـارض شـد، و تا وقت انجام اعمال عمره و درک وقوف اختیـاری عرفه پـاک نمی‌شود، در این صورت، مخیّر است بین اینکه عـدول نمایـد بـا همان احرام عمره تمتع به حـج افراد، و پس از انجام حـج افراد، عمره مفرده انجام دهـد که این عمل او مجزئ از حج تمتع است، و بین اینکه طواف عمره و نماز آنرا رها کند، و با انجام سـعی و تقصـیر از احرام عمره خارج شود، سپس با احرام حج و درک وقوفین و انجام اعمال منی، در مراجعت به مکه، طواف عمره و نماز آنرا- پیش از انجام طواف حج و نماز آن و سعی، یا بعد از انجام آنها- قضاء کند، و این عمل او نیز مجزئ از حج تمتع است و چیز دیگری بر او نیست.

آیة اللَّه تبریزی: چنانچه حیض قبل از بستن احرام یا هنگام احرام بستن بود، به دستوری که در مسأله ۲۱۹ گفته شد باید عمل کند و اگر بعد از احرام بود مخیّر است بین این‌که به دستور مسأله ۲۱۹ عمل کند و بین این‌که سعی و تقصیر کند و برای حج احرام ببندد و پس از برگشتن از منی، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

آیـة اللَّه سیسـتانی: در فرض مسأله اگر در حال احرام حایض بوده است، حجّش بدل به افراد می‌شود و در صورت تمکّن باید بعد از حـج عمره مفرده انجام دهـد و اگر بعـد از احرام حایض شـده است احتیاط مسـتحب این است که عدول کند ولی می‌تواند به احرام خود باقی باشد و سعی و تقصیر را انجام دهد و پس از اعمال منی، قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را قضا کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۳

تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی‌شود، وظیفه او عدول به افراد است.

لک دیدن بعد از انجام عمره و عدول به افراد

۲۲۷- اگر زنی- مثلًا- روز هشـتم خـون دیـد، و به گمـان حیض، احرامش را به حـج افراد مبـدّل کرد، و در عرفـات متوجه شـد که استحاضه است، اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً به تأخیر

---

(۱)- آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر قبل از سه شوط و نیم حایض شد مورد عدول به افراد است.

(۲)- آیـة اللَّه بهجت: مخیر است بین این‌که اول حـج افراد را بجا آورده و بعـد از فراغت، عمره مفرده بجا آورد و بین این که اعمال عمره تمتع را بـدون طواف و نمازش بجا آورد بـدین معنی که سـعی و تقصـیر نموده و برای حج احرام بسـته و به حج رفته و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه، قضای طواف عمره را پیش از طواف حج بجا آورد.

آیة اللَّه تبریزی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر می‌کند و برای حج محرم می‌شود و بعد از برگشتن از منی، قبل از طواف حج، یک طواف کامل به قصد اعمّ از تمام یا اتمام بجا می‌آورد و نماز آن را می‌خواند.

آیـة اللَّه خویی: مخیر است بین عـدول به حـج افراد و بقا بر حج تمتع، به این نحو که سـعی و تقصـیر می‌کند و بعد از رجوع از منی، قبل از طواف حج، یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام بجا می‌آورد. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۳۱، و مناسک، مسأله ۲۹۴).

آیة اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید، گرچه می‌تواند در عمره تمتّع خود باقی بماند و اعمال آن را بجز طواف و نمـاز آن انجـام دهـد و پس از فراغت اعمال منی قبل از طواف حـج، طواف عمره و نماز آن را بجا آورد. (مناسک،

مسأله ۲۹۰).

آیـهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد و تروک احرام را ترک نماید، و رجاءً محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الـذمّه از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاک شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف‌ها را بجا آورد و احتیاطاً عمره مفرده نیز انجام دهد.

آیـهٔ اللَّه فاضل: اگر قبل از سه شوط و نیم حایض شـده، مورد عـدول به افراد است و اگر بعـد از آن و قبل از تمام شـدن دور چهارم حایض شده، طواف را رها کند و سعی و تقصیر را احتیاطاً و رجاءاً انجام دهد و احتیاطاً محرّمات احرام را رعایت کند و وقت رفتن به عرفات احتیاطاً و رجاءاً محرم به احرام حجّ تمتّع شود و اعمال آن را به قصد مافی‌الذمّه- اعمّ از تمتّع و افراد- انجام دهد. و پس از پاک شـدن، بنابراحتیاط ابتـدا طواف و نماز عمره را تکمیل کنـد و احتیاطاً سـعی و تقصیر را نیز اعاده کنـد و بقیّه اعمال حج را بجا آورد و اگر حجّ تمتّع بوده احتیاطاً عمره مفرده را انجام دهد.

آیهٔ اللَّه نوری: و بعد از انجام حجّ، عمره حجّ افراد را بجا بیاورد.

(۳)- آیهٔ اللَّه خویی: فتوای معظّم له به دست نیامد.

این مسأله در مناسک حج آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی نیامده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۴

نینداخته، حج افراد را تمام کند؛ و اگر حج او واجب است، بعد از آن عمره مفرده بجا آورد.

عدول به حج افراد بعد از عمره و خیال استحاضه ۲۲۸-

زنی به گمـان اسـتحاضه، در میقات محرم شـده و با انجام وظایف مسـتحاضه، اعمال عمره تمتّع را بجا آورده و پس از اعمال متوجه شده که حائض بوده، وظیفه او نسبت به اعمال عمره و حج چیست؟

---

(۱)- آیهٔ اللَّه نوری: با عدول در نیّت.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر وقت برگشـتن به مکه را داشـته باشد، به نحوی که اگر برگردد اعمال عمره تمتع را انجام دهد می‌تواند مسمّای وقوف اختیاری عرفات را درک کنـد، بایـد برگردد و اعمال عمره تمتّع را انجام دهـد و اگر وقت نداشـته باشـد به قصـد اعم از حج افراد و عمره مفرده، اعمالش را تمام می‌کند و چنانچه اسـتطاعتش باقی بود یا بعد از این مسـتطیع شد باید در سالهای آینده حج بجا آورد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر وقت عمره تنگ باشـد، پس اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شـرعیه باشـد؛ مثلًا خونی که دیده در ایام عـادتش بوده ولی قبل از سه روز قطع شود، در این صورت احتیاط واجب آن است که اعمال حـج افراد را تمام کنـد و اگر حـج در ذمّه او مسـتقر بوده و یا اگر مسـتقر نبوده بعداً مسـتطیع شود، احتیاطاً باید دوباره حج نماید ولی اگر مستقر نبوده و مستطیع هم نشود، چیزی بر او نیست و اگر اعتقاد او به حیض از روی موازین شرعیه نبوده، حج و احرام او باطل است و باید اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر با علم به حایض شدن تأخیر نینداخته...

(۲). آیـهٔ‌اللَّه بهجت: بعـد از پاک شـدن اگر وقت دارد اعمال عمره را اعاده می‌کنـد وگرنه حـج او افراد شده است و پس از حج در صورت امکان عمره مفرده بجا می‌آورد.

آیت اللَّه خامنه‌ای: اگر نتواند با تدارک اعمال عمره، محرم به احرام حج شود، چنانچه عادت او پیش از احرام از میقات حادث شده

باشـد، حج او بـدل به حـج افراد می‌شود، که بایـد پس از انجام مناسک حـج، عمره مفرده بجا آورد، ولی اگر عادت ماهانه بعـد از احرام از میقات عارض شـده باشد، عمره تمتّع او صـحیح است، فقط طواف و نماز آن باطل است، که باید بعد از برگشت از عرفات و مشعر و منی و مناسک آن، طواف عمره و نماز آن را تدارک کند.

آیت اللَّه تبریزی: در فرض مزبورکه زن در زمـان احرام حـائض بوده، چنـانچه وقت برای انجـام اعمـال، بعـد از پاک شـدن ازحیض دارد، بایـد اعمال را اعاده کنـد و اگر وقت وسـعت انجام‌اعمال را نـدارد، با همان احرامی که بسته حج افراد را به جا می‌آورد و در صورت تمکّن، باید بعد از آن، عمره مفرده به جا آورد.

آیت اللَّه سیستـانی: اگر تا قبل از وقت حـج، فرصتِ انجام اعمال عمره را دارد، بایـد صبر کند و اعمال را پس از پاکی، دوباره انجام دهد و اگر فرصت نباشد باید حج افراد انجام دهد و پس از اعمال، اگر ممکن بود، عمره مفرده انجام دهد.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: زن مذکور محرم است، بنابراین اگر پاک شود و وقت برای عمره تمتع باقی باشد، مجدداً اعمال عمره را انجـام می‌دهـد و اگر وقت برای انجـام عمره نباشـد، به طوری که بتوانـد وقوف عرفات را درک کنـد، حجّش بـدل به افراد می‌شود؛ یعنی با همان احرام بعـد از پاکی و غسل، نیت حجّ افراد می‌کند و اعمال حج را تا آخر انجام می‌دهد و قربانی ندارد و بعد از حج هم، عمره به‌جا می‌آورد و همین حجش مجزی است.

آیت اللَّه فاضل: اگر وقت برای اعاده اعمال عمره تمتع دارد، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سـعی و تقصیر را نیز اعاده نماید، ولی اگر وقت ندارد، حج افراد انجام دهد (حجش مبدّل به افراد می‌شود) وپس از حج، عمره مفرده به‌جا آورد.

آیت اللَّه مکارم: باید طواف‌ها و نماز طواف را از سر بگیرد و احتیاط این است که اگر در مکه حاضر است، بقیه اعمال؛ مانند سعی و تقصیر را نیز اعاده کند ولی کفّاره‌ای بر او نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۵

عدول به حج افراد بعد از انکشاف حیض

۲۲۹- اگر حائض برای عمره تمتع محرم شود، و بعـد از اتمام ایام عادت ماهیانه‌اش، اعمال عمره را انجام دهـد، ولی قبل از گذشـتن ده روز از ابتـدای عـادت، در عرفـات لـک ببینـد و ندانـد که آیـا تا پس از ده روز ادامه دارد یا نه، بایـد عمل به احتیاط کنـد؛ و راه احتیاط، انجام اعمال بـدون قصـد تمتع و افراد، بلکه به قصـد ما فی الـذمه، و قربانی در منی و انجام عمره مفرده، بعـد از آن است؛ و چنانچه

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه تبریزی: چنـانچه آن لک که در عرفات دیـده به وصف حیض نباشـد، زن مزبور مسـتحاضه است (وهمچنین است اگر لک زرد رنگ در مشعر ببیند) احکام مستحاضه را رعایت می‌کند و اعمال حج تمتّع را بجا می‌آورد و چنانچه لک به وصف حیض باشـد، بایـد اعمال را به قصـد اعمّ از حـج افراد و تمتّع ادامه دهـد، اگر خون قبل از ده روز قطع شد کشف می‌شود که وظیفه او حج افراد بوده و باید بعد از حج، عمره مفرده اتیان کند و اگر قطع نشد و پس از ده روز هم دید، اعمال حج تمتّع او صحیح است.

آیـهٔ اللَّه خـویی: ایـن احتیـاط در صـورتی است کـه آن خـون دارای صـفات حیض باشـد و اگر دارای صـفات حیض نباشـد حکم استحاضه را دارد و احتیاط لازم نیست. (استفتائات جدید، ص ۱۱).

آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه کاملًا پاک شده باشد، عمره او صـحیح است و دیدن لک بعد از آن ضـرری به آن نمی‌زند؛ زیرا طهر متخلل بنـابر اقوی حکم حیض را نـدارد، بنابر این منظور از ده روز، مجموع دو خون است نه با ضـمیمه کردن طهر واقع در میان دو خون و

اگر دیدن لک نشانه ادامه مستمر خون باشد به دستور متن عمل کند.

(۲)- آیهٔ اللّه سیستانی: قربانی را به قصد رجا انجام دهد و همچنین عمره مفرده، اگر ممکن بود به قصد رجاانجام دهد.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: و پس از گذشت ده روز از اوّل حیض وظیفه‌اش روشن می‌شود که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد حج بدل به افراد شده و لازم است عمره مفرده بجاآورد و اگر از ده روز تجاوز کرد کشف از استحاضه بودن می‌کند و حج تمتّع او صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۶

قصد تمتع کرده و بعد از انجامِ بعضی از اعمال حج، کشف خلاف شد، اکتفا به این حج نکند. ۲۳۰- در فرض مذکور، اگر همان وقت که لک دید، یقین پیدا کرد که حیض است و قبلًا پاک نبوده، با توجه به این‌که وقت وقوفین- اختیاری و یا اضطراری آن- باقی است، مورد عدول به افراد است.

انجام عمره با جهل به حیض و حکم تبدّل

۲۳۱- اگر زنی حیض بود و نمی‌دانست و اعمال عمره را بجا آورد و بعد از آن فهمید، اگر وقت دارد باید طواف و نماز را اعاده کند؛ و اگر وقت ندارد، در این‌که وظیفه مبدّل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللّه نوری: چنانچه در فرض مذکور قصد تمتّع کند...

(۲)- آیهٔ اللّه نوری: مگر آن‌که قصد وظیفه فعلیه نموده و اشتباهاً قصد تمتّع کرده باشد.

آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم (با اختلاف در تعبیر): هرگاه قصدِ انجامِ وظیفه فعلی داشته باشد کافی است.

(۳)- آیهٔ اللّه خویی: در صورتی که فهمید در حال احرام عمره تمتع حایض بوده و نیّت عمره تمتع کرده بود، فتوای ایشان راجع به صحّت آن احرام و جواز اکتفا به آن برای حج افراد یا بطلان آن به دست نیامد، گرچه در استفتائات ص ۲۳۴ از ایشان نقل شده: زنی که به گمان این که تا آخر وقت پاک نمی‌شود، نیت حج افراد نمود و بعد کشف خلاف شد، احرام او باطل است و لذا مناسب است زنان حایض به نیّت مافی الذمّه محرم شوند و به هر حال در فرض سؤال با فرض عدم تمکن از رفتن به میقات و ادنی‌الحل و یا گذشت وقوف به عرفات از همانجا که هست احتیاطاً به نیّت حج افراد تجدید تلبیه نماید.

آیهٔ اللّه سیستانی: حکمش همان حکم فرض سابق است.

آیهٔ اللّه صافی: بقیّه اعمال را به قصد ما فی الذمّه از تمتّع و افراد بجاآورد و بنابر احتیاط واجب عمره مفرده بجاآورد. (حاشیه آداب و احکام حج، مسأله ۷۵۵).

(۴)- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: و سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و سعی و تقصیر را اعاده نماید و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او مبدّل به افراد می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز بجاآورد و چون تقصیر از جهت جهالت به موضوع طهارت بوده کفّاره ندارد: (پرسش‌های جدید حج، س ۷۱).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتّع اعاده نماید و اگر وقت ندارد حتی برای سعی و تقصیر حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا می‌آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آن‌که مسمای وقوف اختیاری عرفات را درک کند، اگر حیض او بعد از احرام بود مخیّر است بین این‌که سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منی، طواف عمره تمتّع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین این‌که حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حایض بوده است، حجش مبدل به افراد می‌شود و پس از فراغ از حج، اگر می‌تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض مذکور باید پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکّه، قبل از این‌که طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند. (مناسک، مسأله ۲۹۰).

آیهٔ اللَّه فاضل: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتّع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد.

آیهٔ اللَّه مکارم: اشکالی نیست، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و عمره مفرده بعد از حج بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۸

و مَا أَنَا یا سَیِّدِی وَ مَا خَطَرِی؟

أَوْحَی اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِلَی دَاوُدَ علیه السلام: أَنَّ أَهْوَنَ مَا أَنَا صَانِعٌ بِعَالِمٍ غَیْرِ عَامِلٍ بِعِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ سَبْعِینَ عُقُوبَةً، أَنْ أُخْرِجَ مِنْ قَلْبِهِ حَلاوَةَ ذِکْرِی وَ لَیْسَ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ طَرِیقٌ یُسْلَکُ إِلّا بِعِلْمٍ؛ وَ الْعِلْمُ زَیْنُ الْمَرْءِ فِی الدُّنْیا وَ سَائِقُهُ إِلَی الْجَنَّةِ وَ بِهِ یَصِلُ إِلَی رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَی

وَ الْعَالِمُ حَقّاً، هُوَ الَّذِی یَنْطِقُ عَنْهُ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ وَ أَوْرَادُهُ الزَّاکِیَةُ وَ صِدْقُهُ وَ تَقْوَاهُ، لا لِسَانُهُ وَ تَصَاوُلُهُ وَ دَعْوَاهُ وَ لَقَدْ کَانَ یَطْلُبُ هَذَا الْعِلْمَ فِی غَیْرِ هَذَا الزَّمَانِ مَنْ کَانَ فِیهِ عَقْلٌ وَ نُسُکٌ وَ حِکْمَةٌ وَ حَیَاءٌ وَ خَشْیَةٌ وَ أَنَا أَرَی طَالِبَهُ الْیَوْمَ مَنْ لَیْسَ فِیهِ مِنْ ذَلِکَ شَیْءٌ

وَ الْعَالِمُ یَحْتَاجُ إِلَی عَقْلٍ وَ رِفْقٍ وَ شَفَقَةٍ وَ نُصْحٍ وَ حِلْمٍ وَ صَبْرٍ وَ بَذْلٍ وَ قَنَاعَةٍ وَ الْمُتَعَلِّمُ یَحْتَاجُ إِلَی رَغْبَةٍ وَ إِرَادَةٍ وَ فَرَاغٍ وَ نُسُکٍ وَ خَشْیَةٍ وَ حِفْظٍ وَ حَزْمٍ

وقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: لَوْ أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ حَمَلُوهُ بِحَقِّهِ لأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَ مَلائِکَتُهُ وَ أَهْلُ طَاعَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ لَکِنَّهُمْ حَمَلُوهُ لِطَلَبِ الدُّنْیَا، فَمَقَتَهُمُ اللَّهُ وَ هَانُوا عَلَی النَّاسِ

بحار الانوار ۲/ ۳۲

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۲۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۰

الهی
إلَی مَنْ یَذْهَبُ الْعَبْدُ إلا إلَی مَوْلاهُ
وَ إلَی مَنْ یَلْتَجِیُ الْمَخْلُوقُ إلا إلَی خَالِقِهِ
قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:
«إذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَکَ لِلَّهِ تَعَالَی مِنْ کُلِّ شَاغِلٍ وَ حِجَابٍ
وَ فَوِّضْ أُمُورَکَ إلَی خَالِقِهَا وَ تَوَکَّلْ عَلَیْهِ فِی جَمِیعِ حَرَکَاتِکَ وَ سَکَنَاتِکَ
وسَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَ حُکْمِهِ وَ قَدَرِهِ
وَ دَعِ الدُّنْیا وَ الرَّاحَهَْ وَ الْخَلْقَ
وَ اخْرُجْ مِنْ حُقُوقٍ تَلْزِمُکَ مِنْ جِهَهِْ الْمَخْلُوقِینَ
مصباح الشریعه ۴۷
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۱

بخش دوم: عمره تمتع و حج

اعمال حج تمتّع

اشاره

حج تمتع، از دو بخش تشکیل می‌شود: «عمره تمتّع» و «حجّ تمتّع».

لزوم انجام عمره تمتع و حج در یک سال

۲۳۲- عمره تمتع و حج تمتع، باید در یک‌سال واقع شوند؛ پس اگر کسی در یک سال، عمره تمتع و در سال دیگر، حج تمتع به‌جا آورد، صحیح نمی‌باشد.

لزوم انجام عمره تمتع در ماه‌های حج

۲۳۳- عمره تمتع و حج تمتّع، هر دو باید در ماههای حج- شوال و ذی‌القعده و ذی الحجه- واقع شوند؛ و اگر کسی در شوال یا

ذی‌القعـده، عمره تمتع بجـا آورد و در موقع حـج، حـج تمتع بجـا آورد، صـحیح است؛ ولی اگر قبـل از شوال، عمره تمتع بجا آورد، صحیح نیست، اگرچه بعضی از اعمال عمره، قبل از شوال و بقیه در شوال، یا سایر ماههای حج، واقع شود.

رها کردن عمره تمتع استحبابی

۲۳۴- کسـی که عمره تمتّع اسـتحبابی به جـا آورده، آیـا می‌توانـد بـدون عـذر و به دلخواه خود، آن را رها کرده و حـج تمتع به جا نیاورد؟ و در فرض جواز، آیا انجام طواف نساء نیز لازم است یا نه؟

---

(۱). آیت‌اللَّه بهجت: مانعی ندارد فقط ثواب حج از دسـتش رفته است و با تقصیر از احرام خارج شده و عمره‌اش خاتمه پیدا کرده و طواف نساء هم که از اول لازم نبوده تا فعلًا لازم باشد گرچه احتیاط مستحب در آوردن طواف نساء می‌باشد.
آیت‌اللَّه تبریزی: کسـی که به قصد حج تمتّع اسـتحبابی، احرام عمره را بسته است نمی‌تواند آن را رها کرده و عمره مفرده به دلخواه انجام دهد و حج را ترک کند.
آیت‌اللَّه خامنه‌ای: می‌تواند رها کند و چیزی بر او نیست و احتیاط آن است که طواف نساء را هم انجام دهد.
آیت‌اللَّه سیستانی: نمی‌تواند و باید حج انجام دهد.
آیت‌اللَّه صافی: بدون عذر نمی‌تواند.
آیت‌اللَّه فاضل: خیر حتماً بایـد در صورت امکان حـج تمتع به جا آورد؛ و به هر صورت اگر حج به جا نیاورد، طواف نساء مسـتحب است نه واجب.
آیت‌اللَّه مکارم: رها کردن آن اشکال دارد و باید حج تمتع را به دنبال آن به جا آورد.
آیت‌اللَّه نوری: لازم است که حج تمتع را اگر مستطیع است نیز به جا بیاورد و رها کردن عمره تمتّع در وسط اعمال اصلًا جایز نیست و باید به آخر برساند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۲

اعمال عمره تمتع

عمره تمتع، از پنج عمل تشکیل می‌شود:
۱- احرام؛
۲- طواف کعبه؛
۳- نماز طواف؛
۴- سعی بین صفا و مروه؛
۵- تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن؛ هرگاه محرم از این اعمال فارغ شود، محرّمات احرام بر او حلال می‌شود.

اعمال حج تمتع

حج تمتع، دارای سیزده عمل است:
۱- احرام بستن در مکه؛
۲- وقوف در عرفات؛

۳- وقوف در مشعر الحرام؛

۴- رمی جمره عقبه در منی؛ ۵- قربانی در منی؛ ۶- حلق یا تقصیر در منی؛

۷- طواف زیارت در مکه؛

۸- نماز طواف؛

۹- سعی بین صفا و مروه؛

۱۰- طواف نساء؛

۱۱- نماز طواف نساء؛

۱۲- بیتوته در منی، شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص؛

۱۳- رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم؛ و اشخاصی که شب سیزدهم در منی می‌مانند، باید روز سیزدهم نیز، جمرات را رمی کنند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن قناعت نکند.

(۲). در مورد تراشیدن سر و حرمت آن به مساله ۹۲۹ مراجعه شود.

(۳). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۴

اللَّهُمَ

إِنَّکَ أَنْزَلْتَ فِی کِتَابِکَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا

فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّکَ أَوْلَی بِذَلِکَ مِنَّا

قالَ رسولُ الله صلی الله علیه و آله:

إنّ مَنْ تَعَلّمَ العِلْمَ لِیُماریَ به السُّفَهاءَ أو یُباهِیَ بِهِ العلماءَ، أو یصرفَ وجوهَ الناسِ إلَیْه لِیُعَظِّموُه، فَلْیَتبَوّأ مقْعَدَهُ مِنَ النار؛ فإنّ الرِئاسةَ لا تصلُح إلا للّه و لأهلِها؛ وَ مَن وَضَعَ نفسَه فی غیر المَوضِعِ الذی وَضَعَه اللّهُ فیه، مَقَتَهُ اللّهُ؛ و مَن دعا إلی نفسِه فقالَ «أنا رَئیسُکم» و لیسَ هوَ کذلک، لم یَنظرِ اللّهُ إلیه حتی یَرجِعَ عمّا قال و یتوبَ إلیَ اللّهِ ممّا ادَّعی

تحف‌العقول/ ۴۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۵

باب اول: وجوب احرام و حکم ترک آن

فصل اول: وجوب احرام و حکم ترک آن

وجوب احرام برای ورود به مکه

۲۳۵- ورود به مکه و حرم بدون احرام، جایز نیست؛ مگر مواردی که استثنا شده است؛ و- به حسب اختلاف شرایط- به نیت عمره تمتع، یا حج، یا به نیت عمره مفرده، صورت می گیرد.

از این حکم، کسانی که به مقتضای شغلشان، زیاد وارد مکه شده و از آن خارج می‌شوند، همچنین افرادی که در ماه احرام قبل- به تفصیلی که گذشت- به مکه وارد می‌شوند، استثنا شده‌اند.

ترک عمدی احرام

۲۳۶- اگر مستطیع احرام را از روی علم و عمد، از میقات تأخیر بیندازد و بازگشت ممکن نباشد، و میقات دیگری در پیش نداشته باشد، حج او باطل است.

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: واجب است برگردد به همان میقات، در صورت امکان، هر چند میقات دیگری در پیش باشد، به جز کسی که از ذوالحُلَیفه گذشته باشد هر چند عمداً و بدون عذر که می‌تواند از جحفه محرم شود.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: بنابر احتیاط واجب باید احرام ببندد از هر مکانی که ممکن باشد، به‌تفصیلی که در ناسیِ احرام مذکور است. و عمره را به‌جا آورد و قضای آن بعد از آن. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط واجب این است که در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود و اگر حج واجب باشد سال آینده آن را اعاده کند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: هرگاه کسی از روی علم و عمد احرام بستن از میقات را ترک کند و به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری نیز در پیش رو نداشته باشد و در نتیجه وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره او فوت شده و

حج‌اش باطل می‌شود. و در صورتی که حج بر او مستقر شده یا مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد.

آیهٔ اللّه خویی: اگر در صورت امکان در خارج حرم محرم شود و در صورت عدم امکان در حرم محرم شود، اگرچه به واسطه تأخیر مرتکب معصیت شده است لیکن صحت آن خالی از وجه نیست. ولی در صورت تمکن احتیاط مستحب این است که حج را اعاده کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگرچه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضای آن را به‌جا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۶

۲۳۷- اگر کسی از روی عمد و بی‌جهت، احرام نبندد تا وقت برای انجام عمره تمتع ضیق شود، بنابر احتیاط واجب باید حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

ورود بدون احرام به مکه

۲۳۸- اگر شخصی از روی عذر، بدون احرام وارد مکه شود، اگر ممکن نیست به میقات برود، باید از ادنی‌الحل محرم شود؛ ولی اگر ترک احرام از میقات، بدون عذر باشد، نمی‌تواند حج به‌جا آورد؛ و اگر مستطیع است، حج بر او مستقر شده و باید سال بعد، حج انجام دهد.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۳۱۶.

آیهٔ اللّه سیستانی: حکم آن مانند مسأله ۲۲۰ است و در این صورت حج بر او مستقر است و باید در آینده انجام دهد.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود، و احتیاط واجب در این صورت، این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۲۶۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و احوط در این صورت این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم بیرون برود در همان مکانی که هست محرم شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: در این صورت لازم است از حرم بیرون رفته و از خارج حرم محرم شود و اولی در این صورت این است که هرچه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد و اگر نتواند از حرم خارج شود هر جا هست محرم شود.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است تا حد امکان به سمت میقات برود.

آیهٔ اللّه فاضل: پس از زوال عذر و یادآوری، اگر برگشتن به میقات ممکن باشد برمی‌گردد و الّا احرام از همانجا ببندد، اگرچه احوط آن است به هر مقدار که می‌تواند به میقات برگردد.

(۳). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مراجعه شود به حاشیه مسأله ۲۳۶.

آیهٔ اللّه بهجت: در این صورت بنابر احتیاط واجب از حرم بیرون رفته و از بیرون حرم احرام ببندد و باید عمره را قضا نماید. (مناسک، مسأله ۱۶۸) به ذیل مسأله ۲۳۶ و ۲۶۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خویی: در این فرض اگرچه معصیت کار است ولی اگر در صورت امکان به خارج حرم برود و از آنجا محرم شود، صحّت حج او مانند فرض اوّل خالی از وجه نیست، کما این‌که در هر دو فرض اگر نتواند از حرم خارج شود و در داخل حرم محرم شود اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۱۶۸).

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر این‌که از میقات محرم شود.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اقوی بطلان عمره یا حـج است، اگرچه احوط احرام از ادنی الحل است و در سال بعد باید قضـا کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: هرچند احتیاط مستحب آن است که از ادنی الحل یا هر جا که می‌تواند محرم شود و حج را به‌جا آورد و سال آینده طبق آنچه در متن آمده عمل کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۷

در فرض مذکور، گرانی هزینه بازگشت- ولو بیش از حدّ باشد- عذر برای باز نگشتن نیست، مگر این‌که موجب حَرَج باشد.

انکشاف بطلان احرام بعد از میقات

۲۳۹- اگر کسـی بعـد از خروج از میقات، در بین راه متوجه شود که به جهتی احرامش درست نیست، اگر می‌تواند، باید از همان‌جا به میقـات برگردد؛ و اگر نمی‌توانـد مگر این که به مکه وارد شود و سـپس از آنجـا به میقـات بـازگردد، بایـد برای ورود به مکه، از ادنی الحل، به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

ترک احرام با فراموشی یا جهل

۲۴۰- اگر کسـی احرام را فراموش کنـد و تا بعـد از اتمام عمره تمتع به‌خاطرش نیایـد و نتواند جبران کند، احتیاط در بطلان عمره او است، اگرچه صحت آن به‌نظر بعید نیست؛ ولی اگر اعمال

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط اگر هر دو عمره در یک ماه انجام می‌شود به نیّت یک شخص به‌جا نیاورد.

آیهٔ‌اللَّه خویی: فتوای ایشان در دست نیست ولی احتیاط موافق متن است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در این صورت لزوم رفتن به میقات برای احرام عمره تمتّع و عدم کفایت احرام از ادنی الحل مبنی بر احتیاط است.

(۲). آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: عمره او صحیح است.

(۳). آیهٔ اللَّه فاضل: عمره‌اش باطل است و باید عدول به‌غیر حج تمتع کند و همینطور است اگر ترک احرام ازروی جهل باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: عمره و حج او صحیح است.

(۴). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به صحت یا بطلان عمره به دست نیامد.

(۵). آیهٔ اللَّه بهجت: محلّ تأمّل است صحیح بودن غیر حج. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: صحت عمره او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط ترک نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۸

حج را هم تمام کرده و یادش آمده، عملش صحیح است.

احرام بعد از انعقاد زایل نمی‌شود

۲۴۱- محرم نمی‌توانـد احرام خـود را به هم بزنـد و مُحل شـود؛ و اگر لبـاس احرام را به قصـد بیرون آمـدن از احرام، از تنش بیرون بیاورد، احرامش به هم نمی‌خورد و محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود؛ و اگر موجب کفّاره بجا آورد، باید کفّاره بدهد.

محرم کردن مجنون واجب نیست

۲۴۲- مجنون تکلیف ندارد؛ و احرام بر او واجب نیست؛ و اگر بدون احرام وارد مکه شود، اشکالی ندارد.

کسی که محرم شود ولی به حج نرسد

۲۴۳- اگر حج‌گزار در احرام عمره تمتع دیر وارد مکه شود و حج از او فوت شده باشد، با همان احرام، عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد، باید به حج برود.

---

(۱). آیهٔ‌اللّه‌سیستانی: اگر احرام‌حج رافراموش کند یاجهلًا ترک‌کند تااعمال‌تمام‌شود حج صحیح است. مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۳۹

فصل دوم: مکان احرام عمره تمتع

اشاره

۲۴۴- احرام عمره تمتع، به جهت اختلاف راه‌هایی که حجاج از آن‌ها به طرف مکه می‌روند، از پنج مکان- «میقات» - صورت می‌گیرد:

۱- مسجد شجره

اشاره

اول: مسجد شجره یا «ذُوالحُلَیفه»، میقات کسانی است که از مدینه منوره، به مکه می‌روند.

۲۴۵- تأخیر احرام در صورت ضرورت، از مسجد شجره تا میقات اهل شام (جحفه)، جایز است.

احرام از داخل مسجد شجره

۲۴۶- احرام- بنابر احتیاط واجب- باید در داخل مسجد شجره صورت گیرد، نه اطراف آن و

---

(۱). آیهٔ‌اللّه بهجت: و جواز طرف مقابل که احرام از مسجد با فعل مضطر الیه و فداء است، محل تأمّل است. (مناسک شیخ، ص ۹).

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: باید در صورت امکان از درون مسجد احرام بسته شود. (مناسک، ص ۶۴).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احرام خارج از مسجد شجره، برای کسانی که از طریق مدینه به سوی مکه حرکت می‌کنند، کفایت نمی‌کند و واجب است داخل مسجد محرم شوند.

آیهٔ اللّه خویی: احرام از منطقه ذو الحلیفه، مانعی ندارد. (تعلیقهٔ العروهٔ، ج ۲، ص ۳۴۲).

آیهٔ اللَّه وحید: ذوالحلیفه میقات هر کسی است که بخواهد از راه مدینه به حج برود، و احوط افضل این است که احرام از مسجد آن که معروف به مسجد شجره است، بسته شود. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۸۶)

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم: از داخل مسجد مستحب است و همین که احرام در محاذی مسجد از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می‌کند؛ آیهٔ اللَّه تبریزی: ولی احتیاط واجب آن است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۰

احرام در هر جای مسجد شجره- حتی در قسمت توسعه یافته- جایز است، ولی احتیاط مستحب آن است که در محلّ اصلی صورت گیرد.

احرام جنب و حائض در حال عبور از مسجد

۲۴۷- اشخاص جنب و حایض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند، هر چند اگر عصیاناً هم توقف نمایند و محرم شوند، احرام آن‌ها صحیح است.

احرام حائض نزدیک مسجد شجره

۲۴۸- اگر حایض نتواند تا پاک شدن صبر کند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن، احرام را تجدید کند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاطاً احرام از مسجد قدیمی شجره باشد و با فحص از اهل اطّلاع، توسعه از یمین ویسار و خلف است و قسمت محراب از مسجد قدیمی محسوب می‌شود. (استفتائات، س ۳۳)

آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که از پشت مسجد قدیم احرام نبندد.

(۲). آیات عظام: خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: به مساله قبل مراجعه شود.

آیـهٔاللَّه تبریزی: شخص جنب و حایض در خارج مسجد محرم می‌شود و تجدید تلبیه در جُحفه لزومی ندارد ونیز اگر در حال عبور از مسجد محرم شوند مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای حایض و نفساء احرام بستن بیرون مسجد شجره کافی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر امکان نداشته باشد یعنی مسجد دو درب نداشته باشد یا امکان عبور از مسجد به جهت ازدحام و موانع دیگر نباشد، کنار مسجد محرم شوند و در این فرض تجدید احرام در جحفه یا محاذات آن لازم نیست.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی: صحّت احرام او محلّ اشکال است و باید تلبیه را به‌قصد احرام تجدید کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: چنانچه قصد قربت از او متمشّی شود احرام صحیح است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست.

(۴). آیهٔ اللَّه نوری: اگر به‌واسطه زیادی جمعیت، از عبور از مسجد هم عاجز باشد، احتیاط آن است که از نزدیک مسجد محرم شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر نتواند وارد مسجد شود در خارج مسجد محاذی آن محرم می‌شود و در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام

می کند بنابر احتیاط. (مناسک، س ۳۴).
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: زنی که دارای عذر است، می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هر چند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جحفه یا محاذات آن محرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات محرم شود.
نظر سایر آیات عظام از مسأله ۲۴۶ بدست می‌آید.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۱

احرام جنب با تیمم در داخل مسجد

۲۴۹- اگر جنب نتواند به خاطر زیادی جمعیت، در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و در داخل مسجد احرام ببندد. ۲۵۰- اگر حائض برای احرام در حال عبور، وارد مسجد شجره شود و تلبیه بگوید ولی نتواند از در دیگر خارج شود و از همان دری که وارد شده بود، خارج شود، احرامش صحیح است.

احرام در خارج مسجد و تجدید در جحفه

۲۵۱- زنانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره محرم شوند، بنا بر احتیاط در خارج آن محرم شوند، و در جُحْفه یا مُحاذی آن، تجدید احرام نمایند؛ و چنانچه محاذاتْ معلوم نباشد، اگر حدود آن را تشخیص دهند و در تمام آن حد، با بقای نیت، تلبیه را تکرار کنند، کفایت می‌کند.
۲۵۲- اگر حایض نزدیک مسجد شجره محرم شود، ولی در بین راه- به خاطر خواب و مانند آن- بدون تجدید احرام، از محاذات بگذرد و وارد مکه شود، در صورت امکان، بنابر احتیاط واجب باید برگردد و از جحفه یا محاذی آن محرم شود؛ و اگر ممکن نیست، از حرم خارج و از آنجا احرام ببندد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل و آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین است حایض که از حیض پاک شده است.
نظر سایر آیات عظام در این مسأله از ذیل مسأله ۲۴۶ و ۲۴۷ به‌دست می‌آید.
(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: صحّت احرامش محلّ اشکال است.
(۳). آیهٔالله نوری: می‌توانند داخل مسجد شوند و در حال عبور از مسجد احرام ببندند و در مسجدتوقف نکنند.
(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: می‌توانند در ذوالحلیفه محرم شوند و احتیاط واجب این است که از طرف راست یاچپ یا جلوی مسجد قدیم محرم شوند.
آیهٔ اللَّه خویی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۴۲).
(۵). آیات عظام سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: تجدید احرام لازم نیست.
(۶). مراجعه شود به مسأله ۲۵۱.
آیهٔ اللَّه بهجت: در صورتی که نتواند به میقات برگردد، همان احرام کفایت می‌کند. (پرسشهای جدید حج، س ۲۶).
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۲

فرض ضیق وقت برای حایض و عدول به افراد

موارد مختلف احرام حایض در فرض ضیق وقت برای انجام عمره تمتع، و وظیفه وی از جهت نیت حج افراد و عدول به آن، در بخش حج افراد گذشت.

مکان احرام عمره تمتع

احرام با نذر

اشاره

۲۵۳- زن‌های حایض می‌توانند در مدینه با نذر محرم شوند؛ و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند؛ ولی نذر زن، باید با اذن شوهر باشد. ۲۵۴- احرام بستن پیش از میقات، جایز نیست و صحیح واقع نمی‌شود؛ ولی با نذر، جایز است؛ و در صورت نذر، باید از مکان منذور محرم شود؛ مثلا اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود، واجب است عمل کند؛ و بهتر آن است که در میقات، یا محاذات آن، احرام را تجدید کند.

حکم نذر و احرام زن بدون اجازه شوهر

۲۵۵- اگر زن بدون اذن شوهرش نذر کند و با نذر محرم شود، اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست، اگرچه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید، عملش صحیح است؛

---

(۱). گذشت در مسأله ۲۴۶ به بعد نظر آیات عظامی که مطلقا یا در این خصوص، احرام در خارج مسجد شجره را مجزی می‌دانند.

(۲). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: اگر نذر زن مزاحم حق شوهر نباشد اجازه لازم نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود.

(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بداند مستلزم ارتکاب محرّم می‌شود؛ مانند استظلال، انعقاد نذر مورد اشکال است.

آیهٔ اللّه فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود در روز با وسیله مسقف حرکت کند محل اشکال است، بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است. ولی احتیاط آن است که در ادنی الحل تجدید احرام کند و در هر دو صورت کفّاره استظلال را باید بدهد.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: نیازی به تجدید احرام در میقات نیست بلکه می‌تواند از راهی به مکّه برود که بر میقات نگذرد. (مناسک، مسأله ۱۶۴).

(۵). آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که نذر او منافاتی با حقّ شوهر نداشته باشد مانعی ندارد. (پرسشهای جدیدحج، س ۲۸).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از میقات محرم شده، چنانچه صحّت حج توقف بر آن داشته یا آن‌که منافی حق شوهر نبوده، احرامش صحیح است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: به حاشیه مسأله ۲۵۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه مکارم: اگر نذر زن منافی حق شوهر باشد اذن معتبر است و الّا معتبر نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۳

ولی اگر بعد از عمره تمتع متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد، یعنی در صورتی که وقت هست و می‌تواند، باید به میقات برود و از آنجا محرم شود؛ و اگر نمی‌تواند به میقات برود، از خارج حرم احرام ببندد و عمره تمتّع را اعاده نماید.

نذر نایب برای احرام

۲۵۶- نذر احرام قبل از میقات، برای نایب نیز جایز است.

۲- مواقیت دیگر

اشاره

دوم: «وادی عقیق» - که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است- میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

سوم: «قرن المنازل»، میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.

چهارم: «یَلَمْلَمْ» - که اسم کوهی است- میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.

پنجم: «جُحْفه»، میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند.

عدم خصوصیت مسجد در جحفه

۲۵۷- میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای آن، احرام صحیح است.

میقات حجّاجی که ابتدا به مدینه یا جده می‌روند

۲۵۸- حجاجی که ابتدا به مدینه می‌روند، باید در مسجد شجره محرم شوند؛ و حجاجی که به جده رفته و از آنجا به مکه می‌روند (حجاج مدینه بعد)، احتیاط آن است که بدون احرام به جدّه

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که قابل جبران نباشد عمره تمتع صحیح نیست و باید حج افراد انجام دهد.

(۲). آیهٔ اللَّه سیستانی: و کسانی که از مسجد شجره گذشته و محرم نشده‌اند هرچند بدون عذر.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی: محاذات جدّه با یکی از مواقیت ثابت نیست بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جدّه مجزی نیست و بر حاجی لازم است از محل خود یا در راه قبل از رسیدن به جدّه، به‌مقداری که قابل ملاحظه- باشد هر چند در هواپیما باشد- نذر احرام نموده و از محلّ نذر احرام ببندد و یا به یکی از مواقیت رفته، احرام ببندد و یا به رابغ برود و آنجا با نذر احرام، محرم شود.

آیـهٔ اللَّه خویی: احرام از جده، حتی با فرض محاذی بودن آن با میقات، مجزی نیست و بر حاجی لازم است که در صورت امکان به یکی از مواقیت برود یا از وطن خود یا در راه، قبل از رسیدن به جده به مقداری که قابل ملاحظه باشد هرچند در هواپیما باشد، نذر احرام نموده و از محل نـذر احرام ببنـدد و یا این‌که پس از ورود به جده، به محلی که رابغ نام دارد برود و از آنجا با نذر احرام، قبل از میقات احرام ببندد.

آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: ٪ واجب است برای محرم شدن به یکی از میقات‌ها برود و در صورتی که نتواند به یکی از میقات‌ها برود، احتیاط واجب این است که با نذر از جدّه احرام ببندد.٪

آیـهٔ اللَّه سیستانی: بـا ملاـحظه نقشه‌هـای جغرافیایی، نقطه محاذی جحفه، در جنوب شـرقی جـده واقع است ولـذا با نـذر می‌شود در فرودگـاه جـده احرام بست؛ زیرا قبل از میقات واقع است و اما نـذر احرام در هواپیما یا قبل از آن، با علم به این‌که به ناچار زیر سایه خواهد رفت مورد اشکال است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: جایز نیست از جدّه با نذر محرم شوند بلکه باید به جحفه رفته، از آنجا محرم شوند.

آیـهٔ اللَّه فاضل: محاذات جـدّه با هیـچ یک از میقات‌ها ثابت نیست. بنابراین بایـد یا به میقات یا محاذات میقات برود ولی برای عمره مفرده می‌تواند از ادنی الحل محرم شود.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: محـاذات جـدّه بـا هیچیـک از میقات‌هـا ثـابت نیست بنـابراین بایـد یـا به میقـات یا به محاذات میقات برود و یا اگر نمی‌تواند احتیاطاً نذر کند و در ابتدای حرم تجدید احرام کند.

آیهٔ اللَّه نوری: اگر از جدّه مستقیماً عازم مکّه شوند میقات آنان «جحفه» است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۴

برونـد و از اهل اطلاع و مورد اعتماد تحقیق کننـد، اگر معلوم شد که جدّه یا «حده»، محاذی با یکی از میقات‌ها است، از آنجا محرم شونـد؛ و گرنه به یکی از مواقیت- مثل جحفه- برونـد و از آنجا محرم شونـد؛ واگر نتوانسـتند به میقات برونـد، با نذر از جده محرم شوند؛ و بهتر آن است که در «حده» احرام را تجدید کنند، اگرچه لازم نیست.

احرام از جدّه و حدیبیّه و تنعیم

موارد مختلف صحت و عدم صحت احرام از جده و تنعیم و حدیبیه، برای عمره مفرده و

---

(۱). آیـهٔ اللَّه بهجت: احـوط در مورد کسـی که از جـده به حـج می‌رود این است که از محـاذی میقـاتی که اقرب به‌وی است احرام ببندد. (مناسک، مسأله ۱۷۳) کسانی که با هواپیما به جـدّه می‌روند، در صورتی که رفتن به جحفه یا میقات دیگر همراه با مشـقت و دشواری باشد می‌توانند با نذر در جدّه محرم شوند و کفایت می‌کند. (مناسک، س ۳۹).

(۲). آیـهٔ اللَّه تبریزی: در صورتی که رفتن به یکی از مواقیت ممکن نباشد و قبل از میقات هم به نذر محرم نشده، لازم است از جدّه با نذر احرام بسته و بعداً در خارج حرم قبل از دخول آن تجدید احرام کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۵

عمره تمتع، در بخش عمره مفرده گذشت.

رابُغ

۲۵۹- در صورتی که ثابت نیست که «رابغ» محاذی جحفه است، احرام از آن جایز نیست.

۳- احکام میقات

تأخیر احرام از میقات و محاذات

۲۶۰- تأخیر احرام از میقات اختیاراً جایز نیست؛ بلکه بنابر احتیاط واجب، تأخیر از محاذات میقات نیز، بدون احرام جایز نیست، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

ترک احرام و وجوب بازگشت به میقات

۲۶۱- اگر کسی بدون احرام از میقات عبور کند، واجب است در صورت امکان برگردد و از همان میقات محرم شود؛ بلکه حتی اگر میقات دیگری هم بعد از آن باشد، باید- بنابر احتیاط واجب - به همان میقاتی که از آن گذشته برگردد و محرم شود.

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احرام از رابغ با نذر صحیح است به‌اعتبار این‌که رابغ قبل از جحفه است.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفه برای احرام از جحفه اختیاراً. (مناسک شیخ، ص ۹).

نظر آیهٔ اللّه خویی در مورد محاذات در ذیل مسأله ۲۷۴ گذشت.

آیهٔ اللّه سیستانی: احوط این است که مکلف از محاذی میقات نگذرد، مگر با احرام، اگرچه بعید نیست که گذشتن جایز باشد، در صورتی که در پیش روی مکلف میقاتی یا محاذی میقاتی باشد. (مناسک، مسأله ۱۶۷).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: بلکه واجب است.

آیهٔ اللّه فاضل: این احتیاط مستحب است.

(۳). آیهٔ اللّه فاضل: و بدون عذر.

آیهٔ اللّه بهجت: در حال اختیار.

(۴). آیهٔ اللّه فاضل: در حج تمتع بدون عذر.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی: در صورت امکان باید برگردد.

آیهٔ اللّه سیستانی: و هرگاه بدون احرام، از میقات گذشته، در صورت امکان باید به میقات برگردد، مگر کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه گذشته و به جحفه رسیده باشد، که چنین شخصی بنابر اظهر، برایش کافی است که از جحفه احرام ببندد، اگر چه گناهکار است. (مناسک، مسأله ۱۶۷).

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۶

عبور از میقات بدون احرام با عذر

۲۶۲- کسی که از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله، یا عذر دیگر، بدون احرام از میقات عبور کند، اگر بازگشت به میقات و انجام اعمال عمره تمتع ممکن باشد، باید باز گردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه؛ و اگر بازگشت و انجام اعمال ممکن نباشد، اگر داخل حرم نشده باشد، از همان‌جا احرام ببندد و بنابر احتیاط مستحب هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود؛ و اگر داخل حرم شده، اگر ممکن است و به اعمال عمره می‌رسد، از حرمْ خارج و محرم شود؛ و اگر نمی‌تواند، همان جا محرم شود و بنابر احتیاط مستحب هرقدر می‌تواند به طرف خارجِ حرم برگردد و آنجا محرم شود.

---

(۱). آیة اللّه بهجت: عذری که مسوّغ ترک باشد و لو ظاهراً؛ از قبیل مرض و جهل به موضوع، بدون تقصیر، وظاهر لحوق جهل به حکم است با عدم تقصیر در آنچه مذکور شد. (مناسک شیخ، ص ۱۱).

(۲). آیة اللّه سیستانی: این حکم در غیر مورد مسجد شجره است و کسی که از آن عبور کند هرچند عمدی‌باشد می‌تواند از جحفه محرم شود، گر چه گناه کرده است.

آیة اللّه مکارم: می‌تواند از همانجا محرم شود.

(۳). آیة اللّه صافی، آیة اللّه گلپایگانی: پس اگر از میقات دیگری عبور می‌کند، از میقات بعدی محرم شود واگر میقات دیگری در مسیر نیست، به مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست از همان محل محرم شود.

(۴). آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب، به مقداری که ممکن است به طرف میقات‌برگردد و محرم شود.

آیة اللّه خامنه‌ای: به احتیاط واجب باید برگردد به طرف میقات به هر مقدار که ممکن باشد تا از انجا محرم شود و اگر داخل حرم شده و می‌تواند از حرم برای احرام خارج شود، باید برای احرام از حرم خارج شود و اگر به علت تنگی وقت و مانند آن نمی‌تواند از حرم خارج شود، باید داخل حرم از همان جایی که عذرش برطرف شده است محرم شود.

آیة اللّه مکارم: اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد، از حرم خارج شود و هرچند به تنعیم رود.

(۵). آیة اللّه بهجت: و احتیاط به دور شدن از حرم، به‌مقدار عدم فوت حج ترک نشود. (مناسک شیخ، ص ۱۱).

آیة اللّه صافی، آیة اللّه گلپایگانی: و در میقات محرم گردد و یا به طرف میقات به مقداری که ممکن است برود وإلّا از ادنی‌الحل محرم شود و در صورت عدم تمکّن از رفتن به ادنی الحلّ در مکّه محرم شود. (آداب و احکام حج، مسأله ۲۹۳).

آیة اللّه مکارم: هرچند به تنعیم رود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۷

نحوه اثبات مکان میقات

۲۶۳- اگر بیّنه شرعیّه- یعنی دو شاهد عادل - به میقات بودن مکانی شهادت دادند، تفتیش و تحصیل علم، لازم نیست؛ و اگر تحصیل علم و بیّنه ممکن نشود، می‌توان به ظن حاصل از کلام کسانی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها می‌باشند، اکتفا نمود.

اعتبار اطمینان در اخبار از میقات

۲۶۴- گفته راهنما یا حمله‌دار، در اخبار از مکان میقات، حجیت ندارد، مگر از گفته او اطمینان پیدا شود؛ و گرنه باید به عرف محل مراجعه شود.

احرام در میقاتی دیگر

۲۶۵- اگر کسی از راه میقات خاصی- مثل طائف- عازم مکه باشد ولی مانعی برای احرامِ در آنجا، ایجاد شود، می‌تواند از میقات دیگر- مثل وادی عقیق- محرم شود.

---

(۱). آیهٔ اللّٰه سیستانی: شهادت دو عادل در صورتی مفید است که مستند به حس یا مانند آن باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: رسیدن به میقات با حداقل شهادت یک نفر عادل نیز ثابت می‌شود، ولی در زمان ما میقات‌ها مشخص است و احتیاجی به این امور نیست.

(۲). آیهٔ اللّٰه بهجت: احوط و اقوی لزوم تحصیل علم است به این اماکن و اگر علم ممکن نباشد بعید نیست‌اکتفا به ظنّ حاصل از پرسیدن اهل معرفت به این اماکن. (مناسک شیخ، ص ۱۰).

(۳). آیهٔ‌اللّٰه تبریزی: بر مکلّف واجب است یقین یا اطمینان به رسیدن به میقات پیدا نموده و احرام ببندد و یا حجت شرعیه داشته باشد و افرادی که آنجا زندگی می‌کنند، گفته آن‌ها حجت شرعیه محسوب می‌شود، بلکه شهادت یک نفر ثقه کافی است، اگر بدانیم مستند او سؤال از عرف محل است.

آیهٔ اللّٰه خویی: تحصیل اطمینان لازم است و گمان کافی نیست، بلی اگر ثقه خبره از محل خبر بدهد کافی است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۰).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: تحصیل علم یا اطمینان یا حجت شرعیه لازم است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: تحصیل اطمینان لازم است.

(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: و یا این‌که آن‌ها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه مکارم: ظن حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر ظنّ از این طریق هم ممکن نشود در اولین نقطه‌ای که احتمال محاذات با یکی از مواقیت را می‌دهد رجاءً محرم شود و تلبیه بگوید و بعد در هر جا که احتمال محاذات می‌دهد تجدید نیّت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات به میقات احرام بسته است.

نظر سایر آیات عظام در مسأله ۲۶۳ گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۸

حرکت محرم از میقات در خلاف جهت مکه

۲۶۶- کسی که در یکی از میقات‌ها محرم شده است، جایز است به سمت مخالف مکه- مثلًا از مسجد شجره به مدینه- برود و در آن جا حتی برای چند روز بماند؛ و نیز بعد از احرام می‌تواند از هر راهی که خواست به مکه برود.

انجام عمره تمتع از مکه و رعایت میقات

۲۶۷- کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه رفته و در مکه تا ماه‌های حج مانده است، برای احرام عمره تمتع، باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی‌توانـد از تنعیم محرم شود. ۲۶۸- کسانی که در مکه اقامت موقت دارنـد اگر فریضه آن‌ها تبـدیل نشده، باید از مواقیت معروفه محرم شوند؛ و اگر تبدیل شده، میقات آن‌ها مکه است.

فرض عدم امکان رفتن به میقات از مکه

۲۶۹- اگر کسی در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به‌جا آورد و از رفتن به میقات عمره تمتّع، معذور باشد، لازم است به خارج حرم برود و محرم شود و از ادنی‌الحل کفایت می‌کند.

رعایت میقات در انجام عمره مفرده

۲۷۰- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات گذر کنند؛ و در صورت گذر، واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند؛ و اگر ممکن نشد، از همان مکان که هستند محرم شوند.

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب حتی اگر حج تمتّع استحبابی باشد.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه تبریزی: احوط این است که هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اولی این است که تا حد ممکن به‌طرف میقات رفته و محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۶۹، فرع دوّم).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است به خارج حرم رفته و هر مقدار ممکن است به طرف میقات برود و محرم شود.

(۳). آیـهٔ اللّه بهجت: عبور از میقـات بـدون احرام جایز نیست و در صورت تجاوز، احرام از ادنی الحل برای قاصـدعمره مفرده کافی است.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشـد یا نه.

(۴). تفصیل نظر آیات عظام در این مسأله در ذیل مسأله ۲۳۶ و ۲۶۲ و ۱۹۷ آمده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۴۹

خروج از مکه و گذر از میقات و بازگشت به مکه

حکم خروج از مکه معظمه و گذر از میقات و احرام مجدد، در صفحه ۱۰۲ به بعد گذشت.

۴- محاذات

اشاره

۲۷۱- اگر قاصد مکه از راهی برود که به هیچ‌یک از میقات‌ها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات، احرام ببندد.

معلوم نبودن محاذات

۲۷۲- اگر مکان محاذات معلوم نباشد، باید از اهل اطلاع و مورد وثوق سؤال شود، و قول مجتهدی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها نیست، اعتبار ندارد.

معلوم نبودن محاذات و احرا م با نذر

۲۷۳- اگر کسی نتواند محاذات را بفهمد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است، با نذر محرم شود؛ بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود، احوط است.

۲۷۴- کسانی که از محاذاتِ غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب آن است که

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: باید از محاذات اوّلین میقات نزدیک به خود محرم شود. (مناسک، ص ۶۶).

آیهٔ اللَّه خویی: کسی که تقریباً یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان‌جا میقاتش خواهد بود و از همان‌جا احرام می‌بندد. و در تجاوز نمودن از محاذات مسجد شجره و احرام بستن از محاذات یکی از مواقیت دیگر، بلکه از خصوص مورد مذکور نیز مشکل است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر علم به محاذات ممکن نباشد، ظاهر، کفایت مظنّه است در صورتی که موجب‌اطمینان یا حاصل از سؤال اهل آن محل باشد علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۱۱).

(۳). آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر دو خطّ متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشکیل می‌دهند و یکی از آن‌ها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محلّ محاذات با میقات است و معیار در این امر صدق عرفی است نه دقت عقلی.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر در طریق او محاذات علمیّه یا ظنّیه نباشد احوط رفتن به سوی میقاتی یا محاذات آن‌است و محتمل است جواز احرام از اوّل احتمال و تجدید آن در مقدار اقرب مواقیت به مکّه. (مناسک شیخ، ص ۱۰ و ۱۱).

(۵). آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

(۶). آیهٔ اللَّه خویی: اگر فاصله زیاد باشد، ظاهراً نذر لازم است و اگر فاصله کم باشد، بنابر احتیاط واجب بایدنذر کند یا این‌که به یکی از مواقیت برود. (مناسک، مسأله ۱۶۴).

آیهٔ‌اللَّه صافی، آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی: متعرض مسأله استحباب نذر نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۰

قبل از رسیدن به محاذات، با نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مراد از محاذات

۲۷۵- مراد از «محاذات» مکانی است که میقاتْ در یک خط راست، به طرف راست یا چپ شخص واقع شود؛ به‌طوری که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

نحوه اثبات محاذات

۲۷۶- محاذات به وسیله علم یا دو شاهد عادل، ثابت می‌شود؛ و اگر ممکن نشود، گمان حاصلِ از گفته کسانی که مطّلع به آن مکان‌ها هستند، ظاهراً کافی است؛ بلکه اگر گمان، از قول اهل خبره‌ای که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند، حاصل شود، نیز ظاهراً کافی است.

محاذات با دو میقات

۲۷۷- اگر عبور کسی به گونه‌ای است که با دو میقات، محاذات پیدا می‌کند، احتیاط واجب آن است که از جایی که ابتدا محاذات حاصل می‌شود، احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، نیت احرام را تجدید کند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به حاشیه مسأله ۲۷۲ مراجعه شود.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص ۱۵۰
(۲). آیهٔ اللَّه فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.
(۳). آیهٔ اللَّه فاضل: اگر اطمینان حاصل شد.
(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: محاذات با میقات، به علم و اطمینان ثابت می‌شود و نیز به گفته کسانی که به آن مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند، امّا گفته کسی که از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کند، اعتباری ندارد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: معیار در تشخیص محاذات، در حاشیه مسأله ۲۷۲ گذشت و باید علم یا اطمینان یا حجّت شرعی بر آن قائم باشد.
(۵). آیهٔ اللَّه تبریزی: باید از جایی که اول محاذات پیدا می‌کند، احرام ببندد و تجدید نیت در محاذات‌میقات بعد لازم نیست.
نظر آیهٔ اللَّه خویی با ملاحظه مسأله ۲۷۱ منتفی است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: مخیّر است از محاذی هر کدام احرام ببندد، گرچه احتیاط مستحب احرام در محاذی اوّل است.
(۶). آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: واجب است که از جائی که...
(۷). آیهٔ اللَّه بهجت: اقوی کفایت احرام اوّل است؛ به‌نحوی که در مسأله ۲۷۱ بیان شد. (مناسک، ص ۱۰).
آیهٔ اللَّه فاضل: تجدید احرام لازم نیست و باید از اول محاذات محرم شود.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۱

فصل سوم: واجبات احرام

اشاره

۲۷۸- واجبات احرام سه چیز است:

۱- پوشیدن جامه احرام

اشاره

۲۷۹- هنگام محرم شدن و در حال احرام، پوشیدن دو جامه احرام- که یکی «لنگ» و دیگری «ردا» است- بر مردان واجب است. احتیاط واجب آن است که پوشیدن این دو جامه، قبل از نیت احرام و تلبیه باشد؛ و اگر کسی بعد از لبیک بپوشد، احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

جواز پوشیدن بیشتر از دو جامه

۲۸۰- حداقل مقدارِ واجبِ لباس احرام، دو جامه است و زیادتر مانع ندارد.

---

(۱). آیـهٔ اللَّه فاضـل: احتیاط مسـتحب است که زن‌ها نیز دو جامه احرام را هنگام محرم شـدن بپوشـند. آیـهٔ اللَّه‌صافی: و در طواف و سعی.

آیـهٔ اللَّه گلپایگـانی: پوشـیدن دو جـامه احرام اختصـاص به مردان نـدارد و احتیاط واجب آن است که زن‌ها نیز دو جامه را بپوشـند، اگرچه کنـدن لباس دوخته بر آن‌ها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس خودشان باشند وبهتر آن‌است که درحال سعی وطواف دو جامه‌احرام را دربرداشته باشند. (مناسک‌فارسی، ص ۲۸).

(۲). آیـهٔ اللَّه بهجت: محل پوشـیدن، از باب مقدّمه، قبل از نیّت وتلبیه است؛ واحتیاط در صورت تاخیرپوشـیدن، در اعاده نیّت وتلبیه است. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: می‌بایست قبل از نیت و تلبیه دو جامه را بپوشند.

(۳). آیهٔ اللَّه نوری: لباسهای دوخته را بکند و این دو جامه را...

(۴). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب اعاده نیت و تلبیه است. (مناسک، مسأله ۱۸۹).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۲

عدم جواز اکتفا به یک جامه

۲۸۱- بنابر احتیاط واجب در حال اختیار، به یک جامه بلند- که مقداری از آن را لنگ و مقداری را ردا قرار دهد- اکتفا نشود بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مقدار پوشش جامه احرام

۲۸۲- پوشیدن لباس احرام به‌نحو متعارف کفایت می‌کند و لازم نیست لنگ، ناف و زانو را بپوشاند؛ هر چند پوشاندن آنها مستحب

است.

عدم اعتبار کیفیت خاص در پوشیدن

۲۸۳- در پوشیدن دو جامه احرام، ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی باشد، مانع ندارد، فقط باید- به هر کیفیتی که می‌خواهد- یکی را لنگ و یکی را ردا قرار دهد؛ و احتیاط مستحب آن است که ردا، شانه‌ها را بپوشاند.

قصد قربت در پوشیدن احرام و کندن دوخته

۲۸۴- بنابر احتیاط واجب، هنگام پوشیدن جامه احرام، نیت و قصد امر الهی و اطاعت او

---

(۱). آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: احرام صحیح است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه ظاهر این است که کافی نباشد.

(۳). آیهٔ‌اللَّه بهجت: ازار از ناف تا زانو را باید بپوشاند (مناسک، مسأله ۱۸۹).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: باید به اندازه‌ای باشد که ناف تا زانو را بپوشاند.

آیات عظام سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاطِ واجب، لازم است.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: یکی از آن‌ها باید بپوشاند ما بین ناف و زانو را و دیگری که ردا باشد آنقدر باشد که دو شانه‌را بپوشاند به‌نحوی که ردا و تردّی به آن صادق باشد. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر به نحو متعارف باشد کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط آن است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب این است که پوشیدن به نحو متعارف باشد.

(۵). آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیات‌عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: بایدردا به‌قدری باشد که‌شانه‌هارا بپوشاند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب این است که ردا به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو و مقدار قابل توجّهی از کمر را بپوشاند. (مناسک، مسأله ۱۸۹).

(۶). آیهٔ اللَّه فاضل: بلکه واجب است علاوه بر آن، قسمتی را بپوشاند؛ به گونه‌ای که صدق ردا بکند.

(۷). آیهٔ اللَّه فاضل: برای مردان که لباس احرام می‌پوشند واجب است آن را با قصد قربت بپوشند و زنان نیزلازم است نیت کنند لباسی را که پوشیده‌اند لباس احرام آنهاباشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۳

جلّ جلاله، واجب است؛ و احتیاط مستحب آن است که هنگام کندن جامه دوخته هم، قصد اطاعت کند.

شرط لباس احرام از حیث صحت نماز در آن

۲۸۵- در جامه احرام، صحت نماز شرط است؛ پس احرام در جامه حریر و غیر مأکول و جامه متنجّس به نجاستِ غیر معفوٍّ در نماز، کفایت نمی‌کند.

لباس بدن نما

۲۸۶- لنگ باید نازک و بدن‌نما نباشد؛ و همچنین است بنابر احتیاط مستحب ردا.

لباس احرام زن

۲۸۷- لباس احرام زن، بنابر احتیاط واجب، از حریر خالص نباشد؛ بلکه احتیاط آن است که تا آخرِ احرام، حریر نپوشد.

۲۸۸- زن می‌تواند در لباس خودش- به هر نحو که باشد دوخته یا ندوخته - محرم شود؛ ولی حریر محض نباشد.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت و آیهٔ اللّه سیستانی: در پوشیدن لباس احرام قصد قربت لازم است.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: بنابر احتیاط. در مجموع موانع نماز خواندن در لباس. (مناسک شیخ، ص ۱۴).

(۳). آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب در غیر درندگان.

(۴). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، نوری: احتیاط واجب است.

آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط این است که هیچ قسمتی از إزار بدن نما نباشد، ولی این شرط در ردا معتبر نیست. (مناسک، مسأله ۱۹۳).

آیـهٔ اللّه صـافی، آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: معظم‌له در مناسـک فارسـی احتیاط وجوبی و در مناسک عربی فتوا می‌دهـند به اینکه بـدن‌نما نباشد.

(۵). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بدن‌نما بودن ردا مانع ندارد، مشروط بر این‌که ردا بر آن صدق کند.

(۶). آیـهٔ اللّه بهجت: امـا زنـان بنـابر اقوی جایز است در جامه حریر احرام ببندنـد، گرچه احتیاط در ترک آن‌است. و همچنین اسـت جواز پوشیدن آن در جمیع احوال احرام. (مناسک شیخ، ص ۱۵).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی: باید از حریر خالص نباشد.

(۷). نظر آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: در واجبات احرام (پوشیدن لباس) گذشت.

(۸). آیهٔ‌اللّه مکارم: و به هر رنگ باشد.

(۹). آیهٔ اللّه بهجت: در مسأله قبلی جواز آن گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: زنان می‌توانند در لباس‌های عادی خود، در صورتی که دارای شرایط ذکر شده در لباس احرام باشد، احرام ببندند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۴

طهارت لباس احرام

۲۸۹- آیا طهارت لباس احرام یا سایر شرایط لباس نمازگزار، شرط صحتِ احرام نیز هست، و آیا با ترک عمدی آن، احرام صحیح است؟

اگر جامه احرام یا بدن نجس شود

۲۹۰- اگر جامه احرام در هنگام اعمال یا غیر آن، نجس شود، بنابر احتیاط واجب باید تطهیر یا تبدیل شود؛ و احوط در صورت نجاست بدن در حال احرام، مبادرت به تطهیر است.

۲۹۲- اگر جامه احرام یا بدن تطهیر نشود، کفّاره ندارد.

---

(۱). آیات عظام بهجت، فاضل، تبریزی: شرط صحّت نیست؛ آیهٔ اللّٰه سیستانی: ولی واجب مستقل است که لباس احرام را بپوشد و شرط آن، طهارت است ولی اگر لباس احرام نپوشد یا لباسش نجس باشد احرام صحیح است.

آیات عظام: صافی، مکارم و نوری: لباس احرام باید مثل لباس نمازگزار پاک باشد و سایر شرایط لباس نمازگزار را نیز باید داشته باشد.

آیهٔالله خامنه‌ای: جامه احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد. بنابراین احرام بستن در جامه حریر یا جامه‌ای که از اجزای حیوان حرام گوشت یا مردار تهیه شده باشد و یا جامه‌ای که به نجاستی نجس شده باشد که در نماز از آن عفو نشده است کفایت نمی‌کند.

(۲). آیهٔاللّٰه فاضل: یا لباسی که زنِ محرم پوشیده.

(۳). آیهٔ اللّٰه سیستانی: به احتیاط واجب باید مبادرت کند به تبدیل یا تطهیر.

آیهٔ اللّٰه صافی: احتیاط مستحبّ آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نیز نجس شود نجاست را از آن زایل کند. (مناسک فارسی ص ۴۴، مسأله ۳۵).

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: از مناسک فارسی ص ۲۷، مسأله ۳۵- مطابق متن، احتیاط وجوبی استفاده می‌شود ولکن در مناسک عربی ص ۷۷- احتیاط استحبابی فرموده‌اند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این حکم واجب است.

(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت: و چنانچه بدن نجس شود تطهیر آن از جهت محرم بودن واجب نیست بنابر اظهر (مناسک، مسأله ۱۹۷).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: وجوب مبادرت به تطهیر بدن ثابت نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط استحبابی است.

(۵). آیهٔ اللّٰه فاضل: و احرام او هم باطل نمی‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۵

جامه غیر منسوج

۲۹۳- جامه احرام، لازم نیست منسوج و بافتنی باشد، و اگر مثل «نمد» هم باشد و به آن جامه گفته شود، مانع ندارد.

۲۹۴- جامه احرام بنابر احتیاط نباید از پوست باشد ولی اگر به آن جامه گفته شود، ظاهراً مانع ندارد.

اضطرار به پوشیدن لباس دوخته

۲۹۵- اگر محرم- به خاطر سرما یا غیر آن - ناچار به‌پوشیدن قبا یا پیراهن شود، می‌تواند بپوشد، ولی باید قبا را پایین و بالا کند و به‌دوش بیندازد و از آستین آن، دستش را بیرون نیاورد؛ و احوط پشت و رو نمودن آن است؛ و همچنین پیراهن را نیز باید به‌دوش بیندازد و نپوشد؛ ولی اگر

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم وپوست و نمد نباشد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: به احتیاط واجب جامه احرام بافته باشد و از پوست و یا مثل نمد مالیده نباشد. (مناسک فارسی، ص ۲۸، مسأله ۳۷).

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط در آن ترک نشود.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط، بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: اقوی جواز احرام است در لباس‌هایی که می‌تواند در نماز بپوشد، هرچند پوست یا غیر بافتنی باشد. (مناسک، مسأله ۱۹۴).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: لازم نیست لباس احرام، منسوج و بافتنی و از جنس پنبه یا پشم و مانند آن باشد، بلکه اگر از پوست یا نایلون و پلاستیک باشد و عنوان لباس بر آن صدق کند و پوشیدن آن متعارف باشد نیز کافی است. و همچنین اگر مثل نمد مالیده شده باشد و به آن جامه گفته شود و پوشیدن آن متعارف باشد، مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد. (مناسک، مسأله ۱۹۴).

(۴). آیهٔ اللَّه فاضل: مثل نیافتن ردا و ازار.

(۵). آیهٔ اللَّه گلپایگانی: ولی باید برای آن کفّاره بدهد و نظر ایشان نسبت به بقیه مسأله به دست نیامد.

(۶). آیهٔاللَّه سیستانی: واجب این است که پشت و رو کند و دست از آستین آن بیرون نیاورد و یا این که آن راپایین و بالا کند و بپوشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط استحبابی است؛ و واجب است پیراهن را نیز بالا و پایین کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۶

اضطرار، به غیر از پوشیدن دوختنی، رفع نمی‌شود، می‌تواند بپوشد، هر چند باید کفّاره بدهد. ۲۹۶- اگر کسی به خاطر عذر، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات، نیت کند و لبّیک بگوید و کافی است؛ و هر وقت عذرش برطرف شد، جامه دوخته را بکند، و لباس احرام بپوشد؛ و لازم نیست به میقات برگردد؛ ولی برای پوشیدن لباس دوخته، باید یک گوسفند قربانی کند.

جواز بیرون آوردن لباس احرام در حال احرام

۲۹۷- لازم نیست جامه احرام همیشه در تن باشد، بلکه تعویض و بیرون آوردن هر دو جامه، برای شستن و حمام رفتن و هر حاجتی، جایز است.

احرام در لباس غیر احرام

۲۹۸- اگر کسی لباس احرام را عمداً نپوشد، یا در حال احرام، لباس دوخته بپوشد، اگر از روی عذر نباشد، معصیت کرده، ولی به صحت احرام او ضرر نمی‌رساند.

گره زدن لباس احرام

۲۹۹- گره زدن لباس احرام، اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط واجب، لنگ را به گردن گره نزنند؛

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خامنه ای، سیستانی: و بنابر احتیاط کفاره هم بدهد

آیهٔ الله صافی: ولی باید برای آن کفاره بدهد

آیهٔ الله مکارم: یعنی به طور معمولی بپوشد

آیهٔ الله خامنه ای: اگر بر اثر سرما و مانند آن، ناگزیر به پوشیدن جامه دوخته باشد، می‌تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند، اما نباید آن را بپوشد، بلکه آن را به صورت برعکس بالا به پایین یا پشت و رو به روی خود بیندازد.

(۲). نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۵۰۰ آمده است.

(۳). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و غیر حاجت.

(۴). آیات عظام: خامنه ای، صافی، گلپایگانی و مکارم: صحت احرامش خالی از اشکال نیست پس احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن، بار دیگر نیت کند و لبیک بگوید.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: احوط این است که آزار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقا گره نزند، ولو بعض آن را به بعض دیگر. و با چیزی مانند سنجاق نیز آن را به هم وصل نکند. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن در آید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

(۶). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بستن لنگ به گردن جایز نیست ولی گره زدن لباس احرام یا گذاشتن سنگ یا چیز دیگر در میان آن و بستن با نخ (چنانچه برای بستن جلوی رداء معمول است) اشکال ندارد و همچنین بستن با سنجاق.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۷

و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد، احتیاط آن است که فوراً باز کند، و احرامش صحیح و کفّاره ندارد.

وصل کردن جامه احرام با سنجاق و مانند آن

۳۰۰- گذاردن سنگ و مانند آن، در جامه احرام و بستن با نخ و مانند آن، جایز است؛ و همچنین وصل کردن قسمتی از لباس احرام به قسمتی دیگر، با سنجاق و مانند آن، جایز است اگرچه احتیاط در ترک است.

نحوه بیرون آوردن لباس دوخته در حال احرام

۳۰۲- اگر کسی بعد از احرام پیراهن بپوشد، باید پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد؛ ولی اگر در پیراهن محرم شود، شکاف دادن و از پایین بیرون آوردن لازم نیست، و فقط کندن آن و پوشیدن لباس احرام لازم است و در هر دو صورت، احرام صحیح است.

استحباب طواف با لباس اول

۳۰۳- افضل آن است که محرم در صورت تعویض جامه احرام، برای طواف، همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است، بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

استفاده از پارچه ندوخته در زیر لنگ

۳۰۴- استفاده از پارچه ندوخته در زیر لنگ- به هر نحوی که باشد- اشکال ندارد.

---

(۱). به مسأله قبل مراجعه شود.
آیهٔ اللَّه وحید: بنا بر احتیاط واجب اگر اقوی نباشد ازار را به گردن گره نزنند، ولی سوراخ کردن آن به وسیله سوزن و مانند آن مانعی ندارد. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۱۲۳)
(۲). در فرض عمد، نظر آیهٔ اللَّه گلپایگانی در مسأله ۲۹۸ آمده است.
آیهٔاللَّه بهجت: در هر دو صورتِ نزع مخیط، باید بدون پوشاندن سر باشد. (مستفاد از صفحه ۲۰ مناسک شیخ).
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در صورت علم و عمد نظر ایشان در ذیل مسأله ۲۹۸ بیان شده است.
(۳). آیهٔاللَّه خویی: نظر معظّم له در این مسأله به دست نیامد.
(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: ولی بهتر اجتناب از این گونه کارهاست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۸

خمس لباس احرام

برخی از احکام خمس لباس احرام در بخش خمس پایان کتاب ذکر شده است.

۲- نیت احرام

اشاره

یکی دیگر از واجبات احرام، نیت است.

قصد ترک محرّمات

۳۰۵- برای محرم شدن، قصد ترک محرّمات احرام، لازم نیست؛ و اگر کسی بدون چنین

---

(۱). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی: در نیّت چند چیز معتبر است: ۱- قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام.

آیهٔ اللّه بهجت: قصد قربت یعنی به جهت اطاعت و امتثال فرموده خداوند عالم. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

۲- همزمان بودن با شروع در احرام.

۳- تعیین احرام که برای عمره است یـا برای حـج و تعیین حـج که تمتع است یا قران یا افراد، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری و تعیین این که حجش حَجّهٔالاسـلام است که برای اولین بار به اسـتطاعت بر او واجب شـده یا حـج نذری است که به سـبب نـذر بر او واجب شده یا حجی است که به سـبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است. خلاصه هریک از اینها که باشد باید در نیت مشخص شود. پس اگر بدون تعیین نیت، احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: حَجّهٔالاسـلام عنوان قصدی نیست و اگر مکلّف مستطیع برای خود حج به‌جا آورد حَجّهٔالاسلام است مگر با علم و عمد قصد حجّ استحبابی نماید.

آیهٔ اللّه سیسـتانی: در نیت معتبر است قصد قربت و وقوع آن در میقات و مانند آن و مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن دارد، که آیـا حـج است و یا عمره و تعیین حـج که تمتّع است یا قِران یا افراد و در صورت نیابت بایـد آن را قصـد کنـد و اگر برای خودش باشـد کافی است که قصـد انجام آن از غیر ننمایـد و در عمل نذری کافی است که آنچه نذر نموده بر عملش منطبق باشد و لزومی نـدارد قصـد کنـد حجی را کـه انجـام می‌دهـد- مثلًا- حـج نـذری اسـت، همچنـان کـه برای این‌که حجی که انجـام می‌دهد حَجّهٔالاسـلام باشـد، کفـایت می‌کنـد کـه حَجّهٔالاسـلام کـه بر او واجب شـده بر عملش منطبق باشـد و نیـاز به قصـد زایـدی نیست. (مناسک، مسأله ۱۷۶).

(۲). آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: لازم است قصد کند ترک کارهایی را که بر محرم حرام است.

آیهٔ اللّه مکارم: نیت‌احرام این است که قصد کند تروک احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی، کافی است.

آیـهٔ اللّه وحیـد: قصـد ترک محرمـات احرام لازم نیست مگر محرمـاتی که قصـد انجام آن یا تردیـد در آن، احرام را باطل می‌کنـد. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۹۷)

(۳). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: لکن باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می‌کند نداشته باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۵۹

قصـدی، به‌قصـد عمره تمتع یـا حـج تمتع، تلبیه بگویـد، محرم می‌شود؛ و حتی کسـی که می‌دانـد بعضـی از محرّمات- مثل زیر سایه رفتن- را انجام می‌دهـد، احرام او صـحیح است؛ هر چنـد احتیاط آن است که ترک محرّمات را نیز قصـد کند؛ البته عدم لزوم قصـد

ترک محرّمات، در غیرِ محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند؛ اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند- مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور- با قصد ارتکاب آن، احرام باطل، بلکه غیر ممکن است.

نیّت حج تمتّع به جای عمره تمتع

۳۰۶- اگر کسی به جای نیتِ عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، اگر در نظر داشته که همان عملی را که همه بجا می‌آورند، به‌جا آورد و گمان کرده بخش اول اعمال، حج تمتع نام دارد، ظاهراً عمل او به عنوان عمره تمتع، صحیح است ولی بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

۳۰۷- اگر کسی به گمانِ تقدم حج تمتع بر عمره تمتع، نیت حج تمتع کند با قصد این‌که پس از احرام، به عرفات و مشعر برود و حج به‌جا آورده و عمره را پس از آن به‌جا آورد، احرام او باطل است و باید در میقات، تجدید احرام کند؛ و اگر از میقات گذشته است، باید در صورت امکان، به میقات برگردد و محرم شود، و گرنه از همان جا محرم شود؛ و اگر بعد از ورود به حرم ملتفت شد، باید در صورت امکان، از حرم خارج شده و محرم شود، و گرنه در همان جا محرم شود.

نیت حجّهٔالاسلام در حج مستحبی

۳۰۸- جهت انجام حج مستحبی، نیّت حَجّهٔالاسلام اشکال دارد، مگر در فرض اشتباه لفظی

---

(۱). آیهٔ اللَّه مکارم: احرام او خالی از اشکال نیست مگر در حال ضرورت.

(۲). در مسأله قبل گذشت که آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم: قصد ترک جمیع محرّمات رالازم می‌دانند.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی: در صحّت احرام، عزم بر ترک محرّمات، از اوّل تا آخر احرام معتبر نیست.

آیهٔ اللَّه خویی: بنابر قول مشهور (نسبت به جماع قبل از سعی در عمره مفرده، فتواست).

آیهٔ اللَّه سیستانی: فقط در حین احرام عمره مفرده، اگر مکلف قصد داشته باشد که قبل‌از فارغ شدن از سعی با همسر خود نزدیکی کند یا تردید دارد که این کار را بکند یا نه، ظاهر این است که احرامش باطل است و بنابر احتیاط حکم استمنا هم همین است. (مناسک، مسأله ۱۷۸).

(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۵). احکام این صور در ذیل مسأله ۲۶۲ گذشت.

(۶). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مانعی ندارد. (مستفاد از تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۲۴۰).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۰

و تطبیق لفظ «حَجّهٔالاسلام» بر عمره‌ای که به عنوان وظیفه، مقصود بوده است.

نیّت عمره مفرده و قصد تبدیل به تمتّع

۳۰۹- کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، باید در حال احرام بستن- اگرچه به نیت ارتکازی اجمالی- نیت عمره تمتع و بعد از آن

نیت حج تمتع داشته باشد؛ پس اگر نیت عمره مفرده داشته باشد و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد، حج او اشکال پیدا می کند.

احرام به نیت عمره مفرده به جای تمتع

۳۱۰- کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده است، اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد از آن عمره تمتع را به‌جا آورد و چنانچه

---

(۱). آیهٔ اللّه مکارم: معمولًا از همین قسم است.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: جواز عدول از عمره مفرده در ماههای حج، به عمره تمتّع، محل تأمّل و احتیاط است، و اگر در اشهر حج به عمره مفرده محرم شد و داخل مکّه شد و وقت ضیق باشد از حج تمتّع، می‌تواند با قصد، عدول به عمره تمتع نماید در صورتی که به سببی واجب نشده باشد بقا بر عمره مفرده بر او، با احتیاط در اراقه دم (کتاب حج افراد، ص ۴ و مناسک شیخ، ص ۹۰).

آیهٔ اللّه تبریزی: اگر در ماه‌های حج‌عمره مفرده‌انجام دهد می‌تواند آن‌را بجای عمره تمتع حساب کند.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر در ماههای حج، عمره مفرده انجام دهد و تا وقت حج اتفاقاً در مکه بماند، می‌تواند آن را عمره تمتع قرار داده و حج تمتع بجا آورد، و در این حکم بین حج واجب و مستحب فرقی نیست. (مناسک، مسأله ۱۴۲).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در ماههای حج عمره مفرده انجام دهد و تا روز هشتم ذی‌حجه در مکه بماند و قصد حج کند عمره‌اش تمتع به حساب می‌آید و باید حج تمتّع انجام دهد و فرقی بین حج واجب و مستحب نیست. (مسأله ۱۴۲)

آیهٔ اللّه مکارم: ولی از عمره مفرده (اگر در ماههای حج واقع شده باشد) به عمره تمتّع جایز است ولی این در مورد حج مستحبّی است.

(۳). آیهٔ اللّه تبریزی: چنانکه بعد از انجام عمره مفرده تا وقت حج در مکّه باقی ماند، می‌تواند عمره مفرده‌ای‌را که انجام داده عمره تمتّع قرار دهد و برای حجّ محرم شود.

آیهٔ اللّه خویی: اگر کسی در ماههای حج عمره مفرده انجام دهد و اتّفاقاً در مکه تا موسم حج بماند می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد. (مناسک، مسأله ۱۴۲).

آیهٔ اللّه سیستانی: ولی اگر در مکه تا روز هشتم ذی‌حجه بماند و قصد حج کند عمره مفرده او عمره تمتّع به حساب می‌آید.

آیهٔاللّه صافی، آیهٔاللّه گلپایگانی: عمره مفرده او باطل است، بلی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می‌شود و صحیح است.

آیهٔاللّه فاضل: عمره مفرده او مبدّل به عمره تمتّع شده و کافی است.

آیهٔ اللّه مکارم: می‌تواند عمره مفرده انجام دهد و می‌تواند عدول به تمتع کند، اگر در ماههای حج باشد.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۱

اشتباه در تطبیق بوده تمتع و صحیح است.

احرام برای عمره تمتّع با احتمال خروج از مکه

۳۱۱- شخصی به علّت مأموریت شغلی ممکن است از مکّه خارج شود؛ مثلًا به مدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت

احرام در میقات، می‌تواند به نیت عمره تمتّع محرم شود؟

عدم صحت تجدید احرام

۳۱۲- بعـد از تحقق احرام، تجدیـد آن و نیز عدول، موضوع ندارد؛ و کسـی نمی‌تواند بعد از تحقق احرام، برای نوع دیگرِ عمره نیت کنـد؛ مثلًا بعـد از احرام برای عمره مفرده، بخواهـد مجدّداً برای عمره تمتّع نیّت کرده و تلبیه بگویـد که در این صورت، احرام دوم باطل است.

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: مانعی ندارد.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت نماید، واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: می‌تواند نیت عمره تمتع کند.

آیـهٔاللَّه سیستانی: می‌تواند بلکه اگر قصد خروج ندارد باید نیّت تمتّع کند و خارج شدن برای کاری، هر چند غیر ضـروری، اشـکال ندارد در صورتی که مطمئن باشد حج را درک می‌کند.

آیهٔ اللَّه صافی: بلی می‌تواند، واللَّه العالم.

آیـهٔ اللَّه فاضل: بلی می‌توانـد و خروج از مکه در صورتی که اطمینان به رسیدن برای اعمال حـج را دارد فی نفسه مانعی ندارد ولی باید احکام خروج از مکه در مورد بطلان عمره سابق را رعایت کند.

آیـهٔاللَّه مکارم: می‌تواننـد برای عمره تمتع احرام ببندنـد حتی در صورتی که یقین داشـته باشـند که به خاطر الزامهای شـغلی، بعـد از پایان عمره تمتع از مکه خارج می‌شوند، مشروط بر این که برای انجام حج به موقع برگردند.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: با فرض این‌که هر دو عمره در ماه حج و از شخص واحد باشد فقط تمتع واقع می‌شود.

آیـهٔ اللَّه مکارم: ولی می‌توانـد نیّت عمره خود را به عمره تمتّع برگردانـد به شـرط این‌که عمره مفرده به نـذر و مانند آن بر او واجب نشده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۲

قصد احرام و قصد ابطال حج

۳۱۳- هنگـام احرام، قصـد احرام لازم نیست؛ و احرام امر قصـدی نیست، بلکه اگر کسـی به‌قصـد حـج یا عمره، تلبیه بگویـد، محرم می‌شود هرچند قصد احرام نکند.

۳۱۴- قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزای آن، مبطل نیست.

وجوب اخلاص در عمره و حج

۳۱۵- عمره و حج از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند متعال انجام شوند.

حکم ابطال عمره و حج به وسیله ریا

۳۱۶- اگر کسی عمره را به ریا یا غیر آن، باطل کند، احتیاط واجب آن است که حج افراد به‌جا آورد و پس از آن، عمره مفرده به‌جا آورد و در سال دیگر، حج را اعاده کند؛ و همچنین اگر حج را به نیت خالص به‌جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

۳۱۷- اگر کسی بعضی از ارکان عمره یا حج را به ریا و غیر آن، باطل کند و نتواند آن را جبران

(۱). آیات عظام بهجت، گلپایگانی، مکارم: لازم است و تفصیل این مسأله در ذیل بحث نیت در واجبات‌احرام گذشت.
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: همین که به قصد عمره و یا حج تمتع تلبیه واجب را گفت، محرم می‌شود و قصد احرام، همین است.
(۲). آیهٔ اللَّه نوری: قصد احرام به این است که قصد احرام حج یا عمره کند و لازم است که احرام را به این قصد انجام دهد.
(۳). آیهٔ اللَّه نوری: و همچنین احرام.
(۴). آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.
(۵). آیهٔ اللَّه نوری: و باید نیّت آن را داشته باشد که بعد از عمره تمتّع حج تمتّع را انجام بدهد.
(۶). آیهٔ اللَّه فاضل: و جبران آن ممکن نشود و وقت نباشد.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: به وظیفه‌ای که بعداً برای باطل کننده عمره یا حج خواهد آمد عمل نماید.
(۷). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر وقت تنگ باشد و نتواند پیش از حج اعاده و یا جبران کند، حج او افراد می‌شود و عمره‌مفرده پس از حج به‌جا می‌آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. (مناسک‌شیخ، ص ۱۶ و ۵۶).
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر عمره را باطل کند، در صورت امکان واجب است اعاده آن و اگر ممکن نبود حجش باطل می‌شود و باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۳

کند، در عمره، حکم بطلان عمره را دارد و در حج، حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی باشد و جبران کرد، عملش صحیح است، گرچه معصیت کار است.

شک در نیّت احرام بعد از گفتن تلبیه

۳۱۸- اگر بعد از تلبیه در میقات، شک کند که نیت عمره تمتع کرده یا حج، بنا بر عمره تمتع بگذارد و عمره او صحیح است؛ و همچنین اگر بعد از تلبیه در روز هشتم، فراموش کند که برای حج تلبیه گفته یا عمره، بنا بگذارد که برای حج گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

۳- تلبیه

اشاره

۳۱۹- سومین واجب احرام، تلبیه است؛ و صورت آن- بنابر اصحّ- این عبارت است:
«لَبَّیْکَ، اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».
و اگر به عبارت ذکر شده اکتفا کند، محرم می‌شود، و احتیاط مستحب آن است که پس از چهار لبیک ذکر شده، این عبارت را بگوید:
«انَ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

---

(۱). آیهٔاللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه خویی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یاوقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.
(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط واجب این است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: لبیک پنجم جایز است ولی جزو این احتیاط استحبابی نیست.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: صورت تلبیه واجب، که به‌وسیله آن احرام واقع می‌شود این است: «لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیکَ لَبَّیکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ» و احتیاط در این است این جمله اضافه شود: «انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَهَ لَکَ وَ الْمُلکَ لا شَرِیکَ لَکَ». آیهٔ اللَّه صافی: و بهتر اضافه یک لبیک دیگر بعد از لا شریک لک است. (مناسک فارسی ص ۳۸ عربی ص ۵۲)
آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب است که بگوید ...: امّا لبّیک پنجم را نگوید ولی اگر به قصد رجا بگوید، ضرری به احرام او نمی‌زند.
(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: وجوب کسر همزه انّ متّجه است. (مناسک، ص ۷۴).
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۴
و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:
«لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیکَ لَبَّیْکَ انَّ الْحَمْدَ و النِّعْمَهَ لَکَ وَالْمُلْکَ لا شَرِیْکَ لَکَ لَبَّیْکَ».
و مستحب است بعد از آن بگوید:
«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعیاً إلی دارِ السَّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوب لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَهِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الجَلالِ وَ الْاکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغنِیْ و یُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشَّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ».
و این جملات را نیز بگوید خوب است:
«لَبَّیْکَ، أتَقَرَّبُ إلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ بِحَجَّهٍ و عُمْرَهٍ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ وَ هذِهِ عُمْرَهُ مُتْعَهٍ إلیَ الْحَجِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَهِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَلْبِیَهً تَمامُها وَ بَلاغُها عَلَیْکَ».

ترجمه تلبیه

۳۲۰- ترجمه تلبیه- لَبَّیکَ، اللَّهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ- چنین است: «اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را».
در مواردی که باید ترجمه گفته شود، اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید، کفایت می‌کند

وجوب صحیح گفتن تلبیه

۳۲۱- صحیح گفتن به مقدار واجب از تلبیه- مانند صحیح گفتن تکبیرهٔ الاحرام در نماز- واجب است.

---

(۱). آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اوّل بگوید.

(۲). آیهٔ اللّه نوری: با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم دعوت تو را، خدایا! با کمال میل و شوق اجابت‌می‌کنم، اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و شوق، شریکی نیست مرتو را، با کمال میل و شوق اجابت می‌کنم، اجابت می‌کنم تو را.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۵

حکم عاجز

۳۲۲- اگر کسی تلبیه را به مقدار واجب نداند، باید آن را یاد بگیرد، یا کسی به او تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به‌طور صحیح بگوید.

۳۲۳- اگر نتواند تلبیه را یاد بگیرد، یا وقت یاد گرفتن نباشد، و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که هر طور که می‌تواند بگوید، و ترجمه‌اش را هم بگوید؛ و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.

نگفتن تلبیه با فراموشی یا جهل

۳۲۴- اگر کسی تلبیه را به خاطر فراموشی یا ندانستن حکم نگوید، واجب است در صورت امکان، به میقات بازگردد و لبیک بگوید؛ و اگر نتواند برگردد و داخل حرم نشده، همان جا بگوید؛ و اگر داخل حرم شده، واجب است برگردد به‌خارج حرم و لبیک بگوید؛ و اگر ممکن نیست، همان جا لبیک بگوید؛ و اگر بعد از گذشتنِ وقتِ جبران، یادش آمد، صحت عمل بعید نیست.

---

(۱). آیهٔ اللّه فاضل: و ظاهراً همین مقدار کافی است و احتیاط مستحب آن است که ترجمه را بگوید و نایب‌نیز بگیرد.

(۲). آیات عظام تبریزی، مکارم: احوط این است که نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه خویی: به ذیل مسأله ۲۳۶ مناسک محشای حج مراجعه شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر نتواند یاد بگیرد هرچند بر اثر تنگی وقت باشد و نتواند آن را با تلقین نیز صحیح ادا کند، به هر نحو که می‌تواند بگوید. و در این صورت احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّه سیستانی: کافی است به نحوی که می‌تواند بگوید، اگر عرفاً صدق تلبیه کند و اگر صدق نکند به احتیاط واجب، هم مرادف عربی و هم ترجمه آن را بگوید و نیز نایب بگیرد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر تلقین ممکن نشد به هر طوری که می‌تواند بخواند و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً، که از طرف او به‌طور صحیح بخواند. (مناسک فارسی، ص ۲۹).

آیهٔ اللّه نوری: نایب گرفتن لازم نیست.

(۳). آیات عظام اراکی، خامنه‌ای، فاضل: احرام ببندد و لبّیک بگوید.

آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب به مقداری که ممکن است به طرف میقات برگردد و محرم شود.

(۴). تفصیل این مسأله در ذیل مسأله ۲۶۲ گذشت.

(۵). آیة اللَّه بهجت: محل تأمّل است. (مناسک شیخ، ص ۱۲).

چون نظر آیات عظام این است که کسی که تلبیه را ترک نماید محرم نمی‌شود لذا تفصیل این مسأله را باید در ذیل مسأله ۲۳۶ و ۲۶۲ (در مناسک محشای حج) جستجو کرد.

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست.

آیة اللَّه سیستانی: اگر در عمره باشد صحت عمل مورد اشکال است.

آیة اللَّه فاضل: اگر بعد از اعمال حج یادش آمد حج او صحیح است. ولی اگر بعد از عمره تمتّع یا عمره مفرده یادش آمد عمره باطل است، و در عمره تمتّع اگر فرصت دارد و امکان جبران دارد باید به میقات ولو به ادنی‌الحل برگردد و جبران کند و اگر امکان جبران نبود حج افراد انجام دهد، و در این صورت کفایت از حَجّةالاسلام می‌کند.

آیة اللَّه مکارم: اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۶

وظیفه لال در تلبیه

۳۲۵- اخرس (لال)، باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

کسی که لکنت زبان دارد

۳۲۶- کسی که لکنت زبان دارد، اگر نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید، ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید.

---

(۱). آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: اگر چه به گفتن ترجمه آن باشد و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف اوبه‌طور صحیح بگوید.

(۲). آیة اللَّه بهجت: شخص گنگ و لال با انگشت خود همراه با نیت قلبی به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و اگر ممکن نباشد که این کار را خودش انجام دهد نایب بگیرد که به‌جای او تلبیه بگوید. (مناسک، مسأله ۱۸۰).

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل، مکارم: بهتر است نایب هم بگیرد.

آیةاللَّه خامنه‌ای: احوط آن است که نایب هم بگیرد.

آیة اللَّه سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده است و الفاظ تلبیه را می‌داند، به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

(۳). آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: ترجمه‌اش را بگوید و نایب هم بگیرد رجاءً که از طرف او به‌طورصحیح تلبیه را بگوید.

(۴). آیة اللّه تبریزی و آیة اللّه فاضل: و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.
آیة اللّه بهجت: به ذیل مساله ۳۲۳ مراجعه شود.
آیة اللّه خامنه‌ای، آیة اللّه مکارم: احوط این است که در این صورت نایب هم بگیرد.
آیـةاللّه خویی: می‌توانـد به ملحون اکتفـا کنـد، گرچه احوط جمع بین ترجمه و اسـتنابه نیز هست. و نیز اخرس (گنـگ ولالـل) کافی است با اشاره تلبیه بگوید، گرچه احوط استنابه نیز هست. (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۶۱ و مناسک، مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰).
آیة اللّه سیستانی: به ذیل ۳۲۳ مراجعه شود.
آیة اللّه گلپایگانی: و نایب هم بگیرد رجاءً.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۷

غلط گفتن تلبیه

۳۲۷- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، چنانچه از روی عمد بوده، حج او صحیح نیست؛ و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، صحت عمل بعید نیست.

علم به غلط بودن تلبیه هنگام اعمال حج

۳۲۸- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج، بفهمد که صحیحاً محرم نشده است، با فرض این‌که بعد از وقت جبران متوجه شده، صحت عمل بعید نیست، ولی احتیاط واجب، عدم اکتفا به این حج است.

---

(۱). آیـةاللّه فاضل: با توجه به این که عالم به حکم بوده، اگر نسـبت به موضوع جاهل بوده؛ یعنی نمی‌دانسـته‌تلبیه را غلط می‌گوید، حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد که حکم آن ذکر شده است.
(۲). آیة اللّه بهجت: به مسأله ۲۶۲ و ۳۲۴ و ۲۴۰ مراجعه شود.
برای اطلاع از نظر مراجع، به ذیل مسأله ۲۶۲ مراجعه شود.
آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه خویی: اگر در احرام عمره بوده، صحّت عمل او خالی از اشکال نیست و باید احتیاط کند.
آیـة اللّه سیسـتانی: اگر به مقـدار تمکن تلـبیه را گفته است و غلـط بودن آن به حـدی نبوده است که صـدق تلبیه نکنـد، چیزی بر او نیست. در غیر این صورت، اگر در احرام عمره باشد بنابر احتیاط واجب عمل باطل است و اگر در احرام حج باشد صحیح است.
(۳). آیة اللّه بهجت: به مسأله ۲۴۰ مراجعه شود.
آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه خویی: صحت عمل خالی از اشکال نیست و باید احتیاط نماید.
آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، گلپایگانی: این احتیاط استحبابی است.
آیـة اللّه سیسـتانی: اگر تلبیه را به مقـدار تمکن ادا کرده است و غلط بودن آن به اندازه‌ای نیست که صدق تلبیه نکند، عمل صـحیح است. در غیر این صورت، اگر تلبیه عمره را غلط گفته است عمل او بنابر احتیاط باطل است و اگر تلبیه احرام حج باشد همانجا تلبیه بگوید و عملش صحیح است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۸

عدم جواز تأخیر تلبیه

۳۲۹- تأخیر لبیک واجب از میقات، جایز نیست و در صورت تأخیر، باید به‌دستوری که در مسأله ۲۶۲ ذکر شد، عمل شود.

استحباب تکرار تلبیه

۳۳۰- تکرار تلبیه و زیاد گفتن آن هر قدر ممکن باشد، مستحب است؛ و برای هفتاد مرتبه گفتن، ثواب زیادی ذکر شده است؛ و جهت تکرار، گفتن «لَبَّیْکَ اللّهُمَّ لَبَّیْک» یا «لَبَّیْک» کافی است.

وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه

۳۳۱- وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه، چه حکمی دارد؟

زمان قطع تلبیه در حج

۳۳۲- کسی که برای عمره تمتع محرم شده، بنابر احتیاط واجب، باید وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود، لبیک را ترک کند؛ و مراد از خانه‌های مکه، خانه‌هایی است که در زمان انجام عمره، جزو مکه- ولو نقاط توسعه یافته- باشد؛ و نیز در احرام حج، احتیاط واجب آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

زمان و مکان قطع تلبیه در عمره مفرده

۲ / ۳۳۲- کسی که در مکه بوده و از حرم خارج و در ادنی‌الحل محرم شده، با مشاهده کعبه، تلبیه را قطع؛ و کسی که ابتداءً در خارج حرم بوده و محرم شده، با ورود به حرم، تلبیه را قطع می‌نماید.

---

(۱). آیهٔ اللَّه خویی: کسی که می‌خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی که یک میل با ذوالحلیفه به طرف مکّه فاصله دارد) تأخیر بیندازد و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می‌رود تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: به‌قصد رجاء.

(۳). آیهٔاللَّه بهجت: با نماز فرقی ندارد که وصول به سکون، جایز؛ و وقف به حرکت عمداً، تکلیفاً جایز نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: تلبیه باید نزد اهل لسان صحیح باشد.

آیات عظام: تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل و مکارم: مانعی ندارد بهتر رعایت است.

آیهٔ اللَّه نوری: احتیاط واجب در مراعات است.

(۴). آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، فاضل، مکارم: واجب است.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه مراد خانه‌های قدیمی مکه است.

(۶). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، فاضل، مکارم: باید قطع نماید.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، متعرض این مسأله نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۶۹

فصل چهارم: مستحبات احرام

اشاره

۳۳۳- مستحبات احرام: ۱- پاکیزه نمودن بدن و گرفتن ناخن و شارب و ازاله موی زیر بغل و عانه.

۲- رها کردن موی سر و ریش برای قاصد حج، از اول ماه ذی‌قعده و برای قاصد عمره مفرده، پیش از یک ماه.

غسل احرام

۳- غسل احرام در میقات. غسل احرام از زن حایض و نفساء نیز صحیح است.

تقدیم غسل احرام و اعاده آن

تقدیم این غسل به‌خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است؛ و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد، اعاده مستحب است.

بعد از غسل احرام، اگر لباسی بپوشد، یا چیزی که بر محرم حرام است، بخورد، باز هم اعاده مستحب است.

مقدار زمان کفایت غسل احرام

اگر غسل در روز انجام شود، تا آخر شب آینده، کفایت می‌کند؛ و همچنین اگر در شب انجام

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: پاره‌ای از مستحبّات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است، پس باید رعایت آن‌ها به قصد رجا باشد نه ورود.

آیهٔ اللّه مکارم: این امور و امور مربوط به ترک مکروهات را به‌قصد رجا به‌جا می‌آورد.

(۲). آیهٔ اللّه مکارم: و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده‌اند و این قول گرچه ضعیف است احوط است.

(۳). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مستحب مؤکّد است که پیش از احرام غسل کند، بلکه احتیاط آن است که ترک نشود.

(۴). آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و کسی که به خاطر عذر تمکّن از غسل ندارد، رجاءً بدل از غسل تیمّم نماید. (آداب و احکام حج، ص ۴۱۰).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۰

شود، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام، محدث به حدث اصغر شود، غسل را اعاده نماید. ۴-

بودن دو جامه احرام از پنبه.

مراتب استحباب زمان احرام

۵- بستن احرام به ترتیب ذیل:

در صورت تمکن، بعد از فریضه ظهر؛

و در صورت عـدم تمکن، بعـد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شـش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمـد، سوره توحیـد، و در رکعت دوم، سوره جحد را بخواند؛ و شـش رکعت، افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَانِّی عَبْدُکَ، وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اوْقی إلَّا ما وَقیتَ، وَ لا آخُذُ إلَّا ما أعْطَیْتَ، وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَتُقَوِّیَنِی عَلی ما ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. أللَّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ، وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. أللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَ عُمْرَتِی. أللَّهُمَّ إنّی اریْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لِی عارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَخَلِّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ. أللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَ الطِّیبِ، أبْتَغِی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدارَ الْآخِرَةَ».

۶- خواندن این دعا هنگام پوشیدن دو جامه:

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در انتقاض غسل سابق به غیر نوم، تأمّل است و اظهر در نوم، عدم انتقاض است، و آن‌که اعاده، شبیه به مستحب در مستحب است. (مناسک شیخ، ص ۶).

(۲). آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و بهتر آن است که در پارچه سفید محرم شود و نیّت احرام و نیّت پوشیدن جامه احرام بلکه نیّت کندن لباس دوخته را نیز بر زبان آورد.

(۳). آیات عظام بهجت، فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه ادا، بعد از فریضه قضا محرم شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۱

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اواری بِهِ عَوْرَتی، وَ اؤَدِّی فِیْهِ فَرْضِی، وَ أعْبُدُ فِیْهِ رَبِّی، وَ أنْتَهی فِیْهِ إلی ما أمَرَنی، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَ أرَدْتُهُ فَأعانَنِی وَ قَبِلَنِی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلاذِی وَ رَجائِی وَ مَنْجایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

موارد استحباب تکرار تلبیه

۷- تکرار تلبیه‌ها در حال احرام؛ خصوصاً در:

وقت برخاستن از خواب؛

بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

وقت رسیدن به سواره؛

هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن؛

وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

آخر شب و اوقات سحر.

تکرار تلبیه در موارد ذکر شده در عمره تمتّع تا دیدن خانه‌های مکه و در حج تا ظهر روز عرفه، است.

مکروهات احرام

۳۳۴- مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل، احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

۳- احرام بستن در جامه چرکین؛ و اگر جامه در حال احرام چرک شود، بهتر ترک شستن آن در حال احرام است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: و همچنین بر مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثنا شده است.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: بر بالش سیاه رنگ.

(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: ولی می‌تواند آن‌ها را تبدیل به احرامی تمیز کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۲

۴- احرام بستن در جامه راه راه. ۵- استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن، و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: اظهر جواز استعمال حنا است قبل از احرام، هرگاه اثر آن باقی بماند تا حال احرام. (مناسک شیخ، ص ۸).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با قصد زینت خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا و رنگ‌های امروز نیست.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: اولی بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

آیهٔ اللَّه مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه و مثل آن نمالد.

(۴). آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین ساییدن صورت، چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود و همچنین کشتی گرفتن.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه احوط ترک آن است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۳

فصل پنجم: محرّمات احرام

میزان ثبوت کفّاره در محرّمات احرام

۳۳۵- کسی که با جهل، یا نسیان حکم یا موضوع و یا غفلت، محرّمات احرام را مرتکب شود، کفّاره بر او واجب نمی‌شود، مگر صید که در هر صورت کفّاره دارد؛ پس در غیر صید، ارتکاب عمدیِ محرّمات کفّاره دار، موجب ثبوت کفّاره است.

۱- محرّمات مشترک بین مردان و زنان

۱- شکار

اشاره

اول- شکار صحراییِ وحشی، مگر در صورت ترس از آزار آن.

۳۳۶- خوردن گوشت شکار، بر محرم حرام است؛ چه خودش آن را شکار کند یا غیر او، و چه محرم شکار کند یا غیر محرم. ۳۳۷- نشان دادن شکار به شکارچی، و همین طور کمک به او به هر نحوی، حرام است.

۳۳۸- اگر مُحرمی صید را ذبح کند- بنابر مشهور- در حکم میته است؛ و بنابر احتیاط واجب هم این حکم هم در باره محرم و هم مُحِل جاری است.

---

(۱). تذکر: در برخی موارد دیگر از قبیل مقاربت با فراموشی طواف فریضه یا سعی، و دست بر ریش کشیدن و روغن مالی با جهل، مطابق برخی فتاوی کفاره ذکر شده است که در جای خود بدان اشاره شده است.

(۲). آیهٔ اللَّه سیستانی: شکار و کشتن حیوانات مگر مواردی که در مناسک استثناء شده است.

(۳). آیهٔ اللَّه سیستانی: حتی اگر غیر محرم آن را در غیر حرم شکار کرده باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: خواه قبل از احرام خودش شکار کرده باشد یا نه.

(۴). آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: میته است.

آیهٔ اللَّه فاضل: ایشان بین ذبح و شکار با تیر تفضیل دارند به مناسک مراجعه شود.

(۵). آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: بنابر فتوی

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر محرم در بیرون حرم صید را با شکار کردن یا پس از آن کشته باشد، بنابر احتیاط خوردن آن گوشت بر مُحلّ نیز حرام است و همچنین حرام است بر مُحل صیدی که آن را محل یا محرم در حرم شکار یا ذبح کرده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۴

۳۳۹- شکار دریایی مانع ندارد؛ و آن، حیوانی است که هم تخم و هم جوجه را در دریا کند. ۳۴۰- ذبح و خوردن حیوانات اهلی- مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر- مانع ندارد.

۳۴۱- پرندگان و ملخ، جزو شکار صحرایی می‌باشند.

حکم ملخ و کفاره آن

۳۴۲- گاهی در شهر مکه به قدری ملخ زیاد است که هنگام راه رفتن، پا روی آنها گذاشته می‌شود، در این‌گونه مواقع، آیا مواظبت

لازم است، و در صورت لزوم اگر مراقبت نکند و ملخی کشته شود، کفاره آن چیست؟ ۳۴۳- کشتن زنبور اگر قصد اذیت نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

---

(۱). آیهٔ اللّه نوری: و در آن هم زندگی کند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، گلپایگانی: حیوان دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند. آیهٔ اللّه فاضل: به نظر عرف. آیهٔ اللّه مکارم: و زندگی در دریا کند بنابر احتیاط واجب.

(۲). حکم کفاره با فرض مواظبت:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، مکارم: چنانچه نتواند خود داری کند چیزی بر او نیست.

حکم کفاره با فرض عدم مواظبت:

آیهٔ اللّه بهجت: بنابر احتیاط اگر ملخ کم کشته شده باشد، کفی از طعام و اگر زیاد باشد گوسفند بپردازد.

آیهٔ اللّه صافی: برای هر ملخ یک عدد خرما یا یک کم طعام و اگر زیاد باشد، یک گوسفند بپردازد؛ آیهٔ اللّه نوری: همین نظر با حذف یک عدد خرما.

آیهٔ اللّه مکارم: کفاره بنابر احتیاط یک کف طعام است.

(۳). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفّاره دارد و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفّاره ندارد. (مناسک، م ۲۱۲)

آیهٔ اللّه فاضل: زنبور عسل باشد یا زنبورهای دیگر.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: در این صورت نباید بکشد.

آیات عظام خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: متعرض حکم مسأله نشده‌اند.

آیهٔاللّه سیستانی: نظر ایشان قبل از مسأله ۳۳۶ آمده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۵

۳۴۴- کشتن مارمولک واز این‌قبیل جانوران، از محرّمات احرام محسوب نمی‌شود. ۳۴۵- نگاه داشتن صید حتی بر مالک آن، حرام است. ۳۴۶- پرنده‌ای که نزد کسی است و پَر در نیاورده، یا پر او را چیده‌اند، حفظ آن تا زمان درآوردن پر و رها نمودن آن، واجب است؛ بلکه وجوب حفظ بچه صید- مثل آهو بره- نیز تا بزرگ شدن و رها کردن، بعید نیست.

۳۴۷- هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

۲- مسائل زناشویی

اشاره

دوم- جماع و تقبیل و دست زدن با شهوت و نگاه به شهوت، بلکه هر گونه لذت و تمتّعی بردن.

---

(۱). آیهٔ الله بهجت: اشکال دارد.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: جایز نیست مگر او را اذیت کند (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۱)، کشتن یک نوع مارمولک (عظایهٔ) کفاره آن یک مشت طعام است

آیهٔ الله سیستانی: حرام است. مراجعه شود به حاشیه قبل از مسأله ۳۳۶

آیهٔ الله صافی: اگر اذیت کند، از محرمات محسوب نیست

آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند

آیهٔ الله مکارم: کشتن هیچ حیوانی جایز نیست بنابر احتیاط واجب مگر حیوانات موذی.

(۲). آیهٔ الله فاضل: اگر قبل از احرام با خود آورده باشد باید آن را رها کند و با خود نگاه ندارد

آیهٔ الله سیستانی: چه خودش آن را شکار کرده باشد، پیش از احرام یا بعد از آن، و چه دیگری شکار کرده باشد و چه شکار در حرم صورت گرفته باشد، چه در بیرون آن، اگر با خود همراه داشته باشد (مناسک، مسألهٔ ۲۰۱)

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: اگر صید را با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون می‌رود و باید آنرا رها کند.

(۳). آیهٔ الله خویی، آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

(۴). آیهٔ الله بهجت: در موردی که دلیل خاص نباشد واجب نیست.

(۵). آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۶). آیهٔ الله سیستانی: بعید نیست حرمت برداشتن، شکستن و خوردن تخم آن‌ها برمحرم، و به احتیاط واجب نباید دیگری را در این امر کمک کند.

(۷). آیهٔ الله سیستانی: و همچنین بلند کردن یا در آغوش گرفتن با شهوت.

(۸). آیهٔ الله بهجت: قید بودن شهوت برای نظر به اهل، مسلم است (مناسک شیخ، ص ۸۶)

آیهٔ الله سیستانی: در صورتی که نگاه کردن به همسر از روی شهوت موجب خروج منی شود، لازم است از آن پرهیز کند و احتیاط مستحب آن است که اگر موجب خروج منی هم نشود پرهیز کند.

(۹). آیهٔ الله نوری: از زن

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله گلپایگانی: محرم می‌تواند به غیر از جماع و بوسیدن و لمس و نگاه به شهوت و ملاعبه، از عیال خود لذت برد بنابر اظهر (مانند التذاذ از صدا و یا سخن گفتن با او) گرچه احوط ترک استمتاع است مطلقا (مناسک، مسأله ۲۳۱)

آیهٔ الله سیستانی: محرم می‌تواند از همنشینی و صحبت و مانند آن با عیال خود لذت ببرد ولی احتیاط مستحب تر استمتاع است مطلقا

آیهٔ الله صافی، آیهٔالله گلپایگانی: برای زنان، همین حکم نسبت به مردان صادق است اگر چه از محارم زن باشند

آیهٔ الله خامنه ای: نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر اگر از روی شهوت و التذاذ جنسی نباشد جایز است

آیهٔ الله فاضل: مرد نسبت به زوجه خودش

آیهٔ الله مکارم: نگاه و لمس بدون قصد لذت مانعی نداردو احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۶

وقوع در عمره تمتّع

۳۴۸- اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد، با زن، چه در قُبُل وچه در دُبر، یا با مرد، جماع کند، ظاهراً عمره‌اش باطل نمی‌شود ولی موجب کفّاره است؛ و احتیاط آن است که

---

(۱). آیهٔ الله بهجت: عمره اش باطل است لکن باید عمره را اتمام کند و دوباره اعاده کند و بعد حج تمتع به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد حج او مبدل به افراد می‌شود و باید بعد از حج، عمره مفرده به جاآورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. (مناسک،

مسأله ۲۲۰)

آیهٔ الله خویی: ایشان متعرض جماع با مرد نشده اند

آیهٔ الله سیستانی: اگر بعد از تمام شدن سعی باشد و همچنین در عمره مفرده

آیهٔ الله فاضل: حرمت نفسی و ذاتی و طی با مرد گرچه خیلی شدید و موجب حد است لیکن ارتباط آن با احرام محل اشکال است.

(۲). آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید احتیاطا آن را تمام کند و بعد از تمام کردن عمره پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید و یک شتر کفاره بر او واجب است و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد آن عمره فاسده را قطع کند و اعاده نماید و اگر نتواند به واسطه تنگی وقت آن را پیش از حج اعاده کند حج او افراد می‌شود و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد، ولی باید به همان احرام عمره باقی بماند و احتیاطا به یکی از مواقیت خارج مکه برود و تجدید نیت جهت حج افراد بنماید و احوط اعاده حج است در سال آینده.

(۳). آیهٔ الله فاضل: بنابر احتیاط واجب موجب کفاره است

آیهٔ الله مکارم: کفاره آن بنابر احتیاط یک شتر است.

(۴). آیهٔ الله مکارم: احتیاط مستحب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۷

اگر این عمل پیش از سعی واقع شد، عمره را اتمام و اعاده کند؛ و اگر وقت تنگ است، حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد؛ و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند. ۳۴۹- اگر این عمل با علم و عمد در عمره تمتع بعد از سعی انجام شود، کفّاره واجب است؛ و آن بنابراحتیاط واجب، چه ثروتمند باشد یا نه، یک شتر است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر اظهر عمره‌اش باطل نمی‌شود ولی احتیاط این است که عمره را پیش از حج درصورت امکان اعاده نماید و در صورت عدم امکان در سال بعد، حج را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط واجب‌این‌است که عمره‌اش را تمام کند و پس از آن حج به جا آورد و در سال آینده هر دو را دوباره به جا آورد و اگر در عمره مفرده باشد نیز عمره‌اش باطل است و واجب است در مکّه بماند تا ماه دیگر قمری و برود ازیکی از مواقیت‌پنجگانه محرم‌شود وعمره رااعاده کند و به احتیاط واجب احرام از خارج حرم کافی نیست. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: از اینجا تا آخر در مناسک ایشان نیست بلکه بجای آن آمده است: «و در صورت عدم امکان سال دیگر حج را اعاده نماید». (مناسک، مسأله ۲۲۰).

(۳). آیهٔ اللَّه مکارم: اگر وقت تنگ است عمره را اعاده نکند و حج تمتع را ادامه دهد.

(۴). آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً عمره باطل نمی‌شود، لذا اگر وقت تنگ است حجّ تمتّع را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که سال بعد حج را اعاده کند. و اگر این عمل در عمره مفرده قبل از سعی واقع شده باید این عمره را تمام کند و یک شتر کفّاره بدهد و در ماه بعد نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد. (اگر چه اصل آن مستحب بوده) و محلّ احرام عمره دوّم در صورتی که در عمره اوّل از یکی از مواقیت معروفه محرم شده همانجاست و الّا از ادنی‌الحلّ است. همانطور که در صورت عدم تمکّن از رفتن به مواقیت می‌تواند از ادنی‌الحلّ محرم شود.

(۵). آیات عظام فاضل، نوری: عمره او صحیح است.

(۶). آیات عظام خویی، نوری: بنابر احتیاط واجب یک شتر است برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، و یک گاو است اگر متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند، و یک گوسفند است اگر مُعْسِر باشد و نتواند گاو تهیه کند.

آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کفّاره‌اش یک شتر است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش یک گوسفند است و بنابر احتیاط یک شتر ویا یک گاو. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک شتر و یا یک گاو است. (مناسک، مسأله ۲۲۰).

آیهٔ اللَّه صافی: کفّاره آن اگر متمکّن است یک شتر و إلّایک گاو است.

آیهٔ اللَّه فاضل: کفّاره‌اش یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگرچه بهتر آن است که شتر را کفّاره دهد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و کفاره او اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند، و در متوسط الحال یک گاو است، و اظهر تخییر بین سه چیز است مطلقاً.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۸

وقوع در احرام حج قبل از مشعر

۳۵۰- ارتکاب این عمل با علم و عمد، در احرام حج قبل از وقوف عرفات، مسلّماًموجب فساد حج است؛ و بعد از وقوف عرفات و قبل از وقوف مشعر، بنابراقوی موجب فساد است و در هر دو صورت، یک شتر کفاره دارد. ۳۵۱- در این دو صورت که حج فاسد شده است، اتمام و اعاده آن در سال دیگر، لازم است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه نوری: و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و همچنین درسال بعد، در صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک.

آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً حج او در هر دو صورت صحیح است ولی باید یک شتر و در صورت عجز یک گاو کفّاره بدهد و باید زن و شوهر با هم خلوت نکنند تا اعمال مناسک خود را تمام کنند و سال بعد باید حج تمتّع به عنوان عقوبت انجام دهند. و همچنین در سال بعددر صورتی که از همان راه قبلی قصد حج کنند، پس از رسیدن به محلّ معصیت باید از هم جدا شوند تا اتمام مناسک. و زن هم اگر در احرام بوده و به عمل راضی شده همین حکم را دارد و اگر مجبور شده کفّاره‌اش به عهده شوهر است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در این صورت حج او فاسد است علی الأشهر.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر این عمل قبل از وقوف در مزدلفه صورت گرفته باشد، باید حج در سال آینده اعاده شود. (و آیهٔ اللَّه سیستانی اضافه می‌فرماید: چه حج واجب باشد چه مستحب).

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: کفاره این عمل در صورت تمکّن یک شتر و در صورت عجز یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند می‌باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در صورت تمکن، یک شتر و در صورت عجز، یک گوسفند، کفّاره بدهد.

(۴). آیات عظام در مناسک خود، اضافه بر کلام حضرت امام قدس سره متعرّض تفریق و جدایی بین زن و شوهر درحجّ امسال و سال آینده شده‌اند.

آیهٔ اللَّه فاضل: گذشت که حج فاسد نشده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۷۹

فساد حج و نحوه خروج از احرام

۳۵۲- جماع در عمره تمتع مفسد نیست ولی کسی که حج خود را با جماع فاسد نموده، با اتمام حج فاسد شده از احرام خارج می‌شود؛ و گرنه در احرام باقی می‌ماند؛ اما کسی که حج او به سبب ترک وقوفین فاسد شده، باید با همان احرام حج، عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود؛ و اگر بدون انجام عمره به محل خود بازگشته، در احرام باقی است و برای خروج از احرام، باید عمره مفرده انجام دهد.

وقوع بعد از وقوف مشعر

۳۵۳- اگر این عمل، بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شود، دو صورت دارد: اول: واقع شدن قبل از گذشتن از نصفِ طواف نساء که در این صورت، حج صحیح است و

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: به حاشیه مسأله ۳۴۸ مراجعه شود.
آیهٔ اللَّه تبریزی: نزدیکی با زن در عمره تمتع بنابر اظهر مُفسد عمره نیست، ولی موجب کفّاره می‌شود، اگرچه احتیاط در اعاده عمره است در صورت امکان و اعاده حج در سال آینده اگر اعاده عمره ممکن نباشد.
آیهٔ اللَّه مکارم: هرچند عمداً باشد و اگر از روی سهو و یا غفلت و فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نه حج باطل می‌شود و نه عمره و نه کفّاره دارد.
(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر حج خود را باطل کند احرامش باطل می‌شود.
آیهٔاللَّه مکارم: یادر بعضی‌از مواردکه وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند.
(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی: آنچه در متن آمده بنابر احتیاط واجب ترک نشود.
آیهٔ اللَّه سیستانی: طواف و سعی حج بجای عمره او کافی است پس باید تقصیر کند و طواف نساء انجام دهد و اگر رفتن برای او مشکل است نایب بگیرد.
آیهٔ اللَّه مکارم: و اگر شخصاً نمی‌تواند به مکه برود نایب بگیرد.
(۴). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بعد از وقوف به مشعرالحرام و قبل از اتمام طواف نساء، اگر آمیزش جنسی انجام شود حج صحیح است و فقط باید کفّاره بدهد.
(۵). آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر این عمل پیش از طواف نساء و یا قبل از تمام شدن‌شوط پنجم باشد، حج او صحیح است ولی باید کفّاره بدهد.
آیهٔ اللَّه بهجت: اگر این عمل در دور سوم طواف نساء باشد و همچنین اگر در دور چهارم باشد، بنابر احتیاط و اگر بعد از دور پنجم طواف نساء بوده کفّاره نیز ندارد علی الأظهر الأشهر اگرچه احوط کفّاره است. (مناسک شیخ، ص ۱۶ و ۹۳)
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر این عمل قبل از طواف نساء و یا قبل از اتمام شوط چهارم طواف نساء باشد، حجش صحیح و کفّاره دارد و اگر بعد از آن باشد کفّاره هم ندارد. (مناسک، مسأله ۲۲۲).
آیهٔ اللَّه فاضل: اگر قبل از تمام شدن شوط سوّم باشد حج او صحیح و کفّاره دارد.
آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قبل از طواف نساء این عمل صورت گیرد، حجش صحیح ولی گناه کرده است و کفاره آن یک شتر است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۰

فقط باید کفّاره بدهد؛ دوم: بعد از اتمام نصف طواف نساء که حج، صحیح و بنابر اقوی کفّاره هم ندارد.

من یجب علیه الکفّارهٔ عند الإجبار

۳۵۴- اگر محرمی با زن محرمه خود، از روی اجبارْ جماع کند، بر زن چیزی نیست؛ و مرد باید علاوه بر کفاره خود، کفاره او را هم بدهد؛ و اگر زن هم راضی باشد، کفّاره بر خود اوست و مرد فقط باید کفاره خودش را بدهد.

حلّیة التذاذ الزوج بعد الخروج عن الإحرام

۳۵۵- شوهر پس از این که از احرام خارج شد، می‌تواند زوجه مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزند؛ و موجب ثبوت کفّاره بر مرد نمی‌شود؛ ولی اگر زن نیز لذت می‌برد-

---

(۱). آیة اللَّه نوری: بعد از تمام شدن شوط پنجم طواف نساء.
آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: بعد از تجاوز از ۵ شوط اگر مرتکب شود، حج او صحیح و کفّاره نیز ندارد، اگرچه احوط است.
(۲). آیة اللَّه نوری: علی الأظهر الاشهر، گرچه احوط کفّاره است.
نظر آیة اللَّه بهجت و آیة اللَّه مکارم در صورت اول گذشت.
آیة اللَّه تبریزی: بعد از شوط پنجم کفّاره ندارد.
آیة اللَّه فاضل: اگر این عمل بعد از تمام شدن شوط سوّم باشد کفّاره نیز ندارد.
(۳). آیةاللَّه‌سیستانی: اگر مرد زنش را مجبور به‌جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید کفاره او را نیز بدهد.
(۴). آیة اللَّه فاضل: و در این صورت ظاهراً حج او صحیح است، امّا باید مثل مرد سال بعد به عنوان عقوبت حج تمتّع انجام دهد.
(۵)- آیة اللَّه بهجت: اگر زن می‌داند که متلذذ می‌شود باید مانع شود و مرد بنابر احتیاط باید یک گوسفند کفّاره بدهد. (پرسش‌های جدید، س ۶۴ و)....
آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: هرگاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند بکشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷).
آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید مرد یک گوسفند کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۲۷).
آیة اللَّه فاضل: تحقق حرمت بر هیچ‌کدام ثابت نیست و کفّاره هم بر هیچ‌یک از آن‌ها لازم نیست.
آیة اللَّه گلپایگانی: متعرض مسأله نشده‌اند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۱
بنا بر احتیاط - نباید حاضر شود ولی اگر اختیار نداشته، چیزی بر او نیست.

نوع کفّاره در بقیّه موارد

۳۵۶- کفاره تقبیل زن از روی شهوت، یک شتر؛ و بدون شهوت، یک گوسفند است؛ و بنابر احتیاط مستحب، یک شتر است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص ۱۸۱
۳- در نگاه عمدی به غیر زن خود با انزال، بنابر احوط اگر می‌تواند، یک شتر؛ و اگر نمی‌تواند، یک گاو؛ و اگر آن را هم نمی‌تواند، یک گوسفند کفّاره بدهد.
۳۵۸- اگر محرم به زن خود با شهوت نگاه کند و انزالش شود، مشهور آن است که یک شتر

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر زن احتمال می‌دهد که متلذذ شود احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در این صورت تمکین زن حرام است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بل الاقوی. (آداب و احکام حج، م ۴۱۹).

آیهٔ اللَّه فاضل: حرمت در زن محل اشکال است هرچند لذت می‌برد.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

اگر در تقبیل همسر از روی شهوت منی خارج شود:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی و فاضل: کفاره آن یک شتر است.

اگر منی خارج نشود:

آیات عظام: بهجت، خویی: بنابر احوط یک شتر

آیات عظام: تبریزی، سیستانی و فاضل: یک گوسفند

تقبیل بدون شهوت:

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کفاره، یک گوسفند است؛ آیات عظام: بهجت، سیستانی و مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: یک شتر؛ آیهٔ اللَّه صافی و آیهٔ اللَّه نوری: بنابر احتیاط.

نظر سایر آیات عظام در مسایل بالا مطابق با متن است

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: بنحو حرام، و امّا اگر انزال نشود پس جز این‌که گناه کرده چیزی بر او نیست بنابر اظهر (مناسک شیخ ص ۱۷ و ۹۴).

(۴). آیات عظام تبریزی، خویی و فاضل: چه با شهوت باشد و چه بدون شهوت اگر انزال شود کفّاره‌اش یک شتر است در صورت دارا بودن و یک گاو است اگر متوسط باشد و یک گوسفند است اگر فقیر باشد. آیهٔ اللَّه سیستانی: همین نظر بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: باید یک شتر کفاره بدهد.

(۵). آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب یک شتر بدهد. و امّا اگر منی بیرون نیاید و یا بدون شهوت به اونگاه کرد و منی بیرون آمد، کفّاره واجب نیست. (مناسک، مسأله ۲۲۹).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۲

کفّاره بدهد؛ ولی اگر از روی شهوت نباشد، کفّاره ندارد.

۳۵۹- دست زدن به زن با شهوت و بدون انزال، یک گوسفند؛ و با انزال بنابر احتیاط، یک شتر، کفّاره دارد؛ اگرچه کفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

۳- عقد

سوم- عقد کردن زن برای خود یا برای دیگری چه محرم باشد یا محلّ.

۳۶۰- شاهد شدنِ محرم برای عقد، جایز نیست، اگرچه عقد برای غیر محرم باشد.

۳۶۱- شهادت بر عقد، اگرچه در حال احلال، شاهدِ آن عقد شده باشد، احتیاط در ترک آن است هرچند جایز بودن آن، خالی از قوت نیست.

(۱). آیـهٔ اللّه بهجت: ولی اگر از روی شـهوت نگاه کنـد و منی از او بیرون نیاید یا بدون شـهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید کفّاره ندارد. (مناسک، مسأله ۲۲۹).

آیهٔ اللّه تبریزی: و یا از روی شهوت باشد و انزال نشود...

(۲). لمس همسر با شهوت:

بدون انزال:

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی و فاضل: یک گوسفند کفاره دارد.

با انزال:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، صافی و گلپایگانی: یک شتر؛ آیهٔ اللّه سیستانی: و اگر نمی‌تواند یک گوسفند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کفاره ملاعبه منتهی به امناء در حال احرام، یک شتر است.

آیات عظام: فاضل، مکارم و نوری: بنابر احتیاط یک شتر.

سایر آیات عظام با متن موافق هستند.

(۳). آیات عظام مکارم، نوری: احتیاط واجب.

آیهٔاللّه بهجت: حاضرشدن درمجلس‌عقد وشاهد شدن بر آن، برمحرم‌حرام‌است. (مناسک، مسأله ۲۳۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: شاهد شدن بر عقد، بنابر قول مشهور، بر محرم حرام است و این قول موافق احتیاط است.

(۴). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: دلیلش ظاهر نیست.

آیهٔاللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش از احرام شاهد شده باشد.

آیهٔ اللّه فاضل: شهادت دادن به عقد در حال احرام جایز است، هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.

(۵). آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔاللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۳

۳۶۲- خواستگاری در حال احرام، بنابر اقوی جایز است و احتیاط در ترک است.

۳۶۳- رجوع به مطلقه رجعیّه، در حال احرام، مانع ندارد.

۳۶۴- اگر محرم زنی را بـا علم به حکم، برای خود عقـد کنـد، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود؛ واگر بـا جهل به حکم عقـد کنـد، عقدْ باطل است، ولی حرام دائمی نمی‌شود، هرچند احتیاط آن است که با آن زن ازدواج نکند؛ خصوصاً اگر با او نزدیکی هم کرده باشد.

۳۶۵- در احکام ذکر شده، ظاهراً فرقی بین عقد موقّت و دائمی نیست.

۳۶۶- اگر محلّ، محرمه‌ای را عقد کند، احتیاط آن است که با او نزدیکی نکند و او را طلاق داده و هیچ وقت با او ازدواج نکند.

۳۶۷- اگر کسی زنی را برای محرمی عقد کند، اگر هر سه عالم به حکم باشند، با فرض دخول، بر هر یک از آنها، یک شتر کفّاره است؛ و بـدون دخول، کفّاره نـدارد؛ و این حکم ثابت است چه زن و عاقـد، مُحِلّ باشـند یا محرم؛ ولی اگر بعضـی از آن‌ها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند، فقط بر آن‌که می‌داند، کفّاره است.

۴- استمناء

۳۶۸- چهارم- استمناء با دست یا غیر آن، هرچند به‌خیال، یا ملاعبه با شخصـی، یا حتی همسر خود، به‌هر نحو که باشد، در صورت

خروج منی، کفاره آن یک شتر است.

---

(۱). آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: بنابر احتیاط واجب محرم نباید خواستگاری نماید.
(۲). آیة اللَّه نوری: در صورت عدم دخول، و در صورت دخول حرام دائمی می‌شود.
آیة اللَّه بهجت: اگر جاهل بود حرام ابدی نمی‌شود، اگرچه دخول کند، بنابر اظهر و اشهر. (کتاب نکاح، ص ۴۸).
(۳). آیة اللَّه مکارم: این احتیاط مستحب است.
(۴). آیة اللَّه بهجت: احوط اتّحاد حکم مرد و زن است بلکه خالی از وجه نیست. (کتاب نکاح، ص ۴۸).
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل و گلپایگانی: در صورتی که زن محرم باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم به حکم بوده است موجب حرمت ابدی هم می‌شود. (آیة اللَّه سیستانی: حکم اخیر مبنی بر احتیاط است).
(۵). آیات عظام: بهجت، سیستانی: و عالم به موضوع.
(۶). آیة اللَّه خامنه‌ای: و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به حکم و عمد می‌باشد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۴

۵- استعمال بوی خوش

محرمات احرام

پنجم- استعمال عطریات؛ از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر، هر نوع که باشد.
۳۶۹- مالیدن عطر بر بدن و لباس، جایز نیست؛ و همین‌طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، اگرچه قبلًا به آن عطر مالیده شده باشد، جایز نیست.

خوردن غذای خوش‌بو و زعفران

۳۷۰- اگر در خوردنی، چیزهای خوش بو- مثل زعفران- باشد، خوردن آن جایز نیست.

اضطرار به معطّر و لزوم گرفتن بینی

۳۷۱- در صورت اضطرار به پوشیدن لباس، یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد، گرفتن بینی از بوی خوش آن، لازم است.
۳۷۲- اجتناب از گلها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد در حال احرام، لازم

---

(۱). آیة اللَّه بهجت: حرمت در غیر طیب مسلم‌الحرمه؛ مانند مشک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم‌نیست، بلکه جواز آن شمّاً و استعمالًا خالی از وجه نیست، اگرچه احتیاط در اجتناب عامه بوی خوش است.
آیةاللَّه‌تبریزی: این‌حکم در غیرزعفران و عود وعنبر ومشک وورس، مبنی بر احتیاط مستحب است.
آیة اللَّه خویی: احوط اجتناب از هر بوی خوشی غیر از این‌ها است.
آیة اللَّه سیستانی: بر محرم حرام است استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آن‌ها مورد استفاده

واقع می‌شود چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط، استعمال صابون و شامپوی معطر برای محرم جایز نیست.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: یا پراکندن در فضا به‌وسیله اسپری و مانند آن.

(۳). آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: بنابر احتیاط لازم.

(۴). آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که موجب عسر و حرج باشد.

(۵). آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط واجب از تمام گلها اجتناب کند.

آیهٔ‌اللَّه بهجت، تبریزی و خویی: به حاشیه قبل از مسأله ۳۶۹: پنجم: استعمال عطریات مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب، باید محرم از بوییدن هر چیز معطر اجتناب کند، هر چند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل‌ها و سبزیجات و میوه‌های خوشبو.

آیهٔ اللَّه سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می‌شود، چه از آن عطر گرفته شود و چه نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۵

است، مگر گیاهان صحرایی، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزامی».

۳۷۳- احتیاط در اجتناب از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آن، است، هرچند اقوی، حرام نبودن آن‌ها است.

میوه‌ها و سبزی‌های خوش بو

۳۷۴- از میوه‌های خوشبو- مانند سیب و بِه- اجتناب لازم نیست، و خوردن و بوییدن آنها، مانع ندارد، ولی احتیاط، در ترک بوییدن است.

۳۷۵- خوردن نعنا و سایر سبزیهای خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟

استفاده از صابون و شامپو

۳۷۶- اجتناب از صابون و شامپوهای بودار، با صدق بوی خوش، لازم است و گرنه مانعی ندارد.

گرفتن بینی از بوی بد

۳۷۷- گرفتن دماغ از بوی بد، بنابر اقوی حرام است؛ ولی شتاب برای دور شدن از آن مانعی ندارد.

۳۷۸- خرید و فروش عطریات، اشکال ندارد؛ ولی بو کردن و استعمال، جایز نیست.

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: حرمت شامل آن‌ها نیز می‌شود.

نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: اولی این است که از بوییدن آن‌ها هنگام خوردن خودداری شود.

آیات عظام خامنه‌ای، صافی، خویی، گلپایگانی و سیستانی: بنابر احتیاط واجب از بوییدن آن‌ها اجتناب کند.

(۳). آیات عظام: بهجت، تبریزی: جایز است؛ آیهٔ‌اللَّه سیستانی: ولی بنابر احتیاط واجب از بوییدن دوری کند.

آیات عظام: صافی، فاضل و مکارم: بنابر احتیاط واجب دوری شود.

آیهٔ اللّه نوری: جایز نیست.

(۴)- آیات عظام: بهجت، خویی، خامنه‌ای و سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست.

(۵)- آیهٔ اللّه مکارم: اگر مشکوک هم باشد مانعی ندارد.

(۶). آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب. (مناسک، مسأله ۲۴۱).

آیهٔ اللّه فاضل: و اگر گرفت معصیت کرده ولی کفّاره ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۶

کسی که بو احساس نمی‌کند

۳۷۹- کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کند، الف: استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس چه حکمی دارد؟ ب: گرفتن بینی از بوی بد بر او حرام است یا نه؟

خلوق کعبه

۳۸۰- بنابر مشهور، استعمال «خلوق» - که کعبه معظّمه را با آن خوش بو می‌کنند- حرام نیست، ولی چون معلوم نیست که خلوق چیست، احتیاط در اجتناب از بوی خوش آن است.

کفاره بوی خوش

۳۸۱- کفاره استعمال بوی خوش- بنابر احتیاط واجب - یک گوسفند است.

۳۸۲- در استعمال مکررِ بوی خوش در وقتِ واحد، کفایت یک گوسفند بعید نیست، هرچند

---

(۱). الف: آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی و فاضل: استعمال طیب برای او جایز نیست؛ آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط جایز نیست.

ب: آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی و مکارم: با فرض این که بویی احساس نمی‌کند، گرفتن بینی حرام نیست.

آیات عظام: خامنه‌ای، صافی و فاضل: جایز نیست.

(۲). آیهٔ اللّه فاضل: ماده خوشبوی مخصوصی است که برای نظافت کعبه استعمال می‌شود.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: این احتیاط در صورتی است که معلوم باشد دخول آنچه جایز نیست بوییدن آن (و لو به‌حسب احتیاط ممنوع باشد) در آن، و معلوم نباشد نامیده شدن آن به خلوق کعبه (که خوشبو کننده کعبه است با خصوصیتی در ساخت آن) و الّا اقوی عدم حرمت است. (مناسک شیخ، ص ۱۹).

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: این احتیاط لازم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: خلوق کعبه عطری است که از زعفران و غیر آن گرفته می‌شده است، ولی بعید نیست که اجتناب از بوی خوش کعبه لازم نباشد و بتوان آن را استشمام کرد.

(۴). آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: کفّاره‌اش بنابر مشهور یک گوسفند است، ولی ثبوت کفّاره در غیر خوردن، محل اشکال است هرچند احوط کفّاره دادن است. (مناسک، م ۲۴۰).

آیـة اللَّه سیسـتانی: هرگاه محرم عمـداً مقـداری از چیزهای خوشـبو را بخورد و یا چیزی را بپوشـد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانـده باشـد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسـفند کفّاره بدهد، ولی در غیر این دو مورد، در اسـتفاده از بوی خوش، کفّاره واجب نیست، هرچند احوط کفّاره دادن است. (مناسک، مسأله ۲۴۰).

آیة اللَّه فاضل: در صورت علم و عمد.

(۵). آیة اللَّه بهجت: با تخلل تکفیر کفّاره دارد و بدون آن احتیاط است.

آیـة اللَّه تبریزی: چنـانچه گـذشت کفّـاره در غیر خوردن مبنی بر احتیـاط وجوبی است و در صورت تکرار احتیـاط در تعـدّد کفّـاره است.

آیة اللَّه خامنه‌ای: تکرّر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفّاره را متعدد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفّاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفّاره تأثیری ندارد.

آیة اللَّه گلپایگانی: در صورت تکرار کفّاره هم تکرار شود. (مناسک عربی، ص ۹۸).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۷

احتیاط در تعدّد است؛ و در فرض استعمال در چند وقت، این احتیاط ترک نشود.

اگر بعد از استعمال بوی خوش، کفّاره داده شود و مجدّداً استعمال شود، کفّاره تکرار می‌شود.

۶- سرمه کشیدن

۳۸۳- شـشم- سـرمه کشیدن به سیاهی زینتی هرچند قصد زینت نکند. و احتیاط واجب، اجتناب از هر سرمه زینتی است؛ و اگر بوی خوش داشته باشد- بنابر اقوی- حرام است.

---

(۱). آیة اللَّه فاضل: بنابر اقوی کفّاره را باید متعدد بدهد.

(۲). آیة اللَّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیة اللَّه سیستانی: کفّاره با تعدّد لبس یا خوردن طیب مکرّر می‌شود چه در بین آن کفّاره داده باشد یا نداده باشد.

(۳). آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: از سرمه سیاه بدون قصد زینت بنابر احتیاط واجب اجتناب کند.

آیة اللَّه خامنه‌ای: سـرمه کشـیدن اگر زینت محسوب شود، بر محرم جایز نیست، همچنین خط کشـیدن به دور چشم‌ها که زنان انجام می‌دهند، جایز نمی‌باشد و در این مورد تفاوتی میان رنگ سیاه و دیگر رنگ‌ها وجود ندارد.

آیة اللَّه سیسـتانی: سـرمه سـیاه و هر سـرمه‌ای که زینت حساب شود، اگر به قصد زینت باشد حرام و اگر به قصد زینت نباشد احتیاط واجب در ترک است و امّا سرمه‌ای که نه سیاه باشد و نه زینت شمرده شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز و اگر به قصد زینت باشد احتیاط واجب در ترک است، بلی در هر صورت برای معالجه در حال اضطرار اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

آیة اللَّه مکارم: فرقی بین سرمه سیاه و غیر سیاه نیست، ملاک در حرمت زینت و عدم زینت است.

(۴). آیة‌اللَّه تبریزی و آیة‌اللَّه خویی: از سرمه غیر سیاه با قصد زینت بنابر احتیاط دوری کند.

آیة‌اللَّه بهجت: اگر سرمه سیاه بکشد و قصد زینت نداشته باشد بلکه برای علاج مرض باشد اشکال ندارد. (مناسک، مسأله ۲۴۶).

(۵). آیة اللَّه بهجت: احوط اجتناب از مطلق سرمه است، اگر به‌قصد زینت باشد یا بوی خوش در آن باشد. (مناسک شیخ، ص ۲۱).

نظر آیات عظام در قسم پنجم از محرّمات احرام گذشت.

مناسک حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۸

۳۸۴- سرمه كشيدن در حال احرام، براي مرد نيز حرام است و به زن اختصاص ندارد.

۳۸۵- سرمه كشيدن در صورت نياز، مانعي ندارد.

۳۸۶- در سرمه كشيدن، كفّاره نيست ولي اگر در آن بوي خوش باشد، احتياط در كفّاره دادن است.

۷- نگاه در آینه

اشاره

هفتم- نگاه در آينه. ۳۸۷- در اين حكم فرقي بين زن و مرد نيست.

۳۸۸- نگاه كردن به اجسام صيقل داده شده كه عكس در آن پيداست و نيز نگاه كردن در آب صاف، اشكال ندارد.

عینک زدن و فیلمبرداری

۳۸۹- عينك زدن اگر زينت نباشد اشكال ندارد، ولي اگر زينت محسوب شود جايز نيست.

---

(۱). آيةاللَّه تبريزي: اگر سرمه سياه را به‌قصد زينت بكشد بنا بر احتياط يك گوسفند كفّاره دارد و در سرمه‌سياه كه به‌قصد زينت نباشد يا سرمه‌اي كه به‌قصد زينت مي‌كشد ولي سياه نيست احتياط استحبابي در كفّاره دادن است.

آيةاللَّه خويي: بنابر احتياط بايد يك گوسفند كفّاره دهد.

آيةاللَّه سيستاني: بنابر احتياط مستحب يك گوسفند كفّاره بدهد.

(۲). آيةاللَّه فاضل: اگر بوي خوش آن، در لحظه سرمه كشيدن، قابل استشمام باشد، اقوي كفّاره دادن است، وگرنه احتياط مستحب در كفّاره دادن است.

آيةاللَّه مكارم: يك گوسفند اگر عمداً باشد.

(۳). آيات عظام: بهجت، تبريزي، سيستاني، خامنه‌اي، وحيد و مكارم: اگر به قصد زينت نباشد، مانعي ندارد.

(۴). آيات عظام خامنه‌اي، سيستاني و مكارم: آب زلال و اجسام صيقلي ديگري كه خاصيت آينه را داشته باشند حكم آينه را دارند.

(۵). آيةاللَّه بهجت: اگر به‌قصد زينت نباشد بنا بر اقوي عيبي ندارد.

(۶). آيةاللَّه فاضل: و به قصد زينت استفاده كند.

(۷). آيةاللَّه خامنه‌اي: احتياط واجب اجتناب از هر چيزي است كه عرفاً زينت محسوب مي‌شود.

آيةاللَّه سيستاني: در صورتي كه عينك زدن عرفاً زينت باشد، احوط پرهيز از آن است. (مناسك، مسأله ۲۴۷).

مناسک حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۱۸۹

۳۹۰- عكس برداري و فيلم برداري هنگام احرام، اگر معلوم نيست كه در آينه نظر مي‌شود، اشكال ندارد.

علم به نگاه سهوی به آینه

۳۹۱- اگر در جايي- مانند اتاق- آينه باشد و بداند كه گاهي چشم او سهواً به آن مي‌افتد، اشكال ندارد، ولي احتياط آن است كه آن را بپوشاند.

نگاه به آینه برای غیر زینت

۳۹۲- نگاه به آینه، اگر چه برای زینت هم نباشد، احتیاط در ترک آن است.

نگاه در آینه برای دیدن خود و غیر

۳۹۳- در حرمت نظرکردن در آینه- بنا بر احوط- فرقی بین نگاه برای دیدن خود و یا برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلًا برای علاج درد، نیست.

نگاه در آینه، کفّاره ندارد

۳۹۴- نظر کردن به آینه، کفّاره ندارد، ولی مستحب است که بعد از نگاه کردن، لبیک بگوید.

محرمات احرام

۸- فسوق

هشتم- فسوق.

---

(۱). بر فرض صدق نظر در آینه بودن هم، گذشت حکم آن که: طبق نظر بسیاری بدون قصد زینت جایزاست.

(۲). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست، چه به‌قصد زینت باشد و چه نباشد. (مناسک عربی، ص ۸۹).

(۳)- آیـات عظامی که نظر به آینه را بـدون قصـد زینت جایز می‌داننـد، در این مسأله نیز قائل به جواز هسـتند، به مسایل قبل مراجعه شود.

(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط استحبابی یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۴۷).

آیهٔ اللَّه خویی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۴۷).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: کفّاره‌اش استغفار است. (آراء المراجع، ص ۱۵۳).

(۵). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احتیاط واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۰

۳۹۵- فسوق اختصـاص به دروغ گفتن نـدارد بلکه فحش دادن و فخر به دیگران، نیز فسوق است. در فسوق، غیر از اسـتغفار کفّـاره نیست، و مستحب است چیزی کفّاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

۹- جدال

اشاره

نهم- جدال؛ و آن گفتن «لا وَاللَّه» و «بَلی وَاللَّه» است.

۳۹۶- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بَلی» و در سایر لغات، مرادف آن؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتی در جدال نـدارد، بلکه قَسَم خوردن در مقامِ اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

قسم به لفظ خدا و دیگر اسمای الهی

۳۹۷- قَسَم اگر به لفظ «اللَّه» باشـد یا مرادف آن؛ مثل «خـدا» در زبان فارسـی، جـدال است؛ و اما قَسَم به غیر خدا، به هر کس باشد، ملحق به جدال نیست.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: اظهر مقیّد بودن دروغ گفتن و دشـنام دادن و مفاخرت است به آن‌که بر غیر محرم حرام‌باشـند. (مناسک شـیخ، ص ۲۲).

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: فخر کردن بر دیگران، اگر برای اثبات فضـیلت و برتری برای خود باشد که توهین دیگری را در برداشـته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

آیـهٔ اللَّه خویی و آیـهٔ اللَّه سیستانی: فخر کردن اگر مسـتلزم اهـانت و تحقیر مؤمن باشـد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکّد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

آیهٔ اللَّه فاضل: خواه موجب نقص دیگران باشد و یا نباشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

(۳). آیات عظام: تبریزی، فاضل، گلپایگانی: در مرادف احتیاط شود.

(۴) آیهٔ اللَّه فاضل و آیهٔ اللَّه خویی: کلمه لا و بلی دخالت در مطلب دارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط لازم، گفتن کلمه «آری واللَّه» و «بله واللَّه» و «نه واللَّه» ملحق به آن است.

(۵). آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط واجب لفظ مرادف «اللَّه» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است.

آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر قسم به لفظ جلاله نباشـد اظهر عـدم الحاق است و اگر به لفظ جلاله باشـد ظاهر تحقّق حرام به مجرّد آن است. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً لفظ «اللَّه» بدون «لا» و «بلی» جدال محرّم نیست و مرادف «اللَّه» نیز به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که از قسم خوردن به نام‌هایی که ترجمه واژه اللَّه به زبان‌های دیگر است- مانند کلمه خدا در زبان فارسـی- اجتناب کند، همچنین بنابر احتیاط واجب، باید از قسم خوردن به نام‌های خداوند مانند رحمن، رحیم، قادر، متعال و ... در حال منازعه خودداری نماید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۱

۳۹۸- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء اللَّه، به لفظ جلاله است، پس اگر کسی به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سموات وارض»، قَسَم بخورد- بنابر احتیاط واجب- جدال محسوب می‌شود. ۳۹۹- در مقام ضـرورت، برای اثبات حق، یا ابطال باطلی، قَسَم به جلاله و غیر آن، جایز است.

۴۰۰- در جدالِ بر راست، در کمتر از سه مرتبه، غیر از استغفار چیزی نیست؛ و در سه مرتبه، کفاره آن یک گوسفند است.

۱۰- کشتن جانوارن ساکن در بدن

دهم- کشتن جانوران ساکن در بدن؛ مثل شپش و کَیک و کنه که در بدن حیوان است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به مسأله قبلی مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در جدال کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

آیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که مشتمل بر کلمه «لا» و یا «بلی» باشد در این صورت نیز احتیاط مستحب الحاق است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: و در صورت جواز کفّاره‌ای نیست علی الاظهر. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: و همچنین برای اظهار مودّت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: استثنا می‌شود از حرمت جدال موردی که ترک آن مستلزم ضرری بر مکلّف باشد، مثلًا حق او را پایمال کند.

(۳). آیهٔ اللَّه سیستانی: به گفته بعضی از فقها جدال با قسم راست محقّق نمی‌شود مگر این‌که سه بارپی‌درپی باشد و این گفته خالی از وجه نیست، گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک بار.

(۴). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر سه مرتبه پی درپی باشد، و در حکم غیر صورت تتابع با عدم تخلل تکفیر تامّل است در صادق و کاذب. (مناسک شیخ، ص ۲۲).

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر سه بار پی در پی باشد.

(۵). آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر مشهور و موافق با احتیاط و در خصوص شپش حرمت قتل و القاء از جسد یا ثوب خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب.

(۶). آیهٔ اللَّه فاضل: انسان یا حیوان.

(۷). کَیک یا کَکْ: حشره‌ای است به اندازه شپش، بال ندارد و چون پاهای عقب او بلند است به آسانی می‌جهد، خرطومی دارد که با آن خون انسان را می‌مکد و گاهی باعث سرایت بیماری طاعون می‌شود. «فرهنگ عمید».

(۸). آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: کشتن شپش و انداختن او از بدن برای محرم جایز نیست، اما پشه و کک احتیاط در نکشتن آن‌ها است، در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود اما تاراندن آن‌ها ظاهراً جایز است هرچند احوط ترک است.

آیهٔ اللَّه سیستانی در مورد پشه و کَکْ فرموده‌اند: اگر ضرر از آنها متوجّه شخص نباشد احتیاط واجب این است که آن‌ها را نکشد و اما راندن آن‌ها جایز است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۲

۴۰۶- انداختن شپش و کک از بدن، جایز نیست؛ و همچنین نقل‌کردن از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد، جایز نیست؛ و احتیاط آن است که آن را به محلی که در معرض افتادن است، نقل ندهد.

۴۰۷- احتیاط مستحب آن است که اگر مکان اول محفوظتر است، آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند.

۴۰۸- در کشتن یا انتقال دادن، عدم ثبوت کفّاره، بعید نیست، ولی احتیاطاً یک کف از طعام، صدقه بدهد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: حرمت القای غیر شپش دلیلی ندارد و شهرت هم بر آن ثابت نیست، بلی دور انداختن‌کنه خود یا کنه شتر خود، مورد احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: به احتیاط واجب انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در نینداختن است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست که شپش را از روی لباس و بدن بیفکند امّا راندن پشه و کک و مانند آنها ظاهراً جایز است هرچند احوط ترک آن است. (مناسک، مسأله ۲۵۳).

آیهٔ اللّٰه مکارم: بنابر احتیاط واجب در این مسأله و مسأله بعد.

(۲). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: به صورت اطلاق فرموده‌اند که جا به جا کردن آنها ایرادی ندارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است.

(۳). آیهٔ اللّٰه بهجت: جابه‌جا کردن آن از جای محفوظتر عیبی ندارد، در صورتی که سبب افتادن آن نشود. (مناسک شیخ، ص ۲۳).

(۴). آیهٔ اللّٰه اراکی، آیهٔ اللّٰه نوری: احتیاط واجب.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: نباید آن را از محلی...

آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

(۵). آیات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، خویی، نوری: بنابر احتیاط واجب باید یک مشت از طعام به فقیر کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در صورت کشتن و یا انداختن شپش، احتیاط مستحب آن است که یک مشت از طعام کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۵۳).

آیهٔ اللّٰه فاضل: این احتیاط در کشتن یا انداختن شپش ترک نشود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط واجب است خواه عمداً باشد یا از روی خطا.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۳

۱۱- انگشتر به دست کردن

اشاره

یازدهم- انگشتر به‌دست‌کردن برای زینت؛ ولی اگر برای استحباب باشد، مانع ندارد.

۴۰۹- اگر انگشتر در دست نمودن، برای زینت و استحباب نباشد، مثلا برای خاصیتی باشد، اشکال ندارد.

حنا

۴۱۰- محرم- بنابر احتیاط واجب - نبایـد برای زینت حنا ببنـدد؛ بلکه اگر زینت باشـد و قصد هم نکند، احتیاط در ترک است؛ بلکه حرمت آن، در هر دو صورت، خالی از وجه نیست.

۴۱۱- اگر قبل از احرام حنا ببنـدد، چه به‌قصـد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

حنا و انگشتر کفّاره ندارد

۴۱۲- انگشتر به دست کردن و حنا بستن، کفّاره ندارد.

(۱). آیـۀ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب محرم بایـد از به دست کردن انگشتر اگر زینت محسوب گردد اجتناب کنـد گرچه قصـد زینت نکند بلکه باید از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند.

آیۀاللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

آیۀ اللَّه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

(۲). آیۀ اللَّه بهجت: حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۸).

آیات عظام تبریزی، خویی، مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود بر محرم حرام است.

آیۀ اللَّه خامنه‌ای و آیۀاللَّه سیستـانی: احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو- اگر زینت به شمار آید- بلکه از هر چیزی که زینت محسوب می‌شود، اجتناب کند.

(۳). آیۀ اللَّه فاضل: حرمت محلّ اشکال است.

(۴). آیـۀ اللَّه صافی، آیـۀ اللَّه گلپایگانی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌مانـد بنابر احتیاط باید خودداری کند (مناسـک فارسی، ص ۴۱) و در مناسک عربی، ص ۹۱، مطابق متن فرموده‌اند: اگر اثرش تا زمان احرام بماند بهتر است قبل از احرام حنا نبندد.

آیۀ اللَّه مکارم: اگر قصدش ادامه زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

(۵). آیۀ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط استحبابی کفّاره‌اش یک گوسفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴).

آیـۀ اللَّه خویی: بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسـفند است. (مناسک، مسأله ۲۵۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۴

۱۲- روغن مالیدن

اشاره

دوازدهم- روغن مالیدن به بدن.

۴۱۳- مالیدن روغن به بدن اگرچه بوی خوش در آن نباشد، بنابر احوط بلکه اقوی، حرام است.

۴۱۴- استعمال روغنِ دارای بوی خوش، پیش از احرام، اگر اثرش تا وقت احرام باقی می‌ماند، جایز نیست. ۴۱۵- خوردن روغن اگر در آن بوی خوش- مثل زعفران- نباشد، مانع ندارد.

۴۱۶- مالیدن روغن اگر از روی اضطرار و احتیاج باشد، مانعی ندارد. ۲/ ۴۱۶- استفاده از کرم‌های مختلف- نرم کننده، ضد آفتاب، تمیز کننـده و برطرف کننـده خشکی لب و تاول‌هـای پا و کرم نرم کننـده دست و صورت و بـدون بو و الکل- در حال احرام جایز است یا خیر؟

---

(۱). آیۀ اللَّه خـامنه‌ای: مالیـدن روغـن بـه اعضـای بـدن و مـوی سـر، در حـال احرام جـایز نیسـت چـه از قبیـل کِرِم کـه برای زینت زده‌می‌شود و چه غیر آن و چه معطر باشد یا نباشد.

(۲). آیـۀ اللَّه بهجت: در صورت ارتکاب و در صورت امکان تأخیر احرام، تا زمان زوال بوی خوش، لازم است. (مناسک شـیخ، ص ۲۴).

آیۀ اللَّه خویی: فتوای معظّم له به دست نیامد.

آیهٔاللَّه سیستانی: ولی اگر در آن عطر نباشد بلکه خودش خوشبو باشد اشکال ندارد.
(۳). آیهٔ اللَّه سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوشی ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوشبو است یا بوی خوش در آن است.
(۴). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: جایز نیست.
آیهٔ اللَّه سیستانی: جایز نیست مگر در موارد ضرورت.
آیهٔ اللَّه مکارم: مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن خواه معطر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست ولی مالیدن انواع پمادهای طبی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.
آیهٔ اللَّه صافی: جایز نیست هر چند در آن بوی خوش نباشد ولی در حال اضطرار و ناچاری جایز است و در این حال چنانچه بوی خوش در آن باشد، کفاره آن یک گوسفند است هرچند از روی اضطرار بوده والله العالم.
آیهٔ اللَّه نوری: در فرض سؤال که بو ندارد جایز است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۵

مالیدن روغن کفّاره ندارد

۴۱۷- اگر در روغن بوی خوش نباشد، در مالیدن آن کفّاره نیست. ۴۱۸- اگر در روغن بوی خوش باشد، کفاره آن یک گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.

۱۳- ازاله مو

اشاره

سیزدهم- ازاله مو از بدنِ خود یا دیگری، چه محرم باشد چه مُحِلّ.
۴۱۹- درحرمت ازاله مو، میان کم و زیاد فرقی نیست و ازاله یک مو نیز حرام است. ۴۲۰- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد، مانع ندارد. ۴۲۱- اگر در وقت غسل یا وضو، مویی بدون قصد کنده شود، اشکال ندارد.
۴۲۲- در حرمت ازاله مو بین تراشیدن، یا نوره مالیدن، یا کندن، یا قیچی کردن و، ... فرقی نیست.

ازاله مو از محرم توسط مُحل

۴۲۳- اگر محرم به اختیاراً حاضر شود که دیگری حتی اگر محل باشد سر او را بتراشد، مرتکب

---

(۱). آیات عظام: تبریزی، خویی و سیستانی: کفاره روغن مالی در صورتی که از روی علم و عمد باشد، (آیهٔاللَّه تبریزی: چه بوی خوش در آن باشد یا نباشد.) و یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفّاره‌اش اطعام یک فقیر است بنابر احتیاط در هر دو مورد.
آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاطاً یک گوسفند است.
(۲). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط، کفاره مالیدن روغن خوشبو به بدن، یک گوسفند است، و در موردروغن‌های غیر خوشبو، سیر کردن یک فقیر است، اگرچه عدم وجوب کفاره در هر دو مورد بعید نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر در روغن بوی خوش باشد کفّاره خوردن آن بنابر اقوی یک گوسفند است و در غیر مصرفِ خوردن هم احتیاطاً کفّاره را بدهد.

آیهٔ اللّه نوری: کفاره مالیدن روغن به بدن، یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه تبریزی: کفّاره‌اش یک گوسفند است حتی در صورت ضرورت، علی‌الأحوط.

آیهٔ اللّه فاضل: در حال اضطرار کفّاره ثابت نیست.

(۴). آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه حتی جزئی از یک مو.

(۵). آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: گناه ندارد ولی کفّاره دارد.

(۶). آیهٔ اللّه بهجت: یعنی به‌سبب وضو یا غسل و اظهر عدم وجوب فدیه است. (مناسک شیخ، ص ۲۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: یا تیمّم یا تطهیر از خبث یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

(۷)- آیهٔ اللّه فاضل: نسبت به مُحلّ مطلقا کفّاره‌ای نیست و نسبت به محرم اگر در موقع ازاله بی‌اختیار بوده ویا اسناد ازاله به محرم ولو تسبیباً محرز نباشد کفّاره ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۶

حرام شده و باید کفّاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد، کفّاره ندارد حتی بر مُحلّ مزبور.

کفّاره ازاله مو

۴۲۴- کفاره سر تراشیدن، اگر ضروری باشد، دوازده «مُدّ» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند.

اندازه مدّ

«مُد»، تقریباً یک چارک (ده سیر) است.

۴۲۵- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد؛ بلکه تعیّن گوسفند در این صورت، بعید نیست.

۴۲۶- اگر محرم از زیر هر دو بغل خود، ازاله مو کند، باید یک گوسفند ذبح کند؛ بلکه اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند، احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: اگر محرم با ضرورت و بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفّاره‌اش یک گوسفند یا سه روزروزه یا اطعام ده مسکین است که به هریک یک مد داده شود بلکه بنابر احتیاط به هر کدام به مقداری که سیر شوند اگرچه بیش از یک مد باشد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مدّ و اشباع است. (مناسک، مسأله ۲۶۰ و مناسک شیخ، ص ۲۴).

آیهٔ اللّه فاضل: یکی از سه چیز به نحو تخییر است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: کفاره ازاله مو از بدنِ خود، چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت ثابت است الّا در ازاله مو از بدنِ دیگری که در حال ضرورت کفّاره ندارد.

(۲). آیهٔ اللّه گلپایگانی: صدقه دادن ده مدّ به ده مسکین کفایت می کند اگرچه دوازده مد به شش مسکین بهتر است. (مناسک فارسی، ص ۴۲، مسأله ۶۳).

(۳). آیهٔ اللّٰه بهجت: رعایت این احتیاط لازم نیست (مناسک شیخ ص ۲۴).
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم و نوری: کفّاره آن یک گوسفند است.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر سر را عالماً عامداً بتراشد کفّاره آن یک گوسفند است.
(۴). آیهٔ اللّٰه نوری: اگر از زیر هر دو بغل ازاله مو کند احتیاط آن است برای هر یک از بغل‌ها یک گوسفندکفّاره بدهد.
(۵). آیهٔ اللّٰه مکارم: این حکم واجب است.
(۶). آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند کفّاره‌اش یک گوسفند است بنابر اقوی و در کندن موی یک طرف، سه مسکین را طعام بدهد. (مناسک، مسأله ۲۶۰).
آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر موی زیر بغل را بکند حکم همین است و همچنین بنابر احتیاط واجب اگر به وسیله دیگری، غیر از کندن، موی آن را ازاله نماید و اگر موی ریش یا غیر آن را بکند کفاره آن یک مشت طعام است و اگر مُحرِم سر دیگری را تراشید چه محرم باشد چه غیر محرم کفّاره ندارد.
آیهٔ اللّٰه فاضل: سه فقیر را اطعام کند.
آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: کفاره ازاله مو از زیر بغل، یک گوسفند است. (مناسک عربی، ص ۹۷- مناسک فارسی، مسأله ۳۹۷).
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۷

کفاره ازاله مو با دست به سر و ریش کشیدن

۴۲۷- اگر به سر یا ریش خود دست بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، بنابر احتیاط یک کف طعام صدقه بدهد.

۴۲۸- اگر کسی موی سر را به غیر تراشیدن، ازاله کند، بنابر احتیاط باید کفاره تراشیدن را بدهد.

۴۲۹- در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفّاره دارد، فرقی بین عمد و سهو و غفلت نیست به‌شرط آن‌که دست کشیدن عمدی باشد.

۱۴- بیرون آوردن خون از بدن

اشاره

چهاردهم- بیرون آوردن خون از بدن خود

---

(۱). به مسأله ۴۲۱ مراجعه شود.
آیهٔ اللّٰه بهجت: یک کف از طعام صدقه بدهد و ساقط شدن مو به این سبب با عدم اطمینان‌به ساقط شدن، غیر از ازاله غیرعمدّیه است که فدیه ندارد، اگر چه هر دو جایز است. (مناسک شیخ، ص ۲۵).
آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: باید یک مشت طعام بدهد.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: احتیاط آن است که به قدر یک مشت گندم یا آرد و امثال آن بدهد اگرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: خاراندن سر و بدن اشکال ندارد اگر مویی را نکند و خون خارج نشود؛ و اگر بی‌جهت محرم دست به سر و ریش خود بکشد و مویی یا بیشتر بیافتد، باید یک مشت طعام کفّاره بدهد ولی اگر در وضو و مانند آن باشد چیزی بر او نیست.
آیهٔ اللّٰه مکارم: مقصود از یک کف طعام، مقداری غذاست.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: فرقی بین کندن و ماشین کردن و نوره گذاشتن نیست، چه از سر باشد یا صورت یا مواضع دیگر.

آیهٔ اللَّه خویی: بلکه واجب است. (معتمد، ج ۴، ص ۲۰۸).

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی میان سر و صورت فرقی نیست.

(۴). آیـهٔ اللَّه بهجت: به کاری که بداند موجب آن می‌شود؛ زیرا اخراج احتمالیِ خون، محکوم به حرمت نیست (مناسک شیخ، ص ۲۸).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۸

۴۳۰- بیرون آوردن خون از بدنِ دیگری؛ مثل حجامت کردن او، یا کشیدن دندان او، حرام نیست.

مسواک زدن در حال احرام

۴۳۱- بیرون آوردن خـون از بـدن بـا خراشـیدن و مثـل آن نیز جـایز نیست؛ و همین طور است مسواک زدن، اگر از لثه خون خـارج شود.

اضطرار به بیرون آوردن خون و خاراندن

۴۳۲- خـارج نمودن خون در حـال احتیـاج برای حجـامت و غیر آن، جایز است؛ و همین طور است بیرون آوردن خون دمل در حال احتیاج و خاراندن جَرَبِ آزار دهنده، اگرچه خون خارج شود.

تزریق آمپول و خون گرفتن از بدن

۴۳۳- تزریق آمپول در حال احرام، مانع ندارد؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود، در غیر حاجت و ضرورت، تزریق نشود.

۴۳۴- خون گرفتن از بدن با سرنگ در حال احرام، چه حکمی دارد؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر آن دیگری محرم باشد، احتیاط مستحب ترک است و بر خود آن محرم، جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم: مکروه است در غیر حال احتیاج و ضرورت.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط واجب.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد، گرچه بداند خون خارج می‌شود و کفّاره ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در این مسأله و مسأله قبل بنابر احتیاط مستحب.

(۴). آیهٔ اللَّه خویی: در حال ضرورت یا رفع ناراحتی. (مناسک، مسأله ۲۷۴).

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: و در هر صورت کفّاره ندارد.

(۶)- آیهٔ اللَّه بهجت: یعنی اگر بداند که چنین می‌شود، چنانکه گذشت در حاشیه قبل از مسأله ۴۳۰.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست مگر در حال نیاز.

آیهٔ اللَّه مکارم: مکروه است.

(۷). خون گرفتن از بدن محرم در حال ضرورت:

آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، فاضل، سیستانی: جایز است؛ آیهٔ اللَّه مکارم: ادماء مطلقاً مکروه است.

در غیر ضرورت:

آیات عظام: بهجت، صافی، فاضل و نوری: جایز نیست

آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۱۹۹

اخراج خون کفّاره ندارد

۴۳۵- خون از بدن درآوردن، کفّاره ندارد.

۱۵- ناخن گرفتن

پانزدهم- ناخن گرفتن:

۴۳۶- گرفتن بعضی از ناخن هم جایز نیست مگر موجب اذیّت باشد. ۴۳۷- در عدم جواز ناخن گرفتن، فرقی بین ناخن دست و پا و بین آلات ناخن‌گیری- قیچی یا چاقو یا ناخن‌گیر- نیست؛ و احتیاط واجب آن است به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان، ازاله ناخن نکند.

۴۳۸- مُحرِم می‌تواند از غیر محرم ناخن بگیرد؛ و نیز محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد.

۱۶- کشیدن دندان

۴۵۰- شانزدهم- کندن دندان:

---

(۱). آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط یک گوسفند است؛ آیهٔ اللَّه نوری: اگر اختیاراً خارج کند.

آیات عظام: خامنه‌ای، خویی و سیستانی: بنابر احتیاط مستحب کفّاره‌اش یک گوسفند است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احوط و اولی کفاره آن یک گوسفند است.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: لیکن محتمل است فدیه بعضی از ناخنِ آزار رساننده، قبضه‌ای از طعام باشد نه مدّ. (مناسک شیخ، ص ۲۸).

آیهٔ اللَّه تبریزی: در این صورت گرفتن ناخن جایز است و از هر ناخنی یک مشت طعام کفّاره بدهد (مناسک، مسأله ۲۸۵).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: وکفّاره آن یک مدّ طعام است.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: فرقی نیست و ازاله ناخن به هیچ وسیله جایز نیست.

آیات عظام: خامنه‌ای، مکارم و فاضل: حرام است.

(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی ناخن گرفتن در تقصیر بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

(۵). آیهٔ اللَّه مکارم: جایز است مطلقاً و کفاره ندارد. (با خون ریزی مکروه است).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کشیدن دندان بدون خونریزی نه حرام است و نه کفاره دارد و در صورتی که کشیدن دندان منجر به خونریزی

شود بنابر احتیاط واجب ممنوع است مگر در حال ناچاری و نیاز.

آیهٔ اللّٰه صافی و آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: حرام است مطلقاً هر چند خون نیاید.

آیهٔ اللّٰه بهجت: خون بیاید بدون ضرورت، حرام است و در غیر این صورت جایز است. و در هر صورت مطلقاً کفاره ندارد.

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: اگر خون نیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و اگر خون بیاید اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۰

هرچند بنابر احتیاط خون نیاید؛ و احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

۴۵۱- حرمت کندن دندان، شامل دندان دیگری نمی‌شود، هرچند خون خارج شود.

۴۵۲- کشیدن دندان اگر ضرورت دارد، مانع ندارد، ولی علی الأحوط کفّاره دارد.

۱۷- کندن گیاه و درخت حرم

هفدهم- کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

۴۵۳- اگر گیاه یا درختی بعد از منزل گرفتن روییده باشد، اگر خودش آن را کاشته، جایز است آن را بکند؛ و اگر خودش آن را نکاشته، بنابر احتیاط آن را قطع نکند، گرچه اقوی جواز است.

۴۵۴- اگر گیاهی بعد از منزل گرفتن روییده، ولی خودش آن را نکاشته باشد، بنابر احتیاط واجب، آن را قطع نکند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: ولی کفارّه ندارد علی الأظهر، حتّی در صورت غیرضرورت، با خون انداختن اگرچه حرام است چنانکه گذشت. (مناسک شیخ، ص ۲۸ و ۲۹).

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: مستحب است که یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: کشیدن دندان، اگر خون درنیاید، مانع ندارد و کفاره هم ندارد و در صورتی که خون بیاید، اگر برای رفع ناراحتی بوده کفاره ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: کفاره لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: کفاره ندارد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: مطلقاً مانعی ندارد و کفّاره هم ندارد.

(۲). آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری: و بریدن آن.

(۳). آیهٔ اللّٰه سیستانی: حتی اگر اصل آن در خارج حرم و شاخه آن در حرم یا به عکس باشد.

(۴). آیهٔ اللّٰه سیستانی: اختصاص به محرم ندارد و فرقی بین کاشتن خود شخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود شخص کاشته باشد می‌تواند قطع کند، هرچند در ملک دیگری باشد.

(۵). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی و گلپایگانی: مانعی ندارد کندن درخت و گیاه در این صورت.

(۶). نظریه آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه نوری: قطع آن جایز است.

آیهٔ اللّٰه بهجت: نظر ایشان در حاشیه مسأله قبل گذشت.

آیات عظام خویی، مکارم: این احتیاط واجب نیست بلکه مستحب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۱

۴۵۵- اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند. ۴۵۶- قطع درختان میوه و درخت خرما و گیاه «اذخر»، مانع ندارد.

۴۵۷- اگر کسی درختی را که نباید کنده شود، بکند، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد، یک گاو، و اگر کوچک باشد، یک گوسفند، کفّاره بدهد. ۴۵۸- اگر قسمتی از درخت را قطع کند، باید بنابر اقوی، قیمت آن را کفّاره بدهد.

۴۵۹- در قطع گیاه، جز استغفار کفّاره نیست. ۴۶۱- احکامی که برای قطع در حرم ذکر شد، مختص به محرم نیست، و برای همه ثابت است.

---

(۱). آیهٔ اللّه نوری: منزلی که در آن سکونت کرده ولو نخریده باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: تنها قطع درختان و گیاهان خودرو که قبل از بنا در آن بوده حرام است و غیر آن حرام نیست.

(۲). آیهٔ اللّه فاضل: میوه‌های آن‌ها و شاخه‌هایی از آن‌ها را که در کمّیت یا کیفیّت میوه تأثیر می‌گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آن‌ها را نباید قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد خالی از اشکال نیست.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که در درخت کوچک و در بعض درخت رعایت عدم نقصان از قیمت بشود. (مناسک شیخ، ص ۳۰).

(۴). آیهٔ اللّه نوری: واجب است.

آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: کفّاره کندن درخت از بیخ، (آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط) قیمت همان درخت است و کفاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفّاره ندارد.

آیهٔاللّه صافی: و ظاهر آن است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی‌الذمّه، از عین آن‌ها یا قیمت درخت، بدهد و قیمت درخت، بیشتر نباشد کافی است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔاللّه مکارم: در هر دو صورت احتیاط یک گاو است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کندن گیاه و بوته‌های خشک حرم کفاره ندارد ولی واجب است استغفار کند، اما اگر درختی را که بریدن آن حرام است، ببرد، بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

(۵). آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله قبلی مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه احوط است.

(۶). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: کفّاره ندارد. (مناسک، ص ۱۱۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۲

۴۶۲- اگر در هنگام راه رفتنِ متعارف، گیاهی قطع شود، اشکالی ندارد.

۱۸- سلاح در بر داشتن

۴۶۳- هجدهم- سلاح در برداشتن، بنابر احوط؛ مثل شمشیر، نیزه و تفنگ و همه آلات جنگی مگر برای ضرورت. و مکروه است همراه داشتن سلاح در صورتی که در تن نباشد مگر این که ظاهر نباشد، و احوط ترک آن است.

– محرّمات مخصوص به مردان

۱۹– استظلال برای مردان

اشاره

نوزدهم- سایه قرار دادن مرد بالای سر خود.

۴۶۴- سایه قرار دادن برای مردان، جایز نیست، ولی برای زنها و بچه‌ها، جایز است و کفّاره هم ندارد.

اختصاص حرمت به طیّ منزل

۴۶۵- استظلال فقط در حال طی منزل، حرام است؛ اما بعد از منزل کردن در هر مکانی- مانند منی، عرفات یا غیر آن- مانعی ندارد، و حتی محرم می‌تواند در محلی که منزل کرده، در حال راه رفتن، با چتر و مثل آن، بر سر خود سایه قرار دهد؛ پس حرکت در منی از چادرها تا قربانگاه و محل

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: درصورت عدم ضرورت با علم به قطع، احتیاط شود.

(۲). پوشیدن و دربرداشتن سلاح:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: حرام است مگر برای ضرورت.

حمل سلاح بدون صدق پوشیدن:

آیهٔ اللّه بهجت: جایز است و کفاره ندارد

آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، جایز نیست؛ آیـهٔ اللّه صافی و آیـهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط جایز نیست؛ آیهٔ اللّه سیستانی: اگر مسلح بودن صدق کند، جایز نیست.

نظر سایر آیات عظام، موافق متن است.

(۳). آیهٔ اللّه وحید: استظلال بعد از منزل کردن جایز است اگر چه با سایه متحرک باشد. (مناسک‌معظم له صفحه ۱۳۵)

آیـات عظـام: بهجت، تبریزی، خـامنه‌ای، سیسـتانی: احوط آن است که شـخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسـک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن در زیر سایه‌های متحرک ماننـد اتوبوس مسـقف و چتر، اجتناب کند؛ آیهٔاللّه بهجت: مگر برای حوایج خانه و خیمه.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۳

جمرات با چتر و غیر آن، مانعی ندارد؛ گرچه در حال راه رفتن، احتیاط مستحب در ترک است.

حرکت از زیر سایبانهای منی

۴۶۶- حرکت از زیر سایبان‌های منی برای محرمی که به منی می‌رود هرچنـد هنوز منزل نکرده باشـد، مانع نـدارد. ۴۶۷- در حرمت

استظلال، فرقی بین سواره و پیاده نیست.

استظلال در مکه

۴۶۸- محرم می‌تواند بعد از رسیدن به مکه ولو در محله‌های جدید که از مسجدالحرام دور هستند، برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین‌های مسقّف سوار شود یا زیر سایه برود. ۴۶۹- مکه منزل است و به محض وصول به آن- ولو قبل از رسیدن به محل اسکان و استقرار- استظلال مانع ندارد.

استظلال در مکه بعد از احرام حج

۴۷۰- کسانی که در مسجدالحرام و نقاط دیگر مکه برای حج محرم می‌شوند، تا عرفاً در مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند، می‌توانند استظلال نمایند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه خویی: و در قسمت جدید شهر مکه بنابر احتیاط، سوار ماشین سقف‌دار نشوند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۷).

(۲)- به مسأله قبل مراجعه شود.

(۳). آیات عظام تبریزی، خویی: بنابر احتیاط.

(۴)- جهت تفصیل این مسأله به ذیل مسأله ۴۶۵ مراجعه شود.

(۵)- تذکر: جهت تفصیل نظرات به ذیل مسأله ۴۶۵ مراجعه شود؛

هر چند از اطلاق منزل به مکه، استفاده می‌شود که به محض وصول به مکه، احکام منزل، بر آن مترتب می‌شود؛ فقط حضرت آیهٔ اللَّه خویی فرموده‌اند: بنابر احتیاط تا وارد شدن به مکه متیقن سابق استظلال نکند.

(۶)- به مسأله ۴۶۵ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: در مکّه مانعی ندارد هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۴

احرام در مسجدالحرام و استظلال تا منزل

۴۷۱- کسانی که از مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند می‌توانند در بازگشتِ به منزل، در ماشین سقف‌دار سوار شوند و در آن جا پیاده شوند؛ ولی اگر از اول قصد عرفات داشته باشند و نمی‌خواهند در منزل پیاده شوند، بنابر احتیاط، سوار نشوند.

استظلال از مسجد تنعیم در احرام عمره مفرده

۴۷۲- با توجه به این‌که تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در مکه برای کسی که از تنعیم محرم شده است، مانع ندارد.

سایه ثابت و متحرک

۴۷۳- در حرمت استظلال، فرقی بین سایه متحرک- مثل چتر و ماشین مسقّف- و سایه ثابت، مثل پل و غیره، نیست؛ و نیز فرقی بین اجبار و اختیار نیست؛ ولی بر عبور از زیر پل‌هایی که در جاده‌ها هست، استظلال صادق نیست.

سوار شدن بر ماشین مسقف بدون توجه

۴۷۴- اگر کسی بدون توجه، در روز سوار ماشین سقف‌داری که حرکت می‌کند شود، باید بعد از توجه، بلافاصله پیاده شود؛ و اگر تأخیر کند، باید کفّاره بدهد؛ ولی سوار و پیاده شدن از ماشین مسقّف در حالی که ایستاده است، مانع ندارد.

گذشتن از زیر پل و تونل

۴۷۵- آنچه در حال احرام، حرام است، سایه بر سر قرار دادن است؛ بنابراین اگر ماشین از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و محرم به ناچار از زیر پل‌ها عبور کند و یا ماشین مثلا در جایگاه

---

(۱)- به مسأله ۴۷۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: در هر دو فرض مانعی ندارد.

(۲)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی: به احتیاط واجب، استظلال نکند. آیهٔ اللّه خویی: تا ورود به مکه متیقّن سابق.

(۳)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: عبور از زیر سایبانِ‌ثابت اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند، نرود. (آراء المراجع، ص ۱۷۸).

(۴)- آیهٔ اللّه سیستانی: در فرض اجبار قطعاً حرام نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۵

بنزین، در زیر سقف، توقف کند و محرم زیر سقف قرار گیرد، مانعی ندارد و کفّاره هم ندارد.

۴۷۶- حرکت در تونل‌های مکه در حال سیر به طرف عرفات، اگر محرم خودش آن راه را اختیار کند، اشکال دارد؛ و در غیر این صورت مانع ندارد.

موارد استظلال

۴۷۷- در حرام بودن استظلال در وقت طی منزل، فرقی بین محمل روپوش دار، اتومبیل سرپوشیده، هواپیما و کشتی نیست.

سایه جانبی

۴۷۸- در وقت طی منزل، استظلال به پهلوی محمل، کناره ماشین و هر چیزی که بالای سر نباشد، بنابر احتیاط ترک شود، اگرچه جایز بودنِ آن، خالی از قوت نیست.

تابش عمودی و افقی خورشید

۴۷۹- در استظلال، فرقی بین سایه حاصل از تابش عمودی یا مایل خورشید، نیست.

سایه بر شانه

۴۸۰- اگر سایه فقط بر شانه بیفتد و بر سر نیافتد، استظلال صدق نمی‌کند.

حکم بین الطلوعین

۴۸۱- بین الطلوعین از نظر جواز و عدم جواز استظلال جزو شب است یا روز؟

---

(۱)- آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، نوری: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: اشکال ندارد (مستفاد از س ۵۳ مناسک).

آیهٔ اللّه مکارم: در این صورت هم مانعی ندارد.

نظریات آیات عظام در مسأله ۴۷۳ آمده است

(۲). آیات عظام: بهجت، تبریزی: بنابر احتیاط، ترک شود؛ آیهٔ اللّه خویی: اگر تأثیر در گرما یا سرما یا باد دارد، جایز نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: قرار گرفتن در سایه دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف‌های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد.

آیات عظام: صافی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، نوری: جایز است؛ آیهٔ اللّه سیستانی: برای پیاده مطلقاً جایز است و سواره احتیاط کند، مگر سایه سر و سینه را نگیرد.

(۳)- به مسأله قبل مراجعه شود.

(۴)- آیات عظام: بهجت، خویی: فرقی نمی‌کند. آیات عظام: تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط.

(۵). آیات عظام: بهجت، سیستانی، صافی، مکارم: جزء شب است. آیهٔاللّه تبریزی: مبنی بر احتیاط است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۶

حکم استظلال در فرض احرام از راه دور با نذر

۴۸۲- احرام از جاهای دور- مثل تهران- با نذر جایز است، و نذر، صحیح و عمل به آن لازم است؛ و اگر راه دیگری جز سفر با هواپیما و وسایل مسقف نباشد، باید بروند، ولی برای حرکت زیر سقف، باید کفّاره بدهند.

۴۸۳- در فرض قبل حتی‌الامکان باید از راهی برود که در طی منزل، زیر سایه قرار نگیرد؛ و اگر راهی برای زیر سقف قرار نگرفتن نباشد و قبل از نذر به آن التفات داشته، معصیت کرده؛ زیرا عمداً خود را به ارتکاب محرّمات احرام، مبتلا کرده است.

استظلال در شب و هوای ابری

۴۸۴- استظلال در شب، خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن، به‌نظر بعید نیست؛

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: نذرِ احرام قبل از میقات، برای کسی که می‌داند ناچار می‌شود زیر سقف برود محل‌اشکال است. (ملحق مناسک).

آیهٔ اللّه فاضل: صحت نذر برای کسی که می‌داند باید در روز با وسیله مسقّف حرکت کند محل اشکال است. بلی اگر بداند که برای احرام عمره تمتّع نمی‌تواند به یکی از مواقیت معروفه برود، نذر اشکال ندارد و معصیت هم نکرده است، ولی احتیاط آن است که در ادنی‌الحل تجدید احرام کند. و در هر صورت کفّاره زیر سقف رفتن را باید بدهد.

(۲). آیات عظام فاضل، نوری: می‌تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد؛ مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه‌های ثابت.

(۳). آیهٔ اللّه فاضل: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

(۴). آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم: ظاهر این است که معصیت نکرده است، ولی برای استظلال اضطراری کفّاره باید بدهد.

(۵). آیهٔ اللَّه بهجت: استظلال در شب نیست و مانع ندارد و ظاهرِ مجموعِ روایات و مقتضای اصل، اختصاص‌ممنوعیت به سایه انداختن از آفتاب است. (مناسک، س ۵۰).

(۶). آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: احوط آن است که در شب‌های بارانی و سرد، از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند.

آیهٔ اللَّه خویی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد و مانند آنها است. پس اگر هیچکدام از آنها نباشد، به نحوی که وجود و عدمِ سایبان یکسان باشد اشکال ندارد، و در این حکم بین شب و روز فرقی نیست. (مناسک، مسأله ۲۷۰). و در فرض شک در این که آیا مظله وجود و عدمش یکسان است یا نه استظلال جایز است. (استفتائات آخر مناسک، چاپ ۲۱، ص ۳۲۵).

آیهٔ اللَّه وحید: جایز نبودن استظلال در شب مورد اشکال است، و احتیاط واجب ترک آن است. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۱۳۵)

آیهٔ اللَّه سیستانی: سوار شدن در ماشین سقف‌دار و مانند آن در شب و بین الطلوعین و روزهایی که ابر غلیظ مانع تابش خورشید باشد، در صورتی که بارانی نباشد اشکال ندارد و اگر بارانی باشد کفّاره دارد و به احتیاط واجب جایز نیست. (مناسک، مسأله ۲۷۰).

آیهٔ اللَّه مکارم: جایز است مگر در شب‌های بارانی که باید کفّاره بدهد و در روزهای کاملًا ابری و بین الطلوعین نیز استفاده از ماشین سرپوشیده مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۷

بنابراین، جواز نشستن محرم در هواپیما و ماشینی که شب حرکت می‌کند، بعید نیست و استظلال در هوای ابری در روز، جایز نیست، مگر ابر به‌طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

استظلال با عذر

۴۸۵- در صورت وجود عذر- مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی- استظلال جایز است، ولی کفّاره دارد.

استظلال در حال خواب

۴۸۶- افرادی که شب با ماشین مسقف حرکت می‌نمایند؛ اگر قبل از طلوع آفتاب به خواب بروند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شوند، برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده بوده، کفّاره واجب نیست؛ ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفّاره واجب است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت، اگر طوری باشد که تظلیل صادق نباشد اشکال ندارد.

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: استظلال در روز ابری هم جایز نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۲۰۷

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ابر تیره باشد که‌اشعّه آفتاب را به‌کلّی پوشانده باشد و باران نباشد اشکال ندارد.

آيهٔ اللَّه صافى، آيهٔ اللَّه گلپايگانى: در جواب استظلال در روز ابرى فرموده‌اند: استظلال در هواى ابرى در روز جايز نيست. (مناسك فارسى، ص ۱۸۴).

آيهٔ اللَّه مكارم: تيره بودن ابرها لازم نيست، منظور نبودن سايه است.

(۳)- مراجعه به مسأله ۴۸۷ و ۴۸۸ شود.

آيهٔ اللَّه تبريزى: در فرض مزبور بنا بر احتياط براى استظلال در شب بايد كفّاره بدهند.

آيهٔ اللَّه مكارم: در اين صورت كفّاره‌اى لازم نيست.

مناسك حج با حواشى مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۸

كفاره سايه قرار دادن

۴۸۷- كفاره سايه قرار دادن در حال طى منزل، يك گوسفند است، چه با عذر باشد و چه با اختيار، بنابر احتياط واجب.

كفايت يک كفّاره در هر احرام براى استظلال

۴۸۸- در احرام عمره، اقوى كفايت يك گوسفند است، هر چند بيش از يك مرتبه استظلال نموده باشد؛ و همچنين است احرام حج.

۲۰- پوشيدن دوختنى

اشاره

۴۹۰- بيستم- پوشيدن دوختنى؛ مثل پيراهن، قبا و مانند آن. ۴۹۱- احوط اجتناب از مطلق دوخته است هرچند كم باشد؛ مثل كمربند دوخته و كلاه.

---

(۱). آيات عظام بهجت، تبريزى، خامنه‌اى، خويى، سيستانى، صافى، فاضل، گلپايگانى، مكارم، نورى: كفاره آن يك گوسفند است و فرقى بين اختيار و اضطرار نيست.

(۲). آيهٔ اللَّه سيستانى: ولى احتياط مستحب اين است كه براى هر روزى يك كفّاره بدهد. (مناسك، مسأله ۲۷۱).

(۳). آيات عظام: خامنه‌اى، نورى، سيستانى: پوشيدن لباس دوخته از قبيل پيراهن، شلوار و ... و نيز لباسهاى دكمه دار كه بابستن دكمه به شكل پيراهن در مى‌آيد براى مردان در حال احرام جايز نيست؛ آيهٔ اللَّه سيستانى: و حرمت پوشيدن لباسهاى تعارف، بدون انداختن دكمه و بدون دست بيرون آوردن، مبنى بر احتياط است و پوشيدن شلوار و زير شلوارى در صورت نداشتن ازار جايز است.

آيهٔ اللَّه تبريزى، آيهٔ اللَّه خويى: احوط اجتناب از هر جامه دوخته و شبيه دوخته است.

(۴). آيات عظام: خامنه‌اى، سيستانى، فاضل: پوشيدن چيز دوخته كه لباس محسوب نمى‌شود، مانند كمربند يا هميان كه پول در آن مى‌گذارند و همچنين استفاده از بند ساعت و مانند آن اشكال ندارد. انداختن لحاف يا پتو و مانند آن كه حاشيه آن دوخته شده بر روى شانه‌ها مانعى ندارد. همچنين دوخته بودن حاشيه جامه احرام بلامانع است.

آيهٔ اللَّه خويى: احوط اجتناب از مطلق جامه دوخته و شبيه دوخته است ولى انداختن پتوى حاشيه‌دار كه طرفين آن را با نخ دوخته‌اند مانع ندارد. (استفتائات، ص ۲۴۱، س ۷۱۲).

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: اسـتفاده از این اشـیاء برای محرم جایز است، هر چنـد دوخته باشد: ۱- همیان وکمربنـد که برای حفظ پول به کمر می‌بندند. ۲- فتق‌بند. ۳- کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

(۵). آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم: کمربند دوخته اشکالی ندارد. آیهٔ اللَّه تبریزی: ولی پوشیدن شب کلاه جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به ذیل ۴۹۰ مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۰۹

پوشیدن دمپایی دوخته و ساعت با بند دوخته

۴۹۲- پوشیدن دمپایی دوخته که تمام روی پا را نمی گیرد، برای مرد محرم، چه حکمی دارد؟ ۴۹۳- به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است، چه حکمی دارد؟

همیان و قمقمه و فتق بند دوخته

۴۹۴- به کمر بستن و همراه داشتن همیان پول، هرچند دوخته باشد، اشکال ندارد؛ و بهتر اجتناب از گره زدن آن است.

۴۹۵- اسـتفاده از فتق‌بند دوخته در فرض ضرورت، جایز است، ولی بنابر احتیاط کفّاره دارد. ۴۹۶- از به دوش انداختن قمقمه‌ای که در محفظه دوخته شده قرار دارد، بنابر احتیاط، اجتناب شود ولی در دست گرفتن آن، مانع ندارد.

استفاده از پتو

۲/ ۴۹۶- در صورت سرد شدن هوا آیا افراد مُحرم می‌توانند از پوشش دیگری مثل پتو یا لباس استفاده نمایند؟

---

(۱). آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل و مکارم: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه بهجت و آیهٔ اللَّه نوری: احتیاط در ترک است.

(۲). آیات عظام: بهجت، صافی، نوری: احتیاط در ترک است.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم اشکال ندارد.

(۳). آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره هم ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: حکم آن در ذیل مسأله ۴۹۱ آمده است.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: ضرورت لازم نیست و کفّاره هم ندارد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه فاضل: اولی این است که کفّاره بدهد.

(۴). آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر مثل همیان باشد و صدق لبس نکند اشکال ندارد.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: حمل کیف‌ها و ساک‌های دوخته، هر چند به شانه و گردن بیندازد مانعی ندارد.

(۶)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: پوشیدن همیان و کمربند و دیگر دوخته‌های کوچک که به آن لباس گفته نمی‌شود اشکال ندارد.

(۷). آیهٔاللَّه بهجت: مانعی ندارد و اگر بر شانه می‌اندازند باید مخیط نباشد.

آیةاللَّه فاضل؛ آیة اللَّه خامنه‌ای: چنانچه مخیط یا شبه مخیط نباشد اشکال ندارد ولی باید مردان سرشان و زنان صورتشان را نپوشانند و دوخته بودن حاشیه پتو هم مانع ندارد.

آیة اللَّه مکارم: استفاده از پتو مانعی ندارد؛ آیة اللَّه سیستانی: و حتی دوخته بودن حاشیه‌های لباسهای احرام و نیز دوختن مارک بر آن مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۰

حکم پوشیدن دستکش برای بانوان

۴۹۷- پوشیدن «قفازین» برای زنها جایز نیست ولی پوشیدن لباس دوخته، هرقدر که باشد برای آنها جایز است و کفّاره ندارد.

کفّاره پوشیدن لباس دوخته

۴۹۸- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

۴۹۹- اگر محرم چند نوع لباس دوخته بپوشد- مثل پیراهن و..- برای هر یک باید کفّاره بدهد؛ و احتیاط واجب آن است که اگر آن‌ها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد برای هریک کفّاره بدهد.

ثبوت کفاره با اضطرار به دوختنی

۵۰۰- پوشیدن لباس دوخته در فرض نیاز، جایز است، ولی کفّاره دارد؛ و اضطرار به پوشیدن

---

(۱). قفازین چیزی بوده که زنهای عرب برای حفظ از سرما، در آن پنبه می‌گذاشتند و دست می‌کردند

(۲). آیة اللَّه بهجت: پوشیدن هر نوع دستکش جایز نیست مگر در حال ضرورت.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: منظور از قفازین هر نوع دستکش است.

آیة اللَّه صافی و آیة اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب پوشیدن هر نوع دستکش برای بانوان در حال احرام جایز نیست آیة اللَّه فاضل: ولی کفاره ندارد.

(۳). آیةاللَّه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: ظاهر آن است که اگر برای پوشیدن جنس دوخته یک کفّاره بدهد کافی است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱، مسأله ۲۰).

(۴). آیة اللَّه بهجت: ظاهر تعدّد کفّاره است به تعدّد صنف‌ها مطلقا، چه علی الترتیب بپوشد و چه در یک دفعه بپوشد.

آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر تعدد صدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد.

آیة اللَّه سیستانی: در این صورت اگر نوع این لباس‌ها مختلف باشد، به تعداد هر لباس بایدکفّاره بدهد و اگر نوع لباس‌ها یکی باشد، بنابر احتیاط به تعداد هر لباس باید کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۴۵).

(۵). آیة اللَّه بهجت: مگر در صورتی که إزار نداشته و شلوار بپوشد که در وجوب فدیه تامّل است. (مناسک‌شیخ، ص ۲۰ و ۲۱).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۱

لباسهای متعدد، موجب سقوط کفّاره نیست.

تکرار کفاره

۵۰۱- اگر یک نوع لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفّاره بدهد و پیراهن دیگری بپوشد، یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد، باید برای دفعه دیگر نیز کفّاره بدهد. ۵۰۲- اگر چند لباس از یک نوع بپوشد- مثل چند قبا یا پیراهن- چه در یک مجلس، یا چند مجلس، بنابر احتیاط واجب، برای هر یک کفّاره بدهد.

۲۱- پوشیدن آنچه تمام روی پا را می‌گیرد

اشاره

بیست و یکم- پوشیدن کفش و جوراب و هرچه تمام روی پا را می گیرد.

---

(۱). آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی: بنا بر احتیاط در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم کفّاره دارد.
آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط. (مناسک، مسأله ۲۴۵).
آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که موجب عسر و حرج شود.
(۲). آیهٔاللَّه خویی: فتوای معظّم له در دست نیست.
(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: اگر یک دفعه پوشیدن صدق کند. (مستفاد از مناسک شیخ، ص ۲۰).
(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: در صورتی که چند لباس بپوشد ولو از یک نوع باشد، باید به تعداد آنها کفّاره بدهد.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر تعدد صدق کند برای هر مورد یک کفاره بدهد.
آیهٔ اللَّه خویی: فتوای معظّم له در دست نیست.
آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه (یعنی پشت سر هم و بدون فاصله) بپوشد، فقط یک کفّاره واجب می‌شود.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره، یک کفّاره و در احرام حج نیز یک کفّاره کافی است. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۱،- مسأله ۲۰).
آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که موجب عسر و حرج شود.
(۵). آیهٔ اللَّه بهجت: بلکه مطلقاً با صدق لبس و پوشیدن علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۲۱).
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند- مانند کفش و گیوه و امثال آن- اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد.
آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط نپوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را بپوشاند.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند ولی بند نعلین اشکال ندارد.
تذکر: از تقیید حرمت، به صدق پوشیدن، استفاده می‌شود که افتادن حوله احرامی و پتو روی پا هنگام خواب و غیر آن، اشکال ندارد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۲

۵۰۳- این حکم به مردان اختصاص دارد و برای زن مانع ندارد.

پوشیدن کفش بنددار

۵۰۴- پوشیدن کفش بند دار که تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.

اضطرار به پوشیدن جوراب و مانند آن

۵۰۵- اگر مرد به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌گیرد، محتاج شود، احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

۲/ ۵۰۵- افرادی که هنگام استفاده از پای مصنوعی ناچار به استفاده از جوراب، یا تسمه دوخته شده هستند و انجام اعمال بدون پای مصنوعی برایشان بسیار مشکل است، چه وظیفه‌ای دارند؟ ۵۰۶- در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد، کفّاره نیست.

---

(۱). آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه مضطرّ شود.

(۲). آیات عظام: بهجت: خویی، فاضل، مکارم: احتیاط مستحب این است. (مناسک عربی، مسأله ۲۴۸).

(۳). آیـهٔاللّه بهجت: اگر عرفاً لبـاس مخیط صادق نیست کفاره نـدارد وگرنه دارد هرچنـد با وجود عـذر پوشـیدن آن جائز است در همان حدّ ضرورت و عذر.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر ناچار به پوشیدن باشید حرام نیست ولی در صورتی که صدق لباس بکند کفاره دارد.

آیهٔاللّه فاضل: اگر جوراب دوخته نباشد مانعی ندارد هرچند تسمه آن دوخته باشد، اما اگر جوراب دوخته باشد، باید کفاره بدهید.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر ناچار هستند، کفاره‌ای بدهند، و احرام آنها اشکال ندارد.

(۴). آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احوط ثبوت کفاره گوسفند است. آیهٔ اللّه نوری: یک گوسفند واجب است.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: در پوشـیدن چکمه و مانند آن کفّاره‌ای واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط، اگر عمداً جوراب و مانند آن را بپوشـد باید یک گوسفند کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۴۸).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط مستحب در خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفّاره قربانی کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۳

۲۲- پوشیدن سر

اشاره

بیست و دوم- پوشاندن سر بر مردان با چیزهای پوششی.

۵۰۷- بنابر احتیاط واجب از پوشاندن سر به وسیله چیزهای غیر پوششی- مثل گِل و حنا و دوا و پوشال و مانند آن- اجتناب شود.

۵۰۸- بنابر احتیاط واجب از حمل بار به وسیله سر که موجب پوشاندن می‌شود، اجتناب شود.

پوشاندن سر با دست

۵۰۹- پوشاندن سر به وسیله اعضای بدن- مانند دست بر سر گذاردن - جایز است، ولی احتیاط در ترک آن است.

۵۱۰- زیر آب کردن سر، در حال احرام جایز نیست و همچنین است مایع دیگری؛ مثل گلاب و غیر آن.

پوشاندن قسمتی از سر

۵۱۱- بعض سر، در حکم تمام سر است و نباید پوشیده شود.

---

(۱). آیات عظام صافی، گلپایگانی، تبریزی، خویی: محرم نباید سر خود را بپوشاند حتی با گِل و مانند آن.

(۲). آیهٔ اللّه بهجت: احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به قسمتی از بدن؛ مثل دست استدر غیر مواردضرورت عرفیّه یا شرعیّه. اگرچه جواز خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ۲۵).

(۳). آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، وحید و فاضل: برای محرم چه مرد و چه زن.

(۴). آیهٔ اللّه بهجت: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب شود و بنا بر احتیاط در غیر آب از مایعات دیگر (مناسک، مسأله ۲۶۴).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: فرو بردن تمام سر در آب برای محرم جایز نیست، و بنابر ظاهر، در این مسأله تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد؛ اما اگر تمام سر را در آب فرو برد، کفاره‌ای بر عهده‌اش نخواهد بود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: محرم نبایستی در آب فرو رود که سرش زیر آب برود.

آیهٔ اللّه سیستانی: برای محرم جایز نیست همه سر خود را در آب فرو برد بلکه بنابر احتیاط در غیر آب هم جایز نیست و فرقی در این حکم بین زن و مرد نیست و منظور از سر در این حکم، همه قسمتی است که بالاتر از گردن است.

(۵). آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: بنابر احتیاط.

(۶). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفا مصداق پوشاندن سر باشد،- مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر- جایز نیست، اما در غیر این صورت، مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر، اشکال ندارد، هرچند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید.

آیهٔ اللّه خویی: بردن بعض سر در آب مانعی ندارد. (معتمد العروه، ج ۴، ص ۲۲۱).

آیهٔ اللّه سیستانی: پوشیدن بعض سر جایز نیست ولی زیر آب بردن بعض سر جایز است.

آیهٔ اللّه فاضل: بنابر اقوی در تغطیه، لکن در حمل، بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب، ولی ریختن آب بر سر مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۴

استفاده از ماسک بند دار برای مردان و زنان

۵۱۲- استفاده از ماسک‌های بهداشتی که بند آن را پشت سر می‌اندازند و بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان محرم چه حکمی دارد؟ ۵۱۳- گوشها ظاهراً از سر محسوب است و نباید پوشیده شود.

استفاده از موی مصنوعی در حال احرام

۵۱۴- استفاده از موی مصنوعی، ضرر به صحت عمره و حج ندارد؛ ولی اگر مرد آن را بر سرش بگذارد، باید کفّاره بدهد.

---

(۱). آیت‌اللّه تبریزی: اگر مثل نخ باشد مانعی ندارد و اگر زنان مضطرّ به این عمل باشند اشکال ندارد، واللّه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد.

آیت‌اللَّه سیستانی: اگر از بوی بد مانع شود جایز نیست و برای زنان به احتیاط واجب مطلقاً جایز نیست.

آیت‌اللَّه صافی: بدون ضرورت جایز نیست و با ضرورت تکلیفاً جایز است، ولی با فرض پوشیده شدن بعض سر در مرد و بعض صورت در زن کفّاره دارد؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: ماسک زدن برای زن محرم، هرچند مخیط و موجب ستر مقداری از صورت او شود، در حال ضرورت مانعی ندارد و کفّاره هم ندارد و برای مرد هم هرچند مخیط باشد، مانعی ندارد و کفّاره ندارد.

آیت‌اللَّه مکارم: اشکال ندارد.

آیت‌اللَّه نوری: خیر، جایز نیست و علت آن این است که برای مردان به خاطر پوشانده شدن بعض سر و برای زنان به جهت پوشاندن بعض صورت اشکال پیدا می‌کند.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه نوری: گوش‌ها در این حکم ملحق به سر است.

آیهٔ اللَّه فاضل: ولی پوشاندن مقداری از گوش مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر از روی اضطرار باشد ظاهراً کفّاره ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر از روی ضرورت باشد کفّاره ندارد و در غیر این صورت بنابر احتیاط یک گوسفند کفّاره دارد. (ملحق مناسک).

آیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که تمام سر را پوشانده باشد اما اگر قسمتی از سر را پوشانده است کفاره ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۵

جواز پوشاندن رو برای مردان

۵۱۵- پوشانیدن رو برای مردان، مانع ندارد، و جزو سر محسوب نیست؛ پس در وقت خواب، یا غیر آن، مانعی از پوشاندن آن نیست.

چند مورد مستثنی از حرمت

۵۱۶- گذاشتن بند مشک آب بر سر، از حکم عدم جواز پوشش، استثنا شده و مانع ندارد.

۵۱۷- دستمالی که برای سردرد به‌سر بسته می‌شود، اگرچه تمام سر را بگیرد مانع ندارد و کفّاره هم ندارد.

۵۱۸- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

۵۱۹- اگر پارچه‌ای را مثلا برای حفظ از پشه، روی چوب و مانند آن، بالای سر قرار دهند، از جهت پوشاندن، مانع ندارد و همچنین است رفتن در پشه‌بند.

۵۲۰- رفتن زیر دوش حمّام برای مُحرِم، مانع ندارد، ولی زیر آبشاری که سر را فرا گیرد، جایز نیست..

خشک کردن سر با حوله

۵۲۱- خشک کردن سر با حوله و دستمال و مانند آن، جایز نیست و بعض سر، در حکم تمام سر محسوب می‌شود.

تر بودن سر هنگام مسح در حال احرام

۵۲۲- محرمی که سرش هنگام وضو برای مسح، تر باشد، و نمی‌تواند صبر کند تا خودش خشک شود، یا با مثل دست آن را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

---

(۱). آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی: گناه ندارد ولکن کفّاره دارد.
(۲)- آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه نوری: احوط ثبوت کفّاره است.
آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: مانعی ندارد ولی یک گوسفند کفّاره دارد. (مناسک فارسی، ص ۴۲).
(۳). آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: هرچند به نحو کشیدن پارچه بر سر باشد بنابر احتیاط واجب و اگروقت نماز تنگ است گوشه حوله یا پارچه را بگیرد و به مقداری که در مسح سر واجب است خشک کند.
(۴)- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، گلپایگانی، مکارم: اگر به تدریج صورت گیرد که تمام سر پوشیده نشود مانعی ندارد و همین است حکم در خشک کردن صورت بانوان.
(۵)- مراجعه شود به مسأله قبل.
آیهٔ اللّه تبریزی: با دست و یا جای دیگر بدن، سر را به مقدار مسمّای مسح، خشک کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۶

پوشاندن سر هنگام خواب

۵۲۳- پوشاندن سر برای مردان در وقت خوابیدن نیز جایز نیست؛ ولی گذاردن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

پوشاندن سهوی سر و گفتن تلبیه

۵۲۴- اگر کسی از روی فراموشی سرش را پوشانید، واجب است فوراً آن را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید؛ بلکه احوط است.

پوشاندن سر دیگری در حال احرام

۵۲۵- آیا برای محلّ یا محرم، جایز است چیزی- مثل پتو- روی سر مرد محرمی که خواب است، بیندازد؟

کفّاره پوشاندن سر

۵۲۷- کفاره پوشاندن تمام سر- به هر نحو که باشد- یک گوسفند است؛ و نیز کفّاره پوشاندن قسمتی از سر، بنابر احتیاط یک گوسفند است.
۵۲۸- هرگاه مرد محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، باید دو کفّاره بدهد.

---

(۱). آیت اللّه خامنه‌ای: بر محرم پوشاندن سر خودش حرام است خواه خودش بپوشاند یا به دیگری دستور دهد که سر او را بپوشاند، ولی پوشاندن سر دیگری ولو محرم باشد از محرّمات احرام نیست.
آیات عظام: تبریزی، سیستانی، فاضل: جایز نیست.

آیهٔ اللّه بهجت و آیت اللّه صافی: دلیلی بر منع آن نرسیده است؛ چه محل باشد چه محرم.

آیت اللّه مکارم: احتیاط ترک این امور است.

(۲). آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط واجب کفّاره‌اش یک گوسفند است.

(۳). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کفاره پوشاندن سر، بنابر احتیاط، یک گوسفند قربانی کردن است و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل اینکه کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً. (مناسک، س ۵۸).

آیهٔ اللّه تبریزی: یک کفّاره کافی است.

آیهٔ اللّه خویی: حرمت لبس اینگونه مخیط به نظر ایشان مبنی بر احتیاط است و لذا احتیاط در دو کفّاره است.

آیـهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در صورتی که چیزی که پوشیدن آن حرام است را بپوشد؛ مثل عمامه و کلاه، ولی اگر مثلًا پیراهن خود را بر سر بگذارد، بیش از یک کفّاره لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: در مثل پارچه دوخته شده یک کفّاره دارد، ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنابر احتیاط واجب دو کفّاره دارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۷

تکرار پوشاندن

۵۲۹- تکرار پوشانـدن سر در حال احرام- بنابر احوط- موجب تکرار کفّاره است؛ اگرچه تعدّد کفّاره، معلوم نیست و عدم وجوب، بعید به نظر نمی‌آید. ۵۳۰- بعد از پوشاندن سر و ذبح کفّاره، اگر مجدداً سر را پوشانید، احتیاط به کفّاره دادنِ دوباره، بسیار مطلوب است، اگرچه وجوبش معلوم نیست. ۵۳۱- پوشاندن سر با علم و عمد، کفّاره دارد؛ و در صورت ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان، کفّاره ندارد.

۳- محرّمات مخصوص به بانوان

۲۳- پوشیدن زیور

اشاره

بیست و سوم- پوشیدن زیور برای زن به‌جهت زینت.

---

(۱). آیـهٔ اللّه بهجت: احوط تعدد فدیه است به تعدد پوشانیدن، خصوصاً هر گاه بی عذر باشد، خصوصاً هر گاه مجلس متعدّد باشد و اقوی تعدد فدیه است در صورت تخلل تکفیر. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیهٔ اللّه تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط تکرّر کفّاره در صورت تکرّر ستر است مطلقاً.

آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست یک کفّاره کافی باشد.

آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری: در صورت تعدّد پوشانیدن سر، باید کفّاره متعدد بدهد. (مناسک عربی، ص ۹۱).

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط در این مسأله و مسأله بعد، وجوبی است.

(۲). آیهٔ اللَّه مکارم و آیهٔ اللَّه‌نوری: احتیاط، واجب است.

نظر آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: در این صورت دوباره باید کفّاره بدهد.

(۳). آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه ظاهر این است که در موارد جواز ستر واضطرار نیز کفّاره واجب نیست (مناسک، مسأله ۲۵۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۸

۵۳۲- بنابر احتیاط واجب زن بایـد در حال احرام از زیورِ زینتی هرچند بدون قصد تزیین باشد، اجتناب کند؛ بلکه حرمت آن، خالی از قوت نیست.

۵۳۳- زیورهـایی را که قبـل از احرام، به پوشـیدن آن، عـادت داشـته، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد ولی نبایـد به هیـچ مردی، حتی به شوهرش نشان دهد.

زیور کفّاره ندارد

۵۳۴- پوشیدن زیور، کفّاره ندارد.

۲۴- پوشاندن رو برای زنان

اشاره

بیست و چهارم- پوشانیدن روی با نقاب و روبند و برقع.

۵۳۵- پوشانـدن رو هر چند با چیزهای غیر متعارف- مثل پوشال و گِل و ماننـد آن- بنابر احتیاط جایز نیست؛ و نیز پوشاندن با بادبزن جایز نیست.

۵۳۶- قسمتی از رو، در حکم تمام آن است و نباید پوشانده شود.

---

(۱). آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان مُحرِم حرام است.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر زیور به قصـد زینت باشـد حرام است و اگر به قصـد زینت هم نباشـد ولی عرفاً زینت حساب می‌شود احتیاط واجب در ترک است.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب.

(۲). آیهٔ اللَّه فاضل: اگر قصد زینت به آن‌ها را نداشته باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: ولی آن را بپوشاند.

(۳). آیـهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط مسـتحب آن‌ها را برای شوهرش و مردانی که با او مَحرم‌اند ظاهر نسازد و نشان ندهد. (مناسک، مسأله ۲۵۶).

(۴). آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره‌اش بنابر احتیاط مستحب، یک گوسفند است.

آیهٔ اللَّه خویی، متعرّض اثبات و نفی مسأله کفّاره نشده‌اند.

(۵). آیهٔ اللّٰه بهجت: در غیر حال ضرورت، مانند تحفّظ از مگس و نحو آن در حال خوابیدن. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیهٔ اللّٰه نوری: پوشاندن رو هر چند به چیزهای غیرمتعارف؛ مثل پوشال و گل نیز جایز نیست و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

(۶). آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: پوشاندن صورت در حال احرام به گونه‌ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت که برای این منظورها پوشیده می‌شود شامل گونه‌ها و بینی و دهان و چانه نیز مانند پوشاندن همه صورت حرام است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: به احتیاط واجب، و لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می گیرد خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: بعض رو در حکم تمام است. و بنابر اقوی پوشاندن صورت در قسمت پایین آن؛ یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالایی آن به احتیاط واجب.

آیهٔ اللّٰه مکارم: پوشانیدن بعض صورت، به‌طوری که نقاب و برقع به آن نگویند جایز است.

آیهٔ اللّٰه نوری: چانه جزو صورت محسوب می‌شود، و باید مقنعه را طوری ببندد که زیر چانه قرار بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۱۹

حکم چانه زنان

۵۳۷- چانه جزو صورت محسوب می‌شود و باید باز باشد؛ پس اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب‌ها بپوشاند، اشکال دارد.

خشک کردن صورت

۵۳۸- زن محرم- بنابر احتیاط- نمی‌تواند حوله را بر صورت خود بکشد. ۵۳۹- زن‌های محرم برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، باید مواظب باشند صورتشان پوشیده نشود ولی اگر عامداً و عالماً نباشد، مانع ندارد.

گذاردن دست روی صورت

۵۴۰- زن محرم می‌تواند دست بر صورتش بگذارد.

گذاردن روی روی بالش

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: چانه جزو صورت است که نباید پوشانده شود و بعض صورت نیز در حکم تمام آن است، ولی دست گذاشتن روی صورت مانعی ندارد. (پرسشهای جدید حج، ص ۱۲، سؤال ۵۰).

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نظر ایشان در مسأله ۵۳۶ آمده است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه مکارم: اشکال ندارد.

(۳). آیهٔ اللّٰه نوری: زن محرم نمی‌تواند صورت خود را با حوله خشک و یا پاک کند.

(۴)- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: به صورت تدریجی که تمام صورت پوشیده نشود، مانعی ندارد.

آیة اللَّه فاضل: جایز نیست مگر در حال ضرورت.

(۵)- آیة اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۵۴۳ مراجعه شود.

آیة اللَّه سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می‌پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

آیة اللَّه مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۰

۵۴۱- گذاردن روی بر بالش برای خوابیدن، مانع ندارد.

پوشش برای نماز

۵۴۲- پوشاندن سر برای زنان در حال نماز، واجب است؛ ولی آنچه را به عنوان مقدمه علمی می‌پوشانند، باید بعد از نماز فوراً آن را باز کنند.

پوشش از نامحرم

۵۴۳- برای رو گرفتن از نامحرم، جایز است چادر یا جامه‌ای را که بر سر افکنده، تا محاذی بینی بلکه چانه، و حتی در صورت احتیاج، تا گردن، پایین بیندازد و چیزی بر او نیست؛ و بهتر بلکه احوط، آن است که آن را با دست یا چیز دیگر، از رو، دور نگه دارد تا به صورت نچسبد.

کفّاره پوشاندن رو

۵۴۴- بعضی برای دور نگه نداشتن جامه از صورت، کفّاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

---

(۱). آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، گلپایگانی: پوشانیدن رو که مقدمه پوشانیدن سر می‌باشد، در حال نماز عیبی ندارد؛ آیة اللَّه بهجت: و نیز می‌تواند سر اندازش را آویزان نماید در نماز و بعد از آن.

(۲). آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: احتیاط واجب این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

آیة اللَّه مکارم: واجب نیست.

(۳). آیة اللَّه بهجت: بلکه مطلقاً و اختیاراً و تا حدّ نحر علی‌الأظهر. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

(۴). آیة اللَّه سیستانی: و در جایی که نا محرم نیست این گونه پوشش نیز جایز نیست.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگهدارند. (آداب و احکام حج، ص ۱۶۲).

(۵). آیة اللَّه خامنه‌ای: رها کردن کمی از چادر خود به روی صورت تا محاذی بالای بینی اشکال ندارد ولی‌احتیاط آن است که هرگاه در معرض نگاه نامحرم نیست از این کار اجتناب کند.

(۶). آیة اللَّه خامنه‌ای، آیة اللَّه خویی و آیة اللَّه تبریزی: این احتیاط ترک نشود.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.

(۷). آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه مکارم: تحفظ آن از رسیدن به صورت لازم نیست.

(۸). آیة اللَّه بهجت: شاید وجه آن، استفاده مساوات احرام زن در رو، با احرام مرد در سراست در جمیع‌احکام از بعضی روایات، و

در این استفاده تامّل است. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

(۹). آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۱

۵۴۵- در نقاب انداختن و پوشاندن رو، به هر نحو که باشد، کفّاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: وجوب کفارّه پوشانیدن صورت زنان یک گوسفند، منقول از شیخ و حلبی است. (مناسک شیخ، ص ۲۶).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند بدهد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۲

فصل ششم: مستحبات و آداب

۱- مستحبات ورود به حرم

۱- همین‌که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.

۲- برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلَّ و علا- پابرهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود؛ این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَعَلی کُلّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ. اللّهُمَّ إنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدةٍ وَفَجٍّ عَمیقٍ سامِعاً لِنِدائِکَ وَمُستَجیباً لَکَ مُطیعاً لِأمْرِکَ وَکُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَاحْسانِکَ إلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النَّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

۴- وقت دخول حرم مقداری از علفِ (اذخر) گرفته آن را بجود.

۲- مستحبات ورود به مکه معظّمه

۵۴۶- برای دخول مکه معظمه نیز غسل مستحب است؛ و هنگامی‌که وارد مکه می‌شود با

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمانهای گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملًا ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیّت او پاداش می‌دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۳

حالت تواضع وارد شود؛ و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

۳- مستحبات ورود به مسجدالحرام

اشاره

۵۴۷- مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل نماید.

غسل برای طواف

۵۴۸- آیا بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

دفعات استحباب غسل برای ورود به مسجدالحرام

۵۴۹- آیا استحباب غسل ورود به مسجدالحرام تنها برای قادم و کسی است که اعمال عمره بجای می‌آورد، یا برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است؟

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست، مگر این‌که برای طواف باشد.

(۲). آیهٔاللَّه بهجت: رجاءً نیّت هر دو را به یک غسل بنماید.

آیهٔ اللَّه تبریزی: برای زیارت بیت‌اللَّه غسل مستحب است و طواف، زیارت بیت است، واللَّه العالم.

آیهٔاللَّه‌خامنه‌ای: برای‌خصوص طواف هم غسل مستحبی وارد شده است ولی می‌توانید هر دو را در یک غسل نیت کنید.

آیهٔاللَّه سیستانی: غُسل زیارت کعبه مستحب است ولی استحباب غُسل دخول مسجدالحرام و غسلِ طواف ثابت نیست و اگر خواست انجام دهد به قصد رجا اشکال ندارد و می‌تواند یک غسل را به نیّتهای متعدد انجام دهد.

آیهٔاللَّه صافی: غسل برای طواف بالخصوص، به نظر نرسیده است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: بلی برای هر دو مورد؛ یعنی دخول در مسجدالحرام و طواف غسل مستحب است و یک غسل به نیت هر دو کفایت می‌کند.

آیهٔاللَّه مکارم: ظاهراً طواف، غسلِ مستحب ندارد.

آیهٔ اللَّه نوری: بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجدالحرام استحباب غسل دیگری برای طواف ثابت نیست.

(۳). آیهٔاللَّه بهجت: رجاءً مانعی ندارد.

آیت اللَّه خامنه‌ای: اختصاص به ورود اوّل ندارد.

آیت اللَّه تبریزی: غسل دخول مسجدالحرام، که همان غسل برای دخول مکه و حرم است، اختصاص به قادم و کسی که اعمال را به جا می‌آورد، دارد.

آیت اللَّه سیستانی: استحباب آن حتی برای قادم ثابت نیست.

آیت اللَّه صافی: بعید نیست برای هر وارد به مسجد باشد و در هر مرتبه.

آیت اللَّه فاضل: برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است.

آیت اللَّه مکارم: به قصد رجا مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۴

و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود؛ و هنگام ورود از در «بنی‌شیبه» وارد شود؛ و گفته‌اند که باب بنی‌شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است؛ بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلامُ عَلَيْکَ أ يُّها النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلى أ نْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى إبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِ‌الْعالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإلَى اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْماءِ للَّهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدْ بِنْ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْکَ أ يُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلى أنبياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى خَلِيْلِ اللَّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَى الْمُرسَلِينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد وَبارِکْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحِمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّد کَما صَلَّيْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إبْراهِيمَ وَآلِ إبْراهِيمَ إنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيْدٌ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُو لِکَ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى إبْراهِيْمَ خَلِيلِکَ وَعَلى أ نْبِيائِکَ وَرُسُلِکَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أبْوابَ رَحْمَتِکَ وَاسْتَعْمِلْنِي في طاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإيمانِ أبَداً ما أبْقَيْتَني جَلَّ ثَناءُ وَجْهِکَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذي جَعَلَني مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَني مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَني مِمَّنْ يُناجِيهِ، أللَّهُمَّ إنِّي عَبْدُکَ وَزائِرُکَ في بَيْتِکَ

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۵

وَعَلى کُلِّ مَأتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أتاهُ وَزارَهُ، وَأ نْتَ خَيْرُ مَأتِيٍّ وَأکْرَمُ مَزُورٍ فَأسْأَ لُکَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ بِأ نَّکَ أنتَ اللَّهُ لا إلهَ إلّاأ نْتَ وَحْدَکَ لا شَرِيکَ لَکَ بِأ نَّکَ واحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَکُنْ لَهُ (لَکَ خ ل) کُفُواً أحَدٌ، وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلى أهْلِ بَيْتِهِ يا جَوادُ يا کَرِيمُ يا ماجِدُ يا جَبَّارُ يا کَرِيمُ أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إيّايَ بِزِيارَتي إيَّاکَ أوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِيَني فَکاکَ رَقَبَتي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه می‌گوید:

«أللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتي مِنَ النَّارِ».

پس می‌گوید:

«وَأوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَياطِيْنِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إنّي أسْأَ لُکَ في مَقامي هذا وَفي أوَّلِ مَناسِکي أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتي وَأنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِيئَتي وَأنْ تَضَعَ عَنِّي وِزْري، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرامَ أللَّهُمَّ إنّي أشْهَدُ أنَّ هذا بَيْتُکَ الْحَرامُ الَّذي جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأمْناً مُبارَکاً وَهُدىً لِلْعالَمينَ أللَّهُمَّ إنّي عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَيْتَ بَيْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُطِيْعاً لِأمْرِکَ راضياً بِقَدَرِکَ أسْأَ لُکَ مَسْأ لَةَ الْفَقِيْرِ إلَيْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أبْوابَ رَحْمَتِکَ واسْتَعْمِلْني بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

بعد خطاب می‌کند به‌سوی کعبه و می‌گوید:

«أ لْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثابَةً لِلنّاسِ وَامْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِیْنَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لاإلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۶

بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّی وَبِعِبادَةِ الشَّیْطانِ وَبِعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد، به‌سوی آن متوجه شود و بگوید:

«أ لْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أنْ هَدانَا اللَّهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا إلهَ إلّااللَّهُ وَاللَّهُ أکْبَرُ، اللَّهُ أکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أکْبَرُ مِمّا أخْشی وَاحْذَرُ، لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیْکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیِی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَبارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ کَأفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إبْراهِیمَ وَآلِ إبْراهِیمَ إنَّکَ حَمِیْدٌ مَجِیدٌ، وَسَلامٌ عَلی جَمیعِ النَّبِیِّینَ وَالمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ أللَّهُمَّ إنِّی اومِنُ بِوَعْدِکَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَکَ وَأتَّبِعُ کِتابَکَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی، دست‌های خود را بلند کن؛ و حمد و ثنای الهی را به‌جا آور؛ و صلوات بر پیغمبر بفرست؛ و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«أللَّهُمَّ أمانَتِی أدَّیْتُها وَمِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ أللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّی وَعِبادَةِ الشَّیْطانِ وَعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«أللَّهُمَّ إلَیْکَ بَسَطْتُ یَدِی وَفِیما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی فَاقْبَلْ سُبْحَتی وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، أللَّهُمَّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْیَ فی الدُّنیا وَالْآخِرَةِ».

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۷

باب دوم

آداب و مستحبات طواف ۳۱۴

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۸

اللَّهُمَ

إِنِّی أَسْأَلُکَ إِیمَانا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِی

وَ یَقِینا [صَادِقا] حَتَّی أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ یُصِیبَنِی إِلا مَا کَتَبْتَ

لِی وَ رَضِّنِی مِنَ الْعَیْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

کلّکم راعٍ و کُلُّکم مسئولٌ عنْ رعیَّتِه؛

و الأمیرُ الذی عَلَی الناسِ راعٍ و هو مسئولٌ عن رَعیّتِهِ؛ و الرجلُ راعٍ علی أهل بَیتِهِ و هو مسئولٌ عنهم؛ و المرأةُ راعیةٌ علی أهل بیتِ بَعْلِها و وُلْدِه و هی مسئولةٌ عنهمْ؛ و العَبْدُ راعٍ علی مال سیّدِهِ و هو مسئولٌ عنه؛

ألا فَکُلُّکم راعٍ و کُلُّکم مسئولٌ عنْ رعیّته

جامع‌الأخبار ۱۱۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۲۹

باب دوم: وجوب طواف

فصل اول: وجوب طواف

۱- رکنّیت طواف و حکم ترک آن

اشاره

اولین عمل عمره بعد از احرام، طواف است.

۵۵۰- طواف عبارت است از: «هفت مرتبه گرد خانه کعبه گردیدن» و هر دور از آن «شوط» نام دارد؛ پس طواف، عبارت از هفت شوط است.

ترک طواف

۵۵۱- طواف از ارکان عمره است؛ و کسی که آن را تا وقتی که وقت آن فوت شود، ترک کند، عمره او- چه عالم به حکم و چه جاهل باشد- باطل است. ۵۵۲- چنین کسی، احوط آن است که حج افراد به‌جا آورد، و پس از آن، عمره به‌جا آورده و حج را در سال بعد، اعاده کند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: و وجوب ذبح یک شتر مطلقا، حتّی در حال علم و عمد، موافق احتیاط است. (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط، جاهل به حکم باید یک شتر کفّاره بدهد. (مناسک، اوّل بحث طواف).

آیهٔ اللّه فاضل: عمره تمتع او باطل می‌شود ولی احرام او باقی می‌ماند که برای خروج از احرام باید اعمال عمره مفرده را تمام کند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: و ظاهراً حج او مبدل به حج افراد می‌شود و وجوب قضای حج بر او در سال آینده قوی‌است.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: عمره‌اش باطل می‌شود و احرام او نیز باطل می‌شود و بایـد حـج را در سال بعـد اعاده کنـد و احتیاط مستحب این است عدول به حج افراد نموده و آن را به‌قصد اعمّ از حجّ و عمره مفرده تمام نماید.

آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: حـج او مبـدل به حج افراد می‌شود و در سال بعد هم باید حج را قضا کند. (آداب و احکام حج، ص ۱۹۱ مسأله ۴۶۷).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۰

ترک سهوی طواف

۵۵۳- اگر کسی طواف را سـهواً ترک کند، لازم است هر وقت که باشد، آن را به‌جا آورد؛ و اگر به محل خود برگشـته و نتواند به مکه برگردد، یا مشقت داشته باشد، باید نایب بگیرد. ۵۵۴- اگر طواف واجب- اعم از طواف عمره و طواف حـج و طواف نساء- را فراموش کنـد و با زن نزدیکی نمایـد، بایـد یک هـدی در مکه ذبح کند؛ و احتیاط آن است که شتر باشد؛ و در صورت بازگشت از مکه، بایـد خودش بـاز گردد و طواف و نماز آن را بجا آورد؛ و احتیاطاً در غیر طواف نساء، سـعی را هم بجا آورد؛ و اگر نمی‌تواند بازگردد، یا مشقت دارد، نایب بگیرد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: وسعی را نیز بنابر احتیاط اعاده کند.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر قبل از فوت وقتِ طواف متذکر شود، باید تا وقت نگذشته قضا کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست در محل خود قربانی کند.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که نسیان مبدّل به علم شود و استمرار نداشته باشد کفاره دارد والّا چیزی براو نیست.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: برای فراموشی طواف عمره در مکه و برای فراموشی طواف حج در منی قربانی نماید، و قربـانی کردن یـک گوسـفند کـافی است. و از مناسـک آیـات عظـام تبریزی، خویی، سیستانی اسـتفاده می‌شود که: این حکم در طواف نساء نیست. (مناسک، مسأله ۳۲۷).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: کسـی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد و برای او مشـکل باشـد که به مکه مراجعت نماید و آنچه را فراموش کرده بجا آورد واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنابر احتیاط واجب هـدی بفرسـتد و احوط آن است که شتر باشـد. آیـهٔ اللَّه صافی بعـد از «برای او طواف کند» می‌فرماید: و نماز طواف بخواند و بنابر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشـد، و در مواردی که گفته شـد بایـد وجوباً یا احتیاطاً بعـد از اتمام و نماز طواف، اعاده نمایـد، نایب نیز به همان شـرح عمل کند. (مناسک فارسی، م ۱۰۴)

آیهٔ اللَّه مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: و احتیاط مستحب.

(۶)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، باید سعی را اعاده کند و اگر بعد از آن باشد، مثلًا طواف عمره را پس از

وقوف در عرفات متذکر شود یا طواف حج را پس از پایان ذی‌حجه متذکر شود طواف را قضا می‌کند و اعاده سعی لازم نیست و تا طواف را خودش یا نایبش انجام نداده‌اند آنچه بر او حرام شده است حلال نمی‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۱

ترک جهلی طواف

۵۵۵- اگر طواف را- چه طواف عمره یا زیارت- با جهل به حکم ترک کند و به محلِّ خود بازگردد، باید حج را اعاده و یک شتر قربانی کند.

وقت فوت طواف

۵۵۶- وقت فوت طواف، زمانی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به‌جاآورد، نتواند وقوف عرفات را درک کند.

نقصان طواف و مراجعت به وطن

۵۵۷- اگر کسی طواف او ناقص بوده ولی تا بعد از مراجعت به وطن، متذکر نقصان نشود، احتیاط آن است که برای تدارک بازگردد؛ واگر نتوانست یا مشکل باشد، نایب بگیرد.

---

(۱). آیهٔ الله فاضل: کفاره در طواف عمره بنابراحتیاط است.

(۲). آیهٔ الله بهجت: وجوب ذبح یک شتر مطلقا حتی در حال علم و عمد موافق احتیاط است که در مسأله ۵۳۲ هم گذشت (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیهٔ الله تبریزی: کفاره دادن یک شتر در ترک طواف حج از روی جهل به مسأله است، و اما در طواف عمره تمتع چنانچه از روی جهل به مسأله ترک شد، هر چند باید حج در سال آینده اعاده کرد ولی کفاره ندارد.

آیهٔ الله خویی: اگر کسی طواف عمره تمتع را از روی علم یا از روی جهل ترک کند به نحوی که قبل از وقوف عرفات نتواند آن را تدارک نماید عمره و حتی احرام عمره اش باطل می‌شود و باید در سال دیگر حج را اعاده نماید و کفاره مذکوره اختصاص دارد به موردی که طواف حج را از روی جهل ترک کرده باشد

آیهٔ الله سیستانی: کفاره در مورد طواف مبنی بر احتیاط واجب است

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: چون احتمال می‌دهد در احرام باشد، احتیاطا از نزدیکی با زن قبل از انجام عمره مفرده دوری نماید و یک شتر قربانی کند.

آیهٔ الله فاضل: اگر چه با زن هم نزدیک نکرده باشد

آیهٔ الله مکارم: در ترک طواف عمره، قربانی احتیاط مستحب است و در طواف حج، احتیاط واجب است.

(۳). آیهٔ الله بهجت: میزان در تنگی وقت ... بیم از دست رفتن وقوف اختیاری عرفات است (مناسک، مسألهٔ ۱۵۷).

آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: یعنی نتواند خود را به اندازه درک مقدار رکن از وقوف- مسمای وقوف اختیاری- به عرفات

برساند

آیهٔ الله سیستانی: آخر زمان آن وقتی است که بتواند اعمال عمره را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

(۴). آیهٔ الله بهجت: و اگر متذکر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می گیرد (مناسک شیخ، ص ۴۲)

آیات عظام تبریزی، خامنه ای، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد

آیهٔ الله سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به جا آورد، اگر چه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

(۵). آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: و در این صورت نیز بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد (مناسک فارسی، مسأله ۱۰۴

آیهٔ الله مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۲

عدم فوریت تدارک طواف ناقص

۵۵۸- اگر حج گزار طواف عمره یا بعضی از اشواط آن را فراموش کند و مثلًا در عرفات به یاد آورد، تدارک آن فوریت ندارد و می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند.

انجام سعی قبل از طواف

۵۵۹- اگر کسی قبل از انجام طواف سعی را به‌جا آورد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر طواف و نماز آن، سعی را هم به‌جا آورد.

تذکر نسیان طواف در سعی

۵۶۰- اگر کسی هنگام سعی، متذکر شود که طواف را به‌جا نیاورده، باید سعی را رها نموده، طواف را به‌جا آورد، سپس سعی را اعاده کند.

انجام حج نیابی با بطلان طواف خود

۵۶۱- اگر شخصی طواف حج واجب خود را باطل انجام داده باشد و بعد از آن حج نیابی بجا

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۵۸۸.

آیهٔ اللّه بهجت: و اگر سعی را انجام داده، سعی را بنابر احتیاط اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب قبل از طواف حج، آن را تدارک کند. پس اگر کسری آن سه شوط یا کمتر است تکمیل نماید

و اگر بیشتر است تکمیل کند و به احتیاط واجب اعاده کند.

(۲)- آیة اللَّه خامنه‌ای: باید سعی را اعاده نماید.

آیـة اللَّه سیستانی: باید سعی را اعاده نماید، مگر در صورتی که طواف را فراموش کند تا وقت آن بگذرد؛ مثل این‌که طواف عمره را تا وقوف در عرفات یا طواف حج را تا پایان ذی‌حجّه فراموش کند، که اعاده سعی لازم نیست گرچه بهتر است.

آیة اللَّه فاضل: بنابر اقوی سعی را نیز بعد از طواف اعاده کند.

آیة اللَّه مکارم: این احتیاط در مورد سعی مستحب است.

(۳)- آیـة اللَّه صـافی، آیـة اللَّه گلپایگـانی: اگر قبـل از شوط چهارم سـعی یادش بیایـد که طواف به‌جا نیاورده، سـعی را رها کنـد و طواف را به‌جا آورد و سپس سعی را انجام دهد و اگر بعد از اتمام شوط چهارم بوده، آن را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده نماید. (آداب و احکام حج، م ۶۶۷).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۳

آورده باشد، حج نیابی او صـحیح است؛ ولی باید طواف حج خود را تدارک نماید. موارد گوناگون بطلان و نقص در طواف بر اثر فقدان شروط مختلف، در لابلای احکام آتی ذکر شده است.

۲- مباحات و محذورات هنگام طواف

اشاره

۵۶۲- در حال طواف، تکلم و خنـده و شـعر خوانـدن، جایز، ولی مکروه است؛ و مسـتحب است در حال طواف، مشـغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

اکل و شرب در حال طواف

۵۶۳- اکل و شرب در حال طواف، مانع ندارد.

خواندن نماز مستحب در حال طواف

۵۶۴- در حال طواف، خواندن نماز مستحب چه حکمی دارد؟

طواف با علم به تماس با نامحرم

۵۶۵- اگر شخصی در حال طواف با علم به حرمت، از روی شهوت با بدن زنی تماس حاصل

---

(۱)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: در فرض عمد یا جهل حجّش باطل است ولی حج‌های نیابی صحیح است.

آیـهٔ اللّٰه سیستانی: در فرض جهل به مسأله، حج او باطل است و به احتیاط واجب بایـد یک شتر کفّاره بدهـد و سایر حج‌ها صحیح است.

آیـهٔ اللّٰه صافی، آیـهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر از روی عمد ولو با جهل به مسأله بوده، حج‌هایی که انجام داده اشکال دارد و اگر از روی نسیان بوده طواف حج خود را بجا آورد و سعی را احتیاطاً انجام دهد و حج‌های نیابی او صحیح است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر از روی سهو و فراموشی باشد حج او صحیح است و اگر عمداً باشد یا جهلًا، حج او اشکال دارد.

(۲)- آیـهٔ اللّٰه فاضـل: و اگر عمـداً چنین کرده بایـد حـج خودش را اعـاده کنـد و سـایر حـج‌ها اگر خللی در آنها ایجاد نکرده باشـد محکوم به صحّت است.

(۳)- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

(۴). آیات عظام: بهجت، سیستانی، فاضل و مکارم: مانعی ندارد.

آیت اللّٰه خامنه‌ای: اگر بتواند جمع بین قصد طواف و قصد نماز مستحبی در حال طواف نماید اشکال ندارد.

آیت اللّٰه تبریزی: مشروعیت آن ثابت نیست، واللّٰه العالم.

آیت اللّٰه صافی: احوط ترک آن است، واللّٰه العالم.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۴

نماید هر چند کار حرامی کرده ولی مضر به طواف نیست و اگر کاری که موجب کفّاره است انجام دهد، باید کفّاره بدهد.

پا گذاردن روی اشیاء در حال طواف

۵۶۶- پـا گـذاردن روی احرامی دیگران و چیزهـایی که از افراد در مطـاف می‌افتـد- از قبیـل سـاعت و غیره- موجب بطلاـن طواف نمی‌شود.

احرام و طواف در لباس غیرمخمّس

احکام خمسِ مربوط به طواف، در قسمت خمس در پایان کتاب ذکر شده است.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه فاضل: اما اگر این عمل با علم و عمد انجام شده و موجب انزال شده، علاوه بر گناه باید یک شترکفّاره بدهد و نسبت به طواف، حکم محدث شدن در اثنای طواف را دارد که در مسأله ۵۸۰ آمده است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: چنانچه موجب تماس، مشی در حال طواف باشد، طوافش اشکال دارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اما اگر موجب انزال شود طوافش باطل و کفّاره هم دارد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر لمس از روی لباس باشد گناه کرده ولی کفّاره ندارد.

(۳). آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: ولی نباید اذیت دیگران رافراهم آورد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ولی عمداً این کار را نکند مگر مانع عبور باشد.

(۴)- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: ولی عمداً پا روی آن نگذارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۵

فصل دوم: شرایط و مقدمات طواف

اشاره

واجبات طواف، بر دو گونه است:
اول: مقدمات و شرایط پنج گانه طواف:

۱- نیّت

اشاره

«نیّت» یعنی انجام طواف با قصد خالص برای خداوند متعال.

توضیح کلّی نیت در عبادات

۵۶۷- به زبان آوردن و از قلب گذراندن نیت، لازم نیست؛ و همین که بنا دارد عمل را برای خداوند به‌جا آورد، کفایت می کند؛ و نیت در عبادت با کارهای دیگر در این جهت یکسان است؛ پس همان طور که قصد انسان هنگام آب خوردن، معلوم و محقق است، عبادت نیز همین گونه است.

لزوم اخلاص در نیت

۵۶۸- طواف و هر عبادتی، باید برای اطاعت خداوند متعال بجا آورده شود؛ و فارق بین عبادت و غیر آن، همین خصوصیت است.

مراتب تحقق قصد قربت

۵۶۹- برای صحیح بودن عمل از جهت قصد قربت، کافی است که آن را برای خدای متعال، یا

---

(۱)- نظر آیات عظام در مسائل مربوط به کیفیت نیّت در بحث نیت در احرام گذشت.
آیهٔ اللّه فاضل: و نیز نیت کند: هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم برای عمره تمتّع از حَجّهٔالاسلام یا حج استحبابی.
آیهٔ اللّه مکارم: برای عمره تمتّع یا حج و غیر آن.
(۲)- آیهٔ اللّه سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود؛ خواه اطاعت صدق کند یا نکند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۶
برای اطاعت امر او جلّ جلاله، یا برای ترس از جهنم، یا شوق به رسیدن به بهشت و ثواب، به‌جا آورد.

حکم ریا

۵۷۰- اگر کسی در انجام طواف یا سایر اعمال عمره و حج ریا کند؛ یعنی عمل خود را خدای ناکرده برای نشان دادن و به رخِ دیگری کشیدن، و خوب جلوه دادن، به‌جا آورد، طواف و هرچه را که این‌طور به‌جا آورده، باطل است و علاوه بر آن خدای جلیل را هم معصیت نموده است.

۵۷۱- ریا بعد از اتمام عمل، باعث بطلان عمل نمی‌شود ولی در هر حال، معصیت است.

بطلان عمل با شرکت رضای غیر

۵۷۲- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگری را هم شریک کند و خالص برای خدا نباشد، عمل او باطل است.

کفایت نیّت قلبی

۵۷۳- به زبان نیاوردن نیت، مسوّغ برای قطع طواف و از سرگیری آن نمی‌شود و اگر از سر گرفت اشکال دارد.

طواف بدون قصد

۵۷۴- اگر کسی در حال طواف، بدون قصد- مثلًا بخواهد کسی یا چیزی را از زمین بردارد- گامی به طرف جلو بردارد اگر توجه به طواف ندارد، و نمی‌داند که آیا آن مقدار مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

شک در نیّت نیابت در طواف

۵۷۵- اگر شخصی در اثنای طواف شک کند که آیا طواف را به نیت منوبٌ‌عنه آغاز کرده یا به نیت خودش، احتیاط آن است که طواف را به نیت منوبٌ‌عنه اتمام کند و پس از نماز آن، طواف و نماز را اعاده کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: در فرض صدق معیار مذکورِ در حاشیه مسأله ۵۶۸.

(۲)- آیات‌عظام تبریزی، صافی، فاضل، گلپایگانی: با قصد استیناف اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی: با اعتقاد به جواز استیناف مجزی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: صحّت طواف بعید نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: اشکال ندارد.

(۳)- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: به شک خود اعتنا نکند.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قصد طواف ولو اجمالًا داشته باشد کافی است.

(۴)- آیهٔ اللّٰه بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوبٌ‌عنه تمام کند. (استفتائات جدید)
آیـهٔ اللّٰه خامنه‌ای: می‌تواند طواف مزبور را به نیّت منوبٌ‌عنه اتمام کرده و پس از نماز آن را با نماز، اعاده کند و می‌تواند آن را رها نموده و طواف را به نیابت از منوب‌عنه از سر بگیرد.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.
آیـهٔ اللّٰه فاضل: در فرض مـذکور به نیّت آنچه نیت کرده آن را اتمام کنـد و نماز طواف را بخوانـد. امّا نمی‌تواند به آن اکتفا کند و باید طواف و نماز آن را به نیّت منوبٌ‌عنه اعاده کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۷

۲- طهارت از حدث

اشاره

طهارت از حدث
دوم- طهارت از حدث اکبر (جنابت، حیض و نفاس)، و از حدث اصغر؛ یعنی با وضو باشد.
۵۷۶- در عمره و حج، طهارت از حدث اکبر و اصغر، در تمامی طوافهای آن- اعم از طواف عمره، طواف حج و طواف نساء- شرط است.

عدم لزوم طهارت در طواف مستحبی

۵۷۷- طهارت از حـدث اکبر و اصـغر، در طواف مسـتحبی شـرط نیست، هرچنـد جنب یا حایض، جایز نیست در مسـجدالحرام وارد شوند، ولی اگر با غفلت یا نسیان، طواف مستحب انجام دادند، طواف آنها صحیح است.

بطلان طواف با حدث

۵۷۹- اگر شخصی عمداً، یا جهلًا، یا از روی غفلت یا نسیان، با حدث اکبر یا اصغر، طواف کند، طواف او باطل است.

بطلان وضو بعد از شوط چهارم

۵۸۰- اگر در اثنای طواف، حـدث عارض شود، اگر پس از تمام شـدن دور چهارم باشـد، باید طواف را قطع کرده، بعد از تحصـیل طهارت، از همانجا که آن را قطع کرده، اتمام کند.

---

(۱). آیـهٔالله خـامنه‌ای: در طواف مستحبی وضو لازم نیست ولی به احتیـاط واجب در حال جنابت و حیض یا نفاس، طواف صـحیح نیست.

(۲). اگر حدث بعد از اتمام دور چهارم باشد

آیات عظام: بهجت، خویی، سیستانی، فاضل: اگر حدث بدون اختیار باشد، بعد از طهارت، طواف را تکمیل می‌کند و اگر با اختیار باشد احتیاطا اتمام و اعاده می‌کند.

آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: بعد از طهارت طواف را تکمیل می‌کند.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: با بقای موالات تکمیل می‌کنـد و با زوال آن، احتیاطاً تکمیل و اعاده می‌کند و می‌تواند یک طواف به نیّت اعم از اتمام و اعاده انجام دهد.

و اگر حدث قبل از نصف یا اتمام دور چهارم باشد:

آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، مکارم: اگر قبل از نصف باشد (آیهٔ اللّه سیستانی: قبل از چهارم) بعد از طهارت، طواف را اعاده کند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر حدث مابین سه و نیم تا چهار عارض شود حکم فرض قبلی را دارد و اگر قبل از سه و نیم عارض شود پس از طهارت طواف را اعاده کند.

امام خمینی و آیهٔ اللّه نوری: بنابر احتیاط واجب طواف اول را تکمیل و نماز می‌خواند اعاده می‌کند.

آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی: قبل از سه و نیم، بعـد از طهارت طواف را اعاده کند. و طبق نظر این مراجع اگر بعد از ۳/۵ و قبل از اکمال چهار باشـد: بعـد از طهارت، بنابر احتیاط (آیهٔ اللّه فاضل: بنابر فتوی) طواف اول را تکمیل و بعد از نماز آن، طواف را اعاده کند.

طبق نظر همه مراجع از سر گیری طواف بعد از زوال موالات، جایز است؛ فقط طبق نظر:

آیات عظام: امام خمینی، صافی، فاضل: اگرطواف قطع شده چهار شوط کامل بوده است، باید طوافِ اول، تکمیل و نماز آن خوانده شود.

از سر گیری طواف با بقای موالات طبق نظر مراجع ذیل جایز است:

آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم، نوری، خویی

و آیهٔ اللّه صافی و آیهٔ اللّه گلپایگانی (با رعایت تکمیل بعد از شوط چهارم).

تذکر: طبق نظر مراجعی که از سر گیری را جایز می‌دانند، رعایت تفصیل بین نصف و کمتر از نصف، احتیاطی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۸

بطلان وضو قبل از شوط چهارم

۵۸۱- اگر عروض حدث پیش از تمام شدن دور چهارم باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اتمام و اعاده کند و این حکم، در حدث اصغر است.

حدث اکبر در اثنای طواف

۵۸۲- اگر در اثنـای طواف، حـدث اکبر- مثل جنابت یا حیض- عارض شود، طواف کننـده بایـد فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، و اگر پیش از تمام شدن دور

(۱). به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

(۲)- نظر آیات عظام در دو مسأله قبل گذشت که فرقی بین حدث اصغر و جنابت نگذاشته‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۳۹

چهارم حدث عارض شده، طواف را با طهارت اعاده کند.

شک در حدث و طهارت

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛ ص ۲۳۹

۵- اگر بعد از طهارت، در پیدایش حدث شک کند، بنابر طهارت بگذارد؛ ولی اگر بعد از حدث، در تحصیل طهارت شک کند، بنابر حدث بگذارد و طهارتِ لازم را تحصیل نماید.

شک در طهارت بعد از طواف

۵۸۴- اگر بعد از تمام شدن طواف، شک کند که آیا وضو یا غسل داشته یا نه، طواف او صحیح است، ولی برای اعمال بعد، باید تحصیل طهارت نماید.

شک در وضو و غسل در اثنای طواف

۵۸۵- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، باید وضو بگیرد؛ و اگر شک، بعد از اتمام دور چهارم بوده، تتمه طواف را به‌جا آورد؛ و اگر قبل از اتمام دور چهارم باشد، بنابر احتیاط واجب، طواف را اتمام و اعاده کند. ۵۸۶- در تمام صورت‌هایی که گفته شد در صورت شک، «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است»، بهتر است که با شک در وضو، تجدید وضو کند؛ و با شک در غسل، رجاءً غسل به‌جا آورد؛ چون ممکن‌است که بعداً معلوم شود که طهارت نداشته و اشکال پیدا شود.

شک در غسل کردن در اثنای طواف

۵۸۷- اگر طواف کننده در اثنای طواف، در انجام غسل جنابت یا حیض یا نفاس شک کند، باید

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: احوط در هر دو صورت (قبل و بعد از شوط چهارم) این است که بعد از پاکی یک طواف کامل به نیّت اعم از تمام و اتمام به‌جا آورد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه فاضل: به تفصیلی که در حاشیه مسأله ۵۸۰ آمده است عمل شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در مورد حیض در حال طواف به ذیل مسأله ۵۸۰ مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این‌که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و

طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد. (منهاج‌الصالحین، ج ۱، مسأله ۲۰۹).

(۳). شک در وضو یا غسل در اثنای طواف:

آیات عظام: تبریزی، خویی، بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل، خامنه‌ای، نوری، مکارم: اگر قبلًا وضو و غسل نداشته و شک در تحصیل آن دارد، باید بعد از طهارت طواف را اعاده نماید.

و اگر قبلًا وضو داشته: و شک در باطل شدن آن دارد بنابر طهارت می‌گذارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۰

فوراً از مسجدالحرام بیرون برود، و غسل کند؛ اگر بعد از اتمام شوط چهارم شک کرده، باقیمانده طواف را به‌جا آورد و احتیاط در اعاده است؛ ولی اگر قبل از دور چهارم شک کرده، طواف را اعاده نماید.

طواف با وضوی باطل

۵۸۸- اگر حج‌گزار در عمره تمتع، بعد از تقصیر متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است. ۵۸۹- اگر حج‌گزار بعد از انجام اعمال عمره و حج بفهمد وضویش باطل بوده، با تدارک طوافها و نماز، حجش صحیح است.

---

(۱). آیهٔ اللّه خامنه‌ای: و برگردد و طواف را اعاده نماید.

(۲). جهت تفصیل نظر آیات عظام به ذیل مسأله ۵۸۵ مراجعه شود.

(۳)- آیات عظام بهجت، تبریزی: و بنابر احتیاط، بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم را مراعات کند.

وآیهٔ اللّه بهجت اضافه می‌فرماید: و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، تقصیر قبلی کفّاره ندارد. (مناسک، س ۸۵ و ۱۷۰).

آیهٔ اللّه خویی: باید لباس دوخته را بیرون بیاورد و سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و در فرض گذشت زمان تدارک، حجش باطل است. (المسائل الشرعیه، ص ۳۴۲ و ۳۵۱ و ۳۵۷).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد باید آن را جبران کند و بعد از آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده است از محرّمات احرام اجتناب نماید و اگر بعد از گذشتن وقت تدارک متوجّه شود، در صورت سهو و نسیان، اعاده طواف کافی است و در صورت جهل حجّش باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر قربانی بدهد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در فرض مذکور (که بعد از تقصیر و قبل از شروع اعمال حج فهمیده) باید پس از وضو طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸، مسأله ۴۷).

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: واجب است نایب بگیرد و احتیاط این است نایب بعد از طواف، سعی را نیز اعاده کند.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرض مزبور حجّ تمتع او باطل است و بنابر احتیاط طواف و سعی را به قصد عمره مفرده بجا آورده و تقصیر یا حلق نموده طواف نساء را انجام داده از احرام خارج می‌شود و سال آینده حجّ تمتع را بجا آورد.

آیهٔ اللّه خویی: اگر زمان تدارک گذشته مانند این‌که وضوی طواف عمره باطل بوده حجش باطل است، احرام او هم باطل است و

اگر زمان تدارک باقی باشد مانند این‌که طواف حج باطل بوده و هنوز ماه ذی‌حجه تمام نشده طواف و اعمال مترتبه را اعاده می‌کند و اگر متمکن از مباشرت نیست برای آن اعمال نایب می‌گیرد و نباید اعاده غیر از طواف نساء از ماه ذی‌حجه بگذرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی در فرض جهل به حکم حج او باطل است و بنابر احتیاط واجب باید یک شتر کفّاره بدهد و از احرام خارج شده است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در فرض مذکور طواف او باطل است و احرام او باقی است و اگر در ذی‌حجه در مکه متوجه شود بعد از وضو، طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد و عمره مفرده نیز بجا آورد با طواف نساء و مُحلّ شود و در سال بعد حج واجب را بجا آورد و اگر بعد از ذی‌حجه متوجه بطلان طواف شود، عمره مفرده را بجا آورد و چنانچه در خارج از میقات باشد لازم است، ثانیاً در میقات محرم شود رجاءاً و به مکه برود و اعمال عمره مفرده را با طواف نساء بجا آورد تا مُحلّ شود و در سال بعد حج واجب خود را بجا آورد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸، مسأله ۴۷).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۱

انجام مقداری از طواف بدون وضو

۵۹۰- اگر طواف کننده- مثلًا- در شوط آخر طواف، محدث شود بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نماید و نماز و سعی و تقصیر را انجام دهد، مجزی از اتمام طواف اول نیست و باید قسمتی از طواف را که بی‌وضو انجام داده، با وضو به‌جا آورد و بعد از آن نماز طواف را بخواند.

حدث در اثنای طواف و انجام اعمال بعدی

۵۹۱- اگر طواف کننده در اثنای طواف، محدث شده باشد، ولی به اعتقاد صحت اعمال

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر سهواً و از روی غفلت محدث شده است، باید پس از تجدید طهارت طواف را ازهمانجایی که قطع شده ادامه دهد و در صورتی که عمداً بوده است حکم به ادامه طواف از محل قطع، مورد تأمل است و باید طواف را از سر بگیرد (مناسک، ص ۱۰۲) و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. (پرسشهای جدید حج، س ۷۴).

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی: در مسائل ۷۲۴ و قبل از آن توضیح داده شد.

آیهٔ اللَّه خویی: حکم آن در مسأله ۷۲۴ آمده است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر پس از موالات عرفیه اعاده کرده، صحیح است و گرنه مشکل است.

آیهٔ اللَّه فاضل: و سعی و تقصیر را احتیاطاً اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: طواف دوّم و اعمال بعد از آن صحیح است، هرچند می‌توانست طواف اول را پس از وضو هم تکمیل و به آن قناعت کند.

(۳). آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: طواف باطل است وتفصیل در محل خود ذکر شده است. (آداب واحکام حج مسأله ۵۱۰)

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۲

حج را انجام داده باشد، حجش صحیح است؛ ولی باید با ملاحظه قبل و بعد از شوط چهارم، طواف و نماز آن را تدارک نماید؛ ولی اگر کار او عمدی بوده، یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت، اعمال را به پایان برده باشد، صوری دارد که در بعض آنها، صحت حج مشکل است.

فقد طهورین و حکم مستحاضه

۵۹۲- اگر جهت طواف طهورین موجود نباشد، حکم آن حکم عدم تمکن از طواف است، که چنین شخصی با یأس، باید نایب بگیرد؛ و بنابر احتیاط واجب، اگر این شخص، جنب و حایض و نفساء نیست، خودش نیز طواف کند؛ و این احتیاط، در مستحاضه نیز جاری است، چون مستحاضه بدون به‌جا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است، می‌تواند وارد مسجدالحرام شود و طواف کند،

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر وقت عمل گذشته است در هر صورت حجّش فاسد است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه خویی: اگر وقت طواف و اعمال بعد از آن باقی است، تدارک می‌کند و گرنه حجش باطل است. (مستفاد از المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۲).

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر حدث بعد از شوط چهارم باشد حج او مطلقاً صحیح است ولی باید خودش و اگر نتواند نایبش بقیّه اشواط را بجا آورد و اگر بعد از سه دور و نیم و قبل از تمام شدن دور چهارم محدث شده، باید احتیاط کند، همانطور که در مسأله ۵۸۰ آمده است و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحّت، انجام داده‌یا جاهل‌مقصّرِبوده‌است، صوری دارد که در بعضی از آن صور حج باطل است. تفصیل آن در ذیل مسأله ۵۸۰ آمده است. بلی‌اگر حدث در طواف نساء بوده، حج مطلقاً صحیح است ولی طواف نساء را باید طبق مسأله ۵۸۰ انجام دهد.

(۳)- به مسأله ۵۸۰ مراجعه شود.

(۴)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: حجّش فاسد است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: در تمام صور حج او مشکل است.

(۵)- به مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱ مراجعه شود.

(۶)- آیهٔ اللّٰه مکارم: فرض فاقد الطهورین در مسجدالحرام وجود ندارد.

(۷)- آیهٔ اللّٰه بهجت: حکم فاقد الطهورین حکم غیر متمکن از طواف است که با یأس از تمکّن نایب می‌گیرد واحوط آن است که خود نیز طواف کند. (مناسک شیخ، ص ۳۶).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و احتیاط مستحب آن است.

(۸)- آیهٔ اللّٰه مکارم: و مستحاضه هم نمی‌تواند داخل مسجدالحرام شود.

(۹)- آیهٔ اللّٰه بهجت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل‌هایی که بر آن‌ها واجب است نمی‌تواند واردمسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله شوند. (پرسشهای جدید حج، ص ۱۴، سؤال ۵۷).

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بدون به‌جا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است، بنابر احتیاط نمی‌تواند وارد مسجد شود. (عروهٔ ...احکام المستحاضه، م ۱۸).

آیهٔ اللّٰه مکارم: نمی‌تواند وارد مسجد شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۳

گرچه داخل شدن در مسجدالحرام برای مستحاضه، خلاف احتیاط استحبابی است.

معذور از وضو و غسل

۵۹۳- معذور از انجام وضو و غسل، واجب است بدل از وضو یا بدل از غسل، تیمم کند.

حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل

۵۹۴- اگر بعد از تیممِ بدل از غسل، حدث اصغر عارض شود، باید برای حدث اصغر، تیمم کند و برای حدث اکبر تیمّم لازم نیست؛ و تا حدث اکبرِ دیگری برای او حاصل نشده و عذرش باقی است، همان تیمم اول، کافی است، ولی بنابر احتیاط تیمم بدل از غسل را هم انجام دهد. ۵۹۵- معذور از انجام وضو یا غسل، بنابر احتیاط واجب در صورتی که امید بر طرف شدن

---

(۱)- آیهٔ اللّه مکارم: اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود.

آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط باید صبر کند تا عذر او برطرف شود و اگر از زوال عذز مأیوس شد با تیمم طواف کند، بلی قبل از یأس زوال عذر می‌تواند رجاءً با تیمم طواف نماید پس اگر تا آخر عذر او ادامه داشت به آن طواف اکتفا کند.

(۲)- آیهٔ اللّه فاضل: و وقت طواف تنگ شود...

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت معذور بودن از غسل و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احوط اولی این است که نایب نیز بگیرند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در غسل غیر جنابت، علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن، باید وضو هم بگیرد وگرنه باید یک تیمم دیگر به‌جای وضو به‌جا آورد و جنب متیمّم بنا بر احتیاط مستحب نایب هم بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۷۶).

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمّم بدل از آن و تیمّم بدل از حدث اکبر است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۹).

(۴)- آیهٔ اللّه تبریزی: اگر بدل از غسلِ جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند؛ و اگر برای حدث اکبرِ دیگر غیر از جنابت تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیمّم بدل از غسل کند.

آیهٔ اللّه خویی: لازم است تیمم بدل از غسل بکند. (منهاج، مسأله ۳۸۱).

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: افضل و احوط تأخیر است ولی اظهر جواز مبادرت است. (ذخیره، ج ۱، ص ۱۹۶).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: چنانچه بداند تا پیش از پایان وقت طواف عذرش برطرف می‌شود؛ باید تا هنگام برطرف شدن عذر صبر کند.

آیهٔ اللّه خویی: اگر احتمال بقای عذر تا آخر وقت می‌دهد می‌تواند صبر نکند ولی اگر بعداً کشف خلاف شد باید اعاده نماید بلی اگر عذرش نبودِ آب باشد باید فحص کند، به تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر وقت تنگ نباشد تیمّم جایز نیست مگر این که از بر طرف شدن عذر مأیوس باشد یا احتمال دهد در صورت تأخیر از انجام تیمّم نیز عاجز شود.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با علم به بر طرف شدن عذر، انتظار واجب است و در غیر این صورت تأخیر بنا بر احتیاط مستحب است. (وسیلهٔالنجاهٔ، احکام التیمم).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۴

عذرش را دارد، باید تا هنگام تنگ شدن وقت یا قطع امید، صبر کند.

فرض کفایت طواف و نماز با تیمّم

۵۹۶- اگر معتمر جنب باشد و آب برای او ضرر داشته باشد، یا آب موجود نباشد و یا اگر بخواهد آب بیابد و غسل کند وقت عمره می گذرد، طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است و نایب گرفتن لازم نیست.

تیمم به جای وضو

۵۹۷- انجام طواف و نماز با تیمم با امکان وضو صحیح نیست، و اگر کسی با امکان وضو، تیمم کرده، اگر اعمال حج را با اعتقاد به صحت به پایان برده، از احرام، خارج شده و فقط باید

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر طواف با تیمم در آخر زمان تمکّن از مباشرت واقع شود. (مناسک شیخ، ص ۳۶).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط نایب هم بگیرد.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر بعد از تقصیر بفهمد که طوافش باطل بوده، لازم است اعاده کند و احتیاطاً سعی وتقصیر را نیز اعاده کند و اگر بعد از اعمال حج فهمید، غیر از تدارک، در صورت امکان عمره مفرده هم به جا می‌آورد علی الأحوط. (مناسک، س ۸۵ و ۷۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر تدارک نکرده، حجّ وی اشکال دارد.

آیهٔ اللَّه خویی: به حاشیه مسأله ۲۵۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حج باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و در هر صورت، از احرام خارج نشده و اگر قبل از وقوفین باشد پس از طهارت، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و سپس محرم شود برای حج تمتع و اگر بعد از وقوفین یا بعد از حج بفهمد، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده انجام دهد و سال بعد ثانیاً، عمره و حج تمتّع را بجا آورد. (مستفاد از مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۸ مسأله ۴۷ و ص ۴۷۴ مسأله ۳۲ و)....

آیهٔ اللَّه مکارم: خارج شدن از احرام خالی از اشکال نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۵

طواف و نماز را اعاده کند؛ و اگر خود او نمی‌تواند برود، باید نایب بگیرد.

انجام عمره بدون وضو و احرام جدید

۵۹۸- شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود و در اثنای آن، متوجه می‌شود که در عمره اوّل طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، وظیفه او در این صورت چیست؟

صحت حج با جهل به غسل جنابت

۵۹۹- کسی که نمی‌دانسته باید غسل جنابت نماید و با جنابتْ حج انجام داده، حج او صحیح است، ولی طوافهای عمره، حج و نساء را بایـد اعاده کنـد؛ و اگر نمی‌تواند خودش بجا آورد، نایب بگیرد؛ و تا طواف حج وطواف نساء را تدارک نکرده، از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، دوری نماید.

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: به قصد وظیفه ابتداء یک طواف و نماز آن انجام دهد و بعد طواف و سعی و تقصیر کند و اگر عمره دوّم به نذر یا استیجار بر او واجب شده بوده احتیاطاً اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: بنـابر احتیاط طواف و نماز آن را قضا نمایـد و پس از آن تمام اعمال عمره مفرده به قصـد ما فی الـذمه انجام دهـد، واللَّه العالم

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: باید طواف و نماز عمره اول را اعاده نماید و احرام دوم نیز صحیح است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احرام دوّم باطل است و باید همه اعمال عمره اوّل را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه صافی: در فرض سؤال، طواف و نماز و سعی و تقصیر عمره‌ای را که به نیابت پدر انجام داده اعاده نماید، واللَّه العالم

آیهٔ اللَّه فاضل: ابتدا طواف و نماز طواف عمره سابق را بجا آورد سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد.

آیـهٔ اللَّه مکارم: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می‌کند و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجّه داشـته باشد که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد مگر این‌که بر نیّت رجا؛ یعنی به امید این‌که مطلوب باشد).

آیهٔ اللَّه نوری: بعد از اتمام عمره دوّم طواف و نماز آن را که از عمره اوّل بجا مانده است بجا بیاورد صحیح است.

(۲)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: حج او باطل است و شخص مذکور باید با اعمال عمره مفرده از احرام‌خارج شود.

(۳). آیهٔالله بهجت: و به احتیاط واجب در صورت امکان، عمره مفرده بجا آورد، با فرض بقای حالت جنابت او. (مستفاد از مناسک س ۷۵)

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۶

در این فرض نمازهایی که خوانده، باید قضا کند؛ ولی روزه‌های او صحیح است و قضا ندارد.

طواف با بر عهده بودن غسل مس میت

۶۰۰- اگر حـج‌گزار بعـد از اعمـال حـج بفهمـد غسل مس میت به گردنش بوده، اگر بعـد از مس میت، غسل جنابت کرده، از مسّ میت کفایت می‌کند و عملش صحیح است و گرنه باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

عدم کفایت غسل حیض و جمعه از جنابت

۶۰۱- غسل حیض و جمعه و امثال آنها، کفایت از غسل جنابت نمی‌کند.

ترک تیمم با موظف بودن به وضوی جبیره‌ای و تیمم

۶۰۲- کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم بوده، اگر جهلًا بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، اعاده طواف و نماز آن، کفایت می‌کند.

---

(۱)- به مسأله ۵۹۹ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: یا غیر غسل جنابت از اغسال واجبه یا اغسالی که استحباب آنها ثابت شده مثل غسل جمعه یا غسل احرام یا غسل دخول مکّه و غیر آن.

(۲)- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی و آیهٔ اللّٰه فاضل: هر غسلی هرچند مستحبی باشد کافی است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: هر گاه غسل دیگری غیر از جنابت کرده باشد آن نیز کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّٰه نوری: و اگر شخصاً ممکن نیست نایب بگیرد.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: کفایت غسل واجب که انجام داده است از آن بعید نیست، اگرچه احوط خلاف آن است و در کفایت غسل مستحب از آن اشکال است، احتیاط ترک نشود. (وسیله، ص ۵۹).

آیات‌عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم: بلکه‌اگر غیراز جنابت نیز، یکی‌از آنها راقصدکرده باشد اقوی کفایت است. بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، تمام آنها صحیح است و فقط نمازهایی که بعد از جنب شدن و قبل از اولین غسل حیض یا جمعه خوانده باطل و قضا دارد.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند.

(۴)- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی و خویی: سعی و تقصیر را هم باید اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر وقت تدارک باقی است باید طواف و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته است حجّش محکوم به بطلان است مگر این‌که در کفایت وضو، به غیر رجوع کند، با رعایت الأعلم فالأعلم، اگر از موارد رجوع باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۷

جواز و عدم جواز بدار

۶۰۲/ ۲- آیا بدار برای معذورین از طهارت مائیّه و نیز دیگر معذورین جایز است یا نه؟ و بر فرض جواز اگر قبل از انقضای وقت عذرش برطرف شد اعاده لازم است یا نه؟

خواب کودک هنگام طواف

۶۰۳- اگر کودک را در حال خواب، طواف یا سعی دهند، یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

---

(۱). آیةاللّه بهجت: جایز است مگر علم به برطرف شدن عذر داشته باشد.

آیـةاللّه تبریزی: اگر مأیوس بود بـدار جایز است و در تیمم برای نماز در این‌صورت اعاده واجب نیست و در غیر نماز و تیمم آن در صورت رفع عذر در وقت اعاده لازم است. واللّه العالم.

آیـةاللّه خامنه‌ای: بعد از دخول وقت عمل مشروط به طهارت، بدار جایز است حتی با رجاء ارتفاع عذر در اثنای وقت اگرچه احوط در صورت اخیر ترک بـدار است، و در هر صورت اگر عمل را انجام داد و بعـداً اتفاقاً عذر در اثنای وقت برطرف شد، اعاده واجب نیست، ولی با علم به ارتفاع عذر در اثنای وقت بدار صحیح نیست و باید تا ضیق وقت منتظر بماند.

آیةاللّه سیستانی: بدار در صورت یأس جایز است و اعاده لازم نیست هرچند در وقت، عذر برطرف شود.

آیةاللّه صافی: در فرض سؤال اگر امید زوال عذر در آخر وقت را داشته باشند احتیاط در تأخیر است. واللّه العالم.

آیـةاللّه فاضل: معذور چنان‌چه بداند تا آخر وقت عذرش برطرف نمی‌شود می‌تواند به مجرد ورود اعمال را با وضو یا غسل جبیره‌ای یا تیمم انجام دهد. اما چنان‌چه امید دارد تا زمانی که در مکه است عذرش برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر تا آخر وقت عـذرش برطرف نشـد طبق وظیفه معذور عمل کند. و چنان‌چه بعد از عمل به‌وظیفه معذور عذرش برطرف شد چنان‌چه علم داشته عذرش برطرف نمی‌شود اعاده واجب نیست، ولی اگر امید داشته که عذرش برطرف می‌شود بنابر احتیاط باید اعمال را با غسل و وضو اعاده کند.

آیـةاللّه مکارم: بـدار برای ذوی الاعـذار بنا بر احتیاط واجب جایز نیست مگر این‌که یقین داشـته باشد که تا آخر وقت، عذر برطرف نخواهد شد؛ و در صورتی که تا آخر عذر برطرف شود بنابر احتیاط اعاده لازم است.

(۲). آیةاللّه بهجت: غیرممیّز باشد اشکال ندارد.

آیة اللّه تبریزی: طواف و سعی او صحیح است بلی احتیاط این است که ابتدای طواف بیدار باشد.

آیة اللّه سیستانی: اگر طفل غیر ممیّز باشد و ولیّش او را طواف می‌دهد اشکال ندارد.

آیة اللّه خامنه‌ای: در مورد بچه‌های کوچک (غیر ممیز) مانع ندارد.

آیة اللّه صافی: چنانچه کودک غیر ممیز باشد، اشکال ندارد.

آیـة اللّه فاضل: در طواف بایـد طهارت و سایر شـرایط آن رعایت شود. لذا اگر کودک خوابش ببرد یا محدث شود باید طبق احکام قطع طواف عمـل کنـد. امـا در سـعی طهـارت معتبر نیست و اگر کودک غیر ممیز باشـد چون نیت سـعی او بـا ولیّ اوست لـذا اگر خوابش ببرد سعی او صحیح است.

آیة اللّه نوری: در کودک خواب به اندازه متعارف به طواف و سعی او ضرر نمی‌رساند.

آیة اللّه مکارم: در مورد بچه‌های کوچک اشکالی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۸

مسلوس و مبطون

صحت حج افراد مسلوس و مبطون

۶۰۴- افرادی که مبتلا به خروج مدفوع و یا بول هستند، با رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارند، حجشان صحیح است. ۶۰۵- کسی که پی در پی از او ریح خارج می‌شود، حکم مبطون را دارد؛ و چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد، اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است؛ ولی اگر بتواند- ولو با حمل آب در اثنای طواف- وضو بگیرد، واجب است تجدید وضو کند و همچنین است حکم، در نماز طواف.

---

(۱)- به مسأله بعد مراجعه شود.

آیة اللّٰه بهجت: باید برای طواف نایب بگیرد (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیة اللّٰه تبریزی، آیة اللّٰه خویی: مبطون، احوط این است که در صورت ممکن، هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۲۹۹).

(۲)- آیة اللّٰه بهجت: مانند مسلوس است و همان وظیفه را دارد. (پرسشهای جدید حج، س ۶۶).

(۳)- آیة اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط واجب مثل مبطون باید نایب هم بگیرد.

آیة اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط حکم مبطون را دارد.

آیة اللّٰه خویی: بلکه حکم مسلوس را دارد. (مستفاد از مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیة اللّٰه سیستانی: در فرض مذکور یک وضو برای طواف و نماز کافی است مگر این‌که حدثی غیر از آنچه مستند به بیماری اوست از او سر بزند.

آیة اللّٰه صافی، آیة اللّٰه گلپایگانی: و مبطون برای طواف نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۹ مسأله ۱۳).

آیة اللّٰه مکارم: این احتیاط در مورد مسلوس و مبتلا به خروج ریح واجب نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۴۹

خروج بول از غیرمجری

۶۰۶- کسی که بول او پی‌درپی خارج می‌شود- ولو از مجرای بول نباشد- حکم مسلوس را دارد.

وظیفه مسلوس

۶۰۷- مسلوس اگر در وقت خاصی بتواند طواف و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد؛ و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو بگیرد؛ و اگر مشقت دارد، برای طواف، یک وضو و برای نماز هم، یک وضو بگیرد.

۳- طهارت از نجاست

اشاره

سوم- طهارت بدن و لباس از نجاست.

۶۰۸- طواف کننده بنابر احتیاط واجب باید از نجاسات معفوّ در نماز نیز- مثل خون کمتر از

(۱)- آیهٔ اللَّه خویی: اگر از محلّ غیر معتاد ولو بالعارض خارج شود، آن هم بنابر احتیاط واجب، همان حکم را دارد. (منهاج، آخر ص ۴۱).

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: و در هر صورت بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللَّه بهجت: به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد، برای طواف نیز همان نحو عمل می‌کند (مناسک شیخ، ص ۳۶ ووسیله، ص ۷۶ و ۳۹).

آیهٔ اللَّه تبریزی: بعید نیست که یک وضو کفایت کند؛ مادامی که حدث متعارف از او صادر نشود؛ گرچه احتیاط، اعاده وضو است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد، برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر این را هم نمی‌تواند (حکمی که در متن هست)، برای طواف یک وضو بگیرد و چهار شوط آن را بجا آورد و بعد تجدید وضو نموده و سه شوط دیگر آن را انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۷ مسأله ۴۰).

(۳)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در حال طواف باید بدن و لباس از خون پاک باشند و بنابر احتیاط واجب، باید از سایرنجاسات نیز پاک باشند، اما پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست و خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت‌ها و زخم‌ها که موجب بطلان نماز نمی‌شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی‌کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهر آن است که...

آیهٔ اللَّه مکارم: طواف، در حالی که بدن یا لباس خونِ کمتر از درهم داشته باشد، جایز نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۰

درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس- اجتناب کند.

محمول متنجس و حکم نجاست معفو در نماز

۶۰۹- اگر طواف کننده- مثلًا- بینی او نجس شود، باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند؛ و اگر بدون تطهیر، طواف را ادامه دهد، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند؛ و همچنین است حکم، اگر دستمال نجس همراه او باشد. ۶۱۰- آیا نجاست معفوّ در نماز، در طواف نیز معفوّ است؟ و همراه داشتن محمول متنجس در طواف چه حکمی دارد؟

(۱)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: طواف در جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند یعنی ساتر نباشد؛ مانند مثال‌های مذکور در متن اگر نجس باشد مانع ندارد. و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه وحید: سوم از شرایط صحت طواف بنابر احتیاط واجب طهارت از نجاست است، و از نجاستی مه در بدن یا لباس نماز گزار عفو شده است- مانند خون کمتر از درهم- در طواف عفو نشده است.

(مناسک فارسی معظم له صفحه ۱۵۰

آیهٔ اللّٰه سیستانی: همراه داشتن چیز متنجس در طواف مانع ندارد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نجس بودن این لباس‌های کوچک ضرری ندارد ولی خون کمتر از درهم معاف نیست.

(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: در انگشتر و مانند آن که ثوب صدق نمی‌کند برای صحت طواف طهارت آنها شرط نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس در صورت جهل به مسأله مانعی ندارد.

(۳)- آیهٔ اللّٰه فاضل: و سعی و تقصیر را اعاده کند.

(۴)- به مسأله ۶۱۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه بهجت، آیهٔ اللّٰه خویی: محمول متنجس و همچنین لباس کمتر از مقدار ساتر در طواف عیبی ندارد. (مناسک، مسأله ۳۰۰).

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: به مسأله ۶۰۸ و ۶۱۴ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر ظاهر بدن و لباس نجس نشود طواف صحیح است و همراه داشتن چیز متنجس ضرر ندارد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: لباس‌های کوچک که به تنهایی ستر عورت نمی‌کنند، اگر نجس باشند ضرری ندارند؛ خواه به صورت محمول باشند یا لباس.

(۵). آیهٔاللّٰه بهجت: بنابر احوط معفوّ نیست، و حکم محمول متنجّس، همانند نماز است.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: نجاست معفو در نماز، بنابر احتیاط در طواف معفو نیست و محمول متنجس مضر به طواف نیست، واللّٰه العالم.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: به احتیاط واجب معفو نیست ولی حمل متجنس اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه صافی: بنابر احتیاط نجاست معفوّ در نماز، در طواف معفوّ نیست اما محمول متنجس اگر ساتر نباشد اشکال ندارد، واللّٰه العالم.

آیهٔ اللّٰه فاضل: واجب است از نجاساتی که در نماز عفو شده و از محمول متنجس اجتناب شود. به دو مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نجاسات معفو نیست (بنابر احتیاط واجب) ولی محمول متنجّس اشکالی ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: در طواف معفوّ نیست و محمول هم باید متنجّس نباشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۱

خون قروح و جروح

۶۱۱- بنابر احتیاط واجب، باید خون قروح و جروح را تا حد امکان، تطهیر نمود و لباس را اگر نجس شده، عوض کرد؛ و اگر تطهیرِ خون قروح و جروح، مشقت داشته باشد، تطهیر لازم نیست.

تأخیر طواف برای تحصیل طهارت

۶۱۲- کسی که در بدن او خون قروح و جروح باشد، بنابر احتیاط اگر می‌تواند با تأخیر و بدون مشقت آن را تطهیر کند، باید طواف را به شرط عدم تنگی وقت، تأخیر بیندازد.

طواف با لباس مشکوک

۶۱۳- طواف با بدن و لباسی که شک در نجاست آن داشته باشد، صحیح است؛ چه بداند قبلًا پاک بوده یا نه؛ ولی اگر بداند که قبلًا نجس بوده ونداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند با آن طواف کند.

حصول نجاست در اثنای طواف

۶۱۴- اگر در حال طواف، بدن یا لباس نجس شود، بنابر اظهر باید طواف را قطع، و به تطهیر اقدام شود و طواف از همان‌جا اتمام شود و این طواف، صحیح است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: آنچه موجب بطلان نماز نمی‌شود، طواف را نیز باطل نمی‌کند.
آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید.
(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: یا آنکه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسته و در اثنای طواف دانست، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید واگر نه اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به‌جا آورد. و چنانچه پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به‌قصد اعم از تمام یا اتمام به‌جا آورد.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد اگر موالات بهم نخورده و طواف را از همانجا تمام کند و طواف او صحیح است.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیه طواف را تمام کند و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به‌جا آورد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۲
۶۱۵- اگر طواف کننده در حال طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.

علم به نجاست بعد از طواف

۶۱۶- اگر بعد از فراغ از طواف، به نجاستِ در حال طواف، علم حاصل شود، اظهر صحت طواف است.

علم به نجاست از اول در اثنای طواف

۶۱۷- اگر در بین طواف، علم پیدا کند که نجاست بدن یا لباس او، از ابتدای طواف بوده، احتیاط آن است که طواف را رها نموده و تطهیر کند و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و بعد از آن، طواف و نماز را را اعاده کند؛ خصوصاً اگر تطهیر، طولانی شود. در این احتیاط، فرقی بین حصول علم، بعد از دور چهارم، یا قبل از آن نیست، اگرچه در صورت دوم، احتیاط شدیدتر است.

فراموشی نجاست

۶۱۸- اگر طواف کننده نجاست را فراموش و در اثنای طواف یا بعد از آن متذکر

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: حکم در این مسأله همان است که در مسأله ۶۱۴ آمده است.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی آن است که...

(۲)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه مکارم: وظیفه همین است و اعاده ندارد.

(۳)- نظر سایر آیات عظام در حاشیه مسأله ۶۱۴ آمده است.

(۴)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل و مکارم: در این فرض طواف او صحیح است ودر فرض تذکر در اثنا مقداری که طواف کرده صحیح است و در ادامه به وظیفه عمل می‌کند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر در بین طواف یادش بیاید، باید مطابق دستوری که در حاشیه مسأله ۶۱۴ بیان شده عمل کند و اعاده لازم نیست. و اگر بعد از طواف یادش بیاید طوافش صحیح است ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسأله طواف را نیز بار دیگر بجا آورد.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۳

شود، بنابر احتیاط واجب باید آن را اعاده کند.

طواف و نماز با نجاست و انجام اعمال مترتّبه

۲ / ۶۱۸- کسی که طواف و نماز طواف را با بدن یا لباس نجس از روی جهل یا نسیان، به‌جا آورده، آیا اعاده طواف و نماز لازم است یا نه؟ و تکلیف او نسبت به اعمال مترتبه چیست؟

علم به نجاست دراثنای طواف

۶۱۹- اگر طواف کننده بعد از شوط چهارم، یقین کند که از شوطهای قبل، نجاستی در بدن او بوده، باید با تطهیر آن، بقیه طواف را تکمیل و نماز آن را بخواند؛ ولی اگر در این فرض بدون

---

(۱). آیةاللّه بهجت: باید خودش طواف و نماز را اعاده کند و با عدم تمکن استنابه کند و اعمال مترتبه صحیح است.

آیةاللَّه تبریزی: و در فرض نسیان در طواف صحیح است و در نماز طواف باید اعاده کند. واللَّه العالم.

آیةاللَّه خامنه‌ای: در جهل به موضوع اعاده ندارد و اگر نسیان کرده احوط اعاده است و سعی با اعتقاد به صحت طواف اعاده ندارد ولی طواف نساء با بطلان طواف اعاده شود.

آیةاللَّه سیستانی: طواف در صورت جهل به موضوع یا نسیان صحیح است و همچنین نماز ولی اگر قبل از نماز شک داشته و تفحّص نکرده و بعد از نماز آن را دیده است به احتیاط واجب باید نماز را اعاده کند و در مورد نسیان نیز اگر منشأ آن بی‌اعتنایی بوده اعاده نماز بنابراحتیاط لازم است.

آیةاللَّه صافی: در فرض سؤال در صورت نسیان طواف و نمازش را اعاده کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و در هر صورت جهل به موضوع نجاست اعاده ندارد و طواف و نماز صحیحند و اگر جاهل به حکم بود نیز طواف و نماز و سعی را اعاده نماید. واللَّه العالم.

آیةاللَّه فاضل: در صورت نسیان طواف صحیح است، ولی نماز را اعاده کند. و اعمال مترتبه را که با اعتقاد به صحت انجام داده صحیح است. اما در صورت جهل به حکم، طواف و نماز را اعاده کند، ولی اعمال مترتبه مثل صورت قبل است.

آیةاللَّه مکارم: اعاده لازم نیست.

(۲). در این باره به تفصیل مسایل ۶۱۴ و ۶۱۷ و تفصیل بین شوط چهارم و قبل آن مراجعه شود.

(۳)- آیة اللَّه بهجت: باید طواف را از موضع علم به نجاست تمام کند و بقیه اعمال را اعاده نماید واحوطاستیناف طواف بعد از اتمام آن است. (مستفاد از مسأله ۳۰۳ مناسک).

آیة اللَّه تبریزی: اگر طواف را به نیت وظیفه فعلیّه اعاده کرده نیاز به اتمام طواف اول نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۴

تکمیل طواف اول، بعد از تطهیر، طواف را اعاده کرده و تقصیر نموده، ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

حکم طواف کودک از حیث طهارت و نجاست

۶۲۰- کودک محرمی که او را طواف می‌دهند، آیا باید بدن و لباس او پاک باشد؟ و چنانچه قبل از طواف، او را تطهیر کنند، آیا برای یک طواف کافی است و وارسی بین طواف لازم نیست؟

---

(۱)- آیة اللَّه سیستانی: اگر طواف دوّم را پس از فوت موالات عرفی انجام داده صحیح است و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده صحیح است وگرنه بنابر احتیاط واجب، اعمال عمره را اعاده کند.

آیةاللَّه صافی، آیةاللَّه گلپایگانی: بنابراحتیاط سعی وتقصیر راهم‌اعاده‌نماید. (آداب‌واحکام‌حج، م ۶۰۳).

آیة اللَّه فاضل: اگر طواف دوم را به‌قصد مافی‌الذمّه (اعم از اتمام و اعاده) و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به برائت‌ذمّه بوده باشد صحیح است و در غیر این‌صورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آن را خوانده، و پس از آن بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده احکام محرم رامراعات کند.

آیة اللَّه مکارم: طواف دوّم باطل بوده است و باید طواف سابق را ادامه دهد.

(۲). آیةاللَّه بهجت: بلی لازم است و اگر معلوم نشود در اثنای طواف که چیزی خارج شده، همان تطهیر قبل از طواف کفایت

می کند و اگر در اثناء حدثی به وجود آید احتیاط در تجدید طهارت است مگر اینکه موجب عسر و حرج باشد. [مناسک معظم‌له طبع جدید مسأله ۵۵۷]

آیهٔ اللّٰه تبریزی: آن مقدار که بتوانند بنابر احتیاط رعایت طهارت او را بکنند ولی وارسی لازم نیست، واللّٰه العالم.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: رعایت طهارت بدن و لباسِ او لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه صافی: باید شرایط طواف و نماز در طفل نیز مراعات شود و در صورت غیر ممیّز بودن طفل، در صورت امکان او را وضو دهند لباس و بدن او را تطهیر کنند و در صورت شک در عارض شدن حدث و خبث وارسی لازم نیست و حکم طهارت باقی است، واللّٰه العالم.

آیهٔ اللّٰه فاضل: بلی لازم است و وارسی در بین طواف لازم نیست. ولی اگر متوجه شدند که لباس و بدن او نجس شده، احتیاط این است که آنها را تطهیر کنند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: چنانچه قبل از طواف او را تطهیر کرده باشد کافی است.

آیهٔ اللّٰه نوری: بلی لازم است و برای یک طواف کافی است، و وارسی لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۵

۴- ختنه

چهارم- ختنه در حق مردان؛ و بنابر احتیاط واجب، درباره بچه‌های نابالغ هم رعایت شود.

۶۲۱- اگر بچه‌ای را که ختنه نشده، وادار به احرام، یا او را محرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست؛ و چون طواف نساء او باطل است بنابر احوط حلال شدن زن بر او مشکل است؛ مگر او را ختنه و طواف دهند، یا خودش بعد از ختان، طواف کند، یا برای طواف او نایب بگیرند.

۶۲۲- اگر بچه‌ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: احوط بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، اگر شخصاً محرم شود باید ختنه کرده باشد و اما اگر بچه ممیز نباشد، اعتبار ختان در او ظاهر نیست، اگرچه اعتبارش احوط است.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر ممیّز باشد ختنه معتبر است و اگر نباشد احتیاط مستحب است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: واجب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۴۸۵).

آیهٔ اللّٰه فاضل: طواف طفل ممیزی که ختنه نشده است صحیح نیست و از غیر ممیز بنابر احتیاط صحیح نمی‌باشد هر چند احرام آنها صحیح است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر طفل محرم بدون ختنه طواف کند یا طواف دهند او را، طواف نساء از او باطل خواهدبود طبق احتیاط مذکور، پس زن از برای او بعد از بلوغ حلال نخواهد بود مگر آن‌که تدارک طواف نساء نماید، خودش یا نایبش. (مناسک شیخ، ص ۲۷).

(۳)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: در ممیّزی که خودش محرم شده باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر ممیّز باشد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: طواف طفل ممیّزی که ختنه نشده صحیح نیست، و از غیر ممیّز بنابراحتیاط صحیح نیست هر چند احرام آنها صحیح

است.

(۴)- آیةاللَّه مکارم: تمام طواف‌های او اشکال دارد.

(۵)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ممیّز باشد بنابر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که طواف را ترک کرده است مگر این‌که پس از ختنه طواف را اعاده کند.

(۶)- از آیهٔ اللَّه سیستانی: در مورد کفایت نیابت در این فرض، مطلبی در دست نیست.

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: گرفتن نایب در این صورت (قبل از ختنه) مشکل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۶

۶۲۳- مستطیعی که مختون نیست و فرضاً ختان برای او ضرر دارد و قصد حج دارد، باید محرم شود و طواف کند و نماز بخواند و برای طواف، نایب هم بگیرد، و بعد از طواف وی، خودش نماز دیگر بخواند؛ و در صورتی که دو طواف باهم انجام شود، خودش یک نماز بخواند، کفایت می‌کند. ۶۲۴- در طواف‌های مستحبی نیز ختنه شرط است.

۵- ستر عورت

اشاره

پنجم- ستر عورت. ۶۲۵- طواف بدون ساترِ عورت، باطل است.

لزوم اباحه ساتر

۶۲۶- در ساتر، اباحه معتبر است و با ساتر غصبی، طواف صحیح نیست؛ و با لباسِ غیرِ ساترِ غصبی نیز، بنابر احتیاطِ واجب، طواف باطل است.

۶۲۷- بنابر احتیاط، شرایط لباس نمازگزار، در ساتر رعایت شود.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: گرفتن نایب لازم نیست.

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر بتواند ختنه کند ولو با تأخیر حج تا سال آینده، باید این کار را بکند، پس اگر اصلًا متمکن از ختنه نباشد؛ یعنی برایش ضرر و مشقت دارد لازم است حج را همان سال به‌جا آورد لیکن احتیاط این است که در عمره و حج شخصاً طواف نموده و برای طواف، نایب نیز بگیرد، ولی خودش نماز طواف را به‌جا آورد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: بنا بر احتیاط بلکه اقوی. (مناسک، ص ۱۰۸، شرط پنجم).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: حتی اگر فقط ستر عورت کند و برهنه و عریان بر او صدق کند طوافش باطل است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب، ستر عورت در طواف شرط است.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: طواف در لباس غصبی جایز نیست و در صحّت آن تأمّل و احتیاط است؛ خصوصاً درساتر. (مستفاد از وسیله،

ص ۱۷۹ در نماز).
آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب.
(۶)- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: این احتیاط واجب نیست.
آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری: باطل است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۷

صحت طواف و سعی با لباس دوخته

۶۲۸- طواف و سعی با لباس دوخته ولو عمداً، صحیح است و به صحت عمره و حج، ضرر نمی‌زند.

فرق حجاب در طواف با نماز

۶۲۹- حجاب زن هنگام طواف، با حجاب در نماز، فرق می‌کند؛ و بنابر احوط، فقط وجه و کفین، در طواف، مستثنی است.

پیدا بودن مو در طواف

۶۳۰- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند، ظاهر باشد، در فرض عمد، طواف- علی الأحوط- صحیح نیست؛ و در غیر عمد، صحیح است، مگر علی الأحوط، در جاهل مقصر.

---

(۱)- آیهٔ اللّه تبریزی: اگر ساتر منحصر به لباسهای دوخته‌ای که پوشیده است باشد، طواف اشکال دارد مگر اعتقاد داشته که این عمل بر او جایز است.
آیهٔ اللّه خویی: فتوای ایشان در جایی که هیچگونه ساتر دوخته نشده نداشته باشد روشن نیست.
آیهٔ اللّه مکارم: در صورت عمد، خلاف احتیاط است، گناه کرده و یک گوسفند کفّاره دارد.
آیهٔ اللّه نوری: هر چند که مرتکب حرام شده است و باید یک گوسفند کفّاره بدهد.
(۲)- آیهٔ اللّه خویی: فرق نمی‌کند و پوشاندن صورت برای زن از نامحرم، بنابر احتیاط واجب است ولکن بایدبه نحوی باشد که ساتر به صورت زن مسّ نشود.
آیهٔ اللّه سیستانی: فی الجمله فرق می‌کند، گرچه احتیاط این است که همان مقدار که در نماز پوشاندن واجب است در طواف نیز واجب است؛ ولی اگر قسمتی از موها یا بازو و ساق پا پیدا باشد، طواف صحیح است همچنین به احتیاط واجب نباید صورت خود را با نقاب و مانند آن بپوشاند حتی اگر مُحل باشد.
آیهٔ اللّه فاضل: فرقی ندارد.
آیهٔ اللّه مکارم: در حال نماز پشت پا و کف آن نیز مستثنی است ولی در طواف احتیاط پوشاندن آن است. همچنین در نماز نقاب ضرری ندارد ولی در طواف جایز نیست.
آیهٔ اللّه نوری: فرق می‌کند؛ چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در طواف واجب است صورت خود را نپوشاند.

(۳). آیةالله بهجت: در صورتی که علم نداشته باشد، اشکال ندارد.

(۴)- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: طواف صحیح است هرچند گناه کرده است.

آیةُ اللّٰه خویی: در فرض جهل به حکم، طواف صحیح است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۴).

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۸

مقدار پوشش دختر بچه در هنگام طواف

۶۳۱- پوشش دختر بچه در حال طواف چگونه باید باشد؟

طواف زنان با علم به نگاه و تماس با نامحرم

۶۳۳- طواف مستحبی برای زنان با فرض علم به نگاه به بدن مردان، یا قرار گرفتن در فشار جمعیت، اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند، اشکال ندارد؛ ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف، صحیح است.

---

(۱). آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط به مقدار معمول زنان باشد.

آیةُ اللّٰه صافی و آیةُ اللّٰه فاضل: مانند زنان است.

آیةُ اللّٰه نوری: پوشش خاصّی معتبر نیست اگر به پنج، شش سال رسیده است حکم بانوان را رعایت نماید.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۵۹

فصل سوم: کیفیت طواف

اشاره

گونه دومِ واجبات طواف، واجبات مرتبط با کیفیت آن که هفت مورد و به شرح ذیل است:

۱ و ۲- ابتدا و ختم به حجرالاسود

اشاره

۶۳۴- عبور تمام اجزای بدن طواف کننده از تمام حجرالاسود، لازم نیست؛ بلکه شروع از حجرالاسود، هر جای آن که باشد، و ختم به همان‌جا، کفایت می‌کند.

لزوم پرهیز از وسواس

۶۳۵- طواف باید همان طوری که همه مسلمین انجام می‌دهند، بدون دقت‌های صاحبان وسوسه، از محاذات حجرالاسود، آغاز

شود؛ و در دورهای دیگر، در نزد حجرالاسود، توقف و عقب و جلو رفتن- که برخی از روی جهل، به خیال درست کردن محاذات انجام می‌دهند- لازم نیست و موجب اشکال و گاهی هم حرام است.

شروع طواف قبل از حجرالاسود

۶۳۶- اگر قبل از حجرالاسود، طواف را آغاز و به همان‌جا ختم کند، طوافش باطل است.

---

(۱)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، فاضل: همین که نیت‌داشته باشد با نیّتِ شروعِ طواف از حجرالاسود، از آن عبور کند، و نیز نیت داشته باشد که طواف را به همان جا که شروع کرده ختم کند، کافی است. (مقدار زیاده از باب مقدمه علمیه محسوب می‌شود).

آیهٔ اللَّه مکارم: دقت در محاذی بودنِ اجزای بدن با اجزای حجرالاسود لازم نیست همین اندازه که عرفاً محاذات صدق کند کافی است.

(۲). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: و مانعی ندارد که مقداری هم اضافه کند از باب احتیاط تا یقین کند که از حجرالاسود شروع کرده و به نقطه ابتدا ختم نموده است.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: به حسب شرایط مختلف باید ملاحظه تکلیف و وضع و ثبوت هر یک بشود.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر کمبود طواف؛ یعنی از موضع شروعش تا حجرالاسود را جبران کند، طوافش صحیح است. (مستفاد از س ۸۳ مناسک).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۰

۶۳۷- اگر یقین کند که مثلًا رکن یمانی، همان رکن حجرالاسود است، و طواف را از رکن یمانی شروع کند، طواف او باطل است.

۶۳۸- اگر طواف کننده طواف را از حجرالاسود آغاز کند ولی در هر شوط قبل از رسیدن به حجرالاسود- مثلًا در رکن یمانی- نیتِ ختم نماید، طواف او اشکال دارد، و باید اعاده شود.

۶۳۹- ختم به حجرالاسود، این گونه حاصل می‌شود که در دور هفتم، به همان جا که شروع کرده، ختم نماید و در پایان هر دور، توقف لازم نیست.

۳- قرار دادن کعبه به سمت چپ

اشاره

سوم- بودن خانه کعبه در طرف چپ طواف‌کننده.

کفایت عرفی به سمت خانه بودن شانه چپ

۶۴۰- به‌شانه چپ قرار دادنِ کعبه در تمامِ حالاتِ طواف، به صورت حقیقی و دقیق، لازم نیست؛ و حتی اگر هنگام دور زدن نزد

حِجر اسماعیل، علیه السلام قدری از طرف چپ خارج شود، مانع ندارد، حتّی اگر بیت به پشت متمایل شود، ولی دور زدن به‌نحو متعارف باشد، اشکال ندارد.

خروج شانه از محاذات

۶۴۱- اگر هنگام رسیدن به گوشه‌های کعبه، شانه از محاذات آن خارج شود، و حتی خانه متمایل به پشت شود، اگر به‌طور متعارف دور می‌زند، هیچ اشکالی ندارد.

۶۴۲- طوافی که برخی- به خاطر احتیاطِ عدم خروج شانه از بیت- دیگری را وادار می‌کنند که

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: اگر قصد او شروع از موضع معتبر شرعی است ولی در تطبیق اشتباه کرده است، در صورتی که کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند، طواف صحیح است؛ آیهٔ اللَّه فاضل: ولی احتیاطاً پس از نماز طواف، طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: طواف او باطل است.

(۳)- آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، خویی: ودر شوط آخراحتیاطاً قدری‌از حجر بگذرد وزیادی را مقدمه علمیّه محسوب دارد.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۱

او را طواف دهد و خود طواف‌کننده از خود سلب اختیار می‌کند و آن شخص او را به جلو هل می‌دهد، باطل است. ۶۴۳- بودن دقیق شانه به طرف بیت در تمام حالاتِ طواف، لازم نیست؛ و احتیاط در آن خیلی ضعیف و غیر قابل اعتنا است و باید از جهالت و وسوسه دوری شود و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند، طواف انجام شود، هرچند اگر کسی بخواهد بدون وسوسه احتیاط کند و قدری شانه را هنگام رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه، به بیت متمایل کند و خلاف متعارف و موجب انگشت‌نمایی نباشد، مانع ندارد.

تدارک طواف ناقص

۶۴۴- اگر به خاطر ازدحام و مانند آن، مقداری از طواف، خلاف متعارف انجام شود؛ مثل آن‌که روی طواف کننده یا پشت او به سمت کعبه واقع شود، و یا عقب عقب طواف کند، باید آن مقدار را جبران کند.

سرعت و نحوه طواف

۶۴۵- طواف کننده می‌تواند هنگام طواف، آهسته یا تند راه برود، و می‌تواند بدود و یا سواره طواف کند، هرچند بهتر است که اعتدال رعایت شود.

۲/ ۶۴۵- در طواف بـا چرخ، طواف کننـده به اختیار خود، حرکت دادن چرخ را به دیگری واگـذار می‌کنـد، مثل اینکه چرخ دارای موتور محرک باشـد، آیـا این طواف بـا طوافِ سواره که در حـال اختیار هم جایز است، فرق دارد؟ و آیا جواز طواف سواره با جواز سعی سواره فرق می‌کند یا نه؟

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: باطل نیست.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه مکارم: این طواف باطل نیست. و در بسیاری از مواقع ازدحام طواف، ظاهراً اختیار سلب می‌شود ولی چون از اول طواف کننده مختاراً این راه را انتخاب می‌کند، منافات با اختیار ندارد، اما از کارهای ناپسند و زننده دوری شود.
(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: و خلاف تقیه نباشد و موجب...
(۳)- آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط در ترک آن است.
آیهٔ اللّٰه مکارم: این کار لزومی ندارد.
(۴)- آیـهٔ اللّٰه سیسـتانی: و اگر نتوانـد در اثر ازدحام برگردد و جبران کنـد می‌توانـد تا حجرالاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملًا اعاده نماید.
(۵). آیات عظام بهجت، مکارم: مانعی ندارد و فرقی نمی‌کند.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر بتواند خودش چرخ را نگه بدارد، طواف و سعی صحیح است و فرقی بین طواف سواره و سعی سواره نیست.
آیهٔ اللّٰه صافی: در طواف و سـعی سواره اگر شخصـی به اختیار خود وسیله را می‌برد اشکال ندارد و اما واگذار کردن حرکت وسیله به دیگری بدون عذر شرعی این حکم را ندارد و صحیح نیست والله العالم.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۲

نگاه به چپ و راست

۶۴۶- در حـال طواف نگاه به چپ و راست جایز است و بودن رو به طرف جلو واجب نیست؛ و حتی برگردانـدن صورت و به عقب نگـاه کردن، مانعی نـدارد؛ و طواف کننـده می‌توانـد طواف را رها و خانه را ببوسـد و بازگردد و طواف را از همانجا که قطع کرده، اتمام کند.

حکم شانه کودکِ در بغل

۶۴۷- شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، آیا باید شانه چپ کودک را به طرف کعبه قرار دهد؟

۴- طواف از خارج حِجر

اشاره

چهارم- بودن حِجر اسماعیل علیه السلام در داخل محدوده طواف.

طواف از داخل حجر

۶۴۸- اگر کسی از داخل حجر اسماعیل طواف نماید، طوافش باطل است؛ و با عمد، حکم ابطال عمدی طواف و با سهو، حکم ابطال سهوی را دارد.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر در حال حرکت نباشد؛ و اگر هم باشد ولی از خط منحرف نشود، اشکال ندارد.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواند مقداری از پشت سر را نگاه کند. (ملحق جدید مناسک، ص ۳۳).
(۲). آیهٔاللّٰه بهجت: بلی حتّی الامکان، [به مسأله ۵۵۶ مناسک معظم‌له طبع جدید مراجعه شود.]
آیهٔ اللّٰه تبریزی: لزومی ندارد، واللّٰه العالم.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: باید تا حدّ امکان سعی کند طوری او را طواف دهد که عرفاً طرف چپ او به طرف کعبه باشد.
آیهٔ اللّٰه صافی: بنابر احتیاط شانه چپ کودک نیز به طرف بیت باشد، واللّٰه العالم.
آیهٔ اللّٰه فاضل: بلی باید تمام شرایط در کودک نیز رعایت شود.
آیهٔ اللّٰه مکارم: لازم نیست.
آیهٔ اللّٰه نوری: بلی لازم است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۳
۶۴۹- اگر بعضی از دورها از داخل حجر اسماعیل انجام شود، بنابر احتیاط واجب، باید آن دور از سر گرفته شود و طواف اعاده شود؛ اگرچه ظاهر، عدم لزوم اعاده طواف است.

طواف در مقابل حجر اسماعیل

۶۵۱- هنگام طواف در مقابل حجر اسماعیل، باید طوری حرکت کند که به نحو متعارف باشد و طواف بیت، صادق باشد.
۶۵۲- حجر اسماعیل جزو بیت نیست، هرچند باید در خارج آن طواف کرد.

طواف از داخل حجر و علم بعد از حج

۶۵۳- اگر حج‌گزار پس از انجام اعمال حج تمتع بفهمد که در طواف عمره یا حج، چند شوط را از داخل حجراسماعیل دور زده، حج او صحیح است ولی باید طواف را اعاده کند.

---

(۱)- آیات عظام صافی، گلپایگانی: باید آن دور را اعاده نماید و احوط اعاده کل طواف است بعد از اتمام آن.
آیهٔ اللّٰه بهجت: باید آن دور اعاده شود در صورتی که در ابتدای طواف، نیّت طواف بر بیت محض نکرده باشد والّا اعاده اصل طواف موافق احتیاط است؛ اگرچه عملًا در یک شوط اختصار نماید. (مناسک شیخ، ص ۴۱).
آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری: باید آن دور اعاده شود؛ آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: و اگر بدون اعاده

این دور به طواف ادامه داد طواف او باطل است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: در صورت سهو و بطلان اصل طواف.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر در عمره بوده حج او بدل به افراد شده، باید عمره مفرده به‌جاآورده و در سال بعد نیز حج تمتّع را انجام دهد و اگر در طواف حج باشد مسأله صوری دارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۵۸).

آیهٔ اللّٰه مکارم: یعنی از روی سهو.

(۳)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: چون از روی جهل به حکم، طواف صحیح را ترک کرده با فرض انقضای وقت، حجش باطل است. (مناسک، مسأله ۳۲۵).

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: حج او صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر سهواًباشد و در سه شوط یا کمتر چنین شده باشد باید همان سه شوط را انجام دهد و اگر بیشتر باشد احتیاطاً طواف رانیز اعاده کند و در این صورت اگر طواف حج باشد و در ماه ذی‌حجّه متذکر شود، اعمال مترتبه را نیز احتیاطاً اعاده کند و اگر بعد از ماه ذی‌حجّه باشد یا مربوط به طواف عمره باشد، اعاده بقیّه اعمال لازم نیست و اگر جهلًا و در طواف حج باشد و در ماه ذی‌حجّه متوجّه شود باید طواف و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر بعد از ماه ذی‌حجّه متوجّه شود یا مربوط به طواف عمره باشد حجش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر قربانی کند.

آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط آن چند شوط را اعاده کند و نماز را نیز اعاده کند و پس از آن اصل طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم، احتیاط آن است که تکمیل کند و بعد اعاده نماید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۴

۶۵۴- اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل بجا آورد و بقیه اعمال را انجام دهد، باید آن شوط و نماز طواف را اعاده کند؛ و اگر با اعتقاد صحّت بوده، بقیه اعمال صحیح است. ۶۵۵- اگر طواف کننده به‌قصد طواف ولو اشتباهاً، وارد حجر اسماعیل علیه السلام شود، طوافش اشکال دارد؛ حتی اگر بعد از توجه برگردد و از همان جا که طواف به خاطر ورود به حجر قطع شده، آن را ادامه دهد و شوط را کامل نماید. ولی اگر پس از تذکر، از حجرالاسود به‌قصد احتیاط، شوط را

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر طواف کننده داخل حجر اسماعیل علیه السلام شود، آن شوط باطل می‌شودو باید آن را اعاده کند و بهتر اعاده طواف است بعد از اتمام آن، و این در صورت بقای موالات است، و در صورت فوت موالات، طواف محکوم به بطلان است، اگرچه از روی جهل یا نسیان باشد. و در مجموعه سؤال و جواب حاج آقای افتخاری، ص ۱۳۰ آمده است: سؤال: از داخل حجر طواف کرده و در وقت طواف حج به اشتباه خود واقف شد؟ جواب: در مفروض سؤال، حج او باطل است به بطلان عمره‌اش. (فتوای آیهٔ اللّٰه تبریزی هم مثل همین است).

آیهٔ اللّٰه صافی و آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را به جا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سر بگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را به جا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۶۰)

آیهٔ اللّٰه فاضل: احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: آن شوط و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در فرض جهل و فوت موالات باید طواف و سایر اعمال را اعاده کند و اگر وقت تدارک گذشته باشد عمره او

باطل است و به احتیاط واجب باید یک شتر کفّاره بدهد.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: مستفاد از آنچه در ذیل مسأله ۶۴۹ آمده است، آن است که با اتمام آن به یک شوط، طواف صحیح است.

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم: آن دور باطل است و بایـد آن را از حجرالاسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشـتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیّت آن دور را بدون نیّت ادامه دهد سپس از حجرالاسود قصد کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۵

اعاده کند و از محلی که، طوافش قطع شده، قاصد جدی طواف باشد، طواف او صحیح است.

۵- محدوده طواف

اشاره

پنجم- محدوده طواف

۶۵۶- طواف باید از همه اطراف، بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم واقع شود.

مراد از طواف بین مقام و بیت

۶۵۷- مراد از طـواف بیـن کعبه و مقـام، رعـایت مسـافت میـان خـانه و مقـام ابراهیم علیه السـلام در همه اطراف خـانه کعبه است، به گونه‌ای که طواف کننده، از این فاصله- که گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نیم است - دورتر نرود.

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و در فرض اخیر هم، چون احتمال باطل شدن اصل طواف می‌رود احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز دوباره طواف کند و نماز آن را بخواند. (مناسک فارسی، ص ۶۷).

آیهٔ اللّه فاضل: شوط فاسد را اتیان کند و بنابر احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

(۲)- آیهٔ اللّه خویی: به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

آیهٔ اللّه فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از محدوده، با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

آیهٔ اللّه مکارم: رعایت این شرط لازم نیست ولی بهتر است.

آیـهٔ اللّه نوری: اقوی این است که در طواف، همین قـدر که «طواف دور خانه خـدا» صـدق کند کافی است و مراعات این‌که طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام است لازم نیست و مستحب است. (مناسک، مسأله ۱۷۲).

(۳)- آیـهٔ اللّه بهجت: از خـانه تـا سـنگِ مخصـوص است نه بنـا، و موضـع معروف به «شـاذروان» داخـل بیت است از جمیع جوانب علی‌الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۴۱).

(۴)- آیـهٔ اللّه بهجـت: لیکـن ظـاهر این است که طـواف در دورتر از این مسـافت- بیست و شـش ذراع و نیم- نیز کـافی باشـد برای کسانی که در این مسافت نتوانند طواف کنند یا طواف در آن بر آنها مشـقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن متعیّن است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عـدم تمکن از طواف در حـد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت اختلاف اطراف در مانع. (مناسک، مسأله ۳۰۶) و از اینجا حکم چند مسأله بعدی معلوم می‌شود.

آیـهٔ اللّه تبریزی: در صورت امکـان بنـابر احتیاط طواف بایـد در محـدوده فاصـله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السـلام باشـد ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اقوی عدم وجوب است، و برای مطاف حدی وجود ندارد و تا هر جای مسجدالحرام که طواف در آن طواف کعبه صدق کند، طواف مجزی است، بلی مستحب است که اگر اضطرار و ازدحام نباشد فیمابین کعبه و مقام ابراهیم انجام دهد. و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود.

آیـهٔ اللّه خویی: و لیکن ظاهر این است که طواف در دورتر از این مسـافت بیست و شـش ذراع و نیم نیز کافی باشـد؛ خصوصاً برای کسانی که در این مسافت نتواننـد طواف کننـد یا طواف در آن بر آنها مشـقت داشـته باشـد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن بهتر است و از این مسأله حکم چند مسأله بعد هم معلوم می‌شود. (مناسک، مسأله ۳۰۶).

آیهٔ اللّه وحید: احتیاط آن است که طواف بین خانه خدا و مقام حضـرت ابراهیم علیه السـلام باشد هر چند اقوی این است که طواف حتی برای متمکن از طواف در این مقـدار بدون حرج نیز کافی است اگر چه مکروه است. (مناسک فارسـی معظم له صـفحه ۱۵۶ و ۱۵۷)

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: ولی بعیـد نیست که در بیش از مقـدار ذکر شده هم- هرچند که کراهت دارد- طواف جایز باشد؛ خصوصاً برای کسـی که در فاصـله ذکر شـده توانـایی طواف را نـدارد یا موجب حرج و مشـقت زیاد برای او می‌شود و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است و از این‌جا حکم مسائل بعد نیز روشن می‌شود. (مناسک، مسأله ۳۰۳).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: تا جایی که جمعیّت طواف کننده متّصل به یکدیگر مشـغول طوافند، طواف در آن حدّ صـحیح و مجزی است ومع ذلک اولی رعایت حدّ است با امکان، و از اینجا حکم چهار مسأله بعد روشن می‌شود. (آراءالمراجع، ص ۳۲۰).

آیهٔ اللّه مکارم: رعایت این امر خوب است ولی لازم نیست. و در همین جا حکم چند مسأله بعد روشن می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۶

طواف از خلف مقام

۶۵۸- طواف از پشت مقـام ابراهیم باطل است؛ و اگر طواف کننـده بعضـی از دورها را از پشت مقام طواف کنـد، بایـد آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط اعاده طواف است، اگرچه ظاهراً لازم نیست، بلکه کفایت اعاده همان جزء، بعید نیست.

محدوده طواف در طرف حجر اسماعیل

۶۵۹- در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود، زیرا مقدار حِجْر از آن کاسته

---

(۱)- جهت نظر آیات عظام به مسأله قبل مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: ظاهر آن است که در طرف حجر اسـماعیل علیه السلام مقدار محل طواف ضیق نمی‌شود و از حجر به مقدار بیست و شش ذراع و نیم عنوان مطـاف را دارد، لیکن رعـایت احتیـاط؛ یعنی طواف در مقـدار شـش ذراع و نیم نیکو است. (مناسـک، مسأله ۴۱۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۷

می‌شود و تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف، باقی می‌ماند؛ بنابراین طواف نباید خارج از این حد، انجام شود؛ و اگر فاصله بیش از شش ذراع و نیم شود، بنابر اظهر، اعاده آن جزء لازم است.

خروج از مطاف هنگام نظافت

۶۶۰- هنگام نظافت مسجدالحرام، اگر طواف‌کننده از مَطاف خارج شود، اگر امکان طواف در محدوده باشد، باید صبر کند و داخل محدوده طواف کند؛ و با فرض امکان، طواف در خارج حد، صحیح نیست.

طواف در حال ازدحام

۶۶۱- افراد ناتوان و ضعیف که هنگام ازدحام نمی‌توانند بین مقام و بیت طواف کنند، اگر می‌توانند - ولو در وقت خلوت- در مطاف طواف کنند، باید محدوده طواف را رعایت نمایند؛ و در غیر این صورت، طواف در خارج حد، با رعایت الاقرب فالاقرب، مانع ندارد و لازم نیست در احرام بمانند تا وقت ضیق شود. ۶۶۲- در صورت امکان - ولو با انتخاب وقت خلوت- باید طواف در حد ذکر شده انجام شود و دورتر، کفایت نمی‌کند؛ و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد، با

---

(۱)- به مسأله ۶۵۷ مراجعه شود.

(۲)- آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: در طرف حجر فاصله از دیوار حجر محاسبه می‌شود.

(۳)- آیة اللَّه فاضل: ظاهر آن است که طوافش صحیح است. (مناسک، مسأله ۴۱۷).

(۴)- آیة اللَّه بهجت: می‌تواند در کناری قرار بگیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از آنجا که طوافش را قطع کرده بود به طوافش ادامه بدهد و صحیح است.

آیة اللَّه فاضل: اگر طواف در خارج محدوده بوده، طواف و نماز را باید اعاده کرده و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کنند مگر ضرورت عرفی اقتضا کرده و صبر کردن برای انجام طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج بوده و در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب انجام شده که صحیح است.

(۵)- نظر سایر آیات عظام از ذیل مسأله ۶۵۷ به دست می‌آید.

(۶)- آیة اللَّه فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حدّ با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

(۷)- تفصیل نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۶۵۷ آمده است.

آیة اللَّه بهجت: برای مسأله نماز به مسأله ۸۰۰ و قبل از آن مراجعه شود.

(۸)- نظر آیات عظام در مسأله ۶۵۷ آمده است.

آیة اللَّه فاضل: ولی چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند انجام طواف در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب مانعی ندارد و صحیح است و صبر کردن و تأخیر انداختن لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۸

مراعات الأقرب فالأقرب، مانع ندارد.

رعایت مطاف با یقین به هل خوردن

۶۶۳- یقین به هل خوردن مصداق عدم امکان طواف در محدوده نیست و مجوّز برای طواف در خارج آن نمی‌شود؛ و همچنین است یقین به برخورد به اجنبی یا اجنبیّه در مطاف.

شک در خروج از مطاف

۶۶۴- کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، اگر بعد از فراغ از طواف، شک کند که طواف او در مطاف بوده یا نه: اگر از اول در مطاف بوده و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است؛ و اگر شک دارد که از اول در محدوده بوده، با جهل به حدود مطاف، نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

شک در صحت شوط

۶۶۵- اگر طواف کننده در صحت شوط سابق، یا جزئی از همین شوطی که فعلا مشغول است و محل آن جزء گذشته، شک کند، مثلًا نمی‌داند که هنگام عبور از مقابل حِجْر، از حدّ مطاف، خارج شده یا نه، اگر حکم را می‌دانسته و قاصد عمل صحیح بوده، یعنی غافل نبوده، طواف او صحیح است. ۶۶۶- اگر کسی طواف را در خارج از مطاف آغاز کند سپس متوجه شود که طواف باید در محدوده معین انجام شود، باید آن را رها و طواف را در مطاف انجام دهد.

طواف بانوان عاجز

۶۶۷- اگر زنی قادر بر طواف نباشد و امر دائر است بین این‌که او را با چرخ و مانند در خارج مَطاف طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، باید او را در مَطاف طواف دهند، هرچند نامحرم او را پشت کند.

---

(۱). به ذیل مسأله ۶۵۷ مراجعه شود.

(۲)- نظر آیات عظام در مسأله ۶۵۷ آمده است.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه فاضل: ودر غیر این‌صورت طواف را تمام کند ونماز آن‌را بخواند وپس‌ازآن احتیاطاً طواف و نماز آن را اعاده نماید.

(۴)- این مسأله مبتنی بر اعتبار حدّ طواف است و بر مبنای عدم اعتبار حدّ از جهت از سرگیری طواف با بقای موالات و عدم آن به مسأله ۷۲۲ مراجعه شود.

(۵). آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، مکارم: چون رعایت حدّ بین مقام و بیت لازم نیست، او را با تخت (چرخ) طواف دهند.

حکم این مسأله در حاشیه مسأله ۶۵۷ آمده است. و به ۷۴۴ نیز مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۶۹

حکم طواف از طبقه دوم

۶۶۸- طواف از طبقه دوّم چه حکمی دارد؟

۶- خروج از خانه

اشاره

ششم- خروج طواف کننده از خانه و آنچه از آن محسوب است.

حکم شاذروان

۶۶۹- پیش آمدگیِ اطراف دیوار کعبه- که «شاذروان» نام دارد- جزو کعبه است،

---

(۱). آیت‌اللَّه بهجت: در صورت عدم امکان با رعایتِ الأقرب فالأقرب، کفایت می‌کند؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: کسی که نتواند در صحن مسجدالحرام طواف کند، و باید طواف را در طبقه دوم انجام دهد، به احتیاط واجب باید چنین شخصی خودش در طبقه دوم طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد که برای او در صحن مسجد طواف انجام دهد، و نماز را هم خودش در طبقه دوم، و نائبش در صحن مسجد بخوانند، و اگر خودش بتواند در صحن مسجد نماز بخواند همان نماز او کفایت می‌کند.

آیت‌اللَّه سیستانی: چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی‌کند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.

آیت‌اللَّه صافی: در فرض مذکور اگر طواف در طبقه دوم بالاتر از کعبه باشد نایب بگیرند تا برای آنان در صحن مسجدالحرام طواف نماید، خودشان لازم نیست که از طبقه دوم طواف نمایند.

آیت‌اللَّه فاضل: طواف در طبقه دوم برای کسانی که اجازه نمی‌دهند از طبقه اول طواف کنند، کفایت می‌کند و نیاز به استنابه نیست. و در مورد نماز طواف اگر می‌توانند بلافاصله و بدون عسر و حرج پایین بیایند، باید پایین بخوانند و الا در همان بالا بخوانند و کفایت می‌کند.

آیت‌اللَّه مکارم: در این‌گونه موارد که راهی جز این نیست طواف در طبقه بالا کفایت می‌کند.

آیت‌اللَّه نوری: طواف در طبقه فوقانی صحیح نیست و این قبیل افراد باید به‌وسیله کول گرفتن طواف خود را انجام بدهند و اگر

ممکن نشد، لازم است برای طواف خود نایب بگیرند.

آیت‌اللّه وحید خراسانی: در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجدالحرام طواف نماید و در صورتی که متمکّن می‌باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۰

و طواف باید از بیرون آن انجام شود؛ و اگر- به فرض امکان- کسی در هنگام طواف، مقداری از بالای آن دور بزند، آن مقدار باطل است و باید اعاده شود.

دست گذاردن به کعبه هنگام طواف

۶۷۰- هنگام طواف، گذاردن دست به دیوار خانه کعبه در بالای شاذروان، جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

دست گذاشتن روی حجر هنگام طواف

۶۷۱- گذاردن دست روی دیوار حجر اسماعیل، علیه السلام هنگام طواف جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک است.

بوسیدن کعبه و شک در حرکت

۶۷۲- اگر شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده و شک دارد که آیا در این حال، طواف هم می‌کرده یا نه، اگر این شک بعد از عمل باشد، طواف او صحیح است.

---

(۱)- آیة اللّه تبریزی، آیة اللّه خویی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

آیة اللّه صافی: حکم راه رفتن روی دیوار حجر را دارد که حکم آن گذشت.

آیة اللّه مکارم: امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملًا طواف روی آن ممکن نیست.

(۲)- آیة اللّه بهجت: احوط آن است که در اثنای طواف دست خودرا دراز نکند از طرف شاذروان به دیوار خانه‌به‌جهت استلام ارکان یاغیر آن وهمچنین دست بر روی دیوار حجر نگذارد. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

(۳)- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

(۴)- آیة اللّه فاضل: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده کند.

آیة اللّه بهجت: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

آیة اللّه نوری: جایز نیست و باید همان قسمت را اعاده نماید.

(۵)- نظر آیات عظام، غیر از آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم که موافق متن هستند در این مسأله، مثل مسأله

قبل است.

(۶)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که توجّه به حکم و بنا بر اتیان طواف صحیح داشته است.

آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه آگاه به مسأله بوده که نباید در آن حالت راه برود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۱

۷- مراعات هفت شوط

اشاره

هفتم- طواف باید هفت شوط کامل و بدون زیاده و نقصان باشد.

طواف از جهت عدم رعایت عدد اشواط، دارای احکامی به شرح ذیل است:

الف- اضافه نمودن در طواف

قصد زیاده و نقیصه

۶۷۳- اگر طواف کننده، عمداً از اول قصد کند که کمتر یا بیشتر از هفت دور به‌جا آورد، طوافش باطل است، اگرچه به هفت دور ختم نماید؛ و اگر از روی جهل به حکم، یا سهو و غفلت باشد، بنابر احتیاط واجب، طواف را اعاده کند. ۶۷۴- اگر در اثنای طواف، قصد کم یا زیاد کردن در اشواط نماید، از همان جا که این قصد را نموده، باطل است و باید اعاده کند؛ و اگر با این قصد زیادتر آورد، اصل طواف باطل می‌شود.

اضافه نمودن یک دور بدون قصد وجوب

۶۷۵- اگر از اول قصد هشت دور داشته باشد ولی در نظرش این باشد که هفت دورِ آن، واجب، و یک دور برای قدم زدن برای تبرک یا قصد دیگر باشد، طواف او صحیح است؛ همچنین اگر گمان

---

(۱)- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل است.

آیهٔ اللّه خویی: با فرض تحقّق قصد قربت طواف او صحیح است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط در هر حال طوافش باطل است. (مناسک عربی، ص ۱۱۲).

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل: در صورت ندانستن مسأله و در صورت سهو و غفلت، چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است.

آیهٔ اللّه خویی: نظرشان به دست نیامد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛ ص ۲۷۱

(۳)- آیات عظام سیستانی، فاضل، نوری: بنابر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود.

آیهٔ‌اللّه تبریزی: بنابر احتیاط اصل طواف باطل می‌شود، اگر ازروی علم‌وعمد، قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن را کرده باشد.

آیهٔ اللّه خویی: اگر قصد قربت مختل شود اصل طواف اشکال پیدا می‌کند.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که طواف را به نیّت صحیح تمام کرده و بعد اعاده کند.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: آنچه که مصادف با نیّت زیاده بوده است، باطل می‌باشد. (مستفاد از مناسك شیخ، ص ۴۳).

نظر آیهٔ اللّه گلپایگانی در مسأله قبل گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۲

کند که یک دور نیز مستحب است و با قصد هفت دور واجب، یک دور مستحب، دنبال آن بیاورد، طواف او صحیح است.

انجام چهارده شوط

۶۷۶- اگر کسی به قصد چهارده شوط، طواف نماید، ولو این که تصور می‌کرده طواف چهارده دور است، طوافش باطل است.

زیاد نمودن سهوی در طواف

۶۷۷- زیادی سـهوی در طواف: اگر کمتر از یک دور باشد، آن را قطع کند و طوافش صحیح است؛ و اگر یک دور یا زیادتر باشد، بنابر احوط آن را با قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب، به هفت دور برساند و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را، بـدون این‌که تعیین کنـد برای طـواف اول یـا طواف دوم است، برای طواف فریضه قرار دهـد.
۶۷۸- اگر در هنگام خروج از مطاف، بعـد از پایان هفت شوط، عمـداً مقداری از مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، طواف باطل است؛ و در صورت سهو، اگر از همان جا قطع کند، طوافش صحیح است.

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است وگرنه مشکل است.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر جاهل قاصر بوده، طوافش صحیح و اعاده مستحب است.

(۲)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: این احتیاط مستحب است. (مناسک، ص ۷۰، مسأله ۱۰۳).

(۳)- از اینجا تا آخر مسأله در مناسک آیهٔ اللّه خویی مذکور نیست.

(۴)- آیـهٔ اللّه بهجت: احتیاط در این است که دو رکعت فریضه قبل از سـعی بجای آورد و دو رکعت نافله را می‌توانـد بعد از سـعی به‌جای آورد. (مناسک، مسأله ۳۱۸).

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر از روی اشـتباه چیزی بر شوطهـای طواف خود بیافزایـد، پس اگر بعـد از رسـیدن به رکن عراقی یادش آمـد، مقـدار افزوده را تا یک طواف کامل به اتمام برسانـد و احتیاط واجب این است که طواف دوّم را در این هنگام به‌قصـد قربت بـدون این‌که واجب یا مسـتحب بودن آن را قصد کند به اتمام برساند، و پس از آن چهار رکعت نماز بخواند و احتیاط مسـتحب این اسـت که بین آن‌هـا فاصـله‌ای بینـدازد؛ به این معنـا که دو رکعت قبـل از سـعی جهت طواف واجب به‌جـا آورد و دو رکعت پس از سـعی جهت طواف مسـتحبی به‌جـا آورد. و همچنین است بنـابر احتیـاط واجب اگر پیش از رسـیدن به رکن عراقی یادش بیایـد. (مناسک، مسأله ۳۱۴).

آیهٔ اللّه فاضل: و احتیاط مستحب آن است که دو رکعت نماز بعد از سعی برای غیر فریضه انجام دهد.

(۵)- به ذیل مسأله ۶۷۷ مراجعه شود.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: در مورد سـهو، مراجعه شود به حاشـیه مسأله ۶۷۷، و اگر جاهـل باشـد، صـحّت طواف او مورد اشـکال است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۳

اضافه نمودن به طواف جهلًا و اتمام اعمال

۶۷۹- اگر جهلًا بیش از هفت شوط طواف کند و بقیه اعمال بعد از آن را بجا آورد:
اگر از اول، قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست؛ واگر قصد هفت شوط داشته و بعد از اتمام، قصد زیاد کرده باشد، پس اگر زیادی چهار شوط یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که بقیه را به چهارده شوط برساند و یک نماز دیگر بجا آورد و طواف و نماز را اعاده کند؛ و اگر زیادی کمتر از چهار شوط و موالات عرفیه به هم خورده باشد، بنابر احتیاط واجب، طواف و نماز را اعاده نماید؛ و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکم صورت قبل را دارد.

اضافه نمودن چند شوط رجاءً

۶۸۰- اضافه نمودن یک یا چند شوط رجاءً بعد از طواف، به قصد جبران نقص احتمالی، به

---

(۱)- آیة اللَّه فاضل: مگر این که جاهل قاصر باشد.
(۲)- آیة اللَّه بهجت: بنابر احتیاط بقیه اعمال را اعاده کند.
آیة اللَّه خویی: بنابر احتیاط طواف باطل است و بقیه اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید.
آیة اللَّه سیستانی: در هر صورت، اگر جاهل قاصر باشد طوافش صحیح است وگرنه مشکل است و به احتیاط واجب بایدآن را و اعمال پس از آن را اعاده کند.
آیة اللَّه فاضل: استحبابا اعاده کند.
آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: اعاده بقیه اعمال لازم است. (آداب و احکام حج، م ۵۷۴)
(۳)- آیة اللَّه فاضل: اگر سهواً اضافه کرده و قبل از یک دور متوجّه شده، آن را قطع کند و طواف صحیح استو اگر بعد از یک دور متوجّه شود باید طواف را به احتیاط واجب تا چهارده دور به قصد قربت تمام کند و دو رکعت نماز برای طواف واجب قبل از سعی بخواند و به احتیاط مستحب دو رکعت برای طواف مستحب نیز بعد از سعی بخواند.
آیة اللَّه مکارم: این صورت هم مانند صورت اوّل است باید زیاده را رها کرده از سر بگیرد.
(۴)- آیة اللَّه بهجت: اعاده لازم نیست به نحوی که در مسأله ۶۷۷ آمده است.
(۵)- نظر آیات عظام در مسأله ۶۷۳ آمده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۴

صحت طواف ضرر نمی‌زند ولی جبران نقص هم نمی‌کند.

تردید در عدد اشواط اضافی و حکم به بطلان

۶۸۱- اگر شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک یا چند شوط زیاد کرده است و در عدد اشواط اضافی مردّد است، طواف او باطل است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

ب- قران در طواف

قران در طواف واجب و مستحب

۶۸۲- در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست بدون آن‌که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، طواف واجب را با طواف دیگر دنبالِ هم آورد، و در طواف مستحب، مکروه است.

تکرار احتیاطی طواف بدون نماز

۶۸۳- تکرار طواف از روی احتیاط بدون خواندن نماز طواف، موجب بطلان طواف نمی‌شود هرچند داخل در قِران حرام است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: قصد جبران قصد زیاده نیست. (مناسك، س ۹۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: طواف او اشکال دارد مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: طواف او اشکال دارد.

(۲)- آیهٔاللَّه‌خویی: بنابر احتیاط باید شوط زاید را به‌نیت قربت مطلقه تمام می‌نمود. (مناسک، مسأله ۳۱۸).

لازم به تذکر است برای رعایت احتیاط، اعاده سعی و تقصیر هم لازم است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۳۵، س ۱۹).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: طواف واجب او صحیح است. (آداب و احکام، م ۶۱۴)

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۶۸۴ و ۶۷۷.

آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنا بر احتیاط.

(۴)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود.

(۵)- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: اعاده طواف به عنوان احتیاط، قرآن نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: صحّت عمل مورد اشکال است، از جهت فاصله بین طواف و نماز، مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

نسبت به نظریه سایر آیات عظام، مراجعه شود به مسأله ۶۸۲ و ۶۸۴.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۵

قصد قران و تحقق زیاده

۶۸۴- اگر یک دور یا کمتر یا بیشتر، بر طواف زیاد کند: اگر از ابتدا یا در اثنای طواف اول، قصد داشته باشد که زیادی را جزو طوافِ دیگر قرار دهد، حرام و داخل در قران است و احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند؛ و اگر بعد از تمام شدن طواف اول، این قصد برایش حاصل شده و به دنبال طواف اول، زیاده را آورده، اقوی صحّت طواف اول و احوط اعاده است. ۶۸۵- اگر طواف کننده از ابتدا یا در اثنای طواف، قصد قران داشته باشد، احتیاط در اعاده

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت، کلام ایشان مطلق است و تفاوتی بین این‌که از ابتدا قصد اضافه کردن را داشته باشد یا دراثناء، نگذاشته‌اند. (مناسک، ص ۱۱۴).

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر از ابتدا قصد قران داشته باشد باطل است.

(۲)- آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب سبب بطلان طواف می‌شود، چه از اول این قصد را داشته باشد و یا در بین آن و یا آخر آن.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف دیگر را به آخر نرساند، نه زیادی در طواف است و نه قران. (مناسك، مسأله ۳۱۷).

آیـهٔ اللّه تبریزی: اگر قصد جزئیت زیادی را برای طواف دیگر بنماید و اتفاقاً نتواند طواف دیگر را به آخر برساند، در این صورت نه زیـادی است و نه قران، ولی گـاهی طواف در این صورت به‌جهت عـدم تحقق قصـد قربت باطـل می‌شود و آن در صورتی است که مکلف هنگام شـروع به طواف یا در اثنای آن، با این‌که می‌دانـد قران حرام و مبطل طواف است آن را قصـد نمایـد که قصد قربت با قصد حرام جمع نمی‌شود، هرچند از باب اتفاق آن حرام انجام نشود. (مناسک، مسأله ۳۱۷).

آیهٔ اللّه خویی: اگر طواف دوّم کمتر از هفت شوط باشد داخل در قران نیست، بلی اگر از ابتدا قصد هفت شوط دارد و می‌داند قران مبطل است دیگر قصد قربت در طواف اوّل از او متمشی نمی‌شود. (مناسک، قبل از مسأله ۳۱۸).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طواف دوم را تمام نکند قران نیست ولی اگر قصد قران را داشته باشد با علم به این که مبطل است قصد قربت محقّق نمی‌شود و طواف باطل است.

آیهٔ اللّه مکارم: ولی طواف اول باطل نیست.

نظر سایر آیات عظام در مسأیل قبل گذشت. و به مساله ۵۵۷ مراجعه شود.

(۴)- آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: بلکه در فرض اتیـان به طواف کامـل، اظهر بطلاـن طواف اوّل است مطلقاً. (مناسـک، قبـل از مسأله ۳۱۸).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طواف دوم را تمام کند طواف اوّل باطل است.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و بعد اصل طواف و نماز آن را اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۶

طواف است؛ و اگر بعد از تمام شدن طوافِ، قصد قران و اضافه طواف دیگر نموده باشد، به صحت طواف اول ضرر نمی‌زند.

ج- کم کردن از طواف

اشاره

۶۸۶- اگر از طواف واجب، یک دور یا کمتر یا بیشتر عمداً کم کند، واجب است آن را اتمام کند؛ و اگر نکند- بنابر احتیاط واجب - حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده که گذشت؛ و حکم جاهل به مسأله، حکم عالم است.

کم کردن از طواف و فوت موالات

۶۸۷- اگر طواف کننـده بعـد از کم کردن از طواف، کارهای بسـیاری انجام دهـد که موالات فوت شود، حکمش حکم قطع طواف است که می‌آید.

کم کردن سهوی طواف

۶۸۸- اگر سهواً از طواف کم کند:

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۶۸۲ و ۶۸۴

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: در صورتی که قران محقّق شود مطلقاً موجب بطلان طواف است؛ چه ازاوّل یااثنای طواف اوّل قصد قران داشته یا این‌که بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قران کرده باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر هر دو طواف واجب باشد یا یکی مستحب و دیگری واجب باشد، چه از اوّل قصد قران داشته باشد و چه بعداً تصمیم بگیرد ولی طواف دوّم را تمام کند، طواف اوّل باطل است. آری اگر هر دو مستحب باشد، هر چند کراهت دارد و لی جایز است.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۶۷۶ مراجعه شود.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت انحلال مقصود، موجب بطلان نمی‌شود.

(۴)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، (آیهٔ‌اللَّه‌سیستانی (پیش از اتمام شوط چهارم) بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

(۵)- آیهٔ اللَّه مکارم: اگر قبل از فوت موالات اتمام کند صحیح است.

(۶)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه بنابر اظهر. (مناسک، مسأله ۳۱۵).

(۷)- آیهٔ اللَّه بهجت، باید اعاده کند در هر دو صورت.

(۸)- آیهٔ اللَّه مکارم: یا فاصله زیادی بدهد.

(۹)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر سهواً از طواف کم کرده پس تمام کردن آن در صورت تجاوز از نصف؛ یعنی با تمام شدن چهار شوط علی الأحوط، و از سر گرفتن آن در صورت عدم، خالی از وجه نیست. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر پیش از فوت موالات یادش آمد و از مطاف بیرون نرفته باشد کمبود را به‌جا آورد و صحیح خواهد بود و اگر مقدار فراموش شده‌یک شوط باشد یک شوط را به‌جاآورد و صحیح است و چنانچه شخصاً نتواند کمبود را انجام دهد، باید دیگری را نایب بگیرد که آن شوط را بجا آورد و چنانچه مقدار فراموش شده بیش از یک و کمتر از چهار شوط باشد (آیهٔ‌اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط) بایستی برگشته و کمبود را شخصاً بجاآورد وبهتر این است که پس از بجا آوردن کمبود طواف را اعاده نماید و اگر مقدار فراموش‌شده چهار یا بیش از چهار شوط باشد احوط اتمام سپس اعاده است. (مناسک، مسأله ۳۱۶).

آیهٔ‌اللَّه‌سیستانی: در صورتی که از روی‌اشتباه یا فراموشی، بعضی از شوطهای طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، پس اگر پیش از فوت موالات عرفی به یادش آمد، باقیمانده آن را به‌جاآورد و طواف صحیح است؛ و اگر پس از آن باشد، در صورتی که مقدار فراموش شده، یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به‌جاآورد و طواف باز هم صحیح است ... و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنا بر احتیاط واجب باقیمانده را به‌جاآورد و طواف را اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۱۳).

آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی چهار دور کامل انجام داده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۷

اگر از نصف گذشته و فعل کثیر انجام نداده، بنابر اقوی از همان‌جا طواف را تمام کند؛ و در صورت فعل کثیر، احتیاط واجب، اتمام و اعاده است؛ و اگر از نصف نگذشته، طواف را اعاده نماید، لکن ترک احتیاط در همه موارد سهو، به‌تمام کردن طواف ناقص واعاده‌کردن آن، سزاوار نیست.

تذکر نقصان طواف در سعی

۶۸۹- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به‌جا آورده، سعی را رها نماید و طواف را از محل نقصان، تکمیل کند و بعد از آن باقیمانده سعی را به‌جا آورد و طواف و سعیش صحیح است. هرچند احتیاط آن است که در کمتر از چهار دور، طواف را اتمام و اعاده نماید و همچنین

---

(۱)- آیهٔ الله صافی، گلپایگانی: اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند و اگر کمتر از نصف باشد اعاده نماید و در فاصله بین ۳/۵ تا چهار دور احتیاط در تکمیل اشواط و اعاده است.

(۲)- آیهٔ الله مکارم: این قید زاید است.

(۳)- آیهٔ الل فاضل: اولی و احوط این است.

آیهٔ الله مکارم: و اتمام لازم نیست باید اعاده کند.

(۴)- آیهٔ الله مکارم: مانند فرض بالا است.

(۵)- آیهٔ الله بهجت: احتیاط در اتمام و سپس اعاده سعی است.

آیهٔ الله سیستانی: اگر قبل از فوت موالات متذکر شود یا بعد از آن باشد ولی سه شوط یا کمتر باقی مانده باشد اتمام طواف کافی است ولی اگر بیش از آن باشد به احتیاط واجب طواف را پس از اتمام اعاده کند و نسبت به سعی اتمام کافی است گرچه احتیاط مستحب اعاده آن است پس از اتمام.

(۶)- آیات عظام تبریزی، فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود. آیهٔ اللّٰه تبریزی: همچنین است نسبت به سعی. ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست و اتمام کافی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۸

اگر سعی را کمتر از چهار دور انجام داده، آن را اتمام و اعاده کند.

نقصان طواف و مراجعت به وطن

۶۹۰- اگر حج‌گزار طوافش ناقص بوده ولی تا بعد از مراجعت به وطن متذکر نشود، احتیاط آن است که بازگردد؛ واگر نتوانست یا مشکل بود، نایب بگیرد.

موالات در طواف و میزان ازاله آن

۶۹۱- رعایت موالات عرفیه در طواف، بنابراحتیاط واجب، لازم است؛ یعنی اگر به جهتی در بین طواف متوقّف شد، آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف، خارج شود.

۶۹۲- موالاتِ در طواف و در سعی، چگونه زایل می‌شود؟ آیا با خواندن دو رکعت نماز

---

(۱)- به ذیل مسأله ۶۸۸ مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: و اگر متذکّر نشود مگر بعد از مراجعت به وطن خود، پس نایب می‌گیرد. (مناسک شیخ، ص ۴۲).

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی: باید برگردد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر نتواند باقیمانده را خود به‌جا آورد، اگرچه به این علت باشد که پس از رجوع به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود قرار دهد و به هر حال نماز طواف را باید خودش هر جا هست بعد از طواف نایب بخواند.

(۳)- آیـهٔ اللّه صـافی، آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: و در این صورت نیز بنـا بر احتیاط واجب هـدی بفرسـتد و احوط آن است که شتر باشـد (مناسک فارسی، مسأله ۱۰۴).

آیهٔ اللّه مکارم: و احتیاط آن است یک گوسفند در مکّه قربانی کند و اگر نتوانست در شهر خودش قربانی کند.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: مراعات موالات عرفیه، در غیر موارد عذرِ حاصل بعد از شوط چهارم، لازم است. (مناسک شیخ، ص ۴۴).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مراعات موالات لازم است.

آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: احتیاط واجب آن است که در میان اجزای طواف، موالات عرفیه را رعایت کند، مگر در مورد قطع طواف پس از گذشتن از نیمه آن، به خاطر نماز و امثال آن.

آیهٔ اللّه مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۷۹

مستحبی، یا انجام فعلِ منافی با طواف، موالات به هم می‌خورد؟

د- احکام شک در عدد و صحت طواف

شک در عدد اشواط بعد از طواف

۶۹۳- اگر بعـد از تمام شدن طواف و انصـراف از آن، در کم و زیادی اشواط طواف شک کند، اعتنا نکند و طوافش صـحیح است؛ ولی صورت دوم (شک در نقیصه)، خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود.

---

(۱). آیهٔاللّه بهجت: فوات موالات عرفی است و به فعل کثیر محقّق می‌شود و با شک در تحقّق آن حکم به عدم می‌شود.

آیت‌اللّه تبریزی: از مثل نماز مستحبی و فعل منافی باید اجتناب شود و مثل استراحت مختصـر کوتاه و قطع برای نماز جماعت مانعی ندارد. واللّه العالم.

آیت‌اللّه خامنه‌ای: از بین رفتن موالات، موکول به نظر عرف است و در سـعی، موالات معتبر نیست، مگر آن‌که شوط اول تمام نشـده باشد که در صورت از بین رفتن موالات، احتیاطاً از سر بگیرد.

آیت‌اللّه سیستانی: آری، به هم می‌خورد.

آیت‌اللّه صافی: گرچه موالات در هر عمل به تناسب خودش ملاحظه می‌شود و به نظر می‌رسـد نسبت به طواف، فاصله به مقدارِ دو رکعت نمـاز، موالـات را به هم نمی‌زنـد، لکن احتیـاط این است که اگر این مقـدار فاصـله پیش آمـد، بـا آن معامله محفـوظ بـودن موالات نکنـد و برای به هم خوردن موالات هم به این مقـدار اکتفا نکنـد و انجام «فعل منافی با طواف» جمله مجملی است، توضـیح نداده‌اید؛ واللّه العالم.

آیت‌اللّه فاضل: به هم خوردن موالات عرفی است، ولی در قطع طواف و سعی، حتی لازم نیست موالات به هم بخورد (یعنی می‌توان بلافاصله از سر گرفت) و ظاهراً با نماز مستحبی به هم نمی‌خورد.

آیت‌اللّه مکارم: با خواندن نماز مستحبی و فعل منافی و فاصله زیاد، موالات به هم می‌خورد.

آیت‌اللّه نوری: موالـات عرفی است و لـازم است در بین اشواط هیـچ فعـل منـافی اختیـاراً انجام نگیرد و دو فرض مورد سؤال، منافی محسوب می‌شود.

(۲)- آیهٔ اللّه فاضل: این اشـکال در صورت عدم انصـراف از طواف است امّا اگر شک بعد از انصراف و دخول درنماز طواف باشد

اعتنا نکند و طواف او صحیح است بلکه ظاهراً به محض انصراف هم، طواف محکوم به صحّت است و لازم نیست اعتنا کند.
(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: هرگاه بعد از فراغ از طواف شک نماید که آیا طواف هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده، اعتنا به شک ننماید، مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.
آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: در صورت شک در نقیصه طواف باطل است مگر این‌که بعد از دخول در نماز طواف شک بکند که به شکش اعتنا نمی‌کند. (مناسک، مسأله ۳۱۹).
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در عدد شوطها یا در صحت آنها بعد از تمامی طواف یا بعد از تجاوز از محل شک کند نباید به شک اعتنا نماید؛ مثلًا پس از فوت موالات یا بعد از وارد شدن در نمازِ طواف شک نماید. (مناسک، مسأله ۳۱۵).
آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط واجب نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۰

شک در صحت بعد از طواف

۶۹۴- اگر بعد از طواف، در صحت آن شک کند، مثلًا احتمال بدهد محدث بوده، یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، یا شانه او منحرف شده، اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگرچه در محلِ طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، البته در صورتی که هفت دور- بدون زیاده و نقیصه- احراز شده باشد.

شک در ۷ و ۸ بعد از حجرالاسود

۶۹۵- اگر بعد از رسیدن به حجرالاسود شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

شک در ۷ و ۸ قبل از حجَر

۶۹۶- اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود، شک کند که این دور، هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

شک در نقیصه

۶۹۷- اگر در آخر دور یا اثنای آن، میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است شک کند، طواف او باطل است.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: حکم شک بعد از تمام شدن طواف در مسأله ۶۹۳ آمده است.
(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: احوط بطلان طواف است.
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظاهر این است که طوافش باطل است و احتیاطاً بقصد رجا تمام و اعاده طواف نماید.
آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: لکن احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز است.
آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.
(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: بطلان طواف او و لزوم استیناف خالی از قوت نیست با آن‌که فی‌الجمله احوط است و احوط از آن بنا بر اقلّ بگذارد و طواف را اتمام و بعد از آن اعاده نماید. (مناسک شیخ، ص ۴۳).
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر شک در نقیصه در غیر ۶ و ۷ باشد، طوافش باطل است. و اگر شک در پایان شوط بین ۶ و ۷ باشد، بنابر

احتیـاط واجب طواف را اعـاده کنـد ولی اگر در این صورت بنابر ۶ گـذاشت و از روی جهـل به مسـأله طواف را تمام کرد و متوجّه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است و اگر شک در زیاده و نقصان باشد؛ مثل این‌که شک کند بین ۶ و ۷ و ۸ و یا شک بین ۶ و ۸ طوافش باطل است. (مناسک، مسأله ۳۱۴).

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۱

شک در شروع طواف از محل قطع شده

۶۹۹- اگر طواف کننـده- به خاطر بوسیدن و لمس بیت‌اللّه الحرام و مانند آن- از مسیر خود منحرف شده و نمی‌داند در بازگشت، آیـا طواف را از همـان نقطه که رهـا کرده، ادامه داده یـا نه، اگر به وظیفه التفات داشـته و بعـداً شک عارض شـده، حکم به صـحت نماید؛ و در غیر این صورت، اکتفا به طواف مزبور، محل اشکال است.

علم به عدد طواف مشکوک در اثنای طواف اعاده‌ای

۷۰۰- اگر بعـد از شـک در اشواط طواف و بنـای بر بطلاـن، طواف اعـاده شود و در اثنـای آن معلوم شود که طواف اول مثلًا شـش شوط داشته، اکتفای به این طواف مشکل است و احتیاط لازم است.

اعتماد به دیگری در اشواط طواف و سعی

۷۰۱- اعتماد به دیگری در عدد اشواط طواف و سعی، و عدد سنگ‌های رمی، با حصول اطمینان به عدد، مانع ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای، آیهٔ اللّه خویی: احتمال التفات کافی است.

(۲)- به مسأله ۶۷۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه بهجت: حمل بر صحت می‌شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: در هر دو فرض عمل صحیح است.

(۳)- آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل: طواف دوم محکوم به صحّت است همان را به اتمام برساند.

آیهٔ اللّه خویی: فتوای ایشان در دست نیست.

آیـهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: بایـد احتیاط کنـد به این‌که طواف دوّم را رها کنـد و طواف قبلی را تکمیل نماید و پس از نماز طواف قبلی طواف و نماز آن را به طور کامل اعاده نماید.

آیهٔ اللّه مکارم: صبر می‌کند تا موالات طواف دوم به هم بخورد، سپس طواف اول را تکمیل کند.

(۴)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: و در خصوص طواف می‌توان بر او اعتماد کرد، اگر خود او یقین به عدد اشواط داشته باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۲

کثیرالشک در طواف

۷۰۲- کسـی که در عدد اشواط، کثیر الشک است، به شـکش اعتنا نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ

کند.

معیار کثیر الشک

۷۰۴- معیار در کثیر الشک بودن در طواف، عرفی است. ۷۰۵- معیار کثیر الشک در تعداد دورهای طواف و تعداد ریگ‌های رمی چیست؟ و عدم اعتنا به چنین شکی به چه معناست؟ آیا بنا بر اقلّ بگذارد یا اکثر؟

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: کثیر الشکّ در طواف مثل کثیر الشک در نماز است و همان وظیفه را دارد؛ و گمان درطواف معتبر است.

آیهٔ اللَّه خویی: کثیرالشک در طواف تا به حدّ وسواس نرسد باید به شکش اعتنا کند. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳).

آیهٔ اللَّه سیستانی: کثیرالشک در طواف نباید به شکش اعتنا کند چنانچه در نماز نباید اعتنا کند. (ملحق مناسک، س ۲۱۲).

آیهٔ اللَّه مکارم: و بنا را بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: معیار این است: شکی که برای او حاصل می‌شود، نسبت به کسانی که در موجبات حواس‌پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنابه بیشتر باشد.

(۳). آیهٔاللَّه بهجت: عرفی است که بنا را بر فعل، یا بر صحیح می‌گذارد.

آیت‌اللَّه تبریزی: می‌تواند با کسی که عدد اشواط را حفظ کرده و یقین داشته باشد همراهی کرده و بر طبق یقین همراه عمل کند و اگر به حدّ وسواس برسد، نباید به شک در نقیصه اعتنا کند. واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: معیار کثیر الشک در طواف عرفی است و به همان معنایی است که برای کثیرالشک در نماز بیان شده است؛ و اما کثیر الشک در رمی، حکم خاصی ندارد؛ و در صورت شک در عدد انداختن، باید آن قدر بیندازد تا علم پیدا کند.

آیت‌اللَّه سیستانی: کثیر الشک کسی است که شک او با ملاحظه همگونی در موجبات فراموشی، بیش از حدّ متعارف است و باید بنا را بر اکثر بگذارد.

آیت‌اللَّه صافی: معیار در کثیرالشک نظر عُرف است و معنای عدم اعتنا این است که بنا به نفع خود؛ یعنی به اکثر بگذارد، مگر این که بنا بر زیادی، موجب بطلانِ عمل گردد، که در این صورت بنا بر اقلّ می‌گذارد که عمل صحیح شود؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: معیار در کثیرالشک یک امر عرفی است و اگر کسی در یک طواف یا دو طواف یا سه طواف پی در پی، سه بار شک کند، حکم کثیرالشک را دارد و بنا را بر اقل بگذارد.

آیت‌اللَّه مکارم: اگر در عرف بگویند «زیاد شک می‌کند»، بنابر طرفی می‌گذارد که به نفع عمل او است.

آیت‌اللَّه نوری: معیار در کثیر الشک عرف است، عدم اعتنا یعنی بنا بگذارد که اتیان کرده است، مگر این که اتیان آن شیء مشکوک مبطل باشد که در این صورت بنابر عدم اتیان آن می‌گذارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۳

وسوسه در طواف

۷۰۶- در انجام اعمال نباید به وسوسه اعتنا کرد؛ و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیحِ آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی‌شود.

شک در طواف مستحب

۷۰۷- اگر در طواف مستحب، در عدد دورها شک کند، بنابر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

حکم گمان در طواف

۷۰۸- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و در حکم شک است.

بناگذاری بر شوط مظنون و انکشاف صحت

۷۰۹- اگر طواف کننـده، در اشواط طواف شـک کنـد و گمانش به یک طرف بیشتر باشـد و با بنای بر آن، طواف را اتمام نمایـد و بعد از انجام اعمال، یقین به صحت طواف خود پیدا کند، طواف او صـحیح است. ۷۱۰- اگر کسـی طواف یا سعی را در حال شک در اشواط ادامه دهد و بعد یقین به صحت پیدا

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: حکم آن مانند حکم ظنّ در نماز است.

(۲)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: بنابر احتیاط لازم طواف را اعاده نماید.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر به قصد رجا و کشف حال طواف را ادامه داده صحیح است.

آیـهٔ اللّه فاضـل: اگر با اطمینان به یک طرف ادامه داده صـحیح است. و گرنه بایـد احتیاطاً طواف و نماز طواف و سـعی و تقصـیر را اعاده کند.

(۳)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔاللّه خویی: (طواف یا سعیش) بنابر احتیاط صحیح نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: ادامه دادن طواف و نماز و سعی در حالِ شک اشکال دارد. لذا در فرض مذکور باید از ادامه اعمال خودداری کند و تروی کنـد و اگر به یک طرف اطمینان پیـدا کرد طبق آن عمل کند و الّا عمل را از نو انجام دهد و در این مسأله فرقی بین طواف و نماز و سعی نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: به امید انجام وظیفه شرعی.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۴

کند، اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروّی، محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: اگر در حال سـعی شک کند و در حال شک بقصد رجا کشف حال ادامه‌دهد و بعد یقین به صـحت پیدا کند سعی او صحیح است و در طواف، اگر از دلیل طواف، لزوم حفظ هر شوط استفاده شود، حکم به صحت مشکل است و الّا بعید نیست. (آراء المراجع، ص ۲۶۸).

(۲)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در مورد سعی، حکم به صحّت فرموده‌اند و متعرّضِ طواف و نماز نشده‌اند.

آیهٔ اللّه مکارم: همه شک‌ها احتیاج به مختصری فکر دارد تا مشمول ادله شک گردد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۵

فصل چهارم: قطع و تدارک طواف

۱- موارد قطع طواف و احکام آن

قطع طواف واجب

۷۱۱- قطع طواف واجبْ بـدون عـذر، بنـابر اقوی مکروه است؛ و احوط آن است که از قطع کردنی که به فوت موالاـت عرفیه منجر شود، اجتناب شود.

قطع طواف مستحب

۷۱۲- قطع طواف نافله بدون عذر، جایز است.

قطع طواف بدون عذر و نحوه تدارک آن

۷۱۳- اگر کسی بـدون عـذر طواف را قطع کند: اگر منافی انجام نداده باشد، برگردد و تمام کند، و طواف او صـحیح است؛ و اگر منافی انجام داده باشد ولو به مثل بهم خوردن موالات عرفیّه، احوط

---

(۱)- آیـهٔ اللّه بهجت: احـوط عـدم قطع طواف واجب است؛ یعنی ترک بقیّه آن، به‌نحوی که موالاـت عرفیّه فوت‌شود بـدون عـذر و به‌مجرّد خواهش نفس. (مناسک شیخ، ص ۴۴).

آیات عظام: خامنه‌ای، سیسـتانی، فاضل: قطع طواف مطلقاً جایز است؛ آیهٔ اللّه خامنه‌ای و آیهٔاللّه فاضل: اگرچه احتیاط مسـتحب قطع نکردن طواف واجب است به نحوی که موالات عرفیه به هم بخورد.

آیـهٔ اللّه وحیـد: قطع طواف واجب یـا مستحب برای عیـادت مریض یـا برآوردن حاجت خود یا برادران مومن جایز است هم چنانکه برای انجام نماز واجب، مستحب است. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۱۵۹)

آیات عظام: خویی، صافی، گلپایگانی، خویی: طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب قطع نکند.

(۲)- آیـهٔ اللّه بهجت: احوط بلکه اقوی استیناف آن است هر چند که چهار شوط به‌جا آورده باشد. (مناسک‌شیخ، ص ۴۴).

آیـهٔ اللّه تبریزی: هرگاه طواف کننـده پیش از تجاوز از نصف طواف، بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است؛ و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش بعـد از تجاوز نصف باشـد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۱۰).

آیـهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به‌جا آورده باشـد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند. (احکام عمره، ص ۶۲ و ۶۳).

نظر سایر آیات عظام در این مسأله و مسأله بعد، در ذیل مسأله ۶۸۶ آمده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۶

آن است که اگر چهـار دور به‌جـا آورده باشـد، طواف را اتمـام و اعـاده کنـد؛ و اگر کمتر از چهـار دور بجا آورده و موالات به هم خورده، طواف را اعاده نماید.

قطع با عذر و نحوه تدارک

۷۱۴- اگر در بین طواف عـذری- مثل مرض یا حیض یا حـدث بی‌اختیار - از اتمام آن پیـدا شـد؛ اگر بعـد از تمام شـدن چهار دور باشـد، بعـد از رفع عذر برگردد و از همانجا اتمام کند؛ و احتیاط مستحب در غیر حیض آن است که اتمام و اعاده نماید؛ و اگر قبل از چهار دور بوده، طواف را اعاده کند.

---

(۱)- آیة اللّه فاضل: اعاده مستحب است، هرچند موالات عرفیه به‌هم نخورده باشد.

(۲)- آیة اللّه خامنه‌ای: نظر معظم له ذیل مساله ۵۸۰ و ۵۸۲ آمده است.

(۳)- نظر آیات عظام در بحث حدث اصغر و جنابت در مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱ آمده است و راجع به حیض در مسأله ۵۸۲ آمده است.

و امّا در مورد مرض:

آیـة اللّه بهجت: هر گاه طواف کننده به علّت عذر ناچار طواف خود را قطع نمود و از مطاف بیرون رفت، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشـد طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعـد از آن بوده، اگر قادر بر اتمام نباشـد احوط آن است که صبر کنـد تا وقت آن طواف تنگ شود، اگر قادر نشـد او را دوش می‌گیرنـد و طواف می‌دهنـد و اگر ممکن نباشد نایب از برای او می‌گیرند در اتمام. (مناسک، مسأله ۳۱۲).

آیـة اللّه تبریزی، آیـة اللّه خویی: در این فرض اگر ناچـار به قطع طواف شـد و از مطـاف خارج گردیـد، چنانچه قبل از تمامی شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنانچه بعد از آن بوده، احتیاط این است که برای باقیمانده نایب بگیرد و شخصاً بعد از زوال عذر احتیاطاً باقیمانده را به‌جا آورده و طواف را اعاده نماید.

(۴)- آیـة اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: پس اگر به نصف نرسـیده اعاده کند و اگر در فاصـله بین ۳/۵ و ۴ بوده احتیاط به اتمام و نماز و اعاده طواف و نماز است.

آیـة اللّه فاضـل: اگر از نصف تجاوز نکرده عـذر پیـدا شـد طواف را اعاده کنـد و اگر از نصف گذشـته و دور چهارم را تمام نکرده است، احتیاط آن است که طواف را تمام کند و اعاده نماید و یا از نو یک طواف کامل انجام دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۷

نیت قطع طواف

۷۱۴/۲- آیا نیت قطع طواف به صحت طواف ضرر می‌زند یا خیر؟ ۷۱۵- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتواند آن را به‌جا آورد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست، برای او نایب بگیرند.

قطع طواف به خاطر بطلان وضو و غسل و عروض حیض

موارد قطع طواف به خاطر بطلان وضو و غسل و، ... در بیان شرایط طواف صفحه ۲۷۱ به بعد گذشت.

قطع طواف به جهت غش

۷۱۶- اگر طواف کننده غش کند، اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید؛ و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

قطع طواف برای قضا نشدن نماز

۷۱۷- اگر در اثنای طواف، وقت نماز واجب، تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند؛ پس اگر بعد از چهار دور رها کرد، از همانجا طواف را تمام کند، و گرنه اعاده کند.

---

(۱)- آیهٔ الله بهجت: اگر موالات فوت نشده، از همان مکان می‌تواند ادامه دهد.

آیهٔ الله سیستانی: ضرر نمی‌زند.

آیهٔ الله صافی: مجرد نیت قطع، مضر به طواف نیست. و نسبت به ادامه طواف و خروج از مطاف، فروع مختلفی وجود دارد و احکام خاصی دارد والله العالم.

(۲)- آیهٔ الله سیستانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتوانند او را طواف دهند باید نایب بگیرد که طواف را از اول به نیابت او انجام دهد و اگر بعد از تمام کردن شوط چهارم باشد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می‌کند (ملحق مناسک، س ۲۳۴).

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: و چون بعید نیست گفته شود که: «طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج به دلیل است» نایب همه طواف را انجام دهد (آراء المراجع، ص ۲۴۹).

نظر سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسأله قبل گذشت.

(۳)- آیهٔ الله خویی: فرض مزبور را متعرض نشده اند و مقتضی احتیاط اعاده طواف به نیت اعم از اتمام و تمام است.

(۴)- آیهٔ الله فاضل: در هر صورت می‌تواند طواف را از سر بگیرد.

مراجعه شود به مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱.

(۵)- آیهٔ الله خامنه ای: کسی که برای نماز واجب، طواف واجبش را قطع کند، اگر قطع بعد از اتمام نصف باشد طواف را از همانجا که قطع کرده، اتمام کند و اگر قبل از آن بوده و مدت زمان طولانی بین قطع و اتمام فاصله شود، بنابر احتیاط طواف را اعاده کند و گرنه بعید نیست این احتیاط واجب نباشد، اگر چه احتیاط در هر حال خوب است و در تمام صور مذکور می‌تواند آن طواف را رها نموده و از نو، طواف کند و در این مسأله حکم مسأله ۷۱۹ نیز روشن می‌شود.

(۶) آیهٔ اللَّه فاضل: ولی چنانچه تمام نکرد و از سر گرفت طوافش صحیح است.

(۷)- آیهٔ‌اللَّه‌بهجت: اگر موالات عرفیه به‌هم بخورد. (مستفاداز مناسک، ص ۱۶۱، مسأله ۱۲ مسائل متفرّقه).

(۸)- آیهٔ اللَّه تبریزی: اعاده لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید اتمام کند و احتیاط مستحب آن است که طواف را بعد از طواف اوّل و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: ولی اگر از نصف گذشته و چهار شوط هم تمام نشده، احتیاطاً طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: و بنابر احتیاط واجب آن را اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۸

قطع طواف برای استراحت

۷۱۸- توقف در طواف و نشستن در اثنای آن برای رفع خستگی و استراحت، جایز است، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به‌هم بخورد؛ که اگر موالات به هم خورد، احتیاط آن است که طواف را اتمام و اعاده نماید؛ و اگر موالات به هم‌نخورده باشد، همان طواف را تکمیل نماید.

قطع طواف برای رسیدن به جماعت

۷۱۹- قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز، بلکه مستحب است؛ و از هر جا قطع کرد، بعد از نماز از همانجا اتمام کند؛ و احتیاط آن است که به‌دستور

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر در موردی است که عذر صدق نمی‌کند حکم آن در مسأله ۷۱۲ و ۷۱۳ آمده است؛ و بافرض تحقّق عذر از ادامه، قبل از اکمال شوط چهارم، در حدّی که موالات عرفیه به‌هم نخورد مانعی ندارد و اگر به‌هم بخورد احتیاط مراعات شود به اکمال آن طواف و اعاده آن، و بعد از شوط چهارم مطلقاً مانعی ندارد. (مناسک، س ۸۷ و ۸۸).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در این صورت طوافش باطل است، و لازم است از نو شروع کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط به اتمام لازم نیست.

(۲)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه فاضل: و می‌تواند آن را رها کند و از نو یک طواف کامل انجام دهد.

(۳). آیهٔ‌الله خامنه‌ای: به مسأله ۷۱۷ مراجعه شود.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر موالات عرفیه به‌هم نخورد و اگر به‌هم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۸۹

مسأله ۷۱۷ عمل کند، و این احتیاط، سزاوار نیست ترک شود. ۷۲۰- اگر در اثنای طواف یا سعی، نماز جماعت برقرار شد و از ادامه طواف معذور شد:

اگر قطع، بعد از شوط چهارم طواف یا سعی باشد، از همان جایی که قطع شده، طواف یا سعی را تمام کند؛ و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد؛ هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده و نماز طواف دیگری بخواند؛ و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط مستحب طواف را بعد از طواف اول و نماز آن اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

(۲)- آیهٔ اللَّه خویی: اگر موالات فوت شود طواف باطل است و اعاده لازم است. (مناسک فارسی، مسأله ۳۱۴).

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: در طواف اگر موالات عرفیه به‌هم نخورد اشکالی ندارد و اگر به‌هم بخورد و قبل از اکمال شوط چهارم باشد

احتیاط مراعات شود با اکمال آن طواف و اعاده آن، ولی در سعی چون موالات معتبر نیست با فرض عذر مانعی ندارد. (مناسک، س ۸۸).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: گذشت نظر ایشان ذیل مسأله ۷۱۷.

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی: حکم قطع طواف، در صورتی که در اثنای طواف نماز جماعت اقامه شود، در مسأله ۷۱۹ آمده است، و اما نسبت به سعی، احوط در هر دو صورت اتمام و اعاده است.

(۵)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در نماز جماعت شرکت کند پس از نماز از همانجا که قطع شده است ادامه دهد چه در طواف باشد چه در سعی؛ و احتیاط مستحب اتمام و اعاده است؛ و اگر شرکت نکند، پس اگر قبل از پایان شوط چهارم باشد وفوت موالات عرفی نشده باشد، از همانجا که قطع شده است ادامه دهد؛ و اگر موالات فوت شده است، از سر بگیرد، و اگر بعد از پایان شوط چهارم باشد، در هر حال اتمام آن کافی است؛ و در سعی اگر موالات از بین برود، به احتیاط واجب، باید سعی را تمام و اعاده کند.

آیهٔ اللَّه نوری: طواف را از سر بگیرد و در سعی نیز اگر بعد مرتبه چهارم است، بعد از قطع کردن سعی و خواندن نماز، از همان‌جا که قطع کرده بود سعی را به آخر برساند و اگر قبل از مرتبه چهارم است سعی را از سر بگیرد.

(۶)- آیهٔ اللَّه فاضل: در تمام صور می‌تواند طواف یا سعی را از سر بگیرد و صحیح است، اما اگر بخواهداحتیاط کند به ذیل مسأله ۵۸۰ مراجعه کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۰

۲- ازسرگیری طواف و تدارک آن

از سرگیری طواف با شک در زوال موالات

۷۲۲- از سرگیری طواف در صورتی که فوت موالات عرفی مشکوک باشد، اشکال دارد. ۷۲۳- رها کردن طواف بدون عذر و از سرگیری آن با بقای موالات، اشکال دارد؛ و اگر بعد از شوط چهارم، طواف قطع و از سرگرفته شود، باید طواف اول اتمام و نماز خوانده شود سپس طواف و نماز آن، اعاده شود.

ذحکم کلی قطع طواف، از سرگیری آن

۷۲۴- اگر طواف در اثنا قطع و از سر گرفته شود:

اگر بعد از دور چهارم بوده، به احتیاط واجب طواف اول اتمام سپس یک طواف دیگر به‌جا آورده شود؛ و اگر قبل از دور چهارم بوده، باید یك طواف دیگر به‌جا آورده شود. چنین کسی که طواف را قطع و از سر گرفته، اگر از روی جهل، اعمال مترتّبه و تقصیر را انجام داده، ظاهر این است که این اعمال صحیح و از احرام خارج شده است.

---

(۱)- آیات عظام: بهجت، سیستانی، صافی، گلپایگانی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد و طواف صحیح است؛ آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر بعد از شوط چهارم بوده نقصان طواف قطع شده را واجب است به‌جا آورد و نماز آن را نیز بخواند.

(۲)- جهت نظر آیات عظام به مسأله ۷۲۴ مراجعه شود.
آیهٔ اللّه تبریزی: در مسأله ۷۲۴ حکم آن آمده است.
آیهٔ اللّه خویی: در صورت اعتقاد به جواز از سر گرفتن طواف، عمل مزبور مجزی است.
آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این‌که جاهل قاصر باشد.
(۳)- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل، صافی، گلپایگانی: طوافی که از سر گرفته مجزی است.
(۴)- به حاشیه قبل مراجعه شود.
(۵)- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است، سپس از سر گرفته باشد طواف صحیح است، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، در صورتی که استیناف پس‌از فوت موالات عرفیه بوده، صحیح است و گرنه مشکل است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۱

۳- طواف بدون اختیار و تدارک شوط ناقص

تدارک چند قدم

۷۲۶- اگر در طواف خانه خدا، در قسمتی از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل حرکت بدون اختیار، همان مقدار باید از سر گرفته شود و شروع از حجرالاسود به قصد طواف اشکال دارد.

مراد از طواف بدون اختیار

۷۲۷- اگر مقداری از طواف بدون اختیار انجام شود، اعاده آن مقدار، لازم است؛ و اگر در ازدحام طواف با اختیار ممکن نیست، باید در صورت امکان در وقت خلوت انجام شود؛ البته منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که طواف کننده در اثر فشار جمعیت تندتر برود، بلکه اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد، ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

نقصان در اثر سلب اختیار و نحوه تدارک آن

۷۲۸- اگر مقداری از طواف در اثر ازدحام و مانند آن، پشت به خانه یا بدون اختیار، انجام شود، باید آن مقدار اعاده شود؛ و اگر نمی‌تواند برگردد، می‌تواند همراه با جمعیت بدون قصد طواف حرکت نماید تا به محل اعاده برسد و از آنجا طواف را تدارک نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر بتواند برگردد و از همان جا طوافش را ادامه دهد باید این کار را بکند و گرنه بدون نیّت دور می‌زند تا به محلّی که بدون اختیار برده شده برسد تا از همانجا به طواف ادامه دهد.
آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: ولی چنانکه سابقاً گفته شد، مجرّد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شود مادامی که سایر شرایط

موجود باشد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه مکارم: سابقاً گفته شد، از اوّل نیّت می‌کند که خود را در وسط جمعیّت قرار دهد و طواف کند هرچنداو را ببرند، بنابراین اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۷۲۸ مراجعه شود.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: مانند مسأله سابق است.

(۳)- آیهٔ اللَّه فاضل: و اگر وقت خلوت پیدا نکند و اعاده نیز مستلزم عسر و حرج باشد به همین مقدار اکتفاکند، و طواف در این فرض صحیح است.

(۴)- آیهٔ اللَّه نوری: باید مقداری از طواف که پشت به خانه بوده اعاده شود.

(۵)- آیهٔ اللَّه مکارم: در مورد فشار جمعیّت مثل مسأله سابق است، اما اگر پشت به خانه شود باید آن مقدار را اعاده کند.

(۶)- آیهٔاللَّه سیستانی: همان‌گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده‌کند ونمی‌تواند بدون قصد طواف برود تاجایی که طوافش نادرست بوده است و از آنجا اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه فاضل: همان گونه که گذشت می‌تواند بدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن شوط را اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۲

اگر جای مقدار شوط فاسد معلوم نباشد

۷۳۱- در صورتی که مقداری از یک شوط، صحیح بجا آورده نشود و محدوده آن دقیقاً معلوم نباشد، در صورتی که بعد از فساد آن مقدار، طواف را ادامه نداده باشد، می‌تواند مقداری اضافه و یا حتی یک شوط کامل به عنوان تدارک مقدار باطل شده و مقدمه علمیه انجام دهد؛ ولی اگر بعد از آن، طواف را ادامه داده باشد، طواف او اشکال دارد. ۷۳۲- شخصی در یکی از اشواط، گامهایی را در اثر فشار جمعیت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده وطواف را پایان برده است، اکنون که مسأله را فرا گرفته، نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را، تکلیف او چیست؟

کفایت تدارک طواف از محاذات

۷۳۳- طوافی که قطع می‌شود، ادامه آن از محاذات نقطه قطع شده نیز کافی است و لازم نیست دقیقاً از همان نقطه قطع باشد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: در مسأله قبل آمده است که ظاهراً به طواف ضرر ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در این فرض اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: صحیح نیست، مگر آن‌که چند قدم جلوتر از محلی که طواف خراب شده، به عنوان مقدّمه علمیّه طواف را شروع کند و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف بجا آورد. (آداب و احکام حج، م ۵۸۱).

آیهٔ اللَّه فاضل: طواف مزبور صحیح است ولکن اگر پس از خرابی، اشواط دیگری را هم اتیان کرده باشد صوری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

(۲). آیهٔاللَّه بهجت: فرض سؤال، مضرّ به صحّت طواف نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: حرکت غیر اختیاری در فرض مزبور مضر به طواف نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر با قصد طواف نموده، اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر کاملًا بی‌اختیار بوده طواف را پس از فوت موالات از سر بگیرد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه نوری: از طواف مذکور صرف نظر کند و طواف دیگر انجام دهد، واللّه العالم

آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد طواف داشته صحیح است و گرنه احتیاطاً خودش و اگر نمی‌تواند فردی را نایب کند تا یک طواف و نماز طواف برای او بجا آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیت او را پیش می‌برند این وضع ضرری به طواف نمی‌زند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۳

۴- چند مسأله مربوط به اعاده طواف

اتمام و اعاده طواف اعاده‌ای

۷۳۷- در مواردی که اتمام و اعاده طواف، لازم است فرقی نمی‌کند که طواف قطع شده، طواف اصلی باشد یا طواف اعاده‌ای.

اعاده طواف و سعی با لباس دوخته

۷۳۸- اگر در بعد از تقصیر معلوم شود طواف و سعی باطل بوده، اعاده طواف و سعی با لباس دوخته کفایت می‌کند و اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.

۷۳۹- در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم نیست با لباس احرام باشد.

ترتیب در اعاده

۷۴۰- در مواردی که لازم است طواف و سعی اتمام و اعاده شود، بنا بر احتیاط، باید اعاده، بعد از اتمام طواف و خواندن نماز آن، انجام شود.

زمان تدارک طواف‌های باطل

۷۴۱- بجا آوردن طواف فراموش شده، در غیر ماههای حج مانع ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و پوشیدن لباس احرام لازم نیست و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورتی که بطلان از جهت جهل به حکم نبوده، کفّاره ندارد. (پرسشهای جدید حج، س ۷۴).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی: اعاده تقصیر لازم است.

(۲)- آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط ترک نشود اگرچه کفّاره ندارد.

(۳)- آیـهٔ اللّه خویی: اگر طواف را از روی جهـل ترک کرده و یـا آنها را باطل انجام داده باقی در احرام می‌باشـد و لباس دوخته را باید در بیاورد. آیهٔ اللّه سیستانی: او بر احرام خود باقی است و باید از محرّمات احرام اجتناب کند.

آیـهٔ اللّه صـافی، آیـهٔ اللّه گلپایگـانی: در طواف عمره تمتّع و عمره مفرده احرام واجب است و در طواف حـج لازم نیست. (آداب و احکام حج، م ۶۱۰)

(۴)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: کافی است یک طواف یا سعی به نیّت اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

(۵)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر طواف باطل باشد با گذشت زمان تدارک، حجش باطل است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بطلان نیز در اثر فراموشی بعضـی از شـروط باشد، پس اگر طواف عمره باشد و در وقت متذکر شود باید در وقت انجام دهـد و اگر بعـد از آن و قبل از طواف حج باشد به احتیاط واجب قبل از طواف حج انجام دهد و اگر بعد از آن باشد هر وقت قضا کنـد جایز است و در صورتی که طواف حـج باشد و در ماه ذیحجه متذکر شود باید قبل از پایان ماه انجام دهد وگرنه هر وقت قضا کند کافی است.

آیـهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که طواف را فراموش کرده باشـد و بعـد از گذشـتن موسم متذکر شود مانعی ندارد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۹).

آیهٔ اللّه فاضل: اگر بطلان در اثر فراموشی بعضـی از شروط یا از جهت جهل به برخی از شرایط و خصوصیات باشد پس اگر طواف عمره تمتع است و در وقت متوجّه شـد بایـد آن را تـدارک و نمـاز آن را اعـاده کنـد، و چنـانچه بعـد از تقصـیر متوجّه شود از احرام خارج شـده و فقط طواف و نماز آن را تـدارک کنـد (این حکم در عمره مفرده نیز جاری است) و اگر بعـد از محرم شـدن به احرام حـج و قبل از طواف حـج متوجّه شد احتیاط مسـتحب آن است که قبل از طواف حج تدارک کند. هر چند اگر بعد از آن هم انجام دهـد صـحیح است، و چنانچه بعـد از اعمال حج و در همان ماه ذی حجّه متذکر شد در همان ماه انجام دهد والا هر وقت که مقدور بوده ولو با استنابه قضا کند و عمره و حج او صحیح است. بلی اگر طواف باطل انجام شده پس از متوجه شدن از بوی خوش اجتناب کند و اگر طواف نساء باطل بوده از زن اجتناب کند تا طواف را تدارک کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۵

فصل پنجم: نیابت و استنابه در طواف

۱- موارد استنابه

کسی که قدرت بر طواف ندارد

۷۴۲- افراد مریض و عاجز، اگر قـدرت بر طواف نداشـته باشـند و تا تنگی وقت قـدرت پیـدا نمی‌کننـد، اگر ممکن باشد- اگرچه با به‌دوش گرفتن یا با تخت و چرخ- باید آنها را طواف دهند؛ و اگر ممکن نشود، باید نایب بگیرند.

۷۴۳- هنگام طواف دادنِ مریض و عاجز، باید شرایط و احکام طواف، به مقدار ممکن در باره آنها رعایت شود.

۷۴۴- اشخاصـی که قادر به طواف نیسـتند، احتیاطاً با امکان هم نایب بگیرند و هم ولو در خارج محدوده با چرخ طواف داده شوند، اگرچه طواف دادن ولو در خارج مطاف، کفایت می‌کند.

(۱)- آیات عظام صافی و گلپایگانی: و طوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر ممکن‌نشود، او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند و اگر هیچگونه ممکن نشود نایب بگیرد که برای او طواف کند.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که به‌طوری او را طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود. (مناسک، مسأله ۳۲۰).
آیهٔ اللّٰه فاضل: و بهتر است در صورت امکان پاهای او به زمین کشیده شود.
آیهٔ اللّٰه مکارم: و لازم نیست پاهای او به زمین کشیده شود.
(۲)- مراجعه شود به مسأله ۶۵۷.
آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر می‌تواند به کمک دیگری مباشرتاً در محدوده طواف کند باید این کار را بکند و در غیر این صورت واجب است نایب بگیرد که در محدوده طواف کند و طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت نمی‌کند.
آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط لازم نیست و طوافش صحیح است.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: همه مسجدالحرام مطاف است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۶

نیابت در بعضی اشواط طواف و سعی

۷۴۵- نیابت در بعض شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند تمام سعی و طواف را خودشان انجام دهند، مشروع است.
۷۴۶- اگر طواف کننده در اثنای طواف عاجز شود و شخص دیگری بقیه اشواط را بجای وی بجا آورد با فرض عذر حتی در آینده، عمل مزبور صحیح است و نماز را بجا آورد.

مورد عدم جواز نیابت در اشواط طواف

۷۴۷- کسی که با مقداری استراحت می‌تواند طواف خود را کامل کند، نمی‌تواند برای بقیه

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر کسی از اتیان طواف یا سعی یا رمیِ کامل عاجز باشد ولی به انجام مقداری از آن قادر باشد بایستی برای تمام عمل نایب بگیرد.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر از ابتدا بداند که نمی‌تواند طواف را تمام کند باید برای همه آن نایب بگیرد و همچنین اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می‌تواند برای باقیمانده نایب بگیرد، ولی در سعی اگر از یک شوط هم عاجز باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.
آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط آن در نیابت محتاج دلیل است، پس باید در همه طواف نیابت کند. (آراء المراجع، ص ۲۴۹).
آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر از ابتدا از انجام طواف مأیوس باشد و امکان طواف دادن او نباشد، باید برای همه آن نایب بگیرد و اگر بعد از دور چهارم از انجام بقیّه آن عاجز شده است می‌تواند برای بقیّه نایب بگیرد و در این فرض خودش نماز طواف را بخواند و احتیاطاً نایب نیز نماز بخواند و اگر کمتر از چهار دور بجاآورده نیابت در بقیّه صحیح نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که بشود در باقیمانـده، آنها را طواف داد بایـد چنین کننـد، و در غیر این صورت برای تمام طواف نایب بگیرند.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: اگر قدرت برانجام طواف ولو در آینده نداشته باشد باید برای تمام طواف نایب بگیرد و نماز طواف را نیز نایب بخواند.

(۳)- به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: باید برای تمام طواف نایب بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۷

آن نایب بگیرد؛ و اگر چنین کرد، اگر بعد از شوط چهارم باشد، باید بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

قطع طواف و عذر از اتمام

۷۴۸- اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به‌جا آورد تا آن که وقت تنگ شد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند؛ و اگر ممکن نیست، برای او نایب بگیرند.

طواف افراد ناتوان در طبقه دوم

حکم طواف از طبقه دوم، در بخش محدوده طواف گذشت.

۲- احکام طواف نیابی

انجام طواف نیابی قبل از طواف خود

۷۴۹- انجام دادن طواف نیابی، قبل از انجام دادن طواف واجب خود، مانع ندارد.

---

(۱). در این باره به تفصیل مسایل ۶۱۴ و ۶۱۷ و تفصیل بین شوط چهارم و قبل آن مراجعه شود.

(۲)- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: خودش احتیاطاً بقیه طواف را بجـا آورد و بعـد از خوانـدن نمـازِ طواف، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه خـامنه‌ای: مگر این‌که موالاـت به هم خورده باشـد که در این صورت، بنابراحتیـاط علاـوه بر تکمیـل طواف و اعاده صـلاهٔ، مجدّداً طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی اگر موالات به هم خورده باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

(۳)- آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم عاجز شود و نتواننـد او را طواف دهنـد باید نایب بگیرد که طواف را از اوّل به نیابت او انجام دهـد و اگر بعـد از تمام کردن شوط چهارم باشـد، نایب در مقدار باقیمانده نیابت می‌کند. (ملحق مناسک، س ۲۳۴).

آیـۀاللّه صافی، آیۀاللّه گلپایگانی: وچون بعیدنیست گفته شود که: «طواف حکم نماز را دارد و تبعیض در اشواط آن‌در نیابت‌محتاج به‌دلیل است» نایب همه طواف را انجام دهد. (آراء المراجع، ص ۲۴۹).
نظر سایر آیات عظام در مورد نیابت در مسأله ۷۱۵ آمده است.
(۴)- آیۀ اللّه تبریزی: احتیاط این است که پس از انجام اعمال خود، آن را برای منوبٌ‌عنه انجام دهد.
آیـۀ اللّه صـافی، آیـۀ اللّه گلپایگـانی: در طواف عمره احوط آن است که بعـد از ادای مناسـک خود طواف نیابی را قبل از تقصـیر و خروج از احرام انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۸).
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۸

عدم لزوم لباس احرام در نیابت در طواف و سعی

۷۵۰- کسی که برای انجام سعی یا طواف، نایب می‌شود، لازم نیست محرم باشد و لباس احرام در تن داشته باشد.

زمان انجام طواف نیابی

۷۵۱- انجام طواف نیابی برای عمره تمتع یا طواف حج، در غیر موسم، مانع ندارد.

طواف و اطافه

۷۵۲- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

---

(۱)- آیۀ اللّه بهجت: احتیاط در احرام نایب است.
آیـۀ اللّه صافی، آیۀ اللّه گلپایگانی: احوط آن است که در عمره، نایب بعد از فراغ از ادای مناسک خود، طواف و سعی نیابی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۴۱ مسأله ۸).
(۲). آیۀ اللّه بهجت: در حکم، با منوبٌ‌عنه مشترک است.
آیـۀ اللّه سیسـتانی: بایـد عمـل را در وقتی انجـام دهـد که بر منوبٌ‌عنه تـأخیر از آن جـایز نیست. پس اگر نایب در طواف عمره تمتّع باشـد، بایـد در وقتی انجام دهـد که منوبٌ‌عنه بتوانـد بقیه اعمال را قبل از فوت وقوف در عرفات انجام دهد و اگر طواف حج باشـد تأخیر آن از ذی‌حجّه جایز نیست، ولی اگر ماه ذی‌حجّه تمام شـد، در هر زمان کافی است و اگر منوبٌ‌عنه طواف را فراموش کرده و به وطن بازگشته است، نایب در هر زمان می‌تواند آن را انجام دهد.
آیـۀ اللّه صافی، آیـۀ اللّه گلپایگانی: طواف عمره تمتّع را در اشـهر حـج و طواف حج را در ذی‌حجّه، روز عید و بعداز آن، باید به‌جا آورد مگر این‌که منوبٌ‌عنه طواف را فراموش کرده باشـد و بعـداز گذشـتن موسم متذکّر شود که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکّن، نایب او می‌تواند طواف را در غیر اشهر حج به‌جا آورد.
آیـۀ اللّه مکارم: طواف حـجّ تمتّع را بایـد تا آخر ذی‌حجه به‌جا آورد و طواف عمره تمتع را بایـد در اشـهُر حـج، قبل از عرفات به‌جا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۲۹۹

فصل ششم: احکام خاص بانوان در طواف

۱- حیض

وظیفه بعد از تجاوز دم از عشره

۷۵۳- مدت حیض، از ده روز بیشتر نمی‌شود؛ و اگر حایض بعد از عادت غسل کند و عمره تمتّع انجام دهد و بعد از آن تا روز یازدهم لک ببیند، محکوم به استحاضه است و وظیفه او تمتع است.

لک دیدن در غیر ایام عادت

۷۵۴- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون با شرایط حیض، دیده، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، در این صورت حائض بوده و طواف و نمازش صحیح نیست؛ و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حائض نبوده و اعمالش صحیح است؛ و در صورت اول، حج او صحیح است و

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر مجموع آن روزها از ده روز بگذرد، لکهایی که دیده محکوم به استحاضه‌اند و حج تمتّع خود را تمام کند و اگر از ده روز نگذرد لکها محکوم به حیضند و احتیاطاً باید در اوقات پاکی جمع نماید بین احکام طاهر و حایض و به موجب این احتیاط، باید طواف عمره و نمازش را پیش از طواف حج احتیاطاً قضا نماید.

(۲)- آیهٔ اللَّه نوری: در این صورت از تاریخ دیدن لک، حیض شروع شده...

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر لک دارای صفات حیض بوده، در این صورت حکم کسی را دارد که قبل از طواف حایض شده و چنانچه به وظیفه خود عمل نکرد تا زمان تدارک گذشت، حجّش باطل است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و باید اعاده نماید و اگر در عمره بوده و وقت اعاده ندارد حج او مبدّل به افراد می‌شود.

(۴)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورتی که به وظیفه مستحاضه عمل نموده باشد.

آیهٔ اللَّه نوری: ولی اگر حصول این یقین بعد از انجام اعمال حج باشد حج او صحیح است و فقط طواف و نماز طواف را اعاده کند و اگر بعد انجام عمره و قبل از حجّ یقین حاصل شد، اگر وقت هست طواف و نماز طواف را انجام بدهد و بعد برای حج محرم شود و اگر وقت نیست و احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده به‌جا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۰

باید طواف و نماز را اعاده کند؛ و اگر در عمره بوده، در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمره مفرده نیز به‌جا آورد.

۷۵۵- اگر حایض مثلا روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد ولی بعداً خون دید، اگر خونی که دیده از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعتِ وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت، محل اشکال است و باید احتیاط مراعات شود.

عروض حیض در اثنای طواف

۷۵۶- اگر زنی در عمره تمتع قبل از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط طواف، حایض شد و تا

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: وسعی را نیز احتیاطاً اعاده کند.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: حجّ تمتّع مبدّل به افراد می‌شود و اگر واجب بوده باید بعد از آن عمره مفرده بجا آورد و اگر مستحب بوده بعد از آن عمره مفرده واجب نیست.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در عمره تمتع بوده، باید طواف عمره و نماز آن را قبل از طواف حج قضا نماید.

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر آن لک، صفات حیض را داشت و قبل از گذشت ده روز از ابتدای حیض قطع شدباید طواف و نماز طواف را که خوانده اعاده نماید و اگر بعد از آن سعی یا تقصیر کرده آنها را هم اعاده نماید و در غیر این صورت اعمالی را که انجام داده صحیح است.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر به صفات حیض ادامه یافت و از ده روز نگذشت، اعمال گذشته باطل بوده و اگر از ده روز گذشت و یا به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده. (استفتائات آخر مناسک، چاپ سابق، ص ۱۱).

آیهٔ اللَّه سیستانی: پاکی بین دو خون که حیض واحد شمرده می‌شوند محل اشکال است و به احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر در طواف حج واقع شده، باید طواف و نماز را اعاده کند و مستحب است که سعی را اعاده کند و اگر در عمره تمتّع بوده، اگر فرصت دارد طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط مستحب این است که سعی و تقصیر را نیز دومرتبه بجا آورد و اگر فرصت نداشت حج تمتّع مبدل به افراد می‌شود و اگر حج واجب بوده بعد از حج افراد یک عمره مفرده انجام دهد و الّا انجام عمره مفرده واجب نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه مکارم: اگر اعمال در حال پاکی واقع شده صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۱

قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی‌شود، وظیفه او عدول به افراد است. ۷۵۷- اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حایض شود و تا وقت وقوف به عرفات پاک نمی‌شود، باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و برای حج تمتع محرم شود، و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم بجا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خامنه ای: اگر قبل از سه شوط و نیم حایض شود مورد عدول به افراد است.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: مخیر است بین این که اول حج افراد را بجا آورده و بعد از فراغت، عمره مفرده بجا آورد و بین این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش بجا آورد بدین معنی که سعی و تقصیر نموده و بین این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش بجا آورد بدین معنی که سعی و تقصیر نموده و برای حج احرام بسته و به حج رفته و پس از فراغت از حج بازگشت به مکه، قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد.

آیهٔ الله تبریزی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیر می کند و برای حج محرم می‌شود و بعد از برگشتن از منی، قبل از طواف حج، یک طواف کامل به قصد اعم از تمام یا اتمام بجا می‌آورد و نماز آن را می‌خواند.

آیهٔ الله خویی: مخیر است بین عدول به حج افراد و بقا بر حج تمتع، به این نحو که سعی و تقصیر می کند و بعد از رجوع از منی، قبل از طواف حج، یک طواف به نیت اعم از اتمام و تمام بجا می‌آورد (تعلیقه عروه، ج ۲، ص ۳۳۱، و مناسک، مسألهٔ ۲۹۴.

آیهٔ الله سیستانی: احتیاط مستحب این است که به حج افراد عدول نماید، گرچه می‌تواند در عمره تمتع خود باقی بماند و اعمال آن را بجز طواف و نماز آن را انجام دهد و پس از فراغت اعمال منی قبل از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را بجا آورد (مناسک، مسألهٔ ۲۹۰).

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: طواف را رها نموده، سعی و تقصیررا احتیاطا انجام دهد و تروک احرام را ترک نماید، و رجاء محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الذمه از تمتع و افراد انجام دهد و پس از پاك شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف‌ها را بجا آورد و احتیاطا عمره مفرده نیز انجام دهد.

آیهٔ الله فاضل: اگر قبل از سه شوط و نیم حایض شده، مورد عدول به افراد است و اگر بعد از آن و قبل از تمام شدن دور چهارم حایض شده، طواف را رها کند و سعی و تقصیر را احتیاطا و رجاءا انجام دهد وء احتیاطا محرمات احرام را رعایت کند و وقت رفتن به عرفات احتیاطا و رجاءا محرم به احرام حج تمتع شود و اعمال آن را به قصد مافی الذمه- اعم از تمتع و افراد- انجام دهد. و پس از پاك شدن، بنابر احتیاط ابتدا طواف و نماز عمره را تکمیل کند و احتیاطا سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیه اعمال حج را بجا آورد و اگر حج تمتع بوده احتیاطا عمره مفرده را انجام دهد.

آیهٔ الله نوری: و بعد از انجام حج، عمره حج افراد را بجا بیاورد.

(۳)- آیهٔ اللَّه خامنه ای: بعد از سه شوط و نیم.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: باید قضای طواف عمره را به نحوی که گذشت، قبل از طواف حج بجا آورد.

آیهٔ الله تبریزی: و بعد از برگشتن از منی قبل از طواف حج یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام بجا آورد و نماز آن را بخواند.

آیهٔ الله خویی: حکم آن مانند حکم مسأله ۷۵۶.

آیهٔ الله سیستانی: باید سعی و تقصیر کند و پس از اعمال منی و قبل از طواف حج، باقیمانده طواف را انجام دهد و احتیاط مستحب این است که پس از اتمام، طواف و نماز آن را اعاده کند.

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: آنچه از طواف عمره باقیمانده و نماز آن را بعد از اعمال مکه بجا آورد و احتیاطا سعی را هم اعاده کند هر چند لازم نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: و سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۲

زنی که حیض نمی‌شود ولی لک ببیند

۷۵۸- زنی که حیض نمی‌شود ولی گاهی خون می‌بیند، اگر خون تا سه روز، استمرار ندارد، ولو به این گونه که پس از خارج شدن تا این مدت، باطنِ فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

انجام اعمال عمره با حیض

۷۵۹- اگر زنی حائض بود و نمی‌دانست و اعمال عمره را بجا آورد، اگر در وسعت وقت است، باید طواف و نماز را اعاده کند؛ ولی اگر وقت ندارد، در این‌که وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.

---

(۱)- به مسأله ۷۶۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: به ذیل مسأله ۷۶۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: به مسأله ۷۶۸ مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللّه سیستانی: و سپس سعی و تقصیر را اعاده نماید.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و سعی و تقصیر را اعاده نمایـد و اگر پس از پاکی، وقت برای انجام اعمال عمره ندارد حج او مبدّل به افراد می‌شود.

آیهٔ اللّه فاضل: و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: لازم است طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز بجاآورد و چون تقصیر از جهت جهالت به موضوع طهارت بوده کفّاره ندارد: (پرسش‌های جدید حج، س ۷۱).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتّع اعاده نماید و اگر وقت ندارد حتی برای سعی و تقصیر حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا می‌آورد، و چنانچه متمکن است سعی و تقصیر کند، ولو آن‌که مسمای وقوف اختیاری عرفات را درک کند، اگر حیض او بعد از احرام بود مخیّر است بین این‌که سعی و تقصیر کرده سپس برای حج محرم شود و بعد از رجوع از منی، طواف عمره تمتّع و نماز آن را قبل از طواف حج قضا کند و بین این‌که حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد و اگر حیض او قبل از احرام بستن یا هنگام احرام بستن بوده باید حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجا آورد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر وقت موسع نباشد، پس اگر در حال احرام حایض بوده است، حجش مبدل به افراد می‌شود و پس از فراغ از حج، اگر می‌تواند باید عمره مفرده انجام دهد و اگر حیض او بعد از احرام بوده در فرض مذکور باید پس از فارغ شدن از اعمال منی و بازگشتن به مکّه، قبل از این‌که طواف حج را انجام دهد طواف عمره و نماز آن را قضا کند. (مناسک، مسأله ۲۹۰).

آیهٔ اللّه فاضل: پس از تمام شدن ایام حیض و غسل، اگر وقت باقی است باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را در عمره تمتّع اعاده کند، و اگر وقت ندارد حج افراد انجام داده و عمره مفرده را بعد از حج بجاآورد.

آیهٔ اللّه مکارم: اشکالی نیست، حج او مبدل به حج افراد می‌شود و عمره مفرده بعد از حج بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۳

۷۶۰- اگر زنی عمره تمتع را انجام دهد و بعد از آن متوجه شود که طواف او باطل بوده، سپس حائض شود، هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند؛ و اگر قبل از وقوف پاک نمی‌شود، برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد.

علم به بقای حیض در اثنای سعی

۷۶۱- اگر زنی به تصور این‌که پاک شده است، طواف را انجام دهد و در اثنای سعی متوجه شود که هنوز پاک نشده است، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند؛ و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را

اتمام و اعاده نماید؛ و اگر بعد از سعی متوجه شود نیز، اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی، مبنی بر احتیاط است.

خیال استحاضه و انکشاف حیض

۷۶۲- زنی به تصور این‌که مستحاضه است در میقات محرم شده و با انجام وظایف مستحاضه اعمال عمره تمتّع را بجا آورده پس از اعمال متوجه شده که حائض بوده، وظیفه او نسبت به اعمال

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و در صورت ضیق وقت بعداً تدارک کند و عمره‌مفرده هم بجا آورد به احتیاط واجب. (مناسک س ۸۵ و ۷۵).

آیهٔ اللّٰه فاضل: سعی و تقصیر را نیز احتیاطاً اعاده کند.

(۲)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: مراجعه شود به مسأله ۵۸۸.

آیهٔ اللّٰه خویی: در هر دو صورت سعی و تقصیر را اعاده نماید. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۵).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر قبل از فوت وقت وقوفین پاک شود باید همه اعمال را انجام دهد و اگر پاک نشود به وظیفه‌ای که در حاشیه مسأله ۷۵۶ آمده است عمل کند.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اتمام سعی لازم نیست و اعاده کافی است.

(۴)- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۴

عمره و حج چیست؟

نیت غسل جنابت بجای حیض

۷۶۳- اگر زنی به جای نیّت غسل حیض، نیّت غسل جنابت کرده اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

۲- استحاضه

وظیفه مستحاضه کثیره

۷۶۴- مستحاضه کثیره، باید برای طواف، یک غسل و برای نمازِ طواف، غسلی دیگر انجام

---

(۱). آیت اللّٰه خامنه‌ای: اگر نتواند با تدارک اعمال عمره، محرم به احرام حج شود، چنانچه عادت او پیش از احرام از میقات حادث شده باشد، حج او بدل به حج افراد می‌شود، که باید پس از انجام مناسک حج، عمره مفرده بجا آورد، ولی اگر عادت ماهانه بعد از احرام از میقات عارض شده باشد، عمره تمتّع او صحیح است، فقط طواف و نماز آن باطل است، که باید بعد از برگشت از عرفات

و مشعر و منی و مناسک آن، طواف عمره و نماز آن را تدارک کند.

آیت اللَّه تبریزی: در فرض مزبورکه زن در زمان احرام حائض بوده، چنانچه وقت برای انجام اعمال، بعد از پاک شدن ازحیض دارد، باید اعمال را اعاده کند و اگر وقت وسعت انجام‌اعمال را ندارد، با همان احرامی که بسته حج افراد را به جا می‌آورد و در صورت تمکّن، باید بعد از آن، عمره مفرده به جا آورد.

آیت اللَّه سیستانی: اگر تا قبل از وقت حج، فرصتِ انجام اعمال عمره را دارد، باید صبر کند و اعمال را پس از پاکی، دوباره انجام دهد و اگر فرصت نباشد باید حج افراد انجام دهد و پس از اعمال، اگر ممکن بود، عمره مفرده انجام دهد.

آیت اللَّه صافی: زن مذکور محرم است، بنابراین اگر پاک شود و وقت برای عمره تمتع باقی باشد، بعد از غسل مجدداً اعمال عمره را انجام می‌دهد و اگر وقت برای انجام عمره نباشد، به طوری که بتواند وقوف عرفات را درک کند، حجّش بدل به افراد می‌شود؛ یعنی با همان احرام، نیت حجّ افراد می‌کند و اعمال حج را تا آخر انجام می‌دهد و قربانی ندارد و بعد از حج هم، عمره مفرده به‌جا می‌آورد و همین حجش مجزی است.

آیت اللَّه فاضل: اگر وقت برای اعاده اعمال عمره تمتع دارد، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید، ولی اگر وقت ندارد، حج افراد انجام دهد (حجش مبدّل به افراد می‌شود) وپس از حج، عمره مفرده به‌جا آورد.

آیت اللَّه مکارم: باید طواف‌ها و نماز طواف را از سر بگیرد و احتیاط این است که اگر در مکه حاضر است، بقیه اعمال؛ مانند سعی و تقصیر را نیز اعاده کند ولی کفّاره‌ای بر او نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۵

دهد، مگر آن‌که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد. ۷۶۵- نماز و طواف برای زن مستحاضه، مستقل هستند.

سن یأس

۷۶۶- هرگاه زن قُرَشیه پس از شصت سال و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، در بین اعمال خون ببینند، حکم مستحاضه را دارند ولو چند روز متوالی طول بکشد و همه به اوصاف حیض باشد.

---

(۱)- آیة اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن‌دو یک وضو بگیرد.

آیة اللَّه خویی: و اما کثیره غسل کند برای هر کدام و محتاج به وضو نیست، مگر این که محدث به حدث اصغر باشد، که در این صورت احوط ضم وضو است به غسل. (مناسک، مسأله ۲۹۹).

آیة اللَّه سیستانی: اگر خون مستمر باشد که بیرون آمدن خون از پنبه منقطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مستحب برای هر کدام یک غسل است و اگر چنین نباشد و به نحوی باشد که بتواند پس از طواف با غسلی دیگر نماز را انجام دهد در حالی که خون بیرون نزده باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هرکدام از طواف و نماز طواف یک غسل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد می‌شود، مثل این‌که در نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹).

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهند و برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد. و و اگر غسل برای او حرجی است یعنی مستلزم مشقتی است که عادتاًقابل تحمل نیست بجای غسل تیمم کند و وضو بگیرد. مستحاضه قلیله برای طواف یک وضو و برای نماز طواف هم یک وضو بگیرد.

آیهٔ اللَّه مکارم: مستحاضه کثیره هنگامی که غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: مستحاضه قلیله، برای هر یک از نماز و طواف، به احتیاط واجب یک وضو بگیرد و در متوسطه بنابر احتیاط واجب یک غسل و برای هر کدام یک وضو لازم است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه مکارم: در مسأله ۷۶۴ آمده است.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: چنانچه بین پنجاه سال و شصت سال، خون به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حایض و مستحاضه جمع کنند، و اگر بعد از شصت سال خونی دیده‌اند، حکم به استحاضه می‌شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیّده و غیر سیّده، با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: فرقی میان سیّده و غیر سیّده نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۶

قرص خوردن و خون دیدن

۷۶۷- لکه‌های خونی که بعد از استفاده از قرص یا غیر آن به وجود می‌آید و سه روز ادامه ندارد، حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل شود؛ و اگر در اثنای طواف لک ببیند، تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم و مابعد آن هست که گذشت. ۷۶۸- اگر با خوردن قرص، خون قطع شود و طواف عمره یا حج را انجام دهد سپس خون ببیند، اگر خونْ سه روزْ مستمر نباشد و حتی در باطن فرج هم قطع شده باشد، حیض نبوده و با انجام وظیفه مستحاضه، اعمال بعدی او صحیح است.

مستحاضه قلیله

۷۶۹- اگر زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله شود اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند؛ و اگر قبل از آن بوده، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: مگر آن‌که علم پیداکند در باطن خون است. (مناسک، س ۱۷۴).

(۲)- آیهٔ اللَّه نوری: اگر در موقع اعمال خون نبینند که پاک می‌باشند و اعمالشان صحیح است ولی اگر در ایام عادت یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، این خون خون استحاضه حساب می‌شود و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند.

(۳)- به مسأله ۵۸۰ الی ۵۸۲ مراجعه شود.

(۴)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورتی که سه روز اول پشت سر هم نباشد؛ مثل آن‌که دو روز خون ببیند و یک روز

پاک شود و دوباره یک روز خون ببینـد، بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بینـد بایـد جمع کنـد میان کارهای مسـتحاضه و تروک حایض و در روزهایی که خون نمی‌بینـد هم کارهایی را که بر حایض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. (توضیح المسائل، مسأله ۴۴۷، احکام حایض).

(۵)- به مسأله ۵۸۰ و ۵۸۱ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: وظیفه او فقط اعاده است بعد از طهارت و احتیاط لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۳۰۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۷

خون دیدن مستحاضه در اثنای طواف

۷۷۰- اگر مستحاضه بعد از غسل و وضو مشغول طواف شود، و در اثنای طواف لک ببیند، اگر خون او مستمر بوده و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون، چیزی بر او نیست؛ و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

مستحاضه‌ای که خون او قطع نمی‌شود

۷۷۱- مستحاضه‌ای که خون او قطع نمی‌شود، باید برای هریک از طواف و نماز غسل کند و وضو بگیرد؛ و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو، مبادرت به عمل نمایـد؛ بنابراین اگر با رفتن به منزل نتوانـد مبادرت کنـد، نزدیک مسجدالحرام غسل کنـد و وضـو بگیرد.

طواف و نماز فریضه با یک غسل و وضو

۷۷۲- مستحاضه‌ای که باید برای هر نماز و طواف، غسل کند، اگر با عمل به وظیفه، طواف را شروع کند و در این حال، نماز فریضه آغـاز شود، در صورتی که بعـد از خوانـدن نماز فریضه، با همان طهارت اول، طواف را ادامه دهـد، و از هنگام غسل تا آخر طواف، خـون قطع بوده، طواف او صـحیح است؛ و در غیر این صورت، احوط آن است که این طواف را تمـام کنـد و پس از غسـل، اعـاده نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی اگر خون قطع شده و غسل کرده سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید دارد.

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنا بر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هر یک از آن دو یک وضوبگیرد.

(۳)- آیـهٔ اللَّه خویی: در کثیره، احوط این است که برای هر کـدام از طواف و نماز، غسل نمایـد و قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و متوسطه یک غسل برای هر دو بجا آورد و برای هر کدام وضو بگیرد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر فاصـله بین غسل یا وضو یا هر دو و انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمّم بدون فاصـله میسّر باشد، به احتیاط واجب قبل از نماز یا طواف یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر از نزدیک مسجدالحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل

هم بنماید. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۸ مسأله ۹).

آیهٔ اللّه مکارم: چنانکه قبلًا گذشت هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است و غسل دیگری برای طواف لازم نیست.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: اتمام لازم نیست.

آیهٔ اللّه تبریزی: بعید نیست تمام کردنِ طوافِ سابق کافی باشد و احتیاط به اعاده آن پس از غسل نباشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: صحیح نیست و با انجام غسلی برای نماز، نمازش را اعاده کند و طواف را با غسلی دیگر از سر بگیرد، اگر قطع قبل از پایان شوط چهارم بوده است و اتمام کند اگر بعد آن بوده است.

آیهٔ اللّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۸

رفتن در مسجدین و دیگر احکام مستحاضه

۲ / ۷۷۲- رفتن در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد، برای زن مستحاضه اشکال ندارد؛ ولی مقاربت شوهر با او بنابر احتیاط واجب در صورتی حلال می‌شود که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز، واجب است- مثل وضو و عوض کردن پنبه- انجام نداده باشد.

---

(۱). آیهٔ اللّه بهجت: مستحاضه متوسطه و کثیره بدون غسل‌هایی که بر آن‌ها واجب است نمی‌تواند واردمسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله شوند. (پرسشهای جدید حج، ص ۱۴، سؤال ۵۷).

آیهٔ اللّه سیستانی: همه این کارها بدون غسل نیز جایز است بجز مقاربت که بنابر احتیاط جایز نمی‌باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه صافی: با انجام غسلهای واجب همه کارها حلال می‌شود اگر چه کارهای واجب برای نماز را مثل عوض کردن پنبه انجام نداده باشد. آیهٔ اللّه خویی اضافه‌ای دارند: و بعید نیست که این کارها بدون غسل نیز جایز باشد اگر چه احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که در این کارها غسلهای واجب خود را انجام داده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۰۹

فصل هفتم: طواف مستحب و نماز آن

۱- استحباب طواف

اشاره

۷۷۳- طواف- یعنی هفت دور گرد خانه کعبه گردیدن- مستحب است و بلکه هرچه شخص بتواند طواف کند خوب است. در طواف مستحب، طهارت شرط نیست.

طواف از طرف معصومین علیهم السلام و سایرین

۷۷۴- طواف از طرف معصومین علیهم السلام و خویشاوندان و غیر آنها چه مرده و چه زنده، به‌شرط آن‌که در مکه نباشند، یا معذور باشند، مستحب است.

تحیت مسجدالحرام

۷۷۵- تحیّت مسجدالحرام، نماز است یا طواف کعبه؟

عدم استحباب کمتر از هفت شوط

۷۷۶- استحباب کمتر از هفت شوط طواف ثابت نیست؛ و نیابت در یک شوطِ طواف مستحب، صحیح نیست، ولی می‌توان مجموع را به نیت چند نفر انجام داد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر است هنگام ازدحام جمعیّت برای طواف واجب، طواف مستحب را ترک کنند.
(۲). آیهٔ اللَّه فاضل: استحباب و مشروعیّت طواف مستحبّی برای حاضر در مکّه، هرچند معذور باشد، ثابت نشده است.
(۳). آیهٔاللَّه فاضل، آیهٔاللَّه بهجت: انجام هر کدام، کفایت می‌کند.
آیت‌اللَّه تبریزی: برای کسانی که از بلاد دور آمده‌اند، تحیت مسجدالحرام طواف است. واللَّه العالم.
آیات عظام: خامنه‌ای، صافی، نوری،: طواف است.
آیت‌اللَّه مکارم: برای مسجدالحرام نماز تحیت است که مانند سایر مساجد در خود مسجد خوانده می‌شود.
(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد. (ملحق مناسک، سؤال ۱۷۸).
آیهٔ اللَّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۰

۲- شرایط طواف مستحبی

اشاره

۷۷۷- شرایطی که در طواف واجب، رعایت آن لازم است، در طواف مستحبی نیز معتبر است مگر آنچه استثنا شده است.

عدم لزوم طهارت در طواف مستحبی

۷۷۸- طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، هرچند جنب یا حایض، جایز نیست در مسجدالحرام وارد شوند، ولی اگر با غفلت یا نسیان، طواف مستحب انجام دادند، طواف آنها صحیح است.

۷۷۹- در طواف‌های مستحبی هم ختنه شرط است.

محدوده طواف مستحبی

۷۸۰- انجام طواف مستحبی در خارج از حد طواف واجب، جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

نماز طواف مستحب و ترک آن

۷۸۱- به‌جا آوردن نماز طوافِ مستحب حتی در حال اختیار، در هر جای مسجدالحرام، جایز است، بلکه گفته‌اند می‌توانند آن را عمداً ترک کند.

---

(۱)- آیةُ اللَّه سیستانی: به حسب اختلاف شرایط و احکام، موارد متفاوت می‌شود. برای شناخت آن به مناسک مراجعه شود. (ملحق مناسک، س ۲۴۴).

آیةُ اللَّه فاضل: مانند این‌که در طواف مستحبی موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف معتبر نیست و قطع آن حتی بدون عذر جایز است و شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان نمی‌شود و بنا را بر اقل می‌گذارند و صحیح است و قران بین دو طوافِ مستحب، حرام نیست بلکه مکروه است و خواندن نماز آن در هر جای مسجدالحرام در حال اختیار صحیح است.

(۲)- مراجعه شود به مسأله اعتبار و عدم اعتبار حدّ در طواف مسأله ۶۵۶.

(۳)- آیةُ اللَّه بهجت: مورد تأمّل است (مناسک شیخ، ص ۴۷).

آیةُ اللَّه خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیةُ اللَّه سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیةُ اللَّه صافی، آیةُ اللَّه گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیةُ اللَّه مکارم: ترک آن مشکل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۱

نماز طواف استحبابی در حال حرکت

۷۸۲- آیا خواندن نماز طواف مستحب در حال راه رفتن، جایز است؟

شک در طواف مستحب

۷۸۳- اگر در طواف مستحب، در عدد دورها شک کند، بنابر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

۳- زمان طواف مستحبی

موارد مختلف طواف مستحب قبل از اعمال واجب

۷۸۴- بعد از احرام و قبل از انجام اعمال عمره تمتع یامفرده و نیز بعد از احرام حج و قبل از عرفات، احوط ترک طواف مستحبی است، ولی انجام آن به صحت عمره و حج ضرر نمی‌زند.

---

(۱). آیت اللّه خامنه‌ای و آیهٔ‌اللّه مکارم: صحّت نماز طواف ولو نماز طواف مستحبی باشد در حال راه رفتن محل اشکال است، و احوط استقرار در حال نماز طواف مستحبی است.

آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، فاضل: مانعی ندارد.

آیت اللّه مکارم: زیرا ادلّه جواز نافله در حال حرکت، از اینجا منصرف است.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: اشکالی ندارد. (پرسش‌های جدید حج، س ۶۹).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احوط این است شخصی که احرام حج تمتع بسته، پس از احرام و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی ننماید و چنانچه طواف نمود، بنابر احتیاط بعد از طواف تلبیه را تجدید کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: طواف مستحبی قبل از طواف عمره و حج اشکال ندارد ولی پس از احرام و قبل از رفتن به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند و اگر کرد به احتیاط مستحب تلبیه بگوید. (ملحق مناسک، ۲۳۰- ۲۳۱)

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی جواز و احوط ترک آن است. (آراء المراجع، ص ۳۲۳).

در عمره تمتع و عمره مفرده، نظر آیات عظام نامبرده در مناسک، مطابق متن است ولیکن در آراء المراجع، ص ۳۲۳ در جواب استفتاء آیهٔ اللّه خویی چنین فرموده‌اند: طواف مستحبی در اثنای عمره تمتع و عمره مفرده جایز است. و در ادامه از آقای لطفی چنین نقل شده: به نظر آیهٔ اللّه العظمی خویی، احوط ترک طواف مستحبی است در اثنای عمره تمتع و عمره مفرده قبل از تقصیر، ولی در عمره مفرده بعد از تقصیر و قبل از طواف نساء مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۲

۷۸۵- در موارد زیر به جا آوردن طواف مستحبی، به نیابت از دیگری و نیابت کردن در طواف کسی که او نیز اعمال به جا می‌آورد، چه حکمی دارد؟

الف) پس از احرام عمره مفرده یا تمتع، پیش از طواف و بقیه اعمال؛ ب) پس از احرام حج، قبل از رفتن به عرفات؛ ج) پس از اعمال منا، پیش از اعمال مکه.

طواف مستحبی قبل از اعمال مکه و قبل از عمره

۷۸۶- کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، بنابر احتیاط، طواف مستحبی را ترک نماید؛ و همچنین است حکم در حال احرام عمره تمتع قبل از انجام عمره. ۷۸۷- احوط آن است که حاجی بعد از منی، تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: مانعی ندارد.

آیت‌اللَّه تبریزی: الف: پس از اتمام اعمال طواف مستحبی به جا آورد یا نیابت از غیر بکند. واللَّه العالم.

ب: بنابر احتیاط طواف نکند. واللَّه العالم.

ج: بنابر احتیاط استحبابی طواف نکند. واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: الف و ب: نیابت برای معذورین مانع ندارد ولکن احوط ترک نیابت در طواف مستحبی است، ولی به حج و عمره ضرر نمی‌زند. ج: احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده طواف مستحبی نکند.

آیت‌اللَّه سیستانی: در همه این موارد جایز است، ولی پس از احرام حج و قبل از رفتن به عرفات بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و چنانچه انجام داد تلبیه بگوید.

آیت‌اللَّه صافی: الف) اشکال ندارد؛ واللَّه العالم. ب) خلاف احتیاط است؛ واللَّه العالم. ج) اشکال ندارد؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: الف) بنابر احتیاط طواف نکند. ب) بنابر احتیاط طواف نکند. ج) مانعی ندارد.

آیت‌اللَّه مکارم: احتیاط ترک طواف مستحبی در تمام این‌گونه موارد است.

آیت‌اللَّه نوری: جواب الف، ب و ج: احوط ترک طواف مستحبی می‌باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: می‌تواند.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: می‌تواند، ولی متمتع پس از احرام حج و قبل از خروج به عرفات، به احتیاط واجب نباید طواف مستحبی کند، هرچند طواف حج را مقدم داشته باشد.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۷۸۴

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۳

۴- طوافهای مستحب

مقدار طواف مستحب

در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف مستحب است: در اول شب، سه طواف؛ در آخر شب، سه طواف؛ پس از دخول صبح، دو طواف؛ و بعدازظهر، دو طواف.

هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال، طوافْ مستحب است، یعنی سیصد و شصت مرتبه، طواف نماید؛ و اگر این مقدار نشد، پنجاه و دو مرتبه؛ و اگر آن هم میسور نشد، هر مقداری که بتواند.

طواف وداع

۷۸۸- کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع انجام دهد؛

و در صورت امکان، در هر شوطی، حجرالاسود و رکن یمانی را، استلام نماید؛

و هنگامی که به مستجار رسد، مستحبات آن را بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید؛

بعد حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند و یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب

گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَامِینِکَ وَحَبِیبِکَ وَنَجِیِّکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، أللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَجاهَدَ فی سَبِیلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ واوذِی فی جَنْبِکَ وَعَبَدَکَ حَتّی أتاهُ الْیَقِینُ، أللَّهُمَّ أقْلِبْنی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِأفْضَلِ ما یَرْجِعُ بِهِ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرةِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْعافِیَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدّق نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های‌مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۴

فصل هشتم: آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الْأَرْضِ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُورِ فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ۹ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إسْمِی».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد و این دعا را بخواند:

«سائِلُکَ، فَقِیْرُکَ، مِسْکِیْنُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ وَأهْلِی وَوُلْدِی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

---

(۱)- آیهٔ اللّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۵

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«أللَّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالْإنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إنَّکَ أ نْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«یا أللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَةِ وَخالِقَ الْعافِیَةِ وَرَازِقَ الْعافِیَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَةِ وَالْمَنّانُ بِالعافِیَةِ والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیَّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَرَحِیْمَهُما صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعافِیَةَ وَتَمامَ الْعافِیَةِ وَشُکْرَ الْعافِیَةِ فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ یا أرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للّهِ الّذی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ للّهِ الّذی بَعثَ مُحَمَّداً نَبیّاً وَجَعَلَ عَلیّاً اماماً.

أللّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أللّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء اللّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

---

(۱)- مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۶

«أللّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِیَةُ. أللّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أسْتَجِیرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«أللّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنی».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أمانَتی أدَّیْتُها وَمِیثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ».

---

(۱)- آیة اللّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیّت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۷

باب سوم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۸

الهی

أَمَرْتَنَا أنْ لا نَرُدَّ سَائِلا عَنْ أَبْوَابِنَا وَ قَدْ جِئْتُکَ سَائِلا فَلا تَرُدَّنِی إلا بِقَضَاءِ حَاجَتِی

وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَ نَحْنُ أَرِقَّاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

عَنِ الامام الصَّادِقِ علیه السلام

أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ قَالَ: لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ بَيْتُ الْمَعْمُورِ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً قَالَ لانَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الاسْلامُ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

بحار الانوار/ ۹۶/ ۵۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۱۹

باب سوم: زمان و مکان نماز طواف

فصل اول: زمان و مکان نماز طواف

۱- زمان نماز طواف

اشاره

۷۸۹- بعد از تمام شدن طواف، خواندن دو رکعت نماز، واجب است.

مبادرت به نماز طواف

۷۹۰- بعد از طواف- بنابر احوط - مبادرت به نماز، لازم است.

فاصله بین طواف و نماز

۷۹۱- میزان در فاصله بین طواف و نماز آن، مبادرت عرفیّه است؛ و در هر صورت، با تأخیرِ نماز، اعاده طواف لازم نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بایستی بعد از طواف مبادرت به نماز کند، که در عرف نگویند بین آنها فاصله شده و آیهٔ اللَّه خویی اضافه نموده‌اند که: فصل بین طواف و نماز طواف مبطل طواف است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نباید بین طواف و نماز آن فاصله شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به این معنی که به نظر عرف بین آن دو فاصله‌ای نباشد ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا به احتیاط واجب نباید انجام دهد. و اگر عمداً اخلال به مبادرت نمود، احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اقوی مبادرت به نماز است و در صورتی که عالماً و عامداً اخلال به فوریت کند. ظاهراً طواف باطل می‌شود.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیةُ اللَّه فاضل: ظاهراً مقدار فاصـله مخلّ به موالات عرفیه نسبت به افراد و هنگام ازدحام و غیر آن فرق می‌کند. و به طور کلّی فاصله از ده تا پانزده دقیقه برای استراحت و رفع خسـتگی و تطهیر مخلّ نیست. و اگر عمـداً موالات را به هم زد احتیاطاً طواف را هم اعاده کند.

(۳)- آیةُ اللَّه تبریزی: با فوت موالات عرفی، احتیاطاً نماز را بخواند و بعد طواف و نماز را اعاده کند.

آیةُ اللَّه خویی: باید اعاده نماید. (استفتائات)

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۰

۷۹۲- بین طواف و نماز آن، احتیاط در مبادرت به نماز و ترک نماز مستحبی و عبادت مستحبی دیگر است.

نماز با فاصله از مقام و میزان عدم اعاده

۷۹۳- در صـورتی که انجـام نمـاز طواف در نزدیـک مقـام، ممکن نباشـد و در فاصـله دورتر بجـا آورده شود، اگر تـا بعـد از فوات موالات عرفیّه بین طواف و نماز آن، عذر باقی بوده، اعاده نماز طواف، واجب نیست.

تزاحم نماز طواف با فریضه

۷۹۴- اگر خواندن نماز طواف، موجب فوت وقت نماز یومیّه شود، باید اول نماز یومیّه را بخواند.

حصول حیض قبل از نماز

۷۹۵- اگر زنی در احرام عمره تمتع پس از انجام طواف و قبل از نماز طواف، حایض شود: اگر وقت وسـعت دارد، صبر کند تا پاک شود و نماز را خوانـده و بقیه اعمال را انجام دهـد؛ و چنانچه وقتْ تنگ باشـد، سـعی و تقصـیرِ عمره تمتع را انجام دهـد و برای حج تمتع، محرم شود و بعد از طواف حج، یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

۲- مکان نماز طواف

لزوم رعایت «نزد» و «خلف مقام»

۷۹۶- واجب است که نماز طواف، «نزد مقام ابراهیم»، و بنابر احتیاط واجب، «پشت مقام»

---

(۱)- آیهٔ الله بهجت: اشکال ندارد اگر مخل به فوریت عرفیه نباشد.

آیهٔ الله گلپایگانی: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

آیـهٔ الله خامنه ای: واجب است میان طواف و نماز طواف فاصـله نیفتد و صدق فاصـله امر عرفی است و بعید نیست به اندازه خواندن نماز یومیه یا نافله مختصر اشکالی نداشته باشد.

(۲)- آیهٔ الله بهجت: به احتیاط در مسأله ۸۰۰ مراجعه شود.

آیهٔ الله سیستانی: در هر صورت اعاده لازم نیست.

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: اگر چه خوب است.

(۳)- آیهٔ الله بهجت، آیهٔ الله مکارم: احتیاط آن است که نماز طواف گذشته را قبل از طواف حج بجا آورد.

آیهٔ الله تبریزی: احتیاط این است که قبل از طواف حج، نماز طواف عمره را قضا کند.

آیهٔ الله سیستانی: باید آن را قبل از طواف حج قضا کند.

(۴)- به تفصیل حکم در مسأله ۷۵۷ و ۸۰۵ مراجعه شود.

(۵)- آیهٔ الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب نزد مقام واقع شود. (مناسک، مسأله ۱۱۰).

(۶)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: احوط بلکه اظهر آن است...

آیهٔ‌اللّٰه خامنه‌ای: واجب‌است این نماز پشت مقام نزدیک به آن خوانده شود به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد هر چند بعید نیست که در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام که نماز پشت مقام بر آن صدق کند صحیح و مجزی باشد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه فاضل: اظهر آن است...

آیهٔ اللّٰه مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۱

بجا آورده شود، به گونه‌ای که سنگ مقام، بین نمازگزار و خانه کعبه واقع شود؛ و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد، نزدیکتر بایستد، ولی به گونه‌ای که با دیگران مزاحمت نکند.

میزان صدق خلف

۷۹۷- هنگام ازدحام و غیر آن، صدق «خَلْف»، به نظر عرف است.

مقصود از نماز نزد مقام

۷۹۸- مقصود از نماز طواف نزد مقام، پشت مقام است و شامل دو طرف مقام نمی‌شود.

موارد ازدحام و نماز در طرفین مقام

۷۹۹- اگر ازدحام به گونه‌ای باشد که اگر بخواهد خلفِ مقام بایستد- به خاطر فاصله زیاد- «نزد مقام» صدق نمی‌کند، باید نماز را در یکی از دو طرف مقام که «نزد مقام»، صدق کند، به‌جا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه مکارم: به هنگام ازدحام مانعی ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن نماز بخواند، احتیاطاً هم در یکی از دو طرف مقام و هم پشت مقام و دور از آن نماز بخواند.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: به احتیاط مذکور در مسأله ۷۹۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه مکارم: مگر این‌که نتواند پشت مقام انجام دهد.

(۳)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کافی است در هر نقطه‌ای که خلف صدق کند گرچه از مقام دور باشد.

آیهٔ اللّه نوری: در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام نماز طواف را بخواند مجزی است هر چندبهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم، الأقرب فالأقرب را مراعات کند.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: در صورت عدم تمکّن و بُعد مفرط، در یکی از دو جانب آن بجا آورد.

آیهٔ اللّه تبریزی: نماز باید پشت مقام باشد و در نزدیکی آن و در صورت عدم تمکّن از نزدیکی مقام، با مراعات الأقرب فالاقرب به مقام بنا بر احتیاط، پشت مقام می‌تواند بجاآورد.

آیهٔ اللّه خویی: در صورت عدم تمکّن از نماز نزدیک مقام، می‌تواند با رعایت الأقرب فالأقرب دورتر نماز بخواند ولی به هر حال باید پشت مقام باشد. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۵).

آیهٔ اللّه سیستانی: و اگر نتواند پشت مقام و نزدیک به آن بجا آورد، احتیاط واجب آن است که هم آن را در نزدیکی‌اش؛ چه در سمت راست باشد و یا چپ، و هم دور از آن ولی پشت مقام بجا آورد و اگر نتواند آن دو را بجا آورد، هر کدام که ممکن است انجام دهد و اگر نتواند هیچکدام را انجام دهد، در هر جای مسجد که شده انجام دهد و بنابر احتیاط مستحب رعایت کند هرچه به مقام نزدیکتر باشد و اگر پس از آن، تا زمانی که وقت سعی تنگ شود توانست نزدیک به مقام و پشت آن نماز را اعاده کند، احتیاط مستحب اعاده آن است. (مناسک، ص ۲۴۵).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۲

حکم نماز با دوران بین طرفینِ بعید و پشتِ بعید

۸۰۰- اگر نماز در یکی از دو طرف مقام که «نزد مقام»، صدق کند، هم ممکن نشود، باید فاصله سه مکان-: دو طرف و پشت مقام - را با مقام بسنجد که:

اگر هر سه طرف مساوی باشند، در پشت مقام نماز بخواند و در دو طرف، کافی نیست؛

و اگر دو طرف، به مقام نزدیک‌تر از پشت مقام باشند، ولی بر هیچ کدام از دو طرف، «نزد مقام» صدق نکند، جایز بودن اکتفا به پشت مقام، بعید نیست؛ لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام و یک نماز در یکی از دو طرف با ملاحظه نزدیکتری آن بخواند.

و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در نزد و خلف مقام تا وقتی که وقت برای سعی تنگ نشده است.

مکان نماز طواف کسانی که در طبقه بالا طواف می‌کنند

۸۰۰/ ۲- مکان نماز طواف برای افرادی که به دلیل عذر، طواف را از طبقه بالا انجام می‌دهند،

---

(۱)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سبستانی: به ذیل مسأله قبل مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: و اگر آن هم ممکن نباشد، مراعات می‌کند الأقرب فالأقرب به سوی خلف مقام و دو جانب آن را، با رعایت

احتیـاط، در صورت دوران امر بین بعض مراتب خلف و احَـد جـانبین به جمع در نماز بلکه به اعاده، پس از تمکن از نماز در پشـت سر، اگرچه در آخر وقت امکان باشد و نماز طواف مستحب در هر جای مسجد باشد جایز است. (مناسک، ص ۱۱۸).

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: حکم آن در مسأله قبل گذشت.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نماز خواندن در دو طرف راست یا چپ مقام در صورت تمکن از خلف گرچه دور باشد کافی نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: احوط نماز خلف مقام است.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: اولی اعاده نماز است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام رجاءً بخواند.

(۵)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اعاده لازم نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۵۲).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۳

کجاست و وظیفه ایشان چیست؟

حکم ازدحام و عدم امکان رعایت خلف

۸۰۱- در مواقع ازدحـام، اگر امکـان دارد و محـذوری در بین نیست، بایـد خلف و نزد مقـام، نمـاز خوانـده شود؛ ولی اگر به خـاطر ازدحام، به‌جا آوردن نماز نزدیك مقام، ممکن نباشـد، با فرض اضـطرار، نماز در فاصـله دورتر، و مراعات الأقرب فالأقرب- که بیان آن در دو مسأله سابق گذشت- مانع ندارد.

۸۰۲- در هنگـام ازدحـام و یـا تشـکیل صـفوف نمـاز صـبح، مأمورین مسـجدالحرام از انجام نماز طواف در خلف مقام، به‌ویژه برای خانم‌ها ممانعت می‌کننـد و افراد را مورد توهین و یا ضـرب و شـتم قرار می‌دهنـد؛ در چنین شـرایطی، آیا نماز خوانـدن در محـدوده مقابل رکن حجر تا مقابل رکن عراقی کافی است؟

---

(۱). آیـهٔ اللَّه بهجت: در صورت امکـان بایـد در پـایین در نزد و خلف به جـا آورنـد، و در صورت عـدم امکـان بـا رعـایت الاـقرب فالاقرب کفایت می‌کند.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر طبقه دوم پایین‌تر از کعبه مشـرفه نباشـد، طواف از آن صورت شـرعی ندارد؛ و بر فرض صـحت طواف، باید نمـاز طواف را نزدیك مقام ابراهیم و در جهت پشت آن به‌جا آورد و در صورت عـدم امکان، تفاصـیل مـذکوره در مناسک جاری است.

آیـهٔ اللَّه فاضل: اگر می‌تواننـد بلافاصـله و بـدون عسـر و حرج پایین بیاینـد، بایـد پایین بخواننـد و الا در همان بالا بخوانند و کفایت می‌کند.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: در صورت امکـان، در طبقه پایین پشت مقام ابراهیم نماز را به‌جا آورنـد؛ و اگر ممکن نیست در همان طبقه بالا در سمت پشت مقام ابراهیم بجا آورند.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: ولو با کمك دیگران.

آیهٔ اللَّه نوری: گفتیم که در موقع ازدحام، نماز طواف در خلف مقام لازم نیست.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: و گذشت رعایت احتیاط در ذیل مسأله ۸۰۰.

آیهٔ اللَّه نوری: در صورت ازدحام، در غیر پشت مقام مانعی ندارد.

(۴)- مراجعه شود به مسائل ۷۹۶ تا ۸۰۰.

آیهٔ اللّه مکارم: یعنی دورتر بجاآورد و از این‌که چند نفر در اطراف او حلقه بزنند اجتناب کند که موجب مزاحمت برای طواف کنندگان است و نماز او خالی از اشکال نیست.

(۵). آیهٔ اللّه بهجت: در طواف واجب به اندازه خواندن نماز صبح ضرری به مبادرت عرفیه نمی‌زند؛ لذا به همان نحو که در مناسک ذکر شده بجا آورده شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: نماز طواف باید خلف مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود با رعایت الأقرب فالأقرب واگر نزدیک مقام ممکن نیست، خلف مقام در مکان دورتری خوانده می‌شود.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم خوانده شود مشروط بر این‌که مزاحمت برای دیگران نباشد و در صورتی که به خاطر ازدحام و یا کثرت طواف کنندگان، امکان اقامه نماز، نزدیک مقام نیست می‌توان در مکان‌های دورتر بجا آورد.

آیهٔ اللّه سیستانی: کافی نیست بلکه اگر ممکن باشد- با فرض این‌که دو سوی مقام هم میسور نیست- باید پشت مقام هر چند دور انجام دهند و اگر ممکن نشد هر جای مسجد می‌توانند بخوانند.

آیهٔ اللّه صافی: نماز طواف واجب باید در پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود و خواندن نماز در محدوده مذکور با عدم صدق خلف مقام کافی نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: تا محدوده‌ای که از دو طرف مقام، صدق «صلاهٔ خلف المقام» بنماید اشکالی ندارد. بنابراین، در چنین فرضی نماز طواف صحیح است ولو در نزدیکی دیوار چاه زمزم.

آیهٔ اللّه مکارم: در صورتی که راهی جز این نباشد کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه نوری: نماز طواف در مسجدالحرام در هر حال بلا اشکال است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۴

فرض چند طبقه شدن خلف مقام

۸۰۳- اگر فرضاً پشت مقام، دو طبقه شود، نماز در طبقه بالا یا زیر زمین در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

حکم نماز طواف در حجر اسماعیل

۸۰۴- اگر شخصی نماز طواف را، به اعتقاد این‌که حِجر اسماعیل، مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل خوانده، باید نماز را اعاده کند ولو این که بعد از تقصیر متوجه شده باشد.

نماز در حجْر و حدوث حیض

۸۰۵- اگر زنی نماز طواف را در حجر اسماعیل خوانده و سعی و تقصیر نموده و بعد از آن حایض شده و تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود، عمره او صحیح است، و باید برای حج تمتع محرم شود؛ و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، قبل یا بعد از

آن، نماز طواف عمره تمتع را بجا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه فاضل: و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

(۲)- آیهٔاللّه بهجت: از مسأله **۲۹۴** مناسک استفاده می‌شود که قبل از طواف حج باید آن را جبران نماید.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۷۵۷.

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط این است که قبل از طواف حج، نماز طواف عمره را قضا کند.

آیهٔاللّه خویی، آیهٔاللّه‌سیستانی: قضای‌نماز را بایدقبل از طواف حج بخواند. (مناسک‌عربی، مسأله ۲۹۲).

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که نماز سابق را قبل از طواف حج بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۵

محاذات زن و مرد در نماز طواف

۸۰۶- محاذات زن و مرد هنگام نماز طواف، به صحت نماز ضرر نمی‌زند. ۸۰۶/۲- گاهی اوقات اگر نمازگزار بخواهد نماز طواف را نزد مقام یا پشت آن بجا آورد، طواف کنندگان به او تنه می‌زنند و از حال نماز خارج می‌شود، آیا می‌تواند در فاصله دورتری نماز را بجا آورد؟

---

(۱)- آیهٔ اللّه فاضل: باید رعایت عدم تقدّم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنّت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب به هم خوردن موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

(۲). آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که محلی خالی از تنه زدن فراهم نشود ولو با کمی صبر که منافی با مبادرت به نماز نباشد عقب‌تر نماز خواندن مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: مجرّد تنه زدن مسقط تکلیف نیست، بلی در صورت تعذّر بتفصیلی که در مناسک ذکر شده عمل شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: در فرض مذکور نماز را پشت مقام و در فاصله دورتری بجا می‌آورد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید نماز طواف را خلف مقام ابراهیم، نزدیک آن بخواند به شرط این که مزاحمت برای دیگران نباشد و اگر نمی‌تواند خلف مقام ولو دورتر بخواند بعید نیست اکتفا به خواندن آن در هر جای مسجدالحرام که نماز پشت مقام بر آن صدق کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: جواب از مسایل قبل معلوم شد.

آیهٔ اللّه صافی: در مواقع مذکوره اگر طرفین مقام هم همین محذور را دارد می‌تواند در فاصله دورتری با رعایت الأقرب فالأقرب بخواند.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر اطمینان دارد که طواف کنندگان مانع از انجام نماز کامل او می‌باشند در این صورت می‌تواند در فاصله دورتری نماز بخواند.

آیهٔ اللّه مکارم: در فرض سؤال می‌تواند در فاصله دورتری به طوری که مقام بین او و کعبه واقع شود نماز بخواند.

آیهٔ اللّه نوری: نماز طواف در هر جای مسجد، جایز است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۶

فصل دوم: برخی از احکام نماز طواف

۱- احکام شک و خلل در نماز طواف

فراموشی نماز طواف

۸۰۷- اگر شخصی نماز طواف واجب را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد، در خلف و نزد مقام ابراهیم بجا آورد.

عدم لزوم اعاده اعمال مترتبه با فراموشی نماز

۸۰۸- شخصـی که نمـاز را فراموش کرده و سـایر اعمـال را به‌جـا آورده، اعاده آنها ظاهراً لازم نیست، اگرچه احتیاط اسـتحبابی، در اعاده است.

۸۰۹- اگر برگشـتن به مسـجدالحرام برای شخصـی که نماز را فراموش کرده، مشـکل باشـد، بایـد هرجا یادش آمد آن را بجا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد؛ و برگشتن لازم نیست، اگرچه آسان باشد.

---

(۱)- آیهٔ‌اللّه‌خامنه‌ای: اگر از مکّه دور نشده و برگشـتن و انجام نماز در محلّش برای او مشکل نیست، باید برگردد به مسجدالحرام و در محلّش بجا آورد و اگر از مکّه دور شده در همانجایی که یادش آمد بجا آورد.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که برگردد و نزد مقام نماز بجای آورد و اگر برگشـتن برای او مشـقت دارد نمـاز را در همـان موضـعی که یادش آمـده انجام دهـد و لازم نیست برای انجام نماز به حرم برگردد، گرچه میسور باشد.

آیـهٔ اللّه فاضل: اگر در منی باشـد مخیر است بین خوانـدن نماز در منی و اسـتنابه و الّا در هر جا که هست همانجا نماز بخواند گرچه جوازِ گرفتنِ نایب هم بعید نیست.

(۲)- آیـهٔ اللّه بهجت: و احوط آن است برگردد به حرم اگر دشوار نباشـد و آنهارا بجا آورد و بعضـی در صورت تعـذر برگشـتن به مقام، استنابه را لازم دانسته‌اند بنابراین احوط جمع است میان قضای آنها، در هرجا که متذکر شود و گرفتن نایب که آنها را در مقام بجای آورد. (مناسک شیخ، ص ۴۸).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: احوط و اولی این است برگشته و نماز را در حرم بجا آورد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: و بهتر است نایب هم بگیرد تا خلف مقام برای او بجا آورد، (مناسک فارسی، مسأله ۱۱۴).

آیهٔ اللّه فاضل: برگشتن مطابق احتیاط است ولی واجب نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: منظور برگشتن به حرم، خارج از مسجدالحرام است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۷

اشتراک حکم جاهل و ناسی در ترک نماز

۸۱۰- احکامی که برای نسیان نماز طواف ذکر شد، در فرض جهل نیز جاری است.

تذکر فراموشی نماز در سعی

۸۱۱- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی متذکر شود، از همانجا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همانجا تمام کند.

تقصیر بدون نماز و سعی

۸۱۲- اگر شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کند، باید نماز و سعی را بجا آورد؛ و با فرض جهل یا نسیان، اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.

قضای نماز طواف از طرف میّت

۸۱۳- اگر کسی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگِ او، که آن را- با

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف، بقیه سعی را و در کمتر از نصف، همه آن را مجدداً بجا آورد. (آداب و احکام حج، مسأله ۶۴۱).

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت، احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند. (مستفاد از سؤال ۸۵ و ۱۷۰ مناسک).

(۳)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اعاده تقصیر نیز لازم است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر فاصله زیاد شده است، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند و در عمره مفرده باید پس از سعی، تقصیر را نیز اعاده کند و همچنین در عمره تمتّع در صورت جهل بلکه در صورت نسیان نیز بنابراحتیاط و در فرض نسیان سعی در عمره تمتّع به احتیاط واجب باید یک شتر کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: و تقصیر نماید و با فرض جهل و نسیان کفّاره ندارد. (مستفاد از مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۶ و مناسک عربی، ص ۱۲۱ و مناسک فارسی، ص ۸۶ مسأله ۱۲۲).

آیهٔ اللّه فاضل: و مستحب است تقصیر را اعاده کند.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: بر ولیّ او لازم است آن را قضا کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید پسر بزرگترش، آن را از طرف پدر قضا کند. (مناسک، مسأله ۳۳۰).

آیهٔ اللّه مکارم: و اگر دیگری نیز بجا آورد کفایت می کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۸

رعایت تفصیلِ در کتاب «صلات» - قضا کند.

حکم شک و ظن در نماز طواف

۸۱۴- شـک در رکعـات نمـاز طواف، موجب بطلاـن نمـاز است؛ ولی اعتبار ظن در رکعات، بعیـد نیست؛ و در ظن در افعال احتیاط شود.

نماز با وضوی باطل و انجام اعمال بعدی

۸۱۵- اگر شخصی بعد از طواف، نمازش را بی‌وضو خوانده و سعی و تقصیر را انجام داده، باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

شروع نماز با احتمال هل خوردن

۸۱۶- شروع نماز طواف با احتمال حرکت و هل خوردن، در صورتی که با صحت خاتمه یابد، مانعی ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: بعد از استقرار آن به تروّی علی الأحوط، و اظهر اعتبار ظنّ در رکعات است مثل ظنّ درافعال؛ چه ظنّ به وجود باشـد یا عـدم به مصـحّح باشـد یا مبطل به رکن باشـد یا غیر آن، در محل شک و یا نسـیان باشـد یا خارج از محل. پس لوازم آن از تـدارک یـا بطلاـن یـا عـدم تـدارک را مترتّب می‌کنـد، اگر چه احتیـاط در اعـاده است فی الجمله، در صورت تعلّق ظنّ به فعـل که تدارک نمی‌کند مگر در موردی که انجام دادن آن مبطل نباشد یقیناً (وسیله ص ۲۳۹ و ۲۴۷).

(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب اعاده بعد از اتمام است.

(۳)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: ظن در افعال حکم شک را دارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه فاضل: ظن در افعال معتبر است.

(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب باید طواف را نیز اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: در فرض مـذکور (که بعـد از عمره تمتع هنوز محرم برای اعمال حـج نشـده است) بایـد نماز را اعاده کنـد و سـعی و تقصـیر او صـحیح است. لکن احتیاط مؤکـد در اعاده سـعی و تقصـیر نیز می‌باشـد. (مناسک عربی، ص ۱۱۷ و مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۶).

(۵)- آیات عظام خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اگر به امیـد این‌که بتوانـد نماز را صـحیحاً انجام دهـد شـروع نمایـد و صحیحاً تمام کند مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۲۹

اتحاد نماز طواف و یومیّه از جهت احکام نجاست

۸۱۷- نماز طواف از حیث احکام نجاست و محمول نجس و سایر احکام، حکم نمازهای یومیه را دارد.

۲- احکام مربوط به قرائت نماز طواف

اشاره

۸۱۸- در نماز طواف، خواندن هر سوره‌ای غیر از سوره‌های سجده، جایز است؛ و خواندن سوره «قل هو اللَّه احد» بعد از «حمد»، در رکعت اول، و سوره «قل یا أیها الکافرون» در رکعت دوم، مستحب است.

۸۱۹- جهر و اخفات در نماز طواف، جایز است.

لزوم یادگیری قرائت

۸۲۰- بر هر مکلفی یادگیری نماز و تصحیح قرائت و ذکرهای نماز، واجب است تا بتواند تکلیف الهی را، صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به حج برود؛ چون بعضی گفته‌اند

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: و متنجّسی.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: هرگاه متنجّسی باشد که نمی‌تواند با آن ستر عورت کند معفو است. و اگر می‌تواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان نجسه باشد محل اشکال است. (آیهٔ اللَّه فاضل: و به احتیاط واجب اجتناب کند.)

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: محمول متنجّس در طواف نیز اشکال ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۲۹۷).

آیهٔ اللَّه مکارم: لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند، در طواف و نماز آن اشکالی ندارد و نیز محمول نجس و متنجّس.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: قرائت سوره‌های سجده در نماز جایز است، ولی اگر سجده را انجام داد نماز باطل‌می‌شود مگر این‌که سهواً سجده کند و اگر سجده نکند نماز صحیح است ولی گناه کرده است و اگر قبل از آیه سجده، به سوره‌ای دیگر عدول کند اشکال ندارد هر چند عمداً شروع کرده باشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر با فرض تمکّن به طور ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر این که جاهل‌قاصر یا معتقد به صحّت قرائت باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر در زمانی که نماز خواند می‌توانست صبر کند و قرائتش را تصحیح نماید و مع ذلک با قرائت ملحون نماز بخواند نمازش باطل است مگر جاهل قاصر باشد و در فرض تعمّد حجّش باطل می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۰

اگر نماز درست نباشد، عمره و حج باطل است؛ پس بر اساس این قول، علاوه بر آن‌که حَجّهٔالاسلام بر ذمّه باقی می‌ماند، ممکن است محرّمات احرام- مثل زن و چیزهای دیگر حلال نشود.

انکشاف اشتباه در قرائت با اطمینان به صحت

۸۲۱- اگر کسی مطمئن باشد قرائت یا ذکری که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف را همان‌گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، با فرض این‌که احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح است.

حکم عاجز از قرائت صحیح

۸۲۲- اگر کسی نتواند قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند، خودش بجا آورد و کفایت می‌کند؛ و اگر با تلقین می‌تواند صحیح بخواند و ممکن باشد، کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند؛ و احتیاط مستحب آن است که در مقام ابراهیم، به شخص عادلی اقتدا کند، ولی به جماعت اکتفا نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: باطل است و باید نماز را به طور صحیح اعاده کند.

آیهٔ اللّٰه خویی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است. (مناسک، مسأله ۳۳۶).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده، نمازش صحیح است و اگر معذور نبوده باید اعاده نماید.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: حجّ او صحیح است ولکن نماز طواف را قضا کند و در قضای نمازِ طوافِ عمره و حج و طواف نساء رعایت ترتیب شود. (مناسک عربی، ص ۱۱۳).

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت بخواند و در صورت عدم امکان جماعت، عمل به وظیفه یومیّه کافی است (مناسک، س ۱۰۵).

(۴)- آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست، پس به هر نحو می‌تواند خودش بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر نتواند قرائت خود را تصحیح کند، هر چند در اثر مسامحه و سهل‌انگاری، ولی مقدار زیادی از سوره حمد را بتواند به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین صورت کافی است و اگر نتواند، به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و اگر وقت برای یادگرفتن همه حمد نباشد اگر به مقدار معتنابه یاد بگیرد کافی است و اگر نتواند، مقداری از قرآن را بخواند که عرفاً قرآن خواندن صدق کند و اگر نتواند، تسبیح بگوید و امّا سوره از جاهلی که نتواند یاد بگیرد ساقط است.

آیهٔ اللّٰه وحید: هر گاه در قرائت نمازگزار غلطی باشد، چناچه متمکن از تصحیح آن نباشد، بدون اشکال آنچه از قرائت غلط بلد است، برای او کافی است، و چنانچه متمکن از تصحیح آن باشد، باید قرائت خود را تصحیح نماید و می‌تواند به این اکتفا کند که هنگام نماز، قرائت صحیح را با تلقین دیگری به جا آورد؛ و اگر هیچ کدام از این را نتواند تا زمانی که وقت برای برای تصحیح تنگ شود، باید نماز را با همان قرائت غلط بخواند و بنا بر احتیاط واجب آن را به جماعت هم به جا آورد و نایب هم برای آن بگیرد. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۱۷۰)

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر یاد گرفتن قرائت و احکام واجبه نماز ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند ولی اکتفا به آن اشکال دارد و واجب است به طور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است. (مناسک فارسی، ص ۸۱، مسأله ۱۱۳).

آیهٔ اللّٰه مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد و مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۱

۸۲۳- صحت جماعت در نماز طواف، محل اشکال است. با این فرض، کسی که قرائتش صحیح نیست، مستحب است احتیاطاً آن را به جماعت بخواند و نباید به آن اکتفا کند. و احتیاط در تماثل نماز ماموم، با امام جماعت است.

اقتدای نماز طواف به یومیّه

۸۲۴- صحت اقتدای نماز طواف به نماز یومیّه، محل اشکال است.

---

(۱)- آیةُ اللَّه بهجت: جماعت در نماز طواف واجب، مستحب است (وسیله، ص ۲۸۵).

آیةُ اللَّه صافی، آیةُ اللَّه گلپایگانی: خواندن نماز به جماعت، احوط است ولی نباید به آن اکتفا شود.

آیةُ اللَّه مکارم: بهتر ترک این احتیاط است.

(۲)- آیـةُ اللَّه بهجت: گـذشت اسـتحباب جماعت در نماز طواف واجب، و همچنین می‌تواند اقتدا کند در طواف مسـتحب با طواف واجب امام (ذخیره ۲، ص ۲۳۵ و ص ۲۱۷).

آیةُ اللَّه تبریزی، سیستانی: برای رعایت احتیاط باید به نماز طواف واجب اقتدا کند.

آیةُ اللَّه خامنه‌ای، آیةُ اللَّه مکارم: مشروعیّت جماعت در نماز طواف ثابت نیست.

آیـةُ اللَّه خویی: جماعت در هیـچ یک از نمازهای مسـتحبی بالاصاله مشـروع نیست. و همچنین بنابر احتیاط وجوبی نماز طواف را به نمازهـای یومیه و بالعکس جایز نیست اقتـدا کنـد و نماز طواف به نماز طواف واجب مانعی نـدارد (قسـمت اول از منهاج الصالحین، مسأله ۷۷۳ و ۷۷۴ و قسمت آخر مستفاد از مجموع مسائل و مناسک فارسی، مسأله ۳۳۶).

آیةُ اللَّه صافی، آیةُ اللَّه گلپایگانی: جماعت در نماز مسـتحبی مشـروع نیست و اگر امکان داشت به نماز طواف واجب اقتدا کند و الّا به نماز یومیه به رجاء مطلوب واقع شدن. (مناسک عربی، ص ۱۱۸).

(۳)- آیةُ اللَّه خامنه‌ای، آیةُ اللَّه مکارم: مشروعیّت جماعت در نماز طواف مطلقاً محل اشکال است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۲

صبر برای تصحیح قرائت

۸۲۵- اگر شخصی با احرام عمره وارد مکه شود و قرائت نماز او صحیح نباشد، لازم نیست که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصـلاح کنـد؛ و اگر بعـد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز، نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.

مسامحه در یادگیری قرائت

۸۲۶- اگر کسی از روی بی‌مبالاتی، در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز، مسامحه کند تا وقت تنگ شود، باید نماز را به هر نحو که می‌تواند، بخواند و صحیح است، ولی معصیت کار است؛ و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۸۲۲ عمل کند.

جواز عمره مستحبی با قرائت غلط

۸۲۷- انجام عمره مفرده مستحبی برای کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را نیز ندارد، مانعی ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر عسر و حرج ندارد صبر کند و یا به جماعت بخواند، چنانکه در ذیل ۷۸۹ گذشت.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: اگر برای او امکان داشته باشد که قرائت را تصحیح نماید لازم است تا آخر وقت صبر کند. (مناسک عربی، مسأله ۳۳۱).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید تأخیر بیندازد تا قرائتش را تصحیح نماید.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت تأخیر بیندازد مگر این‌که بقای در احرام موجب عسر و حرج شود و ملاک در ضیق وقت آن است که حتّی به مقدار واجب رکنی عرفه نرسد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: لازم است صبر کند مگر آن‌که عسر و حرج باشد.

نظر سایر آیات عظام در مسأله ۸۲۲ آمده است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط واجب به هر نحوی که خودش می‌تواند بخواند و با جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط مستحب در صورت مقصِّر بودن، این است که هم نماز را به کیفیتی که بیان آن گذشت بجا آورد و هم آن را به جماعت بخواند و هم نایب جهت انجام آن از طرفش بگیرد. (مناسک، مسأله ۳۳۱).

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر بتواند استنابه هم بکند، اگر چه در امر تصحیح خلاف شرع کرده باشد.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و بنا بر احتیاط، برای نماز نایب هم بگیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۳

تکرار ذکر در نماز طواف

۸۲۸- اگر نمازگزار را در حال ذکر حرکت دادند، اگر حرکت به گونه‌ای بوده که استقرار از بین رفته، تکرار ذکر مانع ندارد؛ و در غیر این صورت، تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن‌که وسوسه نباشد.

حکم نیابت افراد با قرائت ناصحیح

۸۲۹- افرادی که قرائتشان درست نیست، و در حج نایب شده و محرم شده‌اند، در صورت امکان، باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند؛ و اگر تصحیح ممکن نیست و معذور هستند، احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند. ۸۳۰- کسی که قرائتش درست نیست، نمی‌تواند حتی تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد، نیابت کند و حج انجام دهد، مگر آن‌که بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الأعذار

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: کسی که قرائتش درست نبوده و یا از جهات دیگر معذور بوده و بدون توجّه به این عذر به‌نیابت از دیگری محرم شده و در وسط اعمال و یا بعد از عمره تمتّع متوجه نقص کار خود شده، احتیاطاً در موارد عذر نایب بگیرد تا عمل را صحیحاً بجا آورد و خود نیز آن عمل را انجام دهد و نیابتش صحیح است هر چند از اوّل نمی‌توانسته نایب شود. (مناسک س ۱۰۶).

(۲)- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: بنا بر احتیاط به قصد منوب عنه اعمال را بجا آورد و لکن صحّت عمره مذکور برای منوب عنه محلّ اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نمایند.

(۳). آیة اللَّه فاضل: در حج واجب.

(۴)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: احتیاط این است که حج را به نیّت نیابی تمام کند.

آیة اللَّه سیستانی: احرام صحیح است و باید حج (را) به نیّت منوبٌ‌عنه تمام کنند هر چند به احتیاط واجب مجزی از منوبٌ‌عنه نیست.

آیة اللَّه فاضل: در فرض مذکور اعمال آنها صحیح است و از احرام خارج شده‌اند ولی کفایت از عمل واجب منوب‌عنه نمی‌کند.

آیـة اللَّه مکـارم: ولی می‌توانـد برای خودش حـج بجـا آورد، اگر وقت وسـعت دارد حـج تمتع و گرنه حـج افراد بجا آورد و چنانچه حَجّةالاسلام بجا نیاورده حج واجب او محسوب می‌شود ولی پول نیابت را باید برگرداند.

(۵)- آیة اللَّه بهجت: اکتفا به عملش مشکل است (مناسک، مسأله ۱۱۰).

آیة اللَّه سیستانی، آیة اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیة اللَّه صافی: به مسأله ۱۱۷ به بعد مراجعه شود.

آیة اللَّه گلپایگانی: نیابت چنین شخصی خلاف احتیاط است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۴

محسوب نباشد، که در این صورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

۳- نماز طواف مستحب

ترک نماز طواف مستحب

۸۳۱- خوانـدن نمـاز طواف مسـتحب ولو در حال اختیار، در هر جای مسـجدالحرام، جایز است بلکه گفته‌انـد می‌توانـد آن را عمـداً ترک کند.

نماز طواف استحبابی

۸۳۲- نمـاز طواف اسـتحبابی لازم نیست در نزد مقـام ابراهیم باشـد بلکه در هر جـای مسـجدالحرام جایز است، به‌خصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

۸۳۳- آیا نماز طواف مستحب را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن خواند؟

---

(۱)- آیة اللَّه بهجت: مورد تأمّل است (مناسک شیخ، ص ۴۷).

آیة اللَّه خامنه‌ای، متعرض ترک نماز نشده‌اند.

آیة اللَّه سیستانی: ظاهر آن است که نماز طواف مستحب، مستحب است.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: سزاوار نیست ترک کنند.

آیة اللَّه مکارم: ترک آن مشکل است.

(۲). به ذیل مسأله ۷۸۲ مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۵

فصل سوم: مستحبات نماز طواف

۸۳۴- در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:
حَتی یَنْتَهِی الْحَمْدُ إلی ما یُحِبُّ وَیَرْضی، أللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنّی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلی».
و در روایت دیگر است:
«أللّهُمَّ ارْحَمْنِی بِطاعَتی ایّاکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله أللّهُمَّ جَنِّبْنِی أنْ أ تَعَدّی حُدُودَکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ رَسُولَکَ وَمَلائِکَتَکَ وَعِبادَکَ الْصّالِحِینَ».
و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:
«سَجَدَ لَکَ وَجهِی تَعَبُّداً وَرِقّاً لا إلهَ إلّا أنْتَ حَقّاً حَقّاً الأوَّلُ قَبْلَ کُلِّ شَیءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ کُلِّ شَیءٍ وَها أنَا ذا بَیْنَ یَدَیْکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ فاغْفِرْ لی إنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ العَظیمَ غَیْرُکَ فَاغْفِرْ لِی فإنّی مُقِرٌّ بِذُنُوبی عَلی نَفْسی وَلا یَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ».
و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

---

(۱)- آیة اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد.

(۲)- آیـة اللَّه بهجت، آیـة اللَّه سیستانی: دعـای اوّل و دوّم در مناسـک ایشـان موجود نیست و در دعـای آخر نیز تفـاوت در عبارت وجود دارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۶

وقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام:
لَوْ أَنَّ حَمَلَةَ الْعِلْمِ حَمَلُوهُ بِحَقِّهِ لأَحَبَّهُمُ اللَّهُ وَ مَلائِکَتُهُ وَ أَهْلُ طَاعَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ لَکِنَّهُمْ حَمَلُوهُ لِطَلَبِ الدُّنْیَا، فَمَقَتَهُمُ اللَّهُ وَ هَانُوا عَلَی النَّاسِ
بحار الانوار ۲/ ۳۲

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۷

باب چهارم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۸

یَا
خَیْرَ مُونِسٍ وَ أَنِیسٍ
عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ کُلَّ عَبْدٍ دَعَّاءٍ فَعَلَیْکُمْ بِالدُّعَاءِ فِی السَّحَرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفَتَّحُ فِیهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِیهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَی فِیهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ
الکافی/ ۲/ ۴۷۸

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۳۹

باب چهارم: وجوب سعی و حکم ترک آن

فصل اول: وجوب، زمان، مکان و کیفیت سعی

۱- وجوب سعی و حکم ترک آن

اشاره

۸۳۵- سعی چهارمین عمل واجب در عمره مفرده است.

ترک سعی

۸۳۶- سعی- مثل طواف- رکن است، و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو، با طواف یکسان است.

فراموشی سعی و انجام تقصیر

۸۳۷- اگر کسی سعی را فراموش کند و تقصیر نماید، از احرام خارج شده و باید هر وقت یادش آمد، سعی را بجا آورد.

آیا سعی استحبابی وجود دارد؟

۸۳۹- در فتوای فقها، استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به جای آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده‌اند، آیا از این مورد، می‌توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

---

(۱)- آیهٔ‌اللَّه‌بهجت: پس تارکِ آن عمداً، باطل است‌حج او، و باید پس از حج افراد در سال آینده حج نماید، تا رک آن سهواً رجوع می‌نماید برای سعی مع الامکان واستنابه می‌نماید مع التّعذر.
آیهٔ اللَّه مکارم: به مسأله ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ مناسک محشای حج مراجعه شود.

(۲). آيةاللَّه خويي: از احرام خارج نشده و تقصير را اعاده نمايد.

آيةاللَّه سيستاني: بنابر احتياط تقصير را پس از سعي اعاده كند و يك گاو كفّاره بدهد.

(۳). آيات عظام: خامنه‌اي، سيستاني، نوري: سعي استحباب نفسي ندارد.

آيات عظام: تبريزي، صافي، فاضل: استحباب سعي، مگر نسبت به اتمام مورد مخصوص، ثابت نيست؛ واللَّه العالم.

آيت‌اللَّه مكارم: سعي مستحب نداريم و اگر سهواً چيزي اضافه كند، احتياط آن است كه تا هفت دور تكميل ننمايد و سعي او صحيح است.

مناسك حج با حواشي مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۰

۲- زمان سعی

اشاره

۸۴۰- سعي بايد بعد از طواف و نماز آن، انجام شود؛ و اگر عمداً پيش از آنها بجا آورده شود، بايد بعد از طواف و نماز، اعاده شود.

جواز تأخير سعي تا شب

۸۴۱- تأخير سعي از طواف و نماز آن، براي رفع خستگي يا تخفيف گرمي هوا، جايز است؛ و نيز تأخير آن بدون عذر تا شب، جايز است، گرچه احتياط، در عدم تأخير است.

۸۴۲- تأخير سعي تا فردا بدون عذر- مثل مرض - جايز نيست.

ميزان تأخير سعي

۸۴۳- كسي كه بعدازظهر، طواف و نماز را بجا مي‌آورد و سعي را شب انجام مي‌دهد، اگر بدون تأخير عرفي، سعي در شب واقع شود مانع ندارد و احتياط آن است كه تا شب تأخير نيندازد، اگرچه اقوي كفايت است.

تأخير سعي تا روز بعد

۸۴۴- كسي كه طواف و نماز آن را انجام داده و سعي را به روز بعد يا روزهاي بعد به تأخير انداخته است، فقط بايد سعي را اعاده كند؛ ولي اختياراً نبايد به تاخير بياندازد.

---

(۱)- آيةاللَّه تبريزي: تأخير تكليفاً جايز است ولي بايد طواف و نماز را اعاده نمود.

آيةاللَّه خويي: اگر تأخير انداخت طواف و نماز را اعاده نمايد.

آیهٔ اللَّه مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد هرچند گناه کرده است.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: تأخیر عرفی اشکال نـدارد و مبادرت لازم نیست ولی تأخیر به فردا جایز نیست و اگرعمـداً و بـدون عـذر تا فردای آن روز تأخیر بیاندازد، به احتیاط واجب باید طواف را اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: هرگاه طواف و نماز آن را در هر موقع از روز انجام دهـد سـعی را تا شب می‌توانـد به تأخیر بیانـدازد. ولی تأخیر تا فردا جایز نیست و اگر تأخیر انداخت گناه کرده ولی اعمال او صحیح است.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط طواف و نماز را اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه خویی: باید طواف و نماز را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر انداخته، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۱

تأخیر سعی برای فردا

۸۴۵- کسی که طواف و نماز طواف را انجام داده، آیا می‌تواند سعی را با فاصله زیاد انجام دهد، مثلًا روز دیگر و اگر طواف و نماز را شب انجام داده و بسیار خسته است آیا می‌تواند سعی را فردا بجا آورد؟

تقدیم سعی بر طواف

۸۴۶- اگر از روی فراموشی یا جهل به حکم، سعی را بر طواف مقدم بدارد، بنابر اقوی باید سعی را اعاده کند.

۳- مکان سعی

اشاره

۸۴۷- واجب است رفتن و برگشتن، از راه متعارف باشد. سعی از راه غیر متعارف باطل است.

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل: می‌تواند در صورتی که طواف را در روز انجام داده باشد سعی را تا شب تأخیر بیندازد ولی تأخیر تا فردا تنها در صورت عذر جایز است.

آیـهٔ اللَّه بهجت: جـایز است تـأخیر سـعی از طواف به جهت رفع خسـتگی و به جهت تخفیف حرارت هوا و جـایز نیست تأخیر آن تا فردا، و اقوی جواز تأخیر آن است تا شب آن روز، و احوط ترک آن است بدون عذر.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: احوط آنست که بدون ضـرورت، سـعی را از طواف و نماز به مقدار معتدّ به تأخیر نیندازد اگرچه اقوی جواز تأخیر آن تا شب است ولی در حال اختیار نمی‌شود سعی را تا فردا تأخیر انداخت.

آیـهٔ اللَّه مکارم: تأخیر انـداختن تا شب برای استراحت و تخفیف گرما و ماننـد آن جایز است ولی بـدون عذر نمی‌تواند تا فردا تأخیر بیندازد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: تأخیر سعی تا شب جایز است اما تأخیر آن تا فردای روز طواف، در صورت اختیار جایز نیست.

آیـهٔ اللَّه صافی: تأخیر سـعی تا روز بعـد جایز نیست و اقوی جواز تأخیر تا شب است هر چنـد احتیاط، عـدم تأخیر است و در صورت تأخیر تا روز بعد معصیت کرده ولی سعی باطل نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: فاصله زیاد جایز نیست بلی برای رفع خستگی یا شدّت گرما می‌تواند تا شب تأخیر بیندازد.

(۲)- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: اگر مقـدّم داشـتن سـعی از جهت فراموشـی طواف بوده باشـد، باز احوط این است که سـعی را پس از طواف اعاده نماید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۲

سعی از مسعای جدید

۲/ ۸۴۷- آیا سعی از قسمت جدیدالاحداث مسعی در طبقه همکف، کفایت می کند؟

سعی از طبقه دوم

۸۴۸- سعی در طبقه فوقانی، اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

فرض مسدود بودن طبقه پایین مسعی

۲ / ۸۴۸- ۱- در صـورتی کـه در طبقه پـایین (به دلیـل تعمیرات یـا غیرآن) سـعی امکان‌پـذیر نباشـد، مُحرم به احرام عمره مفرده چه وظیفه‌ای دارد؛ آیا سعی از طبقه بالا صحیح است؟

۲- آیا با علم به این مطلب می‌توان از ابتدا به احرام مفرده محرم شد؟

۳- در صورت عدم جواز، حکم رفتن به مکه در فرض ضرورت و غیر ضرورت چیست؟

---

(۱). آیـهٔ‌اللَّه بهجت و آیـهٔ‌اللَّه صافی: اگر ثابت شود که عرض مسـعای جدید، در بین کوه صـفا و مروه است، مانعی ندارد؛ وگرنه با رعایت اقرب به مسعای قدیم، مجزی است.

آیات عظام: خامنه‌ای، زنجانی، مکارم و نوری: سعی در مسعای جدید مجزی است.

آیهٔ‌اللَّه وحید خراسانی: اگر بین الجبلین ثابت شود، سعی در آنجا مجزی است و گرنه در صورت شک، بنابر احتیاط مجزی نیست.

آیهٔ‌اللَّه سیستانی: اگر به جهت شهادت اهل خبره اطمینان پیدا کنند که کوه صفا و مروه تا مسعای جدید امتداد داشته است، سعی در آنجا مجزی است.

(۲)- آیهٔ‌اللَّه بهجت: سعی از طبقه فوقانی مجزی است. (استفتاء)

آیهٔ اللَّه خویی: اگر دو طرف آن ولو قبلًا کوه صفا و مروه بوده و فضای بدون کوه نبود صحیح است. (آراء المراجع، ص ۳۰۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: مجزی نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: سعی در طبقه فوقانی در حال ازدحام و مشقت طواف در طبقه پایین مجزی است.

(۳). آیهٔ اللّه بهجت: سعی از طبقه دوم مطلقا جایز است.

آیهٔ الله فاضل: ۱- باید از طبقه بالا سعی کند و عمل او صحیح است.

۲- مانعی ندارد.

۳- در حال اختیار هم می‌توان محرم شد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طبقه دوم بالاتر از یکی از دو کوه صفا و مروه باشد سعی از آن صحیح نیست و محرم به عمره مفرده تا هنگام رفع مـانع از سـعی در مسعی بر احرامش باقی می‌مانـد، مگر آنکه عرفاً مصـدود محسوب شود که در این صورت حکم مصـدود در عمره مفرده بر او جاری است.

۳- می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و وارد مکه شود ولی تا انجام سعی بر احرام باقی می‌ماند مگر در صورت یاد شده.

آیهٔ اللّه مکارم: در هر سه فرض، اشکالی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۳

۸۴۹- اگر فرضاً طبقه زیرزمینی احداث شد و کوه صـفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آن دو واقع شد، علی الظاهر صحیح است، و احوط سـعی از طبقه روی زمینی است. ۸۵۰- سـعی از هر دو طرف مسـعی کفایت می‌کند، یعنی می‌تواند از همان راهی که به مروه رفته به صفا بازگردد ولی نباید مزاحم دیگران شود.

عدم لزوم بالا رفتن بر صفا و مروه

۸۵۱- احتیاط آن است که از جزء اول صفا، سعی را آغاز کند؛ و در صورتی که از صفا به نحو متعارف سعی را آغاز و بین دو کوه سعی کند، کفایت می‌کند و بالا رفتن بر کوه، لازم نیست.

۲/ ۸۵۱- آیا سعی را می‌شود از دامنه کوه صفا که روی آن را با سنگ فرش کرده‌اند شروع و در دامنه مروه که روی آن را با سنگ فرش نموده‌اند خاتمه داد؟

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۳۴۳

حکم شروع از مروه

۸۵۲- سعی باید از صفا شروع و در دور هفتم، به مروه ختم شود؛ و اگر کسی از مروه شروع کند، هر وقت فهمید، باید اعاده کند؛ و اگر در بین سعی بفهمد، باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: واجب است.

آیهٔ اللّه خویی: لازم و واجب است که ابتدا کند از اول جزء صفا.

آیـهٔ اللّه سیسـتانی: بایـد تمـام مسـافت بین دو کوه پیموده شود و بالا رفتن از کوه لازم نیست گرچه احتیاط مسـتحب است و احتیاط واجب این است که فاصـله مـذکور دقیقاً همه آن پیموده شود؛ یعنی این‌که شوط اوّل را- مثلًا- از اوّلین جزء پـایین کوه صـفا آغاز

کند و حرکت کند تا برسد به اوّلین جزء کوه مروه و به همین ترتیب بقیه شوطها را انجام دهد. (مناسک، مسأله ۳۳۵).

آیهٔ اللَّه مکارم: واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم‌اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت نمایان کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برسد کافی است.

(۳). آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم: مانعی ندارد و ابتداء از اوّل جزء صفا و مروه کافی است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر اطمینان دارد که ابتدای کوه صفا وابتدای کوه مروه است مانع ندارد.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، بعید نیست کفایت کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۴

۸۵۳- اگر کسی سعی را از مروه شروع و به صفا ختم کند و بعد بفهمد، باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

عدم کفایت استنابه در سعی برای حائض

۸۵۵- مسعی مسجد نیست و حایض باید خودش سعی نماید؛ حتی اگر برای طواف نایب گرفته باشد، باید با مراعات ترتیبِ بین طواف و سعی، خودش سعی به جا آورد.

عدم جواز عبور حائض و نفسا از مسجدالحرام

۸۵۶- حایض و نفساء اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری غیر از خود مسجدالحرام برای سعی بروند، باید سعی را تأخیر بیندازند؛ و اگر آن هم ممکن نیست، نوبت به نیابت می‌رسد؛ و بر فرض عبور، سعیشان صحیح است هرچند گناه کرده‌اند.

۴- کیفیت و شرایط سعی

اخلاص در سعی

۸۵۷- سعی از عبادات است، و باید با نیت خالص، برای اطاعت از فرمان خدای تعالی انجام شود.

حکم موالات در سعی

۸۵۸- در سعی، موالات معتبر نیست مگر در شوط اول که اگر تمام نشده باشد و موالات فوت شود، احتیاطاً از سر گرفته شود.

---

(۱)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در فرض تقصیر هم باید دو مرتبه تقصیر کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و تقصیر نماید (اگر چه قبلًا تقصیر کرده باشد) تا از احرام، خارج شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده

کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم در مسأله ۸۵۱ آمده است.

(۲)- آیهٔاللَّه مکارم: یعنی از این راه خودش را به صفا برساند؛ و از آنجا سعی را در مسیر معمولی، شروع کند.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: به حاشیه مسأله ۵۶۸ مراجعه شود.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: دلیلی بر اعتبار موالات در سعی در غیر شوط اوّل نیست، (پرسشهای جدید حج، س ۸۹).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احوط اعتبار موالات عرفیه بین اشواط سعی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب موالات عرفیه لازم است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: موالات در سعی معتبر نیست. (آداب و احکام حج، ص ۲۷۴) و قسمت آخر مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب آن است که در غیر موارد استثنا شده موالات عرفیه رعایت شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۵

توجه به صفا و مروه

۸۵۹- متوجه بودن به سمت مروه و صفا هنگام حرکت به سمت هر کدام، واجب است و این وجوب وضعی است؛ پس اگر عقب عقب حرکت کند یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود، باطل است.

نگاه به چپ و راست و پشت سر

نگاه کردن به چپ و راست، بلکه گاهی به پشت سر، هنگام سعی اشکال ندارد.

انجام سعی با حرکت به عقب

۸۶۰- اگر شخصی مقداری از سعی را عقب عقب طی کرده، باید آن مقدار را تدارک کند؛ و اگر از آن محل گذشته، سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

رفتن به جانب مسعی در اثنای سعی

۸۶۱- کسی که در اثنای سعی- مثلًا برای آب خوردن- بدون روی برگرداندن از صفا یا مروه، به کناره مسعی رفته و در حرکتْ نیت سعی داشته، یا اگر سعی راقطع کرده، از جایی که قطع شده یا مُحاذی آن، سعی را ادامه داده، عمل او صحیح است.

حکم خود صفا و مروه از جهت نحوه حرکت

۸۶۲- بر روی صفا و مروه، به چپ و راست منحرف شدن و یا به عقب بازگشتن، مانعی ندارد.

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی نگاه کردن به اطراف و حتی به پشت سر مانعی ندارد.

(۲)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد. (آداب‌واحکام حج، ص ۲۶۴)

آیهٔ اللَّه مکارم: مثلًا اگر برای ملاحظه همراهان نگاهی به عقب کند مانعی ندارد.

(۳)- آیات عظام گلپایگانی، صافی، مکارم: می‌تواند برگردد و جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۶

کفایت سعی سواره حتی بدون عذر

۸۶۳- سعی سواره و بر روی محمل و چرخ، مطلقاً و لو در حال اختیار، جایز است، ولی راه رفتن افضل است.

حکم احتیاج به چرخ با نداشتن پول

۸۶۴- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ، سعی کند ولی تمکن مالی ندارد، اگر می‌تواند ولو با فروش چیزی یا قرض، خودش با چرخ سعی کند، استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

استراحت در صفا و مروه و اثنای سعی

۸۶۵- نشستن یا خوابیدن بر صفا یامروه به جهت استراحت و رفع خستگی، جایز است؛ و همین طور نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی جایز است، و بنابر اقوی، لازم نیست عذری داشته باشد.

عدم لزوم طهارت و ستر عورت در سعی

۸۶۶- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

عدم اعتبار ستر در سعی

۸۶۷- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفّین پیدا باشد، به صحت سعی ضرر نمی‌زند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل: لکن در حال اختیار باید خودش آن وسیله را راه ببرد.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خویی: به خاطر استراحت جایز است نشستن بر صفا یا مروه تا استراحت حاصل شود و احوط ترک جلوس است در مابین صفا و مروه بدون عذر.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل: بنابر احتیاط باید به مقداری باشد که موالات عرفیه به هم نخورد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب آن است که نشستن در وسط راه جهت استراحت ترک شود، مگر برای کسی که خسته شده باشد (مناسک، مسأله ۳۴۰).
آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط واجب رعایت موالات عرفیه در سعی است.
(۳)- آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: متعرض ستر عورت نشده‌اند.
آیهٔ اللَّه مکارم: ستر عورت احتیاط واجب است.
آیهٔ اللَّه نوری: با عدم وجود ناظر محترم معتبر نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۷

به عقب برگشتن کودک هنگام سعی

۸۶۸- کودکی در احرام عمره مفرده، گاهی در حال سعی به عقب بازگشته و با همین وضع اعمال را به پایان برده است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

خواب کودک هنگام سعی

۸۶۹- اگر کودک را در حال خواب، طواف یا سعی دهند یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد چه حکمی دارد؟ ۸۷۰- کودک ممیزی را ولیّ او به سعی می‌برد؛ ولی کودک خواب است، آیا لازم است در ابتدای سعی، او را برای نیّت بیدار کند، و چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

---

(۱). آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری: صحیح است.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر به اعتقاد صحّت تقصیر انجام شده طفل از احرام خارج شده است و چیزی بر او نیست اگر چه احتیاط در اعاده سعی است.
آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهراً سعی او صحیح باشد هر چند بهتر است خودش سعی را اعاده کند یا برای انجام آن نایب بگیرد.
آیهٔ اللَّه صافی: در فرض سؤال چنانچه ممیّز است باید سعی را صحیحاً اعاده نماید و بقیه اعمال مرتبه را نیز انجام دهد و اگر غیر ممیّز است ولیّ او دوباره او را سعی دهد و همچنین بقیه اعمال مرتبه را.
(۲). به ذیل مسأله ۶۰۳ مراجعه شود.
آیهٔ اللَّه مکارم: در مورد بچه‌های کوچک اشکالی ندارد.
(۳). آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، صافی: سعی از عبادات است و سعی در حال خواب صحیح نیست بایداورابیدار کند.
آیهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که خواب نرود و آن مقدار را که خواب رفته، به نیت «اتمام ما نقص من سعیه» اعاده کند و اگر قبل از نیت سعی، خواب رفته- بدون اشکال- سعی او باطل است.
آیهٔ اللَّه فاضل: چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به نیت و قصد قربت مستمر است لذا درفرض مذکور اگر قبل از شوط چهارم به‌خواب رفته است به‌احتیاط واجب سعی را از اول اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم خواب رفته است پس از بیدار شدن

و توجه و التفات باید از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که در ابتدای سعی نیّت کرده باشد، اشکالی ندارد.

آیهٔ اللَّه نوری: ۱- لازم است که او را برای انجام نیت بیدار کند ۲- و آن مقداری را که در حال خواب پیش رفته است پس از بیدار شدن اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۸

فصل دوم: عدد دورهای سعی

اشاره

۸۷۱- سعی بین صفا و مروه، باید هفت مرتبه باشد؛ و به هر مرتبه، «شوط» می گویند؛ رفتن از صفا به مروه، یک شوط و از مروه به صفا نیز، یک شوط است.

۱- زیاد کردن در دورهای سعی

زیاد کردن عمدی

۸۷۲- زیاد کردن در سعی از روی عمد- به تفصیلی که در طواف گذشت- موجب باطل شدن آن است.

زیاد کردن سهوی

۸۷۳- زیاد کردن در سعی از روی فراموشی چه کمتر از یک شوط یا بیشتر، به صحت آن ضرر نمی‌زند و بعید نیست که رساندن آن به هفت شوط، جایز باشد هرچند رها کردن زائد بهتر است.

زیادی جهلی در سعی

۸۷۴- زیادی در سعی جهلًا، محل اشکال است. ۸۷۵- اگر شخصی جهلًا به اشواط سعی اضافه نماید و رفت و برگشت را یک شوط حساب

---

(۱)- آیات عظام: بهجت، خویی، سیستانی: اگر زیادی یک شوط باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است.

آیهٔ اللَّه فاضل: محل اشکال است و احتیاطاً اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۴۹

نماید، سعی او اشکال دارد و احوط اعاده سعی است هرچند تقصیر هم نموده باشد.

کسی که رفت و برگشت را یکی حساب کرده

۸۷۶- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی را اعاده کند، اگرچه اقوی کفایت همان سعی است.

۸۷۷- اگر شخصی به اعتقاد این‌که هر شوط سعی، مجموع رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع کند ولی در اثنا متوجه مسأله شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه دهد، سعی او صحیح است.

تکرار جزیی از سعی به گمان وجوب هروله

۸۷۸- اگر کسی در حال سعی، بعد از گذشتن از مکان هروله، به گمان این که هروله لازم است، باز گردد و آن مقدار را با هروله، تکرار نماید، سعی او اشکال دارد.

تکرار مقداری از سعی

۸۷۹- اگر شخصی- مثلًا به جهت کنترل همراهان خود- در حین سعی، گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه، مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده، سعی او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله قبل.

(۲)- آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه خامنه‌ای: سعی صحیح است (پرسشهای جدید حج، س ۷۸).

آیةاللَّه سیستانی: اگر جاهل «قاصر» بوده سعیش صحیح است؛ و اگر «مقصّر» بوده، صحّتش اشکال دارد.

آیة اللَّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

(۳)- آیات عظام بهجت، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم: اشکال ندارد.

آیة اللَّه تبریزی: اگر به قصد انجام وظیفه واقعیه باشد، اشکالی ندارد.

آیة اللَّه خامنه‌ای: در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگرچه احتیاط در اتمام و اعاده سعی است.

آیة اللَّه سیستانی: صحّت سعیش اشکال دارد مگر آن‌که جاهل قاصر باشد.

(۴)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: اشکال ندارد.

آیة اللَّه سیستانی: مگر این‌که جاهل قاصر باشد یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام ندهد.

آیة اللَّه مکارم: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۰

۲- کم کردن از اشواط سعی

کم کردن سهوی

۸۸۰- اگر کسی مقداری از سعی را سهواً کم کند، واجب است آن را هر وقت یادش آمد اتمام کند؛ و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند؛ و گر نه باید نایب بگیرد.

تدارک سعی ناقص

۸۸۱- اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد؛ و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر، بقیه را فراموش کرد، جایز است از همانجا سعی را تمام کند، ولی احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد.

نقصان سعی و تکرار تقصیر

۸۸۲- اگر با گمان تمام شدن هفت شوطِ سعی، تقصیر نماید، ولی متوجه شود که یک شوط کم بجا

---

(۱)- آیة اللّه خویی: به حاشیه مسأله بعدی مراجعه شود.
آیة اللّه فاضل: چنانچه قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد بنابر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است می‌تواند آن را اتمام کند یا از سر بگیرد.
(۲)- آیة اللّه سیستانی: چه یک شوط فراموش کرده باشد یا بیشتر، بنابر اقوی و اگر پس از گذشتن زمان سعی یادش بیاید؛ مثلًا در عرفات یادش بیاید سعی عمره‌اش ناقص بوده یا پس از انتهای ذی‌حجه به یاد آورد سعی حجش ناقص بوده، احتیاط آن است که کمبود را جبران کند و سپس سعی را از سر بگیرد و اگر نتواند برگردد یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع نماید بین تدارک مقدار کمبود و بین اعاده سعی کامل.
(۳)- آیة اللّه سیستانی: در صورتی که پس از فوت موالات باشد.
(۴)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی: و اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعد از فراغت اعمال حج باشد، تدارک نماید و در صورتی که خود نتواند تدارک کند یا تدارک سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که شخصاً یک سعی کامل بجا آورد.
آیة اللّه خامنه‌ای: و می‌تواند یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.
آیة اللّه فاضل: اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد که انجام دهد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و همین‌طور است اگر کمتر از چهار مرتبه را انجام داده باشد و بقیه را فراموش کرده باشد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۱

آورده و آن را تدارک کند و دو مرتبه تقصیر نماید، عمل او صحیح است و کفّاره ندارد.

انکشاف نقصان سعی بعد از تقصیر

۸۸۳- اگر با اعتقاد اتمام سعی، تقصیر کند و بعد از آن متوجه شود که مثلًا پنج شوط بوده، باید سعی را اتمام و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست. ۸۸۴- با تمام کردن سعی در عمره، چیزی از محرّمات احرام، حلال نمی‌شود، ولی در حج، بعد از سعی، بوی خوش حلال می‌شود.

فراموشی بعض سعی و ارتکاب محرّمات احرام

۸۸۵- اگر کسی مقداری از سعی را در عمره تمتع، فراموش کند و به گمان اتمام اعمال عمره، از احرام خارج شود و با زن نزدیکی کند، واجب است برگردد و سعی را تمام کند؛ و احتیاط واجب آن است که یک گاو، برای کفّاره ذبح کند. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب اگر تقصیر هم نموده

---

(۱)- آیة اللَّه بهجت: مگر آن که در عمره تمتّع ناخن‌هایش را گرفته باشد که احوط است.
آیة اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط یک گاو کفّاره دهد.
آیة اللَّه خویی: اگر در عمره تمتع باشد باید بنابر اظهر یک گاو کفّاره بدهد.
آیة اللَّه سیستانی: اگر در عمره تمتّع باشد و کمبود به جهت فراموشی باشد بنا بر احتیاط یک گاو کفّاره بدهد وامّا اگر کمبود به جهت ندانستن تعداد شوطهای سعی بوده است مثلًا، یا در عمره مفرده یا حج بوده، کفّاره ندارد.
آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: اگر ناخن گرفته کفّاره دارد.
آیة اللَّه فاضل: عمل صحیح است ولی اگر در عمره تمتّع بوده است بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفّاره بدهد.
(۲)- آیة اللَّه بهجت: و تقصیر را هم اعاده می‌نماید.
آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.
آیة اللَّه خویی: و تقصیر را باید اعاده نماید و اگر در عمره تمتع بوده یک گاو کفّاره بدهد.
آیة اللَّه سیستانی: این احتیاط واجب است و اگر تقصیر از روی فراموشی کمبود باشد و در عمره تمتّع باشد احتیاطاً باید یک گاو کفّاره بدهد.
آیة اللَّه فاضل: اگر در عمره تمتع بوده احتیاطاً تقصیر را اعاده کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو کفّاره بدهد.
(۳)- آیة اللَّه بهجت: کفّاره جماع واجب است و در ناخن گرفتن احتیاط واجب.
آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه سیستانی: و به اعتقاد این که از سعی فارغ شده مُحل شود، در این صورت احوط این است که یک گاو کفّاره بدهد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد تمام نماید.
آیة اللَّه خویی: در این صورت به اعتقاد این که از سعی عمره تمتع فارغ شده مُحل شده، در این صورت احوط بلکه اظهر این است که یک گاو کفّاره دارد. (مناسک، مسأله ۳۵۰).
آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: یک گاو کفّاره دارد بنابر احوط برای جماع و نیز ناخن گرفتن.

آیة اللَّه فاضل: و اقوی آن است که یک گاو برای کفّاره ذبح کند و در وجوب کفّاره فرق نمی‌کند که شش شوط انجام داده باشد و از احرام خارج شده باشد یا کمتر از آن.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۲

باشد؛ و بنابر احتیاط واجب این حکم، در سعیِ در غیر عمره تمتع هم، جاری است.

حصول مرض در اثنای سعی و مراجعت به وطن

۸۸۶- اگر شخصی مثلاـ در شوط پنجم سعی در عمره مفرده، مریض شود و نتواند عمره را تمام کند و به وطن باز گردد، اگر خودش نمی‌تواند مراجعت کند، باید نایب بگیرد تا برای خروج وی از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به او خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر، طواف نساء را نیز به نیابت او انجام دهد و این فرض از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلًا خوب شده و این‌که نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

۳- قطع سعی و از سرگیری آن

قطع سعی بعد از شوط اول و تکرار آن

۸۸۷- اگر شخصی- مثلًابه تصور این‌که سعی نیاز به وضو دارد- سعی خود را قطع کند و هفت

---

(۱)- آیـة اللَّه فاضل: احتیاط واجب آن است که طبق مسأله سابق عمل کند و همان کفّاره را بدهد، اگر چه با زن نیز نزدیکی نکرده باشد و در تقصیر فرقی نیست که ناخن گرفته باشد یا مو.

(۲)- آیة اللَّه بهجت: حکم مختص به عمره تمتع است. (مناسک شیخ، ص ۵۳)

آیة اللَّه تبریزی: این حکم مختص است به سعی در عمره تمتّع.

آیة اللَّه سیستانی: اگر در عمره تمتّع باشد به احتیاط واجب باید یک گاو کفّاره بدهد چه جماع کند و چه نکند و سعی را تمام کند و تقصیر را احتیاطاً اعاده نماید ولی در عمره مفرده و حج کفّاره لازم نیست بلکه باید سعی را تمام و تقصیر را در عمره مفرده اعاده نماید.

آیة اللَّه فاضل: اولی الحاق این دو حکم است در غیر عمره تمتّع به تمتع.

آیة اللَّه گلپایگانی: متعرض فرع الحاق این حکم در غیر تمتع به تمتع نشده‌اند.

(۳). آیة اللَّه تبریزی: احتیاطاً سعی را تمام کند...

آیة اللَّه خویی، آیة اللَّه سیستانی: اعاده کافی است.

(۴). آیة اللَّه سیستانی: ولی نماز طواف را باید خودش بعد از طواف نایب بخواند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۳

شوط دیگر سعی نماید، سعی او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

به هم زدن سعی و شروع مجدّد

۸۸۸- اگر شخصی سعی را قطع نموده و هفت شوط دیگر به جا آورده و تقصیر نماید، سعی او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

۴- احکام شک در اشواط و صحت سعی

اشاره

۸۸۹- اگر بعد از تقصیر، در عدد اشواط شک کند، اعتنا نکند؛ و اگر بعد از فراغ از عمل و انصراف، شک کند، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شک، خالی از اشکال نیست، احتیاط آن است که نقص محتمل را اتمام کند، خصوصاً اگر منشاء شک،

---

(۱)- آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه خویی: با فرض اعتقاد به جواز از سر گرفتن سعی، مجزی است. (مراجعه شود به مسأله ۸۷۳).

(۲)- مراجعه شود به مسأله بعد.

(۳)- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری: اشکال ندارد.

(۴)- آیهٔ اللّه تبریزی: بعید نیست آن سعی که استیناف کرده صحیح باشد، گرچه احوط اعاده سعی است.

آیهٔ اللّه خویی: در فرض اعتقاد به جواز مانعی ندارد. (المسائل الشرعیه، مسأله ۳۴۸).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر پس از فوت موالات عرفیه سعی را از سر گرفته باشد صحیح است و اگر قبل از آن باشد اشکال دارد مگر آن‌که جاهل قاصر باشد که در این صورت نیز صحیح است.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: صحّت آن بعید نیست.

(۵)- آیهٔ اللّه فاضل: چه شک در زیاده کند و چه شک در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شک‌در زیاده کند.

(۶)- آیات عظام بهجت، مکارم، نوری: اعتنا به شک نکند و عملش صحیح است.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اظهراین‌است که باید به این شک اعتنا شود و شک در عدد اشواط سعی را باطل می‌کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهد، بنابر صحت بگذارد و اگر احتمال کم بودن آنها را می‌دهد در صورتی که شک او قبل از بهم خوردن موالات باشد سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است. (مناسک، ص ۲۵۹).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند به آن شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند. (مناسک فارسی مساله ۱۲۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۴

خروج عمدی برای حاجتی با تصمیم بر عود و اتمام باشد، که در این صورت، وجوب اتمام بعید نیست؛ و اگر شک در زیاده دارد و می‌داند ناقص نشده، اعتنا نکند.

شک در صحت اشواط

۸۹۰- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا هر دوری، در صحت آن شک کند، اعتنا نکند و سعیش صحیح است؛ و همینطور اگر در بین رفت و آمد، شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

صحت ادامه سعی با تردید و حصول یقین

۸۹۱- اگر شخصی در حال سعی، در عدد اشواط شک کند و با حال تردید، به سعی خود ادامه دهد، سپس به عدد، یقین حاصل نماید و سعی را به پایان برساند، سعی او صحیح است.

شک در نقیصه

۸۹۲- اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر؛ مثل این‌که بین هفت و نُه شک کند، اعتنا نکند؛ و اگر قبل از رسیدن به مروه، شک در هفت و کمتر نماید، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد.

شک بین ۷ و ۹ قبل از مروه

۸۹۳- قبل از رسیدن به مروه، شک بین هفت و مبطل سعی است.

شک در بجا آوردن اصل سعی

۸۹۴- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کند که سعی کرده است یا نه، بناگذاری بر آوردن، بعید نیست، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آن‌که بعد از

---

(۱)- آیهٔ الله مکارم: اگر از عمل منصرف شده و به ظاهر آن را پایان داده، به این شک اعتنا نکند.

(۲)- آیهٔالله تبریزی: با شک در عدد اشواط سعی باطل می‌شود و باید سعی را اعاده کند.

آیهٔ الله خویی: وظیفه اش تجدید و از سر گرفتن سعی بوده و سعی در حال شک و ادامه آن صحیح و جزی نبوده، لذا احتیاط اعاده سعی است (آراء المراجع، چاپ سوم، ص ۳۰۲).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: در صورتی که به رجاء کشف حال ادامه داده باشد. (مجمع المسائل ۱/ ۴۸۸).

آیهٔ الله فاضل: در فرض مذکور صحت سعی حل اشکال است و احتیاط واجب در اعاده است.

(۳)- آیهٔ الله بهجت: شک بعد از وقت است.

آیهٔ الله خویی: فتوای ایشان در این مساله روشن نیست و لذا احتیاط به اعاده طواف و نماز و اتیان سعی است.

آیهٔ الله سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمدا سعی را تاخیر انداخته که در این صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر انداختن سعی بدون عذر است، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، اگرچه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است، تأخیر با عذر باشد. در این صورت وجهی برای بناگذاری بر این‌که آورده شده نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۵

تقصیر شک کند، که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۶

فصل سوم: مستحبات سعی

۸۹۵- مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، نزد چاه زمزم رفته، از آب آن بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْم».

پس از آن، به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أکْبَرُ» هفت مرتبه.

«ألحَمدُ للَّهِ» هفت مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللَّهُ» هفت مرتبه.

«لاـ إلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أکْبَرُ عَلی ما هَدانا وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلی ما أبْلانا وَالْحَمْدُ للَّهِ الْحَیِّ الْقَیُّومِ وَالْحَمْدُ للَّهِ الْحَیِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد و باید توجه داشت که بعضی از مستحبات مربوط به زمانهای گذشته است و در عصر ما موضوع ندارد و یا عملًا ممکن نیست، آنچه را می‌توان، انجام دهد. و خداوند به نیّت او پاداش می‌دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۷

پس بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللَّهُ وَأشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا نَعْبُدُ إلّاإیّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ وَالْیَقینَ فی الدُّنْیا وَالآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أللَّهُمَّ آتِنا فی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أكْبَرُ» صد مرتبه.

«لا إلهَ إلّااللَّه» صد مرتبه.

«أ لْحَمْدُ للَّهِ» صد مرتبه.

«سُبحانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أ نْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الأحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، أللَّهُمَّ بارِكْ لِي فى الْمَوْتِ وَفِيما بَعْدَ الْمَوْتِ، أللَّهُمَّ إنِّى أعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ أللَّهُمَّ أظِلَّنى فى ظِلَّ عَرْشِكَ يَوْمَ لا ظِلَّ إلّاظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمنَ الرَّحِيمَ الَّذى لا تَضِيعُ وَدائِعُهُ دِينى وَنَفْسى وَأهْلى، أللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنى عَلى كتابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنى عَلى مِلَّتِهِ وَأعِذْنى مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کنـد، پس یک‌بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می‌تواند بخواند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خویی: این دعا و همچنین بعضی از دعاهای آخر این قسمت در مناسک ایشان مذکور نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۸

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ قَطُّ فَانْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَانَّكَ أنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، أللَّهُمَّ افْعَلْ بى ما أ نْتَ أهْلُهُ فَانَّكَ انْ تَفْعَلْ بِي ما أنْتَ أهْلُهُ تَرْحَمْنى وَإنْ تُعَذِّبنى فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذابى وَأ نَا مُحْتاجٌ إلى رَحْمَتِكَ. فَيا مَنْ أ نَا مُحْتاجٌ إلى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنى، أللَّهُمَّ لا تَفْعَلْ بى ما أ نَا أهْلُهُ، فَانَّكَ إنْ تَفْعَلْ بى ما أنا أهْلُهُ تُعَذِّبْنى وَلَمْ تَظْلِمْنى أصْبَحْتُ أتَّقى عَدْلَكَ وَلا أخافُ جَوْرَكَ فَيا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا يَجُورُ ارْحَمْنى».

پس بگوید:

«يا مَنْ لا يَخيبُ سائِلُهُ وَلا يَنْفَدُ نائِلُهُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأجِرْنى مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است: هرکس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«أَللَّهُمَّ إنِّى أعُوذُ بِكَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ وَضَنْكِهِ، أللَّهُمَّ أظِلَّنى فى ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لا ظِلَّ إلّاظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يا رَبَّ الْعَفْوِ يا مَنْ أمَرَ بِالْعَفْوِ يا مَنْ هُوَ أوْلى بِالْعَفْوِ، يا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، يا جَوادُ يا كَرِيمُ يا قَرِيبُ يا بَعِيدُ، ارْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنى بِطاعَتِكَ وَمَرْضاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید؛ و از صفا تا به مناره میانه، راه رود؛ و از آنجا تا جایی که محل بازار عطاران است، مانند شتر تند رود؛ و اگر سوار باشد این حدّ را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، أَللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۵۹

عَمّا تَعْلَمْ إِنَّكَ أَنْتَ الأَعَزُّ الأَجَلُّ الأَكْرَمُ، وَاهْدِنی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلی ضَعیفٌ، فَضاعِفْهُ لی وَتَقَبَّلْهُ مِنّی، أَللَّهُمَّ لَکَ سَعْیی، وَبِکَ حَوْلی وَقُوَّتی تَقَبَّلْ مِنّی عَمَلی یا مَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقینَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْماءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لی ذُنُوبی، انَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الّا أ نْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«أَللَّهُمَّ یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ یا مَنْ یُعْطی عَلَى الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«أَللَّهُمَّ إِنّی أَسْأَ لُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی کُلِّ حالٍ وَصِدْقِ النِّیَّةِ فی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۱

باب پنجم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۲

وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَةِ

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ علیه السلام مَا اعْتَصَمَ بِی عَبْدٌ مِنْ عِبَادِی دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِی عَرَفْتُ ذَلِکَ مِنْ نِیَّتِهِ ثُمَّ تَکِیدُهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِیهِنَّ إِلا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَیْنِهِنَّ وَ مَا اعْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِی بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِی عَرَفْتُ ذَلِکَ مِنْ نِیَّتِهِ إِلا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَ الارْض مِنْ یَدَیْهِ وَ أَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَ لَمْ أُبَالِ بِأَیِّ وَادٍ هَلَکَ

بحار الانوار ۲/ ۶۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۳

باب پنجم: کفیت و شرایط تقصیر

فصل اول: کفیت و شرایط تقصیر

اشاره

۸۹۶- محرم بایـد بعد از سـعی، تقصـیر کند؛ یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سـر یا شارب یا ریش را، بزند؛ و بهتر بلکه موافق احتیاط، عدم اکتفا به چیدن ناخن است.

عدم کفایت کندن مو و حلق در عمره تمتّع

۸۹۷- میزان در تقصیر، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای که باشد، و کندن کافی نیست.

۸۹۸- در عمره تمتّع، حلق کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به «بهتر بودن عدم اکتفا به زدن ناخن» به دست نیامد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب اکتفا به آن نکند و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: این قید را ندارند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بلکه احتیاط واجب است.

(۲)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: کفایت نمی‌کند و اگر این کار را از روی علم و عمد کرده باشد، عمل حرام انجام داده و باید یک گوسـفند قربانی کند.

آیهٔ اللَّه خویی: در صورت علم و عمد یک گوسفند کفّاره دارد بلکه بنابر احتیاط در غیر صورت علم و عمد نیز کفّاره دارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: و در صورت علم و عمد باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و یک گوسفند کفّاره دارد و بنا بر احتیاط اگر چه جاهل یا ناسی بوده‌باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: این کار اگر عمداً باشد و در ماه ذی‌القعده به بعد باشد، بنابر احتیاط واجب یک گوسـفند کفّاره دارد و در غیر عمد کفّاره نیست.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت؛ آیهٔ اللَّه سیستانی: و چنانچه از روی عمد و علم بتراشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۴)

آیهٔ اللَّه فاضل: و کندن مو هم کفایت نمی‌کند، اگرچه حرمتش محرز نباشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۴

۸۹۹- اگر در تقصیرِ عمره مفرده، به کندن مو اکتفا نماید و بعد از آن برای عمره تمتع محرم شود، عمره تمتع او صـحیح نیست مگر آن‌که قبل از احرام مجدّد، از احرام قبل با تقصیرِ صحیح خارج شود.

حکم کندن مو به جای چیدن در عمره تمتّع

۹۰۰- اگر کسـی در عمره تمتع، به جای چیـدن مو، به کنـدن اکتفا کنـد و حـج را انجام دهد، هر چند با عمل مزبور از احرام خارج

شده است؛ ولی چنانچه حج او واجب بوده، احتیاط آن است که عمره مفرده‌ای بجا آورد و حج را در سال بعد اعاده نماید.

نیّت تقصیر

۹۰۱- تقصیر از عبادات است و باید با نیت پاک و خالص، برای اطاعت خداوند تبارک و تعالی به‌جا آورده شود و غیر از آن قصدی در بین نباشد.

۹۰۲- اگر در تقصیر ریا کند، بدون تدارک، عمره‌اش باطل است؛ و اگر کسی بدون تدارک آن، برای حج محرم شود و حج انجام دهد، حکم کسی را دارد که بدون تقصیر، وارد اعمال حج شده است و باید در سال بعد، حج بجا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: کندن مو به جای تقصیر کافی نیست، اگر با علم و عمد انجام شود کفّاره دارد ولی اگر ازروی جهل به مسأله ترک تقصیر کرده عمره او باطل است و حج او به صورت افراد واقع شده است و اگر حج بر او واجب بوده احتیاط واجب آن است که عمره مفرده را بعد از اعمال حج به جا آورد ودر سال بعد عمره تمتع و حج را انجام دهد.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: حجش مبدل به افراد می‌شود و لازم است بعد از حج عمره مفرده بجا آورد و احتیاط این است که سال دیگر حج را اعاده نماید. (مناسک، مسأله ۳۵۸ ومعتمد العروه، ج ۵، ص ۱۱۵). و آیهٔ اللّه صافی و آیهٔ اللّه گلپایگانی اضافه می‌فرمایند که: احتیاط لازم آن است که سال بعد حج تمتع به جا آورد. (آداب حج، م ۷۰۳)

آیهٔ اللّه سیستانی: ظاهراً حج او منقلب به افراد می‌شود و پس از آن باید در صورت تمکّن عمره مفرده بجا آورد و احتیاط مستحب آن است که حج را در سال دیگر اعاده کند. (ملحق مناسک، سؤال ۲۹۲).

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که در حج واجب یا غیر آن عمره مفرده را انجام دهد.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: اعاده عمره و حج لازم نیست.

آیهٔ اللّه مکارم: اعاده عمره و حج تمتّع لازم نیست.

(۳)- آیهٔ اللّه سیستانی: حکم آن در مسأله ۹۰۷ آمده است.

آیهٔ اللّه مکارم: اگر از روی عمد و یا جهل به مسأله بوده، حج او مبدل به افراد شده و احتیاطاً بعد از حج عمره مفرده بجا می‌آورد و حج او صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۵

آنچه با تقصیر حلال می‌شود

۹۰۳- بعد از تقصیر در عمره تمتع، همه محرّمات احرام غیر از تراشیدن سر، حلال می‌شود.

حکم تقصیر افرادی که اعمال را مقدم می‌کنند

۹۰۴- کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمایند، مُحلّ نمی‌شوند؛ و اگر جاهل یا ساهی بوده‌اند، کفّاره ندارد.

تقصیر برای دیگری

۹۰۵- آیا محرم قبل از آن که خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود می‌تواند، برای دیگری تقصیر کند؟

حکم ایمان در تقصیر برای دیگری

۹۰۶- در صحت تقصیر برای دیگری، ایمان شرط نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: تراشیدن سر محلّ اشکال است و احوط ترک آن است.

آیهٔ اللَّه بهجت: ظاهر عدم حرمت احرامی آن است و حرمت به جهت منافات با وجوب توفیر محلّ تأمّل است (مناسک شیخ، ص ۵۵).

آیهٔ اللَّه سیستانی: سرتراشیدن نیز حلال می‌شود. اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب این است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد یک قربانی کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۶).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: به احتیاط واجب تراشیدن سر جایز نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: تراشیدن سر بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع مانعی ندارد.

(۲). آیهٔ اللَّه گلپایگانی: این کار عمداً جایز نیست و اگر جهلًا این کار را کرد تقصیر برای شخص تقصیر شده کافی است و بر تقصیر کننده کفّاره نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: نمی‌تواند.

آیهٔ اللَّه بهجت: محرم می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد، ولی نمی‌تواند ازاله موی او نماید هر چند تقصیر صحیح است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: نمی‌تواند موی شخص دیگر را بچیند ولی گرفتن ناخن شخص دیگر مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: جایز نیست موی دیگری را بچیند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: برای محرم جایز نیست که موی خود یا دیگری را از بدن جدا نماید ولی بعید نیست که ناخن دیگری را گرفتن برای محرم جایز باشد هرچند احتیاط در ترک است.

آیهٔ اللَّه صافی: جایز نیست.

آیهٔ اللَّه نوری: می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد ولی نمی‌تواند موی دیگری را حلق یا تقصیر کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۶

فصل دوم: احکام شک و خلل در تقصیر

ترک عمدی تقصیر

۹۰۷- اگر کسی عمداً تقصیر را تا احرام بستن به حج، ترک کند، بنابر اقوی عمره او باطل، است؛ و ظاهراً حج او، به افراد مبدّل می‌شود؛ و بنابر احتیاط واجب، باید بعد از اتمامِ حجِ افراد، عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

ترک سهوی تقصیر

۹۰۸- اگر کسی تقصیر را تا بعد از احرام حج، فراموش کند، عمره‌اش صحیح است و فدیه یک گوسفند، مستحب است؛ و احتیاط

در فدیه است.

ترک جهلی تقصیر

۹۰۹- ترک تقصیر از روی جهل، حکم عمد را دارد.

تقصیر با طواف و سعی باطل

۹۱۰- اگر کسی طواف، یا سعی، یا نماز طواف او در عمره، باطل شده باشد و بدون توجه به آن، تقصیر نموده و بعد متوجه بطلان عمل مزبور شده، باید عمل باطل شده را جبران کند، و

---

(۱)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: لازم است بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: در صورت تمکن، بعد از حج افراد باید عمره مفرده بجا آورد. به احتیاط واجب حج را در سال دیگر نیز اعاده کند. (مناسک، مسأله ۳۵۴).
(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: بجاآوردن حج در سال بعد احتیاط مستحبّ است.
(۳)- آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند فدیه بدهد.
آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بنابر احتیاط یک گوسفند بدهد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۷
ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفّاره ندارد.

ترک تقصیر در عمره مفرده

۹۱۱- اگر تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان، در عمره مفرده ترک نماید و طواف نساء را انجام دهد، باید تقصیر کند و طواف نساء را اعاده نماید؛ و بنابر احتیاط، فرقی بین عمد و سهو و علم و جهل نیست.

اتیان تقصیر فراموش شده

۹۱۲- اگر تقصیر عمره مفرده را تا بازگشت به وطن، فراموش کند، همان جا می‌تواند تقصیر کند، ولی باید طواف نساء را اعاده کند؛ و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

تقصیر در اثنای سعی

۹۱۳- اگر کسی در اثنای سعی، عمداً تقصیر نماید، باید سعی را تمام نماید و تقصیر را اعاده کند؛ ولی اگر این کار از روی نسیان یا جهل باشد، اعاده تقصیر لازم نیست؛ و اگر از

---

(۱)- آیهٔاللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در مورد بطلان طواف و سعی از احرام خارج نشده است. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۵۸).

(۲)- به مسأله ۵۸۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر طواف یا سعی باطل بوده است، باید عمل را با رعایت ترتیب جبران کند و تقصیر نماید و از تروک احرام قبل از آن اجتناب کند و پوشیدن لباس چون عمدی نبوده است کفّاره ندارد و اگر فقط نماز طواف باطل بوده است فقط آن را انجام دهد و لازم نیست لباس احرام بپوشد.

(۳)- آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۴)- مسأله بعد ملاحظه شود.

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: اکنون که قبل از تقصیر متذکّر شده است، تقصیر می‌کند و طواف نساء را بعد از آن اعاده می‌نماید، بنابر احوط و مقدّم شدن طواف نساء بر تقصیر در عمره مفرده در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل مجزی است (مناسک شیخ، س ۱۱۸ و ۱۶۶).

آیهٔ اللّه تبریزی: احتیاط واجب در صورت امکان تقصیر در مکه است.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۶)- آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند. (و در مورد کفّاره به آنچه در ذیل مسأله ۸۹۵ ذکر شدمراجعه شود).

آیهٔ اللّه خویی: تقصیر را اعاده کند و اگر به اعتقاد فراغ از سعی بوده، در عمره تمتع باید یک گاو کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاطاً تقصیر را اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۸

اولِ سعی، قصد هفت شوط نداشته است، باید سعی را اعاده کند.

حکم تقصیر بعد از نماز طواف

۹۱۴- اگر شخصی جهلًا یا سهواً بعد از طواف و نماز طواف، تقصیر کند و سعی را بجاآورد و دوباره تقصیر نماید، چیزی بر او نیست.

شک در صحت تقصیر

۹۱۵- اگر کسی بعد از تقصیر، در صحت آن شک کند، اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، به شک خود اعتنا نکند.

پیدا بودن مو هنگام تقصیر بانوان

۹۱۶- گاهی مشاهده می‌شود بانوان در عمره، پس از سعی، بر مروه، برای تقصیر، موی خود را می‌چینند، و بدین سبب موهای آنها ظاهر می‌شود و نامحرم می‌بیند، حکم آن چیست؟

---

(۱)- آیهٔ اللّه فاضل: اگر عمداً تقصیر نموده، باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده نماید، ولی از روی جهل و نسیان، احوط اعاده تقصیر است.

آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت نسیان و جهل نیز، باید تقصیر را اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: اعاده تقصیر در هر صورت لازم است و اگر تقصیر از روی فراموشی بقیه اشواط سعی باشد باید به احتیاط واجب

تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط اعاده تقصیر است و در هر حال کفّاره ندارد.

(۲)- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در عمره تمتع سعی را فراموش کند و پس از نماز طواف تقصیر کند، بنابر احتیاط یک گاو کفّاره بدهد و در غیر این صورت چیزی بر او نیست.

(۳)- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی: در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند.

آیهٔ اللّه سیستانی: به هر حال اشکال ندارد.

(۴). آیهٔ اللّه فاضل: لازم است موهای خود را حفظ کند تا نامحرم نبیند لیکن در صحت تقصیر و ترتّب آثار آن اشکالی وجود ندارد.

آیهٔ اللّه بهجت: باید موی خود را از نامحرم بپوشانند هر چند تقصیر صحیح است.

آیهٔ اللّه تبریزی: در تقصیر لازم نیست از همه موها گرفته شود بلکه چیدن یک مو هم کافی است و چیدن مو هم لازم نیست و ناخن گرفتن هم کفایت می‌کند و با آن محرم از احرام خارج می‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: معصیت کرده است ولی به عمره و تقصیر او ضرر نمی‌رسد.

آیهٔ اللّه سیستانی: ضرر به تقصیر آنها نمی‌رساند ولی عموماً ستر مو برای زن واجب است.

آیهٔ اللّه صافی: لازم نیست در مروه تقصیر کنند بلکه اگر با این که می‌دانند نامحرم می‌بیند در آنجا تقصیر کنند معصیت است و می‌توانند در منزل تقصیر کنند و برای مردان نیز تقصیر در منزل بلا اشکال است.

آیهٔ اللّه نوری: لازم است که زنها موی سر خود را از نامحرم بپوشانند ولی در صورت عدم مبالاهٔ تقصیر آنها کفایت می‌کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۶۹

حکم کفّاره با بطلان تقصیر

۹۱۷- اگر کسی بعد از تقصیرِ باطل، محرّمات احرام را با جهل بجا آورد، کفّاره ندارد مگر در صید.

---

(۱)- به مسأله ۳۳۵ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه بهجت: بطلان از جهت جهل به حکم نباشد کفّاره ندارد. (مستفاد از س ۸۵ مناسک).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۰

فصل سوم: احکام زمان فاصل بین تقصیر و حج

۱- انجام عمره مفرده

۹۱۸- انجام عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج تمتع، جایز نیست و صحت چنین عمره‌ای، محل اشکال است، ولی به صحت عمره تمتع و حج، ضرر نمی‌زند.

۲- خروج از مکه بعد از عمره تمتع

اشاره

۹۱۹- بعد از عمره تمتع- بنابر احتیاط واجب - خروج از مکه، جایز نیست، مگر برای

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: محتمل است اشکال نداشته باشد (اشکال ندارد).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط.

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی: عمره مفرده بین عمره تمتع و حج تمتع مشروع نیست مگر این که از حرم‌خارج شود و در ماه دیگر غیر از ماهی که محرم برای عمره تمتع شده با احرام عمره مفرده داخل مکه شود که در این صورت عمره مفرده او صحیح است و عمره تمتع او تبدیل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: فقط فرموده‌اند که بجا آوردن عمره مفرده بین عمره تمتّع و حج تمتع جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بین عمره تمتع و حج، عمره مفرده بجا آورد، ظاهر این است که موجب بطلان عمره تمتّع خواهد شد و لازم است که آن را اعاده نماید. ولی اگر تا روز هشتم ذی‌حجّه در مکّه بماند و قصد حجّ کند عمره مفرده‌اش تمتّع به حساب می‌آید و می‌تواند برای حجّ محرم شود. (مناسک، مسأله ۱۳۷).

آیهٔ اللَّه فاضل: این در صورتی است که عمره مفرده را در همان ماهی که عمره تمتّع انجام داده بجا آورده شود، امّا اگر در ماه دیگر انجام داده، عمره تمتّع او باطل شده و اگر تا هشتم ذی‌حجّه در مکّه بماند این عمره مفرده عمره تمتّع محسوب می‌شود و حجّ تمتّع او با همین عمره صحیح خواهد بود.

(۳). احکام مربوط به لزوم و عدم لزوم تجدید احرام در فرض خروج، در بحث عمره مفرده گذشت.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: خروج از مکّه بعد از عمره تمتّع جایز نیست برای کسی که اگر خارج شود فوت می‌شودحج در آن سال، و اگر بعد از عمره (بدون احرام بستن برای حج) از مکّه و حرم و میقات خارج شد و عود نمود در غیر ماه احرام اوّلی پس محتاج به احرام عمره است و عمره ثانیه را عمره تمتّع قرار می‌دهد و احتیاج اوّلی به طواف نساء موافق احتیاط است و اگر عود کرد قبل از فصل ماه، مانعی از اکتفا به همان عمره برای حج تمتّع نیست و حکم فصل بین دو عمره و احرام برای دخول مکّه در مسأله ۲۰۳ و ۲۳۵ و ۱۸۴ گذشت. (مناسک شیخ، ص ۸۹ و ۹۰ و ۵۷).

آیهٔ اللَّه خویی: بلکه جایز نیست و این حکم در اثنای عمره تمتع هم هست. (مناسک، مسأله ۱۵۲).

آیهٔ اللَّه نوری: کسی که از عمره تمتّع خارج شد، اگر اطمینان داشته باشد که می‌تواند به مکّه برگردد و برای اعمال حجّ محرم شود می‌تواند از مکّه خارج شود و اگر بدون این اطمینان نیز خارج شد ولی برگشت و احرام بست و حج بجاآورد عملش صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۱

حاجت؛ که در این صورت، بنابر احتیاط واجب، جهت خروج، باید برای حج محرم شود و با همان احرام، برای اعمال حج برگردد.

خروج بدون حاجت

۹۲۰- کسی که بدون حاجت و بدون احرام از مکه خارج شده، اگر بازگردد و محرم شود و حج به‌جا آورد، حج او صحیح است.

(۱)- آیات عظام: تبریزی، خویی و مکارم: واجب است محرم شود به احرام حج ...

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای، آیهٔ اللّٰه فاضل: به حاشیه مسأله ۲۰۰ مراجعه شود.

آیـهٔ اللّٰه سیستانی: اگر حاجتی هر چنـد غیر ضروری پیش آمـد، اگر خوف فوت اعمال حـج نباشـد می‌توانـد خارج شود و در این صورت اگر بدانـد که می‌توانـد برگردد و محرم شود برای حـج مانعی نـدارد که بدون احرام خارج شود و اگر نمی‌داند، باید احرام حج را ببندد و برود و در این صورت لازم نیست به مکه بازگردد بلکه می‌تواند از همانجا به عرفات برود.

(۲)- آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: و اگر با احرام بودن، برای شخص حرجی باشد، بدون احرام نیز می‌تواند خارج شود.

آیـهٔ اللّٰه مکـارم: برای خـدمه کاروانهـا نیز جایز است برای انجام کارهای لازم به جـدّه و ماننـد آن برونـد و اگر محرم شـدن موجب مشقت است می‌توانند آن را ترک کنند.

(۳)- آیـهٔ اللّٰه خویی: اگر از میقاتها گـذشت و در ماهی که عمره را انجام داده بوده برنگشـته باشد، اعاده عمره لازم است، ولی اگر قبل از گذشت ماهی که عمره را انجام داده باشد اعاده عمره لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در ماه بعد وارد شود و دوباره نخواهد بیرون برود و در ماه بعد از آن وارد شود، باید با عمره تمتع وارد شود و اگر بـاز هم بخواهـد خارج شود و در ماه بعـد وارد شود، بایـد با عمره مفرده وارد شود؛ ماننـد این که در ماه شوال عمره تمتع انجام داده و خـارج شـده و در مـاه ذیقعـده وارد شـده و بـاز هم می‌خواهـد خـارج شود و مـاه ذیحجه وارد شود در این صورت عمره مـاه ذیقعده او باید عمره مفرده باشد.

آیـهٔ اللّٰه فاضل: مگر آن‌که در ماه بعـد وارد مکه شود، که در این صورت باید مجدّداً عمره تمتع بجا آورد و بعد محرم به احرام حج تمتع بشود و عمره اول فاسد شده است، و اگر مجدداً محرم نشود حج تمتّع او نیز باطل می‌شود.

آیـهٔ اللّٰه مکارم: اگر در همان ماه قمری برگردد چیزی بر او نیست ولی اگر در ماه بعد برگردد و از میقات هم گذشـته باشد (مثلًا در ذی القعـده به مدینه رفت و در ذی‌حجه برگشت) باید دوباره محرم شود وعمره بجاآورد وهمان عمره تمتع او حساب می‌شود وبرای عمره‌سابق‌احتیاطاً طواف‌نساء بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۲

خروج بدون احرام از مکه و گذر از میقات

۹۲۱- اگر کسـی بعد از عمره تمتع عمداً یا اضطراراً، بدون احرام به مدینه رفته و به قصد مکه از میقات می‌گذرد، وظیفه او نسبت به احرام در میقات یا گذشتن از آن بدون احرام چیست؟ ۹۲۲- خدمه کاروان و امثال ایشان - بنابر احتیاط واجب - نمی‌توانند از مکه خارج بشوند

---

(۱). آیـهٔ‌اللّٰه بهجت: اگر عود نمود در غیر مـاه احرام اوّلی پس محتـاج به احرام عمره است و عمره دوّم را عمره تمتّع قرار می‌دهـد و احتیاج عمره اوّل به طواف نساء موافق احتیاط است چنانچه گذشت در سؤال ۴۶.

آیهٔ عظام خامنه‌ای و تبریزی: اگر در همان ماه هلالی که برای عمره تمتع احرام بسته برگردد نیاز به احرام جدید نیست و اگر در ماه دیگر برگردد، باید بار دیگر محرم به عمره تمتع بشود، واللّٰه العالم.

آیـهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در همـان ماه برگردد احرام لازم نیست و اگر در ماهِ بعـد باشـد، پس اگر دوباره نخواهـد خارج شود تا زمان حج باید به قصد عمره تمتع محرم شود و اگر دوباره قصد خروج و بازگشت در ماه بعد دارد باید به قصد عمره مفرده محرم شود.

آیـهٔ اللّٰه صافی: در فرض سؤال، اگر در همان ماهی که محرم به عمره تمتع شده و عمره را انجام داده، از مکه بیرون رفته و در همان

ماه برگشته، احرام لازم نیست و اگر یک ماه فاصله شده باید مجدّداً جهت عمره تمتع محرم شود و عمره اوّلی مفرده می‌شود، و اگر یک ماه فاصله نشده ولی در غیر ماهی که محرم به عمره تمتع شده بوده دوباره به مکه وارد می‌شود، احتیاطاً جهت عمره تمتّع دوباره محرم شود، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگردر همان ماهی‌که عمره تمتّع انجام‌داده‌است بخواهد برگردد دیگر لازم نیست محرم شود و حج تمتع او به همان صورت صحیح است. اما اگر در ماه بعد بخواهد وارد مکه شود محرم به احرام عمره تمتّع شود و عمره اولیه فاسد می‌شود و طواف نساء هم لازم نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه در همان ماه قمری که محرم شده برگردد، احرام دیگر لازم نیست.

(۲)- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و مکارم: جهت حکم این مسأله به ذیل مسأله ۲۰۰ و ۲۰۱ مراجعه شود.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بلکه جایز نیست مگر در مورد حاجت. (مناسک‌عربی، مسأله ۱۵۱).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۳

مگر در مورد ضرورت و با احرام برای حج؛ ولی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به بیرون مکه- مانند عرفات و منی- بر آنان ضرورت دارد، می‌توانند بدون احرام به آنجا بروند.

احرام برای عمره تمتّع با احتمال خروج از مکه

۹۲۳- شخصی که کارمند سازمان حج و زیارت است وبه علّت مأموریت شغلی ممکن است از مکّه خارج شود؛ مثلًا به مدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت احرام در میقات می‌تواند به نیت عمره تمتّع محرم شود؟

گونه‌های مختلف خروج از مکه

۹۲۴- خروج از شهر مکه و منی و رفتن به جده، مدینه یا طائف در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف: پس از اعمال روز عید قربان پیش از اعمال مکّه؛

ب: در روز یازدهم پس از رمی جمرات؛

ج: پس از بیتوته نیمه اوّل شب یازدهم یا دوازدهم؛

د: پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکّه.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه نوری: به ذیل مسأله ۹۱۹ مراجعه شود.

(۲). آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و صافی: بلی می‌تواند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر از مکه بخواهد خارج شود احکام خروج از مکه را باید رعایت نماید، واللَّه العالم.

آیهٔ‌اللَّه سیستانی: می‌تواند بلکه اگر قصد خروج ندارد باید نیّت تمتّع کند و خارج شدن برای کاری، هر چند غیر ضروری، اشکال ندارد در صورتی که مطمئن باشد حج را درک می‌کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: بلی می‌تواند و خروج از مکه در صورتی که اطمینان به رسیدن برای اعمال حج را دارد جایز است.

آیـهٔاللّه مکارم: می‌تواننـد برای عمره تمتع احرام ببندنـد حتی در صورتی که یقین داشـته باشـند که به خاطر الزامهای شـغلی، بعـد از پایان عمره تمتع از مکه خارج می‌شوند، مشروط بر این که برای انجام حج به موقع بر گردند.

(۳). آیت اللّه خامنه‌ای: در همه صور یاد شـده بی‌اشـکال است. ولی بایـد خروج به نحوی باشـد که بتوانـد مناسک باقی‌مانـده را در وقت خودش انجام دهد.

آیت اللّه تبریزی: خارج شدن از مکه و توابع آن، قبل از اعمال مکه و تمام کردن آن جایز نیست.

آیت اللّه سیستانی: اشکال نـدارد مگر این‌که در ماه ذی قعـده محرم به احرام عمره تمتع شده بود که در این صورت برای بر گشـت باید محرم به عمره مفرده شده و داخل مکه بشود.

آیت اللّه صافی: در هیچ یک از موارد مذکور جایز نیست.

آیت اللّه فاضل: احتیاط واجب است که تا اعمال حج تمام نشـده از مکه و منا خارج نشود مگر این‌که اطمینان داشته باشد که برای اتمام اعمال بر می گردد.

آیت اللّه مکارم: احتیاط آن است تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۴

خروج از مکه و عدم خروج از حرم

۹۲۵- کسی که در ماه ذی‌القعده عمره تمتع به‌جا می‌آورد و در ماه ذی‌الحجه به منی می‌آید (با فرض این‌که منی خارج مکه است)، یـا به جـای دیگری خـارج از مکه می‌رود، ولی از حرم خـارج نمی‌شود، آیا برای بازگشت به مکه بایـد محرم شود؟ اگر بایـد محرم شود، از کجا بایـد محرم شود؟ باید به یکی از مواقیت عمره تمتع یا ادنی‌الحل برود؟ و ثانیاً به چه نیتی محرم شود؟ عمره تمتع؟ عمره مفرده؟ عمره مافی‌الذمهٔ؟

اجبار به خروج از حرم

۹۲۶- محـل توزیع گوشت در مکه مکرّمه، حـدود یـک کیلومتر بعـد از مسـجد تنعیم قرار دارد، بـا توجه به این که عوامل خـدماتی مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان، به آن محل تردّد کنند، آیا به

(۱). آیت اللّه خامنه‌ای: اگر از حدود حرم خارج نشده تجدید احرام و عمره در فرض سؤال لازم نیست، و اگر خواست دوباره عمره بجا آورد، در فرض سؤال باید عمره تمتع بجا آورد، و برای آن باید از یکی از مواقیت عمره تمتّع محرم شود.

آیت اللّه تبریزی: اگر فقط خارج از مکه شـد واز حرم خارج نشـد مرتکب خلاف شـده ولی تجدید احرام لازم نیست و اگر از حرم خـارج شـد در صورت بر گشت در مـاهی غیر از مـاهی که احرام اول را بسـته بود بایـد به نیت عمره تمتّع از میقات عمره تمتع محرم شود و احتیاطاً طواف نساء برای عمره سابقه انجام دهد.

آیت اللّه گلپایگانی: شـخص مـذکور نبایـد قبل از احرام حج از مکه خارج شود و بر فرض خروج عصـیاناً باید به مکه بر گردد و در مکه برای حج محرم شود.

آیت اللّه سیستانی: باید محرم شود و می‌تواند از ادنی الحل برای عمره مفرده محرم شود و اگر بعد از آن از مکه خارج نشود و وقت

حج برسد عمره او بدل به تمتع می‌شود.

آیت اللَّه مکارم: احرام مجدد لازم نیست.

آیت اللَّه فاضل: در فرض سؤال اگر از مکه خارج شد- ولو از حرم خارج نشده است- باید برای بر گشت، مجدداً محرم بشود وعمره تمتّع او باطل شـده است لـذا اگر بخواهـد حـج تمتع بجا آورد باید از مواقیت عمره تمتّع به نیت عمره تمتّع محرم بشود واگر بخواهد عمره مفرده انجام دهد، احرام از ادنی الحل کفایت می کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۵

عمره تمتّع آنهـا یا حجّ واجب خودشان اشـکالی وارد می‌شود؟ به علاوه حکم مسأله در خصوص کسانی که حـج مستحبی یا نیابی بجا می‌آورند چگونه است؟

نحوه تعیین حدّ مکه و حکم غار حرا

۹۲۷- در مورد محدوده مکه و این که مثلًا غار حرا از مکه است یا نه، میزان تحقیق از اهل محل است.

جواز خروج از مکه بعد از انجام اعمال منی

۹۲۸- بعد از انجام اعمال منی و قبل از انجام اعمال مکه، خروج از مکه مانع ندارد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه فاضل: در فرض سوال که از مکه خارج نمی‌شوند، مطلقا مانعی ندارد.

آیـهٔ اللَّه تـبریزی: خروج متمتّع تـا جـایی که از اطراف و توابع نزدیـک مکّه محسوب شود جـایز است و فرقی بین حـجّ واجب و غیر واجب و نایب و غیر نایب نمی‌باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: بعد از انجام عمره تمتّع می‌تواند به اینگونه مناطق رفت و آمد کند و در عمره مفرده هر گاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجـام داده است خارج شود و بازگردد تکرار عمره لازم نیست، امّا اگر در ماه بعـد برگردد بایـد از همان مسـجد تنعیم محرم شود و عمره بجای آورد.

آیـهٔ اللَّه صافی: در مورد سؤال، چنانچه محلّ مـذکور از توابع مکّه مکرّمه محسوب باشد تردّد اشکال ندارد و اگر از توابع محسوب نشود بایـد محرماً به احرام حج، خارج شود ولی اگر خروج با احرام حرجی باشد می‌تواند بدون احرام برود و در هر حال ضـرری به عمره یا حج نمی‌زند و در این احکام تفاوتی بین اقسام حجّ (مستحبی یا نیابی یا غیر اینها) نیست. بلی اگر با اجیر در حجّ شرط کرده باشـند که بعـد از عمره و قبـل از حـجّ از مکه خارج نشود و یا این که نفس استیجار ولو با قرائن انصـراف به آن داشـته باشـد و اجیر خارج شده باشد باید رضایت اجیر کننده را نسبت به اجرت حاصل نماید.

آیهٔ اللَّه نوری: چون از اطراف و توابع مکّه محسوب می‌شود اشکال ندارد و در همه صور مذکوره در فوق جایز است.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: رفتن به غار حِرا و امثال آن از مناطق نزدیک ضرری ندارد، خواه جزو مکه باشد یا نه.

آیهٔ اللَّه خویی: خارج شدن به اطراف و توابع مکّه مانع ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۱۵۳).

آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب نباید خارج شود این احتیاط شامل غار حِرا نیز می‌شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: با توجّه به توسعه شهر مکّه، رفتن به اطراف آن تا جایی که صدق کند از مکّه است مانعی ندارد.

(۳)- آیات عظام بهجت، تبریزی و فاضل: بنابر احتیاط واجب خارج نشود.

آیات عظام: خویی، صافی و گلپایگانی: جایز نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۶

۳- تراشیدن سر و صورت

ماشین کردن سر بین عمره تمتع و حج

۹۲۹- بین عمره تمتع و حج تمتع، ماشین کردن سر مانع ندارد، ولی نباید حلق کند؛ و از ماشین کردنی که مثل حلق است، باید- بنابر احتیاط- اجتناب شود. ۹۳۰- بین عمره تمتع و حج تمتع هر چند حلق جائز نیست، ولی کفّاره ثابت نیست.

حکم تراشیدن صورت بعد از عمره تمتع

۹۳۱- تراشیدن صورت بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج، غیر از حکم تراشیدن ریش، حکم خاصی ندارد.

خروج از مکه برای نایب

۹۳۲- بعد از عمره تمتع و قبل از حج، خروج از مکه، ضرر به حج و نیابت نمی‌زند، ولی در صورت امکان، باید- علی الأحوط- با احرام حج از مکه خارج شود.

---

(۱)- آیة اللَّه فاضل: سرتراشیدن نیز مانعی ندارد.

(۲)- آیة اللَّه بهجت، به ذیل مسأله ۹۰۳ مراجعه شود.

(۳)- آیة اللَّه سیستانی: بنا بر اظهر سرتراشیدن حلال است، اگر چه احوط ترک آن است، پس از گذشت سی روز از عید فطر. (مناسک، مسأله ۳۵۶).

(۴)- آیة اللَّه بهجت: به مسأله ۹۰۳ مراجعه شود.

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود، تراشیدن سر تا ۳۰ روز بعد از عید فطر جایز است و اما بعد از آن، بنابر احتیاط نباید تراشیده شود و در صورت تراشیدن اگر از روی علم و عمد باشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفّاره دارد.

آیة اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب ترک آن است پس از گذشت سی روز از عید فطر و احتیاط مستحب آن است که در صورت انجام آن از روی علم و عمد، یک قربانی کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۵۶).

آیة اللَّه صافی: باید یک گوسفند کفّاره بدهد بنابر احتیاط، هر چند جاهل یا ناسی باشد.

آیة اللَّه گلپایگانی: باید یک گوسفند کفّاره بدهد بنابر احتیاط، هرچند جاهل یا ناسی باشد. (مناسک فارسی، ص ۹۷ مسأله ۱۳۳) ولی در مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵ مسأله ۴۳ می‌فرماید: در صورت علم به مسأله یک گوسفند کفّاره دارد و در صورت جهل و

نسیان کفّاره ندارد.
آیة اللَّه مکارم: کفّاره آن یک گوسفند است بنابر احتیاط.
(۵)- آیة اللَّه بهجت: به مسأله ۲۰۰ و ۲۰۱ مراجعه شود.
آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل: به حاشیه مسأله ۲۰۰ مراجعه شود.
آیة اللَّه مکارم: اگر احرام برای آنها موجب عسر و حرج است لازم نیست.
آیة اللَّه نوری: اگر مطمئن است که به اعمال حج در موقع خود می‌رسد می‌تواند بدون احرام از مکه خارج شود و برگردد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۷

۴- عجز از انجام دادن حج بعد از عمره

حصول مرض بعد از عمره تمتع

۹۳۳- اگر حج‌گزار بعد از انجام عمره تمتع، مریض شود و نتواند اعمال حج را بجا آورد و به وطن باز گردد، چنانچه سال اوّل استطاعت او بوده، وجوب حج در سال بعد، به دارا بودن استطاعت در آن زمان، بستگی دارد؛ ولی اگر حج بر او مستقر باشد، چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد، باید در همان سال با امکان، یا سال بعد، نایب بگیرد؛ و اگر امید بهبودی داشته باشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و باید خودش بعد از بهبودی، حج و عمره تمتع را انجام دهد.
۹۳۴- اگر حج‌گزار پس از انجام عمره تمتع مریض شود وبه تشخیص پزشکان باید به وطن برگردد ونمی‌تواند اعمال حج بجا آورد، یا وقت وقوف گذشته و او را محرم نکرده‌اند، یا محرم

---

(۱). آیة اللَّه بهجت: برای حکم استنابه، به مسأله ۸۶ مراجعه شود. و عمره او مفرده می‌شود و احتیاطاً بایدطواف نساء به‌جا آورد (مستفاد از سؤال ۱۳۶ مناسک).
آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: مگر آن‌که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند، پس بنابر احتیاط باید نایب بگیرد.
آیة اللَّه خویی: مگر آن‌که ثروتمند باشد و مباشرت اعمال را نتواند بکند یا برای او مشقت داشته باشد و امید به بهبودی نداشته باشد که در این صورت باید برای حج نایب بگیرد. و وجوب نایب گرفتن مانند وجوب حج فوری است. (مناسک، مسأله ۶۳ و قبل از مسأله ۱۵۱).
آیة اللَّه سیستانی: اگر از انجام حج متمکن نبوده، وظیفه او بنابر احتیاط واجب این بوده است که عمره تمتع را بدل به عمره مفرده کند و طواف نساء را انجام دهد، و اکنون اگر بازگشت برای او مقدور نیست‌احتیاطاً بایدبرای طواف نساء نایب بگیرد. (مناسک، ذیل مسأله ۱۵۱ و ملحق مناسک، س ۹۲).
(۲). آیة اللَّه فاضل: و اگر نشد سال بعد.
(۳). آیة اللَّه مکارم: در همان سال و اگر ممکن نشد در سال‌های بعد.
(۴). آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط در این صورت هم نایب بگیرد و اگر بعداً رفع عذر شد و دارای شرایط بود احتیاطاً خودش نیز حج را انجام دهد. (مناسک عربی، ص ۳۲، مسأله ۹۰).
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۸

کرده‌اند ولی برای وقوف نبرده‌اند، تکلیف چیست؟

---

(۱). آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: در فرضـی که بعـد از عمره تمتع به احرام حـج محرم نشـده، به هر دلیلی که باشـد جهت مرض یا تنگی وقت تکلیفی ندارد ولی در صورتی که به احرام حج محرم شده، حکم محصور دارد.

آیـهٔ اللَّه تـبریزی: اگر بتوانـد محرم به حـج بشـود و وقوف را ولو به انـدازه‌ای که صـحت حـج وی بر آن متوقف است؛ مثـل ادراک لحظه‌ای از وقوف مشعر ولو اضطراری آن، درک کند باید این کار را انجام دهد و برای اعمالی که عاجز از مباشرت است چنانچه ممکن است ماننـد طواف و سـعی او را طواف و سـعی دهنـد انجام دهنـد و اگر آن را هم نتوانـد نایب بگیرد. و اگر نتواند وقوف را درک کنـد چنانچه محرم برای حـج نشده به احتیاط واجب عمره تمتّع را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء را بجا آورد یا او را در صورت عجز طواف دهنـد و اگر ممکن نیست در آن طواف نـایب بگیرد و اگر محرم برای حـج شـده چنانچه متمکّن از دخول مکه نباشـد قربانی به منی فرسـتاده و وقتی معین می‌کنـد برای ذبـح آن و پس از آن تقصیر می‌کند و همه چیز بر او حلال می‌شود و اگر متمکن از دخول مکه باشـد حجش مبـدل به عمره مفرده می‌شود و برای اعمـال عمره مفرده نـایب می‌گیرد و پس از طواف و سـعی نایب، تقصیر می‌کنـد سپس نایب طواف نساء بجامی‌آورد و نیز اگر احرام حـج بسـته و می‌توانسـته وقوف را درک کند ولی درک نکرده حجش مبدل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: اگر محرم نشده باشد و فرض بر این باشد که نمی‌تواند وقوفین را به مقداری که حج به کمتر از آن صحیح نیست درک کنـد و برای بقیه اعمـال نایب بگیرد به احتیاط واجب عمره او بَدَل به عمره مفرده می‌شود پس طواف نساء انجام دهـد ولو به نیابت اگر نتوان او را طواف داد و مُحِلّ می‌شود و اگر احرام حـجّ بسته است و نمی‌توانـد وقوفین را درک کنـد باید قربانی یا قیمتِ آن را به کسـی بدهـد که در منا در روز عید ذبح کند و او پس از وقت مُعیّن که با او توافق می‌کند حلق یا تقصیر کند و مُحلّ شود ولی تـا طواف و سـعی در حجّی یـا عُمره‌ای دیگر انجام ندهـد زن بر او حلال نمی‌شود ولی اگر با فرض امکان درک وقوفین ولو به اقلّ واجب از روی جَهل به مسأله یا هر عـذری دیگر درک نکرد، حـج او باطل است و باید با آن احرام عمره مفرده‌ای انجام دهد تا محلّ شود.

آیهٔ اللَّه صافی: در فرض سؤال، اگر برای حجّ محرم نشده فعلًا تکلیفی ندارد و طواف نساء و نماز آن را بنابر احتیاط خود و یا نائبش بجـا آورد و اگر برای حـجّ تمتّع محرم شـده و نتوانسـته وقوفین را درک کنـد بایـد بـا اعمـال عمره مفرده از احرام خـارج شود و در صورت عدم تمکّن نایب بگیرد و در هر دو فرض مسأله، چنانچه حج بر او مستقرّ بوده یا استطاعت باقی باشد در سال بعد باید حج را انجام دهد.

آیهٔاللَّه فاضل: اگر محرم نشده است فعلًا وظیفه‌ای ندارد ولی اگر در سال‌های بعد استطاعت او باقی بود، باید حجهٔالاسلام انجام دهد و اگر محرم شده است و امکان اتمام حج نباشد احکام محصور را دارد.

آیـهٔ اللَّه مکارم: اگر سال اوّل استطاعت اوست، حـج از او ساقط است مگر این که استطاعت برای سالهای بعد باقی بماند و اگر قبلًا حـج بر او مستقر شـده و مأیوس از خوب شـدن است، نایب می‌گیرد تا حـج را از طرف او بجا آورد و اگر امید بهبودی می‌رود، هر زمان بهبودی پیدا کرد خودش حج تمتع را در سالهای آینده بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۷۹

کسی که بعد از عمره تمتع نمی‌تواند حج بجا آورد

۹۳۵- شخصـی بعـد از عمره تمتّع، نمی‌توانـد حـج تمتع بجا آورد، مثلًا برای خـدمت به حجاج از سوی سازمان حج و زیارت به حج آمده و اکنون سازمان مذکور او را مأمور کرده که در ایام تشریق در مکه بماند، وظیفه‌اش چیست؟

---

(۱). آیـهٔ اللّه تبریزی: چنانچه کسـی مضـطر به ترک حـج تمتع بشود احتیاط آن است که عمره تمتع را عمره مفرده قرار داده و برای آن طواف نساء بجا آورد ولی مجرد منع دیگران محقق اضطرار نیست، واللّه العالم.

آیهٔ اللّه سیستانی: به احتیاط واجب آن را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء بجای آورد.

آیهٔ اللّه صافی: در فرض سؤال، در حج تمتع واجب (حَجّهٔالاسـلام، حج واجب به نذر و غیره) ترک حج تمتع جایز نیست، و در حج تمتع مستحبی نیز با عدم ضرورت عرفی یا شرعی احتیاط واجب انجام حج تمتّع است. واللّه العالم.

آیهٔ اللّه فاضل: فعلًا مُحِل است و تکلیفی ندارد و به مأموریت خود ادامه دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص ۳۷۹

آیهٔ اللّه مکارم: اگر توانایی بر حج ندارد وظیفه‌ای ندارد.

آیهٔ اللّه نوری: اگر حجّ بر آن شخص واجب بوده است و به قصد ادای حج واجب عمره تمتّع را انجام داده و اکنون قدرت ادای حج را نـدارد این عمره تمتّع از عمره تمتّعی که جزء حـج است کفایت نمی‌کنـد و لازم است بعداً عمره تمتع و حج تمتّع را باهم در یک سال انجام بدهد و اگر از باب استحباب می‌خواسته است حج تمتّع انجام بدهد و مضطر به ترک حج شده است اشکال ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۰

یَا خَیْرَ حَبِیبٍ وَ مَحْبُوبٍ

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام:

فَضْلُ کَافِلِ یَتِیمِ آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْقَطِعِ عَنْ مَوَالِیهِ النَّاشِبِ فِی رُتْبَهِٔ الْجَهْلِ یُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَ یُوضِحُ لَهُ مَا اشْـتَبَهَ عَلَیْهِ عَلَی فَضْلِ کَافِلِ یَتِیمٍ یُطْعِمُهُ وَ یَسْقِیهِ کَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَی السُّهَا

البحار/ ۲/ ۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۱

باب ششم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۲

الهی

وَ أَنَا الطَّرِیدُ الَّذِی آوَیْتَهُ

الامام الصادق علیه السلام

إنّـا لنحبّ من کـان عاقلًا عالماً فهماً فقیهاً حلیماً مـداریاً صـبوراً صـدوقاً وفیّاً؛ إنَّ اللّهَ خصَّ الأنبیاءَ ع بمکارمِ الأخْلاقِ؛ فَمَنْ کانَتْ فیهِ،

فَلْيَحمَدِ اللّهَ على ذلك؛ و مَنْ لمْ تكنْ فيه، فَلْيَتضرَّعْ إلى اللّهِ و لْيَسْأَلْهُ إيّاها.

قيلَ لَهُ و ما هيَ قال عليه السلام:

الورَعُ و القَناعةُ و الصبرُ و الشكرُ و الحلمُ و الحَياءُ و السَخاءُ و الشُجاعَةُ و الغيرةُ وصِدقُ الحديثِ و البرُّ و أداءُ الأمانةِ و اليقينُ و حسنُ الخلقِ والمروّةُ

۲/ ۵۶

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۳

باب ششم: احکام و شرایط احرام حج

فصل اول: احکام و شرایط احرام حج

۱- کیفیت احرام حج

اشاره

۹۳۶- بعد از عمره تمتع، اعمال حج تمتع، در موعد مقرّر آغاز می‌شود، و اولین عمل آن، «احرام حج» است.

۹۳۷- احرام حج از جهت محرّمات احرام و کفارات آن و سایر جهات- غیر از مکان احرام و نیت آن- با احرام عمره تمتّع یکسان است.

اخلاص در نیت احرام حج

۹۳۸- نیت احرام حج- مانند سایر عبادات- باید خالص و برای اطاعت از خداوند متعال باشد. ریا موجب بطلان عمل است.

۲- زمان و مکان احرام حج

اشاره

۹۳۹- زمان احرام حج، بعد از عمره تمتع آغاز؛ و تأخیر آن تا زمان امکان ادراک وقوف اختیاری عرفه، جایز است.

استحباب احرام در روز ترویه

۹۴۰- محرم شدن در روز «ترویه»، مستحب، بلکه احوط است.

---

(۱)- آیة اللَّه سیستانی: مراجعه شود به مسأله ۵۶۸.

(۲)- آیة اللَّه سیستانی: کسی که می‌تواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند، جایز نیست احرام را از وقت مذکور تأخیر بیندازد.

(۳)- آیـهٔ اللّه صـافی: و پیش از روز ترویـه نیز احرام‌بسـتن جـایز اسـت و احتیـاط آن است که بیشـتر از سه روز پیش از ترویه احرام نبندد؛ چنانکه احتیاط آن است که اگر محرم شده، پیش از روز ترویه از مکه خارج نشود.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۴

مکان احرام حج

۹۴۱- محل احرام حـج، شـهر «مکه» است و در تمام نقاط آن- حتی محلات تازه‌ساز- کفایت می‌کنـد؛ ولی مسـتحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام انجام شود.

محلات جدید مکه

۹۴۲- محلات جدید که جزو مکه محسوب می‌شوند، احرام در آنها مانع ندارد؛ ولی اگر جزو آن محسوب نمی‌شوند، یا مورد شک است، کفایت نمی‌کند.

۳- مراحل خروج از احرام حج

اشاره

۹۴۳- محرّمات احرام به تدریج و در سه موقع، حلال می‌شود:
اول- بعد از حلق یا تقصیر در منی، که به وسیله آن همه محرّمات احرام- غیر از بوی خوش و زن چنانکه گذشت - حلال می‌شود و صیـد، فقـط از جهت احرامْ حلاـل می‌شـود، نه از جهت حرم. دوم- بعـد از طـواف زیـارت و نمـاز آن و سـعی، بـوی خوش، حلاـل می‌شود، ولی حرمت زن

---

(۱)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی و صافی: بنابر احتیاط در مکه قدیم احرام ببندند.
آیهٔ اللّه سیستانی: و احوط و اولی احرام بستن از مکّه قدیم است که در زمان رسول اللّه صلی الله علیه و آله بوده است، اگرچه اظهر جواز احرام بستن از قسمتهای جدید شهر است، مگر قسمتهایی که بیرون حرم باشد. (مناسک، ص ۱۲۰).
آیهٔ اللّه مکارم: ولی از بیرون حرم (مانند مناطقی که بعد از مسجد تنعیم است و اکنون جزو مکه شده) خالی از اشکال نیست.
(۲)- آیات عظام فاضل، نوری: در مسجد یا در مقام ابراهیم.
(۳)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای و آیهٔ اللّه مکارم: افضل احرام از مسجدالحرام است.
(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: احوط اقتصار بر مکّه قدیم است در رابطه با احرام حج (مناسک، س ۴۸).
(۵)- به مسأله قبل مراجعه شود.
(۶)- آیهٔ اللّه سیستانی: در حاشیه مسأله ۱۱۶۳ آمده است که عقد و شهادت بر آن با حلق یا تقصیر جایز می‌شود.
آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط در ترک صید است هرچند در خارج حرم باشد.

(۷)- مراجعه شود به مسأله ۱۱۶۳.

(۸)- آیهٔ اللّه بهجت: و این احوط است امّیا اقوی بودن آن در قبال قول به حلیّت بعد از نماز طواف (و قبل ازسعی) محتاج به تأمل است. (مناسک شیخ، ص ۸۰).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۵

هنوز باقی است. سوم- بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، زن نیز حلال می‌شود.

بعد از این سه عمل، همه محرّمات احرام حلال می‌شود؛ و اما صیدِ در حرم، برای همه- چه محرم و چه مُحِلّ- حرام است.

تحلل کسانی که اعمال را مقدم می‌کنند

۹۴۴- کسانی که بواسطه عذر- مثل پیری و خوف حیض- طواف زیارت و طواف نساء را مقدّم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود و تمام محرّمات بعد از تقصیر یا حلق، حلال می‌شود.

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: صید و زن بر او حرام است و احوط در حج تمتّع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب نماید.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: امّا کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم گفته شد که حرمتش اختصاص به محرم‌ندارد و شامل غیر محرم نیز هست و در مسأله ۴۱۲ مناسک آمده است ولی حلیّت صید احرامی، به مجرّد تمامیّت مناسک منی، بی وجه نیست.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: فقط چیزی که از حرامها باقی می‌ماند شکار است که تا ظهر روز سیزدهم حرام است، بنابر احتیاط واجب.

(۳). آیةالله فاضل: و همچنین سایر محرمات حرم مانند کندن گیاه حرم بر حرمت خود باقی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۶

فصل دوم: احکام شک و خلل در احرام حج

شک در عمره تمتع بعد از احرام حج

۹۴۵- بعد از احرام حج، به شك در انجام دادن عمره تمتع، یا صحت آن، اعتنا نمی‌شود و عمل صحیح است.

فراموشی احرام حج

۹۴۶- اگر احرام را فراموش نماید و در عرفات متذکر شود، واجب است به مکه برگردد و احرام ببندد؛ و اگر به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر، بازگشت ممکن نشود، در همان جا مُحْرِم شود؛

و اگر تا بعد از تمامی اعمال، یادش نیاید، ظاهراً حجش صحیح است؛ و احتیاط مستحب آن است که اگر بعد از وقوف به عرفات و مشعر، قبل از فارغ شدن از اعمال، یادش آمد، حج را اتمام و

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد و اگر نتوانست برگرددواجب است از همان

جا که هست محرم شود. (مناسك فارسی، ص ۱۰۱ مسأله ۱۴۲).
آیهٔ اللّه مکارم: در عرفات یا مشعر یا منی، قبل از رمی جمرات و ذبح، ولی اگر بعد از آن متوجه شود وقت احرام گذشته و حجش صحیح است.
(۲)- آیات عظام بهجت، نوری: احرام ببندد و تمام کند حج را.
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر بعد از وقوف به عرفات یادش بیاید یا حکم را یاد بگیرد، باید از جایی که هست احرام ببندد، هرچند متمکن از بازگشت به مکه و احرام از مکه باشد.
آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط آن است که سال آینده دوباره بجا آورد، اگرچه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول. (مناسك فارسی، ص ۱۰۲، مسأله ۱۴۳).
آیهٔ اللّه فاضل: فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند و احتیاط مستحب آن است که سال آینده دوباره بجا آورد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۷
در سال بعد اعاده کند. و همچنین است حکم، اگر تلبیه را فراموش نماید.

اتحاد جاهل و ناسی در حکم

۹۴۷- حکم ترک احرام با جهلِ به حکم، با فراموشی آن یکسان است.

ترک عمدی احرام حج

۹۴۸- ترک احرام از روی علم و عمد، تا زمان فوت وقوف عرفات و مشعر، موجب بطلان حج است.

ترک احرام حج و انجام عمره مفرده

۹۴۹- خدمه کاروان و امثال ایشان که باید در عرفات و منی بدون احرام باشند، می‌توانند از ابتدا برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و در صورت مستطیع نبودن، برای حج محرم نشوند.
افراد مذکور اگر برای حج محرم شدند و در عرفات و منی با لباس مخیط به سر بردند، حج آنها صحیح است ولی باید کفّاره بدهند.

انجام اعمال مکه بدون احرام توسط معذورین

۹۵۰- معذورینی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم می‌کنند، اگر جهلًا بدون احرام، اعمال مکه را مقدم کردند، کفایت نمی‌کند و باید آن اعمال را با احرام اعاده کنند، یا بعد از وقوفین و اعمال، به‌جا آورند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: و در صورتی که یادش نیاید و یا حکم را ندانند تا بعد از فارغ شدن از اعمال حج، حجّش صحیح است (مناسک حج، مسأله ۳۶۲).
(۲)- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر ترک کند احرام را از روی علم و عمد تا زمان فوت وقوف‌اختیاری عرفات، حجّش باطل است و اگر به مقدار رکن درک کند، حجّش صحیح است گرچه گناه کرده است.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: البته از مسائل احرام به دست می‌آید که وقت احرام نباید قصد چنین تخلّفی را داشته باشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: به آن اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند (مناسک، س ۱۶۸).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۸

فصل سوم: مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اشاره

۹۵۱- اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از این‌که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

«أللَّهُمَّ ایّاکَ أرْجُو وَایّاکَ أدْعُو فَبَلِّغْنی أمَلِی وَأصْلِحْ لی عَمَلی».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«ا لْحَمْدُ للَّهِ الَّذی أقْدَمَنِیها صالِحاً فی عافِیَةٍ وَبَلَّغَنی هذا الْمَکانِ». پس بگوید:

«أللَّهُمَّ هذِهِ مِنی وَهِیَ مِمّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَیْنا مِنَ الْمَناسِکِ فَأَسْأَ لُکَ أنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ عَلی أ نْبیائِکَ فَإنَّما أ نَا عَبْدُکَ وَفی قَبْضَتِکَ».

استحباب بودن شب عرفه در منی

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد؛ و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خِیف به جا آورد؛ و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته؛ پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود، مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسِّر، رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ الَیْکَ صَمَدْتُ وَایّاکَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَکَ أرَدْتُ أسْأَ لُکَ أنْ تُبارِکَ لِی فی رِحْلَتی وَأنْ تَقْضِیَ لِی حاجَتی وَأنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ تُباهی بِهِ الیَوْمَ مَنْ هُوَ أفْضَلُ مِنّی».

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبات را به قصد رجا بجا آورد.

(۲)- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی: بلکه احوط.

(۳)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بلکه خلاف احتیاط است مگر از جهت ضرورتی مثل بیمار و یا خائف از ازدحام. (مناسک فارسی، مسأله ۱۴۵).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۸۹

باب هفتم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۰

الهی

بِذِکْرِکَ عَاشَ قَلْبِی فَإِنَّکَ قُرَّهُ عَیْنِی یَا سَیِّدِی

الامام علی بن الحسین علیه السلام

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَیْبَتِهِ وَ الْقَائِلِینَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ علیه السلام أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ کُلِّ زَمَان

بحارالأنوار/ ۳۶/ ۳۸۶

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۱

باب هفتم: کیفیت و زمان وقوف

فصل اول: کیفیت و زمان وقوف

اشاره

۹۵۲- وقوف در عرفات، دومین عملِ واجبِ حج و در روز عرفه، در سرزمین عرفات، انجام می‌شود.

مراد از وقوف

۹۵۳- مراد از وقوف- رکنی آن- مسمّای بودن در عرفات است؛ هرچند خیلی کم باشد، مثل یک دقیقه؛ و شامل تمامیِ مواردِ سواره، پیاده، نشسته، خوابیده، راه رفتن و غیر آن می‌شود.

۹۵۴- اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد، وقوف باطل است.

زمان وقوف

۹۵۵- بودن در عرفات از زوال روز نهم تا غروب شرعی - که وقت نماز مغرب است- بنابر

---

(۱)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: به قدری که عرفاً بگویند در عرفات توقّف کرده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: بهتر است به این مقدار قناعت نکند.

(۲)- آیهٔ اللَّه نوری: بدون آن‌که قبلًا قصد وقوف کرده باشد خواب باشد، وقوف او باطل است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اگر قبل از خواب قصد وقوف کرده، ولو در هنگام وقوف خواب باشد، مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در اوّل وقت وقوف مثلًا آن را قصد کند و بعد از آن بخوابد یا بیهوش شود، تا آخر وقت کفایت می‌کند و اگر بدون این‌که قصد وقوف کرده باشد در تمام وقت در حال خواب یا بیهوش باشد وقوف از او حاصل نشده است و امّا اگر قبل از وقت قصد وقوف کرده ولی در تمام وقت خواب یا بیهوش باشد، کفایت این وقوف محلّ اشکال است. (مناسک، مسأله ۳۶۷).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و به همین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود صحت وقوف او بعید نیست و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد و وقوف او صحیح است. (مناسک فارسی، ص ۱۰۵، مسأله ۱۴۶).

آیهٔ اللَّه مکارم: هر گاه قبلًا به عرفات آمده و نیت کرده باشد صحیح است.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: تا غروب آفتاب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۲

احتیاط واجب، لازم است؛ ولی تمام آن رکن نیست که به ترک آن، حج باطل شود؛ پس اگر کسی بعد از زوال، کمی توقف کند و برود، یا طرف عصر بیاید، حج او صحیح است اگرچه عمداً باشد.

جواز تأخیر وقوف از ظهر

۹۵۶- تأخیر وقوف از اول ظهر به مقدار کم- مثلًا به مقدار نماز ظهر و عصر با فرض جمع - معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط در عدم تأخیر است.

وقوف اضطراری عرفات

۹۵۷- وقوف اضطراری عرفه، شب عید است؛ و مراد از شب، تا طلوع فجر است.

حدود عرفات و مشعر

۹۵۸- حدودی که برای عرفات و مُزْدَلَفه و منی مشخص شده است، چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد، معتبر است.

صعود به جبل‌الرحمه

۹۵۹- در وقت وقوف، بالا رفتن از جبل‌الرحمه، مکروه است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه خویی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط از اول زوال تا غروب...

آیهٔ اللَّه تبریزی: وقوف در عرفات برای شخص مختار بنابر احتیاط از اول ظهر روز نهم ذی‌حجه تا غروب است، و اظهر این است که می‌تواند تا یک ساعت بعد از ظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیهٔ اللَّه سیستانی: واجب بودن وقوف از اوّل ظهر مبنی بر احتیاط است و اظهر این است که جایز است آنرا از اوّل ظهر به مقدار انجام یک غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سرهم به تأخیر اندازد (مناسک، مسأله ۳۶۸).

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اظهر این است که می‌تواند تا یک ساعت بعدازظهر وقوف را تأخیر نماید.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: جواز تأخیر از اول وقت، به اندازه خواندن نماز ظهر و عصر و مقدمات آن، بعید نیست.

(۳)- آیات عظام بهجت، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: این احتیاط ترک نشود.

(۴)- آیات عظام سیستانی، فاضل، نوری: و درک مقداری از آن، کفایت می کند؛ چنانکه گذشت.

آیهٔ اللَّه خویی: و شب تا طلوع آفتاب است. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۶۷).

آیهٔ اللَّه مکارم: درک مقداری از آن هرچند کم باشد کافی است.

(۵)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر این حدود دست به دست از قدیم اخذ شده باشد معتبر است، مادام که اطمینان در خطای آن پیدا نشود. (ملحق مناسک، مسأله ۳۰۳).

آیهٔ اللَّه مکارم: معمولًا مورد قبول اهل محل است، بنابراین تابلوها یا علاماتی که گذارده‌اند معتبر است.

(۶)- آیهٔ اللَّه سیستانی: جبل‌الرحمه جزو موقف است ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است (مناسک، مسأله ۳۶۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۳

فصل دوم: احکام خلل در وقوف عرفات

ترک وقوف

۹۶۰- ترک وقوف رکنی عرفات با عمد و علم، موجب بطلان حج است، و در این فرض، وقوف در شب عید- که وقوف اضطراری است- کفایت نمی‌کند.

اغما بعد از عرفات

۹۶۱- اگر حج‌گزار قبل از درک مشعر، بیهوش شود، و تا بعد از اعمال حج به هوش نیاید، جهت احراز خروج از احرام، عمره مفرده به‌جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: یا جهل تقصیری.

(۲)- آیهٔ اللَّه خویی: اگر فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید، اظهر بطلان حج و انقلاب آن به عمره‌مفرده است. (مناسک، ص ۲۴۲).

آیهٔ اللَّه سیستانی: حجّش باطل است و احرامش بدل به عمره مفرده شده است و باید مناسک عمره را انجام دهد.

آیهٔ اللَّه صافی: به حاشیه مسأله ۹۸۵ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: در فرض مرقوم رمی روز عید را نیابتاً از طرف او انجام دهند و پس از به هوش آمدن، بقیه اعمال را خودش انجام دهد و بنابر احتیاط واجب عمره مفرده‌ای بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده و یا استطاعتش تا سال بعد باقی مانده حج را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: با درک وقوف اختیاری عرفه اگر بقیه اعمال را انجام دهد حج او صحیح است. (آداب و احکام حج، م ۷۵۶)

آیهٔ اللَّه مکارم: درک وقوف اختیاری عرفی برای صحت حج کافی است، پس اگر به هوش آید بقیه اعمال را بجا می‌آورد و اگر نتواند بجا آورد نایب می‌گیرد به شرط آن‌که وقت اعمال باقی باشد در غیر این صورت صحت حج او مشکل است و برای خروج از احرام احتیاطاً عمره مفرده بجا آورد.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی: حج او باطل است و از احرام خارج شده و اگر استطاعت وی تا سال بعد باقی باشد حج بر او واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۴

خروج عمدی قبل از غروب

۹۶۲- اگر وقوف کننده عمداً، پیش از غروب شرعی، از عرفات کوچ کند و از حدود آن بیرون رود، چنانچه نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند، بنابر اقوی، چیزی بر او نیست، لکن احتیاط در کفّاره به یک شتر است؛ و همچنین اگر بدون پشیمان شدن،

برای حاجتی بازگردد ولی بعد از رسیدن، با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست. و اگر بعد از کوچ، مراجعت نکند، کفاره آن یک شتر است که باید آن را در راه خداوند در هر جا که بخواهد، قربانی کند، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند؛ و اگر متمکن از قربانی نباشد، هیجده روز روزه بگیرد؛ و احتیاط مستحب آن است که هیجده روز، پشت سرهم باشد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه نوری: احوط کفاره یک شتر است.

آیهٔ اللّه بهجت: احوط ثبوت کفاره است در صورت برگشتن نیز (مناسک شیخ ص ۶۱).

آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی: در صورتی که پشیمان شده و برگردد چیزی بر او نیست.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای؛ آیهٔ اللّه سیستانی: بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب آفتاب از روی عمد و با دانستن حکم آن حرام است، ولی حجّ را باطل نمی‌کند، و در صورتی که دو باره برگردد به عرفات چیزی بر او واجب نیست (مناسک، ص ۲۶۹).

(۲)- آیهٔ اللّه نوری: احوط کفّاره یک شتر است.

(۳)- آیهٔ اللّه نوری: در راه خدا در روز عید قربانی کند.

(۴)- آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، نوری: باید در منی شتر را قربانی کند.

آیهٔ اللّه بهجت: ظاهر این است که در منی باید نحر کند در روز عید (مناسک شیخ، ص ۶۱).

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: بعید نیست عدم تعین ذبح در منی اگر چه احتیاط ذبح در منی است و بنابر احتیاط واجب ذبح باید روز عید باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید در روز عید قربان و احوط آن است که در منی بکشد نه در مکه.

آیهٔ اللّه فاضل: طبق حاشیه مسأله ۱۱۱۰ عمل شود.

آیهٔ اللّه مکارم: در منی و احتیاطاً در روز عید باشد.

(۵)- آیهٔ اللّه سیستانی: و می‌تواند روزه را در مکه یا در راه یا پس از بازگشت به وطن بگیرد.

(۶)- آیهٔ اللّه نوری: احتیاط واجب.

آیهٔ اللّه بهجت، اظهر عدم وجوب توالی است (مناسک شیخ، ص ۶۱).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است.

آیات عظام تبریزی، خویی و مکارم: این احتیاط ترک نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۵

خروج سهوی قبل از غروب

۹۶۳- اگر وقوف کننده سهواً از عرفات خارج شود سپس متذکر شود، باید مراجعت کند؛ و اگر مراجعت نکرد، گناهکار است، ولی بنابر اقوی کفّاره ندارد گرچه احوط است؛ و اگر یادش نیامد، چیزی بر او نیست.

۹۶۴- حکم خروجِ با جهل به مسأله، با خروج سهوی یکسان است.

وقت اضطراری عرفات

۹۶۵- اگر حج گزار بواسطه عذر- مثل فراموشی و تنگی وقت و.. - هیچ جزئی از زمان وقوف را درک نکند، برای وی وقوف مقداری از شب عید هرچند اندک، در عرفات، کفایت می‌کند. این زمان، وقت اضطراری عرفات، محسوب می‌شود.

۹۶۶- کسی که از روی عذر، روز نهم را وقوف نکرده، اگر وقوف اضطراری عرفات را عمداً و بدون عذر ترک کند، ظاهراً حج او باطل می‌شود، اگرچه وقوف به مشعر را درک کند.

۹۶۷- اگر حج گزار از روی فراموشی یا غفلت، یا عذر دیگر، وقوف اختیاری و اضطراری عرفات را ترک کند، برای صحت حج او، درک وقوف اختیاری مشعر، کفایت می کند.

---

(۱)- آیة اللَّه نوری: لکن کفاره دارد بنابر اقوی.

آیة اللَّه بهجت: اگر مراجعت نکرد در حکم عامد است علی الأحوط (مناسک شیخ، ص ۶۱).

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: کسی که از روی فراموشی و یا ندانستن حکم کوچ کند حکم آن حکم عامد است؛ یعنی اگر پس از به یاد آمدن و یا دانستن حکم برنگشت، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره دهد.

آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط باید کفاره بدهد. (مناسک، مسأله ۲۷۰).

آیات عظام صافی، گلپایگانی و مکارم: بنابر احتیاط کفاره دارد.

(۲)- نظر آیات عظام در مسأله قبل گذشت.

(۳)- آیة اللَّه سیستانی: و همچنین جاهل قاصر.

(۴)- آیة اللَّه فاضل: مثل جهل به موضوع یا حکم یا مریضی یا شدّت گرما و سرما.

(۵)- آیة اللَّه سیستانی: و اگر خوف این باشد که با درک وقوف اضطراری عرفه، وقوف مشعر قبل از طلوع آفتاب از او فوت بشود واجب است اکتفا کند به وقوف مشعر و حجّش صحیح است.

(۶)- آیة اللَّه بهجت: موجب بطلان حج است تعمّد ترک وقوف اضطراری عرفه، که از شب عید تا طلوع فجر است، علی الأحوط. (مناسک شیخ، ص ۶۰).

(۷)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: حکم آن بعداً خواهد آمد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۶

فصل سوم: مستحبات وقوف به عرفات

اشاره

۹۶۸- در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

توجه قلب به جناب اقدس الهی

۳- آنچه را موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن‌که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴- نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوفِ شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است. ۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«أللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشاعِرِ كُلِّها فُكَّ رَقَبَتى مِنَ النّارِ وَأوْسِعْ عَلَىَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنّى شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْانْسِ، أللَّهُمَّ لا تَمْكُرْ بى وَلا تَخْدَعْنى وَلا تَسْتَدْرِجْنى يا أسْمَعَ السّامِعينَ وَيا أبْصَرَ النّاظِرينَ وَيا أسْرَعَ الْحاسِبينَ وَيا أرْحَمَ الرّاحِمينَ أسْأ لُكَ أنْ تُصَلّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأنْ تَفْعَلَ بى كَذا وَكَذا».

---

(۱)- آیة اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجا انجام می‌دهد.

(۲)- آیة اللَّه نوری: هنگام ظهر.

(۳)- آیة اللَّه سیستانی: وقوف در پایین کوه افضل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۷

و بجای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«أللَّهُمَّ حاجَتى إلَيْكَ الَّتى انْ أعْطَيْتَنيها لَمْ يَضُرَّنى ما مَنَعْتَنى وَإنْ مَنَعْتَنيها لَمْ يَنْفَعنى ما أعْطَيْتَنى، أسْأ لُكَ خَلاصَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ أللَّهُمَّ إنّى عَبْدُكَ وَمِلْكُ ناصِيَتى بِيَدِكَ وَأجَلى بِعِلْمِكَ، أسْأ لُكَ أنْ تُوَفِّقَنى لِما يُرْضيكَ عَنّى وَأنْ تُسَلِّمَ مِنّى مَناسِكِىَ الَّتى أرَيْتَها خَليلَكَ ابْراهيمَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْها نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله أللَّهُمَّ اجْعَلْنى مِمَّنْ رَضيتَ عَمَلَهُ وَأطَلْتَ عُمْرَهُ وَأحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸- این دعا را بخواند:

«لا إلَهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيى وَيُميتُ وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذى تَقُولُ وَخَيْراً مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ، أللَّهُمَّ لَكَ صَلاتى وَنُسُكى وَمَحْيایَ وَمَماتى وَلَكَ تُراثى (بَراءَتى خ ل) وَبِكَ حَوْلى وَمِنْكَ قُوَّتى، أللَّهُمَّ إنّى أعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَساوِسِ الْصُّدورِ وَمِنْ شَتاتِ الأمْرِ وَمِنْ عَذابِ الْقَبْرِ، أللَّهُمَّ إنّى أسْأ لُكَ خَيْرَ الرِّياحِ وَأعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما يَجيءُ بِهِ الرِّياحُ وَأسْأ لُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فى قَلْبى نُوراً وَفى سَمْعى وَبَصَرى نُوراً وَفى لَحْمى وَدَمى وَعِظامى وَعُرُوقِى وَمَقْعَدى وَمَقامى وَمَدْخَلى وَمَخْرَجى نُوراً وَأعْظِمْ لى نُوراً يا رَبِّ يَوْمَ أ لْقاكَ إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ».

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أكْبَرُ» صد مرتبه «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إلّاباللَّهِ» صد مرتبه «أشْهَدُ أنْ لا الَه الّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِى وَيُميتُ وَيُحْيى وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلَّ شَىءٍ قَديرٌ» صد مرتبه.

پس، از اول سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیة الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۸

«انَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذى خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأرْضَ فى سِتَّةِ أيّامٍ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثيثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأمْرِهِ الا لَهُ الْخَلْقُ وَالامْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً انَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ* وَلا تُفْسِدُوا فِى الْارْضِ بَعْدَ اصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً انَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ».

پس سوره «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی نَعْمائِکَ الَّتی لا تُحْصی بِعَدَدٍ وَلا تُکافَأُ بِعَمَلٍ».

اهمیت یاد خدا و ذکر اسمای الهی

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است، خدا را تکبیر نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است، خدا را تهلیل نماید؛ و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاهٔ و السلام، زیاد صلوات بفرستد؛ و به هر اسمی از اسماء اللَّه که در قرآن موجود است، خدا را بخواند؛ و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد، خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است، خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ الْمَلِکُ الْقُدّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ الخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أسْأَلُکَ یا اللَّهُ یا رَحْمنُ بِکُلِّ اْسْمٍ هُوَ لَکَ وَأسْأَلُکَ بِقُوَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ وَعِزَّتِکَ وَبِجَمیعِ ما أحاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَبِجَمْعِکَ وَبِأرْکانِکَ کُلِّها وَبِحَقِّ رَسُولِکَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِکَ الْأکْبَرِ الاکْبَرِ وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تُخَیِّبَهُ وَبِاسْمِکَ الْاعْظَمِ الْاعْظَمِ الَّذی مَنْ دَعاکَ بِهِ کانَ حَقّاً عَلَیْکَ أنْ لا تَرُدَّهُ وَأنْ تُعْطِیَهُ ما سَأَلَ

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۳۹۹

أنْ تَغْفِرَ لِی جَمیعَ ذُنُوبی فی جَمیعِ عِلْمِکَ فِیَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو: «أسْأَلُکَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّی وَأتُوبُ الَیْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«ألّلهُمَّ فُکَّنِی مِنَ النَّارِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰- آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«ألّلهُمَّ انِّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الفَقْرِ وَمِنْ تَشَتُّتِ الْامُورِ وَمِنْ شَرٍّ ما یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ أمْسی ظُلْمِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ وَأمْسی خَوْفی مُسْتَجیراً بِأمانِکَ وَأمْسی ذُنُوبی مُسْتَجِیرَةً بِمَغْفِرَتِکَ وَأمْسی ذُلِّی مُسْتَجِیراً بِعِزِّکَ وَأمْسی وَجْهِی الْفانِیَ الْبالِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِکَ الْباقی یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیا أجْوَدَ مَنْ أعْطی جَلِّلْنِی بِرَحْمَتِکَ وَأَلْبِسْنی عافِیَتَکَ وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».

استحباب دعای عرفه سیدالشهدا و امام زین‌العابدین

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام اللَّه علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«ألّلهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هذا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ أبَداً ما أبْقَیْتَنی وَاقْلِبْنِیَ الْیَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُستَجاباً لِی مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِی بِأفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ وَحُجّاجِ بَیْتِکَ الْحَرامِ وَاجْعَلْنِیَ الْیَوْمَ مِنْ أکْرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ وَأعْطِنی أفْضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَداً

مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ والرِّضْوانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبارِكْ لِى فِيما أرْجِعُ الَيْهِ مِنْ أهْلٍ أوْ مالٍ أوْ قَلِيلٍ أوْ كَثيرٍ وَبارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسيار بگويد: «أللَّهُمَّ أعْتِقْنِى مِنَ النَّارِ».

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۰

الهی

فَوَ عِزَّتِكَ لَو انْتَهَرْتَنِى مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَ لا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِى يَا سَيِّدِى مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلاهُ وَ إِلَى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ

إِلَهِى لَوْ قَرَنْتَنِى بِالاصْفَادِ وَ مَنَعْتَنِى سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الاشْهَادِ وَ دَلَلْتَ عَلَى فَضَائِحِى عُيُونَ الْعِبَادِ وَ أَمَرْتَ بِى عَلَى النَّارِ وَ حُلْتَ بَيْنِى وَ بَيْنَ الأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِى مِنكَ وَ لا صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِى لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَ لا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِى أَنَا لا أَنْسَى أَيَادِيَكَ عِنْدِى وَ سَتْرَكَ عَلَيَّ فِى دَارِ الدُّنْيَا

سَيِّدِى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا عَنْ قَلْبِى وَ اجْمَعْ بَيْنِى وَ بَيْنَ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ انْقُلْنِى إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَ أَعِنِّى بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِى فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ الْآمَالِ عُمْرِى وَ قَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسِينَ مِنْ خَيْرِى

مناجات ابو حمزه امام سجاد عليه السلام

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۱

باب هشتم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۲

سَيِّدِى

أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِى

عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَكْتُوبٌ فِى التَّوْرَاةِ الَّتِى لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ يَا رَبِّ أَ قَرِيبٌ أَنْتَ مِنِّى فَأُنَاجِيَكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيَكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِى

فَقَالَ مُوسَى عليه السلام فَمَنْ فِى سِتْرِكَ يَوْمَ لا سِتْرَ إِلا سِتْرُكَ، قَالَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِى فَأَذْكُرُهُمْ وَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأُحِبُّهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الارْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ

وسائل‌الشيعة/ ۷/ ۱۵۰

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۳

باب هشتم: کیفیت و زمان وقوف مشعر

فصل اول: کیفیت و زمان وقوف مشعر

اشاره

۹۶۹- وقوف به مشعر، سومین عمل حج است و بعد از وقوف عرفات، در «مشعرالحرام» (مزدلفه) انجام می‌شود.

مقدار وقوف

۹۷۰- وقوف از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب، واجب است، ولی تمام آن، رکن نیست؛ بلکه رکن، وقوف مقداری از بین الطلوعین است اگرچه به اندازه یک دقیقه باشد؛ پس اگر کسی وقوف رکنی را ترک کند- به تفصیلی که می‌آید - حج او باطل می‌شود.

بودن شب دهم در مشعر

۹۷۱- بودن شب دهم تا طلوع صبح در مشعرالحرام- بنابر احتیاط واجب - لازم

---

(۱)- آیة اللَّه بهجت: بنابر احتیاط ماندن تا طلوع آفتاب روز عید واجب است.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم: وقوف در مزدلفه واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان.

آیة اللَّه سیستانی: بلکه واجب قسمتی از شب است تا طلوع آفتاب و رکن، وقوف فی‌الجمله از آن است، پس اگر مقداری از شب را درک کند و قبل از طلوع فجر با علم و عمد کوچ کند حجّش صحیح است ولی گوسفندی را باید کفّاره بدهد و اگر جاهل باشد کفّاره ندارد و اگر فقط بخشی از بین‌الطلوعین بماند و کوچ کند- هرچند عمداً- باز هم حجش صحیح است و کفّاره ندارد گرچه گناه کرده است.

(۲)- آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: به مقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقّف کرده است.

(۳)- نظر آیات عظام هم در آنجا خواهد آمد.

آیة اللَّه مکارم: اگر شب را در مشعر باشد حج او صحیح است.

(۴)- آیة اللَّه بهجت: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند.

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: احتیاط این است که شب عید را در مزدلفه بیتوته کند، هرچند وجوب بیتوته ثابت نشده است.

آیة اللَّه خامنه‌ای: وقت وقوف، از طلوع فجر عید قربان است تا طلوع شمس و احتیاط آن است که از وقت رسیدن به مشعر در شب، قصد وقوف کند.

آیة اللَّه سیستانی: واجب است پس از حرکت از عرفات مقداری از شب عید را تا صبح در مشعرالحرام بماند و پس از آن تا طلوع آفتاب نیز باید بماند گرچه کوچ کردن به طرف وادی محسر قبل از طلوع آفتاب به اندکی جایز است و جایز نیست از آن تجاوز کند. (مناسک، مسأله ۳۷۲).

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: واجب است بیتوته در مشعر و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند هر چند مختصر و کم باشد (مناسک فارسی، مسأله ۱۵۶).

آیة اللَّه مکارم: و مقداری ذکر خدا بگوید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۴

است و باید این وقوف با نیت اطاعت خداوند متعال انجام شود.

وقت نیت وقوف مشعر

۹۷۲- وقت نیت وقوف، هنگام طلوع صبح است؛ حج‌گزار در این زمان نیت می‌کند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب، در مشعر به‌سر برد.

۹۷۳- پس از وقوف در عرفات، آیا حاجی مجاز است در شب عید، به مشعر نرود، مثلًا چند ساعتی به مکه برود و پیش از اذان صبح یا پیش از نیمه شب خود را به مشعر برساند، یا باید مستقیم به مشعر برود؟

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: معتبر در عبادات قصد تذلّل و کرنش در پیشگاه حق است.

آیهٔ اللَّه فاضل: نیّت این ماندن که یک احتیاط وجوبی است غیر از نیت ماندنی است که به عنوان واجب فتوایی در مسأله بعد می‌آید. بنابر این دو نیّت جداگانه باید صورت پذیرد.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: وقوف اختیاری مشعر مقداری از شب است و وقوف بین‌الطلوعین.

(۳). آیهٔاللَّه بهجت: احوط بیتوته در مشعر است.

آیت اللَّه خامنه‌ای: لازم نیست مستقیم به مشعر الحرام برود، می‌تواند چند ساعتی به مکّه مکرمه یا جای دیگر برود و پیش از طلوع فجر خود را به مشعر برساند.

آیت اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط باید شب عید را در مشعر بیتوته کند.

آیت اللَّه گلپایگانی: باید به مشعر برود و به مکه نرود.

آیت اللَّه سیستانی: می‌تواند به مکه یا هر جای دیگر برود.

آیت اللَّه مکارم: باید مستقیم به مشعر برود مگر در حال ضرورت

آیت اللَّه فاضل: بلی، مجاز است

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۵

زمان وقوف و کوچ معذورین

۹۷۴- برای معذورین- مثل زنها، بچه‌ها، بیماران، پیرمردان، اشخاص ضعیف و اشخاصی که باید پرستار یا راهنمای آنها باشند - جایز است که بعد از مقداری توقف در مشعر، به منی کوچ کنند؛ و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب، حرکت نکنند؛ بنابراین برای این اشخاص، وقوف بین الطلوعین لازم نیست؛ و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد، تخلف نکنند.

اخلاص در نیت

وقوف در مشعر، عبادت خداوند متعال است و باید با نیت خالصِ از ریا و خودنمایی انجام شود؛ و گرنه با عمد و علم، حج باطل می‌شود.

کوچ از مشعر قبل از طلوع آفتاب

۹۷۵- کمی قبل از طلوع آفتاب، کوچ از مشعر، بنابر اقوی جایز، بلکه مستحب است به

---

(۱)- آیةاللّه‌بهجت: کسی که شب را در مشعر به‌روز آورده، به‌قصد وقوف باقصدقربت، بنابر احتیاط متقدّم (۹۷۹) و دشوار باشد براو مانـدن بعد از طلوع فجر، جایز است که قبل از طلوع فجر از آنجا بیرون رود به‌سوی‌منی؛ مثل‌زنها ومردهای پیر وبیماران وکسانی که کار ضروری دارند. (مناسک شیخ، ص ۶۷).

آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: کسانی که ناچارنـد همراه معذورین باشـند، اگر بتوانند ولو یک لحظه قبل از طلوع آفتاب به مشـعر برگردند باید برگردند و در فرض عجز، اگر بتوانند قبل از ظهر روز عید به آنجا برگردند باید برگردند.

(۲)- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: جایز است به توقّف قسـمتی از شب عیـد در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به‌طرف منی اکتفا کنند (مناسک، ص ۲۷۴).

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط مستحب است.

جهت تفصیل نظر آیات عظام، به مساله ۹۷۱ مراجعه شود.

(۳)- آیـهٔ اللّه مکـارم: ترک عمـدی وقوف در مشـعر مـابین الطلوعین به تنهـایی موجب بطلان حـج نمی‌شود ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفّاره بدهد.

(۴)- آیـهٔ اللّه بهجت: اشـهر و احوط وجوب مانـدن است تـا طلوع آفتـاب، پس اگر عمـداً پیش از طلوع آفتاب‌بیرون رود و از وادی محسّر تجاوز کند گناه کار است و بعضی یک گوسفند کفّاره واجب دانسته‌اند (مناسک شیخ، ص ۶۷).

آیـهٔ اللّه خویی: ماندن تا طلوع آفتاب واجب است و در صورت کوچ قبل از طلوع آفتاب گناه کرده و کفّاره ندارد. (مناسک عربی، مسأله ۳۷۳).

(۵)- آیـهٔ اللّه مکارم: ماندن تا طلوع آفتاب در سـرزمین مشـعر واجب است و اگر قبل از آن عمداً کوچ کند حج او باطل نیست ولی گناه کرده و یک گوسفند باید کفّاره بدهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۶

گونه‌ای که قبل از طلوع آفتاب، از وادی «محسّر» نگذرد؛ و اگر گذشت، گناهکار است ولی کفّاره بر او واجب نیست؛ و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب، وارد وادی محسّر نشود.

اوقات سه گانه وقوف مشعر

۹۷۶- وقوف مشعر، دارای یک وقت اختیاری و دو وقت اضطراری است:

۱- شب عید برای معذورین؛

۲- بین طلوع صبح و طلوع آفتـاب؛ ۳- از طلوع آفتـاب تا ظهر روز دهم، که اضـطرارِی مشـعر است؛ چنانکه قسم اول نیز اضـطراری است.

زوال عذر پس از درک اضطراری و بازگشت به مشعر

۹۷۷- خـدمه کاروانها و کسانی که به جهت همراهی بانوان پس از نصف شب، قبل از اذان صـبح پس از انجام وقوف اضـطراری از مشعر به منا می‌روند، آیا باید برای وقوف اختیاری (از اذان تا طلوع آفتاب) به مشعرالحرام برگردند؟

---

(۱)- آیهٔ اللّه اراکی: احوط کفاره یک گوسفند است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر چه از روی عمد باشد کفّاره واجب نیست، اگر چه گناه کار است.

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: احوط دادن یک گوسفند است، ولی اقوی واجب نبودن آن است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: قسمتی از شب تا طلوع آفتاب.

آیهٔ اللّٰه فاضل: برای افراد عادی؛ یعنی افرادی که عذری برای ترک وقوفین ندارند.

(۳)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: و گذشت که قسم اوّل اختیاری است.

(۴). آیهٔ اللّٰه بهجت: باید برگردند اگر ممکن است هرچند تخلّف از آن موجب بطلان حج نمی‌شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: باید برگردند.

آیت اللّٰه خامنه‌ای: اگر اکتفا به وقوف اضطراری مشعر بخاطر عذر بوده و بعداً کشف شده که عذر ندارد باید با بودن وقت، وقوف اختیاری مشعر الحرام را درک کند.

آیهٔ اللّٰه مکارم و آیهٔ اللّٰه نوری: لازم نیست برگردند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی معذورین لازم است همراه باشند، می‌توانند به وقوف شب عید اکتفا نمایند.

آیهٔ اللّٰه صافی و آیهٔ اللّٰه فاضل: بلی واجب است برای درک وقوف اختیاری مشعر در صورت تمکّن، برگردند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۷

میزان تشخیص معذور بودن برای مشعر

۹۷۸- در تشخیص معذور بودن جهت وقوف لیلی مشعر، اگر به نظر خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می‌کند.

خروج قبل از فجر از مشعر

۹۷۹- کسی که شب یا قسمتی از آن، در مشعر بوده، اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده، بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی احتیاط برخلاف آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج، لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند و این احتیاط ترک نشود.

وقوف اضطراری مشعر

۹۸۰- کسی که با عذر، وقوف بین الطلوعین یا وقوف شب را درک نکند، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر- اگرچه کم باشد- در مشعر توقف کند، حج او صحیح است.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه فاضل: یقین یا اطمینان به عذر.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر مقداری از شب مانده باشد، حجش صحیح است و چیزی بر او نیست.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر بدون عذر بیرون رود پیش از طلوع فجر، به شرطی که علاوه بر بیتوته مشعر، وقوف‌عرفه از او فوت نشده باشد، حج او صحیح است و لکن بر او یک گوسفند کفّاره لازم است و این قول مشهور و قوی است (مناسک شیخ، ص ۶۷ و ۶۸).

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: حجش باطل است و تبدیل به عمره مفرده می‌شود، بلی اگر جاهل به حکم بوده و پس از علم ممکن

نباشد ولو تا قبل از ظهر روز عید به مشعر برگردد حجش صحیح است و می‌بایست یک گوسفند قربانی کند. (مناسک، فرض هفتم، ص ۲۴۲).

آیـة اللّٰه سیسـتانی: بنـابر اظهر حجش صـحیح می‌باشـد و بایـد در صورتی که با آگاهی از حکم شـرعی این کار را کرده باشـد یک گوسفند کفّاره بدهد. (مناسک، مسأله ۳۷۳).

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: این احتیاط لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: کسـی که شب را در مشـعر مانده وبین الطلوعین را عمداً ترک کرده، حج او صـحیح است هرچند گناه کرده و یک گوسفند کفّاره دارد.

(۴)- آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر اقوی.

(۵)- آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر وقوف در عرفات را درک کرده باشد.

(۶)- آیات عظام سیسـتانی، صافی، گلپایگانی، مکارم: حج او صحیح نیست مگر این‌که وقوف اختیاری یا لااقل اضطراری عرفات را نیز درک کرده باشد که حج او صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۸

جهل به زمان وقوف اختیاری مشعر

۹۸۱- اگر حج‌گزار با جهل به این که وقوف اختیاری مشـعر، بین الطلوعین است، آن را ترک و وقوف اضطراری را درک کند، اگر جهل او قصوری باشد، و ترک وقوف اختیاری، از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

رفتن شب عید به منی و بازگشت قبل از فجر

۹۸۲- خـدمه‌ای که از ذوی الأعـذار نیسـتند، اگر قبـل از طلوع فجر، به منی برونـد و خود را قبـل از طلوع آفتـاب به‌مشـعر برساننـد و وقوف رکنی مشعر را درک کنند، نیابت آنها صحیح است؛ هرچند مرتکب حرام شده‌اند.

رفتن شب به منی با قصد بازگشت و عدم توفیق

۹۸۳- اگر شخصـی وقوف عرفات و مقداری از وقوفِ شب عید را درک کند و با قصد بازگشت، به منی برود، ولی در منی خوابش ببرد و نتوانـد بـاز گردد، با فرض این‌که ترک اختیاری مشـعر، عمـدی نبوده، اضـطراری لیلی کافی است؛ ولی اگر شب، نیت وقوف نداشته،

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: وقوف اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: و نیز به ذیل مسأله ۹۷۹ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه خویی: نظر ایشان راجع به کسی که از روی جهل به حکم وقوف مشعر تا طلوع آفتاب را درک نکرده روشن نیست بلی اگر کسـی به خاطر فراموشـی یا عذر دیگری متمکن از وقوف قبل از طلوع آفتاب نشد وقوف اضـطراری برای او مجزی است. (مناسک، مسأله ۳۸۰).

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: و عذر طاری است.

(۴)- آيهٔ اللّه نوری: با فرض ترك عمدی، نيابت محلّ اشكال است.

آيهٔ اللّه مكارم: اگر لازم بوده است با زنها به منی بروند گناهی نكرده‌اند.

(۵)- مراجعه شود به شرط هفتم نايب.

آيهٔ اللّه سيستانی: نيابت آنها به هر حال صحيح است.

(۶)- آيهٔ اللّه تبريزی: بنابر احتياط، وقوف اضطراری روز را درک كند و در فرض مذكور كه عذر طاری است‌حج او مجزی از منوبٌ‌عنه است.

آيهٔ اللّه خويی: بايد وقوف اضطراری روز را در فرض تمكن درک كند و حكم نايب معذور به عذر طاری قبلًا گذشت.

آيهٔ اللّه سيستانی: حجش صحيح است و نيابتش مجزی است.

آيهٔ اللّه مكارم: حج او صحيح است و اگر می‌تواند اضطراری روز مشعر را بجا آورد احتياط آن است كه بجا آورد و اگر نايب است و عذر مزبور قابل پيش‌بينی نبوده نيابتش نيز صحيح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۴۰۹

بايد اضطراری روز را درک كند، ولی اگر نايب است، كافی نيست.

عدم توقف در مشعر

۹۸۴- اگر حج‌گزار بدون توقف در مشعر به منی رفته؛ و در خارج منی به دست غير مؤمن قربانی كرده؛ و در خارج منی حلق كرده - بنابر احتياط واجب- بايد قربانی و حلق و اعمال مكه را اعاده كند و عمره مفرده بجا آورد و حج را اعاده كند و تا حلق و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، در احرام باقی است.

---

(۱)- آيهٔ اللّه فاضل: و برای نيابت هم كافی است.

(۲)- نظر آيات عظام در فرض پنجم از مسأله ۹۸۶ آمده است.

آيهٔ اللّه بهجت: ظاهراً مطابق نظر ايشان، چون عذر طاری است نيابت صحيح است.

(۳)- آيهٔ اللّه بهجت: حجش صحيح است و حلق كند و موی خود به منی فرستد.

(۴)- آيهٔ اللّه تبريزی: در فرض مزبور كه از مشعر عبور كرد ولی توقف نكرد، چنانچه از روی ندانستن مسأله، وقوف به مشعر را ترک كرد، حجّش صحيح است و بايد آن اعمال و اعمال بعد از آن را اعاده كند و بعد از اعاده آنها می‌تواند به نيت ديگری يا برای خودش حج بجا آورد.

آيهٔ اللّه خويی: اگر ترک وقوف مشعر از روی جهل به حكم بوده حجش صحيح است ولی بايد يک گوسفند كفّاره بدهد و ذبح و حلق اگر در روز بوده مجزی است.

آيهٔ اللّه سيستانی: اگر هنگام مرور از مزدلفه قصد وقوف كرده باشد حجّش صحيح است و اگر قصد نكرده باشد از روی جهل به مسأله ولی ذكر خدا در حال مرور گفته باشد باز هم حجش صحيح است و قربانی او در خارج از منی از روی غفلت و جهل قصوری صحيح است و حلق او نيز صحيح است ولی اگر در مشعر نه قصد كرده است و نه ذكر خدا گفته است حجش باطل است و بايد اعمال عمره مفرده بجا آورد و طواف و سعی حج او بجای طواف و سعی عمره كافی است و بايد تقصير كند و برای طواف نساء نايب بگيرد.

آيهٔ اللّه گلپايگانی: اگر ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و از طرفی وقوف اختياری عرفات را درک كرده است و همچنين تمكن از

قربانی در منی نداشته و در وادی محسر قربانی کرده و از طرف دیگر از جهت جهل به مسأله و غفلت در غیر منی حلق کرده، اجزاء بعید نیست. و در غیر صورت فوق، باید به آنچه در متن آمده عمل نماید. (مستفاد از مناسک فارسی، ص ۱۲۵ مسأله ۱۶۲، و مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۰۱ مسأله ۵، و ج ۱، ص ۴۹۱، مسأله ۱۰).
آیـهٔ اللّه مکارم: چنانچه ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و کارهای فوق جهلًا صورت گرفته، حج او صحیح و اعاده قربانی هم لازم نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۰

خطا در تشخیص مکان مشعر

۹۸۵- اگر حج‌گزار با اطمینان به مکان مشعر، وقوف نمایـد و بعد از گذشت وقت اضـطراری آن، بفهمد که در خود مشعر وقوف نکرده، احتیاطاً این حج را اتمام و بعد از آن، عمره مفرده انجام دهد؛ و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد، حج را اعاده کند.

---

(۱)- آیـهٔ اللّه صـافی: چنـانچه وقوف اختیـاری عرفات را درک کردهانـد، احتیاط این است که بقیه اعمال را به‌قصـد ما فی الـذمه از عمره و حج بجا آورند و در صورت استقرار حج یا بقاء استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند.
آیهٔ اللّه گلپایگانی: چنانچه وقوف اختیاری عرفات را درک کرده‌اند حج آنان صحیح است. (آداب حج، م ۷۷۱)
آیهٔ اللّه مکارم: حج او صحیح است و احتیاط لازم نیست.
(۲)- نظر آیات عظام در فرض هشتم، صور وقوفین، در مسأله ۹۸۸ آمده است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۱

فصل دوم: اقسام درک وقوفین

اشاره

۹۸۶- با توجه به این که: وقوف عرفات و مشعر، بر دو گونه اختیاری و اضطراری است؛ و مشعر دارای دو وقوف اضطراری است؛ و ممکن است کسی هر دو موقف، یا یکی از آنها را در وقت اختیاری یا اضطراری، درک کند؛
و با توجه به این که ترک بر سه گونه است: عمدی، جهلی و نسیانی؛
درک وقوف، صور گوناگونی پیدا می‌کند که برخی از صور مورد ابتلای آن، به این ترتیب است:

درک یا ترک هر دو موقف

اول- درک هر دو موقف در وقت اختیاری، که مسلماً حج صحیح است.
دوم- عدم درک هیچ وقوفی که مسلّماً حج باطل است؛ و باید با همان احرام، عمره مفرده، به‌جا آورد و اگر گوسفند همراه داشته باشد، احتیاطاً ذبح کند؛ و اگر ترک وقوفها از روی عذر بوده، با دارا بودن شرایط استطاعت در سال بعد، حج به‌جا آورد.
۹۸۷- و اگر عدم درک دو موقف، از روی تقصیر بوده، حج بر او مستقر می‌شود و باید

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: در بیان صور هشتگانه وقوفین، تفاوتهایی با متن وجود دارد. (مناسک، ص ۲۷۵).
(۲)- آیـهٔ اللَّه بهجت: با نیّت عدول به عمره مفرده علی الأحوط، و وجوب ذبح گوسـفند که همراه داشـته باشدمحتاج به تأمّل است، بلی موافق احتیـاط و مرویّ در خبر داود رقیّ و صـحیح ضُـریس به نقـل فقیه است و در سال آینـده حـج می‌کنـد اگر شـرایط مقرّره وجوب حج درباره او متحقّق بشود. (مناسک شیخ، ص ۶۸ و ۶۹).
آیهٔ اللَّه فاضل: و بهتر است قصد عدول به عمره مفرده بنماید.
(۳)- آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: گوسفند را قربانی کند.
(۴)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر حج بر او مستقر بوده به حج برود، چه مستطیع باشد یا نباشد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۲
سال دیگر- چه شـرایط را دارا باشد یا نباشد- حج به‌جا آورد. ۹۸۸- این شـخص که حج او باطل شده، باید جهت خروج از احرام، عمره مفرده به‌جا آورد؛ و بنابر احتیاط مستحب، جهت انجام آن، ابتدا در نیت، به آن عدول کند.

درک اختیاری عرفات با اضطراری مشعر

سوم- درک اختیاری عرفه با اضـطراری مشـعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر، که اگر ترک اختیاری مشعر، عمدی بوده، حج او باطل؛ و گرنه صحیح است.

درک اختیاری مشعر با اضطراری عرفات چ

هارم- درک اختیاری مشعر با اضطراری عرفات، پس اگر ترک اختیاری عرفه عمدی بوده، حج او باطل و گرنه صحیح است.

درک اختیاری عرفه با اضطراری شب مشعر

پنجم- درک اختیـاری عرفه بـا اضـطراری شب مشـعر؛ یعنی قبـل از طلوع صبـح، که اگر ترک اختیاری مشعـر با عـذر بوده، حـج او صحیح و گرنه بنابر احتیاط واجب باطل است.

درک اضطراری شب مشعر و اضطراری عرفه

ششـم- درک اضـطراری لیلی مشـعر و اضـطراری عرفه که در این صـورت، اگر ترک اختیـاری عرفه، عمـدی نبـوده، ظـاهراً حـج او صحیح است؛

(۱)- نظر آیـهٔ اللَّه خویی، آیـهٔ اللَّه سیسـتانی، این است: واجب است در صورتی که اسـتطاعتش تـا سال بعـد باقی بمانـد و یا حـج از سالهای پیش بر ذمّه‌اش مستقر شده باشد، سال بعد به حج برود.
(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط واجب چنانکه گذشت.
آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: چون اختیاری مشعر بخشی از شب است تا طلوع آفتاب، اگر بین الطلوعین را عمداً هم ترک کند حجّش صحیح است ولی در صورت علم یک گوسفند کفّاره واجب است.

(۴)- آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر اقوی باطل است.

نظر آیات عظام در این فرض در مسأله ۹۷۹ گذشت.

(۵)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، صحّت حج او بعید نیست لکن احوط اعاده‌حج است در سال آینده، با شرایط وجوب (مناسک شیخ، ص ۶۹).

(۶)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: منظور از صاحب عذر کسی است که از ماندن شب در مشعر معذور است؛ مانند زنان و بیماران و همراهان آنها.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۳

و اگر اختیاریِ یکی را عمداً ترک کرده باشد، حجش بنابر اقوی در ترک عرفات و بنابر احتیاط در ترک مشعر باطل است؛ و اگر عمدی نباشد، احتیاط واجب در بطلان است.

درک اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر

هفتم- درک اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر که اگر ترک یکی از دو اختیاری، عمدی باشد، حج او باطل و گرنه صحت، بعید نیست، گرچه احتیاط با دارا بودن شرایط وجوب، اعاده در سال بعد است.

درک اختیاری یا اضطراری عرفه به تنهائی

هشتم- درک اختیاری عرفه به تنهائی؛ و احتیاط واجب در این صورت، اگر ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، اتمام و اعاده است؛ و گرنه حج باطل است.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اگر عمداً اختیاری عرفه را ترک کرده باشد حجش باطل است و لکن‌نسبت به ترک اختیاری مشعر، اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون برود حجش صحیح است به شرط آن‌که وقوف به عرفات را انجام داده باشد و شب در مشعر به قصد وقوف مانده باشد ولکن بر آن یک گوسفند کفّاره واجب است. (مناسک فارسی، ص ۱۲۵، قسم پنجم و مسأله ۱۶۲ و ص ۱۲۲، مسأله ۱۵۹).

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اختیاری مشعر از شب است تا طلوع آفتاب و حج او در این صورت صحیح است، همچنانکه گذشت.

آیهٔاللّٰه مکارم: اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او صحیح است و یک گوسفند کفّاره دارد.

(۳)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: لکن اگر ترک اختیاری مشعر به این صورت باشد که شب وقوف در مزدلفه کرده و از روی جهل به مسأله قبل از فجر از آنجا کوچ کرد و تا ظهر روز عید هم نتوانست به مشعر برگردد حج او صحیح است و باید یک گوسفند کفّاره دهد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر جاهل مقصر باشد حجّش باطل است و اگر از روی فراموشی یا جهل قصوری یا هر عذر دیگر، اختیاری را ترک کند و اضطراری را انجام دهد حجّش صحیح است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر از روی جهل باشد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر اختیاری عرفه باشد حج باطل است و اگر اختیاری مشعر باشد، بنابر اقوی حج باطل است.

(۴)- آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط مستحب است.

(۵)- آیهٔ اللّٰه بهجت: آن‌که فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید که اظهر در این صورت صحت حج است مگر آن‌که اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد. (مناسک، ص ۱۳۴).

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اظهر در این صورت این است که حج او باطل و به عمره مفرده منقلب می‌شود.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: حج او باطل است و به عمره مفرده منقلب می‌شود، بجز یک صورت و آن این‌که هنگام عبور از عرفات به منی در مشعر در وقت اختیاری (از شب تا طلوع آفتاب) گذشته باشد و ذکر خدا گفته باشد که در این صورت حجش صحیح است هرچند قصد وقوف نکرده باشد از روی جهل به مسأله.

آیهٔ اللّٰه صافی: احتیاط در آن ترک نشود به این‌که اعمال را به قصد ما فی الذمّه از عمره و حج بجا آورد و در سال بعد نیز در صورتی‌که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج بجا آورد. (مناسک فارسی، ص ۱۵۸).

آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اقوی و اشهر صحیح بودن حج است. (آراء المراجع، ص ۳۴۶).

آیهٔ اللّٰه مکارم: حج او صحیح است و احتیاج به اعاده ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۴

نهم- درک اضطراری عرفه به تنهائی که در این صورت حج، باطل است.

درک اختیاری مشعر

دهم- درک اختیاری مشعر؛ در این صورت اگر ترک وقوف عرفه عمدی نباشد، حج او صحیح، و گرنه باطل است.

درک اضطراری مشعر به تنهایی

یازدهم- درک اضطراری روز مشعر به تنهائی، که حج او باطل است. دوازدهم- درک اضطراری لیلی مشعر به تنهائی؛ در این صورت، اگر ترک وقوف عرفات عمدی نباشد، ظاهراً حج او صحیح است و گرنه باطل است.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه مکارم: و باید عمره مفرده به جا آورد تا از احرام خارج شود.

(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: فقط.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: مورد تأمّل است هر دو اضطراری مشعر که این صورت و صورت بعدی است.

آیات عظام تبریزی، خویی، صافی: آن‌که فقط وقوف اضطراری مزدلفه را درک کند، که در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد. ولی احتیاط این است باقی اعمال را به قصد فراغ ذمه از آنچه به او تعلق گرفته چه عمره مفرده و چه حج بجا آورد و در سال بعد حج را اعاده نماید.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: حج او باطل است و بدل به عمره مفرده می‌شود.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، ظاهراً حج او صحیح است.

(۴)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه هر چند از صاحبان عذر نباشد.

آیهٔ اللّٰه صافی: در این صورت اگر چه صحّت حجّش بعید نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمّه از عمره و حج و بجاآوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او و بقاء استطاعت و در این جهت فرقی بین اضطراری لیلی و

نهاری مشعر نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: در این صورت اگر وقوف به عرفات را عمداً ترک کرده باشد، حج او باطل است و الّا بنابر احتیاط حج باطل است، اگر چه از ذوی‌الأعذار نباشد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در این صورت بعید نیست حجش صحیح باشد، اگرچه احوط اعاده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: خالی از اشکال نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۵

فصل سوم: مستحبات وقوف در مشعر الحرام

اشاره

۹۸۹- بدان که مستحب است با تن و دلی آرام، از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوَقُّفِی وَزِدْهُ فی عَمَلی وَسَلِّمْ لِی دِینی وَتَقَبَّلْ مَناسِکی».

و در راه رفتن، میانه‌روی نماید؛ و کسی را آزار ندهد؛ و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد؛ و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند؛ و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد؛ و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند؛ و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید؛ و اگر حاجی صروره باشد، مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد؛ و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد، به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجا بجاء بیاورند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه نوری: اللهمّ ارحم موقفی و زد فی عملی.

(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه می‌گوید و برای عشا فقط اقامه.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم در روایات متعددی آمده است و احتمالًا منظور از آن با پای برهنه قدم‌گذاشتن در سرزمین مشعر است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۶

«أللَّهُمَّ هذِهِ جُمَعُ، اللَّهُمَّ انِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْرِ، اللَّهُمَّ لا تُؤْیِسْنی مِنَ الْخَیْرِ الَّذی سَأَلْتُکَ أنْ تَجْمَعَهُ لِی فی قَلْبی وَأطْلُبُ الَیْکَ أنْ تُعَرِّفَنی ما عَرَّفْتَ أوْلِیاءَکَ فی مَنْزِلِی هذا وَأنْ تَقِیَنی جَوامِعَ الشَّرِّ».

استحباب ذکر نعم و تفضلات حضرت حق

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد؛ و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل‌محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«أللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرام فُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْانْس، أللَّهُمَّ أ نْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ الَیْهِ وَخَیْرُ مَدْعُوٍّ وَخَیْرُ مَسْؤُولٍ وَلِکُلِّ وافِدٍ جائِزَةٌ فَاجْعَلْ جائِزَتی فی مَوْطِنی هذا أنْ تُقِیلَنی عَثْرَتی وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتی وَأنْ تُجاوِزَ

عَنْ خَطِیئَتی ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوی مِنَ الدُّنیا زادِی».

استحباب جمع آوری سنگ‌رمی از مشعر

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است. و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسِّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«أللَّهُمَّ سَلِّمْ لی عَهْدی وَاقْبَلْ تَوْبَتی وَأجِبْ دَعْوَتی وَاخْلُفْنی فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدی».

---

(۱)- آیة اللَّه مکارم: ولی از آنجا که در شلوغی جمعیت غالباً بعضی از سنگها اصابت نمی‌کند بهتر است بیشتر جمع آوری کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۸

اللَّهُمَ

أَعْطِنِی بَصِیرَةً فِی دِینِکَ وَ فَهْما فِی حُکْمِکَ وَ فِقْها فِی عِلْمِکَ وَ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ وَرَعا یَحْجُزُنِی عَنْ مَعَاصِیکَ وَ بَیِّضْ وَجْهِی بِنُورِکَ

عن أَبِی مُحَمَّدٍ الْعَسْکَرِیِّ علیه السلام قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام

مَنْ کَانَ مِنْ شِیعَتِنَا عَالِماً بِشَرِیعَتِنَا فَأَخْرَجَ ضُعَفَاءَ شِیعَتِنَا مِنْ ظُلْمَةِ جَهْلِهِمْ إِلَی نُورِ الْعِلْمِ الَّذِی حَبَوْنَاهُ بِهِ، جَاءَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ عَلَی رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ یُضِیءُ لِأَهْلِ جَمِیعِ الْعَرَصَاتِ وَ عَلَیْهِ حُلَّةٌ لا یُقَوَّمُ (یَقُومُ) لِأَقَلِّ سِلْکٍ مِنْهَا الدُّنْیَا بِحَذَافِیرِهَا، ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ: یَا عِبَادَ اللَّهِ هَذَا عَالِمٌ مِنْ تلامِذَةِ بَعْضِ عُلَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ أَلا فَمَنْ أَخْرَجَهُ فِی الدُّنْیَا مِنْ حَیْرَةِ جَهْلِهِ فَلْیَتَشَبَّثْ بِنُورِهِ لِیُخْرِجَهُ مِنْ حَیْرَةِ ظُلْمَةِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ إِلَی نُزْهِ الْجِنَانِ، فَیُخْرِجُ کُلَّ مَنْ کَانَ عَلَّمَهُ فِی الدُّنْیَا خَیْراً أَوْ فَتَحَ عَنْ قَلْبِهِ مِنَ الْجَهْلِ قُفْلًا، أَوْ أَوْضَحَ لَهُ عَنْ شُبْهَةٍ

بحارالأنوار ج: ۲ ص: ۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۱۹

باب نهم: ترتیب اعمال منی

فصل اول: ترتیب اعمال منی

اشاره

۹۹۰- بنابر احتیاط واجب، باید در منی، ترتیب بین رمی جمره عقبه و ذبح و تقصیر یا حلق، رعایت شود.

حکم خلاف ترتیب

۹۹۱- عمل بر خلاف این ترتیب: اگر از روی غفلت و سهو باشد، اعاده ندارد؛
و اگر از روی جهل به مسأله باشد، عدم لزوم اعاده، بعید نیست و احتیاط در اعاده است؛
و اگر از روی علم و عمد باشد، احتیاط را در صورت امکان، ترک نکند.

تأخیر قربانی و حکم ترتیب

۹۹۲- اگر قربانی- به هر دلیل- از روز عید تأخیر افتاد، بنابر احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از

---

(۱)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: واجب است که ذبح پس از رمی جمره عقبه باشد و بنابر احتیاط حلق وتقصیر باید پس از آن دو باشد.
آیة اللَّه خامنه‌ای، آیة اللَّه مکارم: ترتیب مزبور واجب است و اگر رعایت نکند گناه کرده و امّا عملش صحیح است.
آیة اللَّه سیستانی: می‌تواند قبل از ذبح حلق یا تقصیر کند در صورتی که قربانی را در جایی که ذبح در آن مکان جایز است تهیّه کرده باشد.
آیة اللَّه گلپایگانی: علی الأحوط اول رمی جمره عقبه کند و بعد...
(۲)- آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر خلاف ترتیب مقرر عمل کند معصیت کرده است لکن علی‌الظاهر تکرار اعمال غیر مترتبه لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.
(۳)- آیة اللَّه بهجت: اگر از روی فراموشی و جهل باشد اعاده آن لازم نیست و همینطور در صورت تعمّد بنابر مشهور که اظهر تمامیت آنست (مناسک، ص ۱۴۳ و مناسک شیخ، ص ۷۸).
آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: اگر از روی جهل یا نسیان بوده اعاده لازم نیست.
آیة اللَّه گلپایگانی: در صورت علم و عمد و امکان باید اعاده کند.
آیة اللَّه مکارم: این احتیاط مستحب است.
(۴)- آیة اللَّه نوری: بلکه باید روز عید حلق کند و تأخیر نیندازد.
آیة اللَّه خامنه‌ای: تأخیر حلق یا تقصیر از روز عید بر کسی که ذبح را تأخیر انداخته واجب نیست بلکه احتیاط واجب آن است که حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد ولکن طواف حج قبل از ذبح محل اشکال است.
آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: می‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود ولی اعمال مکّه باید بعد از قربانی و حلق انجام شود. (۸۷۱ آداب و احکام حج).
آیة اللَّه فاضل: بنابر احتیاط نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتّبه بر آن را باید مراعات کند علی الأحوط مگر در فرض اضطرار و یا حرج که در این صورت رعایت ترتیب بین ذبح و حلق یا تقصیر لازم نیست و حاجی می‌تواند در اواخر روز، حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود، ولی اعمال مکه را باید پس از

اطمینان به ذبح انجام دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۰

احرام خارج شود و بعد قربانی کند؛ بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، باید- علی الأحوط- مراعات شود.

---

(۱)- آیـهٔ اللّه نوری: به حسب جمع بین روایات، ترتیب مستحب است ولی چون شـهرت بر وجوب قائم شـده، احوط رعایت ترتیب است در صورت امکان و عنـد الضـرورهٔ، خلاف ترتیب مانعی نـدارد و در فرض مذکور اگر ذبح را تأخیر انداخت، تأخیر حلق جایز نیست.

آیـهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط، قربانی بایـد در روز عیـد باشد و چنانچه قربانی در روز عید ممکن نباشد، می‌تواند بعد از رمی حلق یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و مُحلّ شود و قربانی را تأخیر بیندازد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر قربانی را در منی تهیه کرد جایز است تقصیر یا حلق.

آیهٔ اللّه مکارم: و اگر رعایت این احتیاط واجب را نکند عمل او باطل نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۱

فصل دوم: مکان و زمان رمی

۱– مکان رمی

اشاره

۹۹۳- رمی جمرات بـا وضع کنونی چه حکمی دارد، آیا رمی به تمام آن مجزی است؟ ۹۹۴- با توسعه اخیر جمرات، اگر قسمتی از ستون توسعه یافته جمره عقبه، خارج از منی باشد،

---

(۱). آیت‌اللّه بهجت: اگر ضرورت است، به این که ممکن نیست سؤال شود که از کجا زیاد شده، اشکال ندارد؛ واللّه العالم.

آیت‌اللّه تبریزی: با فحص و سؤال از کسانی که از کیفیت بنا اطلاع دارند به دیوار جدیدی که مقابل ستون‌های قبلی قرار گرفته رمی کنند و اگر تشخیص محلّ قبلیِ ستون‌ها و ایستادن در محلّ پر ازدحام برای تشخیص آن، کاری دشوار و یا غیرممکن بود (باتوجه به نقشه ارسالی به این‌جانب ازجمرات جدید) چنانچه وسط دیوار جدید را درنظر بگیرند و رمی کنند، مجزی است ان شاء اللّه تعالی.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص ۴۲۱

آیـت‌اللّه خـامنه‌ای: اگر می‌توانـد بـدون عسر و مشـقّت، به آنچه در محـلّ سـتون قبلی قرار دارد رمی کنـد، واجب است به آن رمی نماید. و اگر جستجو از محل آن و رمی به آن مستلزم عسر و مشقّت است به هر نقطه‌ی آن دیوار رمی کند مجزی است. ان‌شاء اللّه.

آیت‌اللّه سیستانی: اگر دیوار موجود، مشتمل بر ستون سابق باشد و تشخیص آن هرچند به کمک اهل خبره قبل از رمی میسور باشد، بایـد همان قسـمت را رمی کننـد و اگر میسور نباشـد، به احتیاط واجب، بایـد رمی را تکرار کننـد، مگر مقداری که مسـتلزم حرج یا ضرر است.

آیت‌اللّه صافی: در مورد سؤال با وضع فعلی بعید نیست رمی در هر قسمت جمره کافی باشد. البته مهما امکن، احوط و اولی مراعات رمی به حدود ستون قبلی است؛ واللّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: بلی، در فرض مزبور رمی جمرات فعلی کفایت می‌کند.

آیت‌اللَّه مکارم: پرتاب سنگ به آن حوضچه، هر چند بزرگتر از سابق شده است کافی است، و اگر بر دیوار مزبور بزنند تا در حوضچه بیفتد آن هم کفایت می‌کند، و هیچ ضرورتی ندارد که جای ستون سابق را پیدا کنند و به آن بزنند.

آیت‌اللَّه نوری: کفایت می‌کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۲

با فرضِ صدقِ جمره بر مجموع دیوار، آیا رمی آن قسمت صحیح است؟

رمی از طبقه دوم

۹۹۵- رمی از طبقه دوم جمرات، جایز است.

۲- زمان رمی

اشاره

۹۹۶- زمان رمی، از طلوع آفتاب روز عید آغاز، و تا غروب آن ادامه دارد.

---

(۱). آیت اللَّه خامنه‌ای: در صورت یقین به خروج قسمتی از جمره توسعه یافته از منی، احوط رمی نقطه‌ای از قسمتی است که از منی خارج نیست.

آیت اللَّه تبریزی: باید در قسمتی که در وسط به اندازه جمره سابق است رمی کنند.

آیت اللَّه سیستانی: رمی زائد بر خود جمره مجزی نیست حتی آن چه در منی است.

آیت اللَّه مکارم: اشکال دارد.

آیت اللَّه فاضل: بنابر احتیاط بر قسمتی که خارج از منی است رمی نکنند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: رمی در هر دو طبقه جایز و مکفی است و در مناسک (س ۱۴۳) می‌فرماید: میزان صدق رمی جمره است ولو از طبقه دوّم باشد حتی اختیاراً کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط مجزی نیست.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگرچه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است.

آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: کفایت نمودن زدن سنگ بر مقداری که بر ارتفاع جمره افزوده شده، محل اشکال است و احوط آن است که مقدار سابق را رمی نماید. و اگر متمکن نباشد مقدار زیادی را خودش رمی کند و نایب نیز بگیرد برای زدن به مقدار سابق، و فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست و مقداری که در عصر پیامبر و ائمه علیهم السلام بوده است از جهت عرض ظاهراً فرقی با جمره فعلی ندارد و از جهت طول ظاهراً به مقدار یک قامت انسان یا مقدار کمی بیشتر بالاتر از سکوی فعلی است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: رمی در طبقه فوقانی خلاف احتیاط است و در طبقه تحتانی جایز است.

آیهٔ اللَّه مکارم: در هنگام ازدحام جمعیت جایز است.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: وقت رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن، و اگر فراموش کرد یا ترک کرد عمداً علی الأحوط، تا روز سیزدهم، در روزی که متذکّر شود بجا آورد با تقدیم قضاء بر اداء، و احتیاط در رعایت طلوع آفتاب است در قضاء ایضاً با عدم عذر مسوّغ رمی در شب در اداء مانند خوف و مرض، و اگر متذکّر نشد یا متذکّر شد بعد از انقضای ایّام تشریق یا ترک کرد عمداً تا آنوقت علی الأحوط، در سال آینده خود یا نایب او، با ترتب نیابت بر عدم حج در سال آینده یا عدم امکان مباشرت، بجا آورند (مناسک شیخ ص ۷۲).

آیهٔ اللَّه فاضل: برای غیر معذورین.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۳

اگر حج‌گزار رمی را فراموش کند، می‌تواند تا روز سیزدهم آن را به جا آورد؛ و اگر تا آن وقت متذکر نشود، احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایبش، به‌جا آورد.

رمی در شب

۹۹۷- کسانی که از رمی در روز عذر دارند، می‌توانند در هر وقت شب رمی کنند.

---

(۱)- آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: یا مسأله را نمی‌دانست.

آیهٔ اللَّه فاضل ...: تا روز سیزدهم می‌تواند به نیّت قضا بجا آورد و واجب است قضا را قبل از رمی آن روز انجام دهد.

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط این است که به منی رفته و رمی نموده و در سال بعد رمی را شخصاً خودش و یا نایبش به جا آورد، و اگر بعد از خروج از مکه یادش آمد واجب نیست برگردد بلکه سال دیگر خودش یا نایبش بنابر احتیاط رمی می‌کنند. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۰).

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر از مکّه بیرون نرفته احتیاط واجب آن است که به منی رفته رمی نماید و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضا کند و اگر از مکّه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر در روز عید رمی نکرد از روی جهل یا فراموشی یا هر عذر دیگر هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند در منی باشد و یا در مکّه حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، ولی در شب رمی نکند و اگر پس از خروج از مکه مانع برطرف شود لازم نیست برگردد و احتیاط مستحب است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کنند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در سال بعد خودش یا نایبش باید رمی نماید.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر بتواند باید خودش در سال آینده در همان موقع قضا کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: و همچنین زنها و لو عذر نداشته باشند می‌توانند در شب رمی کنند و این مخصوص شب دهم است (مناسک س ۱۴۱).

آیهٔ اللَّه مکارم: زنان و پیران می‌توانند در شب رمی کنند، همچنین کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و فرق نمی‌کند در شب قبل یا شب بعد.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: یعنی شب مقدّم با علم به عدم تمکّن از رمی در روز، و امّا شب مؤخّر با علم به تمکّن از رمی قضائی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضاء است تا طلوع آفتاب (مناسک شیخ ص ۸۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: شب قبل از آن روز. (مناسک، مسأله ۴۳۸).

آیـة اللَّه سیسـتانی: کسانی که شب از مانـدن در مشـعر معـذور بودنـدماننـد زنان و بیماران می‌توانند همان شب عید رمی کنند و اما پرسـتاران و همراهان آنها باید روز رمی کنند مگر این‌که آنها نیاز به همراهی در طول روز داشـته باشـند به طوری که به مقدار رمی هم از آنها مسـتغنی نشونـد و اما رمی در شب بعد کافی نیست و معذور باید نایب بگیرد مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذورند به جهت ترس یا بیماری یا غیر آن.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۴

جواز رمی در روز یازدهم با تأخیر ذبح و حلق

۹۹۸- کسی که نتوانسته در روز عید ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد.

تأخیر حلق و حلق در شب

۹۹۹- تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق، ولو عمداً، مانع ندارد؛ و حلق در شب هم صحیح است.

رمی در شب عید برای زن‌ها و معذورین

۱۰۰۰- زنها مطلقاً مجازند شب عید رمی نمایند؛ و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که بعد از نصف

---

(۱)- آیة اللَّه بهجت: حلق در روز عید است و در صورت تأخیر شب هم مجزی است.

آیـة اللَّه تبریزی: احتیاط واجب در عـدم تأخیر عمـدی است. چنانکه گـذشت بنا بر احتیاط حلق بایـد در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.

آیـة اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصـیر بایـد در روز عیـد باشد و اگر تأخیر انداخت انجام آن در شب یازدهم یا بعد از آن کافی است.

آیة اللَّه خویی: احتیاط واجب این است که در روز انجام شود، و متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده‌اند.

آیـة اللَّه سیسـتانی: حلق در شب عیـد جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مسـتحب از روز عیـد تأخیر نشود ولی بعـد از عید در شب هم کافی است.

آیـة اللَّه صافی، آیـة اللَّه گلپایگانی: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عیـد ترک نمود، روز یازدهم بایـد حلق کنـد و تأخیر عمدی علی الأحوط جایز نیست.

آیة اللَّه مکارم: احتیاط در ترک حلق در شب است.

(۲)- آیة اللَّه بهجت: زنان و کسانی که کوچ از مشـعر در شب برایشان جایز است می‌توانند شب عید رمی جمره‌نمایند بنا بر اظهر. و نیز به ذیل مسأله ۹۹۷ مراجعه شود.

آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: زنها می‌تواننـد رمی روز دهم را در شب آن انجام دهند، هرچند متمکن از رمی در روز دهم باشـند، ولی در رمی روز یازدهم و دوازدهم، چنانچه از رمی در روز معذور باشـند می‌توانند رمی هر روز را در شب آن انجام دهند

و چنانچه معذور نباشند باید در روز رمی کنند.

آیهٔ اللَّه خویی: بیماران و پیرها و ضعیف‌ها و کسانی که از دشمن می‌ترسند هم، می‌توانند در شب عید رمی کنند. (مناسک، قبل از مسأله ۳۸۱).

آیهٔ اللَّه سیستانی: این حکم اختصاص به رمی روز عید دارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر زن نائب در خصوص رمی باشد احتیاط واجب آن است که در روز عید رمی کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۵

شب از مشعرالحرام به منی وارد می‌شوند، اگر از رمی در روز معذورند، می‌توانند شب رمی کنند.

۱۰۰۱- با توجه به این‌که بانوان می‌توانند رمی روز دهم را شب انجام دهند، آیا حتماً باید شب عید باشد یا شب یازدهم نیز جایز است و در فرض جواز در صورتی که زن در اعمال، حج نایب دیگری باشد، چه صورت دارد؟

---

(۱). آیهٔ‌اللَّه بهجت: در شب عید می‌توانند رمی روز دهم را انجام دهند و فرقی نمی‌کند.

آیت اللَّه خامنه‌ای: در صورت تمکّن باید در همان شب عید رمی جمره عقبه نماید، مخصوصاً اگر حج او حجّ نیابی باشد. و تأخیر تا شب یازدهم صحیح نیست، ولی اگر در روز دهم یعنی روز عید رمی جمره عقبه نماید اشکال ندارد.

آیت اللَّه تبریزی: زنها می‌توانند رمی روز دهم را در شب عید انجام دهند و در حکم مزبور بین این‌که زن برای خود حج انجام دهد یا نایب دیگری باشد فرقی نیست.

آیت اللَّه سیستانی: فقط در شب عید جایز است.

آیت اللَّه صافی: باید شب دهم باشد؛ چه نایب باشد چه برای خودش باشد.

آیت اللَّه فاضل: شب یازدهم نیز جایز است هرچند نایب در حج باشد. بلی رمی روز یازدهم را در صورتی می‌تواند شب انجام دهد که از رمی در روز معذور باشد.

آیت اللَّه مکارم: هر دو جایز است و ضرری به نیابت نمی‌زند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۶

فصل سوم: شرایط رمی و سنگ رمی

۱- شرایط سنگ رمی

ریگ بودن

اول: سنگ رمی باید «حصی» باشد؛ یعنی به آن «ریگ» گفته شود، و اگر- مثل «شن» - ریز باشد به گونه‌ای که به آن ریگ گفته نشود، کافی نیست؛ و اگر خیلی بزرگ نیز باشد، کافی نیست.

رمی به غیر ریگ- مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات- جایز نیست؛ و اما با اقسام سنگها هر نوعی که باشد حتی سنگ مرمر، مانع ندارد.

از حرم بودن

دوم: باید از حرم باشد و از مشعر مستحب است؛ و از هر موضعِ مباحِ حرم، کافی است مگر مسجدالحرام و مسجد خِیف؛ بلکه سایر مساجد بنابر احوط.

سنگریزه‌های موجود در مشعر

۱۰۰۲- سنگریزه‌های موجود در مشعر، اگر معلوم باشد که از خارج مشعر آورده‌اند و معلوم نیست که از حرم آورده‌اند یا خارج آن، رمی با آنها کفایت نمی‌کند مگر آن که جزو مشعر محسوب شوند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب نسبت به حکم وضعی.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط باید بکر باشد.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر عرفاً جزو مشعر حساب شود مانعی ندارد وگرنه باید احراز شود از حرام است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر جزو مشعر محسوب می‌شود مانعی ندارد.

(۴)- آیات عظام تبریزی، خویی: یعنی از خارج حرم.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۷

بکر بودن

سوم: سنگ رمی باید بکر باشد؛ یعنی خودش یا دیگری آن را به وجه صحیح ولو در سالهای قبل، نینداخته باشد.

۱۰۰۳- اگر ریگ مستعملی با سنگهای بکرِ جمع آوری شده، مخلوط و مشتبه شود، آیا همین‌که هشت ریگ به جمره رمی شود کافی است؟ یا علم تفصیلی لازم است و باید معلوم باشد کدام ریگ بکر و کدام مستعمل است؟

اباحه

چهارم: مباح بودن آن؛ پس رمی با سنگ غصبی یا آنچه دیگری برای خودش حیازت کرده، کافی نیست.

عدم اشتراط طهارت در رامی و مرمی

۱۰۰۴- هنگام رمی، طهارت از حدث و خبث، شرط نیست؛ و در خود سنگها نیز، طهارت شرط نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط را در حکم وضعی ذکر نفرموده‌اند ولی برداشتن سنگ از مساجد اگرجزو آنها باشد مطلقاً جایز نیست.

(۲)- آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: خودش یا کس دیگری از آن برای رمی استفاده نکرده باشد...

(۳)- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه مکارم: باید قبلًا در رمی استعمال نشده باشد.

(۴). آیهٔاللَّه بهجت: کافی است.

آیت اللَّه خامنه‌ای: با حصول یقین به تحقّق رمی با ریگ بکر، رمی او صحیح و مجزی است.

آیت اللَّه تبریزی: از همه ریگهایی که احتمال می‌دهد ریگ مستعمل باشد باید اجتناب کند و ریگ بکر تحصیل نماید و با آن رمی کند.

آیت اللَّه گلپایگانی: بلی، در فرض سؤال رمی هشت ریگ مجزی است و علم تفصیلی لازم نیست.

آیت اللَّه سیستانی: به نحو اول کافی است.

آیت اللَّه مکارم: کافیست و علم تفضیلی لازم نیست.

آیت اللَّه فاضل: همین که هشت ریگ به جمره بزنید کافی است.

(۵)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر اعتقاد داشت سنگها غصبی نیست و یا غصبی بودن آنها را فراموش کرد و خودش غاصب نبود رمی صحیح است و در غیر آن باید اعاده شود.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: مشـکل است اکتفا به آن مگر آن‌که ندانـد غصبی است یا فراموش کرده باشـد و خود غاصب نباشد یا حرمت را فراموش کرده باشد یا جاهل قاصر باشد.

(۶)- آیهٔ اللَّه بهجت: خلاف احتیاط است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۸

۲- واجبات رمی

اشاره

۱۰۰۵- در انداختن سنگ رمی، اموری واجب است:

شرایط رمی و سنگ رمی

نیت و اخلاص

اول- نیت و قصد خالص برای اطاعت خداوند متعال، بدون ریا و قصد نمایش دادنِ به دیگران، که موجب بطلان می‌شود.

دوم- انداختن سنگ؛ پس گذاردن با دست، کافی نیست.

لزوم پرتاب سنگ با دست

۱۰۰۶- سنگ باید با دست پرتاب شود؛ و اگر فرضاً با پا یا دهان پرتاب شود، کافی نیست، ولی کفایت با «فلاخن» بعید نیست. رمی سواره و پیاده جایز است. ۱۰۰۷- سنگریزه‌ها را باید به خود جمره بزنند، ولی رمی دیوار، کفایت نمی‌کند.

عدم کمک شخص و شیء دیگر در اصابت

سوم- استناد اصابه به انداختن؛ پس اگر سنگِ دیگران به آن اصابت نماید و بواسطه آن یا

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: به این صورت نیّت کند: هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع برای وجوب آن‌می‌اندازم با قصد خالص.
(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: بلکه پراندن آنها به سمت خاص (مناسک شیخ ص ۷۳).
(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: خلاف احتیاط است.
آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده‌اند.
آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب کافی نیست.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط در ترک آن است.
(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: مستحب است در حال پرتاب پیاده باشد.
آیهٔ اللَّه فاضل: اما پیاده افضل است.
(۵)- آیهٔ‌اللَّه‌تبریزی: رمی آن از هر طرف کافی است، ولی مستحب است از جلوی آن پشت به قبله رمی شود.
آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط واجب رمی آن قسمت که سابقاً دیوار بوده است و اکنون برداشته‌اند کفایت نمی‌کند.
آیهٔ اللَّه مکارم: فعلًا دیواری وجود ندارد.
(۶)- آیهٔ اللَّه فاضل: انداختن خودش.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۲۹
کمک آن به جمره برسد، کافی نیست، ولی اگر سنگ در بین راه به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد، ظاهراً کافی است.

شرایط رمی و سنگ رمی

رمی هفت سنگ

چهارم- عدد سنگ ریزه‌ها، باید هفت باشد.

زیادتر رمی کردن

۱۰۰۸- اگر شخصی از اول، قصد زیادتر از هفت داشته باشد، رمی صحیح نیست و باید آن را اعاده کند؛ ولی اگر بعد از تمام شدنِ هفت سنگریزه- که به قصد هفت بوده- اضافه زده، ضرر ندارد. ۱۰۰۹- اگر به تصوّر عدم صحت رمی، بیش از هفت عدد احتیاطاً رمی کرده، مانع ندارد؛ و چنانچه شک نداشته و قصد زیاده هم نداشته، صحیح است؛ هرچند در این صورت، احتیاط مطلوب است.

تدریج در رمی

پنجم- پرتـاب سـنگها بایـد بتدریـج و یکی یکی صورت گیرد و بـا رعایت این وصف، اگر بعضـی از سـنگ‌ها فرضاً با هم به جمره اصـابت کننـد، مانع نـدارد؛ ولی اگر همه یا چنـد عـدد را با هم بینـدازد، مجموعاً یک رمی محسوب می‌شود اگر چه با هم به جمره نرسند.

پرتاب چند سنگ با هم

۱۰۱۰- پرتاب چند سنگ با هم مانع ندارد، ولی حتی اگر همه آنها هم اصابت کند، یک مرتبه محسوب می‌شود.

---

(۱)- آیة اللَّه نوری: کافی نیست ظاهراً مگر آن که، در حال عبور با چیز دیگر ملاقات کند.
آیـة اللَّه بهجت: ظاهر این است که اگر سـنگریزه در راه به چیزی برخورد نموده و سـپس به جمره برسـد کافی باشـد با بقای صـدق رمی در ابتداء و انتهای آن. (مناسک، ص ۱۳۵).
آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی: اگر سـنگریزه در راه به چیز بسـیار سـفتی مانند سـنگ بخورد و در اثر آن جَسته و به جمره برسد کافی نخواهد بود.
آیة اللَّه خامنه‌ای: ذیل مسأله را متعرض نشده‌اند.
آیة اللَّه فاضل: محلّ اشکال است.
آیـة اللَّه مکـارم: در مورد رمی جمرات فتوای اخیر ما این است که اصابت به سـتون‌ها لازم نیست بلکه کافی است سـنگ را به دایره اطراف جمرات پرتاب کننـد و اگر به سـتون فعلی هم بزنـد و در حوضـچه بیفتـد، آن هم کافی است؛ و در مسائل آینده نیز به همین صورت عمل شود.
(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: مخل به رمی نیست.
(۳)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بلکه مطلقاً صحیح است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۰

تکرار با گمان به اصابت

۱۰۱۱- اگر سـنگ، به جمره اصـابت نکنـد، کـافی نیست، هچنین اگر نزد جمره چیزهـای دیگری نصب شـده و اشـتباهاً به آنها رمی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند اگرچه در سال دیگر به وسیله نایبش.

---

(۱)- آیة اللَّه سیستانی: اگر پس از خروج از مکه متوجه شود اعاده لازم نیست گرچه احوط است.
آیة اللَّه مکارم: همان گونه که گفتیم کافی است سنگ به دایره اطراف جمره بیفتد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۱

فصل چهارم: احکام شک در رمی و سنگ رمی

شک در استعمال سنگ

۱۰۱۲- سنگی که استعمال آن در رمی مشکوک باشد، رمی با آن جایز است.

شک در حرمی بودن سنگ

۱۰۱۳- سنگی که در حرم است، اگر احتمال بدهد آن را از خارج آورده‌اند، اعتنا نکند.

شک در حصی بودن

۱۰۱۴- اگر شک کند به سنگی، «حصی» گفته می‌شود، کفایت نمی‌کند.

شک در عدد رمی

۱۰۱۵- هنگام رمی اگر در عدد رمی شک کند، باید به مقداری که علم حاصل کند، رمی کند؛ و همچنین است اگر در اصابت به جمره شک کند.

شک در عدد بعد از انصراف از عمل

۱۰۱۶- اگر بعد از انصراف از رمی، در عدد سنگها شک کند، اگر شک در نقیصه باشد، بنابر احتیاط، نقیصه را تمام کند؛ و در شک در زیاده، اعتنا نکند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: مگر این که در جایی باشد که علم داشته باشد بعضی از سنگهای آنجا استعمال شده است واحتمال بدهد که‌سنگ موردنظر هم یکی از آنها باشد که در این صورت باید احتیاط کند.

(۲)- آیهٔ اللّه خویی: فتوای ایشان به دست نیامد.

(۳)- آیهٔ اللّه خویی، در شبهه مفهومیه آن که فرض متعارف است فتوای ایشان بدست نیامد.

(۴)- آیهٔ اللّه فاضل: در حالی که هنوز ذبح یا حلق را انجام نداده.

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: اشکال ندارد.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از صدق عرفی فراغ باشد اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی و سایر آیات عظام قائلند: اگر شک در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۲

شک در رمی بعد از ذبح یا حلق

۱۰۱۷- اگر بعد از ذبح یا حلق و تقصیر، در انداختن سنگ یا در عدد آن شک کند، اعتنا نکند.

شک در صحت رمی

۱۰۱۸- اگر بعد از فارغ شدن از رمی، در درست انداختن سنگها شک کند، بنابر صحت بگذارد؛ ولی اگر در اصابت سنگ آخر شک کند، باید اعاده کند؛ و اگر رسیدن را بداند ولی احتمال دهد- مثلًا سنگ مستعمل انداخته باشد، اعتنا نکند.

عدم اعتبار گمان

۱۰۱۹- ظن به رسیدن سنگ و عدد آن، اعتبار ندارد.

انکشاف غلط در رمی در روز عید

۱۰۲۰- اگر شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده و در روز دوازدهم یا سیزدهم متوجه شود، بعد از قضای جمره عقبه، لازم نیست رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند.

---

(۱)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: و یا پس از فرا رسیدن شب باشد.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه شک در نقیصه کند باید اتمام نماید. و متعرض انصراف از محلّ و یا دخول در عمل بعدی نشده‌اند.
(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: از رمی.
(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: این حکم در مسأله ۱۰۱۶ آمده است.
آیهٔ اللَّه خویی: اگر شک کند سنگریزه به جمره رسید یا نه بنابر نرسیدن گذاشته و سنگ دیگری بزند مگر آن‌که شک وی در وقتی باشد که به واجب دیگری مشغول شده یا پس‌از فرارسیدن شب باشد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر بعد از صدق فراغ باشد عرفاً اعتنا نکند، مطلقاً.
آیهٔ اللَّه فاضل: برای این استثناء وجهی به نظر نمی‌رسد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۳

فصل پنجم: احکام نیابت در رمی

نیابت در رمی

۱۰۲۱- کسانی که قدرت بر رمی ندارند- مانند کودکان، افراد مریض و کسانی که عذری دارند- باید نایب بگیرند.

استنابه در صبح با قدرت در عصر

۱۰۲۲- آیا استنابه در صبح برای کسی که بعد از ظهر عید قربان در خلوتی جمره عقبه، خودش می‌تواند رمی کند، جایز است و آیا برای این‌که بتواند روز عید قربانی کند، می‌تواند صبح برای رمی جمره نایب بگیرد؟
اگر کسی چندین سال صبح روز عید برای رمی نایب گرفته با این‌که عصر خودش قادر به رمی بوده است، تکلیفش چیست؟

---

(۱)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: بیماری که امید ندارد تا مغرب بهبودی حاصل کند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: و اگر شب می‌تواند احتیاط در جمع بین استنابه و رمی در شب است.

آیـهٔ اللَّه خویی، با توجه به این‌که حکم مغمی علیه در دو روایت معتبره آمده که از جانب او رمی می‌کنند و ایشان به این دو روایت در معتمد العروه ج ۵ ص ۳۴ استدلال نموده ظاهر این است که ایشان موافق متن هستند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و اگر ممکن است مریض سنگها را با دست بگیرد و دیگری برای او رمی کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: نیابت احتیاج به اذن و اجازه منوبٌ‌عنه دارد.

(۳). آیهٔ‌اللَّه بهجت: این جهت مجوّز نائب گرفتن نیست و رمی سال‌های گذشته را قضا کند ولو به استنابه.

آیت اللَّه خـامنه‌ای: بـا فرض تمکّن از رمی در سـاعتی از روز ولو در ساعـات عصـر، نایب گرفتن صـحیح نیست. ولی اگر مأیوس از برطرف شدن عذر تا آخر روز بود و نایب گرفت برای رمی، و اتفاقاً عذرش بعد از عمل نایب برطرف شد، عمل نایب مجزی است، و اعاده بر او لازم نیست. و نسبت به سالهای گذشته اگر نایب گرفتن به نحو غیر صحیح بوده، باید تدارک کند.

آیت اللَّه تبریزی: چنانچه شخص تمکن داشته باشد خودش رمی کند ولو با تأخیر انداختن به وقت خلوت، باید رمی را تأخیر بیندازد و خودش رمی کنـد و نـایب گرفتن در این صورت مجزی نیست. هرچنـد تـأخیر رمی تـا وقت تمکن موجب شود قربانی به روز بعد بیفتـد، وچنانچه شـخص با تمکن از رمی جمره عقبه برای آن نایب گرفت و بعـد از آن قربانی و بقیه اعمال را انجام داد بنابر احتیاط باید آن حج را- اگر حج واجب بود- اعاده نماید.

آیت اللَّه گلپایگانی: در فرض مذکور نمی‌تواند نایب بگیرد و باید خودش رمی کند هرچند قربانی بتأخیر بیفتد و شخص مذکور در فرض سوال باید قضای رمیهای چندین ساله را در ایام تشریق بجا آورد.

آیت اللَّه سیستـانی: نایب گرفتن در این فرض جایز نیست و تاخیر قربانی تا سـیزدهم اشـکال نـدارد و در صورت جهل حـج صـحیح است.

آیت اللَّه مکارم: باید خودش در عصر روز عید رمی کند هرچند قربانی به عقب بیفتد. ب- باید در وقت مناسب آنها را قضا کند.

آیت اللَّه فاضل: خیر، در هر دو فرض بایـد خودش رمی کند روز بعد قربانی نماید، و شخصـی که قادر بوده است عصـر رمی کند و نـایب گرفته، احتیاطاً رمی‌هـا را قضـا کنـد ولو با اسـتنابه و چنانچه بقیه اعمال را با اعتقاد به صـحت انجام داده است صـحیح است و چیزی بر او نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۴

استحباب رمی در حضور شخص ناتوان

۱۰۲۳- اگر ممکن باشد، مستحب بلکه موافق احتیاط است که مریض را نزد جمره ببرند و در حضور او رمی کنند.

حصول قدرت بعد از رمی نایب

۱۰۲۴- بعـد از رمی نـایب، اگر منوبٌ‌عنه بهبودی یابـد، لاـزم نیست رمی را اعـاده کنـد؛ ولی اگر در بین رمیِ وی، خوب شود، باید خودش از ابتدا رمی کند؛ و کفایت به مقداری که نایب رمی کرده، مشکل است.

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه بهجت: و اگر ممکن است مریض سـنگ را بـدست گیرد که دیگری بینـدازد اورا، و جمع کنـد بین این کار و اسـتنابه علی الأحوط (مناسک شیخ ص ۸۵).

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط اعاده است در صورت عروض قدرت در وقت (مناسک شیخ ص ۷۲).
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بنابر احتیاط باید خودش نیز رمی کند.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر شخص معذور از برطرف شدن عذرش نا امید بوده و نایب از طرف او رمی کرده، پس از رفع عذر اعاده لازم نیست وگرنه باید اعاده کند.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر هنگام نیابت در رمی از برطرف شدن عذر پیش از تمام شدن وقت مأیوس نبوده و نیابت کرده است و اتفاقاً عذر برطرف شده به احتیاط واجب باید خود شخص رمی کند.
آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که خودش اعاده کند و نیابت از غیر اجازه می‌خواهد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۵

ترک عمدی رمی در روز و مسأله نیابت

۱۰۲۵- اگر نایب عصیاناً رمی در روز را ترک کند، نیابت او چه حکمی دارد؟ و اگر به تصور این‌که می‌تواند به منی برگردد، به مکه آمد و روز دوازدهم نتوانست برای رمی به منی برود، نیابتش چه حکمی دارد و وظیفه‌اش چیست؟

کیفیت قضا با انکشاف غلط در رمی روز سابق

۱۰۲۶- اگر شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده و در روز دوازدهم متوجه شود، بعد از قضای جمره عقبه، لازم نیست رمی روز یازدهم را نیز تکرار کند.

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: مبطل نیست لکن قضا می‌کند در ایّام تشریق.
آیت اللَّه خامنه‌ای: رمی جمرات از مناسک است، که اگر آن را به نحو صحیح انجام ندهد صحّت نیابتش محل اشکال است مخصوصاً اگر در ایام تشریق تدارک نکند.
آیت اللَّه تبریزی: چنانچه رمی روز دهم را ترک کند حجی که انجام داده محل اشکال است و اگر رمی روزهای یازدهم و دوازدهم را ترک کند هرچند معصیت نموده و در صورت بقاء وقت باید قضا کند لکن ضرری به صحت حج ندارد.
آیت اللَّه گلپایگانی: در هر دو صورت حج صحیح و مبری ذمه است ولی اگر ایام تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳) نگذشته باید رمی را بجا آورد واگر گذشته، سال دیگر چنانچه متمکن از رفتن به مکه باشد در همان ایام خودش بجا آورد والا به کسی که به مکه می‌رود سفارش کند رمی به نیابت او را برای منوب عنه بجا آورد و در فرض این‌که عصیاناً رمی نکرده از جهت اجرت باید از کسی که او را نایب قرار داده است رضاء نماید.
آیت اللَّه سیستانی: نیابت در هر دو فرض صحیح است و ذمه منوبٌ‌عنه فارغ است ولی به نسبت از اجرت نایب کم می‌شود.
آیت اللَّه مکارم: حج او باطل نمی‌شود ولی باید خودش آنرا در موقع مناسب اعاده کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.
آیت اللَّه فاضل: اگر رمی روز عید را عالماً عامداً ترک کند واجب است تا آخر ایام تشریق قضای آن را انجام دهد و احتیاطاً ذبح و تقصیر را نیز بعد از رمی اعاده نماید والّا ظاهراً حج او باطل است ومجزی از منوبٌ‌عنه نیست؛ ولی اگر رمی روز یازدهم، یا دوازدهم را ترک کرده است بایـد تا آخر ایام تشریق قضا کنـد واگر قضا نکرد احتیاط است که تا آخر ذیحجه قضا کند و سال بعد نیز همان روز ولو با استنابه، قضا کند، ودر این فرض حج او صحیح و مجزی از منوبٌ‌عنه است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۶

فصل ششم: مستحبات رمی جمرات

۱۰۲۷- در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱- با طهارت بودن در حال رمی.

۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«أَللَّهُمَّ هذِهِ حصَیَاتی فَأَحْصِهِنَّ لِی وَارْفَعْهُنَّ فی عَمَلی».

۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می‌اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَکْبَرُ، أَللَّهُمَّ ادْحَرْ عنّی الشَّیْطانَ أَللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ أَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی حَجّاً مَبْرُوراً وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْیاً مَشْکُوراً وَذَنْباً مَغْفُوراً».

۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخنِ انگشتِ شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن به جای خود در منی، این دعا را بخواند:

«أَللَّهُمَّ بِکَ وَثِقْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُ وَنِعْمَ الْمَوْلی وَنِعْمَ النَّصِیرُ».

---

(۱)- آیة اللَّه مکارم: این مستحبات را بقصد رجا بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۷

باب دهم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۸

اللَّهُمَ
انْقُلْنِی إِلَی دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَیْکَ وَ أَعِنِّی بِالْبُکَاءِ عَلَی نَفْسِی فَقَدْ أَفْنَیْتُ بِالتَّسْوِیفِ وَ الْآمَالِ عُمُرِی فَمَنْ یَکُونُ أَسْوَأَ حَالا مِنِّی إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَی مِثْلِ حَالِی إِلَی قَبْرِی [قبر] لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِی وَ لَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِی
رَوَی الشَّافِعِیُّ ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ فِی کِتَابِهِ بِأَسْنَادِهَا قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِنِّی أَوْشَکَ أَنْ أُدْعَی فَأُجِیبَ وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَخْبَرَنِی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا مَا ذَا تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا

و رواه احمد فی المسند ج ۳/ ۱۴ و ۱۷ و ۲۶ و ۵۹

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۳۹

باب دهم: زمان و مکان ذبح

فصل اول: زمان و مکان ذبح

۱– زمان ذبح

اشاره

۱۰۲۸- ذبح باید- بنابر احتیاط واجب - بعد از رمی جمره عقبه، انجام و از روز عید تأخیر نشود.

اگر ذبح در روز عید انجام نشود

۱۰۲۹- اگر انجام ذبح در روز عید ممکن نشود، باید- علی الأحوط- صبر کند و بین اعمال مترتّبه، ترتیب مراعات شود اگر چه چند روز هم طول بکشد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که گوشت‌های قربانی مصرف نشود و آن را بسوزانند یا دفن کنند ذبح در آنجا مجزی نیست، بلکه باید پول آن را کنار بگذارند و در وطن خود یا محل دیگری که گوشت‌ها مصرف می‌شود در همان ماه ذی حجهٔ قربانی کنند و اگر تمام گوشت‌ها مصرف شود باز با توجه به این که تمام قربانگاه‌ها خارج از منی است، مخیر است در آنجا قربانی کند یا در وطن خود اگر چه بهتر است در آنجا ذبح شود.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی و فاضل: واجب است قربانی پس از رمی باشد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: ولی اگر از روی جهل یا فراموشی مقدم بدارد اعاده لازم نیست.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: واجب است ذبح هدی در روز عید، و امّا بعد از عید پس مجزیست در بقیّه ذی حجه اگر چه خلاف احتیاط است تکلیفاً تأخیر از آن بدون عذر خصوصاً تأخیر از ایّام تشریق سه گانه (مناسک شیخ ص ۷۴).
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط این است که ذبح و نحر در روز عید قربان باشد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: این احتیاط مستحب است و می‌تواند در روزهای تشریق هم قربانی کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط اختیاراً جایز نیست ذبح هدی را از روز عید تأخیر بیندازد اگرچه اقوی جوازآن است. (مناسک عربی، ص ۱۴۷).
آیهٔ اللَّه مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.
(۴)- آیهٔ اللَّه نوری: تأخیر حلق از روز عید جایز نیست.
آیهٔ اللَّه بهجت: حلق و تقصیر در روز عید است.
مراجعه شود به مسأله ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۱۰۳۴.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مراجعه شود به مسأله بعد.
آیهٔ اللَّه مکارم: رعایت ترتیب در اینجا لازم نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۰

ذبح در شب

۱۰۳۰- تأخیر ذبح از روز عید عمداً- علی الأحوط - جایز نیست؛ ولی اگر عمداً یا جهلًا یا نسیاناً، تأخیر شد، ذبح در شب کفایت می‌کند.

حکم تاخیر عمدی و سهوی ذبح

۱۰۳۱- اگر حج‌گزار قربانی را حتی بدون عذر از روز عید تأخیر بیاندازد، قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیبِ با حلق و اعمال مکه را رعایت کند.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۲۸.
آیهٔ اللَّه مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.
(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط این است که ذبح در روز عید قربان باشد و در صورتی که به دلایلی نتواند تا مغرب قربانی کند، بعد از اذان مغرب هم می‌تواند، (مستفاد از مناسک، س ۱۵۳ و ۱۵۴).
آیهٔ اللَّه تبریزی: ذبح در شب، بعد از عید، خلاف احتیاط است.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن، ذبح را در روز عید، انجام نداد احتیاط واجب آن است که در ایام تشریق ذبح کند واگر نشد در بقیه ماه ذی‌حجه.
آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه فاضل: ذبح در شب کفایت نمی‌کند مگر برای خائف.
آیهٔ اللَّه سیستانی: و احتیاط واجب این است که در شب قربانی نکند، حتی شب روزهای تشریق، مگر برای خائف (مناسک فارسی، ص ۲۸۴).
آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: ذبح در شب یازدهم بنابر احوط جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد، روز یازدهم ذبح نماید.
(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: علی الأحوط الأشهر. (مناسک شیخ، ص ۷۸).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر ذبح را عمداً تأخیر بیندازد تا تنگی وقت روز عید که دیگر نتواند در آن روز ذبح کند، باید حلق یا تقصیر نماید، ولی اعمال مکه را تأخیر بیاندازد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: در این صورت بعید نیست وجوب حلق یا تقصیر در روز عید ولی انجام طواف حج قبل از ذبح، محلّ اشکال است.

آیهٔ اللّه سیستانی: جایز است مقدّم داشتن تقصیر یا حلق بر ذبح ولی احتیاط واجب این است که پس از تهیه قربانی در مکانی که ذبح در آن برای او جایز است باشد. ولی تا ذبح نکند مُحل نمی‌شود و تقدیم اعمال مکّه بر حلق یا تقصیر برای کسی که باید آنها را بعد از وقوفین انجام دهد جایز نیست و اگر کسی از روی علم و عمد مقدم بدارد باید یک گوسفند قربانی کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: باید ترتیب بنابر احتیاط مراعات شود و اگر از روی سهو یا جهل ترتیب مراعات نشد اشکال ندارد ولی احکام مکّه باید بعد از قربانی و حلق یا تقصیر انجام شود. (مناسک عربی، ص ۱۴۸).

آیهٔ اللّه مکارم: تأخیر تا روز سیزدهم جایز است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۱

۱۰۳۲- اگر بواسطه عذری- مثل فراموشی یا غیر آن- در روز عید ذبح نکرد، بنابر احتیاط واجب، باید در ایام «تشریق» ذبح نماید؛ و اگر نشد، در بقیه ماه ذی‌حجه ذبح کند؛ و در تأخیر عمدی نیز حکم همین است.

۲- مکان ذبح

اشاره

۱۰۳۳- ذبح در هر نقطه از منی کافی است، و بدون احراز منی، صحیح نیست.

قربانی در مسلخ جدید

۱۰۳۴- گفته می‌شود که، مسلخ فعلی، کمی در وادی مُحسِّر ساخته شده، با این فرض، در صورت امکان ولو تا آخر ذی‌حجه، باید در منی قربانی کنند هر چند قربانی در مسلخ جدید، مجزی است.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: حکم آن در مسأله قبل بیان شد.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: بلکه بدون تردید لازم است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اقوی آن است که می‌تواند در روزهای تشریق قربانی کند. (مناسک، مسأله ۳۸۲).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: این احتیاط واجب نیست اگرچه مطلوب است ولکن اگر در غیر ایام نحر (روز عید و سه روز بعد از آن) بود بنابر احتیاط قصد ادا و قضا نکند، بلکه بقصد ما فی الذمه ذبح کند. (مناسک عربی، ص ۱۴۷).

آیهٔ اللّه مکارم: تا روز سیزدهم در هر حال جایز است ذبح کند.

(۲)- آیهٔ اللّه خویی: اگر از روی علم و عمد ترک کرده و طواف بجا آورده باشد ظاهراً طوافش باطل و اعاده آن بعد از تدارک ذبح واجب است.

(۳)- آیة اللَّه سیستانی: اگر عمداً ذبح را از ایام تشریق تأخیر بیندازد حجش باطل است و اگر معذور باشد باید روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که ذبح در بقیه ذی‌حجه را نیز انجام دهد. (ملحق مناسک، س ۳۳۶ و مناسک، مسأله ۳۹۲).

(۴)- آیة اللَّه تبریزی: با فرض شک، مانعی ندارد.

آیة اللَّه خویی: در مورد شک در منی فتوای ایشان به دست نیامد.

(۵)- آیة اللَّه بهجت: اگر به علت تغییر محل، ذبح در منی ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن، ولو تا آخر ماه ذی حجه موجب عُسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از منی اشکال ندارد. (مناسک، ص ۱۳۷).

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: پس اگر متمکن از تأخیر و ذبح در منی باشد، اگرچه تا آخر ذی حجه، حلق یا تقصیر نماید و مُحل شود و ذبح را تأخیر بیندازد و همچنین طواف و نماز طواف و سعی را تأخیر بیاندازد و الّا جایز است به ذبح در مذبح فعلی اکتفا کند، لازم به تذکر است اگر در روز عید متمکن از ذبح در منی نبود و احتمال بقای عذر تا آخر ذی‌حجه را بدهد، می‌تواند طبق فتوای آیة اللَّه خویی در مسلخ‌های جدید ذبح کند ولی اگر اتفاقاً کشف خلاف شد اعاده نماید. (استفتائات، ص ۲۶۷، س ۸۰۹). و آیة اللَّه تبریزی اضافه فرموده‌اند: و جایی که مشکوک است که منی باشد مبیت و ذبح و تقصیر در حال اختیار هم مجزی است.

آیة اللَّه سیستانی: در صورت زیاد بودن حجاج و گنجایش نداشتن منی برای همه آنها در وقت اراده ذبح، بعید نیست کشتن در وادی محسِّر نیز جایز باشد، اگرچه احوط ترک آن است مگر آن‌که بداند که نمی‌تواند در منی تا روز سیزدهم قربانی کند. و چنانچه ذبح در منی یا وادی محسر تا آخر ایام تشریق میسور نبود در هر کجای حرم بخواهد می‌تواند ذبح کند و جواز اکتفاء در حال اختیار به ذبح در مکانی که مشکوک است از منی یا وادی محسر می‌باشد به علت شک در صحت علائم منصوبه در آن مکان‌ها محل اشکال است.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: در صورت تمکّن از ذبح در ایّام تشریق، لازم است ذبح را تأخیر نماید بلکه لزوم تأخیر تا آخر ذی‌حجه بعید نیست ولی حلق را روز عید انجام دهد و با این عمل از احرام مخیط خارج می‌شود و باقی اعمال را به ترتیب بجا آورد. و اگر بکلّی ذبح در منی ممکن نبود ذبح در وادی محسِّر کافی است.

آیة اللَّه فاضل: می‌توانند در روز عید در مذبح فعلی قربانی کنند و بقیه اعمال را انجام دهند.

آیة اللَّه مکارم: از روز سیزدهم تأخیر نیندازد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۳

فصل دوم: نوع و شرایط قربانی

۱- نوع قربانی

اشاره

۱۰۳۵- بر متمتع، ذبح یک هدی- شتر یا گاو یا گوسفند- واجب است؛ و نحر شتر افضل است و پس از آن ذبح گاو بهتر است. ذبح غیر از سه حیوان مذکور، کافی نیست.

۱۰۳۶- یک گوسفند، کمترین چیزی است که برای ذبح کافی است؛ و هرچه بیشتر باشد افضل است؛ و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و شصت و شش تای آنها را برای خودشان، نحر کردند.

کفایت گاومیش

۱۰۳۷- گاومیش در ذبحِ واجب، کافی است هرچند گفته‌اند کراهت دارد.

شرکت در هدی

۱۰۳۸- شراکت در یک هدی برای چند نفر، در حال اختیار کفایت نمی‌کند؛ بلکه در حال ضرورت نیز، محل اشکال است؛ و احتیاط واجب جمع بین شرکتِ در ذبح و روزه است که خواهد آمد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللَّه فاضل: اگر چه بعید نیست در حال ضرورت یک هدی برای چند نفر به شراکت کفایت کند و دراین صورت احتیاط مستحب جمع بین شراکت در هدی و روزه است.

(۴)- آیهٔ اللَّه صافی: در صورت ضرورت مثل این‌که جز یک قربانی پیدا نشود و بواسطه بهای زیادی که مالک آن معیّن کرده هر یک نتوانند آنرا بخرند یا اگر بیشتر از یک قربانی پیدا شود بواسطه گرانی قیمت نتوانند خریداری نمایند بطور شرکت خریداری نمایند و قربانی کنند و احتیاطاً بدل آن روزه بگیرند ولی اگر یک قربانی بیشتر پیدا نشود و هر یک بتوانند آنرا خریداری نمایند هر کدام توانستند باید قربانی نمایند بنا بر این اگر یک نفر قربانی داشته باشد نمی‌تواند دیگران را با خود شریک کند. (آداب و احکام حج، ص ۳۱۳، مسأله ۷۹۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۴

خرید مجموعی گوسفند

۱۰۳۹- اگر کسی با پولهایی که حجاج به یک اندازه به او پرداخت نموده‌اند، برای همه آنان تعدادی گوسفند بخرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد کند، کفایت می‌کند؛ و با فرض تفاوت گوسفندان در قیمت، اگر صاحبان پول راضی باشند، اشکال ندارد.

ترک ذبح

۱۰۴۰- اگر شخصی مثلا به اعتقاد این‌که گوشت گوسفند تلف می‌شود، قربانی نکند وبا همین کیفیت تقصیر کند، و اعمال حج را انجام دهد، اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

معاینه با احتمال نقص

۱۰۴۱- اگر احتمال نقص یا مرض یا کمبود سن در گوسفند باشد، احتیاط آن است که آن را

---

(۱)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر صاحبان پول اجازه داده باشند مانعی ندارد ولی رضایت قلبی کافی نیست.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر صاحبان پول راضـی باشند و ذابح وکالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۴۱).

آیهٔ اللّه فاضل: لیکن بهتراست که وکالت بگیرد در مقابل وجه مورد توافق، یک گوسفند به نیابت از او قربانی کند و مجاز باشد که برای ذبح نایب هم بگیرد.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: قربانی کند و بعد تقصیر نماید و کفّاره ازاله شَعْر را بدهد.

آیهٔ اللّه سیستانی: باید فوراً لباس دوخته را بیرون آورد و محرّمات احرام را ترک کند و قبل از پایان ایام تشریق ذبح کند وگرنه حج او باطل است بنابر احتیاط.

آیـهٔ اللّه فاضل: ظاهراً از احرام خارج نشـده و لازم است محرّمات احرام را رعایت کنـد و اگر تا پایان ایام تشـریق ذبـح کنـد حجّش صحیح است و الّا بنابر احتیاط باطل است و باید باعمره مفرده از احرام خارج شود.

آیـهٔ اللّه مکارم: اگر قربانی در منی از بین می‌رود و به هیـچ وجه قابل اسـتفاده نیست، بایـد پول آنرا کنار گـذارد و در شـهر خودش قربـانی کنـد (در مـاه ذی حجه آن سـال و اگر نتوانست در سـال بعـد در ایـام تشـریق). و در حـال حاضـر که به حسب ظـاهر از بین نمی‌رود، و قربانگاهها در خارج منی است، مخیر است که در آنجا قربانی کند یا در وطن خود در ماه ذی الحجه.

(۳) آیـهٔ اللّه تبریزی، آیـهٔ اللّه خویی: اگر بایع اهل خبره بود و از سن هدی خبر داد می‌توان به قول او اعتمادکرد. (المسائل الشـرعیه، ج ۱، ص ۳۷۶ وصراط النجاهٔ).

آیهٔ اللّه مکارم: در صفات پنهانی حیوان می‌توان به قول فروشنده ظاهر الصلاح قناعت کرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۵

معاینه کننـد، اگرچه در فرض احتمال حدوث عیب- مثل احتمال گوش یا دم بریدگی یا خصـی بودن- اقوی عدم لزوم معاینه است؛ و در عیب‌هایی که محتمل است از حال تولد داشته، احتیاط ترک نشود.

۲- شرایط قربانی

آنچه در هدی معتبر است

اشاره

۱۰۴۲- در هدی چند شرط باید رعایت شود:

اول- سن شتر، کمتر از پنج‌سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد؛

و سن گاو بنابر احتیاط واجب، کمتر از دو سال نباشـد و داخل در سه سال شـده باشـد؛ و همچنین سن بز کمتر از سن گاو نباشـد؛ و سن میش به احتیاط واجب، کمتر از یک‌سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم- باید صحیح باشد؛ و حیوان مریض، کافی نیست، حتی مثل کچلی بنابر احتیاط.

---

(۱)- آیهٔ اللّه تبریزی: در موارد احتمال نقص و مرض مطلقاً فحص لازم نیست.

آیهٔ اللّه خویی: متعرض این فرع نشده‌اند.

آیهٔ اللّه سیستانی: فحص مطلقاً لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که فحص کند مخصوصاً اگر احتمال نقص از هنگام ولادت در میان باشد.

آیهٔ اللّه مکارم: بعید نیست قول فروشنده در مورد سنّ حیوان و یا اخته نبودن یا سایر عیوب پنهانی که خریدار نمی‌داند مقبول باشد.

(۲)- آیهٔ اللّه فاضل: اگر گاو داخل در سال دوم شده باشد کفایت می‌کند ولی بهتر است کمتر از دو سال نباشدو همچنین است اگر قربانی بز باشد و اگر میش باشد کمتر از یک سال هم کفایت می‌کند ولی احتیاط مستحب است که کمتر از یکسال نباشد.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

(۴)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: گوسفند بایستی هفت ماهش تمام و وارد ماه هشتم باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یک سالش تمام و در سال دوم داخل شده باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: و در میش به احتیاط کمتر از...

(۵)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط اولی این است که مریض نباشد.

آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب باید صحیح باشد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی، متعرض این حکم نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۶

سوم- باید خیلی پیر نباشد. چهارم - باید تام الأجزاء باشد و ناقص کافی نیست؛ پس اگر کوری یا لنگی آن واضح باشد- بنابر اقوی- کافی نیست؛ و اگر واضح نباشد نیز- به احتیاط واجب- کافی نیست؛ و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد؛ و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده، نباشد.

پنجم- باید لاغر نباشد؛ و اگر در گُرده آن پیه باشد، کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم- باید «خصی» نباشد؛ یعنی خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم- بیضه آن را- بنابر احتیاط واجب- نکوبیده باشند.

---

(۱)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط اولی آن است که خیلی پیر نباشد یعنی مغز استخوانش آب نشده باشد.

آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: باید تام‌الاعضاء باشد پس کافی نیست کور (هر چند یک چشم‌باشد) و لنگ و گوش بریده و آن که شاخ داخلش شکسته است و مانند آن.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه خامنه‌ای: باید تام الاجزاء باشد پس کور و یک چشمی و لنگ و گوش بریده حتّی‌اگر قلیلی از گوش بریده باشند و آن‌که از شاخ اندرونی آن چیزی ناقص است مجزی نیست. (مناسک شیخ ص ۷۵).

(۴)- آیهٔ اللّه مکارم: لنگی مختصر عیب ندارد.

(۵)- آیهٔ اللّه بهجت: باید لاغر نباشد و مشهور کفایت بودن پیه در گرده اوست و احوط آنستکه علاوه بر این‌اورا در عرف لاغر نگویند (مناسک شیخ ص ۷۵).

(۶)- آیهٔ اللّه مکارم: بر کلیه آن مقداری چربی باشد کافی است.

(۷)- آیهٔ‌اللّه‌خویی: بایدعرفاً لاغر نباشد وپیه داشتن در گرده ملاک نیست. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۴).

آیة اللَّه سیستانی: معتبر است که قربانی عرفاً لاغر نباشد.

(۸)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه فاضل: بنابر احوط قربانی نباید اخته باشد.

(۹)- آیة اللَّه بهجت: اظهر اجزاء موجوء است. (مناسک ص ۷۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیة اللَّه خامنه‌ای: کوبیده نبودن بیضه شرط نیست مگر این‌که به حدّ اخته شدن برسد.

آیة اللَّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که بیضه آن را نکوبیده باشند.

آیة اللَّه گلپایگانی، آیة اللَّه مکارم: جایز است کشتن حیوانی که بیضه آن را کوبیده باشند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۷

هشتم- بنابر احتیاط واجب، در اصل خلقت، بی‌دم نباشد؛ و اگر در خلقت اصلی، گوش یا شاخ نداشته باشد، کفایت، بعید نیست اگرچه خلاف احتیاط است. نهم- در اصل خلقت بی‌بیضه نباشد. ۱۰۴۳- بنابر احتیاط واجب، تخم‌های گوسفند تابیده نشده باشد. ۱۰۴۴- اگر غیر از خصی یافت نشود، کفایت ذبح خصی بعید نیست، گرچه احتیاط در جمع

---

(۱)- آیات عظام صافی، گلپایگانی: احتیاط واجب آن‌است‌که حیوانی راکه شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

آیةاللَّه بهجت: باکی‌نیست اگر گوش اوشکافته یا سوراخ باشد اگر چه احوط ترک این دو و ترک حیوانی که شاخ یا دم از برای او در اصل خلقت نباشد و همچنین آن حیوان که عروق و بیضتین او را مالیده باشند که او را موجوء و مرضوض الخصیتین گویند اگر چه اظهر اجزاء موجوء است (مناسک شیخ ص ۷۵).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: احوط و اولی این است که قربانی طوری نباشد که از اصل خلقت شاخ و دُم نداشته باشد.

آیة اللَّه خامنه‌ای: فقدان اعضایی که در همه اصناف این حیوان وجود دارد ونقص محسوب می‌شود، مانع اجزاء است مانند بیضه وگوش ودر غیر آنها مانند شاخ و دُم اگر در این صنف از حیوان معمولًا وجود دارد، فقدان آن نقص محسوب می‌شود و مانع است و الّا نه.

آیة اللَّه مکارم: اگر در اصل خلقت بی‌دم باشد اشکال ندارد.

(۲)- آیة اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

(۳)- آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه گلپایگانی: به مسأله ۱۰۴۲ (شرایط هدی) مراجعه شود.

آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر به حدّ اخته شدن برسد مجزی نیست.

آیة اللَّه خویی: مسأله در مورد کوبیده نبودن، و تابیده و مالیده نبودن مبتنی بر احتیاط استحبابی است، بلی باید خصی یعنی اخته نباشد. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۴).

آیة اللَّه سیستانی، آیة اللَّه فاضل: احتیاط مستحب است.

(۴)- آیة اللَّه بهجت: اگر تأخیر انداخت و پیدا نشد اشکال ندارد و جمع می‌کند بین آن و روزه.

آیة اللَّه تبریزی: و کسی که نتواند قربانی را ولو با صبر کردن تا آخر ذی‌حجه به این شرایط تهیه کند، هرچه ممکن باشد کافی است.

آیةاللَّه خویی: وکسی که نتواند قربانی را به‌این شرایط تهیه‌کند، هرچه ممکنش‌باشد همان کافی است.

آیة اللَّه سیستانی: اگر تا روز سیزدهم ذی‌حجه بجز اخته پیدا نشود، همان کافی است.

آیة اللَّه صافی: احتیاط مستحب آنست که سه روز در حج و هفت روز پس از حج روزه بگیرد و این حکم در مورد قربانی ناقص

است چه خصی باشد و چه غیر آن.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: بنابر احتیاط ناقص را ذبح کند و در سال بعد نیز خودش و یا نایبش باید حیوان دیگری را که واجد شرایط است قربانی کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۰۵).

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۸

بین آن و هدی سالم در ماه ذی‌حجه همان سال؛ و اگر نشد، سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه است.

۱۰۴۵- اگر غیر از خصی و مرضوض، گوسفندی یافت نشود، ذبح آن کافی است.

نقص در شاخ

۱۰۴۶- اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد، اشکال ندارد و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ داخل که شاخ سفید است.

شکاف و سوراخ گوش

۱۰۴۷- شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد؛ و احتیاط در عدم ذبح آن است.

فرض یافت نشدن هدی یا هدی سالم

۱۰۴۸- اگر هدی یافت نشود، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی‌حجه در منی ذبح کند؛ و اگر در این سال ممکن نشود، سال بعد ذبح کند. ۱۰۴۹- اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن)، احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هدی تام هم در بقیه ذی‌حجه؛ و اگر نشد، در سال آینده ذبح کند؛ و احتیاط

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۴۲ و ۱۰۴۴.

آیهٔ الله بهجت: ولی بنابر احتیاط روزه هم بگیرد.

آیهٔ الله سیستانی: ذبح خضی در این فرض و ذبح مرضوض مطلقا کافی است.

(۲)- آیهٔ الله سیستانی: اگر تا روز سیزدهم یافت نشود بعید نیست کفایت روزه (که در بخش بعد، مسأله ۱۰۵۱ خواهد آمد) ولی احتیاط مستحب این است که جمع کند بین روزه و ذبح در بقیه ذی حجه اگر ممکن باشد هر چند با سپردن به شخص امین.

(۳)- آیهٔ الله بهجت: در ادامه این فرع می‌فرماید: و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی حجه همان سال، جمع کند بین آن و صوم ده روز.

(۴)- آیهٔ الله بهجت: گذشت در مسأله ۱۰۴۴.

آیهٔ الل فاضل: و بعید نیست اکتفا به همین هدی.

(۵)- آیهٔ الله خویی: اگر تا آخر ذی حجه هدی تام پیدا می‌کند باید صبر کند ولی اگر فعلا متمکن نیست و اعاده کند. (مناسک، مسألهٔ ۳۸۸ و ۳۹۰ و استفتائات، ص ۲۶۷، س ۸۰۹).

آیهٔ الله سیستانی: احتیاط این است که بین ذبح ناقص و روزه اگر در ایام تشریق یافت نشد جمع نماید. و اگر در بقیه ذی حجه هدی تام یافت شود به احتیاط واجب آن را نیز اضافه کنند و همچنین است اگر پول هدی واجد شرایط را ندارد.

آیهٔ الله مکارم: هر گاه صحیح یافت نشود ناقص کافی است و احتیاط مزبور لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۴۹

بهتر آن است که بین ذبح هدی ناقص و هدی تام و روزه جمع کند.

موارد مختلف کشف خلاف یا وفاق در ذبح

۱۰۵۰- اگر حیوانی را به گمان صحیح و سالم بودن ذبح کند بعد معلوم شود که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند. ۱۰۵۱- اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کند بعد معلوم شود لاغر است، کافی است. ۱۰۵۲- اگر حیوانی را به گمان لاغری بخرد و به امید آن‌که چاق درآید، برای اطاعت خدا رجاءً ذبح کند و بعد معلوم شود چاق است، کافی است.

۱۰۵۳- اگر احتمال چاقی نمی‌داد یا احتمال می‌داد ولی از روی بی‌مبالاتی نه به امید موافقت امر خداوند، ذبح کرد، کافی نیست.

۱۰۵۴- اگر به لاغری اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است، احتیاط واجب در اعاده است.

---

(۱)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: چنانچه قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و قیمتش را پرداخت و بعد معلوم شد که عیبی دارد، ظاهر این است که می‌تواند به آن اکتفا نماید و لازم نیست قربانی دیگری بنماید.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: در صورت تمکّن.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر حیوانی را به گمان چاقی خرید سپس معلوم شد لاغر است کافی است چه قبل از ذبح معلوم شود چه بعد از آن، ولی اگر خودش گوسفندی داشت و آن را به گمان چاقی ذبح کرد سپس معلوم شد لاغر است به احتیاط واجب کافی نیست.

(۳)- آیات‌عظام تبریزی، خویی، سیستانی، مکارم: اگر اجمالًا قصداطاعت‌امرالهی داشته است کافی است.

(۴)- آیهٔ اللّٰه بهجت: مانع ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: ظاهراً کافی است.

(۵)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: در فرض مزبور کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در مفروض مسأله اگر بعد معلوم شد چاق است کفایت می‌کند. (مناسک فارسی، ص ۱۳۸، مسأله ۱۸۴).

آیهٔ اللّٰه فاضل ...: و بعد معلوم شد چاق است بهتر است اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۰

۱۰۵۵- اگر ناقص بودن را می‌دانست و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است، ظاهراً کافی باشد.

۱۰۵۶- اگر بعد از ذبح کردن، احتمال ناقص بودن یانداشتن سایر شرایط را داد، اعتنا نکند. ۱۰۵۷- اگر کسی پس از ذبح قربانی متوجه شود که سن هَدْی کمتر از حد نصاب است، باید ذبح را اعاده کند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه خویی، آیهٔ اللّٰه فاضل: در صورتی که احتمال بدهد که در حال ذبح احراز شرایط کرده بوده. (مناسک عربی، مسأله ۳۸۸).

آیهٔ اللّه سیستانی: و همچنین اگر شك در این باشد که محل ذبح منی بوده یا جای دیگر.

(۲)- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اگر در ایام تشـریق باشـد بایـد اعاده کند و اگر بعد از آن باشد به احتیاط واجب جمع کند بین اعاده ذبح و روزه.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۱

فصل سوم: نیابت و استنابه در ذبح

۱- اذن و توکیل

عدم کفایت ذبح برای دیگری بدون توکیل

۱۰۵۸- قربـانی برای دیگری بـدون توکیـل ولو بـا اذن فحوی، کـافی نیست؛ و اگر بـدون نیـابت برای دیگری قربـانی کنـد، کفـایت نمی‌کند و پول از مال کسی خارج می‌شود که خرج کرده است مگر آن‌که غروری در بین باشد.

نیابت دادن به نفر دوم و ذبح نایب اول

۱۰۶۰- اگر حج‌گزار شخصـی را در قربانی، نایب قرار دهد، سپس به دیگری نیز نیابت دهد، ولی شـخص اول ذبح نماید، اگر اولی را از وکالت عزل نکرده، کافی است و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت محسوب نمی‌شود.

واگذاری ذبح به دیگری توسط وکیل

۱۰۶۱- اگر کسی را در قربانی وکیل نمایند که خود او ذبح نماید، وکیل مزبور نمی‌تواند به دیگری وکالت دهد.

شک نایب در انجام قربانی برای منوبٌ‌عنه

۱۰۶۲- نایبِ در قربانی، اگر شک کند که برای منوبٌ‌عنه ذبح کرده یا نه، باید برای وی قربانی نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: چنانچه احراز رضایت کرد و شاهد حال هم دالّ بر رضایت بود؛ به طوری که اگر او بفهمدراضی است کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: این ذبح محل اشکال است و احتیاط واجب اکتفا نکردن به ذبح نایب است، بدون اذن قبلی از منوبٌ‌عنه.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: در مسأله قبل بیان شد که در چه صورتی کفایت می‌کند.

آیهٔ اللّه مکارم: یعنی کسی او را فریب داده باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۲

۲- نیت نایب و احکام شک و خلل

حکم نیت در هنگام ذبح نایب

۱۰۶۳- هنگام ذبح، نیّت وکیل کفایت می‌کند و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

نیت ذابح در ذبح قربانی نایب

۱۰۶۴- ذابحی که نایبْ ذبح را به او واگذار کرده، لازم نیست نام منوبٌ‌عنه را ببرد؛ و چنانچه نیت کند آنچه را بر عهده نایب است، انجام دهد، صحیح است.

نیّت وکیل در قربانی در حج نیابی

۱۰۶۵- نایبِ در حج، می‌تواند برای قربانی، دیگری را وکیل کند؛ و وکیل مزبور، نیت می‌کند قربانیِ حجی را که موکّلش از طرف منوب‌عنهِ خود انجام می‌دهد.

ذبح قربانی دیگران قبل از قربانی خود

۱۰۶۶- حج‌گزار می‌تواند قبل از ذبح قربانی خود، برای دیگران ذبح نماید.

احتمال عدم عمل نایب به شرایط

۱۰۶۷- اگر بعد از اینکه نایبِ در ذبح، هدی را خرید و ذبح نمود، اگر در صحت عمل او شک

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: باید نیت از صاحب قربانی تا هنگام کشتن مستمر باشد و کشنده لازم نیست نیت کند هرچند احوط و اولی نیت نمودن اوست.

آیهٔ اللَّه صافی: و احوط آن است که علاوه بر نایب خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیّت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیلی را که از طرف او برای ذبح نایب می‌گیرد می‌فرستد نیّت کند ونیّت را تا وقت ذبح مستمر بدارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند. (آداب و احکام حج، ص ۳۱۵).

آیهٔ اللَّه مکارم: نیّت را حاجی می‌کند.

(۲). آیهٔ اللَّه تبریزی: نایب باید نیت کند که برای حج نیابی که انجام می‌دهد قربانی می‌کند و ذابح لازم نیست که نیّت کند هرچند احوط و اولی این است که نیّت کند آنچه را که برعهده نایب است انجام می‌دهد.

(۳)- مراجعه شود به مسأله قبل.

آیهٔ اللّه سیستانی: وکیل باید نیت کند آن قربانی که بر موکلش واجب است.

آیهٔ اللّه مکارم: نیت قربانی را نایب اصلی می‌کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۳

کند، به شکش اعتنا نکند، ولی باید به اصل خرید و ذبح، علم داشته باشد و گمان کفایت نمی‌کند.

ضامن بودن نایب با اخلال به شرایط

۱۰۶۸- اگر نایب عمداً ضوابط شرعی را در اوصاف ذبیحه یا در ذبح آن، رعایت نکند، ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و ذبح اعاده شود.

موارد سهو یا جهل نایب

۱۰۶۹- اگر نایبِ در ذبح از روی اشتباه یا جهل، برخلاف دستور عمل کند، اگر برای عمل اجرت گرفته است، ضامن است و گرنه ضمان او معلوم نیست؛ و در هر صورت ذبح باید اعاده شود.

انجام ذبح و حلق و انکشاف عدم رمی نایب

۱۰۷۰- کسانی که برای رمی، نایب می‌گیرند، اگر به اعتماد اینکه نایب رمی نموده، ذبح و حلق نمایند، سپس معلوم شود که نایب رمی را انجام نداده یا ناقص انجام داده، ذبح و حلق صحیح است؛ هرچند باید رمی تدارک شود.

اگر وکیل ذبح را فراموش کند

۱۰۷۱- اگر وکیلِ در ذبح، ذبح را فراموش کند تا وقت آن بگذرد، حج منوبٌ‌عنه صحیح است، ولی قربانی بر ذمه‌اش باقی است؛ و اگر در ماه ذی‌حجه فهمید، باید در صورت امکان، در

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: احتیاطاً اطمینان لازم است.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر نایب ثقه باشد و خبر دهد از ذبح کافی است.

(۲)- آیهٔ اللّه صافی: این فرع مجمل است و تفصیلی دارد.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

(۳)- آیهٔ اللّه خویی: ظاهراً به نظر ایشان فرض مزبور مطلقاً مورد ضمان است چون اتلاف مستند به نایب‌است و عدم ضمان وکیل بدون تعدی و تفریط در مورد تلف است نه اتلاف. (مراجعه شود به مستند العروه، کتاب الاجاره، ص ۲۴۵ و ۲۴۷). و نظر آیهٔ اللّه تبریزی هم همین است.

آیهٔ اللّه سیستانی: در هر دو صورت ضامن است.

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر مقصّر بوده ضامن است.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر خلاف موجب عدم اجزاء شود در هر صورت ضامن است و اعاده لازم است.

آیهٔ اللَّه فاضل: و نیز اگر تلف مستند به ذابح باشد بنابر احتیاط ضامن است اگر چه عمل را تبرعاً انجام داده باشد.

(۵)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب اعاده شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۴

همان ماه قربانی کند؛ و گرنه باید آن را در سال آینده در منی انجام دهد.

۳- شرایط ذابح

ایمان ذابح

۱۰۷۲- ذابح- بنابر احتیاط واجب - باید مؤمن باشد، بلکه خالی از قوت نیست و همین‌طور در ذبح کفارات.

۱۰۷۳- اگر قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد، کفایت نمی‌کند و باید دو مرتبه قربانی کند هرچند در وقت قربانی متوجهِ مؤمن نبودن ذابح نشود، یا جاهل به مسأله باشد.

ضمان با واگذاری ذبح موکّل به غیر واجد شرط

۱۰۷۴- افرادی که برای قربانی از حجاج پول گرفته‌اند، اگر ذبح را به غیر مؤمن ذبح واگذار کنند، کفایت نمی‌کند و ضامن می‌باشند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر پس از ایام تشریق در ماه ذی‌حجه متوجه شود به احتیاط واجب جمع کند بین روزه و ذبح.

(۲)- آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، نوری: در صورتی که ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد و امّا اگر از اوخصوص ذبح را خواسته باشد لازم نیست مؤمن باشد و خودش باید قصد قربانی و قربت را انجام دهد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: ایمان شرط نیست ولی شرایط دیگر را باید دارا باشد. (مناسک س ۱۵۲).

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: اگر مسلمان باشد کفایت می‌کند و شیعه بودن ذابح لزومی ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: تمام مسلمانان که ذبیحه آنان پاک وحلال است می‌توانند ذبح کنند.

(۴)- آیهٔ اللَّه نوری: گذشت که اگر خصوص ذبح از غیر مؤمن را خواسته باشد کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

(۵)- نظر آیات عظام از مسأله قبل معلوم می‌شود.

(۶)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۷۲

آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۱۰۶۹ مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۵

فصل چهارم: تقسیم ذبیحه

۱۰۸۲- احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند: یک قسمت را هدیه بدهند؛ و یک قسمت را به مؤمنین صدقه بدهند؛ و قدری هم از ذبیحه بخورند؛ ولی هیچ‌یک از این احتیاطها واجب نیست؛ و اگر صدقه را به فقرای کفار بدهد یا آن‌که تمام ذبیحه را به آنها بدهد، اشکال ندارد و

---

(۱)- آیهٔ اللّه فاضل: مستحب است که...

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: احوط آنستکه قدری از ذبیحه بخورند و قدری هدیه دهند و قدری صدقه دهند و لازم‌نیست بنابر اظهر که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ثلث ذبیحه باشد و نیز در خصوص سهم صدقه احوط آنستکه بر مؤمنین بوده باشد و اگر به اختیار خود به غیر مؤمن بدهد احوط ضمان اوست یعنی قیمت قدری از آن را بعنوان صدقه به فقیر می‌دهد و همین احتیاط در سهم هدیه به مثل اتلاف و بیع جاریست و عمل به احتیاط به مثل توسیط فقیر یا استیکال او ممکن است، و در صورت عدم امکان، این تکلیف ساقط است (مناسک شیخ ص ۷۶ ومناسک س ۱۵۸).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: این احتیاط واجب است ولی نسبت به صدقه انسان می‌تواند از فقیر مؤمن و نسبت به هدیه از مؤمن دیگری ولو از شهر خودش وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید و در صورتی که در منی متمکن از تقسیم نیست اخذ وکالت مزبور لازم است و اگر این عمل را با فرض تمکن انجام ندهد بنابر احتیاط واجب ضامن است. (مستفاد از مناسک، مسأله ۴۰۴).

آیهٔ اللّه سیستانی، در دو قسم اول با متن موافق هستند و اما در قسم سوم می‌فرمایند: بنابر احتیاط واجب آن را به فقرای مسلمانان صدقه دهد. و اگر صدقه دادن ممکن نباشد یا موجب مشقّت و زحمت زیادی شود وجوب آن ساقط می‌شود و رساندن آن به خود فقیر لازم نیست بلکه کفایت می‌کند به وکیل او داده شود اگر چه وکیل خود قربانی کننده باشد آنگاه وکیل بر حسب اجازه موکّل در آن تصرّف می‌کند به هدیه دادن یا فروش یا اعراض از آن و یا غیر اینها (مناسک مصرف قربانی حج تمتّع، ص ۲۹۴).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن بدهد و این‌که هریک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد و در هدیّه فقر شرط نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۴۵۵

آیهٔ اللّه مکارم: تقسیم ذبیحه به سه قسمت واجب نیست ولی واجب است که قسمتی از آن را به فقراء بدهند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۶

ضامن حصه فقرا نیست ولی احتیاط- خصوصاً در خوردنِ قدری از ذبیحه- خیلی مطلوب است.

۱۰۸۳- تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست، و فروش یا هبه سهم فقیر، قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است. بنابراین، عمل بعضی، که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر، ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می‌فروشند یا هبه می‌کنند، صحیح نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: بلکه به احتیاط واجب ضامن حصّه فقرا است مگر این که قربانی ارزش مالی خود را به دلیل فراوانی بیش از حد از دست بدهد.

(۲)- نظر یه آیات عظام در قبل گذشت.

(۳)- آیهٔ اللّه فاضل: توسط فقیر یا وکیل او.

(۴)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: جایز است قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت‌بگیرد که در یک سوّم

قربانی طبق خواسته او تصرف کند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: نسبت به صدقه و اهدا، انسان می‌تواند از فقرا و مؤمنین آشنا در شهر خود وکالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از ذبح از طرف آنها قبول کرده و بدون تقسیم اعراض نماید. (مناسك فارسی، ص ۱۴۰، مسأله ۱۹۰ و ۱۹۱).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۷

فصل پنجم: عدم تمکن بر هدی و احکام صوم بدل

۱- غیر متمکن و حکم آن

۱۰۸۴- اگر قادر بر ذبح نباشد، باید سه روز در حج، و هفت روز پس از مراجعت از حج، روزه بگیرد.

۱۰۸۵- مراد از عدم قدرت بر ذبح، نداشتن هدی و پول آن است. ۱۰۸۶- اگر قرض بدون زحمت و مشقت ممکن باشد و مابه ازای آن را جهت ادا داشته باشد، باید قرض کند و ذبح کند.

۱۰۸۷- فروش لباس اگر چه لازم نیست، ولی اگر لباس زاید داشت و فروخت، ظاهراً باید ذبح کند، و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد. ۱۰۸۸- اگر فروشِ مؤونه زاید سفر، بدون مشقّتْ ممکن باشد، باید برای خرید هدی بفروشد؛ ولی فروش لباس هرگونه که باشد، لازم نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: و قدرت اقتراض یا فروش زاید از مؤونه سفر را هم که در مسائل آینده گفته می‌شود نداشته‌باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: گذشت که لباس زائد را بفروشد و ذبح کند و روزه لازم نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه مکارم: در این صورت روزه لازم نیست.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه صافی: فرق بین لباس و غیر آن در صورتیکه زائد بر مؤونه باشد نیست.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: فرقی بین لباس و غیر لباس نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر لباس مورد حاجت او نباشد بنابر احتیاط واجب باید آن را بفروشد و قربانی تهیه کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: لباسی که مورد حاجت است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۸

۱۰۸۹- جهت تهیه پول هدی، کسب لازم نیست، ولی اگر کسب و تهیه کرد، باید ذبح کند.

۲- شرایط روزه بدل از ذبیحه

اشاره

۱۰۹۰- سه روز روزه را باید در ماه ذی حجه بگیرد؛ و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر نگیرد. ۱۰۹۱- باید این سه روز دنبال هم باشد.

ایام تشریق

۱۰۹۲- اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشـتم و نهم و یک روز دیگر را بعـد از مراجعت از منی روزه بگیرد؛ و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق، که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است، بگیرد.

حرمت روزه در ایام تشریق

۱۰۹۳- روزه این سه روز در ایام تشریق، در منی، جایز نیست، بلکه در ایام تشریق در منی، روزه برای همه حرام است، چه حج به‌جا بیاورند یا نه.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر مناسب باشد و عسر و حرج نباشد لازم است کسب نماید.

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: و سه روز اول را می‌تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتّع از اول ماه ذی‌حجه بگیرد.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: باید این ۳ روز یا کاملًا قبل از عیـد قربان قرار گیرد هفتم و هشـتم و نهم. و یا پس از بازگشت از منی و تا آخر ذی‌حجه.

(۳)- آیـهٔ اللَّه تبریزی: کسـی که بایـد در حج روزه بگیرد چنانچه نتواند روز هفتم را روزه بگیرد هشـتم و نهم را روزه گرفته و روز دیگر را پس از بازگشت از منی روزه بگیرد.

آیهٔ اللَّه خویی: این احتیاط استحبابی است. (مستفاد از مناسک، مسأله ۳۹۸ و صریح مستند العروه، ج ۵، ص ۲۷۰).

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: مکلفی که بایـد سه روز در حـج روزه بگیرد اگر موفّق نشـود همه سه روز را پیش از روز عیـد بجـا آورد، بنـابر احتیـاط کفـایت نمی‌کنـد آنهـا را در روز هشـتم و نهم و یک روز دیگر پس از برگشت از منی بگیرد، و افضل این است که پس از سپری شدن روزهای تشـریق این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه جایز است که از روز سیزدهم شروع کند، در صورتی که قبل از آن از منی برگشته باشد، بلکه بنابر اظهر اگرچه در خود روز سیزدهم برگشته باشد. (مناسک، مسأله ۳۹۴).

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: نسبت به غیر ناسک خالی از تأمّل نیست. (وسیله ص ۳۳۰).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۵۹

فصل ششم: شرایط و محل ذبح کفّاره

مکان ذبح کفّاره

۱۱۱۰- کفارات مربوط به عمره تمتع- بنابر احتیاط واجب - در مکه؛ و کفارات مربوط به حج در منی ذبح شود؛ و اگر آن را ترک کرد و به محل خود برگشت، در محل خود ذبح کند و صدقه بدهد.

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: محل ذبح کفاره صـید در عمره مکه است و در حج منی است و احتیاط آن است که دردیگر کفارات نیز به همین نحو عمل کنند ولی اگر در مکّه و منی ذبح نکرد پس از برگشتن از حج در هر محل دیگری ذبح کند کافی است.

آیـهٔ اللَّه صـافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگـانی: در صـورت تمکّن بایـد کفـارات در احـرام عمره را (... آداب و احکـام حـج، ص ۱۷۲) و در صورت عدم تمکّن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن در بلد خود یا جای دیگر ذبح کند.

آیـهٔ اللَّه فاضل: احتیاط این است که کفّاره محرّمات احرام عمره در مکّه ذبح شود و کفّاره محرّمات احرام حج در منی، ولی فعلًا که گوشت آن در آن دو مکان مصـرف فقرای مؤمن نمی‌شود، ذبـح در وطن جایز بلکه مطابق احتیاط است، تا به مصـرف فقرای مؤمن برسد.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط مستحب آن است...

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: جای کشـتن کفاره شـکار در احرام عمره، مکه مکرمه است و جای کشتن کفاره شکار در احرام حج، منی است. کفّاره‌ای که بر محرم برای غیر از شکار واجب شده است، اظهر این است که می‌تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هرجا بخواهد بکشد. و بهتر این است که کفّاره را در حج، خود بکشد.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: و جای کُشـتن کفاره واجب شده به علت شکار در عمره مفرده، مکّه مکرّمه می‌باشد و جای کفاره واجب شده به علّت شـکار در احرام حـج یا عمره تمتع، منی می‌باشد، و همچنین است بنابر احتیاط، کفاره واجب شده به علت سایر محرّمات احرام غیر شکار. (مناسک، مسأله ۲۸۳). و اگر آن را از روی عـذر و یا بدون عذر در منی نکشت تا آن‌که برگشت، بنابر اظهر جایز اسـت آن را در هرجا خواست بکُشد. (مناسک، مسأله ۲۸۴).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورت امکان نایب بگیرد تا از طرف او در مکه یا منی ذبح شود.

آیهٔ اللَّه نوری: در صورت نداشتن قدرت مالی یا پیدا نکردن فقیر مؤمن می‌تواند در شهر خود یا جای دیگر ذبح کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۰

ذبح کفّاره در محل

۱۱۱۱- تأخیر عمدی ذبح کفّاره از مکه، خلاف احتیاط است و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می‌کند.

شرایط گوسفند کفّاره

۱۱۱۲- شرایط هدی تمتع و هیچ شرط دیگر، در قربانی کفّاره، معتبر نیست و ذبح گوسفند خصی و معیوب نیز کفایت می‌کند.

حکم اکل از گوشت کفّاره

۱۱۱۳- شخص کفّاره دهنده نمی‌تواند از گوشت کفاره واجبه، تناول کند؛ ولی از قربانی استحبابی، جایز است.

مصرف کفّارات

۱۱۱۴- مصرف کفارات، فقرا و مساکین هستند.

---

(۱)- به مسأله ۱۱۱۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: کفّاره‌ای که بر محرم، برای غیر از شـکار واجب شده است، علی الظاهر این است که می‌تواند کشتن آن را تا بازگشتن از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد. (مناسک عربی، مسأله ۲۸۴)

آیهٔ اللَّه مکارم: تأخیر تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: هر چند احتیاط این است که آن شرایط در کفّاره نیز مراعات شود.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: عیبی ندارد که مقداری از آن را خودش بخورد و قیمت آن را برای فقرابه عهده بگیرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: و احتیاط این است که خود کفّاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده به فقرا صدقه بدهد. (و آیهٔ اللَّه فاضل اضافه می‌فرمایند: و نزدیکان او نیز اگر فقیر نیستند از آن نخورند).

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: باید مؤمن باشند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید مسلمان بلکه به احتیاط واجب مؤمن باشند مگر این‌که مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

آیهٔاللَّه فاضل: مصرف کفّاره، فقیر مؤمن است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متن مطابق احتیاط است.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که کفّاره غیر سادات به سادات داده نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۱

عدم جواز صرف کفّاره در واجب النفقه خود

۱۱۱۵- شخص فقیر نمی‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را، به مصرف فقرایی که واجب النفقه وی هستند، برساند.

کفایت استنابه

۱۱۱۶- نیابت دادن برای ذبح کفّاره، کافی است و مباشرت لازم نیست، ولی بدون نیابت، مجزی نیست.

محل ذبح گوسفند بدل بیتوته

۱۱۱۷- ذبح گوسفند بدل بیتوته، در هر مکانی حتی محل خودش، جایز است اگر چه احتیاط آن است که در منی قربانی کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاط مستحب.

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کفّاره‌ای که بر محرم، برای غیر از شکار، واجب شده است، اظهر این است که می‌تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفّاره را در حج خود بکشد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای؛ آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند و اگر نکرد بنابر اظهر هر جا که قربانی نماید مجزی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۲

فصل هفتم: بعضی مسایل متفرقه و مستحبات ذبح

۱- مسایل متفرقه ذبح

اشاره

۱۱۱۸- اگر پول کسی گم یا سرقت شود و به نحوی به او پول باز گردانده شود، اگر می‌داند که پول خود او است، صرف آن و خرید قربانی با آن مانع ندارد.

قطع سر گوسفند در حال حیات آن

۱۱۱۹- بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است، قطع کنند، کار حرامی است، ولی ذبیحه، حلال است و کفایت از قربانی می‌کند.

مقدار لازم استقبال در حال ذبح

۱۱۲۰- رو به قبله بودن قربانی در حال قطع اوداج اربعه، کافی است.

ذبح با کارد استیل

۱۱۲۱- ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه، صحیح نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر می‌داند آن شخص دزد است مانع ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: و همچنین اگر شرایط تقاص حاصل باشد و به هر حال اگر قربانی را به نحو کلی فی‌الذمه بخرد و با آن پول، قیمت آن را ادا کند مجزی است.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: مانعی ندارد ولی اگر عمداً چنین کند استفاده از گوشت آن مکروه است بلکه خلاف احتیاط است (رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۸۲۳).

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط لازم، ذبیحه حلال نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این کار حرام نیست ولی بهتر است این کار را نکند.

(۴)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر در تیزی و حدّت مثل آهن باشد تا انتهای ذبح، بعید نیست حکم آهن را داشته باشد به الغای خصوصیت. (مناسک، س ۱۵۹).

آیهٔ اللّٰه تبریزی: مانعی ندارد، بلی اگر در محلّ ذبح آهن باشد، احتیاط مستحب آن است که با آن ذبح کند.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: وسیله ذبح باید آهن باشد و استیل (فولاد همراه با مواد ضد زنگ) در حقیقت همان آهن است و ذبح با آن مانع ندارد.

آیهٔ اللّٰه خویی: ذبح با آن مانعی ندارد. (صراط النجاهٔ، ج ۱، ص ۲۹۲).

آیهٔ اللّه سیستانی: خالی از اشکال نیست.

آیهٔ اللّه صافی: اگر محرز نباشد که استیل آهن است صحیح نیست.

آیهٔ اللّه فاضل: ذبح با کارد استیل مانع ندارد.

آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه نوری: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۳

تهیه قربانی از غیر مخمّس

۱۱۲۲- اگر پول قربانی، از وجه غیر مُخَمَّس باشد، کفایت نمی کند.

خرید ده گوسفند و پرداخت پول نه تا

۱۱۲۳- اگر کسی مثلًا ۱۰ رأس گوسفند خریداری نماید بعداً بفهمد که پول ۹ رأس را پرداخت نموده است، به صحت ذبح ضرر نمی‌زند ولی باید پول باقی‌مانده را با یأس از شناسایی صاحبش، از طرف او به فقیر صدقه دهد.

نجس شدن لباس احرام در هنگام ذبح

۱۱۲۴- مُحرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۳۴۶.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر معامله به ذمّه باشد، ظاهراً کافی است. (مستفاد از س ۹۷ مناسک).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه نوری: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است ولی ذمه‌اش به اندازه خمس مشغول است.

آیهٔ اللّه مکارم: کفایت می کند.

(۲)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: باید فقیر مؤمن باشد.

آیهٔ اللّه سیستانی: و به احتیاط واجب باید به اذن حاکم شرع باشد.

(۳)- آیهٔ اللّه مکارم: منظور قیمت ارز آزاد است.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: بنابر احوط. (مناسک، شیخ ص ۱۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

(۵)- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: بنابر احتیاط لباس را تطهیر کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احتیاط مستحب تعویض یا تطهیر آن است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۴

۱۱۲۵- مباشرین امر ذبح و نظارت بر آن ولو این که بدانند لباس ایشان خون‌آلود می‌شود، اگر معذور از تبدیل یا تطهیر می‌باشند، اشکال ندارد و اگر حج ایشان نیابی هم باشد، به صحت آن ضرر نمی‌زند.

۲- مستحبات هدی

۱۱۲۶- مستحبات هدی چند چیز است:

۱- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

۲- قربانی بسیار فربه باشد.

۳- در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.

۴- شتری که می‌خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَما أ نَا مِنَ الْمُشْرِکینَ انَّ صَلاتِی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَمَاتِی للَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ لا شَرِیکَ لَهُ وَبِذلِکَ امِرْتُ وَأنا مِنَ الْمُسْلِمِینَ، أللَّهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أکْبَرُ، أللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی».

۵- این که خود قربانی را ذبح کند و اگر نتواند، دست خود را بالای دست ذابح بگذارد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر ممکن است، به احتیاط واجب بایـد مبادرت به تطهیر یا تبدیل کند یا ابتدا ازاحرام خارج شود سپس به این کار بپردازد.

(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: به قصد رجا و امید ثواب بجاآورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۵

باب یازدهم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۶

سَیِّدِی

إنْ کُنْتَ لا تَغْفِرُ إلا لِاوْلِیَائِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ فَإِلَی مَنْ یَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ

وَ إنْ کُنْتَ لا تُکْرِمُ إلا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِکَ

فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ

قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله:

خَصْلَتانِ لَيسَ فَوقِهُما مِنَ البِرِّ شَيْء:

الإيمانُ باللّهِ وَالنَّفْعُ لِعِبادِ اللّهِ

وَخَصْلَتانِ لَيسَ فَوْقَهُما مِنَ الشَرِّ شَيْءٌ:

الشِّرك باللّهِ وَالضرّ لِعبادِ اللّهِ

تحف‌العقول ص: ۳۵

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۷

باب یازدهم: شرایط و کیفیت حلق و تقصیر

فصل اول: شرایط و کیفیت حلق و تقصیر

نیت حلق و تقصیر

۱۱۲۷- حلق و تقصیر از عبادات است و بایـد با نیت خالصِ از ریا و برای اطاعت خداوند متعال انجام شود و بدون اخلاص صـحیح نیست و آنچه باید به وسیله آن حلال شود، حلال نمی‌شود.

عدم کفایت کندن مو

۱۱۲۸- در تقصیر، کندن مو کافی نیست؛ بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد.

موارد کفایت و عدم کفایت مو

۱۱۲۹- اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن، مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

عدم کفایت تراشیدن ریش

۱۱۳۰- تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی‌کند.

کسانی که سر آنها مو ندارد

۱۱۳۱- کسانی که حلق بر آنها متعین است، اگر سر آنها مو نداشته باشد، باید تیغ را بر سر آنها بکشند و کفایت می‌کند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی است. (آداب و احکام حج، ص ۲۷۵)

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط مستحب آن است که به گرفتن ناخن اکتفا نکند.

(۲)- به مسأله ۸۹۶ تقصیر مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در تقصیر بنابر احتیاط واجب باید موی سر یا ریش یا سبیل خود را کوتاه کند و بنابر احتیاط واجب گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بلکه احتیاط واجب این است که ناخن گرفتن بعد از کوتاه کردن مو باشد.

آیهٔ اللَّه مکارم: گرفتن ناخن به تنهایی کافی نیست بنا بر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط تقصیر هم بکند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: طایفه اول از آن سه طایفه، همانطور که گذشت، مخیّر بین حلق و تقصیر هستند.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: در این صورت تقصـیر متعین است و بنابر احتیاط تیغ را به سـر بکشـند و در صـروره این احتیاط ترک نشود. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۵۳).

آیهٔ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط مستحب تقصیر هم بکند.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط جمع میان آن و ناخن گرفتن است و اگر ریش یا شارب دارد کمی از آن را نیز احتیاطاً کوتاه کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۸

۱۱۳۲- کسانی که بین حلق و تقصیر، مخیر هستند، اگر سرشان مو نداشت، باید تقصیر کنند؛ و اگر هیچ مو نداشتند- حتی موی ابرو - باید ناخن بگیرند؛ و اگر آن را هم نداشتند، تیغ را بر سر بکشند و کافی است.

حکم معذور از حلق

۱۱۳۳- کسـی کـه وظیفـه او حلـق است ولی از آن معـذور است، لزوم و کفـایت تقصـیر، بعیـد نیست؛ ولی احـوط آن است که این احتیاط را به غیر رجوع کند.

تقصیر بجای حلق و مسأله کفّاره

۱۱۳۴- در فرض تعیّن حلق، تقصیر در صورت جهل، کفّاره ندارد؛ و در فرض علم، احوط

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: موی صورت را کوتاه کند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: احتیاط این است که به کوتاه کردن موی ابرو اکتفا نکند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: اکتفا به کوتاه کردن موی ابرو محل اشکال است.

آیـهٔ اللَّه خویی، آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: در کوتاه کردن مو بنابر احتیاط واجب بایـد مقـداری از موی سـر یا ریش یا سبیل را کوتاه کنـد. (مناسک، مسأله ۳۵۴).

آیـهٔ اللَّه فاضـل: تقصـیر با موی ابرو و سـینه و پا مجزی و صـحیح است ولی احتیاط مسـتحب است که از موی سـر یا ریش یا شارب تقصیر کنند.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن موی ابرو دلیلی ندارد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۱۱۴۳ مراجعه شود.

آیـهٔ اللَّه فاضـل: رعـایت این احتیـاط برای کسـی که سـال اوّل او است مطلقـاً لازم نیست و نسبت به چنـد طایفه که در مسأله ۱۱۴۳ گذشت که به احتیاط واجب باید سر بتراشند، در فرض مذکور رعایت این احتیاط برای آنها لازم نبوده و تقصیر کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: مانند مسأله ۱۱۴۳ است.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: صروره مخیّر بین حلق و تقصیر می‌باشد و تقصیر مزبور کفایت می کند.

(۵)- حکم مسأله ۱۱۴۶ را دارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن مو کافی است ولی گرفتن ناخن به تنهایی کفایت نمی کند بنا بر احتیاط.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۶۹

است؛ و در هر صورت- بنابر احتیاط- باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را بجا آورده، اعاده کند.

تراشیدن سر با ماشین به جای حلق

۱۱۳۵- کسی که وظیفه او حلق بوده ولی به جای آن سر خود را با ماشین تراشیده و اعمال را به پایان برده و بازگشته، در صورت امکان باید به مکه برود و در منی حلق کند و بعد از آن، طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به‌جا آورد و در این اعمال باید نیت اتمام حج سفر اول را نماید؛

و اگر نمی‌تواند برود یا رفتن برای او حرجی است، در محل خود حلق کند و بنابر احتیاط، مویش را به منی بفرستد و در بقیه اعمال فوق، نایب بگیرد؛

و اگر بعد از سفر اول (بدون تکمیل اعمال آن) باز به حج مشرف شده و سر را ماشین نموده، احتیاط را مراعات نماید.

نحوه حلق

۱۱۳۶- احتیاط آن است که کسی که حلق می کند، تمامش را حلق کند.

عدم جواز ماشین کردن قبل از حلق

۱۱۳۷- کسانی که وظیفه آنها حلق است، بنابر احتیاط، جایز نیست بواسطه زیادی مو، اول سر

---

(۱)- به مسأله ۱۱۵۹ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله ۱۱۴۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در فرض جهل، اعاده واجب نیست گرچه احوط است.

آیهٔ اللَّه فاضل: به مسأله ۱۱۵۹ و حاشیه مسأله ۱۱۵۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: چنانچه گذشت حلق واجب نیست.

(۲). آیات عظام بهجت، خویی، فاضل، مکارم: صروره (کسی که بار اول حج اوست) بین حلق و تقصیر مخیراست، گرچه احتیاط این است که حلق کند.

آیات عظام تبریزی، نوری: چون حلق برای صروره (کسی که بار اول حج اوست) متعین نیست، بنابر این حجها هر سه صحیح است و چیزی بر وی واجب نمی‌باشد.

آیات عظام خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: چون تراشیدن سر به‌عنوان تقصیر بنابر احتیاط است، اگر در این مسأله به کسی که تقصیر را کافی می‌داند مراجعه نماید تکلیفی بر او نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حلق با ماشین ته‌زن کافی است، گرچه احتیاط مستحب با تیغ است. (ملحق مناسک، س ۳۵۱).

(۳)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی: بلکه باید تمامش را بتراشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه نوری: مخیّر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و یا چیدن ناخن، که درمسأله ۱۱۴۳ ذکر شد، می‌باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۰

را ماشین و بعد آن را بتراشند، هرچند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد، کفّاره دارد.

عدم جواز جواز کوتاه کردن مو در اثنای حلق

۱۱۳۸- برای حلق کننده تا حلق تمام نشده، کوتاه کردن و ماشین کردن موی سر جایز نیست؛ ولی اگر بعد از ماشین کردن، تمام سر را تراشیده، از حلق کافی است.

جواز اکتفا به مقدار کم در تقصیر

۱۱۳۹- در تقصیر، چیدن مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب به هر نحو و با هر وسیله‌ای و یا ناخن گرفتن، کفایت می‌کند، و بهتر است که بین هر دو جمع کند.

جواز حلق و تقصیر توسط دیگری

۱۱۴۰- جایز است حاجی خودش سرش را بتراشد، یا به دیگری بدهد؛ و همچنین است تقصیر؛ ولی باید خودش نیت کند و بهتر آن است که آن دیگری هم نیت کند. ۱۱۴۱- کسی که برای دیگری حلق می‌نماید، باید محرم نباشد، هر چند که اگر محرم هم باشد، کفایت می‌کند.

---

(۱)- به مسأله ۱۱۴۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر با ماشین ته‌زن بتراشند کافی است گرچه احتیاط مستحب تراشیدن با تیغ است.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن کافی است.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: بلی می‌تواند به قصد تقصیر مقداری از موی سر خود را بچیند، یا با ماشین کوتاه کند و دراین فرض لازم نیست بقیه سر را حلق کند.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۱۱۴۳.

آیهٔ اللَّه بهجت: گذشت که در صروره حلق، واجب متعیّن نیست.

آیهٔ اللَّه خویی: ماشین کردن تقصیر حساب می‌شود و مجزی است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر با ماشین ته زن بزند کفایت از حلق می‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: کوتاه کردن کافی است.

(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: مراجعه شود به مسأله ۱۱۴۳

آیهٔ اللَّه مکارم: کفایت ناخن گرفتن به تنهایی مشکل است.

(۵)- آیهٔ اللَّه خویی، متعرّض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در رابطه با نیّت سلمانی مطلبی در دست نیست.

(۶)- آیهٔاللَّه تبریزی، آیهٔاللَّه‌خویی: اگر کسی که او راحلق می‌کند ازاحرام خارج‌نشده باشد مجزی نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که از احرام خارج نشده است، جایز نیست برای دیگری حلق یا تقصیر انجام دهد و مجزی هم نیست.

آیات عظام صافی، فاضل، گلپایگانی: اگر کسی که او را حلق می‌کند از احرام خارج نشده باشد، مشکل است.

آیهٔ اللَّه مکارم: خالی از اشکال نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۱

عدم جواز حلق دیگری توسط محرم و جواز ناخن گرفتن

۱۱۴۲- محرم نمی‌تواند، برای دیگری حلق نماید یا موی دیگری را برای تقصیر، و غیر آن بچیند؛ ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: و بعید نیست تقصیر واقع و موجب احلال شود، هر چند با فعلی که بر غیر حرام است‌انجام گیرد (مناسك، س ۱۲۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: و مجزی نیز نمی‌باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۲

فصل دوم: موارد حلق و تقصیر

اشاره

۱۱۴۳- حجاج بعد از ذبح، بین حلق و تقصیر، مخیّرند، مگر افراد ذیل:

کسانی که نباید حلق کنند

اول- زنها باید تقصیر کنند؛ و ظاهراً برای آنها، حلق کافی نیست.

کسانی که لازم است حلق کنند (صروره)

دوم- کسی که سال اول حج او باشد، باید- بنابر احتیاط واجب - حلق کند.

کفایت تقصیر برای نایب غیر صروره

۱۱۴۴- کسی که سال دوم حج او است و به نیابت دیگری و لو صروره، حج بجا می‌آورد، تقصیر برای او کفایت می‌کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: گرفتن ناخن کافی نیست بنابر احتیاط واجب و اگر خواست ناخن بگیرد باید بعد از کوتاه کردن مو باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست.

آیهٔ اللَّه فاضل: و سرتراشیدن برای آنها کافی نیست.

(۳)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سر تراشیدن برای آنها جایز نیست.

(۴)- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احتیاط مستحب این است که سر تراشیدن را اختیار کند، هرچند مخیر بودنش بین حلق و تقصیر خالی از قوت نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: چنین کسی نیز مخیّر است و سر تراشیدن متعیّن نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: سر تراشیدن در این مورد دوّم و نیز سوم و چهارم مستحبّ مؤکّد است. (مناسک شیخ ص ۷۸).

آیهٔ اللَّه وحید: کسی که اولین سفر حج اوست، اقوی جواز تقصیر برای اوست اگرچه سر تراشیدن برای او مستحب موکد است. (مناسک فارسی معظم له صفحه ۲۱۰)

آیهٔ اللَّه نوری: مخیّر بین تراشیدن سر و کوتاه کردن مو یا چیدن ناخن می‌باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۳

۱۱۴۴- حکم احتیاط در حلق برای صروره، حکم سایر احتیاطات را دارد که می‌توان به دیگری رجوع کرد، ولی چون امر مهمی است، رعایت شود.

تقصیر به جای حلق و عدم خروج از احرام

۱۱۴۶- در سفر اول که- بنابر احتیاط - حلق لازم است، اگر کسی حلق نکند، گذشته از معصیت، از احرام هم- بنابر احتیاط- خارج نمی‌شود.

خروج حاجی صبی ممیز از صروره بودن

۱۱۴۷- صبی مُمَیّزی که اعمال حج را صحیح انجام داده، از صروره بودن خارج شده است.

علم به خون آمدن سر در اثنای حلق

۱۱۴۸- صروره- بنا بر احوط- باید حلق کند هرچند بداند در اثنای حلق، سرش خون می‌آید.

تلبید و بافتن مو

سوم و چهارم- کسی که موی سر خود را با عسل یا «صمغ» یا مانند آن برای رفع شپش و..

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۱۴۳.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: گذشت که صروره بین حلق و تقصیر مخیّر است و تقصیر کفایت می‌کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: سر تراشیدن واجب تعیینی نیست می‌تواند فقط قسمتی از مو را کوتاه کند.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۱۱۴۳.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: حلق برای صروره واجب تخییری است.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: بایستی اوّل تقصیر کند و مقداری از موی سر خودرا چیده، سپس سر بتراشد (مناسک، مسأله ۴۱۰).

آیهٔ اللَّه خویی: بلکه باید اول تقصیر کند سپس سرش را بتراشد. (مناسک عربی، مسأله ۴۰۵).

آیـهٔ اللَّه سیستانی: جایز نیست سـر خود را با تیغ بتراشـد بلکه با ماشین تهزن بتراشد و یا در صورتی که مخیّر بین تراشیدن و کوتاه کردن باشـد ابتدا موی خود را کوتاه و سـپس اگر بخواهد سـر خود را با تیغ‌بتراشد واگر باآنچه گفته‌شد مخالفت‌کند کفایت‌می‌کند اگرچه گنهکاراست. (مناسک، مسأله ۴۰۵).

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورتی که پس از فحص، حلّاق ماهری پیدا نکرد که سـر او را خونی نکند، تقصیر نماید و بعـد در ماه ذی حجه هر وقت متمکن شـد حلق نمایـد هرچنـد به مکه آمده باشد و مو را به منی بفرسـتد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۹۰، مسأله ۶).

آیهٔ اللَّه فاضل: تراشیدن سر واجب نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: سر تراشیدن واجب نیست ولی احوط است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۴

چسبانیده باشد؛ و کسی که موی خود را جمع و گره زده و درهم پیچیده و بافته است باید- بنابر احتیاط واجب- سر بتراشند.

خنثی

پنجم- خنثای مشکل اگر از سه دسته اخیر نباشد، باید تقصیر کند و سر نتراشد؛ و اگر از این سه طایفه باشد، واجب است احتیاطاً هم تقصیر و هم حلق کند.

---

(۱)- مانند طایفه قبل است.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، فاضل: احتیاط این است که سر تراشیدن را اختیار کند. بلکه وجوب آن اظهر است.

(۳)- آیـهٔ اللَّه بهجت: سرتراشـیدن برای خنثـای مشـکل جـایز نیست بنابر تخییر که گـذشت، و امّا بنابر تعیّن‌حلق بر مرد، اگر یکی از قسم متقدّم باشد، احوط جمع است. (مناسک شیخ، ص ۷۸).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: خنثای مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد باید تقصیر نماید.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: خنثی در حکم زن است و تقصیر بر او متعیّن است.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: اگر از دو دسـته اخیر نباشـد مو را کوتـاه کنـد و اگر باشـد اول کمی مو را کوتاه کرده بعـد سـر را می‌تراشـد (بنابر احتیاط واجب).

(۴)- نظر آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه گلپایگانی در مسأله قبل گذشت.

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: دو قسم از سه قسم را متـذکّر شده‌انـد قسم سوّم و چهـارم و فرموده‌انـد: بایـد هم تقصـیر و هم حلق نماید و بنابر احتیاط تقصیر را بر حلق مقدم بدارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: باید اول تقصیر نماید و آنگاه بنابر احتیاط حلق نماید. (مناسک، مسأله ۴۰۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۵

فصل سوم: مکان و زمان حلق و تقصیر

۱- مکان حلق و تقصیر

اشاره

۱۱۴۹- مکان حلق و تقصیر، منی است؛ و اختیاراً در غیر آن، جایز نیست و باید اعاده شود و حتی کسی که غیر از وقوفین ولو اضطراری را نمی‌تواند درک کند و برای بقیه اعمال خود نایب می‌گیرد، باید در منی حلق کند، مگر نتواند به منی برود.

موارد حلق در غیر منی و انجام اعمال مترتبه

۱۱۵۰- اگر در غیر منی حلق نماید و اعمال مترتبه را انجام دهد، مُحِلّ نمی‌شود؛ و اگر بعد از آن برای عمره مفرده محرم شود، عمره او صحیح نیست. ۱۱۵۱- اگر حج‌گزار قربانی و حلق را در خارج از منی انجام داده، تا وظیفه سال قبل (قربانی و

---

(۱)- به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: باید در منی حلق کند ولی حلق در غیر منی هم کافی است حتی اگر عمداً باشد و بهر حال در صورت امکان باید موهای خود را به منی بفرستد.

(۳)- آیات عظام تبریزی، صافی، گلپایگانی: مگر این‌که از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده باشد، که در این صورت اجزاء بعید نیست، هرچند احتیاط آن است که در صورت امکان به منی برگردد و حلق کند. همچنین است حکم سه مسأله بعد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: نظر ایشان نسبت به صحت عمره مفرده یا عدم آن، بدست نیامد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کافی است هر چند عمداً باشد ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد. (مناسک، مسأله ۴۰۸).

آیهٔ اللَّه فاضل: مگر این‌که از روی جهل قصوری یا غفلت و نسیان در غیر منی حلق کرده باشد که در این صورت مُحِلّ شده و عمره او صحیح است، هر چند که در صورت امکان و عدم عسر و حرج بهتر است به منی برگردد و تقصیر کند و اعمال مترتبه را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این حکم در صورت عمد مسلّم است و در صورت جهل یا نسیان عمل آنها صحیح است و اگر می‌تواند به منی برگردد و سر خود را بتراشد و یا کوتاه کند برگردد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۶

حلق و اعمال مترتبه بر آن) را انجام نداده، از احرام آن خارج نشده و نمی‌تواند محرم شود. ۱۱۵۲- کسانی که حلق و تقصیر را در منی انجام نداده و اعمال مکه را به جا آورده‌اند و بعد متوجه شده‌اند، باید علاوه بر حلق یا تقصیر، اعمال مکه را هم اعاده نمایند. ۱۱۵۳- اگر کسی در حج گذشته و امسال که به حج آمده، حلق را در غیر منی انجام داده، باید حلق را در منی اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد از آن طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند؛ و احتیاطاً طواف ونماز و سعی امسال را نیز بجا آورد و یک طواف نساء و نماز کفایت می‌کند، گر چه ظاهر این است که احرام برای عمره و حج امسال، صحیح نبوده است.

۲- زمان حلق و تقصیر

اشاره

۱۱۵۴- زمان حلق و تقصیر بنابر احتیاط روز عید است ولی جواز تأخیر تا آخرِ ایام تشریق، بعید نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی: در صورت جهل به مسأله یا غفلت، اعاده اعمال لازم نیست.

آیهٔ اللَّه خویی: حکم آن بر طبق فتوای ایشان بدست نیامد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حلق سابق مجزی است و نسبت به ذبح اگر جاهل قاصر بوده مجزی است و اگر مقصر بوده است در فرض مذکور به احتیاط واجب باید جمع کند بین ذبح و روزه ده روز و اعاده اعمال دیگر لازم نیست.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: صحّت حج سال گذشته بعید نیست و اگر با عدم تمکّن از ذبح در منی قربانی را در مذابح معمول انجام داده اعاده لازم نیست. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۷۸).

آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: حلق را در منی اعاده می‌کند و قربانی اگر در منی امکان نداشت کافی است و الّا آن را نیز اعاده می‌کند اما اعاده اعمال مترتبه لازم نمی‌باشد.

(۲)- آیهٔ اللَّه خویی: اعاده اعمال مکه لازم نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حلق و تقصیر و اعمال صحیح است و همچنین در مسأله بعد.

آیهٔ اللَّه صافی: حکم آن از مسأله قبل معلوم می‌شود.

آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مسأله ۱۱۵۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: اعاده اینها لازم نیست و همچنین احتیاط بعد نیز لزومی ندارد.

(۴)- به حاشیه مسأله ۱۱۵۰ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط.

(۵)- آیهٔ اللَّه نوری: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط واجب آن است که در روز عید باشد و اگر روز عید نکرد تا آخر ذی‌حجه وقت دارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: این احتیاط واجب است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط مستحب این است که از روز عید تأخیر نشود و بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی‌حجه به جا آورد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۷

حلق در شب

۲/ ۱۱۵۴- تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق، ولو عمداً، مانع ندارد؛ و حلق در شب هم صحیح است.

حکم حلق و تقصیر در صورت تأخیر رمی

۱۱۵۵- کسی که نمی‌تواند در روز عید رمی کند- بنابر احتیاط- نمی‌تواند قبل از رمی، حلق نماید و روز دیگر رمی را انجام دهد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: حلق در روز عید است و در صورت تأخیر شب هم مجزی است.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: احتیاط واجب در عـدم تأخیر عمـدی است. چنانکه گـذشت بنا بر احتیاط حلق بایـد در روز باشد. پس اگر در روز عید انجام نگرفت باید در روز بعد انجام گیرد.

آیـهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب حلق یا تقصیر بایـد در روز عیـد باشد و اگر تأخیر انداخت انجام آن در شب یازدهم یا بعد از آن کافی است.

آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط واجب این است که در روز انجام شود، و متعرض تأخیر عمدی تا آخر ایام تشریق نشده‌اند.

آیـهٔ اللَّه سیستانی: حلق در شب عیـد جایز نیست مگر برای خائف و به احتیاط مستحب از روز عیـد تأخیر نشود ولی بعـد از عید در شب هم کافی است.

آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: حلق در شب خلاف احتیاط است و اگر در روز عیـد ترک نمود، روز یازدهم بایـد حلق کنـد و تأخیر عمدی علی الأحوط جایز نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط در ترک حلق در شب است.

(۲)- مراجعه شود به مسأله ۹۹۰

آیهٔ اللَّه نوری: گذشت که تأخیر حلق از روز عید جایز نیست علی الأحوط.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: چنین شخصـی بایـد شب عیـد رمی کنـد و چنـانچه از رمی در شب عیـد هم معـذور باشـد برای رمی در روز نـایب می‌گیرد و بعد از رمی نایب حلق یا تقصیر می‌کند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: وظیفه چنین کسی نایب گرفتن در روز عید است.

آیهٔ اللَّه مکارم: لازم است بقیه اعمال خود را روز عید انجام دهد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: به هر تقدیر ترتیب لازم است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۸

تأخیر حلق با رجاء تمکن از آن

۱۱۵۶- کسـی که وظیفه او حلق است و به خاطر مانعی- مثل شکستگی سر- فعلًا نمی‌تواند حلقِ کامل نماید ولی امید خوب شدن را در حـدی که بتوانـد حلقِ کامل نمایـد، تا آخر ایام تشـریق دارد، حلق و اعمال مترتّبه را تأخیر بینـدازد؛ و اگر امیـد نـدارد، یا پس از تأخیر بهبود نیافت، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می‌تواند بتراشد و تقصیر هم نماید.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی: چنانکه گذشت، صروره مخیّر است بین حلق و تقصیر و در فرض مذکور که متمکّن از حلق نیست باید تقصیر کند.

آیـهٔ اللَّه خویی: تخییر بین حلق و تقصیر حتی برای غیر معـذور خالی از قوت نیست. بنابراین، اگر چه امیـد خوب شدن داشته باشـد

تقصیر کفایت می کند (مناسك عربی، مسأله ۴۰۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر تراشیدن با ماشین تهزن برای او میسور باشد تقصیر کافی نیست، بنابر احتیاط واجب و اگر حلق حرجی بود تقصیر کافی است.

آیهٔ اللّه فاضل: چون صروره مخیّر بین حلق و تقصیر است لذا این مسأله موضوعاً منتفی است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر متمکن از حلق نبود تقصیر نماید و بعد در ماه ذی حجه هر وقت متمکن از حلق شد حلق نماید، هرچند به مکه آمده باشد، و مو را به منی بفرستد. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۹۰، مسأله ۶).

آیهٔ اللّه مکارم: حلق واجب نیست و کوتاه کردن قسمتی کافی است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۷۹

فصل چهارم: احکام خلل در حلق و تقصیر

ترک تقصیر و حلق

۱۱۵۷- اگر حج گزار حلق و تقصیر را ترک کند و مراجعت کند، باید به منی بازگردد و عمل را انجام دهد. در این حکم، بین عمد، نسیان، سهو و جهل فرقی نیست.

و اگر برگشتن به منی، ممکن نشود، هرجا که هست حلق یا تقصیر کند و موی خود را در صورت امکان، به منی بفرستد؛ و مستحب است که مو را در منی در محل خیمه خود دفن کند.

۱۱۵۸- اگر حج گزار قبل از حلق یا تقصیر، جبراً به کشورش برگردانده شود، برای خارج شدن از احرام، باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتّبه را انجام دهد؛ و اگر نمی‌تواند به منی بیاید، باید در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنابر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد و باید

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر پس از اعمال حج تدارک نماید، اعاده طواف واجب است و در صورت تعمّد بنا بر احوط گوسفندی کفّاره دارد (مناسک، مسأله ۴۱۴).

آیهٔ اللّه سیستانی: ناسی بنابر احتیاط واجب ملحق به عامد است. (مناسک، مسأله ۴۰۸).

(۲)- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: مستحب است موی خود را بفرستد.

آیهٔ اللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللّه مکارم: یا غیر خیمه خود.

(۴). آیهٔ اللّه تبریزی، و آیهٔ اللّه خویی: چنانچه از دخول به مکه جلوگیری شده، می‌تواند در محلّ خودش‌قربانی نماید و احتیاط این است که حلق یا تقصیر نیز بنماید و اگر وارد مکّه شده و تنها اجازه اعمال را به او نداده‌اند حلق یا تقصیر نموده و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد و برای بقّیه اعمال نایب بگیرد. (مناسک، مسأله ۴۴۵).

آیهٔ اللّه سیستانی: در صورت امکان باید موی خود را به منی بفرستد. (مناسک، مسأله ۴۴۰).

آیات عظام صافی، گلپایگانی، مکارم: بنابر احتیاط مستحب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۰

برای اعمال مترتبه نایب بگیرد و بدون این که خودش نایب بگیرد، نیابت صحیح نیست.

عدم جواز طواف حج و سعی قبل از تقصیر

۱۱۵۹- انجام طواف حج و سعی، قبل از تقصیر یا حلق، جایز نیست؛ و اگر قبل از آن- سهواً یا جهلًا- طواف و سعی را انجام دهد، باید بعد از حلق یا تقصیر، طواف و نماز و سعی را بجا آورد؛ و اگر نمی‌تواند به منی برگردد، در هرجا هست سر بتراشد یا تقصیر کند و طواف و نماز و سعی را اعاده کند.

۱۱۶۰- اگر از روی علم و عمد طواف و سعی را مقدم داشته، باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی، یک گوسفند ذبح کند. و اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته، گوسفند لازم است؛ و اگر فقط سعی را مقدم داشته، گوسفند لازم نیست، ولی باید آن را بعد از حلق و تقصیر و طواف و نماز آن، اعاده کند.

۱۱۶۱- اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی، یا هر دو، حلق یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود؛ و اگر تکلیفش حلق بوده، تیغ را احتیاطاً بر سر بکشد.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: چنانچه احراز رضایت شود و شاهد حال هم بر رضایت بود؛ به‌طوری‌که اگر او بفهمد راضی است، نیابت صحیح است با مراعات سایر جهات (مستفاد از س ۱۵۷ و ۱۷).

(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اعاده طواف و سعی لزوم ندارد، بلکه احتیاط استحبابی دارد. (مناسک‌عربی، مسأله ۴۰۹ والمسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۸۳)، آیهٔ اللَّه تبریزی: بلی اگر قبل از خروج از مکه متذکر شود، احتیاط در خصوص اعاده طواف نباید ترک شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اعاده طواف و سعی لازم نیست گرچه احوط است ولی اگر تقدیم طواف برای عذری غیر از جهل و نسیان بوده اعاده لازم است.

آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب پس از آن سعی و...

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت تعمّد بنا بر احوط گوسفندی کفّاره دارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: گناه کرده ولی متعرض کفّاره نشده است.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

(۴)- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض کفّاره نشده‌اند.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: مسأله اجمال دارد.

(۶)- آیهٔ اللَّه خویی: یعنی طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر منظور اعاده طواف و سعی بعد از حلق یا تقصیر باشد در صورتی که جاهل یا ناسی باشد لازم نیست و امّا اعاده حلق یا تقصیر که ذیل عبارت آن را می‌رساند لازم نیست حتی در عالم عامد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: لازم است اعاده طواف و نماز و سعی (آداب حج، م ۸۵۵)

آیهٔ اللَّه فاضل: یعنی احتیاطاً طواف و سعی را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود و وجهی برای آخر مسأله نمی‌باشد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۱

انجام حلق و انکشاف عدم ذبح نایب

۱۱۶۲- تا وکیلِ در ذبح، قربانی نکرده، موکّل نمی‌تواند حلق کند؛ ولی اگر با اعتقاد به قربانی نمودن وکیل، حلق کند و معلوم شود

که قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است؛ و اگر بعد از حلقْ اعمال مکه را هم انجام داده باشد، کفایت می کند و اعاده لازم نیست.

---

(۱)- آیة اللَّه بهجت: بنابر احوط.

(۲)- آیة اللَّه بهجت: گذشت کفایت حتّی در صورت عمد در مسأله ۹۹۱.

آیـة اللَّه سیسـتانی: ولی او هنوز محرم است و بایـد لباس دوخته را بیرون آورد و از سایر محرّمات احرام اجتناب کنـد و با ذبـح مُحل می‌شود و همچنین در قسمت بعد مسأله

مناسك حج با حواشی مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۲

فصل پنجم: خروج از احرام- مستحبات حلق

۱- محرماتی که با حلق و تقصیر حلال می‌شود

اشاره

۱۱۶۳- در احرام حـج، بعـد از حلق و تقصیـرِ صـحیح، تمـام محرّمـات احرام، غیر از زن و بوی خوش، بر محرم حلاـل می‌شود؛ و اما حرمت صیـد از جهت حرمی آن، باقی است و بر محرم و غیر او حرام است. و اما رفع حرمت از جهت احرامی آن، بعیـد نیست؛ پس صید در خارج حرم، برای او جایز است.

جواز خروج از مکه بعد از انجام اعمال منی

۱۱۶۴- بعد از انجام اعمال منی و قبل از انجام اعمال مکه، خروج از مکه مانع ندارد.

---

(۱)- آیة اللَّه فاضل: و دو عمل دیگر منی را هم که رمی و ذبح است انجام داد.

(۲)- آیة اللَّه سیسـتانی: همه اسـتمتاعات جنسی بر حرمت خود باقی است ولی عقد کردن چه برای خود چه برای دیگران و همچنین شهادت بر عقد پس از حلق یا تقصیر جایز است.

(۳)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط واجب صید بر او حرام است و این احتیاط تا ظهرروز سیزدهم ادامه دارد.

آیة اللَّه گلپایگانی: حرمت صید به حال خود باقی است.

(۴)- آیة اللَّه بهجت: حلیّت صید احرامی به مجرّد تمامیّت مناسك منی، بی وجه نیست، (مناسك، مسأله ۴۱۲).

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: حرمت صید از جهت دوّم هم باقی است و بعد از انجام طواف نساء و نماز آن حلال می‌شود.

آیة اللَّه مکارم: احتیاط آن است که در این حال صید را ترک کند.

(۵)- آیة اللَّه بهجت: خلاف احتیاط است.

آیة اللَّه تبریزی: احتیاط واجب این است که تا اعمال حج تمام نشده، از مکه خارج نشود.

آیة اللَّه خویی: جایز نیست. (المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۱۳).

آیـة اللَّه فاضل: احتیاط واجب این است که تا اعمال حـج تمام نشـده از مکّه خارج نشود، مگر این‌که اطمینان داشـته باشـد که برای

اتمام اعمال برمی گردد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۳

۲- مستحبات حلق

۱۱۶۵- در حلق چند چیز مستحب است:

۱- آن‌که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ أعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیامَةِ».

۲- آن‌که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: و مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند ... و احوط آن است که از اطراف سرو‌ریش و شارب مو بگیرد و ناخنهارا بگیرد (مناسک شیخ، ص ۷۹).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۵

باب دوازدهم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۶

اللَّهُمَ
إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِی حُبّا لَکَ
عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام قَالَ:
رَأَیْتُ الْخَیْرَ کُلَّهُ قَدِ اجْتَمَعَ فِی قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِی
أَیْدِی النَّاسِ وَ مَنْ لَمْ یَرْجُ النَّاسَ فِی شَیْ‌ءٍ وَ رَدَّ أَمْرَهُ
إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی جَمِیعِ أُمُورِهِ اسْتَجَابَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ لَهُ فِی کُلِّ شَیْ‌ءٍ
الکافی ج: ۲ ص: ۱۴۸

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۷

باب دوازدهم: وجوب اعمال مکه و موارد تقدیم

فصل اول: وجوب اعمال مکه و موارد تقدیم

۱- بیان اعمال و زمان انجام آن

اشاره

۱۱۶۶- اعمالی که بعد از مناسک منی در مکه واجب است، عبارتند از:

۱- طواف حج که «طواف زیارت» نامیده می‌شود؛

۲- نماز طواف؛

۳- سعی؛

۴- طواف نساء؛

۵- نماز طواف نساء.

کیفیت اعمال مکه و زمان آن

۱۱۶۷- کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، بدون هیچ تفاوت، همان گونه است که در اعمال عمره گذشت، مگر در نیت که این جا به نیت حج، به‌جا آورده می‌شوند.

بعد از انجام اعمال سه‌گانه منی، مراجعت به مکه، برای انجام اعمال پنج‌گانه آن، واجب است.

۱۱۶۸- انجام اعمال پنج‌گانه مکه، قبل از وقوف عرفات و مشعر و اعمال سه‌گانه منی، در حال اختیار جایز نیست. ۱۱۶۹- مراجعت به مکه برای انجام اعمال آن، بعد از اعمال منی در روز عید، جایز، بلکه

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: و چنانچه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نموده و یک گوسفند کفّاره بدهد، چنانکه گذشت. (مناسک، مسأله ۴۱۵).

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط جایز نیست و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی مقدم بدارد، اکتفا به آنها مورد اشکال است، اگر چه خالی از وجه نمی‌باشد. (مناسک، مسأله ۴۱۲).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۸

مستحب است و تأخیر تا روز یازدهم جایز است؛ و جواز تأخیر تا آخر ذی حجه، بعید نیست.

ترک رمی و بیتوته اعمال مکه

۱۱۷۰- اگر حج‌گزار بعد از اعمال روز عید، رمی و بیتوته و اعمال مکه را به خاطر عذری انجام نداده؛ در صورتی به وطن باز گشته، با امکان، باید بازگردد و اعمال مکه را انجام دهد؛ و اگر از بازگشت معذور است، نایب بگیرد و کفّاره ترک بیتوته را

می‌توانـد در محل خودش نیز ذبـح کنـد؛ و رمی ایامی که انجام نشـده، سال بعد باید قضا شود؛ و اگر خودش نمی‌تواند برود، نیابت کافی است.

جواز خروج با علم به تأخیر و ثبوت کفّاره

۱۱۷۱- اگر بعـد از اعمـال روز عیـد، بخواهـد برای انجام اعمال مکه برود، ولی می‌دانـد که اگر به مکه برود، مقـداری از مَبیتِ اول شب را درک نمی‌کند، رفتن مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفّاره بدهد.

ترتیب در اعمال مکه

۱۱۷۲- مقدم داشتن سعی بر طواف زیارت یا بر نماز آن، اختیاراً جایز نیست و همچنین

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه بهجت: در جواز تأخیر از روز یازدهم خلاف است، احوط عـدم تأخیر است، اگرچه جواز تأخیر تا بعـد از ایّام تشـریق بلکه تا تمام ذی حجّه بعید نیست، و محلّ خلاف جواز تکلیفی است نه وضعی (مناسک شیخ، ص ۷۹).

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: و بنابر احتیاط مستحب از روز یازدهم تأخیر نیفتد.

(۳)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

(۴)- آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: در صورتی که فقط مبیت در منی و رمی جمرات در روز یازدهم ودوازدهم ترک شده، حجّاو صحیـح است و برای رمی جمرات در سال آینده نایب می‌گیرد. آیهٔ اللَّه خویی ...: و اگر طواف فریضه یا سـعی ترک شده و امکان تـدارک در ماه ذی‌حجه نیست آیا حکم فراموش کردن طواف و سـعی را دارد که حجش صـحیح است یا نه، فتوای ایشان دردسـت نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه مکارم: در فرض مسأله که صورت اضطرار است کفّاره لازم نیست.

(۶)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و در ایّام تشریق قضا کند.

(۷)- مراجعه به مسأله ۱۲۰۹ بیتوته در منی شود.

آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکنـد، کفّاره ندارد ولی احتیاطاً قسـمت دوّم شب را در منی بماند.

آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: همان طور که گفته شد، بیتوته نصف دوم شب کافی است و کفّاره ندارد.

(۸)- آیهٔ اللَّه خویی: سعی باید بعد از طواف و نماز طواف به جا آورده شود و اگر پیش از طواف یا نماز آن به جاآورده شود، لازم است بعد از آنها اعاده شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۸۹

مقدم داشتن طواف نساء بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً جایز نیست؛ و اگر مقدم داشت، باید اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

۱۱۷۳- انجـام طواف نسـاء قبل از سـعی در حال ضـرورت- مثل ترس از حیض و نتوانسـتن اقامت به مکه تا زمان پاکی- جایز است؛ ولی بعـد از آن، احتیـاط در نـایب گرفتن جهت رعایت ترتیب است. ۱۱۷۴- اگر طواف نسـاء را سـهواً قبل از سـعی بجا آورد، یا به واسطه ندانستن حکم، مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح است؛ و احتیاط در اعاده طواف است.

۲– موارد جواز تقدیم اعمال مکه

اشاره

۱۱۷۵– برای چند دسته تقدیم اعمال مکه بعد از احرام حج، بر وقوف عرفات جایز است:

---

(۱)– آیهٔ اللّه بهجت: تقدیم طواف نساء بر سعی در حال ضرورت و خوف حیض جایز است و همچنین از ناسی و جاهل مجزی است تقدیم بر سعی علی الأظهر (مناسک شیخ، ص ۸۱ و مناسک، س ۱۶۵).

آیهٔ الله خویی، آیهٔ الله سیستانی: جایز نیست قبل از سعی طواف نساء را انجام دهد و اگر نتوانست تا زمان پاکی در مکه بماند، می‌تواند از مکه خارج شود و بنابر احتیاط برای طواف نساء نایب بگیرد (مناسک، مسأله ۴۲۶ و ۴۲۸).

آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این مسأله نشده اند.

آیهٔ الله مکارم: احتیاط گرفتن نایب ترک نشود.

(۲)– آیهٔ اللّه بهجت: حکم آن در مسأله قبلی گذشت که مجزی است.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: بنابر احتیاط، لازم است آنها را بعد از سعی اعاده کنند.

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: طواف زیارت و سعیش صحیح است و اعاده طواف نساء با نمازش بعد از سعی احوط است و اگر خودش نمی‌تواند اعاده کند نایب بگیرد.

(۳)– آیهٔ اللّه بهجت: اظهر جواز تقدیم برای صاحب عذر است و احوط آن است که تقدیم کند و بعد از آن اگر ممکن شود اعاده آن در ایام تشریق کند والا در باقی ماه ذی حجه اعاده نماید و اگر ممکن نشد استنابه نماید علی الأحوط و اگر می‌داند (مورد چهارم) که در تمام ماه ممکن نمی‌شود، پس بی اشکال تقدیم واجب است و احوط جمع بین تقدیم و استنابه است (مناسک شیخ، ص ۸۰).

(۴)– آیهٔ اللّه بهجت ...: و طواف نساء و نماز آن علی المشهور الأظهر (... مناسک، مسأله ۴۱۷).

آیهٔ الله تبریزی: کسی که از رفتن به مکه یا از مباشرت به اعمال بعد از رجوع از منی بر جان خود می‌ترسد، او فقط می‌تواند طواف نساء و نمازش را نیز مقدم بدارد و بقیه طوایف معذورین، طواف حج و نماز آن را مقدم می کنند و بنا بر احتیاط مستحب، سعی را هم مقدم کنند و بعد در وقت خودش اعاده کنند و چنانچه سعی را مقدم کردند، احتیاط واجب آن است که در وقتش اعاده کنند.

آیهٔ الله خویی: تقدیم طواف حج و نماز و سعی بر وقوفین در حج تمتع جایز نیست مگر برای پیرمردان یا زنی که بیم حیض شدن دارد، که این دو می‌توانند طواف حج و نمازش را قبل از وقوفین به جا آورده و سعی را در وقت خودش بنمایند و احوط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند و اولی و بهتر نیز در صورت امکان، اعاده طواف و نماز است در ایام تشریق یا بعد از آن تا آخر ماه ذی حجه و کسی که از رفتن به مکه بر جان خود می‌ترسد می‌تواند طواف حج و نماز و سعی را بر وقوفین مقدم بدارد بلکه مقدم داشتن طواف نساء نیز عیبی ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود (مناسک، مسأله ۴۱۸ و ۴۱۷).

آیهٔ الله گلپایگانی: احوط برای این چند طایفه تقدیم طواف نساء و نماز آن است رجاءا. سپس اعاده بعد از مناسک منی در صورت تمکن والا باید نایب بگیرد (آراء المراجع، ص ۳۸۳).

(۵)– آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۰

خوف حیض

اول- زنهایی که خوف دارند که هنگام اعمال مکه، حایض یا نفساء شوند و تا زمانی که در مکه هستند، پاک نشوند.

تقدیم شامل استنابه نمی‌شود

۱۱۷۶- اگر زنی با خوف حیض، اعمال مکه را مقدم نماید ولی بعد از سعی، حایض شود، نمی‌تواند با نایب گرفتن برای طواف نساء، اعمال مکه را مقدم نماید؛ (چون تقدیم اعمال مکه، برای کسی است که خودش اعمال را انجام می‌دهد و شامل استنابه نمی‌شود) و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.

پیرمردها و پیرزنهای خائف

دوم- افراد پیر که روز عید به بعد، به خاطر ازدحام، از طواف، یا از برگشتن به مکه عاجز باشند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: اگر به جهت خوف از حیض، اعمال حج را مقدّم کرده، اعاده طواف حج لازم نیست لکن بنا بر احتیاط واجب باید سعی را اعاده کند و باید طواف نساء هم بعد از وقوفین و اعمال حج باشد.
آیهٔ اللّٰه سیستانی: آنچه مقدم داشته کافی است و طواف نساء را پس از اعمال روز عید انجام دهد و اگر نتوانست تکلیف ساقط است ولی احتیاط آن است که نایب بگیرد.
آیهٔ اللّٰه فاضل: یعنی با فرض این که زن نتوانسته همه اعمال حج را قبل از وقوفین انجام بدهد، احتیاط این است که بعد از پاک شدن مجدداً همه اعمال بعد از منی را اعاده کند.
(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: و نتواند صبر کند تا ازدحام تمام شود یا صبر کردن مستلزم عسر و حرج باشد.
(۳)- آیهٔ اللّٰه خویی: کلمه مریض در مناسکی که متن معتمدالعروه است ذکر شده و در معتمد العروه، ج ۵، ص ۳۴۴ آمده است: «انما یجوز تقدیم الطواف للعاجز، کالشیخ الکبیر والمریض والمرأة التی تخاف الحیض».
آیهٔ اللّٰه سیستانی: مناط عسر است نه عجز.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۱

افراد مریض

سوم- اشخاصی که به خاطر مریضی، از طوافِ در وقت ازدحام، بترسند، یا از آن عاجز باشند.

غیر قادر بر اعمال تا آخر ماه

چهارم- کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی حجه، به جهتی برای آنها، طواف و سعی، ممکن نمی‌شود

کشف خلاف

۱۱۷۷- سه دسته اول اگر اعمال را مقدم نمودند، کفایت می‌کند اگر چه کشف خلاف شود؛ مثلًا زنْ حایض نشود؛ و مریض خوب شود؛ و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود؛ پس اعاده اعمال، لازم نیست اگرچه احوط است.

۱۱۷۸- دسته چهارم نیز اگر به خاطر مرض و پیری و علیلی، اعتقاد داشتند که نمی‌توانند اعمال را بجا آورند، در صورت کشف خلاف، تقدیم اعمال مجزی است؛ و اما اگر تقدیم به جهت دیگر- مثل اعتقاد سیل- باشد، در صورت کشف خلاف، باید اعمال را اعاده کنند.

---

(۱)- آیة اللَّه سیستانی: مریض یا معلول و هر کسی که بازگشت به مکه برای او مشکل باشد، یا طواف مشکل باشد در اثر ازدحام و مانند آن.

آیة اللَّه فاضل: و نتوانند تا رفع ازدحام در مکّه بمانند یا با عسر و حرج مواجه می‌شوند.

(۲)- آیة اللَّه سیستانی: کسانی که می‌ترسند برای آنها بازگشت به مکه میسر نشود.

(۳)- آیة اللَّه خویی، متعرّض این فرع نشده‌اند.

(۴)- آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه خویی: به ذیل مسأله ۱۱۷۵ مراجعه شود.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: احتیاط آن است که بعد از برگشتن از منی، اگر ممکن شود در ایّام تشریق و گرنه تا آخر ذی‌حجّه طواف و سعی را دوباره بجاآورند. (مناسک فارسی، مسأله ۲۰۴).

آیة اللَّه مکارم: احتیاط به اعاده در صورت امکان ترک نشود.

(۵)- آیة اللَّه صافی: احوط آن است که پس از مراجعت از منی نایب بگیرند که اعمال آنها را انجام دهد و اگربعد از مراجعت خلاف یقینی که داشت ظاهر شد اعاده لازم است بدون تفاوت بین صور مذکوره.

آیة اللَّه فاضل: و اگر احتمال حدوث مرض را می‌داد و بعداً مرض حادث نشد، مجزی نیست.

(۶). آیة اللَّه خویی: فتوای معظّم له در این مسأله به دست نیامد.

(۷)- آیة اللَّه بهجت، آیة اللَّه سیستانی: در همه موارد اعاده را موافق احتیاط استحبابی بیان کرده‌اند.

آیة اللَّه گلپایگانی: اعاده مستحب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۸۹۰).

آیة اللَّه مکارم: مانند مسأله سابق است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۴۹۲

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۲

۱۱۷۹- کسانی که اعمال را بر وقوفین مقدم می‌نمایند، لازم نیست نزدیک‌ترین زمان به وقوفین را رعایت کنند.

عدم لزومی بودن تقدیم اعمال مکه

۱۱۸۰- تقدیم اعمال مکه برای افراد ذکر شده، جایز است و لازم نیست.

عدم جواز تقدیم به خاطر ازدحام و مشقت

۱۱۸۱- اگر حج‌گزار ترس داشته باشد که در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، ولی جزو چهار دسته ذکر شده نباشد، موردِ جوازِ تقدیم نیست و نمی‌تواند اعمال مکه را مقدم بدارد.

جواز تقدیم اعمال برای نایب

۱۱۸۲- نایبِ در حج هم، با خوف حیض و مرض، می‌تواند اعمال را مقدم بدارد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه تبریزی: مگر این‌که بدانند یا اطمینان داشته باشند؛ چنانچه اعمال مکه را بر وقوفین مقدم نکنند، بعد امکان انجام آن را ندارند، که در این صورت واجب است طواف و نماز آن را مقدم کنند و بنابر احتیاط مستحب، سعی را نیز مقدم و بعد اعاده کنند.
آیهٔ اللّه خویی: کسی که خوف این را دارد که نتواند طواف صحیح تام بعد از وقوفین انجام دهد لازم است طواف را قبل از وقوف انجام دهد، بلی ظاهر مناسک راجع به زنی که صرفاً می‌ترسد حایض بشود ولی اطمینان به آن ندارد، جواز تقدیم و عدم لزوم آن است.
آیهٔاللّه‌صافی، آیهٔاللّه گلپایگانی: مگر برای کسی‌که یقین دارد بعد از برگشتن از منی و تا آخر ذی‌حجّه امکان انجام آن را ندارد که در این صورت تقدیم واجب است. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۰۷).
(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: تقدیم اعمال مکه برای کسی که پس از بازگشت از منی از ازدحام جمعیّت می‌ترسد، جایز است ولی احتیاطاً بعد از برگشت از منی اعمال را تکرار کند و در صورت عدم امکان نایب بگیرد (مناسک، س ۱۶۷).
آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که مقدم دارد و بعداً اگر نتوانست برای طواف نایب بگیرد.
آیهٔ اللّه سیستانی: کسانی که بازگشت به مکّه برای آنها مشکل است و یا طواف نمودن بعد از بازگشت از منی به علّت ازدحام شدید جمعیّت یا غیر آن برای آنها مشکل است می‌توانند مقدّم دارند (مناسک، مسأله ۴۱۲).
(۳)- آیهٔ اللّه خویی، فتوای ایشان در این مورد در دست نیست، بلی حکم نایب معذور به عذر طاری، قبلًا در بحث نیابت گذشت.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۳

میزان تشخیص عذر برای تقدیم اعمال

۱۱۸۳- تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می‌دارند، بر عهده خود آنان است.

صِرف لزوم طواف با تخت، مجوز تقدیم نیست

۱۱۸۴- کسی که او را- در هر دو صورت تقدیم و تأخیر- باید به وسیله تخت و امثال آن، طواف دهند و عذر دیگری ندارد،

نمی‌تواند اعمال مکه را مقدم نماید.

لزوم تقدیم همه اعمال

۱۱۸۵- کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند- بنابر احتیاط- در موردی تقدیم بدارند که تمامی اعمال را مقدماً انجام دهند و بعضی از آن را تاخیر نیاندازند؛ پس مؤخّر نمودن سعی و تقدیم بقیّه اعمال، محلّ اشکال است.

تقدیم اعمال بدون احرام

۱۱۸۶- شخصی که می‌تواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد، اگر جهلًا بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد، کفایت نمی‌کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی و آیهٔ اللَّه فاضل: تأخیر طواف نساء مانعی ندارد.
آیهٔ اللَّه مکارم: هر سه عمل را مقدّماً انجام دهد.
مراجعه شود به مسأله ۱۱۷۵
(۲)- مراجعه شود به مسأله ۱۱۷۵.
آیهٔ اللَّه بهجت: بعد از طواف سعی است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: جایز نیست.
آیهٔ اللَّه مکارم: همه را قبلًا انجام می‌دهند.
(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر شخصی به دلیل عذر، اعمال مکه را مقدّم داشت، بعداً کشف شد که اعمال را بدون احرام انجام داده، به آن اکتفا نکند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی را اعاده کند (مناسک، س ۱۶۸).
آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۴

فصل دوم: طواف نساء

۱- وجوب طواف نساء

حرمت نساء قبل از طواف نساء

۱۱۸۷- طواف نساء به مرد اختصاص ندارد؛ بلکه بر زن و خنثی و خصیّ و بچه ممیز نیز، لازم است؛ و اگر زن نیز آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه اگر ولیّ طفل غیر ممیز، او را محرم کرد، باید- بنابر احتیاط واجب - او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

طواف نساء رکن نیست

۱۱۸۸- طواف نساء و نماز آن، اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، ولی رکن

(۱)- آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: واجب است...
(۲)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بعد از طواف حج و نماز و سعی، ظاهراً عقد حلال می‌شود، ولکن بنابر احتیاط استمتاعات جایز نمی‌شود، گرچه اظهر اختصاص حرمت به جماع است.
آیهٔ اللَّه خویی: حکم صبیّ ممیز، مانند حکم مرد است. (مستفاد از المسائل الشرعیه، ج ۱، ص ۳۴۳) ولی راجع به صبی غیر ممیز که او را به حج می‌برند فتوای ایشان در دست نیست.
آیهٔ اللَّه سیستانی: همانگونه که گذشت، با حلق یا تقصیر، عقد حلال می‌شود و اما حلیّت استمتاع در صبیّ هم متوقّف است بر طواف نساء، پس اگر بالغ شد و هنوز طواف نساء نکرده، نمی‌تواند از همسرش استمتاع ببرد.
آیهٔاللَّه فاضل: مجنون و مغمی علیه را نیز اگر مُحْرِم کرده‌اند، طواف نساء بدهند تا در صورت افاقه زن یا مرد بر آنها حلال شود.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض خصیّ و خنثی نشده‌اند ولیکن در مورد مجنونی که ولیّش او را محرم کرده، طواف نساء را لازم می‌دانند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۵
نیست و ترک عمدی آن، موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه بر حاجی، انجام آن واجب است؛ و اگر بجا نیاورد، زن و آنچه مربوط به آن است- مثل عقد و خِطبه و شاهد شدن - بنابر احتیاط واجب، حلال نمی‌شود.
۱۱۸۹- پیش از بجا آوردن طواف نساء، باید از مطلق تلذّذِ زناشویی اجتناب شود.

عمره تمتع و طواف نساء

۱۱۹۰- در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست؛ و اگر بخواهد احتیاط کند، طواف و نماز آن را رجاءً بجا آورد.

نیت نایب در طواف نساء

۱۱۹۱- احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافی‌الذمه کند، گرچه می‌تواند به نیت منوبٌ‌عنه انجام دهد.

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: با مباشرت خودش با امکان و با استنابه با عدم امکان مباشرت علی الأحوط (مناسک‌شیخ، ص ۸۱).
(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: تا آن را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود حتّی عقد کردن و شهادت دادن بر آن علی‌الأحوط (مناسک شیخ، ص ۸۱).
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: و ظاهر این است که بتواند بعد از طواف و سعی عقد نماید ولی لذت بردن از زن برایش جایز نیست بنابر احتیاط، اگرچه اظهر جواز غیر از جماع است.
آیهٔ اللَّه سیستانی: پس از تراشیدن و یا کوتاه کردن مو، بنابر اقوی جایز است زن عقد کند و شاهد عقد باشد.
آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و به احتیاط واجب ادای شهادت هم ننماید.

(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب.

به دو مسأله قبل مراجعه شود.

(۴)- آیـهٔ اللَّه فاضـل: در عمره تمتّع طواف نسـاء واجب نیست بلکه انجام آن موافق احتیاط است و اگر بخواهنـد احتیاط کننـد محلّ انجام آن قبل از تقصیر است.

آیهٔ اللَّه مکارم: ضرورتی ندارد طواف نساء را به قصد رجا بجا آورد.

(۵)- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: به نیّت منوبٌ‌عنه انجام دهد (ملحق، سؤال ۳۶۱).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: طواف نساء را باید به نیّت منوبٌ‌عنه بجاآورد (توضیح المسائل، م ۲۰۵۷).

آیهٔ اللَّه فاضل: طواف نساء به نیت منوبٌ‌عنه انجام شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۶

خطا در لفظ طواف نساء

۱۱۹۲- اگر طواف کننـده در تلفـظ نیّت طواف نساء، لفظ دیگری بر زبان آورد مثلًا طواف رجال بگویـد، اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

۲- احکام خلل در طواف حج و نساء

ترک طواف حج

۱۱۹۳- اگر حـج‌گزار بـا جهل به مسأله، طواف حـج را ترک و بقیه اعمال را انجام دهـد، بایـد حـج را اعاده کنـد و یک شتر قربانی نماید.

ترک سهوی طواف نساء

۱۱۹۴- اگر طواف نساء را سـهواً تا برگشت از حـج بجا نیاورد، اگر می‌توانـد، بایـد برگردد و بجا بیاورد؛ و اگر نمی‌تواند یا مشـقت دارد، نایب بگیرد و پس از بجاآوردن وی، زن به او حلال می‌شود.

ترک طواف حج ونساء

۱۱۹۵- اگر کسـی طواف واجب- اعم از طواف عمره و طواف حج و طواف نساء- را فراموش کند و با زن نزدیکی نماید، باید یک هدی در مکه ذبح کند؛ و احتیاط آن است که شتر باشد؛ و در

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه خویی، آیهٔ الله فاضل: بلکه در صورتی که طواف عمره را هم، از روی جهل ترک کرده باشد عمره باطل می‌شود ولی

کفاره ندارد و باید حج را در سال بعد اعاده کند (مناسک، مسأله ۳۲۵).

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: بنابر احتیاط. (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض کفاره نشده اند ولی قبل از انجام عمره مفرده احتیاطا از نزدیکی با زن خودداری نماید.

آیهٔ الله مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۳)- آیات عظام بهجت، سیستانی، فاضل: یا عمدا.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: در صورتی که نسیان مبدل به علم شود و استمرار نداشته باشد کفاره دارد والا چیزی بر او نیست.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی: برای فراموشی طواف عمره در مکه و برای فراموشی طواف حج در منی قربانی نماید، و قربانی کردن یک گوسفند کافی است. و از مناسک آیات عظام تبریزیو خویی و سیستانی استفاده می‌شودکه: این حکم در طواف نساء نیست (مناسک، مسأله ۳۲۷).

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید و آنچه را فراموش کرده بجا آورد واجب نیست نایب بگیرد که برای او طواف کند و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد و احوط آن است که شتر باشد. آیهٔ الله صافی بعد از «برای او طواف کند» می‌فرماید: و نماز طواف بخواند و بنابر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستند و احوط آن است شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوبا یا احتیاطا بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند (مناسک فارسی، م ۱۰۴).

آیهٔ الله مکارم: قربانی کردن گوسفند و اعاده سعی احتیاط مستحب است.

آیهٔ الله خامنه ای: متعرض کفاره نشده اند.

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: و احتیاط مستحب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۷

صورت بازگشت از مکه، باید خودش باز گردد و طواف و نماز آن را بجا آورد؛ و احتیاطاً در غیر طواف نساء، سعی را هم بجا آورد؛ و اگر نمی‌تواند بازگردد، یا مشقت دارد، نایب بگیرد.

۱۱۹۶- اگر کسی طواف را- چه طواف عمره یا طواف زیارت- از روی جهل به مسأله بجا نیاورد و به محلِّ خود بازگردد، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از فوت وقت متذکر شود، باید سعی را اعاده کند و اگر بعد از آن باشد، مثلًا طواف عمره را پس از وقوف در عرفات متذکر شود یا طواف حج را پس از پایان ذی‌حجه متذکر شود طواف را قضا می‌کند و اعاده سعی لازم نیست و تا طواف را خودش یا نایبش انجام نداده‌اند آنچه بر او حرام شده است حلال نمی‌شود.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: کفّاره در طواف عمره بنابر احتیاط است.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: وجوب ذبح یک شتر مطلقا حتّی در حال علم و عمد موافق احتیاط است که در مسأله ۵۵۱ هم آمده است (مناسک شیخ، ص ۳۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی: کفّاره دادن یک شتر در ترک طواف حج از روی جهل به مسأله است، و اما در طواف عمره تمتع چنانچه از روی جهل به مسأله ترک شد، هرچند باید حج را در سال آینده اعاده کرد ولی کفّاره ندارد.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر کسی طواف عمره تمتع را از روی علم یا از روی جهل ترک کند به نحوی که قبل از وقوف عرفات نتواند آن را

تدارک نماید عمره و حتی احرام عمره‌اش باطل می‌شود و باید در سال دیگر حج را اعاده نماید و کفاره مذکوره اختصاص دارد به موردی که طواف حج را از روی جهل ترک کرده باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: کفّاره در مورد طواف عمره مبنی بر احتیاط واجب است.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: چون احتمال می‌دهد در احرام باشد، احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام عمره مفرده دوری نماید و یک شتر قربانی کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگرچه با زن هم نزدیکی نکرده باشد.

آیهٔاللَّه‌مکارم: درترک طواف‌عمره، قربانی‌احتیاط مستحب است و در طواف حج، احتیاط واجب است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۸

حکم عقد و فرزنددار شدن با ترک طواف نساء

۱۱۹۷- اگر کسی طواف نساء را انجام نداده و ازدواج نموده، با فرض جهل، فرزند او حکم حلال‌زاده را دارد، ولی عقد، باطل است و باید طواف نساء را انجام دهد و جهت ادامه زناشویی، باید عقد را تجدید نماید.

شک در انجام طواف نساء بعد از مراجعت

۱۱۹۸- اگر پس از مراجعت از مکه شک کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد و همچنین است در صورت التفات علی الأحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

ترک طواف نساء توسط نایب

۱۱۹۹- اگر نایبْ طواف نساء را بجا نیاورد، علاوه بر حرمت نساء بر وی، ذمه‌اش هم مشغول است و خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد.

---

(۱)- آیهٔاللَّه‌بهجت: تا طواف نساء بجانیاورد زن حلال نیست ولی عقد صحیح است و فرزند حلال‌زاده است، بنا بر این اگر نتواند شخصاً طواف نساء را بجا آورد نایب بگیرد که طواف نساء و نمازش را انجام دهد.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: ظاهراً عقد صحیح است و نیاز به تجدید ندارد، ولی مادامی که طواف نساء و نماز آن را خودش و در صورت تعذر نایبش انجام نداده جماع جایز نیست.

آیهٔ اللَّه سیستانی: عقد او صحیح است؛ زیرا آنچه بر حاجی پس از حلق حرام است، استمتاع است نه عقد و امّا اولاد به هر حال ملحق به او هستند.

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب عقد او باطل است.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: اگر توانست خودش بجا آورد و الّا نایب بگیرد.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش حاصل شد، به آن اعتنا ننموده و بنابر انجام آن

گذارد.

آيةُ اللَّه سيستاني: بايد طواف نساء را انجام دهد و اگر معذور است يا مشقت دارد نايب بگيرد.

آيةُ اللَّه مكارم: بنا بر احتياط واجب در صورت اوّل، ولى در صورت بعد طواف نساء لازم نيست.

(۴)- آيـةُ اللَّه صافى، آيةُ اللَّه گلپايگانى: ولى اگر التفات به وجوب آن داشـته و شک دارد كه انجام داده يا نه، بعيد نيست انجام آن واجب نباشد، اگر چه احتياط خوب است (آداب و احكام حج، مسأله ۹۱۵).

(۵)- آيـةُ اللَّه بهجت: و چنـانچه قبـل از تـدارک فوت نمايـد، احتياط اين است كه از تركه‌اش قضاى آن بجا آورده شود. (مناسک، مسأله ۴۲۵).

آيـةُ اللَّه خويى، آيـةُ اللَّه فاضـل: در صورت عـدم تـدارک در زمان زنـده بودنش، بنابر احتياط بايـد قضاى آن از تركه او بجا آورده شود. (مناسک عربى، مسأله ۴۲۰).

مناسک حج با حواشى مراجع تقليد (۱۳۸۷)، ص: ۴۹۹

زمان قضاى طواف حج و نساء با فرض بطلان آن

۱۲۰۰- اگر طواف حـج و نماز آن يا طواف نساء و نماز آن به جهتى باطل باشد، قضاى آن بايد در ماه ذى‌الحجه باشد، يا همه وقت كفايت مى كند؟

۳- احكام خلل در طواف نساءِ عمره مفرده

اشاره

۱۲۰۱- طواف نساء در عمره مفرده، بايد بعد از تقصير يا حلق انجام شود.

ترک طواف نساء در چند عمره مفرده

۱۲۰۲- اگر شخصـى چنـدين عمره مفرده بجاى آورده باشـد و در هيچ كدام طواف نساء را انجام نداده باشد، يک طواف نساء براى تمام آنها كفايت مى كند.

---

(۱). آيت اللَّه خامنه‌اى: وقت طواف حج و نماز آن ماه ذيحجّه است، ولى طواف نساء و نماز آن وقت معيّنى ندارد.

آيـةاللَّه بهجت: ماه ذى الحجّه شـرط نيست بلى اگر تبيّن بطلان طواف حـج در ذى حجّه همان سال حج بود تكليفاً بايد از ذى حجّه تأخير نكند در صورت امكان.

آيت اللَّه تبريزى: در طواف نسـاء مطلقـا مى‌توانـد در غير مـاه ذى الحجه انجام دهـد و در طواف حـج نيز در مواردى كه قضا دارد و باقضاى طواف و نماز آن حـج شـخص تـدارک مى‌شود- مثل صورت فراموشـى- چنانچه در ماه ذى الحجه متوجه نشد و بعد از آن متوجه شد در ماههاى ديگر قضا مى‌شود.

آیت اللَّه گلپایگانی: در طواف حج و نمازش باید در ذی الحجه باشد و در طواف نساء ونمازش لازم نیست.

آیت اللَّه مکارم: ماه ذی الحجه شرط نیست هرچند بهتر است.

آیت اللَّه فاضل: در همه اوقات کفایت می‌کند، ولی بهتر است طواف حج و نماز آن در ماه ذیحجه باشد.

(۲). آیةاللَّهبهجت: در عمره مفرده، تقدیم طواف نساء بر تقصیر، در صورت ضرورت یا نسیان یا جهل، مجزی است. (مناسک، س ۱۶۶).

(۳)- آیةُ اللَّه بهجت، آیةُ اللَّه فاضل: بنابر احتیاط، برای هر کدام یک طواف نساء انجام دهد.

آیـةُ اللَّه تبریزی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد ولی احتیاط این است تا طواف عمره مفرده را انجام نـداده، محرم به احرام جدید نشود.

آیـةُ اللَّه خـامنه‌ای: علی‌الظـاهر واجب است برای هر عمره مفرده جـداگانه طواف نسـاء بجـا آورد، اگرچه تحلّل با طواف نساء واحد بعید نیست.

آیةُ اللَّه خویی، آیةُ اللَّه صافی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد. (مستفاد از مسأله ۶۸ استفتائات).

آیةُ اللَّه سیستانی: هر احرام، طواف نساء مستقل لازم دارد بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۰

ترک طواف نساء در عمره مفرده و احرام مجدد

۱۲۰۳- اگر کسـی عمره مفرده را بـدون طواف نسـاء به‌جا آورد، جایز است با همین حال برای عمره تمتع محرم شود و بعـد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به‌جا آورد.

ترک طواف نساء عمره مفرده و احرام برای عمره تمتع

۱۲۰۴- اگر معتمر طواف نسـاء عمره مفرده را فراموش کرده و بعـد برای عمره تمتع محرم شـده است، می‌توانـد آن را بعـد از انجـام اعمـال عمره تمتع بجا آورد؛ و اگر تأخیر بینـدازد، طواف نساء حـج، از آن کفایت می‌کنـد. ۱۲۰۵- اگر بعـد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده، با زوجه خود مواقعه نمایـد-ماننـد طواف نساء حـج - عمل او صـحیح است و کفّاره نـدارد، اگرچه مرتکب حرام شده است.

---

(۱). آیةُ اللَّه نوری: و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع، طواف نساء را ترک کرده، می‌تواند برای عمره مفرده محرم شود.

آیةُ اللَّه تبریزی: صحّت احرام جدید، قبل از طواف نسای عمره مفرده، محلّ اشکال است.

آیةُ اللَّه فاضل: احتیاط آن است که تا طواف نساء عمره مفرده یا حج تمتّع را انجام نداده، برای عمره تمتّع یاعمره مفرده محرم نشود، هر چند اگر قبل از انجام طواف نساء محرم به عمره و حج شد باطل نیست، ولی پس از اتمام آن‌ها، طواف نساء را بنابر احتیاط انجام دهد.

(۲)- آیةُ اللَّه بهجت: در این مسأله و مسأله بعدی به ذیل مسأله ۱۲۰۲ مراجعه شود.

آیةُ اللَّه تبریزی: صحّت احرام جدید قبل از طواف نساء عمره مفرده محلّ اشکال است.

آیات عظام خامنه‌ای، خویی، صافی: کفایت نمی‌کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: کفایت نمی‌کند بنابر احتیاط.

آیهٔ اللّه فاضل: کفایت نمی‌کند و برای عمره مفرده بنابر احتیاط واجب یک طواف نساء دیگر بجا آورد.

(۳)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر توانست خودش بجا آورد والّا نایب بگیرد.

(۴)- آیهٔ اللّه بهجت: قبل از اتمام شوط پنجم کفّاره دارد، بنا بر احتیاط و بعد از شوط پنجم کفّاره ندارد البته این مسأله را در باره حج دارند نه عمره مفرده. (مستفاد از مناسک، مسأله ۲۲۲) به ذیل مسأله ۳۵۳ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی: چنانچه این عمل بعد از سعی بوده، عمره باطل نمی‌شود، ولی قبل از شوط پنجم کفّاره دارد، بلکه احوط کفّاره است مطلقاً.

آیهٔ اللّه خویی: بعد از سعی عمره باطل نمی‌شود ولی کفّاره دارد مگر این‌که شوط پنجم را بجا آورده بوده. (مناسک، مسأله ۲۲۳).

آیهٔ اللّه سیستانی: استغفار کند و کفّاره ندارد و طوافش را تمام کند (ملحق مناسک، سؤال ۳۶۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۱

انجام طواف نساء عمره مفرده بدون تقصیر

۱۲۰۶- در عمره مفرده انجام طواف نساء قبل از تقصیر، موجب بطلان عمره نمی‌شود، ولی باید بعد از تقصیر، طواف نساء اعاده شود و بدون آن، حرمت نساء باقی است.

ترک طواف نساء و احرام برای حج افراد

۱۲۰۷- کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجا نیاورده و بعد از آن حج افراد بجا می‌آورد، طواف نساء حج افراد از آن کفایت می‌کند.

۴- مستحبات اعمال مکه

۱۲۰۸- آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ اعِنّی عَلی نُسُکِکَ وَسَلِّمْنی لَهُ وَسَلِّمْهُ لی أسْألُکَ مَسْألَةَ الْعَلیلِ الذَّلیلِ الْمُعْتَرِفِ بذَنْبِهِ أنْ تَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَأنْ تُرْجِعَنی بِحاجَتی، أللَّهُمَّ انِّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدُ بَلَدُکَ وَالبَیْتُ بَیْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُتَّبِعاً لِأمْرِکَ راضِیاً بِقَدَرِکَ أسْألُکَ مَسْألَةَ الْمُضْطَرِّ إلَیْکَ الْمُطیعِ لِأمْرِکَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذابِکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أنْ تُبَلِّغَنی عَفْوَکَ وَتُجیرَنی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ».

سپس به نزد حجرالاسود بیاید و استلام و بوسه نماید؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد؛ و اگر آن هم ممکن نشد، مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: به ذیل مسأله ۹۱۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۲)- به مسأله ۱۲۰۲ مراجعه شود.

(۳)- آیهٔ اللّه مکارم: این اعمال را به قصد رجا و امید مطلوبیت بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۲

یَا

أَرْأَفَ مِنْ کُلِّ رَءُوف

عن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع أَنّهً قَالَ:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِیَامُ اللَّیْلِ

وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ

الکافی ج: ۲ ص: ۱۴۸

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۳

باب سیزدهم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۴

اللَّهُمَ

ارْحَمْنِی صَرِیعا عَلَی الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِی أَیْدِی أَحِبَّتِی

وَ تَفَضَّلْ عَلَیَّ مَمْدُودا عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُقَلِّبُنِی [یُغَسِّلُنِی] صَالِحُ جِیرَتِی وَ تَحَنَّنْ عَلَیَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِی

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

إِذَا رَأَیْتُمْ رَوْضَةً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا فِیهَا قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رَوْضَةُ الْجَنَّةِقَالَ:

مَجَالِسُ الْمُؤْمِنِینَ

روضهٔالواعظین/ ۲/ ۳۹۱

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۵

باب سیزدهم: زمان و مکان و کیفیت بیتوته

فصل اول: زمان و مکان و کیفیت بیتوته

۱- زمان بیتوته در منی

اشاره

۱۲۰۹- بیتوته شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه، از غروب آفتاب تا نصف شب، در منی، بر حج گزار، واجب است؛ و بیرون رفتن بعد از آن، مانع ندارد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح، وارد مکه نشود.

نحوه محاسبه نیمه‌شب

۱۲۱۰- نیمه شب را بایـد- بنابر احتیاط واجب- از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کننـد؛ و احتیاط آن است که از مغرب شـرعی، حساب کنند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه نوری: از غروب شرعی.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: تا مابعد نصف شب (مناسک شیخ، ص ۸۳)

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، مکارم: می‌تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند.

آیهٔ اللَّه فاضل: و بعید نیست که بتوان به نیمه دوم شب اکتفا کرد.

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: نیمه شب از اول غروب آفتاب تا طلوع صبح حساب می‌شود.

آیـهٔ اللَّه تبریزی: نصف شب در مسأله مبیت در منی، نصف از غروب تـا طلوع فجر است، گرچه احتیـاط برای کسـی که نصف اول شب را بیتوته می‌کند آن است که نصف از غروب تا طلوع آفتاب را در منی بماند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: نیمه شب در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب می‌شود.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: از مغرب تا طلوع فجر حساب کنند (آداب و احکام حج، مسأله ۹۳۶).

آیـهٔ اللَّه فاضـل: نیمه شب در منی از غروب آفتـاب تا طلوع فجر حساب می‌شود، بلی اگر بخواهـد نیمه دوّم شب را بیتوته کنـد اولی این است که آن را تا طلوع آفتاب حساب کند.

(۴). آیـهٔ اللَّه خـویی: معیـار در بیتوته، از غروب آفتـاب تـا طلوع فجر است و نیمه شب، مـا بین غروب آفتـاب و طلوع فجر می‌باشـد. (المسائل الشرعیّه، ج ۱، ص ۳۶۳).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۶

اخلاص در نیّت

۱۲۱۱- بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند متعال بجا آورد.

کفاره ترک بیتوته

۱۲۱۲- کسی که بیتوته به منی را ترک کند، باید برای هر شبی یک گوسفند قربانی کند.

۱۲۱۳- در واجب بودن قربانی در فرض ترک، فرقی بین ترک با علم و عمد یا نسیان یا جهل به حکم، نیست.

افرادی که شب سیزدهم باید بمانند

۱۲۱۴- بیتوته شب سیزدهم نیز، بر چند گروه واجب است:

اول- کسی که در احرام، صید کرده است؛ و اگر صید را گرفته ولی نکشته- بنابر احتیاط واجب - شب سیزدهم را بماند، ولی غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است- مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن- اگر اجتناب نکرده، بیتوته شب سیزدهم، واجب نیست.

دوم- کسی که در احرام، با زن- چه با زن خود یا اجنبیه و چه در قُبل و چه در دُبر- نزدیکی

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه برای تذلل در پیشگاه خداوند.

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: برای شبی که بیتوته کند برای غیر عبادت در مکّه یا در راه قبل از تجاوز از حدود مکه که آخرش عقبهٔ المدنیین باشد علی الأظهر (مناسک شیخ، ص ۸۳).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب در همه صور.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: ثبوت کفّاره در جاهل و ناسی و معذور مبنی بر احتیاط است.

(۵)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی: احتیاط این است که در صورت فراموشی و یا ندانستن حکم نیز یک گوسفند کفّاره بدهد.

(۶)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط.

(۷)- آیهٔ اللَّه خویی، آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که در حال احرام از شکار خودداری نکرده واجب است شب‌سیزدهم را نیز در منی بماند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرّض این فرع مسأله نشده‌اند.

(۸)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: بنابر احتیاط کسی که با زن نزدیکی کرده باید شب سیزدهم رادر منی بماند.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: کسی که از تمتّع از زنها اجتناب نکرده. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۲۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۷

کرده؛ ولی اگر غیر از جماع از کارهای دیگر- مثل تقبیل و لمس و غیر آن- اگر اجتناب نکرده، بیتوته شب سیزدهم، واجب نمی‌شود.

۱۲۵- کسی که در احرام عمره تمتع، از صید و زن اجتناب نکرده، باید شب سیزدهم بماند؛ و این حکم به احرام حج، اختصاص ندارد. سوم- کسی که در روز دوازدهم از منی کوچ نکرده و غروب شب سیزدهم را درک کرده است.

حکم عود به منی بعداز غروب دوازدهم

۱۲۱۶- اگر حاجی قبل از غروب آفتابِ شب سیزدهم، از منی خارج شده و بعد از غروب، به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی‌شود.

درک غروب شب سیزدهم بعد از نفر

۱۲۱۷- کسی که بعدازظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرده و به جهتی سهواً یا جهلًا یا عالماً، مجدداً به منی برگردد،، و غروب شب سیزدهم را درک کند، آیا بیتوته آن شب در منی یا رمی روز سیزدهم بر او واجب می‌شود؟

تأخیر در بیتوته یا تعجیل در خروج

۱۲۱۸- اگر قسمتی از بیتوته اول شب را درک نکند، یا زودتر از نصف شب از منی خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کنند؛ و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط.

(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: نصف اول یا نصف دوم فرق می کند.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: که در این صورت باید تا طلوع فجر در منی باشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه فاضل: و نیز کسی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ کند و قبل از غروب برای کاری به منی برگردد و تا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم را بماند و همچنین رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: احوط این است که بیتوته آن شب و رمی فردا را بجا آورد.

آیت الله خامنه ایی: به هر جهت اگر حاجی در غروب روز دوازدهم در منی باشد، باید شب سیزدهم را در منی بیتوته کند و در روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

آیت الله تبریزی: بلی، در این صورت باید آن شب را در منی بیتوته کند و روز سیزدهم هم رمی نماید.

آیت الله گلپایگانی: در فرض که کوچ کرده بیتوته شب سیزدهم و رمی روز آن بر او واجب نیست.

آیت الله مکارم: لازم نیست.

آیت الله فاضل: در فرض مذکور که نفر قبلا محقق شده است بیتوته شب سیزدهم و رمی روز سیزدهم واجب نیست.

(۶)- آیهٔ اللَّه فاضل: چنانکه بیتوته در منی را در نیمه دوم شب هم ترک کند.

(۷)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مگر آن‌که نیمه دوم شب را کاملًا در منی باشد.

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتی از شب به منی برساند، بر او کفّاره واجب نیست، اگرچه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۳۰). و در مسأله ۹۳۸ آداب حج می‌فرمایند: در صورت عذر کفّاره واجب نیست.

نظر سایر آیات عظام نسبت به حکم این مسأله، از مسأله ۱۲۰۹ به دست می‌آید که درک نیمه دوّم بیتوته هم کافی است و کفّاره ندارد.

آیهٔ اللَّه بهجت: به ذیل مسأله بعد مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: کافی است نصف اول یا نصف دوم شب را بماند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۸

ترک بدون عذر بیتوته در اول شب

۱۲۱۹- کسی که در اول شب، بیتوته در منی را ترک کند، احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

۱۲۲۰- اگر حج‌گزار بدون عذر، نصف اول شب را در منی نماند، واجب است نصف دوم را در منی باشد، و کفاره ترک مَبیت را نیز باید بدهد.

ثبوت کفّاره با ترک بیتوته

۱۲۲۱- کسانی که مقداری از اول شب- با عذر یا بدون عذر- در خارج منی بودند، یا قبل از نصف شب خارج شدند، بنابر احتیاط واجب باید کفّاره بپردازند.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفّاره ندارد و احتیاطاًقسمت دوّم را در منی بماند. (پرسشهای جدید حج، ص ۲۹ س ۱۱۹).

آیهٔ اللّه سیستانی: ترک نیمه اول؛ چه با عذر باشد چه بی‌عذر، بیتوته نیمه دوّم را باید درک کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: واجب است برگردد و در صورتی که بدون عذر قسمتی از اول شب را در منی نبوده احتیاط در پرداخت کفّاره ترک نشود. (آداب و احکام حج، م ۹۳۸)

آیهٔ اللّه فاضل: واجب است.

(۲)- مراجعه شود به مسأله ۱۲۰۹.

آیهٔ اللّه فاضل: بیتوته شب در منی، نسبت به نیمه اوّل یا دوّم شب واجب تخییری است، لذا اگر از روی عذر هم نیمه اوّل شب در منی نباشد، باید نیمه دوّم را در منی بیتوته کند.

(۳)- مانند مسأله بعد است.

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم: اگر در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفّاره ندارد.

(۴)- مراجعه شود به مسأله ۱۲۰۹.

آیهٔ اللّه بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکند کفّاره ندارد ولی احتیاطاً قسمت دوّم شب را در منی بماند.

آیهٔ اللّه فاضل: اگر نصف اول شب یا نصف دوّم شب را بماند کافی است و کفّاره لازم نمی‌شود. بلی اگر مقداری از اوّل شب را در خارج منی بود و مقداری هم از نیمه دوّم شب را در خارج بود کفّاره در غیر از جاهل و ناسی و معذور واجب است و در این افراد بنابر احتیاط لازم است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۰۹

۲- مکان بیتوته

اشاره

مکان بیتوته، سرزمین منی است.

بیتوته در غیر منی

۱۲۲۲- افرادی که در غیر منی بیتوته نموده‌اند، باید کفّاره بدهند و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

حدّ منی

۱۲۲۳- حدّ منی آیا جمره عقبه است یا خود عقبه که گردنه بزرگی است؟

بیتوته در نزدیک منی

۱۲۲۴- کسانی که در زمینهای متصل به منی، که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم، بیتوته کنند، باید برای هر شب، یک گوسفند قربانی کنند هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۲۲۴.

(۲). آیهٔاللَّه بهجت: از خبره تحقیق شود و در مشکوک احتیاط شود.

آیت اللَّه خامنه‌ای: باید از اهل خبره ثقه استعلام شود، ولی به نحو کلّی حدود مشاعر از عرفات و مزدلفه و منی مبنی بر مداقّه نیست ترتیب اثر بر آنچه که در نظر عرف از مشاعر ذکر شده محسوب است کفایت می‌کند و ظاهر صحیحه معاویهٔ بن عمّار خروج وادی محسّر و عقبه از منی است، که منی بین عقبه ووادی محسّر است.

آیت اللَّه تبریزی: بیش از جمره عقبه است، به اندازه‌ای که رمی در داخل منا واقع می‌شود و در مورد شک در مورد نفر و کوچ از منا احتیاط کنند و اکتفا به اقلّ بشود و از قدر متیقن از منا، کوچ بعد از زوال انجام شود.

آیت اللَّه سیستانی: جمره حد منا است.

آیت اللَّه گلپایگانی، آیت اللَّه صافی: حد منا را اعلام مخصوصه معین کرده است.

آیت اللَّه فاضل: حد منا از ناحیه مکه، خود عقبه است.

آیت اللَّه مکارم: حد منا با علامت مخصوصی مشخص شده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۰

است، یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

خطا در معرفی مکان منی

۱۲۲۵- اگر کسی با اعتقاد به منی بودنِ مکانی، حجاج را بدان‌جا راهنمایی کند و در آنجا بیتوته نمایند، کفاره ترک بیتوته خودش را باید بپردازد و کفاره دیگران بر وی واجب نیست؛ و در صورتی که وقت تدارک گذشته، لازم نیست به آنان اعلام نماید؛ و اگر

خودشـان فهمیدنـد، کفّاره بر خود آنـان واجب است، ولی اگر اجرت عمل صـحیح و عملی که انجام شـده، تفاوتی دارد، نسـبت به تفاوت باید رضایت حجاج تحصیل شود.

۱۲۲۶- کسـی که در محلی بیتوته کرده که یقین به منی بودن آن داشـته تا یقین بخلاف پیـدا نکند، کفّاره لازم نیست؛ و این میزان، در صورت تغییر علامتگـذاری‌ها نیز صـدق می‌کنـد؛ و کسـی که با اعتقاد به منی بودن دیگران را به مکانی راهنمایی کرده، با تغییر علایم، ابلاغ و اعلام لازم نیست.

جواز خروج با علم به تأخیر و ثبوت کفّاره

۱۲۲۷- اگر حج‌گزار بعـد از اعمال روز عیـد، قصـد داشـته باشـد برای انجام اعمال به مکه برود، ولی می‌دانـد که اگر به مکه برود، مقداری از مَبیتِ اول شب را درک نمی‌کند، رفتن به مکه مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفّاره بدهد.

---

(۱)- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، مکارم: بنابر احتیاط واجب.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: در ناسی و جاهل و معذور وجوب کفّاره مبنی بر احتیاط است. (مناسک، مسأله ۴۳۴).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله، کفّاره مبنی بر احتیاط است.

(۲)- مراجعه شود به مسأله ۱۲۲۴.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیـهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب و اعلام به دیگران، لازم نیست، اما اگر آنها باخبر شونـد و کفّاره بدهند باید آنها را راضـی کند ضمناً دامنه‌های کوههای اطراف منی جزو منی است.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه همانگونه که در مسأله قبل گذشت، در غیر این صورت نیز اعلام لازم نیست.

(۴)- مراجعه به مسأله ۱۲۰۹ بیتوته در منی شود.

آیـهٔ اللَّه بهجت: اگر حاجی ساعتی از اوایل شب بیتوته در منی را درک نکنـد، کفّاره ندارد ولی احتیاطاً قسـمت دوّم شب را در منی بماند.

آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: همان طور که گفته شد، بیتوته نصف دوم شب کافی است و کفّاره ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۱

۳- افرادی که بیتوته بر آنها واجب نیست

اشاره

۱۲۲۸- بیتوته در شبهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم، بر افراد ذیل واجب نیست:

۱- بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که ماندن برای آنها- به خاطر هر عذری - مشقت داشته باشد.

۲- کسانی که ترس دارنـد که در اثر ماندن، مالی از آنها- که مُعتدٌبه باشد- در مکه از بین برود. ۳- شبان هایی که حیوانات آنها به چرانیـدن در شب، احتیاج دارد. ۴- کسانی که در مکه متکفل آب دادن به حجاج هسـتند. ۵- کسانی که شب را تا صبح در مکّه-

در هر جای آن- بیدار و به عبادت مشغول باشند و کار

(۱)- آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشـی یا ندانسـتن مسأله و عذردیگر، مثل بیماری و پرستار بودن ترک کرد، یک گوسفند ذبح نماید هر چند گناه نکرده (مناسک فارسی، مسأله ۲۱۴).

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: کسی که در صورت بیتوته نمودن در منی بر جان یا مال یا آبروی خود بترسد.

(۳)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: طائفه سوم و چهارم را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه خویی: طائفه سوم و چهارم استثناء نشده‌اند. (معتمد، ج ۵، ص ۳۹۵).

آیهٔ اللَّه سیستانی: طایفه سوم و چهارم مستثنی نیستند مگر این که داخل در طایفه اول باشند.

آیهٔ اللَّه مکارم: به طوری که ترک آن موجب ضرر یا زحمت شدید باشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه تبریزی: در استثنای این طایفه تأمّل است.

آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این قسم نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه مکارم: یا متکفل سایر کارهای لازم برای حجاج هستند.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: به نسک حج؛ از قبیل طواف و سعی علی الأحوط والّا رجوع به منی نماید و مشـغول به‌سایر عبادات نشود مگر در صورت خروج از منی بعد از نصف شب علی الأحوط، و از امور ضروریّه مذکوره، نوم غالب است (مناسک شیخ، ص ۸۳).

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: کسـی که در مکه تمام شب و یا باقیمانـده از شب، اگر بعـد از دخول در شب از منی خارج شده و مشغول به عبادت بوده، بجز حاجت ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن و تطهیر و امثال آنها کار دیگری نداشته.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: کسـی که از منی، اول شب یـا پیش از آن، بیرون رفته و در مکه در تمـام مـدت نیمه دوم شب تا طلوع فجر، بجز اندک زمانی که برای حوائج ضـروری مانند خوردن و آشامیدن و امثال آن لازم است، مشغول به عبادت شده و اشتغال به آن، او را از برگشتن به منی بازداشته است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۲

دیگری جز عبادت نکنند، مگر کارهای ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

مقدار عبادت بدل از بیتوته

۱۲۲۹- مقدار شب برای کسی که در مکه بجای بیتوته در منی به عبادت مشغول می‌شود، از مغرب تا طلوع فجر است.

خواب هنگام عبادت بدل بیتوته

۱۲۳۰- کسـی که به جـای بیتوته در مکه، به عبـادت مشـغول می‌شود، اگر بقـدری خواب رود که صـدق نکنـد تمام شب به عبادت مشغول بوده، کافی نیست، و باید کفّاره بدهد.

مکان عبادت بدل بیتوته

۱۲۳۱- در صورت ترک بیتوته، عبادت در غیر مکه- حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب- جایز نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: این طایفه را نیز از وجوب بیتوته استثنا کرده‌اند و آن این است: کسی که طواف خانه خدا را نموده و به عبادت خود باقی مانده و سپس از مکه خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته کند و به منی نیاید.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: طایفه دیگر کسی است که از مکه به قصد منی خارج شده و از عقبه مدنیین گذشته باشد که در این صورت می‌تواند در راه پیش از رسیدن به منی بخوابد ولی اگر منزل او بعد از عقبه مدنیین باشد نمی‌تواند در منزلش بخوابد.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: از غروب آفتاب است تا طلوع فجر.

(۳)- آیهٔ اللّٰه بهجت: کسی که در مکه تمام شب مشغول به عبادت بوده، بجز حاجت ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن و نوم غالب و تطهیر و امثال آنها، کار دیگری نداشته و مراد از عبادت طواف و سعی است علی الأحوط. (مناسک، ص ۱۵۰).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه اگر خواب برود هر چند برای مدّت کوتاهی باشد، بنابر احتیاط واجب کفّاره دارد و آنچه معتبر است عبادت در نصف دوّم شب است.

(۴)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کسی که طواف خانه خدا را نموده و در عبادت خود باقی مانده سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدنیین گذشته باشد، چنین شخصی می‌تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: بنابر احتیاط در مکه قدیمه بماند.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: نظر ایشان در مسأله ۱۲۲۸ ذیل طایفه پنجم گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۳

لزوم کفّاره بر چهار دسته مزبور

۱۲۳۲- چهار طایفه‌ای که واجب نیست در منی بمانند، در صورتی که نماندند، باید برای هر شب، یک گوسفند کفّاره قربانی کنند حتی دسته سوم و چهارم به احتیاط واجب.

۱۲۳۳- گوسفندی که این گونه اشخاص باید قربانی کنند، محل معینی ندارد و می‌توانند پس از مراجعت، در محل خود قربانی کنند، اگرچه احتیاط آن است که در منی قربانی شود. ۱۲۳۴- کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و به منی نیامده‌اند، قربانی بر آنها واجب نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه خویی: به حاشیه مسأله ۱۲۲۸ مراجعه شود.

(۲)- آیات عظام بهجت، خویی، صافی، گلپایگانی: بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: بنابر احتیاط، بر معذور و شبان و متکفّل آب. و نسبت به بقیه طوایفی که بر آنها واجب نیست، در صورت ترک کفّاره لازم نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: احتیاط واجب آن است که دسته اول و دوم کفّاره بدهند اما دسته چهارم و پنجم و دسته دیگری که در مسأله ۱۲۲۸ ذکر شد بر آنها کفّاره‌ای نیست.

(۳)- آیهٔ‌اللّٰه‌بهجت: ظاهر علما عدم وجوب فدیه گوسفنداست‌بر طایفه‌سوم‌وچهارم (مناسک‌شیخ، ص ۸۳).

(۴)- آیة اللَّه بهجت: این احتیاط ترک نشود.
آیة اللَّه فاضل: احتیاط مستحب.
(۵)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کفّاره‌ای که بر محرم، برای غیر از شکار، واجب شده است، اظهر این است که می‌تواند کشتنش را تا بازگشت از حج تأخیر انداخته و هر جا بخواهد بکشد و بهتر این است که کفّاره را در حج خود بکشد.
آیة اللَّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند.
آیة اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند و اگر نکرد بنابر اظهر هر جا که قربانی نماید مجزی است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۴

فصل دوم: احکام نفر از منی

زمان نفر در روز دوازدهم

۱۲۳۵- کسانی که برای آنها کوچ در روز دوازدهم، جایز است، باید بعدازظهر کوچ کنند و قبل از ظهر، جایز نیست؛ و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند، کوچ در هر وقتی برای آنها جایز است.

اتحاد حکم مردان و زنان در زمان کوچ

۱۲۳۶- در کوچ کردنِ بعدازظهرِ روز دوازدهم، زنها هم حکم مردان را دارند. بنابراین، اگر زنها با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند، نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعدازظهر، معذور باشند.

عدم لزوم عود در روز دوازدهم

۱۲۳۷- اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید، برای نَفْرِ بعدازظهر، واجب نیست به

---

(۱)- آیة اللَّه سیستانی: ولی در مواردی جایز است خارج شوند که در حاشیه مسأله بعد خواهد آمد.
(۲)- آیة اللَّه سیستانی: شبانها و کسانی که نمی‌توانند در منی توقف نمایند به سبب خوف یا مرض یا امثال آن، می‌توانند رمی جمرات سه گانه را در شب یازدهم و شب دوازدهم انجام دهند و اینان می‌توانند پس از رمی شبانه کوچ کنند اما زنان نمی‌توانند بجز رمی جمره عقبه در شب عید رمی جمرات را در شب انجام دهند بلکه در روز اگر می‌توانند خودشان انجام دهند و اگر نمی‌توانند نایب بگیرند و در هر صورت نباید قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر این که کوچ کردن بعد از ظهر بر آنها حرجی باشد که در این صورت اگر بیتوته شب سیزدهم برای آنها ممکن باشد و حرجی نباشد باید بمانند و اگر میسّر نیست، نفر پیش از ظهر جایز است.
(۳)- آیات عظام بهجت، مکارم: بنابر احتیاط برگردد.
آیات عظام: تبریزی، گلپایگانی، صافی: باید برگردد برای تحقّق نفر بعدازظهر.
آیة اللَّه خویی: اگر می‌تواند قبل از ظهر به منی بیاید تا بعد از ظهر برگردد واجب است وگرنه بر او چیزی نیست. (استفتائات، ص ۲۶۰، س ۷۸۰).

آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط واجب باید برای نفر...

منی برگردد اگرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر، جایز نیست. ۱۲۳۸- کسانی که از رَمْی در روز معذورند و می‌توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند، می‌توانند بعد از مَبیتِ واجب خارج شوند و لازم نیست تا ظهر روز دوازدهم صبر کنند.

خروج قبل از ظهر با عذر

۱۲۳۹- افرادی که به خاطر ندانستن مسأله، قبل از ظهر از منی خارج شوند، یا مثلا از جهت تعجیل مسؤولین کاروان امکان ماندن تا بعدازظهر برایشان نباشد، چیزی بر آنها نیست.

وقوف دوازدهم واجب نیست کوچ حرام است

۱۲۴۰- وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است؛ پس خدمه کاروان و همراهان معذورینِ از رمی در روز که با آنها به مکه می‌روند، می‌توانند بعد از نصف شب از منی خارج شوند و روز دوازدهم- ولو بعد از ظهر - برای رمی، به منی بازگردند؛ و اگر قبل از ظهر آمدند، بعد از ظهر کوچ نمایند؛ و در هر صورت رمی شب، برای آنها کافی نیست.

عدم وجوب عود قبل از ظهر به منی

۱۲۴۱- کسی که شب دوازدهم، بعد از نصف شب، از منی خارج و به مکه می‌رود، لازم نیست قبل از ظهر به منی بیاید، هرچند اگر قبل از ظهر بیاید نمی‌تواند قبل از ظهر کوچ کند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر در منی متعلقاتی؛ از قبیل رحل و اثاث بجا گذارد که مستلزم برگشتن باشد، می‌تواند پس از رمی و پیش از ظهر از منی بیرون رود و در این صورت باید به منی برگردد؛ چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر و قبل از غروب یا روز بعد کوچ کند و اگر متعلقاتی ندارد بنابر احتیاط جایز نیست پیش از ظهر خارج شود گرچه نیت برگشتن داشته باشد و اگر خارج شد به احتیاط واجب باید برای نفر باز گردد چه پیش از ظهر چه بعد از آن.

(۲)- به مسأله ۱۲۳۶ و ۱۲۳۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه بهجت: لازم است برای نَفْر بعد از ظهر به منی برگردد علی الأحوط. (مناسک، مسأله ۲۴۳).

آیهٔ اللّٰه فاضل: در صورتی که از رمی در روز و ماندن تا بعد از ظهر دوازهم عذر داشته باشد، والّا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ نمایند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: احتیاط واجب صبر کردن است.

(۳)- آیهٔ اللّٰه فاضل: از رمی در روز دوازدهم و ماندن تا بعد از ظهر.

(۴)- آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط قبل از ظهر برگردند.

(۵)- آیهٔ اللّٰه فاضل: بنابر احتیاط، لازم است قبل از ظهر بیاید.

سَیِّدِی

مَنْ لِی وَ مَنْ یَرْحَمُنِی إنْ لَمْ تَرْحَمْنِی

وَ فَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إنْ عَدِمْتُ فَضْلَکَ یَوْمَ فَاقَتِی

وَ إلَی مَنِ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إذَا انْقَضَی أَجَلِی

عنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ:

قالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام:

کَانَتِ الْفُقَهَاءُ وَ الْحُکَمَاءُ إذَا کَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً کَتَبُوا بِثَلاثٍ لَیسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ:

مَنْ کَانَتِ الْآخِرَةُ هَمَّهُ، کَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْیَا

وَ مَنْ أَصْلَحَ سَرِیرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلانِیَتَهُ

وَ مَنْ أَصْلَحَ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ النَّاسِ

من‌لایحضره‌الفقیه ج: ۴ ص: ۳۹۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۷

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۸

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْکَرِیُّ علیه السلام: قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام:

«أَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی إلَی مُوسَی: حَبِّبْنِی إلَیَّ خَلْقِی وَ حَبِّبْ خَلْقِی إلَیَّ، قَالَ یَا رَبِّ کَیْفَ أَفْعَلُ، قَالَ: ذَکِّرْهُمْ آلائِی وَ نَعْمَائِی لِیُحِبُّونِی فَلَانْ تَرُدَّ آبِقاً عَنْ بَابِی أَوْ ضَالًّا عَنْ فِنَائِی أَفْضَلُ لَکَ مِنْ عِبَادَةِ مِائَةِ سَنَةٍ بِصِیَامِ نَهَارِهَا وَ قِیَامِ لَیْلِهَا، قَالَ مُوسَی: وَ مَنْ هَذَا الْعَبْدُ الْآبِقُ مِنْکَ، قَالَ: الْعَاصِی الْمُتَمَرِّدُ، قَالَ فَمَنِ الضَّالُّ عَنْ فِنَائِکَ، قَالَ: الْجَاهِلُ بِإِمَامِ زَمَانِهِ تُعَرِّفُهُ وَ الْغَائِبُ عَنْهُ بَعْدَ مَا عَرَفَهُ الْجَاهِلُ بِشَرِیعَةِ دِینِهِ تُعَرِّفُهُ شَرِیعَتَهُ وَ مَا یَعْبُدُ بِهِ رَبَّهُ وَ یَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَی مَرْضَاتِهِ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام

فَأَبْشِرُوا عُلَمَاءَ شِیعَتِنَا بِالثَّوَابِ الاعْظَم وَ الْجَزَاءِ الأوْفَر

بحار الانوار/ ۲/ ۴

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۱۹

باب چهاردهم: وجوب، زمان و مکان رمی

فصل اول: وجوب، زمان و مکان رمی

۱- وجوب رمی و ترتیب در آن

اشاره

۱۲۴۲- شبهایی که بیتوته در منی واجب است، بایـد در روزِ آنها رمی جمرات سه‌گانه انجام شود؛ یعنی به سه مکان- «جمره اولی»، «جمره وُسطی» و «جمره عقبه» - سنگریزه زده شود.

ترک رمی جمرات

اگر کسی رمی جمرات را ولو عمداً، ترک کند، به صحّت اعمال او ضرر نمی‌رساند و حج او صحیح است، گرچه در صورت عمد، معصیت کار است.

رمی روز سیزدهم

۱۲۴۳- اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

ترتیب در رمی جمرات

۱۲۴۴- رعایت ترتیب در رمی جمرات، واجب است به این گونه که: اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وُسطی و بعد از آن به جمره عقبه، سنگ بیندازد.

۱۲۴۵- اگر این ترتیب- از روی علم و عمد یا سهو و نسیان یا ندانستن مسأله- رعایت نشود،

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: علی الأشهر الأقوی.

آیهٔ اللَّه تبریزی: با ترک رمی، اگرچه عمدی باشد، حج باطل نمی‌شود و بنابر احتیاط باید قضای آن را در سال آینده خود یا نایبش انجام دهد.

(۲)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: اگر بیتوته کند واجب است بنابر احتیاط روز سیزدهم رمی‌جمرات کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۰

باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده بجا آورد، مثلًا اگر اول جمره وُسطی و بعد جمره اولی را رمی کرده، رمی جمره وُسطی

کفایت می‌کند و بعد از آن جمره عقبه را رمی می‌کند و اعاده رمی جمره اولی لازم نیست.

رمی جمره دیگر بعد از اتمام چهار

۱۲۴۶- جایز است ابتدا چهار سنگ به جمره اولی و بعد چهار سنگ به جمره وُسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود، و لازم نیست تمام هفت سنگ، مقدم باشد؛ و می‌تواند به هر ترتیب که بخواهد، هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد، ولی کسی که از روی علم و عمد این گونه رمی کرده- بنابر احتیاط واجب- رمی را اعاده کند.

۲- مکان و زمان رمی و حکم معذورین

اشاره

۱۲۴۷- محل رمی، جمرات سه‌گانه است؛ و احکام مربوط به آن از جهت رمی از طبقه دوم و افزایش مساحت جمرات و غیر آن، در رمی روز عید، گذشت.

زمان رمی

۱۲۴۸- وقت انداختن سنگ، از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتابِ روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب، جایز نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: اگر مخالفت ترتیب کند اعاده نماید آنچه را که در غیر مرتبه خود کرده، بلی اگر چهارسنگ بر جمره انداخت و آن را ترک نمود و مشغول دیگری شد کفایت می‌کند در ترتیب، و سه سنگ را بعد از آن می‌زند، اگرچه احوط در اینجا نیز اعاده است (مناسک شیخ، ص ۸۴).

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر بعد از این که جمره سابق را چهار ریگ زد فراموش نموده و به جمره بعدی رفت، واجب نیست رمی را تماماً اعاده کند بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی زد کفایت می‌کند. و آیهٔ اللّه تبریزی اضافه می‌کنند که: در غیر این فرض باید برگردد و به نحوی رمی کند که ترتیب حاصل شود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر چهار ریگ را به یک جمره پرتاب کرد و به علت فراموشی یا ندانستن حکم شرعی، آن را رها کرد و جمره دیگری را پس از آن رمی نمود، برای او کفایت می‌کند که جمره سابق را سه ریگ بزند و اعاده رمی جمره بعد لازم نیست.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر به جمره اولی چهار سنگریزه بزند و سپس از روی فراموشی جمره بعدی را هفت سنگریزه بزند، اگر کمبود اولی را جبران کند کفایت می‌کند. بلی اگر نقص مربوط به جمره سوّم باشد اکمال آن کافی است و لازم نیست رمی جمرات قبل را کامل کند. ولی اگر عمداً چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد جمره دوّم و سوّم را هریک هفت سنگ بزند احتیاط لازم آن است که رمی تمام جمرات را اعاده نماید چنانچه احوط الحاق جاهل به عالم است.

آیهٔ اللّه مکارم: احتیاط آن است که باقیمانده را نیز با ترتیب بزند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۱

رمی در شب بدون عذر

۱۲۴۹- رمی در شب بدون عذر، صحیح نیست؛ و اگر کسی رمی در روز را بدون عذر ترک نماید، گناه کرده است.

رمی در شب برای معذورین

۱۲۵۰- اگر حج‌گزار از رمی در روز، عذری داشته باشد- مثل شبان و مریض و علیل و کسی که از چیزی مثل تزاحم جمعیت، ترس داشته باشد- جایز است شب آن روز، یا شب بعد رمی کند.

۱۲۵۱- کسانی که از رمی در روز عیـد معذورند، می‌توانند شب قبل از آن، یا شب بعد از آن رمی کنند؛ و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند، می‌توانند در شب یازدهم، بعد از رمیِ روز عید، رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

فرق بین رمی روز عید و یازدهم برای زنها

۱۲۵۲- برای زنها، رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمـدن به منی در همان شبِ عید قربان، جایز است، ولی رمی یازدهم و دوازدهم، در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه بهجت: صاحب عـذر در شب رمی می‌کنـد؛ یعنی شب مقدّم، با علم به عدم تمکّن از رمی در روز، و اما شب مؤخّر با علم به تمکّن از رمی قضایی در روز مؤخّر پس احوط تأخیر قضا است تا طلوع آفتاب (مناسک شیخ، ص ۸۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: برای چنین کسانی جایز است رمی را شب آن روز انجام دهند و این بر نیابت مقدم است.

آیهٔ اللَّه سیستـانی: واجب است رمی جمرات در روز باشد و از این حکم چوپانان و هر کسـی که از ماندن روز در منی معذور است، به علت ترس یـا مرض یا چیز دیگری، استثنا می‌شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهنـد و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند. و امّا زنان، ضـعفا، مریضها و مثل آنان که در روز به خاطر کثرت جمعیت یا چیز دیگر نمی‌توانند رمی کنند، باید برای رمی در روز نایب بگیرند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.

(۲). توجه: این مسأله با مسأله ۱۰۰۱ بر اساس برخی فتاوی تنافی دارد دقت شود.

(۳)- به مسأله ۱۲۵۲ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستـانی: رمی روز عید در شب بعد کافی نیست مگر برای کسانی که از ماندن روز در منی معذورند و در مورد رمی شب یازدهم و دوازدهم به حاشیه مسأله ۱۲۵۰ مراجعه شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۲

رمی در روز معـذور باشـند. ۱۲۵۳- زنهـا می‌تواننـد در حـج نایب شونـد هرچنـد رمی در شب، برای آنها جائز است و از معـذورین

محسوب می‌شوند.

جواز رمی جمرات در روز یازدهم با تأخیر حلق

۱۲۵۴- کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد.

عدد و شرایط رمی

۱۲۵۵- عدد سنگریزه که باید به جمره بزند، برای هریک در هر روزی، باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقا در جمره عقبه گفته شد.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر از رمی در روز یازدهم و دوازدهم خائف بر نفس خود باشند، می‌توانند رمی روز یازدهم را در شب یازدهم، و رمی روز دوازدهم را در شب دوازدهم انجام دهند. و یک شب نمی‌توانند برای دو روز رمی کنند.
نظر آیهٔ اللّٰه سیستانی در حاشیه مسأله ۱۲۵۲ گذشت که رمی در شب برای کسانی جایز است که از ماندن در روز معذورند.
آیهٔ اللّٰه مکارم: این کار اشکال ندارد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۳

فصل دوم: استنابه و نیابت در رمی

۱- موارد استنابه

اشاره

۱۲۵۷- کسی که از رمی، عذری داشته باشد- مثل مریض یا طفلی که نتواند رمی کند، یا کسی که دست یا پایش شکسته، یا کسی که از شدت بی حالی یا به جهت بیهوشی از رمی عاجز باشد- باید نایب بگیرد؛ و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد، مثل بیهوش و طفل کوچک، ولیّ او یا شخص دیگری، از طرف او بجا آورد.
۱۲۵۷ / ۲- معذورین- بنابر احتیاط واجب- تا مأیوس از رمی نشده‌اند، نایب رمی نکنند. و بهتر آن است که در صورت امکان، شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند؛ و نیز اگر ممکن است سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

جواز تعجیل در استنابه

۱۲۵۸- کسانی که از رمی در روز معذورند، می‌توانند شب رمی کنند و نیز می‌توانند همان روز نایب بگیرند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه اراکی: احتیاط آن است که با وجود ولیّ شرعی، دیگری بدون اذن او بجا نیاورد.

آیهٔ اللّه مکارم: و در سال بعد نایب بگیرد.

(۲)- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: قبل از یأس هم می‌تواند نایب بگیرد لکن اگر بعداً متمکن از رمی شد باید خودش‌اعاده کند ولی اگر بعد از یأس نایب بگیرد و رفع عذر شود اعاده لازم نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: قبل‌از یأس می‌شود نایب عمل کند ولی اگر بعداً متمکن شد باید خودش انجام دهد.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۲۱ و ۱۰۲۳.

آیهٔ اللّه مکارم: در شرایط فعلی این امور ضرورتی ندارد.

(۴)- آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، گلپایگانی: باید شب رمی نماید.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر از قبیل عذرهایی است که مجوز رمی در شب قبل است؛ مانند خوف و شغل و امثال آن موردی برای استنابه نیست ولی اگر از عذرهایی است که در روز حادث شده است می‌تواند نایب بگیرد ولی اگر در شب بعد رفع شد احتیاط واجب آن است که عمل را اعاده کند.

آیهٔ اللّه سیستانی: چنانکه گذشت کسی که معذور از رمی در روز است باید نایب بگیرد و نمی‌تواند در شب رمی نماید، مگر چوپانان و کسانی که از ماندن روز در منی معذور باشند.

آیهٔ اللّه فاضل: احتیاط واجب آن است که شب رمی کنند.

آیهٔ اللّه مکارم: تا در شب بتواند رمی کند نایب گرفتن مشکل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۴

جواز استنابه با احتمال حیض و مشقت

۱۲۵۹- زنی که احتمال بدهد، رمی باعث قاعدگی او می‌شود، اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد، عذر محسوب می‌شود و می‌تواند نایب بگیرد.

عدم لزوم اذن از معذورِ مأیوس

۱۲۶۰- اگر دیگران از رفع عذرِ معذور، مأیوس باشند، لازم نیست از وی اذن بگیرند اگرچه احوط است؛ و اگر نتواند اذن بدهد، اذن معتبر نیست.

عدم جواز استنابه با امکان رمی بعدازظهر

۱۲۶۱- کسانی که می‌توانند در روز ولو بعدازظهر رمی کنند، نمی‌توانند نایب بگیرند.

۱۲۶۲- اگر بعد از رمیِ نایب، عذر برطرف شد، اعاده رمی لازم نیست اگرچه احوط است.

---

(۱)- آیهٔ الله تبریزی: قاعدگی مجوز استنابه برای رمی نیست، باید خودش انجام دهد و اگر قبل از وقوف به عرفه می‌ترسد که رمی باعث قاعدگی شود و نتواند طواف کند، باید طواف و نماز آن را مقدم کند و بنابر احتیاط مستحب سعی را نیز مقدم کند و در

وقت خودش اعاده کند.

آیهٔ الله سیستانی: مجرد احتمال وقوع در مشقت مجوز استنابه نیست.

آیهٔ الله گلپایگانی: متعرض این فرع نشده اند.

(۲)- آیهٔ الله بهجت: اگر قطع به رضایت داشته باشد اذن لازم نیست.

آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله خویی: وظیفه عاجز نایب گرفتن است و استنابه بدون اذن گرفتن تحقق پیدا نمی‌کند مگر این که از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل غیر ممیز.

آیهٔ الله سیستانی: معذور باید نایب بگیرد و کسی که قادر به نایب گرفتن نیست ولی او یا هر کس دیگر بجای او رمی کند.

آیهٔ الله صافی، آیهٔ الله گلپایگانی: استنابه بدون اذن گرفتن محقق نمی‌شود مگر در مغمی علیه که گذشت.

آیهٔ الله مکارم: بدون اذن مشکل است.

(۳)- آیهٔ الله بهجت: رمی جمرات بایستی به مباشرت خود شخص انجام شود و نایب گرفتن در حال اختیار جایز نیست (مناسک، ص ۱۵۱).

(۴)- آیهٔ الله خامنه ایی: مراجعه شود به حاشیه مسأله ۱۲۵۷.

آیهٔ الله فاضل: اگر با یأس از رفع عذر نایب گرفته و یا نایب بعد از یأس از رفع عذر منوب عنه رمی انجام داده باشد اعاده لازم نیست و در غیر این دو صورت اعاده واجب است.

(۵)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۲۴.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: بلکه لازم است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۵

جواز استنابه با عدم یأس از خوب شدن

۱۲۶۳- اگر مریض و معذور، از خوب شدن و رفع عذر، مأیوس باشند، نایب گرفتن واجب است؛ و اگر مأیوس نیستند، می‌توانند نایب بگیرند؛ ولی اگر عذر رفع شد، احتیاط آن است که خودشان رمی کنند.

۲- زمان رمی نایب

لزوم استنابه کسی که در روز رمی می‌کند

۱۲۶۴- کسی که وظیفه او استنابه در رمی است، در صورت امکان باید کسی را نایب قرار دهد که در روز رمی نماید؛ و اگر ممکن نباشد- بنابراحتیاط واجب- روزبعد خودش قضا کند؛ واگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

نایب باید روز رمی کند

۱۲۶۵- کسی که در رمی نایب شده، باید روز رمی کند.

۱۲۶۶- مردی که حج نیابی از طرف زن انجام می‌دهد نیز، باید رمی را در روز انجام دهد.

جواز رمی نیابی قبل از رمی خود

۱۲۶۷- کسی که به نیابتِ دیگری رمی جمره می کند، می‌تواند برای خودش و دیگران، هر جمره‌ای را رمی کند و بعد به همین ترتیب مشغول رمی جمرات دیگر شود.

---

(۱)- مانند مسأله قبل است.

(۲)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: مراجعه شود به حاشیه مسأله ۱۲۵۷.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر عذر برطرف شد لازم است خودش عمل کند چه در وقت عمل، نایب از بر طرف شدن عذر، مأیوس باشد چه نباشد (ملحق مسأله ۳۹۱).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاطاً اگر مأیوس نیست صبر کند.

(۳)- آیهٔ اللَّه فاضل: استنابه به نحو مذکور صحیح است.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است که هم نایب بگیرد و هم قضای آن را روز بعد بجا آورد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۶

فصل سوم: احکام خلل و شک در رمی

۱- ترک رمی و نحوه قضای آن

فراموشی رمی

۱۲۶۸- در صورت فراموشـی رمیِ یک روز، قضای آن در روز بعـد واجب است؛ و اگر دو روز را فراموش نمایـد، باید در روز بعد، هر دو را قضا کنـد؛ و در صورتی ترک عمدی نیز، وظیفه همین است. ۱۲۶۹- اگر حج‌گزار رمی جمرات سه‌گانه را فراموش کند و از منی به مکه بیاید: اگر در ایام تشریق یادش آمد، باید برگردد و بجا آورد؛ و اگر متمکن نیست، باید نایب بگیرد؛
و اگر بعـد از ایام تشـریق یادش بیایـد، یا عمـداً تا بعـد از ایام تشـریق به تأخیر بیانـدازد، بنابر احتیاط واجب خودش یا نایبش از مکه برگردد و بجا آورد و در سال دیگر هم، ایام فوت شده را، خودش یا نایبش قضا کند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خویی: با ترک رمی، اگر چه عمدی باشد حج باطل نمی‌شود و بنابر احتیاط باید قضای آن را در سال آینده خودش یا نایبش انجام دهد. (مناسک عربی، مسأله ۴۳۷).

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت، به ذیل مسأله ۹۹۶ مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: و همچنین جاهل به مسأله و بنابر احتیاط متعمد هم همین حکم را دارد.

(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی تا روز سیزدهم.

(۴)- آیة اللَّه مکارم: اگر از سیزدهم بگذرد به سال بعد می‌افتد.

(۵)- آیة اللَّه بهجت: کسی که فراموش کند رمی را، بر می‌گردد از مکه به جهت آنها، و اگر متذکّر نشد تا بعد از خروج، قضا می‌کند در سال آینده در ایّام تشریق، خودش یا نایبش در صورت عدم امکان مباشرت علی الأحوط. (مناسك شیخ، ص ۸۴ و ۸۵).

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: کسی که رمی را در منی فراموش نموده و پس از کوچ به مکه یادش آمد، واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و چنانچه فراموش شده رمی دو روز یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین وظیفه هر روز و روز دیگر یک ساعت فاصله بگذارد و چنانچه پس از خروج از مکه یادش آمد که رمی نکرده، واجب نیست به منی برگردد بلکه بنابر احتیاط در سال بعد خود یا نایبش آن را قضا نماید.

آیة اللَّه سیستانی: کسی که رمی جمرات را به علت فراموشی و یا جهل به مسأله ترک نماید و در مکه یادش بیاید یا حکمش را بداند واجب است به منی بیاید و رمی نماید و اگر رمی در دو روز ترک شده باشد یا سه روز، بنا بر احتیاط باید به ترتیب روزها قضا نماید و بین قضای هر روز و روز بعد مقداری وقت فاصله بیاندازد. و چنانچه پس از بیرون رفتن از مکّه یادش بیاید یا حکمش را بداند، واجب نیست جهت تدارک آن برگردد و احتیاط مستحب این است که خودش شخصاً آن را در سال آینده قضا نماید، در صورتی که به حج برود و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود. (مناسک، مسأله ۴۳۵).

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: اگر کسی رمی جمرات سه‌گانه را جهلًا یا سهواً یا عمداً ترک کرد، باید اگر به مکّه یا خارج مکه هم رفته باشد تا ایّام تشریق نگذشته برگردد به منی و رمی را بجا آورد و اگر متمکّن نیست نایب بگیرد و اگر تا ایّام تشریق خودش یا نایبش بجا نیاورد باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را قضا نماید در ایّام تشریق. (آراء المراجع، ص ۳۹۸).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۷

تقدم قضا بر ادا

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۵۲۷

۱۲- مقدّم نمودن قضا بر ادا، واجب است؛ پس اگر در روز یازدهم بخواهد قضای روز عید را بجا بیاورد، باید اول قضای عید و بعد رمی روز یازدهم را که ادا است، بجا آورد؛ و همچنین باید قضای روز جلو را، بر قضای روز بعد، مقدم بدارد؛ پس اگر در روز سیزدهم مثلًا بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را بجا آورد، باید به ترتیب، از قضای روز عیدْ شروع و به روز سیزدهم، که ادا است، ختم کند.

و اگر تا بعد از خروج از مکه، یادش نیامد، احتیاط واجب آن است که در سال دیگر، خودش یا نایبش آن را قضا کند.

فراموشی رمی بعضی از جمرات

---

(۱)- آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: احتیاط این است که بین ادای همان روز و قضای روز قبل فاصله‌گذاشته، و قضای روز قبل را پیش از ادای همان روز بجا آورد و قضای روز قبل طرف صبح و ادای همان روز هنگام زوال باشد.

آیة اللَّه سیستانی: و احتیاط واجب این است که بین ادا و قضا فاصله بیندازد و این‌که قضا را بر ادا مقدَّم بدارد و احتیاط مستحب این است که قضا در اوّل روز و ادا هنگام ظهر باشد. (مناسک، مسأله ۴۳۴).

آیهٔ اللَّه مکارم: واجب نیست بلکه افضل است مگر در صورت عمد، که احتیاط رعایت ترتیب است.

(۲)- نظر آیات عظام در ذیل مسأله ۱۲۶۹ گذشت.

آیهٔ اللَّه مکارم: باید خودش بجا آورد و در صورت عدم امکان، نایبش انجام دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۸

۱۲۷۱- حکم فراموشی بعضی از جمرات نیز، همان حکم مسأله قبل است؛ بلکه اگر کمتر از هفت سنگ، در همه جمرات یا بعض آن انداخت- بنابر احتیاط واجب - همین حکم را دارد.

انکشاف غلط در رمی

۱۲۷۲- اگر رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده و در روز دوازدهم یا سیزدهم متوجه شود، بعد از قضای جمره عقبه، لازم نیست رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند.

انکشاف خلاف ترتیب و قضای رمی

۱۲۷۴- اگر در روز بعد بفهمد که رمی جمرات را در روز قبل، به خلاف ترتیب انجام داده، باید به طوری که ترتیب حاصل شود، قضا کند؛ و بعد وظیفه این روز را بجا آورد.

نسیان جزئی از رمی و قضای آن

۱۲۷۵- اگر به هریک از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز را بجا آورد.

زمان قضای رمی در روز

۱۲۷۷- کسی که رمی در روز را ترک کرده، آیا می‌تواند شب رمی کند، یا باید روز بعد قضای آن را بجا آورد؟

۲- شک در رمی

شک در رمیِ دیروز

۱۲۷۸- اگر بعد از گذشتنِ روزی که باید رمی می‌کرده، در انجام رمی آن روز شک کند، اعتنا نکند.

شک در صحت رمی

۱۲۷۹- اگر بعد از انداختن، در صحیح بودن آن شک کند، اعتنا نکند.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه سیستانی: حکم ترک رمی کامل جمرات یا بعض آن‌ها در این موارد مانند حکم ترک رمی تمام جمرات است.
(۲)- حکم این مسأله و مسأله بعد، از مسائل قبلی روشن شد.
(۳) آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر از معذورین نباشد روز بعد قضا کند.
آیهٔ اللَّه فاضل؛ آیهٔ اللَّه تبریزی؛ آیهٔ اللَّه سیستانی؛ آیهٔ اللَّه نوری: لازم است روز بعد قضای آنرا انجام دهد.
آیهٔ اللَّه بهجت: با فرض عمد باید روز بعد قضا کند.
آیهٔ اللَّه مکارم: اگر در روز نمی‌توانسته، باید در شب بجا آورد و اگر فراموش کرده، باید روز بعد قضا کند.
آیهٔ اللَّه صافی: باید روز بعد قضای آنرا قبل از رمی آن روز انجام دهد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۲۹

شک در رمی جمره قبلی

۱۲۸۰- هنگام رمی جمره عقبه، اگر شک کند که اوّلی یا دوّمی، یا هر دو را رمی کرده یا نه، و یا آن را صحیح انجام داده یا نه، اعتنا نکند.

شک در عدد

۱۲۸۱- اگر قبل از آن‌که مشغول رمی جمره بعدی شود، در عدد قبلی شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، باید آنچه احتمال نقصان آن را می‌دهد، بیاورد تا یقین کند که هفت عدد کامل شده است؛ و این حکم- بنابر احتیاط واجب - جاری است هرچند از عمل منصرف شده و به کارهای دیگر مشغول شده باشد.

از سرگیری رمی

۱۲۸۲- اگر کسی هنگام رمی، در عدد رمی شک کند و آن مقداری را که زده رها کند و دوباره از اول شروع نماید، اشکال ندارد هرچند رها نمی‌شود.

شک در عدد رمی جمره قبل

۱۲۸۳- اگر بعد از مشغول شدن به رمی جمره بعدی، در عدد قبلی شک کند؛ پس اگر به زدن چهار سنگ از قبلی علم داشته باشد و در بقیه شک کند، بنابر احتیاط واجب، بقیه را اگرچه بعد از رمی جمره بعدی، اتیان کند؛ و اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد، تا مقدار چهار اعتنا نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

یقین به عدم رمی یک جمره

۱۲۸۴- اگر بعد از گذشتن روز، یقین کند که یکی از سه جمره را در آن روز رمی نکرده، اکتفا به قضای رمی جمره عقبه، ظاهراً جایز است؛ و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۰۱۶.
آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: بلکه بنابر اظهر.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ باشد عرفاً به آن اعتنا نکند.
آیهٔ اللَّه مکارم: این احتیاط واجب نیست.
(۲)- آیهٔ اللَّه مکارم: یعنی با زدن مقدار قطعی باقیمانده وظیفه او تمام است.
(۳)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.-
آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، صافی: در هیچیک از فروض مسأله به شکّ خود اعتنا نکند.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرّض این فرع نشده‌اند.
(۴)- آیات عظام بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری: این احتیاط ترک نشود.
آیهٔ اللَّه فاضل: این احتیاط مستحبی است.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۰

علم اجمالی به نقص در یکی از جمرات

۱۲۸۵- اگر بعد از رمی هر سه جمره، یقین پیدا کند که یک یا دو یا سه سنگ از یکی از سه‌جمره ناقص شده، باید هر مقدار را که احتمال نقصان داده، به هر یک از سه جمره بزنند. ۱۲۸۶- اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه، یقین کند که به یکی از آنها کمتر از چهار رمی کرده، جواز اکتفا به کسری جمره آخری، بعید نیست؛ و احتیاط آن است که جمره آخری را از سر بگیرد؛ و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.

علم اجمالی به عدم رمی یک روز کامل

۱۲۸۷- اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که رمی یک روز را ترک کرده و نداند کدام روز است، باید هر سه روز را با مراعات ترتیب، قضا کند؛ گرچه اکتفا به قضای روز آخر، احتمالًا جایز است.

علم اجمالی به ترک رمی یک روز

---

(۱). آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

(۲)- آیهٔ اللّه فاضل: و یا یقین کند که یکی از آنها را اصلًا رمی نکرده.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در این صورت باید رمی هر سه جمره را به ترتیب از سر بگیرد.

(۳)- آیهٔ اللّه فاضل: به کسری جمره آخری و یا رمی جمره اخری.

آیات عظام بهجت، تبریزی، مکارم: این احتیاط ترک نشود.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از غروب آفتاب شک کند جایز است اکتفا به کسری جمره آخری و اگر قبل از آن باشد باید کسری همه را به ترتیب جبران کند.

(۴)- آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب و می‌تواند اکتفا کند به رمی سه جمره به ترتیب، به قصد ما فی الذمه.

آیهٔ اللّه بهجت: احتیاط در قضای هر سه روز است.

آیهٔ اللّه تبریزی: اظهر اکتفا به قضای یک روز است به قصد آنچه در عهده اوست؛ اعم از قضای سه رمی یا یک رمی، بلکه می‌تواند اکتفا به رمی جمره عقبه نماید.

آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه سیستانی: قضای رمی جمره عقبه کافی است.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب به قصد مافی الذمه انجام دهد. اگر چه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست. (آداب حج، م ۹۷۱)

آیهٔ اللّه مکارم: کافی است که یک روز را به نیّت ما فی الذمّه انجام دهد. در مسأله بعد حکم مذکور به صورت احتیاط بیان شده است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۱

۱۲۸۸- اگر کسی می‌داند رمیِ یک روز کامل را ترک کرده، ولی نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب، به قصد ما فی الذمه، انجام دهد؛ اگرچه در صورتی که شکْ بعد از روز دوازدهم باشد، بیش از قضای رمی جمره عقبه، واجب نیست.

---

(۱)- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر بعد از گذشت روز دوازدهم باشد قضا رمی جمره عقبه کافی است و اگر در روزدوازدهم باشد رمی جمرات همان روز را بجا آورد.

آیهٔ اللّه مکارم: این احتیاط ترک نشود.

(۲)- به مسأله ۱۲۸۷ مراجعه شود.

آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خویی: اگر در روز دوازدهم علم پیدا کند رمی یک روز را انجام نداده و شک داشته باشد آن روز که رمی آن را انجام نداده، روز دوازدهم است یا روزهای قبل، باید هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمّه رمی کند، ولی اگر در روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، می‌تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند و اگر بعد از روز دوازدهم علم پیدا کرد که رمی یک روز را ترک کرده و نمی‌داند روز دهم بوده یا یازدهم یا دوازدهم، می‌تواند به رمی جمره عقبه اکتفا کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۲

فصل چهارم: مستحبات و آداب

۱- مستحبات منی

استحباب بودن ایام تشریق در منی

۱۲۸۹- بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود.

تکبیرات مستحب در منی

و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است، مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:
«أللَّهُ أكْبَرُ، اللَّهُ أكْبَرُ، لا ـ إلهَ إلّااللَّهُ وَاللَّهُ أكْبَرُ، اللَّهُ أكْبَرُ وَللَّهِ الْحَمْـدُ، اللَّهُ أكْبَرُ عَلى مـا هَـدانَا، اللَّهُ أكْبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِنْ بَهِيمَـةِ الْأَنْعامِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ على ما أبْلانا».

استحباب عبادت و نماز در مسجد خیف

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خِیف بجا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خِیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده‌آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لا ـ إلهَ إلّااللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «ألْحَمْدُ للَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدّق نماید.

تلاوت قرآن در مکه معظمه

۱۲۹۰- یکی از مستحبات مکه، تلاوت قرآن و ختم آن است، آیا برای کسی که اعمال حج به

---

(۱)- آیة اللَّه مکارم: مناسب است این مستحبات و مستحبات آینده بقصد رجا انجام گیرد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۳

جا می‌آورد و در روز عرفه و ایام تشریق، تلاوت قرآن را در عرفات و مشعر و منا ادامه می‌دهد، همان استحباب وجود دارد، یا خصوص شهر مکه است؟

۲- مستحبات مکه معظمه

اشاره

۱۲۹۱- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«أللّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«أللّهُمَّ إنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً فَآمِنِّي مِنْ عَذابِ النّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

---

(۱). آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم و نوری: استحباب دارد ولی حکم ختم در مکه را ندارد.

(۲)- آیة اللَّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های‌مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

(۳)- آیة اللَّه مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولًا امکان ندارد و هرگاه کسی نیّت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۴

«أللّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أوْ تَعَبَّأَ أوْ أعَدَّ أوِ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إلى مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ فَإلَيْكَ يا سَيِّدي تَهْيِئَتي وَتَعْبِئَتي وَإعْدادي وَاسْتِعْدادي رَجاءَ رِفْدِكَ وَنَوافِلِكَ وَجائِزَتِكَ، فَلا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجائي يا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُهُ نائِلٌ فَإنّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلكِنّي أتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإساءَةِ عَلى نَفْسي فَإنَّهُ لا حُجَّةَ لي وَلا عُذْرَ فَأسْأَلُكَ يا مَنْ هُوَ كَذلِكَ أنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَني مَسْأَلَتي وَتَقْلِبَنيبِرَغْبَتي وَلا تَرُدَّني مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَلا خائِباً يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ أرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أسْأَلُكَ يا عَظِيمُ أنْ تَغْفِرَ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لا إلهَ إلّاأنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«أللّهُمَّ لا تَجْهَدْ بَلاءَنَا رَبَّنا وَلا تُشْمِتْ بِنا أعْداءَنا فَإنَّكَ أنْتَ الضّارُّ النّافِعُ».

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

طواف وداع

کیفیت طواف وداع در بخش طواف مستحبی گذشت.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۵

باب پانزدهم

مصدود ۵۳۷

محصور ۵۴۳

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۶

یا مُنَی المحبّین

رُوِیَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع أَنَّ النَّبِیَّ ص سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَیْلَهَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ:

یَا رَبِّ أَیُّ الاعْمَالِ أَفْضَلُ

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: لَیْسَ شَیْءٌ عِنْدِی أَفْضَلَ مِنَ التَّوَکُّلِ عَلَیَّ وَ الرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ یَا مُحَمَّدُ وَجَبَتْ مَحَبَّتِی لِلْمُتَحَابِّینَ فِیَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِی لِلْمُتَعَاطِفِینَ فِیَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِی لِلْمُتَوَاصِلِینَ فِیَّ وَ وَجَبَتْ مَحَبَّتِی لِلْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیَ

بحارالأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۲

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۷

باب پانزدهم: مصدود

فصل اول: مصدود

اشاره

۱۲۹۲- «مصدود» به کسی گفته می‌شود که دشمن، او را از انجام عمره یا حج- به تفصیلی که می‌آید- منع کند. کسی که بواسطه مرض از انجام عمره یا حج ممنوع شود، «محصور» نامیده می‌شود.

بقای بر احرام بدون اعمال

۱۲۹۳- شخصی که به احرام عمره یا حج، محرم شد، واجب است عمره و حج را تمام کند؛ وگرنه در احرام باقی می‌ماند.

وظیفه مصدودِ از ورود به مکه

۱۲۹۴- اگر کسی بعد از احرام عمره، توسط دشمن یا دیگری- از قبیل عمّال دولت و - ... از رفتن مکه منع شود و راه دیگری برای رفتن نباشد، یا اگر باشد، مؤونه آن را نداشته باشد، می‌تواند در همان محل که منع شده، یک شتر، یا یک گاو، یا یک گوسفند، قربانی کند و از احرام خارج شود.

(۱)- آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، احکام محصور و مصدود را متعرض نشده‌اند.

(۲)- آیهٔ اللَّه سیستانی: مصدود کسی است که دشمن و مانند او از رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال عمره یا حج پس از احرام منع کند و محصور کسی است که بیماری و مانند آن مانع رسیدن او به اماکن مقدسه برای انجام اعمال حج یا عمره پس از احرام شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: یا شکستگی اعضا یا مجروح شدن و مانند آن.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بقای احرام در بعضی از صور محل اشکال است.

آیهٔ اللَّه خویی: بقای احرام در بعض صور محلّ منع است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در بعضی از موارد احرام بدون انجام اعمال باطل می‌شود.

(۴)- آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب، بدون آن مُحل نمی‌شود و اگر نتواند قربانی تهیّه کند به احتیاطواجب ده روز روزه بگیرد.

آیـهٔ اللَّه مکارم ...: اگر قربانی میسّر نشد نیّت خروج از احرام می‌کند و احتیاطاً بجای قربانی ۱۰ روز روزه می‌گیرد مطابق آنچه در قربانی در مناسک آورده‌ایم عمل کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۸

این قربـانی بنـابر احتیـاط واجب، به نیت تحلیل انجام و به احتیاط واجب، قـدری از مو یا ناخن خود را بگیرد؛ و در این صورت همه چیز حتی زن، بر او حلال می‌شود.

وظیفه مصدود واردِ در مکه

۱۲۹۵- اگر به احرام عمره، وارد مکه شود و دشـمن یـا کسـی دیگر، او را از بجـا آوردن اعمـال عمره منع کننـد، حکم مسأله قبل را دارد؛ بلکه اگر او را از طواف یا سعی نیز منع کنند، بعید نیست همین حکم را داشته باشد.

حکم محبوس

۱۲۹۶- بدهکاری که به خاطر بدهی یا به ظلم حبس شده نیز، حکم مسأله قبل را دارد.

تقاضای پول برای اجازه عبور

۱۲۹۷- اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، اگر

---

(۱)- آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: قید تحلیل لازم نیست.

(۲)- آیـهٔ اللَّه صافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگانی: و احتیاط آن است که شـخص مصـدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیّت تحلیل از احرام کند. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۸۴).

(۳)- آیهٔ اللَّه بهجت: و احتیاج به حلق یا تقصیر بعد از هدی موافق احتیاط است (مناسک شیخ، ص ۹۷).

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: احتیاط این است که حلق یا تقصیـر را به آن (قربانی) ضـمیمه نماید، بلکه احتیاط این است که حلق را اختیار نماید در صورتی که قربانی را با خود آورده باشد در عمره مفرده. (مناسک، مسأله ۴۴۴).

آیهٔ اللّٰه سیستانی: گرفتن ناخن بنابر احتیاط واجب کافی نیست و جایز است حلق به جای تقصیر.

آیهٔ اللّٰه فاضل ...: و یا بجای تقصیر حلق کند مخصوصاً کسی که سوق هدی نموده باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند.

(۴)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: حکم مذکور در مورد عمره مفرده است و همچنین عمره تمتع اگر از اعمال حج نیز منع شود ولی اگر فقط از آمدن به مکه قبل از وقوفین منع شود وظیفه او به حج افراد تبدیل می‌شود.

(۵)- آیهٔ اللّٰه بهجت: معتمر به عمره تمتّع مصدود می‌شود به منع از دخول مکّه یا از انجام افعال بعد از دخول و متحلّل به هدی می‌شود در صورت عدم امکان استنابه در همان سال، اگرچه بعد از طواف مصدود از سعی بشود و همچنین اگر ممنوع شد در عمره مفرده از خصوص طواف نساء بعد از اتیان به سایر اعمال و تقصیر. (مناسک شیخ، ص ۱۰۲ و ۱۰۳)

(۶)- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: قسمت آخر مسأله را متعرض نشده‌اند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: محلّ تأمل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۳۹

داشته باشد، باید بدهد، مگر آن‌که حرجی باشد؛ و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد، ظاهراً حکم مصدود را دارد.

فرض تعدّد راه

۱۲۹۸- اگر از راهی مصدود شود و راه دیگری وجود داشته باشد و مخارج رفتن از آن راه را دارا باشد، باید در احرام باقی بماند و از آن راه برود؛ و اگر از آن راه رفت و حج از او فوت شد، باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.

خوف عدم وصول

۱۲۹۹- اگر مصدود خوف داشته باشد که اگر از راه دیگر برود ممکن است به حج نرسد، نمی‌تواند به وظیفه مصدود عمل کند و مُحلّ شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

میزان تحقق مصدودیت

۱۳۰۰- مصدود بودن در حج، به یکی از صور ذیل متحقق می‌شود:

عدم امکان درک هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر؛

نرسیدن به چیزی که به فوت آن، حج فوت می‌شود، هرچند از روی علم و عمد نباشد؛

منع از منی و مکه بعد از وقوفین و با عدم امکان استنابه؛

منع از اعمال منی یا اعمال مکه، با عدم امکان استنابه؛

ولی اگر بعد از اتمام اعمال مکه، او را از بازگشت به منی برای انجام بیتوته و اعمال ایام تشریق، منع نمودند، مصدود بودن، تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید برای انجام اعمال در این سال؛ و اگر نشد، سال دیگر نایب بگیرد.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه خویی: این مسأله و مسأله قبل را، متعرض نشده‌اند.

(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: ظاهر آن است که به منع از اعمال منی به تنهایی صدّ محقّق نمی‌شود.

(۳)- آیـهٔ اللَّه بهجت: مصـدود از حـج چنـانچه از موقف عرفات و مشـعر باشـد، وظیفه‌اش قربانی در محل صـدّ (جلوگیری) و بیرون آمـدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی حلق یا تقصـیر نیز بنمایـد و اگر مصدود از احد الموقفین باشد و متمکّن از دیگری باشـد یا بشود اظهر عـدم جریان حکم مصـدود است بلکه مکلّف است در صورت تمشّـی حج صـحیح اگرچه اضـطراری باشـد به اتیان آن، و با تمامیّت حـج به هر نوعی در آن سال باشـد محلّی برای صدّ و حکم آن که تحلّل به هدی است، نیست و اگر مصدود از ما بعد الموقفین بجمیع اقسام آن باشد در این صورت حج او صحیح و تمام است و برای آنها عمل به وظیفه؛ یعنی استنابه در رمی و واجب بعـدی که قابـل اسـتنابه است می‌نمایـد و احتیاط این است که بعـد از این اعمال از احرام خارج شود و همچنین در اعمال بعـد از منی؛ چنانچه متمکن از انجام آن شـد خود بجای آوَرَد و الّا نایب بگیرد و بر تقـدیر عدم تمکن از اسـتنابه در ذی‌حجه همان‌سـال، در سال آینـده در صورت تمامیت حـج به وقوفین، پس جواز رفع حرج به تحلل به هـدی خالی از وجه نیست. (مناسک، مسأله ۴۴۶). و کسی که تمام اعمال حج را به جاآورده و در مکّه است و جهت بیتوته در منی و رمی جمرات می‌خواهد به منی برود و منع و جلوگیری شود حجّش تمـام است و برای رمی در صورت امکـان همـان سـال نایب می‌گیرد و در صورت عـدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد.

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: مصدود از حج، چنانچه از موقف عرفات و مشـعر یا خصوص موقف مشـعر مصدود باشد، وظیفه‌اش قربانی در محلّ صدّ و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط این است که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصـیر نیز بنماید و چنانچه مصدود از طواف و سـعی بعـد از موقفین و اعمـال منی (قبـل یـا بعـد از آن- آیـهٔ اللَّه تبریزی) باشـد در این صورت اگر نتوانـد نـایب بگیرد، وظیفه‌اش قربانی در محلّ صـدّ است و اگر بتوانـد برای طواف و سـعی نایب بگیرد، احوط این است که هر دو وظیفه را انجام دهـد؛ یعنی هم قربـانی کنـد و هم نـایب بگیرد (گرچه اظهر جواز اکتفا به قربانی است در صورتی که جلوگیری از دخول در مکه باشـد و جواز اکتفا به نایب گرفتن است اگر جلوگیری بعـد از آن باشـد- آیهٔ اللَّه تبریزی) و چنانچه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشـد نه از رفتن به مکه، در این صورت چنانچه بتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد صـحیح است و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده، سپس بقیه مناسک و اعمال را بجا آورد و چنانچه نتواند نایب بگیرد، در این صورت ظاهراً وظیفه‌اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که بجای او قربانی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای بجا آوردن اعمال مکه به مکه رفته و پس از انجام اعمال آنجا، تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شـده بود، حلال خواهد شد حتی زن و حاجتی به چیز دیگر ندارد و حجش صحیح است و بایستی در سال بعد بنابر احتیاط رمی را اعاده نماید.

آیهٔ اللَّه سیسـتانی: مصدود در حج تمتّع اگر از رسیدن به وقوفین یا مشعر به تنهایی منع شده باشد احتیاط این است که طواف و سعی نمایـد و سر خود را بتراشد و گوسـفندی را قربانی کند و سـپس از احرام بیرون رود. و اگر از طواف و سـعی منع شده باشد، در این صورت اگر نتوانـد نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود، احتیاط این است که قربانی کرده و پس از آن حلق یا تقصیر نماید و اگر بتوانـد نـایب بگیرد بعیـد نیست که نـایب گرفتن کفایت کنـد، بنابراین برای طواف و سـعی نایب می‌گیرد و نماز طواف را خود پس از طواف نایب بجا می‌آورد و اگر از رسیدنش به منی جهت بجا آوردن اعمال آنجا جلوگیری شود، در این صورت اگر بتواند نـایب بگیرد بایـد نـایب جهت رمی و قربانی کردن بگیرد، و پس از آن سـر خود را بتراشـد یا کوتاه کنـد و موی خود را در صورت امکـان نیز به منی بفرستد، و بـاقی مناسـک را بجـا آورد و اگر نتوانـد نـایب بگیرد، واجب نیست قربـانی کنـد، ولی بجای آن روزه بگیرد، همچنان که واجب نیست رمی کند- اگرچه احتیاط این است که خودش شخصاً رمی را در سال آینده بجا آورد، در صورتی که به حج برود و یا توسّط نایبش، در صورتی که به حج نرود- سپس باقی مناسک حج را، از سـر تراشیدن یا کوتاه کردن و اعمال مکّه بجا آورد، و پس از آن همه محرّمات احرام بر او حلال می‌شوند حتی زنها، و نیازی به هیچ چیز دیگری نیست. (مناسک، مسأله ۴۴۰).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: از اینجا تا آخر مسأله به فتوای معظم‌له در مناسک عربی، ص ۱۷۶ چنین است: اگر بعد از وقوفین او را از مناسک سه‌گانه منی- رمی، قربانی و حلق یا تقصیر- منع کنند، پس اگر همچنین از داخل شدن مکه و ادای مناسک آن در طول ذی‌حجه هم منع شده باشد، در این صورت حکم مصدود را دارد و اگر منع تنها از رجوع به منی است، پس اگر تمکن از نایب گرفتن دارد، شخصی را برای خود نایب می‌گیرد تا رمی و قربانی را انجام دهد و پس از آن خودش حلق می‌کند و بعد از حلق از احرام خارج می‌شود و بقیه اعمال حج را بجا می‌آورد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد بنابر احتیاط هدی را قربانی می‌کند و بر احرام باقی می‌ماند تا این‌که با عمره مفرده محلّ شود و در صورتی که بعد از انجام اعمال مکه او را از برگشتن به منی برای بیتوته و رمی ایام تشریق منع کردند مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای رمی جمرات در همان سال و اگر امکان نداشت در سال دیگر و در شبهایی که باید در منی بیتوته کند در مکه مشغول عبادت شود، و اگر این کار هم ممکن نشد بنابر احتیاط برای ترک بیتوته در منی کفّاره بدهد. (مناسک عربی، ص ۱۷۶).

آیهٔ اللّه مکارم: در صورت اخیر احتیاط آن است که با قربانی کردن از احرام بیرون آید.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۱

وظیفه مصدود بعد از خروج از احرام

۱۳۰۱- کسی که از آمدن به مکه، یا از اتمام اعمال، یا از بجا آوردن اعمالی که به ترک آنها- حتی به غیر عمد- حج باطل می‌شود، مصدود شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج گردد، اگر حج بر او مستقر بوده، یا نبوده و برای حجهٔالاسلام در سال بعد مستطیع باشد، باید سال بعد به حج برود و اعمالی که انجام داده از حَجهٔالاسلام کفایت نمی‌کند.

جواز خروج از احرام با امید رفع عذر

۱۳۰۲- اگر مصدود امید برطرف شدن مانع را داشته باشد، بلکه گمان آن را هم داشته باشد، می‌تواند به دستوری که گفته شد، از احرام خارج شود.

---

(۱)- آیهٔ اللّه بهجت: احوط تأخیر احلال است برای کسی که امید زوال صدّ و عذر را دارد و به خوف فوات متحلّل نمی‌شود بنابر احوط (مناسک شیخ، ص ۹۹).

آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: اگر امید به برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کنند.

آیهٔ اللّه فاضل: در صورت گمان به رفع مانع عمل به احکام صدّ در ابتداء مشکل است.

آیهٔ اللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۲

ترک وظیفه صدّ

۱۳۰۳- شخصی بعد از احرام عمره تمتع و قبل از اعمال، دستگیر و زندانی شده و پس از گذشت ایام تشریق، آزاد شده و در زمان صدّ، به خاطر جهل یا عدم امکان، به وظیفه مصدود عمل نکرده، وظیفه او برای خروج از احرام چیست؛ و در صورتی که نتواند عمره مفرده انجام دهد، تکلیفش چیست؟

حکم مصدود در حج تبرّعی

۱۳۰۴- کسی که به نیّت حج استحبابی به نیّت معصومین علیهم السلام یا غیر ایشان، برای عمره تمتّع محرم شده، مریض شود، یا دشمن او را منع کند و نمی‌تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

---

(۱). آیـۀاللَّه بهجت: متحلّل به عمره مفرده می‌شود و اگر ممکن نیست متحلّل به هـدی می‌شود. (مستفاد از جامع‌المسائل ج ۲ ص ۲۵۷ مسأله ۲۲ و ۲۴)

آیۀ اللَّه تبریزی: چنانچه متمکن است، بنابر احتیاط بین وظیفه مصدود و اتیان به عمره مفرده جمع نماید، واللَّه العالم.

آیـۀ اللَّه سیستانی: به احتیـاط واجب از احرام خـارج نمی‌شود مگر این که هـدی تهیه و ذبـح یا نحر کنـد و به احتیاط واجب حلق یا تقصیر نیز لازم است و اگر متمکن از هدی نباشد ده روز روزه بگیرد.

آیـۀ اللَّه صافی: شـخص مـذکور اگر قـدرت بر اعمال عمره مفرده دارد باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود و اگر از انجام عمره مفرده نیز ممنوع است به وظیفه مصدود عمل کند؛ واللَّه العالم.

آیـۀ اللَّه فاضـل: چنانچه می‌توانـد عمره مفرده انجام دهـد بایـد با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصـد عدول به عمره مفرده کند. و چنانچه نتواند عمره مفرده انجام دهد. اگر علت آن مریضـی باشد باید او را طواف و سعی دهند. و اگر ممکن نشـد بایـد برای طواف و سـعی نایب بگیرد و از احرام خارج شود و اگر علت آن این باشـد که او را از مکه اخراج کرده‌اند و نمی‌تواند برگردد حکم مصدود را دارد.

آیۀ اللَّه مکارم: باید عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود و اگر نمی‌تواند کسی را نایب بگیرد.

آیۀ اللَّه نوری: اگر نتواند عمره مفرده انجام دهد لازم است به وظیفه مصدود عمل نماید.

(۲)- چآیۀ اللَّه خویی: فتوای معظّم له به دست نیامد.

آیـۀ اللَّه صافی، آیۀ اللَّه گلپایگانی: اگر مریض شده یا دشـمن او را منع کرده و نمی‌تواند اعمال عمره را تمام کند نایب بگیرد و اگر قدرت انجام اعمال حج را ندارد، واجب نیست محرم به احرام حج گردد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۹۶).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۳

فصل دوم: محصور

حصر در احرام عمره

۱۳۰۵- اگر کسی به جهت مریضـی، نتوانـد بعـد از احرام عمره به مکه برود، اگر بخواهـد مُحلّ شود، بایـد هـدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را به وسیله شخص امینی به مکه بفرستد و

---

(۱)- آیـۀ اللَّه صـافی، آیـۀ الله گلپایگـانی: شـخص محصور اگر حـج تمتع و یا حـج افراد بجا می‌آورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشـته که اگر محصور شد خداوند او را در محل گرداند، بدون فرسـتادن قربانی به منی، خود به خود محل می‌شود- حتی نسبت به زن- و شـخص محصوری که حـج قران بجـا می‌آورد به مجرد فرسـتادن قربـانی به منی محل می‌شود و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست (آداب و احکام حج، مسأله ۹۸۸).

(۲)- آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر در عمره مفرده محصور شد وظیفه اش این است که یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین قربانی نمایند و خود در آن وقت معین تقصیر از احرام خارج می‌شود و برای چنین شخصی؛ به خصوص جایز است در جای خود قربانی نموده و از احرام بیرون بیاید و بر چنین شخصی بعد از این کار تمام محرمات احرام حلال می‌شودبجز زن و زن بر او حلال نمی‌شود مگر بعد از آن که خوب شد و عمره مفرده را بجا آورده این در صورتی است که محصور در مکان خودش ذبح یا نحر نماید و اما اگر هدی را بفرستد، پس برای خروجش از احرام وجهی هست هنگامی که هدی به محلش برسد و کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است با این فرق که فرستادن قربانی بر او تعین دارد و چنانچه آنچه گفته شد عمل کند، زن هم بر این شخص حلال می‌شود. (مناسك، مسأله ۴۵۳).

آیهٔ الله خویی: وظیفه چنین کسی این است که مخیر است بین فرستادن قربانی و یا قیمت آن، توسط فردی به مکه و از احرام بیرون بیاید (و در عمره مفرده به خصوص مخیر است بین فرستادن هدی و یا ذبح هدی در مکان خودش و محل شدن) با این فرق که اگر این شخص که محصور از عمره مفرده بوده، با قربانی کردن تمامی محرمات احرام بجز زن بر او حلال خواهد شد و اگر محصور در عمره تمتع باشد، زن هم بر او حلال خواهد شد (مناسك، مسأله ۴۵۳).

آیهٔ الله سیستانی: اگر در عمره تمتع یا عمره مفرده محصور شود و بخواهد از احرام خارج شود باید قربانی یا قیمت آن را به مکه بفرستد که در روز معینی آن را ذبح کنند و پس از آن حلق یا تقصیر کند و از احرام بیرون آید و اگر این را هم نتواند ده روز روز بگیرد ودر این دو مورد همه چیز بر او حلال می‌شود جز زن. (مناسك، مسأله ۴۴۶ و ۴۵۲).

آیهٔ الله فاضل: اما در عمره مفرده مخیر است بین ارسال هدی به مکه و یا ذبح هدی در محل حصر، و در عمره تمتع به احتیاط واجب...

(۳)- آیهٔ اللّٰه خویی: اگر عمره مفرده باشد فرستادن تعیّن ندارد بلکه می‌تواند در مکان خودش هدی را ذبح کرده و مُحِلّ شود. (مناسک عربی، مسأله ۴۴۸).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۴

با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی، آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید، تقصیر کند؛ پس از آن، محرّمات احرام- غیر از زن- بر او حلال می‌شود؛ و احتیاط آن است که نایب در ذبح، قصد تحلیل منوبٌ‌عنه کند.

حصر در احرام حج

۱۳۰۶- اگر حج‌گزار بعد از احرام حج، نتواند به خاطر مریضی، به عرفات و مشعر برود، باید بنابر احتیاط واجب هدی یا پول آن را به منی بفرستد و جهت ذبح در روز عید قرار بگذارد و بعد از

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه بهجت: قبلًا گذشت که در عمره تمتّع از زن هم مُحلّ می‌شود.

آیهٔ اللّٰه مکارم: زن هم بر او حلال می‌شود.

(۲)- آیهٔ اللّٰه فاضل: و احتیاط مستحب آن است که نایب...

(۳)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: این احتیاط لازم نیست.

(۴)- آیهٔ اللّٰه تبریزی، آیهٔ اللّٰه خویی: حکم محصور در حج، مانند حکم محصور در عمره است ولی‌راجع به‌حلال شدن زن بر او احتیاط این است که زن بر او پس از حلق یا تقصیر حلال نمی‌شود، و فرستادن هدی یا پول آن متعین است، ولی مواعده روز عید متعین نیست. (مناسک عربی، مسأله ۴۴۸).

آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه بنابر اقوی.

آیهٔ اللَّه فاضل: و اقوی آن است...

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: باید یک قربانی به منی بفرستد و پس از ذبح و نحر قربانی در منی، نسبت به همه تروک احرام- بجز زن- مُحلّ می‌شود.

(۵)- آیهٔ اللَّه بهجت: علی الأحوط.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۵

ذبح، تقصیر کند؛ در این صورت، همه محرّمات احرام- غیر از زن- بر او حلال می‌شود.

محصور و مسألهٔ حلیّت نساء

۱۳۰۷- محصور اگر حجِ واجب بر عهده او باشد، بعد از عمل به وظیفه محصور، زن بر او حلال نمی‌شود مگر آن‌که خودش به مکه بازگردد و اعمال حج را بجا بیاورد و طواف نساء را انجام دهد؛ ولی اگر بازگشت ممکن نباشد، کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او، بعید نیست. اگر محصور، حج استحبابی بجا می‌آورد، کفایت طواف نایب از او، بعید نیست هرچند احتیاط آن است که در صورت امکان، خودش برود. ۱۳۰۸- اگر حصر، بعد از عمره تمتع و خروج از احرام نیز حاصل شود، انجام آن عمره،

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۲)- آیهٔ اللَّه خویی: بین حج واجب و مستحب تفصیل نیست. (مناسک عربی، مسأله ۴۸۸).

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: محصور در عمره تمتّع زن هم پس از تحلل بر او حلال می‌شود ومحصور در حج بنابر احتیاط تا وقتی طواف حج و سعی و طواف نساء را در حج و یا عمره مفرده بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود. (مناسک، م ۴۵۳).

آیهٔ اللَّه سیستانی: هر گاه طواف و سعی را در حجی یا عمره‌ای بجا آورد، زن بر او حلال خواهد شد. (مناسک، مسأله ۴۴۶).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر از انجام مناسک روز عید و یا بعد از روز عید محصور شودباید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خودش حلق نماید و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، وگرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند وگرنه بنابر احتیاط باید خودش نماز بگزارد و نایب هم بگیرد و در صورت امکان در منی بیتوته کند و در این صورت حجش صحیح است و در غیر این صورت برای این‌که بیتوته نکرده، بنابر احتیاط کفّاره بدهد. و در این‌که استنابه جهت طواف نساء برای حلیّت زن کافی باشد، اشکال است؛ اگرچه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنابه است.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: بعد از انجام دستور سابق.

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: و همچنین است کسی که حج او نیابی تبرّعی یا استیجاری بوده، یا حج او واجب بوده وسال اول استطاعت بوده و استطاعت تا سال بعد استمرار نداشته باشد. و کفایت نیابت در صورتی است که رفتن برای خود او حرجی باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: حکم محصور که گفته شد، اختصاص به حج واجب ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: در صورتی که قادر بر حج نباشد یا عسر و حرج داشته باشد بنابر احتیاط واجب.

(۶)- آیهٔ اللَّه فاضل: این احتیاط ترک نشود.

(۷)- آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: به احتیاط واجب عمره خود را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساءانجام دهد و از احرام خارج شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۶

کفایت از حج نمی‌کند، و چنانچه سال اول استطاعت باشد، حج واجب نشده است.

صدق حصر بر صدمات تصادف

۱۳۰۹- اگر مُحرم دچار تصادف شود، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می‌شود.

مُحرم نمودن مصدوم در مسجد شجره

۱۳۱۰- اگر کسی در مدینه مصدوم شود و او را در مسجد شجره محرم کنند، احرام او صحیح است؛ و اگر می‌تواند عمره و حج را ولو با استنابه در طواف و سعی، انجام دهد، حج او صحیح است؛ و اگر نمی‌تواند، احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور، عمره مفرده هم انجام دهد.

محرمی که سکته کرده

۱۳۱۱- اگر محرم- به خاطر سکته و امثال آن- نتواند اعمال را انجام دهد، اگر نمی‌تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می‌کند؛ و چنانچه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال، بین امکان استنابه و عدم آن، تفصیل است که گذشت.

تخلّف ذابح

۱۳۱۲- اگر کسی که با او جهت ذبح، قرار گذاشته شده، ذبح را انجام ندهد ولی مصدود در وقت موعود، محلّ شود و با زن هم نزدیکی کند، معصیت نکرده و کفّاره ندارد، ولی باید مجدّداً جهت هدی مواعده کند و باید از زن اجتناب کند؛ و احتیاط واجب آن است که از وقت انکشاف عدم ذبح اجتناب کند؛ گرچه محتمل است که وجوب اجتناب، از وقتی باشد که شخص را برای ذبح می‌فرستد.

---

(۱)- مراجعه شود به مسأله ۱۳۱۶.

(۲)- آیة اللَّه سیستانی: حکم محصور را دارد.

(۳)- آیة اللَّه بهجت: با عنایت به مسأله ۱۳۱۳، به ذیل مسأله ۱۳۰۰ مراجعه شود.

آیة اللَّه گلپایگانی، آیة اللَّه صافی: نسبت به بقیه اعمال نایب بگیرد. (آداب و احکام حج، مسأله ۹۹۷).

(۴)- آیة اللَّه فاضل: از همه محرّمات احرام اجتناب کند.

(۵)- آیـةاللَّه‌بهجت: بلکه اظهر همین است، اگرچه احتیاط خوب است و امّا امساك نساء پس لزوم آن زایل نمی‌شود مگر آن که به مباشرت یا استنابه، طواف نساءرا انجام دهد بنابر اظهر و احوط (مناسك شیخ، ص ۱۰۵).

آیة اللَّه سیستانی: کافی است از هنگامی که شخص دوم را می‌فرستد از محرّمات احرام اجتناب کند تا زمانی که با او قرار می‌گذارد که از جانب او ذبح کند، گرچه احتیاط مستحب اجتناب از محرّمات احرام از زمانی است که فهمید شخص اول عمل نکرده است.

آیة اللَّه خویی، آیة اللَّه گلپایگانی: این فرع را متعرض نشده‌اند.

آیة اللَّه فاضل: مصدود می‌تواند در همان محلّ صدّ، هدی را ذبح کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۷

میزان تحقق حصر

۱۳۱۳- تحقّق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

حصول بهبودی بعد از فرستادن هدی یا پول

۱۳۱۴- اگر مریض بعد از فرستادن هدی یا پولش، حالش خوب شود به طوری که توانایی رفتن به مکه را پیدا نماید، باید برود؛ پس اگر در احرام عمره تمتع باشد و در وقت، به مکه رسید، اعمال عمره و حج را بجا می‌آورد؛ و اگر وقت تنگ شده، باید به عرفات برود و حج افراد بجا بیاورد؛ و احتیاط آن است که به حج افراد قصد عدول کند؛ و بعد از حج افراد، عمره مفرده انجام دهد و در این صورت، از حَجّهُ‌الاسلام کفایت می‌کند.

و اگر زمانی به مکه رسید که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری مشعر نمی‌رسد، عمره او به عمره مفرده مبدلّ و باید آن را جهت خروج از احرام بجا آورد؛ و احتیاط آن است که در این فرض، قصد عدول به عمره مفرده نماید و حج واجب را با وجود شرایط، در سال دیگر بجا آورد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه خویی: ملاک را «قبل از تحلّل به هدی و تقصیر حالش خوب شد» می‌دانند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: موضوع این حکم، کسی است که در احرام عمره پس از فرستادن هدی یا قیمتش یا قبل از آن حالش بهبود یابد، به طوری که بتواند قبل از ذبح یا نهر هدی به مکه برسد.

(۲)- آیهٔ‌اللَّه سیستانی: واگر محرم به‌احرام عمره‌مفرده است، اعمال‌آن را انجام می‌دهد و مُحل می‌شود.

(۳)- آیهٔ اللَّه سیستانی: یا اضطراری عرفات و اضطراری مشعر.

آیهٔ اللَّه فاضل: ادراک اضطراری نهاری مشعر به تنهایی برای صحّت حج کافی است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: یا ادراک اضطراری لیلی مشعر...

آیهٔ اللَّه مکارم: اگر یکی از دو وقوف مشعر و عرفات را درک کند کافی است.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت عدم تحلّل به ذبح مبعوث قبل از فوت حج بنابر احوط (مناسک شیخ، ص ۱۰۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی: در این صورت اگر قربانی‌اش کشته نشده، حج او بدل به عمره مفرده می‌شود و اگر کشته شده باشد از احرام بیرون آمده است و تمام محرّمات بر او حلال شده مگر زن و بر او واجب است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نمازش را بجا آورد تا زن نیز بر او حلال شود بنا بر احتیاط.

(۵)- آیهٔ اللَّه فاضل: یا در صورت مستقر بودن حج بر او.

(۶)- آیهٔ اللَّه سیستانی: و اگر پس از احرام حج مریض شده باشد و پس از فرستادن هدی بهبود یابد، پس اگر گمان کند که حج را درک می‌کند باید برود و در این صورت اگر موقفین یا خصوص مشعر (به نحوی که گذشت) را درک نکند، اگر قبل از این قربانی او را بکشند برسد، حج او بدل به عمره مفرده می‌شود و اگر قبل از رسیدن او قربانی او را کشته باشند تقصیر می‌کند و یا سر می‌تراشد و از هر چیز به جز زن محل می‌شود.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۸

۱۳۱۵- مصدود به دشمن، در حکم ذکر شده، با مریض یکسان است.

حصول مانع غیر از مرض

۱۳۱۶- کسانی که مریض نیستند ولی به علت دیگر، بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند- مثل کسی که پا یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی، ضعف بر او مستولی شده- بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، ولی مسأله مشکل است؛ بنابراین، احتیاط آن است که تا وقتی که خوب شوند در احرام باقی بمانند؛ پس اگر حج فوت شده، عمره مفرده بجا بیاورند و از احرام خارج شوند و اگر حج بر آنها واجب بوده- با وجود شرایط- حج به‌جا آورند.

زمان مواعده ذبح

۱۳۱۷- زمان مواعده برای ذبح، در احرام حج- بنابر احتیاط واجب- روز دهم است؛ و باید برای بعد از آن تا ایام تشریق قرار نگذارند؛ و زمان مواعده ذبح در احرام عمره تمتع- بنابر احتیاط- قبل از خروج حجاج به عرفات باشد.

---

(۱)- آیة اللّٰه سیستانی: مصدود باید همانجا قربانی کند و موردی برای جریان این حکم ندارد.

آیة اللّٰه مکارم: باید قربانی را در همانجا که مصدود شده ذبح کند، به شرطی که در مناسک نوشته‌ایم.

(۲)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خویی: کسی که نتواند حج خود را ادامه دهد، از جهت پیش آمد مانعی غیراز صد و حصر، احتیاط این است که در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

آیة اللّٰه سیستانی: دو مورد مذکور، مصداق محصورند ولی اگر مانع دیگری غیر از حصر و صد باشد تفصیلی دارند، به مناسک مسأله ۴۵۳ و ۴۴۹ مراجعه شود.

آیة اللّٰه صافی، آیة اللّٰه گلپایگانی: در موارد مشکوک به حصر، علاوه بر انجام وظیفه محصور، با عمره مفرده از احرام خارج شود. (آداب و احکام حج، مسأله ۱۰۰۰).

آیة اللّٰه فاضل: ظاهر این است که حکم مریض را دارند.

(۳)- آیة اللّٰه مکارم: اشکالی ندارد.

(۴)- آیة اللّٰه فاضل: این احتیاط مستحب است.

(۵)- آیة اللّٰه خویی، آیة اللّٰه گلپایگانی: این مسأله را متعرض نشده‌اند.

(۶)- آیة اللّٰه سیستانی: در احرام حج باید روز دهم را وقت کشتن قربانی قرار دهند و در احرام عمره زمان معینی ندارد.

آیة اللّٰه مکارم: تا روز سیزدهم جایز است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۴۹

باب شانزدهم

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۰

يَا سرور العارفين

عن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

يَجِیءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالْجِبَالِ الرَّوَاسِی فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنَّى لِی هَذَا وَ لَمْ أَعْمَلْهَا فَيَقُولُ هَذَا عِلْمُكَ الَّذِی عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يَعْمَلُ بِهِ مَنْ بَعْدَكَ

بصائرالدرجات/ ۵

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۱

باب شانزدهم: برخی از احکام نماز و روزه

فصل اول: برخی از احکام نماز و روزه

۱- احکام نماز جماعت

اشاره

۱۳۱۸- هنگام اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی، مؤمنین خارج نشوند و در جماعت با سایر مسلمین، شرکت کنند.

نماز استداره‌ای

۱۳۱۹- نماز به نحو استداره در مسجدالحرام، نیاز به اعاده ندارد.

حکم عدم اتصال صفوف

۱۳۲۰- در نماز جماعت مسجدالحرام که امام جماعت مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می‌ایستد، و چند صف دور کعبه

تشکیل شده و بقیه داخل شبستانها هستند و اتصال صفوف

---

(۱)- آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی، زنجانی: به گونه‌ای عمل شود که موجب وهن نشود و وظیفه منفرد رعایت شود، یا اعاده شود و آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی و وحید: همین نظر با این اضافه: در صورتی که نتواند در جماعت با آنها قرائت را با شرایط کامل بجا آورد، قرائت را آهسته ادا می‌کند و اگر آن هم ممکن نیست، به گونه حدیث نفس بخواند؛ و نماز جمعه را بعد از فراغ در هر صورت اعاده کند.

(۲)- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، وحید، صافی و گلپایگانی: به وظیفه ذیل مسأله ۱۳۱۸ عمل شود.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: نماز کسانی که پشت سر یا دو طرف امام ایستاده‌اند صحیح است لکن نماز افرادی که روبروی امام قرار دارند صحیح نیست.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نماز به نحو استداره مانعی ندارد ولی بنابر احتیاط باید به حسب دایره مقدم بر امام نباشد و همچنین بنابر احتیاط نزدیکتر از امام به کعبه هم نباشد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر به جهت تقیّه خوانده باشد اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه استداره جایز نیست؛ و اگر کسی نمی‌دانسته و به این صورت خوانده نمازش صحیح و قضا ندارد.

آیهٔ اللّٰه نوری: با حفظ نسبت در تمام دایره صحیح است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۲

برقرار نیست؛ آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقداری که آنان نماز را صحیح می‌دانند، کافی است، مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان، وجود ندارد؟

خواندن عشا بلافاصله بعد از مغرب

۱۳۲۱- کسانی که هنگام نماز مغرب در مسجدین هستند، جایز است بعد از اتمام نماز جماعت ولو بلافاصله، نماز عشا را بخوانند؛ ولی جهت اقامه نماز مغرب، اگر وقت داخل نشده، باید صبر کنند.

شبهای مهتابی و جماعت

۱۳۲۲- در مکه و مدینه، در لیالی مقمره، کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، نماز آنها صحیح است و اعاده ندارد.

لزوم اعاده با عدم احراز شرایط لازم

۱۳۲۳- اگر انجام نماز در مسجدین، به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزارانِ صفِ جلو و عدم رعایت اتصال و مانند آن، باید اعاده شود.

نماز در پشت بام مسجدالنبی

۲/ ۱۳۲۳- پشت بام مسجدالنبی صلی الله علیه و آله که دیوار اطراف پشت بام، بیش از قامت انسان بلند است و

---

(۱). آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، وحید، صافی و گلپایگانی: به وظیفه ذیل مسأله ۱۳۱۸ عمل شود.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: همانطور که آنهانماز راصحیح می‌دانند کفایت می‌کند، واللَّهالعالم.
آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً داخل شبستانها بودند همانجا اقتدا کنند و نماز صحیح است هر چند اتصال برقرار نباشد. ولی اختیاراً و با وسعت وقت آنجا نروند و نمانند. و در این مسأله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.
آیهٔ اللَّه مکارم: در مورد بانوان که راه دیگری ندارند، اشکالی ندارد. ولی در مورد آقایان چنانچه بتوانند اتصال صفوف را رعایت کنند، لازم است.
آیهٔ اللَّه نوری: لازم است در صورت امکان اتّصال صفوف را مراعات کنند.
(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: اشکالی ندارد با رعایت وظیفه منفرد، چه آن‌که استتار قرص کافی است.
آیهٔ اللَّه خویی: اگر نماز مغرب قبل از زوال حمره مشرقیه باشد، فتوای ایشان به صحت آن معلوم نیست و لذا احتیاط رعایت شود.
آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت، نماز با آنها بخواند مجزی نیست.
آیهٔ اللَّه مکارم: وقت وارد شده است.
(۳)- آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: فرقی میان شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۳
هیچ طرف صفهای جماعت مسجد پیدا نیست، آیا اقتدا با این وضع صحیح است؟

نماز جماعت در هتل

۱۳۲۴- در مکه و مدینه، نباید در هتل، نماز را به جماعت بخوانند.

حکم جماعتی که در آن آیه سجده‌دار می‌خوانند

۱۳۲۵- هنگامی که امام جماعت اهل سنت، در نمازْ سوره سجده‌دار می‌خوانـد و نمازگزاران در اثنای قرائت، به سجده می‌روند و برمی‌خیزند:
اولًا: تکلیف چیست؟
ثانیاً: اگر کسی عمداً یاجهلًا یاسهواً سجده را ترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟
و اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت تکلیف چیست؟

---

(۱). آیات عظام: بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی: به ذیل مسأله ۱۳۱۸ مراجعه شود. اعاده نماز لازم است مگر شرایط تقیه محقق

باشد.

آیهٔ اللَّه فاضـل: چنانچه موقع اقامه جماعت بالای پشت بام باشـد لازم است همانجا در نماز شـرکت کنـد ولی اختیاراً رفتن بالای بام هنگام نماز جایز نیست.

آیهٔ اللَّه مکارم: احتیاط آن است در داخل مسجد نماز بخواند.

(۲)- آیهٔ اللَّه فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیّه مداراتی است نماز را به جماعت نخوانند.

(۳)- آیات عظام صافی، گلپایگانی: در صورتی که مفسده داشته باشد.

آیهٔ اللَّه بهجت: برگزار نمودن نماز جماعت در هتلها و مسافر خانه‌ها در مکّه و مدینه مانعی ندارد اگر مستلزم مفسده نباشد.

آیهٔ اللَّه خویی: متعرض این مسأله نشده‌اند.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر خلاف تقیه نباشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه مکارم: نماز جماعتهای کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

(۴). آیةاللَّه بهجت: در سجده هم با آنها تبعیّت کند، و در جمیع فروض مسأله نماز را اعاده کند، واللَّه العالم.

آیـةاللَّه تبریزی: در فرض اسـتماع باید ایماءاً سـجده کرده و احوط اعاده آن بعد از نماز است و با ترک آن نمازش باطل نمی‌شود و اگر رکوع یا سجده زائده انجام داد باید نمازی را که خوانده اعاده کند واللَّه العالم.

آیـةاللَّه خـامنه‌ای: بایـد تبعیّت کننـد، بلی اگر خلاف تقیّه نباشـد می‌تواننـد تبعیّت نکننـد و در هر صورت تبعیّت مضـر نیست؛ و اگر خلاف تقیّه عمل نکرده باشد نمازش صحیح است، گرچه رعایت احتیاط خوب است.

آیـةاللَّه سیسـتانی: تکلیف این است که اگر امام سـجده کرد او هم سـجده کنـد و پس از اتمام احتیاطاً اعاده کنـد و اگر امام سـجده نکرد اوبا ایماء و اشاره سـجده کند و نماز صـحیح است و اگر عمداً یا جهلًا یا سـهواً سـجده نکرد نماز صـحیح است و اگر به رکوع رفت نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.

آیـةاللَّه صافی: اگر شـرکت در نماز عنوان تقیه داشـته باشـد و ترک موافقت با آنان در سـجده مخالف تقیه باشد، در سـجده با آنها موافقت کند و نماز او صحیح است و در غیر مورد تقیه در صورت استماع آیه، سجده نماید و بعد هم نماز را اعاده کند واللَّه العالم.

آیةاللَّه فاضل: تکلیف تبعیت است و نماز صحیح است.

اگر به هر جهت سـجده را ترک کرده است به نمـاز لطمه‌ای نمی‌خورد، ولی اگر خلاـف تقیه نیست، بعـد از نمـاز احتیاطاً سـجده را انجام دهد.

اگر ندانسته به رکوع و سپس به سجده رفته و بعداً به قیام برگشته است نمازش باطل است و بنابر احتیاط باید اعاده کند.

آیـةاللَّه مکـارم: تکلیف آن است که از آنها متابعت شود و احتیاطاً نماز را بعـداً اعاده نمایـد و در دو صورت دیگر هم احتیاط اعاده است.

آیةاللَّه نوری: ۱- نمازش را بخوانـد و دوباره اعاده کند ۲- در صورت ترک سـجده عمداً یا جهلًا یا سـهواً اگر مشغول خواندن ذکر شود تا سکوت طولانی که محو کننده صورت نماز است به عمل نیامده باشد نمازش صحیح است ۳- در صورت اخیر نمازش باطل است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۴

۱۳۲۶- جواز اقتدا به اهل سنّت، اختصاص به نماز ادا دارد، یا نماز قضا را نیز می‌توان اقتدا کرد؟

۲- احکام سجده

سجده بر سنگهای حرمین

۱۳۲۷- سجده بر تمام اقسام سنگها- مرمر، سنگهای سیاه معدنی، سنگ گچ و آهک، قبل از آن‌که پخته شود- جایز است؛ و سجده بر سنگ‌فرشهای مسجد الحرام و مسجد رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله، که از این قبیل است، اشکال ندارد.

---

(۱). آیةاللَّه بهجت: فرقی نمی‌کند و در هر دو باید وظیفه منفرد مراعات شود و یا اعاده شود.

آیت اللَّه خامنه‌ای: قدر متیقّن جواز اقتداء در نماز اداء است و صحّت اقتداء در نماز قضاء محلّ اشکال بل منع است.

آیهٔ اللَّه تبریزی و آیهٔ اللَّه سیستانی: نماز قضا را هم می‌شود با آن‌ها خواند، لکن با رعایت وظیفه در مسأله ۱۳۱۸.

آیت اللَّه صافی: مختص به نماز ادا است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه مکارم، آیهٔ اللَّه فاضل: اختصاص به نماز ادا ندارد، تفاوتی نمی‌کند.

(۲)- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل: بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شودسجده کرد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بلکه بعد از پخته شدن نیز جایز است.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۵

۱۳۲۸- هنگام شستشوی مسجدالحرام، علم به سرایت پیدا نمی‌شود؛ و با فرض شک، سجده بر سنگ‌های آن مانعی ندارد و نباید به شک اعتنا شود.

سجده روی فرش

۱۳۲۹- در مسجد النبی، صلی الله علیه و آله سجده روی فرشهای مسجد، مانع ندارد؛ و گذاردن مهر، جایز نیست؛ و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند؛ و لازم نیست حصیر یا مانند آن، همراه خود ببرند؛ هرچند همراه داشتن آن، اگر به گونه‌ای باشد که متعارف سایر مسلمین است و موجب وهن نشود، اشکال ندارد.

۱۳۳۰- در مسجد النبی صلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت، می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود؛ و لازم نیست نمازگزار بجای دیگر که سنگ‌فرش است برود.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه گلپایگانی، کتباً فرموده: و با فرض یقین طواف و نماز از جهت تقیه محکوم به صحت است و شفاهاً فرموده: در وقت طواف نعلین بپا کند. (آراء المراجع، ص ۴۱۸).

(۲)- آیهٔ اللَّه بهجت: در صورت امکان سجده بر «مایصح السجود علیه»، اکتفا به غیر آن نکند.

آیهٔ اللَّه خویی: اگر در آن مکان، تمکن از سجود بر آنچه سجود بر آن جایز است ندارد، سجده صحیح است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر تقیه اقتضا کند و در همانجا مایصحّ السجود علیه نباشد، سجده صحیح است و لازم نیست از آنجا منتقل شود به جای دیگر.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت‌نما شدن نشود باید در محلّی که بتواند پیشانی او در محلّ سجده بر سنگهای مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: سجده روی فرشهای مسجد در صورت تقیه مانع ندارد. (استفتائات ویژه حج،

ص ۳۰، مسأله ۵۲).

آیهٔ اللّه مکارم: ولی هرگاه بتواند به سهولت روی سنگهای مسجد نماز بخواند آن را ترک نکند.

آیهٔ اللّه وحید: بر فرش کفایت نمی‌کند و باید اعاده نماید.

(۳)- آیهٔ اللّه تبریزی: در صورت تمکّن لازم است...

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر فرادی می‌خواند و ضرورتی نباشد نباید به فرش سجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیّه ضرورت داشته باشد، مانع ندارد و حکم لزوم اعاده و عدم آن در مسأله ۱۳۱۸ گذشت.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: قرار دادن چیزی در محل سجده اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست و واجب است مکلف کوشش کند تادر صورت امکان جایی بیابد که بر سنگفرش یا چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند و اگر تقیه ایجاب کند که بر فرش سجده کند نمازش صحیح است.

(۴)- مراجعه شود به مسأله ۱۳۲۹.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی: با وجود مکان سنگ فرش در مسجد باید به آنجا برود. (آیهٔ اللّه سیستانی اضافه کردند: بلی نماز مستحب را می‌تواند رجاءً در روضه مقدسه بخواند.)

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۶

لباس پنبه و کتان

۱۳۳۱- در صورتی که لباس نمازگزار از پنبه یا کتان باشد، در جایی که بر فرض تقیّه، سجده بر فرش صحیح است، چنانچه بتواند بدون محذور بر لباس خود سجده کند، آیا سجده بر فرش که از پشم یا مواد لاستیکی است، مجزی است یا نه؟

سجده بر پشت دست

۱۳۳۲- اگر نمازگزار در مسجدالحرام یا مسجد النبی- زادهمااللّه شرفاً- بر پشت دست سجده کرده است، نماز او صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد. ۱۳۳۳- اگر کسی در مساجد مکه معظمه و مدینه منوّره همگام نماز جماعت و بعد از آن که نمازگزاران هنوز در مسجد هستند، وارد شد، لازم نیست برای رعایت ما یصح السجود به جای دیگر برود.

---

(۱). آیهٔاللّه بهجت: احوط تقدیم قطن و کتان بر مثل پشم و مو است با امکان.

آیت اللّه خامنه‌ای: لباس تقدّم بر فرش ندارد اگر چه از کتان یا پنبه باشد.

آیت اللّه تبریزی: چنانچه با رعایت تقیه بتواند بر لباسش سجده کند، باید بر لباس مذکور سجده نماید، واللّه العالم.

آیت اللّه سیستانی: در فرض مذکور مجزی است.

آیت اللّه صافی: در فرض سؤال باید بر لباس خود سجده کند، واللّه العالم.

آیت اللّه فاضل: در فرض سؤال، باید به لباسش سجده کند و سجده بر فرش و مواد پلاستیکی مجزی نیست.

آیت اللّه مکارم: سجده بر پنبه و کتان در فرض سؤال، اولویت دارد.

(۲)- آیهٔ اللّه بهجت: نمازهایش را قضا کند و نماز طواف را خود یا نایبش اعاده نماید.

آیـهٔ اللّٰه تبریزی: نمازهایی که به این صورت خوانـده، باطل است و بایـد اعاده کنـد و اگر نماز طواف را هم به این صورت خوانده، حکم نسیان نماز طواف بر آن جاری است، چنانچه متمکّن است باید پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اگر متمکّن نیست می‌تواند در جای خود اعاده کند.

آیات عظام خویی، صافی، گلپایگانی: جاهل قاصر مُستثنی نشده است.

(۳)- مراجعه شود به مسأله ۱۳۲۹.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: با وجود مکان سنگ‌فرش در مسجد، باید در آنجا نماز بخواند و در غیر این صورت اگر روی فرشها هم سجده کند مجزی است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: باید در منزل با رعایت شرایط معتبره بخواند مگر تقیّه اقتضای غیر آن را داشته باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: یعنی برای سجده مهر نگذارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۷

۲/ ۱۳۳۳- اگر کسی بخواهد در مسجد اهل سنت پیش از نماز جماعت، دو رکعت نماز تحیت بخواند، آیا سجده بر غیر آنچه که جایز شمرده شده، صحیح است؟

سجده بر حصیر

۱۳۳۴- حصیرهایی که مورد استفاده حجاج واقع می‌شود، اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود، مانع ندارد ولو چیزی مانند نخ با آن مخلوط باشد.

نماز عاجز از سجده متعارف

۱۳۳۵- کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در مسجدالحرام و مسجدالنّبی نماز می‌خواند- با توجه به این که نمی‌تواند مُهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد - چگونه باید سجده کند؟

---

(۱). آیةاللّٰه بهجت: با فریضه از حیث حکم شرطی تفاوتی ندارد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: چنانچه حفظ وحدت ایجاب کند جایز است.

آیةاللّٰه فاضل: خیر، نماز مستحبی بر غیر ما یصح السجود صحیح نیست.

آیةاللّٰه مکارم: در صورتی که قسمتهای سنگی مسجد در دسترس نباشد، مانعی ندارد.

(۲)- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر مجموع آنچه سجده بر آن صحیح است به اندازه کفاف برسد اشکال ندارد.

آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه مکارم: سجده بر این حصیرها مانعی ندارد.

(۳). آیةاللّٰه بهجت: کسی که قادر بر مرتبه‌ای از سجود است، مانند دیگران است از حیث شرائط تقیه و مندوحه زمانی و مکانی در گذاشتن پیشانی بر مایصح السجود علیه؛ و امّا کسی که وظیفه او اشاره است؛ لازم نیست مهر بر پیشانی بگذارد.

آیت‌اللّٰه تبریزی: چنانچه با رعایت تقیّه، سنگ یا کاغذی را در حال اشاره برای سجده بلند کرده و بر آن سجده کند و اگر این نیز ممکن نباشد با چشم اشاره کند. واللّٰه العالم.

آیت‌اللَّه خامنه‌ای: اگر چیزی که روی آن سجده کند وجود ندارد، باید اشاره نماید.

آیت‌اللَّه سیستانی: در غیر این مورد نیز گذاشتن مُهر بر پیشانی لزومی ندارد، بلکه کافی است برای سجده ایماء کند.

آیت‌اللَّه صافی: در صورت ضرورت به اشاره سجده کند والّا شرکت نکند؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: با اشاره سجده کند.

آیت‌اللَّه مکارم: برای چنین اشخاصی ایماء و اشاره کافی است برای رکوع کمتر و برای سجده بیشتر خم می‌شود و اگر قادر به خم شدن نیست، چشمان خود را برای سجده بیشتر می‌بندد و با دست بیشتر اشاره می‌کند و برای رکوع کمتر.

آیت‌اللَّه نوری: در فرض سؤال، در حد امکان برای سجود خم شود، نیازی به مهر نیست.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۸

۳- محدوده تخییر بین قصر و اتمام

اشاره

۱۳۳۶- تخییر بین قصر و اتمام، در مکه و مدینه، اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد؛ ولی به مسجد اصلی اختصاص ندارد، هرچند احتیاط در اقتصار بر مسجد اصلی است.

حکم نوافل در اماکن تخییر

۲/ ۱۳۳۶- در اماکن تخییر مثل مکه معظمه و مدینه طیبه اگر مسافر اختیار تمام نمود، آیا نوافل ساقط می‌شود و بر فرض سقوط، به نحو عزیمت است یا رخصت؟

۴- قصد عشره

قصد عشره در مکه و کشف خلاف

۱۳۳۷- اگر کسی- به تصور این‌که از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویه، ده روز است- قصد عشره کرده و نماز را تمام خوانده، بعد خلاف آن ثابت گردیده:

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: مسافر می‌تواند در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و ... نمازش را تمام بخواند واحتیاط در این است که نماز را شکسته بخواند ولی اگر بخواهد در جایی که اوّل جز و این مسجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند.

آیهٔ اللَّه تبریزی و آیهٔالله وحید: در همه مکه و مدینه قدیم می‌تواند قصر و تمام بخواند. (استفتائات، س ۱۲۹).

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری: می‌تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه نماز را تمام بخواند و اختصاص به مسجدالحرام و مسجد النبی ندارد.

آیـهٔ اللَّه خویی: ظاهراً اختصاص ندارد بلکه این حکم در شـهر قدیمی مکه و مدینه جاری است. (منهاج الصالحین، مسأله ۹۲۵). قید قدیمی در منهاج نیست بلکه در استفتائات و در بعض مناسک مذکور است.

(۲). آیهٔاللَّه بهجت: ساقط است و به نحو عزیمت.

آیهٔاللَّه تبریزی: نوافل ساقط است و اسـتحباب ندارد و مقصود از سـقوط به نحو عزیمت همین است ولی منافات با اتیان آنها به قصـد رجا ندارد.

آیـهٔاللَّه صافی: ظاهراً نوافل ساقطه از مسافر در مورد سؤال ساقط است بلی اتیان آنها برای کسـی که تمام را اختیار کرده رجاء مانعی ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۵۹

اگر واقعِ ده روز را قصد کرده- مثل این‌که یقین داشته که ماه، سی روز و روز ترویه مثلًا، سه‌شنبه است، بعداً معلوم شود ماه بیست و نه روز و روز ترویه، دوشنبه است- باید نماز را تمام بخواند؛

و اگر واقع آن را قصد نکرده و فقط خیال می‌کند که ده روز می‌ماند- مثل این‌که می‌داند ماه بیست و نه روز و ترویه دوشـنبه اسـت ولی در حسـاب اشـتباه و خیـال کرده تـا آن روز، ده روز است در حالی که واقعاً نیست- بایـد بعـد از کشف خلاف، نمازها را علی الأحوط جمع بخواند و آنچه تمام خوانده را نیز شکسته قضا نماید.

قصد عشره و رفتن به عرفات

۱۳۳۸- کسانی که در مکه قصد عشره نموده‌اند و به عرفات، مشعر و منی می‌روند و به مکه باز می‌گردند، اگر مسافت شرعی محقق نشود، نمازشان تمام است.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: قصر است و باید نمازش را احتیاطاً قضا کند.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: در مکّه و مدینه در کمتر از ده روز هم بین قصر و اتمام مخیّر است.

آیـهٔ اللَّه فاضل: در فرض اول که واقع ده روز را قصد کرده است نمازهایی را که تمام خوانده صـحیح است و تا وقتی که انشاء سـفر جدید نکرده است نمازها را حتی در عرفات و منی باید تمام بخواند، اما در فرض دوم که در واقع قصد ده روز نداشته و اشتباه کرده است نمازهایی را که در مکه تمام خوانده صـحیح است و مادامی که در مکه است مخیر بین قصر و اتمام است اما در عرفات و منی باید شکسته بخواند.

آیهٔ اللَّه تبریزی: در هر دو صورت در مکه قدیم مخیّر است بین قصـر و تمام و در غیر آن وظیفه‌اش قصـر است و نمازهایی را که در غیر مکه قدیم تمام خوانده بنابر احتیاط اعاده کند.

آیـهٔ اللَّه خویی: فتوای ایشان در این مسأله در دست نیست ولی آنچه نماز تمام خوانـده و وقت آن گذشـته قضا ندارد و قبلًا گذشـت که در مکه قدیمه شخص مخیّر بین قصر و تمام است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: به هر حال نماز تمام در همه شهر مکّه صحیح است.

(۲)- آیـهٔ اللَّه صـافی، آیـهٔ اللَّه گلپایگـانی: مسافر مخیر است نماز خود را در تمام شـهر مکه مکرمه و مـدینه‌منوره به صورت تمام یا شکسته بخواند، بنابراین احتیاط آن است که پس از کشف خلاف نمازهای خود را تمام بخواند.

آیهٔ اللَّه مکارم: باید قصر بخواند، جمع لازم نیست.

(۳)- برای به دست آوردن حکم این مسأله و شناخت نظر آیات عظام به توضیح المسائل آنان مراجعه شود، مضافاً بعضی از آیات قائل بودند که نماز را در تمام شهر مکه و مدینه می‌توان به نحو تخییر بین قصر و اتمام انجام داد.

(۴)- آیهٔ اللَّه بهجت: در مواردی که نماز در مکّه تمام است در عرفات و مشعر و منی هم تمام است و گرنه قصر است. (پرسشهای جدید حج ص ۳۱ س ۱۳۱.)

آیهٔ اللَّه خویی: در فرض مذکور در مکّه معظّمه بدون قصد عشره هم ادای نماز به نحو تمام صحیح و مجزی است و با قصد عشره متعیّن می‌شود، و با خارج شدن به عرفات حکم سفر برایش تجدید می‌شود که باید در آن ایّام نماز رباعی را شکسته بخواند (با احراز مسافت شرعیه) در عرفات و منی و چون به مکّه برمی‌گردد باز مخیّر بین قصر و تمام است، در خود مکّه مکرّمه، البتّه نه در محلّه‌های دور فعلی آن، که شک در لحوق آن به مکّه باشد. (آراء المراجع، ص ۴۱۰).

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر مجموع مسافت از مکّه به عرفات و از آنجا به مشعر و منی تا مکّه ۴۴ کیلومتر یا بیشتر باشد نماز شکسته است و اگر کمتر باشد نماز تمام است و در این صورت اگر از عرفات قصد بازگشت به وطن را داشته باشد و آمدنش به مکّه نه از این جهت باشد که محلّ اقامت او است بلکه از این جهت که در راه واقع است نمازش در مشعر و منی شکسته است و در مکّه مخیّر است.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: در فرض مذکور اگر قصد برگشت به وطن ندارد تا در محل اقامه است باید نمازش را تمام بخواند و اگر قصد مراجعت به وطن قبل از ده روز داشته باشد در عرفات نماز تمام است و در برگشت از محلی که رفته و در محلّ اقامه در مشعر و منی و در مکه پس از مراجعت از عرفات باید نماز را شکسته بخواند البته در مکه مخیّر بین قصر و اتمام است. (آراء المراجع، ص ۴۱۱).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۰

۱۳۳۹- افرادی که در مکه قصد اقامت ده روز نموده‌اند و به عرفات می‌روند، در صورت عدم تحقق مسافت شرعیّه یا شک در آن، باقی بر تمام هستند؛ و اگر در بازگشت به مکه، از جهت این‌که محل اقامت است، باز می‌گردند و تصمیم دارند بعد از رسیدن به مکه، قصد مسافرت کنند، نمازشان در خود مکه هم تمام است.

نماز در عرفات و مشعر و منی

۱۳۴۰- فاصله بین مکه و عرفات که قبلًا چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منا، کمتر از مسافت شرعی است؛ در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منا می‌رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می‌کند نماز او در عرفات و مشعر و منا و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل، آیهٔ اللَّه مکارم: فاصله مکه تا عرفات فعلًا مسافت شرعیه نیست و اگر قبلًا در مکّه قصد اقامت کرده‌اند نمازشان در مکه و عرفات و در بازگشت تمام است.

(۲). آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر پس از استقرار حکم اقامت عشره در مکه مکرمه به عرفات و مشعر و منا می‌رود، با فرض این که رفت و برگشت از عرفات و مشعر و منا هشت فرسخ شرعی نیست نمازش در عرفات و منا تمام است.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر اقامه ده روزه با قطع نظر از چند شب مذکور باشد در مواضع ذکر شده نماز تمام است و اگر مجموعاً باشد نماز در آن مواضع شکسته، لیکن در مکه و اگر چه بعد از مراجعت باشد مخیر بین قصر و اتمام است.

آیهٔ اللّٰه بهجت: به ذیل مساله ۱۳۳۸ مراجعه شود.

آیهٔ اللّٰه تبریزی: چنانچه از آخر خانه‌های مسکونی فعلی مکه تا عرفات کمتر از چهار فرسخ و رفتن به عرفات و مشعر و منا و رجوع به مکه کمتر از هشت فرسخ باشد در صورتی که شخص بعد از اقامت ده روز- با قصد اقامت از قبل- به عرفات برود و یا این که قصد اقامت ده روز در مکه نموده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکّه منصرف شده و تصمیم گرفت به عرفات برود نمازهای او در عرفات و مشعر و منا، و در رفتن و برگشتن تمام است و در غیر ایندو صورت مسافر است و باید نمازهای خود را در غیر مکه قدیم، قصر بخواند و در خود مکه قدیم مخیر است بین قصر و تمام.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نماز او تمام است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر مسافت مکه تا عرفات و از آنجا تا مشعر و از آنجا تا منا و تا مکّه (۴۴) کیلومتر باشد نمازش را در این اماکن قصر می‌خواند و الّا لازم است نمازش را تمام بخواند، بله اگر کمتر از (۴۴) کیلومتر باشد اگر برگشتنِ او به مکه عبوری باشد نه این که برگشتن به محلّ اقامت است، پس حکم او در مشعر و منا قصر است ولی در مکه مخیر است بین قصر و اتمام.

آیهٔ اللّٰه صافی: در فرض مذکور نماز شخص مذکور در عرفات و مشعر و منا تمام است همچنین پس از مراجعت به مکه، در مکه هم تمام است.

آیهٔ اللّٰه نوری: در صورتی که بعد از استقرار قصد اقامت ده روز در مکه کرده باشد نمازش در عرفات و مشعر و منا تمام است و الّا قصر است و در مراجعت در مکه بجهت این که در این شهر مخیّر است بین قصر و اتمام، اگر قصد اقامت نکرد مخیّر است و اگر قصد اقامت کرد که باید تمام بخواند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۱

نماز در هواپیما

۱۳۴۱- هنگامی که زائران بیت‌اللّٰه الحرام یا سایرین، وقت نماز در هواپیما هستند، در صورتی که شرایط نماز- مثل قیام و قبله و رکوع و سجود- مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال رسیدن در وقت نماز به مقصد و امکان خواندن آن، نماز در هواپیما کفایت می‌کند یا باید تأخیر بیندازند؛ و در صورتی که نماز را در آن حال خواندند و در وقت نماز پیاده شدند، اعاده آن لازم است یا نه؟

---

(۱). آیهٔ‌اللّٰه بهجت: اظهر جواز و کفایت آن است اگر چه احوط تأخیر است برای تحصیل استقرار مطلق.

آیت اللّٰه خامنه‌ای: با تمکّن از استقرار و استقبال قبله، نماز صحیح و مجزی است، بلکه جهت درک فضیلت اوّل وقت افضل است.

آیت اللّٰه تبریزی: چنانچه احتمال بدهند که تا آخر وقت هواپیما به زمین ننشیند می‌تواند در هواپیما نماز بخوانند و اگر پیش از اتمام وقت هواپیما به زمین نشست نمازشان را اعاده کنند.

آیت اللّٰه فاضل و آیت اللّٰه سیستانی: در فرض مذکور نماز در هواپیما کافی است.

آیت اللّٰه صافی: در صورت علم باید تأخیر نماید و در صورت احتمال، احوط خواندن و چنانچه قبل از گذشتن وقت به مقصد رسید اعاده است.

آیت اللّٰه مکارم: چنین نمازی صحیح است و اعاده ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۲

۴- احکام روزه و اعتکاف

روزه ماه رمضان و حکم اول ماه

۱۳۴۲- اگر از سوی حاکم عامه اوّل ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در آن بلاد هستند و تقیّه‌ای هم در تبعیّت نیست و برای خود فرد هم یقین به اوّل ماه نیست، آیا تبعیّت لازم است؟

روزه در مدینه

۱۳۴۳- آیا استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآمدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد، یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد نیز، مستحب است.

---

(۱). آیةاللَّه بهجت: با عدم شرائط تقیه به وظیفه خود طبق رساله عمل می‌کند.
آیة اللَّه تبریزی: در فرض مزبور تبعیت لازم نیست بلکه به قصد ماه رمضان نباید روزه بگیرد.
آیة اللَّه سیستانی: تبعیّت در این صورت جایز نیست.
آیة اللَّه صافی: در فرض سؤال، تبعیّت واجب نیست ولی به قصد شعبان روزه گرفتن مستحب است.
آیة اللَّه فاضل: بلی در این موارد مطلقاً تبعیت صحیح و لازم است.
آیة اللَّه مکارم: در فرض مسأله، تبعیّت واجب نیست.
آیة اللَّه نوری: تبعیّت لازم است و این خود یک نوع تقیّه است که تقیّه مداراتی خوانده می‌شود.
(۲). آیت اللَّه خامنه‌ای: اختصاص به مسافر ندارد، و ذکر مسافر جهت استثناء از صوم در حال مسافر بودن است.
آیت اللَّه تبریزی: حکم مزبور اختصاص به مسافر دارد و شامل اهل مدینه نمی‌شود و در مسافر بین این‌که نمازش قصر باشد یا به جهت قصد اقامت ده روز نمازش تمام باشد، فرقی نیست، واللَّه العالم.
آیت اللَّه سیستانی: برای همه مستحب است.
آیت اللَّه صافی: بعید نیست اختصاص به مسافر نداشته باشد، واللَّه العالم.
آیت اللَّه فاضل: استحباب آن به قصد ورود برای غیر مسافر ثابت نیست، بلی رجاءاً مانعی ندارد.
آیت اللَّه مکارم: این حکم مخصوص مسافر است ولی دیگران بر اساس قانون اوّلی هر روزی بخواهند می‌توانند به قصد حاجت روزه بگیرند.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۳

اعتکاف در مسجدالحرام

۱۳۴۴- بسیاری از زائران خانه خدا خواهان اعتکاف در مسجدالحرام هستند باتوجه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می‌توانند پس از حضور در مکه مکرمه با نذر، به اعتکاف بپردازند؟ ۱۳۴۵- شخصی قصد

اعتکاف در مسجدالحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به این‌که محل سعی جزو مسجد نیست؟

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه تبریزی: چنانچه نذر روزه در مکّه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد، می‌تواند معتکف شود.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه صافی: صحت نذر روزه بعد از ورود به مکه مکرمه مورد اشکال است.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه فاضل: ظاهر آن است که صحّت روزه در سفر با نذر در وطن محقّق می‌شود.

آیهٔ اللَّه مکارم: بدونِ نیّت اقامه ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد.

آیهٔ اللَّه نوری: نمی‌توانند مگر این‌که در وطن نذر روزه کرده باشند.

(۲). آیهٔ‌اللَّه بهجت: مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: می‌تواند محرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی مانع ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: می‌تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می‌تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود.

آیهٔ اللَّه صافی: احرام او صحیح است و خروج از مسجد برای سعی مضرّ به اعتکاف نیست و اگر احتیاط نماید و اعمال عمره را بعد از اعتکاف بجا آورد اولی است.

آیهٔ اللَّه فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)؛؛ ص۵۶۳

آیهٔ اللَّه مکارم: این مقدار اشکال ندارد.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۴

فصل دوم: احکام خمس مربوط به عمره

۱- نداشتن سال خمسی

اشاره

۱۳۴۶- کسی که سال خمسی ندارد، اگر به حج مشرف شود و با پول خود، لباس احرام و قربانی خریداری نماید، اگر آن پول، از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس، حکم غصب را دارد و طواف و قربانی، صحیح نیست. ۱۳۴۷- اگر شخصی بدون این‌که خمس مال خود را بپردازد، به حج برود، اگر لباس احرام و قربانی او با پول غیر مخمّس نباشد، عمل او اشکال ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه فاضل: به احتیاط واجب با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

(۲)- آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: ولکن اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد، حجّش

صحیح است.

آیـهٔ اللَّه تـبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: بنـابر احتیـاط واجب اگر سـاترش متعلق خمس باشـد، ولی اگر همـانطور که متعـارف است به ذمّه خریده، حجش اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در فرضی که خمس واجب باشد اگر همانطور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه فاضل: ولی در همین فرض چنانچه بداند پول از درآمد همان سال است و در همان سال خرج شود خمس واجب نیست.

آیـهٔ اللَّه نوری: و بایـد خودش آنها را انجام بدهـد و اگر چون مراجعت کرده قـدرت نـدارد بایـد برای انجام طواف و نماز طواف و قربانی نایب بگیرد.

(۳)- مراجعه شود به مسأله قبل.

آیـهٔ اللَّه بهجت: چنـانچه بـا عین مـال غیر مخمّس معـامله کرده؛ یعنی عین مـال در مقابل لباس قرار گرفته، طواف و نماز با آن لباس باطـل است ولی اگر لبـاس را به ذمّه خریـده و بعـد از معامله، آن مال غیر مخمّس را در عوض دین پرداخت نموده، طواف و نماز با آن لباس باطل نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۵

حسابرسی مال و صحت اعمال

۱۳۴۸- آیا برای صـحّت اعمال عمره و حـج- برای کسـی که حسابرسـی خمس ندارد- پرداخت خمس لباس احرام و لباسـی که در طواف و نماز طواف می‌پوشد، کفایت می‌کند، یا باید حسابرسی تمام اموال صورت گیرد؟

احرام و طواف در لباس غیرمخمّس

۱۳۴۹- اگر شخصـی با پول خمس نـداده، لباس احرام بخرد و با آن محرم شـده، و طواف و نماز بجا آورد، اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است؛ ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند.

---

(۱). آیت‌اللَّه تبریزی: بـا اجـازه مرجع تقلیـد می‌توانـد در بخشـی از اموال خمس را محاسبه کرده و از آنها برای لباس احرام و لباس سـاتر در طواف و نماز طواف و قربانی اسـتفاده کنـد و نیّت او بر این باشـد که خمس بقیه اموال را نیز بپردازد تا اعمالش مورد قبول واقع شود.

آیـت‌اللَّه خـامنه‌ای: در فرض سؤال پرداخـت خمس برای امـوال مـذکور و همچنیـن برای پـولی که برای قربـانی می‌پردازد کفـایت می‌کند.

آیت‌اللَّه سیسـتانی: حسابرسـی بقیه اموال در صـحت حـج دخالت ندارد، ولی اگر به مقدار بدهکاری خمس و مصارف حج نداشـته باشد، حج او حَجّهٔ‌الاسلام نیست.

آیت‌اللَّه صافی: چنین تخمیسی صحیح نیست؛ واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه فاضل: خیر کفایت نمی‌کند، بلکه باید کلّ اموال خود را مخمس کند.

آیت‌اللَّه مکارم: حداقل باید خمس تمام هزینه حج را بپردازد و سزاوار است که مردم را به این کار عادت ندهند؛ زیرا فرصتی است

برای پاک کردن تمام اموال.

آیت‌اللَّه نوری: چنانچه متعلق خمس بوده‌اند، تخمیس آن برای صحت حج کفایت می‌کند، ولی لازم است بقیه اموال نیز جهت خمس حسابرسی شود.

(۲)- مراجعه به مسأله ۱۳۴۶ شود.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده است. (وسیله، ص ۱۷۹).

آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ گلپایگانی: اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد. (آداب و احکام حج، مسأله ۵۴۲).

آیهٔ اللَّه فاضل: و بنابراحتیاط سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۶

اگر دهنده پول اهل خمس نباشد

۱۳۵۰- کسی که پولی به او داده‌اند که حج یا عمره به‌جا آورد، اگر یقین به وجود خمس در آن ندارد، حج او اشکال ندارد ولو این‌که دهنده پول، اهل خمس نبوده و گیرنده در ظرف چند سال آن را پس‌انداز کرده باشد؛ ولی اگر یقین به وجود خمس در مال باشد، لازم است حداقل احرام و قربانی را از غیر آن مال، تهیه نماید. ۱۳۵۱- لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد است، یا وجوهات شرعیه، تخمیس آن لازم نیست، هرچند احتیاط مطلوب است.

طواف با پول خمس نداره

۱۳۵۲- اگر طواف‌کننده در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد، طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

خرید لباس احرام از پول مشکوک الخمس

۱۳۵۳- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، لباس احرام بخرد، لازم نیست

---

(۱)- آیهٔ اللَّه مکارم: و سایر هزینه‌های حج.

(۲)- به مسأله ۱۳۵۴ مراجعه شود.

آیـهٔ اللَّه بهجت: با توجه به لزوم خمس در هبه، علی الأحوط و همچنین این که در طول هفت یا هشت سال این پول جمع شده، باید خمس به آن تعلّق گرفته باشد.

آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل: چنانچه پولهای جمع شده تا سال تشرف به حج را تخمیس نمایید به وظیفه عمل شده و حج اشکالی ندارد.

(۳). آیهٔ اللَّه بهجت: در هر دو مورد به زاید از مؤونه سنه، خمس تعلّق می گیرد.

آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: اگر سال بر آن گذشته باشد، لازم است خمس آن را بدهد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند.

آیـة اللَّه فاضل: و این در صورتی است که وجوهات شـرعیّه را به عنوان شـهریه گرفته باشـند، امّا اگر به عنوان اسـتحقاق یا خـدمات دینی گرفته‌اند و سال بر آن گذشته است باید خمس آن‌را بدهند.

(۴)- آیة اللَّه بهجت: همان حکم محمول غصبی در نماز را دارد.

آیة اللَّه صافی، آیة اللَّه گلپایگانی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود. (مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۷۲، مسأله ۲۱).

آیة اللَّه نوری: طوافش اشکال پیدا می‌کند.

(۵)- آیة اللَّه فاضل: با مجتهد جامع الشرایط مصالحه کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۷

خمس بدهد و طواف صحیح است هرچند احتیاط مطلوب است.

تهیه قربانی از غیر مخمّس

۱۳۵۴- اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد، کفایت نمی‌کند.

۲- سپرده‌های حج و عمره و خمس آن

۱۳۵۵- آیا به سپرده‌های حج و عمره و سود آنها، خمس تعلق می‌گیرد؟

---

(۱)- آیة اللَّه تبریزی: اگر احتمال می‌دهد از ربحی می‌خرد که سال بر آن نگذشته اشکال ندارد.

آیـة اللَّه خـویی: صور مسـأله مختلف است و احتیـاط به مصـالحه بـا حـاکم شـرع ترک نشود. (مسـتفاد از منهـاج الصـالحین، کتـاب الخمس، ص ۳۴۳).

آیـة اللَّه سیسـتانی: اگر احتمال می‌دهـد خمس به آن متعلق باشد به احتیاط واجب باید با حاکم شرع به نسبت احتمال مصالحه کند ولی طواف با فرض خرید به نحو کلّی فی‌الذمه صحیح است.

(۲)- مراجعه شود به مسأله ۱۳۴۶.

آیة اللَّه بهجت: اگر معامله به ذمّه باشد، ظاهراً کافی است. (مستفاد از س ۹۷ مناسک).

آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خویی: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صحیح است.

آیـة اللَّه سیسـتانی، آیـة اللَّه نوری: چون متعارف خرید به ثمن کلی است، قربانی صـحیح است ولی ذمه‌اش به اندازه خمس مشـغول است.

آیة اللَّه مکارم: کفایت می‌کند.

(۳). آیةاللَّه بهجت: خمس ندارد.

آیت‌اللَّه تبریزی: در فرض سؤال چنـانچه بر اصـل پول سـال بگـذرد؛ یعنی از وقت به‌دست آوردن پولی که به بانک سپرده‌انـد، سال گذشـته، بایـد خمس آن را بپردازنـد و نسـبت به مقداری که زیادتر از اصل پول به آنها می‌دهند، اگر در همان سال به حج یا عمره بروند چیزی بر آنها نیست. واللَّه العالم.

آیت‌اللَّه خـامنه‌ای: در فرض مرقوم، اگر در همان سالِ خمسـی سپرده‌گـذاری به حـج یا عمره می‌رود، خمس نـدارد، ولی اگر نوبت حـج او پس از آن سـال خمسـی است، اصـل پـول خمس دارد لکن سـود حاصـله اگر پیش از سـال عزیمت قابـل وصول نبوده جزو

درآمد سال وصول، محسوب است که اگر در همان سال به حساب هزینه سفر محسوب شود، خمس ندارد.
آیت‌اللَّه سیستانی: به اصل پول خمس تعلق می‌گیرد و نیز به سود آن، اگر از طریق معامله شرعیّه ملك صاحب پول شده است، بلی اگر حج بر آنها مستقر شده و راه دیگری برای رفتن به حج در سال ثبت‌نام نداشته باشند خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.
آیت‌اللَّه صافی: وجوب خمس معلوم نیست، هرچند احتیاط خوب است و نسبت به سود آن، اگر با آن پول معاملات شرعی، با رعایت شرایطش انجام شود و پرداختِ سود، طبق قرارداد باید در موقع تحویل اصل پول پرداخت شود، سود مذکور از منافع سال وصول است که اگر در همان سال صرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر باقی بماند آن هم خمس دارد.
آیت‌اللَّه فاضل: افرادی که برای تشرف به حج یا عمره ثبت‌نام می‌کنند و در همان سال توفیق تشرّف پیدا نمی‌کنند، باید خمس اصل پول و سود متعلّقه مربوط به سنوات سابق را بپردازند، مگر برای افرادی که حج بر آنها مستقر شده و تمکّن از خرید فیش را ندارند.
آیت‌اللَّه مکارم: هرگاه این پول از درآمد همان سالی باشد که نام‌نویسی کرده است، نه به آن خمس تعلق می‌گیرد و نه به سود آن.
آیت‌اللَّه نوری: اگر همان سالی که مستطیع شده است، آن پول را برای انجام حج در نوبت خود به حساب ریخته است، آن پول جزو مؤونه و مخارج آن سال محسوب می‌شود و خمس ندارد ولی اگر در سالهای قبل مستطیع بوده است و تأخیر انداخته و به حساب نریخته است باید خمس آن را بدهد.
و در عُمره نیز اگر به‌طور متعارف یک مرتبه یا در چند سال یک مرتبه باشد، پولی که به حساب ریخته است خمس ندارد امّا سودی که می‌گیرد از ارباح آن سالی است که آن را تحویل می‌گیرد و اگر تا آخر سالِ خمسی خود آن را در مخارج لازم زندگی خرج کرد، خمس ندارد و اگر بماند و سال بر آن بگذرد خمس دارد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۶۸
۱۳۵۶- شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که تشرف او در سالِ ثبت‌نام قطعی بوده، ولی در سال بعد به او نوبت رسیده، آیا سرِ سالِ خمس، به پول واریز شده، خمس تعلّق می‌گیرد؟ ۱۳۵۷- سودی که از طرف سازمان حج و زیارت به سپرده‌های مردم تعلّق می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

---

(۱). آیات عظام بهجت، صافی، مکارم و نوری: در فرض سؤال خمس واجب نیست.
آیهٔ اللَّه تبریزی: باید آن را تخمیس نماید، واللَّه العالم.
آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: حکم مسأله قبل را دارد.
آیهٔ اللَّه سیستانی: خمس دارد.
آیهٔ اللَّه فاضل: به حاشیه مساله قبل مراجعه شود.
(۲). آیت‌اللَّه بهجت: اگر بعد از پایان کار، سود را با چیزی معامله کنند اشکال ندارد و یا این‌که زاید را صدقه دهند، با استجازه از حاکم شرع علی‌الأحوط.
آیت‌اللَّه تبریزی: با توجه به این‌که افراد ثبت نام کننده نسبت به فهم مورد قرارداد و عمل به قرارداد بر طبق عقود شرعیه متفاوت هستند، حکم مسأله متفاوت است.
چنانچه اطمینان به انجام معامله شرعیه ندارند باید شرط اضافه بر اصلِ پول نکرده و خود را طلبکار ندانند و اگر به حج رفتند، فقط مقداری را که سازمان حج و زیارت از آنان می‌گیرد (مانده هزینه‌ها) به حساب حج و زیارت واریز می‌کنند. و اگر به حج نرفتند و زیاده به آنان داده شد، با زیاده، معامله مجهول المالک می‌نمایند.

آیت‌اللّٰه خامنه‌ای: سود حاصله از معامله مضاربه‌ای برای سپرده‌گذار حلال است.

آیت‌اللّٰه سیستانی: اگر واقعاً مضاربه‌ای صورت بگیرد و رعایت شرایط آن بشود، هرچند عقد کتبی باشد، اشکال ندارد و سود حاصله حلال است، ولی باید سهم هرکدام از عامل و مالك به عنوان درصدی از «سود» تعیین شود نه درصدی از «سرمایه».

آیت‌اللّٰه صافی: اگر صاحب پول، پول را به بانك بدهد و بانك را وكیل كند كه پول را در تجارت شرعی به‌كار گیرد و سود تجارت را به نحوی كه توافق می‌كنند تقسیم كنند مانع ندارد، ولی اگر پول را به عنوان قرض به شرط سود در بانك بگذارد ربا و حرام است و اگر به‌عنوان مثلًا مضاربه بگذارد كه ۱۷ اصل پول به او داده شود، مضاربه باطل است؛ واللّٰه العالم.

آیت‌اللّٰه فاضل: چنانچه بین صاحب پول و بانك، این عمل به قصد مضاربه انجام گیرد، صحیح است و سود حاصله مشروع است و در صورتی كه به قصد مضاربه نباشد، چنانچه شرط زیاده و منفعت نشده باشد، باز سود حاصله اشكالی ندارد.

آیت‌اللّٰه مكارم: در صورتی كه مطابق یكی از عقود شرعیه عمل شود وسودی به صاحب پول بدهند، اشكالی ندارد.

آیت‌اللّٰه نوری: در صورتی كه دهندگان وجه به این موضوع راضی و با آگاهی آنان باشد، اشكال ندارد؛ برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائل ص ۶۰۶ مراجعه نمایید.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۰

فصل سوم: احکام تقلید

عمل بدون تقلید

۱۳۵۸- شخصی كه مقلد هیچ یك از فقها نبوده و حج و عبادت‌های دیگر را بدون تقلید انجام داده، اگر اعمالش مطابق فتوای كسی كه باید از او تقلید كند، باشد صحیح است.

رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع

۱۳۵۹- اگر اعلم در مسأله‌ای احتیاط واجب كرده است، آیا لازم است مقلِّد جهت رجوع به فالاعلم بداند مرجعش احتیاط واجب كرده و نیت رجوع كند، یا همین‌كه در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالأعلم است كافی است؟ به عبارت دیگر، اگر اعلم مثلًا در احرام از مكه قدیم احتیاط واجب است، ولی فالأعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلِّد اعلم از مكه جدید محرم شده و بعد از اعمال حج فهمیده است كه اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اكنون چه وظیفه‌ای دارد؟

---

(۱)- آیة اللّٰه مكارم: اگر مطابق فتوای كسی كه الآن از او تقلید می‌كند باشد صحیح است.

آیة اللّٰه سیستانی: اگر مطابق فتوای كسی كه الآن باید از او تقلید كند باشد صحیح است، در غیر این صورت نیز گاهی صحیح است، مانند این‌كه جاهل قاصر باشد و اخلال به چیزی شده باشد كه با جهل قصوری ضرر ندارد.

آیة اللّٰه صافی، آیة اللّٰه گلپایگانی: اگر اعمالش مطابق واقع باشد و عبادات را به قصد قربت بجا آورده باشد صحیح است و راه به دست آوردن مطابق شدن آن با واقع این است كه یا علم پیدا كند كه مطابق با واقع بوده یا آن‌كه مطابق فتوای مجتهدی كه فعلًا وظیفه‌اش تقلید از او است واقع شده است. (توضیح المسائل ۱۴، احكام تقلید).

(۲). آیةاللّٰه بهجت: می‌تواند با رجوع فعلی، آن عمل را تصحیح كند.

آیت اللّٰه خامنه‌ای: اگر عمل او در هنگام صدور از وی مطابق با فتوای كسی بوده كه می‌توانست شرعاً از او تقلید كند، صحیح و

مجزی است.

آیت اللَّه تبریزی: پس از فهمیدن فتوای فالأعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می‌کند. باید برای ادله به کتب استدلالی مراجعه شود.

آیت اللَّه سیستانی: اگر مطابقت با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند داشته باشد، الآن می‌تواند به او رجوع کند.

آیت اللَّه صافی: در فرض سؤال، اگر بعد از خاتمه اعمال نیت کند که آنچه انجام داده‌ام بر طبق نظر فالأعلم باشد اشکال ندارد البته مشروط به این‌که هنگام احرام از مکه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیت اللَّه فاضل: چنانچه عمل صادر شده در هنگام وقوع مطابق فتوای فالاعلم باشد کفایت می‌کند ولو اینکه شخص در حین عمل علم به این مطابقت نداشته است، لیکن لازم است بعد از عمل برای تصحیح آن استناد به آن فتوی داشته باشد.

آیت اللَّه مکارم: بعد از اعمال حج رجوع به فالأعلم می‌کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۱

بقاء بر تقلید میّت

۱۳۶۰- تقلید میّت ابتداءً جایز نیست، ولی بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد ولی باید به فتوای مجتهد زنده باشد؛ و کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده، بعد از مردن آن مجتهد، می‌تواند در همه مسائل از او تقلید کند.

---

(۱). آیةُ اللَّه بهجت: فقها حیات را شرط می‌دانند؛ یعنی می‌گویند: برای ابتدای تقلید باید از مجتهد زنده تقلید کرد و امّا اگر مرجع تقلید انسان از دنیا رفت، در این‌که آیا می‌تواند بر تقلید باقی بماند یا باید به مجتهد زنده مراجعه نماید، مورد اختلاف است، پس اگر کسی در این مسأله مجتهد بود طبق نظر خودش عمل می‌کند وگرنه طبق نظر مجتهد زنده عمل می‌کند.

باقی ماندن بر تقلید میّت در مسائلی که در آنها تقلید و عمل کرده است، در صورتی که مجتهدی که از دنیا رفته با مجتهد زنده از نظر علمی مساوی باشند، بنابر اقوی جایز است، هر چند با اجازه مجتهدی دیگری بر تقلید باقی بوده و عمل کرده باشد؛ و اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، واجب است بر تقلید او باقی بماند و اگر مجتهد زنده بعداً اعلم شد واجب است در تمامی مسائل به او عدول نماید.

آیةُ اللَّه تبریزی، آیةُ اللَّه خویی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، در صورتی که فتوای او در نظر مقلّد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ واگر فتوای او را یاد نگرفته (خویی: یا فراموش کرده است) لازم است به مجتهد زنده رجوع کند. (تبریزی: و بعید نیست در صورتی که فراموش کرده است باز بتواند به فتوای او عمل کند.)

آیةُ اللَّه سیستانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است. بنابراین، اگر او اعلم از مجتهد زنده باشد باید- با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلا ولو اجمالًا- بر تقلید او باقی بماند و چنانچه مجتهد زنده اعلم از او باشد، باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اعلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند مخیّر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید مگر در موارد علم اجمالی یا قیام حجّت اجمالی بر تکلیف مانند موارد اختلاف در قصر و تمام که بنابراحتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید و مراد از تقلید در صدر این مسأله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معیّن است نه عمل کردن به دستور او.

آیةُ اللَّه صافی: بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست. ولی اگر مجتهد میّتی که از او تقلید می‌کرده، اعلم از حی باشد، بقا بر تقلید او، بنابر احتیاط، واجب است؛ چنانکه اگر مجتهد حیّ، از میّت اعلم باشد عدول به حیّ واجب است.

آیـهٔ اللَّه فاضل: مسأله باقی ماندن بر تقلید میّت جایز است در صورتی که مجتهد میّت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشـند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشـد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میّت، فرقی بین مسائلی که عمل نموده ومسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجهتد زنده تقلید کند. ولی کسی که در مسأله‌ای به فتوای مجهتدی عمل کرده یا آن را یاد گرفته و ملتزم به عمل به آن شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد.

اگر چه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

آیـهٔ اللَّه مکارم: هر گاه مجتهـدی که انسان از او تقلیـد می‌کنـد از دنیا برود، باقی مانـدن بر تقلیـد او جایز است بلکه اگر اعلم باشـد واجب است، به شرط این‌که عمل به فتوای او کرده باشد و یا حداقل فتوای او را برای عمل گرفته باشد.

عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست هر چند اعلم باشد بنابر احتیاط واجب.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۲

وظیفه نایب در تقلید

۱۳۶۱- نایب باید اعمال حج را طبق فتوای مرجع خود انجام دهد و میزان، وظیفه خود اوست؛

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: در نیابت از میّت به وظیفه خودش عمل می‌کند و در نیابت صـحیح از زنده فی الجمله‌احتیاط می‌کند (مناسک، س ۲۳).

آیـهٔ اللَّه تبریزی، آیـهٔ اللَّه خویی: چنانچه منوبٌ‌عنه حیّ باشد، باید طبق تقلید منوبٌ‌عنه عمل کند و چنانچه منوبٌ‌عنه مرده باشد، اگر وصـیت کرده، بایـد به تقلیـد منوبٌ‌عنه عمل کنـد. در غیر این دو صورت، مراعات تقلید منوبٌ‌عنه لازم نیست. آیهٔ اللَّه تبریزی اضافه فرموده‌انـد: و بنابر احتیاط لازم است آن عمل بنا به تقلید وصـیّ و ورثه هم صـحیح باشد و اگر وصـیتی نکرده، نایب به حسب تقلید خودش عمل کند و طوری باشد که به حسب وظیفه ورثه هم مجزی باشد.

آیـهٔ اللَّه سیسـتانی: بایـد طبق تقلیـد خودش عمل کنـد ولی اگر اجیر شـده باشـد که طبق نظر منوبٌ‌عنه یا مسـتأجر عمل کنـد، چه به صراحت ذکر شده باشد و چه اطلاق منصرف به آن باشد، باید به همان نحو عمل کند، مگر در صورت یقین به فساد عمل.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۳

ولی اگر به کیفیت خاصی، اجیر شده، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

۱۳۶۲- اجیر و مستأجر، لازم نیست که سؤال کنند مقلّدِ چه کسی هستند؛ و اجیر مطابق تقلید خودش، عمل می‌کند.

---

(۱). آیهٔ اللَّه بهجت: به مسأله قبل مراجعه شود.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط مراعات تقلید منوبٌ‌عنه را بنماید.

آیـهٔ اللَّه خویی: اگر اجیر بتوانـد اعمـال را به‌نحوی انجام دهـد که بدانـد مطابق تقلیـد منوبٌ‌عنه واقع می‌شود، و در صورتی که عمل طبق فتوای مقلَّد منوبٌ‌عنه به نظر نایب باطل باشد، باید عمل به احتیاط کند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۴

فصل چهارم: لقطه

کراهت برداشتن لقطه حرم

۱۳۶۳- اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط، در برنداشتن است.

لقطه کمتر از درهم

۱۳۶۴- اگر لقطه حرم از یک درهم کمتر باشد، در صورت برداشـتن، می‌تواند با قصد تملک، آن را مصرف کند و ضامن نیست؛ و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد، ضامن نیست؛ ولی اگر بدون تملک آن را نگاه داشت ولی کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است؛ و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد، باید آن را- بنابر احتیاط واجب - به صاحبش رد کند.

لقطه بیشتر از درهم

۱۳۶۵- اگر لقطه‌ای را که در حرم برداشت، یـک درهم یـا بیشتر ارزش داشت، بایـد یک سال تعریف و از صاحبش جسـتجو کنـد، اگر او را نیافت، بعد از یک‌سال، بین دو امر، مخیر است:

---

(۱)- آیات عظام فاضل، مکارم: این احتیاط ترک نشود.
(۲)- آیهٔ اللّه خویی، آیهٔ اللّه فاضل: بنابر احتیاط باید عوض صاحبش به مؤمن فقیر صدقه بدهد و حق تملک ندارد.
(۳)- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: بنابر احتیاط واجب بایـد از طرف صاحبش صـدقه بدهـد و هر وقت صاحبش پیدا شدچنانچه به صدقه دادن راضی نشود عوض آن را به او بدهد. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۴).
(۴)- آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.
(۵)- آیهٔ اللّه گلپایگانی: باید به صاحبش رد کند بنابر احتیاط اگر اقوی نباشد (وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲، ص ۳۲۶)
(۶)- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه صافی: به احتیاط واجب باید صدقه بدهد.
(۷)- آیهٔ اللّه خویی: بنا بر احتیاط باید عوض صاحبش صدقه بدهد و حق تملک ندارد. (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۶۴۶)
آیهٔ اللّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که تصدق کند. (توضیح المسائل، م ۲۵۷۷).
آیهٔ اللّه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش نمی‌دهد صدقه بدهد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۵

اول، حفظ برای صاحبش که در این صورت، اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد، در صورت تلف، ضامن نیست؛
دوم، صـدقه دادن برای صاحبش؛ ولی اگر صاحبش پیـدا شد و راضـی به صدقه نشد، باید عوضـش را به او بدهد و تملک آن جایز نیست؛ و اگر تملک کند، مالک نمی‌شود و ضامن است.

حکم پول پیدا شده

۱۳۶۶- اگر شخصی در مکه یا مدینه پولی- اعم از پول ایرانی یا غیر ایرانی- پیدا کند، با یأس از پیدا شدن صاحبش- علی الأحوط - از طرف او به فقیر صدقه بدهد.

۱۳۶۷- اگر کسی که ده رأس گوسفند خریداری نموده بعداً بفهمد که پول ۹ رأس را پرداخت نموده است، به صحت ذبح ضرر نمی‌زند و پول باقیمانده را با یأس از شناسایی صاحبش، از طرف او به فقیر صدقه دهد. ۱۳۶۸- با فرض امکان، برداشتن سنگ و ریگ از صفا و مروه جایز نیست ولی از مشعر مانع ندارد.

---

(۱)- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد. (وسیلهٔ النجاهٔ، ج ۲، ص ۳۲۶).

آیهٔ اللَّه مکارم: بنابر احتیاط واجب.

(۲)- برای به دست آوردن نظر مراجع به ذیل مسأله ۱۳۶۳ الی ۱۳۶۵ مراجعه شود.

(۳)- آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خویی: باید فقیر مؤمن باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: و به احتیاط واجب باید به اذن حاکم شرع باشد.

(۴)- آیهٔ اللَّه مکارم: منظور قیمت ارز آزاد است.

(۵)- آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط.

آیهٔ اللَّه بهجت: برداشتن خاک و سنگ از مسجدالحرام و صفا و مروه جایز نیست و اگر آورده باید بر گرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست (مناسک، س ۱۸۵).

آیهٔ اللَّه خویی: نظر ایشان راجع به برداشتن سنگ از صفا و مروه به دست نیامد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: شکستن سنگ‌های صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی:: بیرون بردن خاک و سنگ از حرم ممنوع است علی الأحوط. (آراء المراجع، ص ۴۳۴).

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۶

۱۳۶۹- آوردن خاک، ریگ و سنگ از عرفات، مشعرالحرام، منا، صفا، مروه یا منطقه حرم چه حکمی دارد؟ و چنانچه عمداً یا جهلًا آورده باشد، بر گرداندن آن واجب است یا نه؟

---

(۱). آیهٔاللَّه بهجت: برداشتن آن (با فرض امکان) از مسجدالحرام و صفا و مروه جائز نیست و اگر آورده باید برگرداند ولی از سایر اماکن حرام نیست. [مناسک محشّی مسأله ۱۳۴۷]

آیهٔ اللَّه تبریزی: برداشتن خاک و ریگ و سنگ از آنچه نام برده شده مانعی ندارد بلی اگر در مسجدالحرام و مسجد خیف و یا سایر مساجد فرض شود، جایز نیست و برگرداندن آن لازم است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اشکال ندارد و برگرداندن واجب نیست.

آیهٔ اللَّه صافی: بنابر احتیاط از آوردن خاک و ریگ حرم خودداری شود واگر آورده، در صورت تمکن به حرم برگرداند، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: از صفا و مروه جایز نیست. و از غیر آن‌دو مانعی ندارد. و در هر صورت برگرداندن لازم نیست. ولی به طور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

آیهٔ اللَّه مکارم: این کار شرعاً اشکال دارد و احتیاط آن است که آن را برگرداند.

آیهٔ اللَّه نوری: از عرفات و مشعر الحرام اشکال ندارد ولی از صفا و مروه اشکال دارد و باید برگرداند.

مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۷

فصل پنجم: احکام مسجد الحرام و مسجد النبی

عدم جواز عبور حائض و نفساء از مسجدین

۱۳۷۰- حایض و جنب نمی‌توانند از مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله- ولو از مقدار توسعه یافته - عبور کنند.

عدم جواز برداشتن قرآن از مسجدین

۱۳۷۱- برداشتن قرآن‌های مسجدین بدون اجازه از متصدی ذیربط، جایز نیست؛ و اگر کسی برداشته، باید برگرداند.

تیمم جنب برای خروج از مسجد

۱۳۷۲- اگر فرضاً کسی در مسجدین جنب شود، باید فوراً برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند و خارج شود؛ و با همین التفات، اگر تیمم کند، صحیح و با نیت است.

چند قاعده و مسأله

شک در عمل سابق

۱۳۷۳- اگر در هر یک از اعمال عمره و حج، بعد از ورود به عمل بعد، شک کند، به شک اعتنا

---

(۱)- آیهٔ اللَّه بهجت: احکام مطلق مساجد را دارند ولی احکام خاصه را ندارند.
آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط باید عبور ترک شود.
(۲)- آیات عظام خویی، فاضل: مگر این‌که زمان خروج کوتاهتر از زمان لازم برای تیمم و یا مساوی باشد که‌در این صورت واجب نیست.
آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه سیستانی: مگر این که زمان خروج کوتاهتر باشد از زمان تیمّم که باید بدون آن خارج شود یا مساوی باشد که مخیّر است.
آیهٔ اللَّه تبریزی: نیت در تیمّم بدل از غسل جنابت، به جهت خروج از مسجد است.
آیهٔ اللَّه مکارم: مگر این‌که زمان خروج کوتاهتر از زمان تیمم باشد.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۷۸

نکند؛ چه شک در اصل بجا آوردن باشد، یا شک در صحت آن.

اعتبار عسر و حرج شخصی

۱۳۷۴- اگر حکمی دائر مدار حرج و مشقت باشد، مراد حرج و مشقت شخصی است.

وسواس و احتیاط

۱۳۷۵- در اعمال حج و سایر اعمال، نباید به وسوسه اعتنا شود، ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

مس القاب معصومین بدون وضو

۱۳۷۶- مس القـاب ائمه اطهار علیهم‌السـلام- مثل «رضا»، «جواد» و «هادی» - بـدون وضو، چه حکمی دارد؟ ۱۳۷۷- در فرض حکم قاضی مکه به عید بودن روزی، باید تبعیت شود و احتیاط لازم نیست ولو با علم به خلاف.

---

(۱)- آیـهٔ اللَّه خویی، آیـهٔ اللَّه فاضل: لیکن در طواف و سعی، تکرار در اعمال در برخی از صور موجب بطلان است، اگرچه بـدون وسوسه هم باشد.

(۲). آیهٔ اللَّه بهجت: احوط اجتناب است.

آیهٔ اللَّه تبریزی: بنابر احتیاط جایز نیست، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: خلاف احتیاط است.

آیهٔ اللَّه سیستانی: اشکال ندارد.

آیهٔ اللَّه صافی: حکم در حرمت مسّ اسامی طیّبه آن بزرگواران علیهم السـلام بنابر احتیاط واجب است و در القاب شـریفه نیز احوط و اولی‌است، واللَّه العالم.

آیهٔ اللَّه فاضل: مس آنها بدون وضو مانعی ندارد.

آیـهٔ اللَّه مکـارم: هر گـاه بـه عنـوان اسـامی ائمـه علیهـم السـلام بـوده باشـد احتیـاط واجـب آن اسـت که بـدون طهـارت مس نکنند واگربه‌نام‌اشخاص دیگر بوده باشد، اشکالی ندارد.

آیـهٔ اللَّه نوری: اگر بی احترامی محسوب شود جـایز نیست و مسـتحبّ است که مسّ القـاب ائمه اطهـار علیهم السـلام مطلقاً با وضـو صورت بگیرد.

(۳)- آیهٔ اللَّه اراکی: اگر خلاف تقیّه نشود می‌توانند احتیاط کنند.

آیـهٔ اللَّه بهجت: آن‌که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضـی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویه و هشـتم باشـد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهـد بود. بلی با عدم علم به خلاف و عدم قیام حجّت شـرعیه برخلاف و با صـدق تقیه بر نحو معهود متعـارف، اقوی کفـایت موافقت بـا عـامه است چنـانکه سیره قطعیه غیر مردوعه بر آن دلالت دارد و عـدم مـانعیت علم به خلاـف از صـحّت عمـل با ناچاری و تقیه، خالی از وجه نیست و عمل به واقع در جمیع صور، ظاهراً مجزی است و با عـدم شـرایط تقیه صـحت عمـل مورد تأمل است با موافقت عامه، ولو علم به خلاف عمل ایشان بر حسب حکم حاکم ایشان نباشـد، واللَّه العالم. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیهٔ اللَّه تبریزی: نظریه ایشان عیناً نظریه آیهٔ اللَّه خویی است امّا با این اضافه:

و ممکن است در صورت دوم چاره کند به این‌که در روز عید آنها (روز نهم واقعاً) از طریق منی به مکه برگردد و بعد از راه عرفات و مشعر به منی برود، بنحوی که قبل از غروب وقوف در عرفات بنماید ولو آنًاما (ولو یک لحظه) و در حال حرکت، و به همین نحو وقوف در مشعر را در شب درک کند و بعد برای اعمال به منی برود. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیهٔ اللّه خویی: آن که علم به خلاف فرض شود، که انسان بداند روزی که به حکم قاضـی روز عرفه (نهم) است، واقعاً روز ترویه و هشـتم باشـد، که در این صورت وقوف با آنها کافی نخواهـد بود. و در این حال اگر مکلف تمکن از عمل به وظیفه را داشـته باشـد ولو به وقوف اضـطراری در مزدلفه بدون محذور حتی محذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید، و در غیر این صورت حجش بـدل به عمره مفرده شـده و حجی نخواهـد داشت. و چنانچه اسـتطاعتش از همین سال بوده و برای سالهای بعـد باقی نخواهـد مانـد، وجوب حج از او ساقط خواهد بود، مگر این که استطاعت تازه‌ای پیدا کند که در این صورت دوباره حج می‌نماید. (مناسک، مسأله ۳۷۵).

آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر برای مکلف ممکن شود که اعمـال حـج را در اوقـات مخصوص خود، برطبق ضوابـط شـرعی، در باب ثبوت هلال بجـا آورد و آنها را به همین صـورت بجـا آورد، حجش در هر صورت صـحیح است و اگر آنهـا را به صورت یـاد شـده بجا نیـاورد، اگرچه به علت عـذری باشـد پس اگر از نظر و حکم قاضـی عـامّه نیز در وقوف در عرفـات و مشـعر پیروی نکرد، شـکی در بطلان حج او نیست ولی اگر از او پیروی کند صحّت حج او مورد اشکال است. (مناسک، مسأله ۳۷۱).

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: هرگاه نزد قاضـی عامّه، اوّل ماه ذی‌حجه ثابت شود و برای شـیعه شـرعاً ثابت نشده باشد و به این جهـت روز نهـم ذی‌حجه در نزد آنهـا روز هشـتم به نظر شـیعه باشـد، احتیـاط واجب آن است که اگر ممکن است وقـوف اختیـاری عرفات را در روزی که نزد شـیعه نهم است انجام دهـد و اگر ممکن نشـد اضـطراری آن را درک کند، و به مشـعر رفته و وقوف در آنجا را نیز درک نمایـد و اعمال روز عیـد را در منی به عمل آورد، و اگر درک اضـطراری عرفات هم ممکن نشـد درک اختیاری مشـعر کافی است و حجش صـحیح است و بنابر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درک اضـطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت می‌کند و اگر درک هیچ یک از این مواقف میسر نشود، حکم آن در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

هرگـاه هلال نزد قاضـی عامّه ثابت شود و نزد شـیعه ثابت نشـده باشـد لکن از جهت تقیّه ناچار به متابعت باشـند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند اقوی صحّت و کفایت همین حج است از حَجّهٔالاسلام، هرچند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکّن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که‌با آنهارجاء متابعت کند وبعد واجب است عمل‌بوظیفه خودنمایند حتی‌با عدم علم به خلاف.
مناسک حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۸۰

کنسرو گوشت و ماهی خارجی

۱۳۷۸- کنسـروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسـلمین به فروش می‌رسـد، اگر ندانـنـد از کجا وارد شده، یا بدانند که از بلاـد مسـلمین است، مانع نـدارد؛ و اگر بداننـد از بلاد کفر وارد می‌شود، درصورتی محکوم به حلیّت است که وارد کننـده مسـلمان باشد و احتمال بدهند که تذکیه آن را احراز کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

استلام حجرالاسود برای بانوان

۱۳۷۹- برخی از خانم‌ها هنگام اسـتلام حجرالأسود، بـدنشان با نامحرم تماس می‌گیرد و حتی گاهی چادر و روسـریشان کنار رفته و موهایشان ظاهر می‌شود، لطفاً حکم شرعی را در این خصوص بیان فرمایید.

جواب سؤال

۱۳۸۰- عامه که مراجعه می‌کنند و تکلیف حج و عمره خودرا سؤال می‌کنند.

---

(۱)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: باید احراز شود که فلس دارد.

آیهٔ اللّٰه فاضل: چنانچه احراز شود از نوع ماهی فلس‌دار است و احراز شود زنده و توسط انسان از آب خارج شده یا در تور ماهی‌گیری افتاده است مصرف آن مانعی ندارد والا حلال نیست و چنانچه فروشنده مسلمان باشد واحتمال بدهندکه‌احراز تذکیه و فلس داشتن آن را کرده است کفایت می‌کند.

(۲)- آیهٔ اللّٰه سیستانی: اگر فروشنده مسلمان باشد و این احتمال در او داده شود کافی است و ماهی اگر پس‌از صید در تور ماهی‌گیری بمیرد حلال است و اگر اطمینان پیدا شود که صید کافر به این صورت بوده است اگر ماهی فلس‌دار باشد حلال است.

(۳)- آیهٔ اللّٰه خویی: اگر ماهی معلوم نباشد که فلس دارد، خوردن آن جایز نیست.

(۴). آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، گلپایگانی، سیستانی، صافی، فاضل و مکارم: در فرض سؤال باید خودداری نمایند.

(۵). آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: طبق مذهب سائل و می‌تواند در کنار آن طبق خاصه هم حکم را بیان کند. بلی، اگر ظاهر سؤال او این نباشد که جواب را طبق مذهب خود می‌خواهد، می‌تواند به جواب خاصه اکتفا نمود.

آیهٔ‌اللّٰه بهجت: طبق خاصه.

آیهٔ‌اللّٰه‌تبریزی: اگر بر طبق مذهب عامه جواب داده شود مانعی ندارد و بر طبق فقه خاصه هم می‌توان جواب داد.

آیهٔ‌اللّٰه صافی: ظاهراً بر طبق نظر خاصه بگوید هم مجزی باشد.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل: چنانچه به طور مطلق سؤال کند بر وفق مذهب خاصه جواب داده شود اما اگر از مذهب عامه سؤال کردند بر طبق عامه جواب داده شود.

مناسك حج با حواشی مراجع تقلید (۱۳۸۷)، ص: ۵۸۱

جواز و عدم جواز ممانعت از اعزام مجدد

۱۳۸۱- کسانی که حج واجب خود را در سال‌های گذشته انجام داده و مجدداً برای تشرف ثبت‌نام کرده‌اند، آیا سازمان حج می‌تواند از اعزام آنها خودداری کنند و به کسانی که مستطیع شرعی هستند و تاکنون مشرف نشده اولویت دهد و آنان را به حج اعزام نماید؟

۲- از آنجا که تشرف مکرر برخی افراد در موسم حج مانع از تشرف افراد واجب الحج یا سبب تأخیر حج آنها می‌گردد، آیا رفتن به حج مستحب برای چنین افرادی جایز است؟

یادگیری احکام عمره و حج

۱۳۸۲- یادگیری و دانستن اعمال حج هر چند اجمالًا، قبل از سفر لازم نیست، و کافی است که عمره تمتّع و حج تمتع را به عنوان عبادتی که خداوند متعال بر او واجب کرده، نیت کند و کیفیت هر یک را، در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند؛ هرچند یاد گرفتن اعمال، بهتر و موافق احتیاط است.

والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

---

(۱). آیةاللّه بهجت: ۱- در صورتی که تشرف مجدد به جهتی- از قبیل استیجار و - ... بر آنها لازم نباشد، مانعی ندارد. ۲- جایز است.

آیة اللّه سیتانی: ۱- اگر تعهد شرعی نموده باشند نمی‌توانند تخلف نمایند. ۲- جایز است.

آیةاللّه صافی: ۱- نسبت به کسانی که قبلا ثبت نام کرده‌اند و سازمان حج، اعزام آنها را به حج پذیرفته است، خلف وعده است. بلی از این به بعد سازمان می‌تواند فقط از افراد صروره نام نویسی کند. مع ذلک سازمان، حق ممانعت از افراد غیر صروره که از طریق دیگر مشرّف می‌شوند را ندارد والله العالم.

۲- جایز است لکن خوب است کسانی که حج واجب را انجام نداده‌اند، مقدم شوند.

آیةاللّه فاضل: ۱- در مواردی که سازمان حج از اشخاص ثبت‌نام کرده و آنها قبلًا حج واجب را انجام نداده‌اند نمی‌توانند شرعاً برخلاف تعهد عمل کند، آری نسبت به کسانی که ابتداءً بخواهند ثبت‌نام کنند می‌تواند چنین شرطی کند.

۲- بلی از این جهت اشکالی وجود ندارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹